



فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی (شاپا: ۳۲۷۹-۲۳۸۳)

سال دوازدهم - شماره دو - زمستان ۱۴۰۰

شماره پیاپی ۴۶

صاحب امتیاز: انجمن معارف اسلامی

مدیر مسئول: دکتر رضا حاجی ابراهیم

سر دبیر: دکتر محمود قیوم زاده

اعضای هیئت تحریریه:

محسن جوادی، احمد دیلمی، جعفر شانظری، امیر عباس علیزمانی، محمود قیوم زاده،

عبدالله نصری، علی احمد ناصح، محمدرسول آهنگران، ویلیام گراوند،

محمد محمدرضائی، رضا برنجکار، عین الله خادمی، محمدحسن قدردان قراملکی،

عبدالحسین خسرو پناه، سید ساجد علی پوری، مارتین براون.

مدیر داخلی و دبیر تحریریه: مصطفی قیوم زاده

مترجم: محمد احسانی

صفحه آرا: کامپیوتر احسان ۰۲۵۳۷۸۴۲۶۷۸

ویرایش: حمید رضا علیزاده

یادآوری: فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی در زمینه‌های فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، اخلاق

کاربردی، اخلاق تطبیقی، چالش‌های اخلاقی دنیای جدید و تربیت اخلاقی مقاله می‌پذیرد.

مسئولیت مطالب هر مقاله از هر نظر بر عهده نویسنده است.

نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

فصلنامه در ویرایش، اختصار و اصلاح مقاله‌ها آزاد است.

آدرس پستی: قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه، دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

تلفن: ۰۳۲۱۰۳۳۶۰، آدرس الکترونیکی: Akhlagh_1393@yahoo.com

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلامی (ISC) و ایران ژورنال و همچنین در پایگاه اطلاعات علمی

جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود. نویسندگان محترم می‌توانند از طریق این پایگاه به نشانی

www.SID.ir مقالات خود را به صورت الکترونیکی (on-line) جهت بررسی به این نشریه ارسال کرده و

آن را رهگیری (Tracing) کنند و یا به ایمیل مجله (Akhlagh_1393@yahoo.com) ارسال دارند.

بر اساس مجوز شماره ۳/۱۱/۳۶۵۲ مورخه ۱۳۸۹/۳/۳ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور در

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، درجه علمی به فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی اعطا شد.

پژوهش‌های اخلاقی - سال دوازدهم - شماره دو - زمستان ۱۴۰۰

شماره سالی ۴۶

(فصلنامه باخیزند صاحبان اندیشه، قلم و مقالات مستشرمی شود.)

راهنمای شرایط تنظیم و ارسال مقالات

از نویسندگان درخواست می‌شود:

۱. مقاله ارسالی از ۲۰ صفحه (هر صفحه ۳۰۰ کلمه) بیشتر نشود.
۲. مقاله ارسالی، باید در محیط word با دقت تایپ و اصلاح شده (با طول سطر ۱۲ سانتیمتر، قطع وزیری) و بر یک روی صفحه A4 همراه با فایل آن به وب سایت یا ایمیل مجله (Akhlagh_1393@yahoo.com) ارسال شود.
۳. مقاله ارسالی حتماً باید تألیفی باشد و مقالات ترجمه‌ای در صورتی قابل چاپ خواهند بود که همراه نقد و بررسی باشند.
۴. مقاله ارسالی باید دارای بخش‌های ذیل باشد:
 - الف. چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه و در حد امکان چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
 - ب. مقدمه و نتیجه گیری.
 - ج. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آن (حداکثر ۵ واژه).
 - د. تعیین رتبه علمی نویسنده و مترجم و ایمیل نویسنده / نویسندگان هر درج اسامی و اصطلاحات مهجور، در پایین هر صفحه ضروری است.
۵. منابع و ارجاعات مقاله باید کامل و دقیق باشد، از ارسال مقالات با منابع ناقص جداً خودداری فرمایید.
۶. در صورتی که توضیحات پانویس‌ها فراوان باشد به پی‌نویس منتقل کنید.
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۹. منابع مورد استفاده در پایان مقاله به شکل زیر نوشته شود:

الف) کتاب

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.

ب) مقاله

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره مجله.

پژوهش‌های اخلاقی

فصلنامه علمی انجمن معارف اسلامی

زیر نظر هیأت تحریریه

سال دوازدهم، شماره دو، زمستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۴۶

- ۵ / بررسی متغیرهای منتخب کلان اقتصادی از منظر مخاطرات اخلاقی و محدودیت‌های مالی
بر بازده و ساختار سرمایه در شرکت‌های بورسی
معصومه ابراهیمی / حسین پناهیان / حسن قدرتی / محسن رسولیان
- ۳۷ / بررسی عوامل موثر بر وفاداری مشتری با محوریت شخصیت برند (مورد مطالعه: شعب بانک
ملت اصفهان) / حمیدرضا احقاقی / محمد قاسمی نامقی / علی حسین زاده
- ۶۱ / تبیین رویکردهای اخلاقی متفاوت در پیشایندها و پیامدهای خرید نمایشی بانوان
علی افشاری / حمید رضا سعیدنیا / حسین وظیفه دوست
- ۸۵ / جایگاه علم، عمل و ایمان در مثنوی مولوی
زهرا باباپور / محمدرضا صرفی / عنایت‌الله شریف‌پور
- ۱۰۳ / تطبیق آراء علامه طباطبایی و علامه مصباح یزدی درباره منشاء الزام و ارزش اخلاقی
سیدمرتضی حسینی مطلق / مهدی ایمانی مقدم
- ۱۱۵ / آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی نشاط‌آور در مقطع اول متوسطه و ارائه الگوی مطلوب
مهنار اسدی خانوکی / علی محبی / نجمه و کیلی
- ۱۳۱ / واکاوی تداوم عناصر اندرزنامه نویسی سیاسی باستان در دوره قاجار
سودابه دستی ترک / سهیلا ترابی فارسانی / ناصر جدیدی
- ۱۵۳ / بررسی شیوه‌های تعامل بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی و بازرسی
داخلی بانک‌ها و ارزیابی تاثیر آن بر کارایی و اثربخشی نظارت بانکی
سید مجتبی حسینی شاهی سرا / سید محمدرضا رئیس زاده / علی فلاح
- ۱۷۱ / توسعه پایدار محله در راستای خوشبختی اجتماعی و شادی عمومی (واکاوی اصول، ابعاد و
شاخصها) / شیوا شکری / راحله رستمی / فاطمه مظفری
- ۱۹۳ / دیالکتیک عدالت و نظم عمومی و سنتز حقوق شهروندی / حمید طالب زاده
- ۲۰۷ / الگوی مطلوب حکمرانی در پرتو سیستم مستقل قضایی / حسین عبدی / ولی رستمی
- ۲۲۱ / ارائه الگوی رفتار شهروندی زیست-محیطی با تأکید بر عواطف اخلاقی در صنایع تولیدی
استان مازندران / جواد عموزاد خلیلی / سامره شجاعی / محمدباقر گرجی
- ۲۳۹ / عدالت اجتماعی و نقش آن در امنیت اجتماعی از نگاه قرآن و روایات اسلامی
محسن غفوری پور / سید حمید شمع ریزی / کمال خواجه پور
- ۲۶۵ / مقایسه تطبیقی نظریه عصبیت ابن خلدون، کاریزمای وبر و نخبگان پارتو در ظهور و سقوط
سلسله قاجار / قاسم گل حسینی / منیره کاظمی راشد / شهرزاد ساسان پور / داوود ابراهیم پور
- ۲۸۵ / نقش سازنده‌ی خصیصه‌ی حلم و بردباری بر استحکام نظام خانواده در قرآن و روایات
معصومین (ع) / زینب ملکی بابهورزی / محمدرضا ابویی مهریزی / اعظم اعتمادی فرد
- ۳۰۹ / تاثیر بکارگیری سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری بر بهره‌وری بنگاه‌های تولیدی با رویکرد اخلاق
حرفه‌ای مورد مطالعاتی (شرکت‌های خودرو پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)
علیرضا هیراد / احمد پیفه / علی پایان / مهدی فغانی
- 1-16 / چکیده مقالات به لاتین (Abstracts)

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۶ - ۵

بررسی متغیرهای منتخب کلان اقتصادی از منظر مخاطرات اخلاقی و محدودیت های مالی بر بازده و ساختار سرمایه در شرکت های بورسی

۱ معصومه ابراهیمی

۲ حسین پناهیان

۳ حسن قدرتی

۴ محسن رسولیان

چکیده

هدف از این مقاله بررسی متغیرهای منتخب کلان اقتصادی از منظر مخاطرات اخلاقی و محدودیت های مالی بر بازده و ساختار سرمایه در شرکت های بورسی می باشد. پژوهش حاضر علاوه بر متغیرهای اثر گذار کلان اقتصادی، درصدد بررسی و تبیین مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامناسب در بازار سرمایه و نقش اخلاق در کاهش آن بوده است. این تحقیق از نوع کیفی/کمی است. تعدادی از خبرگان بورسی به عنوان نمونه ی پاسخ دهنده به سوالات مصاحبه انتخاب شده اند و از جمله مسائلی که جهت این تحقیق و سوالات مصاحبه را تعیین می کند ادبیات مربوط به متغیرهای منتخب کلان اقتصادی، محدودیت مالی و اثر آن بازده و ساختار سرمایه و فعالان شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. برای تجزیه و تحلیل نظرات خبرگان، ابتدا از روش گراند تئوری جهت شناسایی شاخص ها، از روش دلفی فازی و معادلات ساختاری برای ارزیابی متغیرهای منتخب کلان اقتصادی، محدودیت مالی و اثر آن بازده و ساختار سرمایه و فعالان شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و از روش دیمتال فازی برای اولویت بندی شاخص ها و پایش عوامل استفاده شد و معادلات ساختاری برای بررسی روابط بین متغیرها استفاده گردید. همچنین در پژوهش قصد داریم نشان دهیم که پیروی از اصول اخلاقی و تدوین دستورالعمل های اخلاقی و فرهنگ سازی برای حاکمیت ارزش های اخلاقی می تواند تا حد زیادی در کاهش مخاطرات بازارهای مالی و ایجاد شفافیت موثر باشد و هزینه نظارت را کاهش دهد و اجرای قوانین را نیز تضمین کند. یافته ها نشان داد محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری شکاف تولید اقتصادی بر ساختار سرمایه، بازده سهام، اندازه شرکت و مخاطرات اخلاقی بر بازده سهام تاثیر دارند.

واژگان کلیدی

مخاطرات اخلاقی، محدودیت های مالی، بازده و ساختار سرمایه، بورس اوراق بهادار تهران.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی گرایش مالی - گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

Email: ebrahimimasomeh54@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: panahian@yahoo.com

۳. استادیار گروه مدیریت صنعتی (گرایش مالی)، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

Email: Dr.Ghodrati42@gmail.com

۴. دانشیار گروه مدیریت تولید و عملیات، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

Email: Mohras@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۹

طرح مسأله

در سال‌های گذشته تلاش‌های قابل توجهی در زمینه‌ی مطالعه عدم تقارن اطلاعاتی و مخاطرات اخلاقی در بازارهای مالی صورت گرفته است. از دلایل اهمیت مخاطرات اخلاقی در تئوری حسابداری این است که در بازارهای اوراق بهادار یکی از موضوعات اصلی مربوط به عدم تقارن اطلاعات مانند معاملات درون سازمانی و اطلاعات درون سازمانی هستند که در زمره مخاطرات اخلاقی طبقه بندی می‌گردد. (خلیفه سلطانی و خواجوی، ۱۳۹۵). این مورد به دلایل متفاوتی از جمله وجود معاملات و اطلاعات محرمانه به وقوع می‌پیوندد که همه ناشی از عدم رعایت اخلاقیات در معاملات است.

مطابق با ادبیات مالی، ریسک و بازده دو رکن اساسی در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری است و همواره بیش‌ترین بازدهی با توجه به حداقل ریسک، معیار مناسبی برای سرمایه‌گذاری است. از این رو دارایی پر ریسک‌تر باید بازدهی بالاتری داشته باشد تا انگیزه نگهداری آن در سرمایه‌گذاران ایجاد شود (ریلی و براون^۱، ۲۰۱۱). مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (CAPM^۲) و تئوری قیمت‌گذاری آربیتراژ مطرح شده توسط راس^۳ (۱۹۷۶) این مفهوم را برجسته می‌کنند که سرمایه‌گذاران ممکن است تصمیمات سرمایه‌گذاری خود را با در نظر گرفتن منابع مختلف ریسک اتخاذ نمایند.

پس از مطرح شدن مدل CAPM و تئوری قیمت‌گذاری آربیتراژ، پژوهش‌های مختلفی به بررسی عوامل موثر بر ریسک سرمایه‌گذاری پرداختند و متغیرهای گوناگونی مانند عامل بازار، اندازه و ارزش دفتری به ارزش بازار (فاما و فرنچ^۴، ۲۰۱۵) و یا مومنتوم (روند حرکت قیمت سهام) (کارهارت^۵، ۱۹۹۷) به عنوان عامل‌های ریسک معرفی شده‌اند. یکی از عوامل اصلی موثر بر بازده سهام، اندازه شرکت است. بنز^۶ (۱۹۸۱)، چان و چن^۷ (۱۹۹۱) و فاما و فرنچ (۲۰۱۵) نشان دادند که شرکت‌های کوچک نسبت به شرکت‌های بزرگ بازده بالاتری دارند.

در توجیه این موضوع، فاما و فرنچ (۲۰۱۵) بیان می‌کنند که بازده بالاتر شرکت‌های کوچک نسبت به شرکت‌های بزرگ، ناشی از ریسک بالاتر شرکت‌های کوچک است. این محققان یادآور می‌شوند که ریسک بالاتر شرکت‌های کوچک نسبت به شرکت‌های

-
1. Reilly and Brown
 2. Capital Asset Pricing Model
 3. Ross
 4. Fama and French
 5. Carhart
 6. Banz
 7. Chan and Chen

بزرگ، صرفاً به دلیل کوچک بودن این شرکت‌ها نیست بلکه اندازه شرکت با عوامل ریسکی مرتبط است که بر بازده تاثیر دارند. وایتد و وو^۱ (۲۰۰۶) نشان دادند که یکی از این عوامل، محدودیت مالی است. منظور از محدودیت‌های مالی، موانع مالی است که شرکت را از تامین مالی کلیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری مطلوب باز می‌دارد. چنین ناتوانی در تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری ممکن است ناشی از محدودیت‌های اعتباری یا ناتوانی در استقراض، ناتوانی در انتشار سهام و یا فاقد نقدشوندگی بودن دارایی‌ها باشد (لامونت و همکاران، ۲۰۰۱).

در عدم تقارن اطلاعات گزینش نامناسب است و به این دلیل ایجاد میشود که برخی از اشخاص، مانند مدیران و افراد درون سازمان در مواردی از جمله وضعیت فعلی شرکت یا چشم انداز آینده‌ی آن نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی مزیت اطلاعاتی دارند، بنابراین میتوانند به هزینه آنها از این مزیت اطلاعاتی بهره برداری نمایند (کامیابی و بوربوری، ۱۳۹۷). مخاطرات اخلاقی نوعی از اطلاعات نامتقارن است که در آن یک یا چند نفر از طرف قرارداد یا معامله میتواند شاهد انجام شدن خواسته‌های خود در معامله باشند ولی طرف مقابل نمیتواند شاهد چنین رخدادی باشد. مشکلات زیادی را میتوان در ارتباط با خطر اخلاقی یافت. (خلیفه سلطانی و خواجوی، ۱۳۹۵).

از آنجایی که محدودیت مالی و مخاطرات اخلاقی، ریسک شرکت را افزایش می‌دهد، انتظار می‌رود سرمایه‌گذاران از شرکت‌هایی که محدودیت مالی بیشتری و خطرات اخلاقی کمتری دارند، توقع بازده بالاتری داشته باشند. اساس نظریه سنتی ساختار سرمایه، در صورتی که سطح بدهی شرکت از سقف معینی بیشتر گردد، ریسک شرکت و نهایتاً نرخ بازده مورد انتظار سهامداران افزایش می‌یابد (کردستانی و نجفی، ۱۳۸۷). با توجه به این که شرکت‌های دارای محدودیت مالی عموماً شرکت‌هایی هستند که از ظرفیت بدهی خود استفاده کرده اند، این شرکت‌ها ریسک بالاتر و نهایتاً بازده مورد انتظار بالاتری خواهند داشت. پژوهش‌های مختلفی شواهدی در تایید این دیدگاه ارائه داده اند (چان و چن، ۱۹۹۱؛ نژادی کلاریجانی، ۱۳۹۳؛ کنعانی امیری، ۱۳۸۶؛ سینیایی و همکاران، ۱۳۹۰).

همچنین اساس تئوری مخاطرات اخلاقی نیز مبتنی بر وجود پدیده عدم تقارن اطلاعاتی میان افراد برون سازمانی و درون سازمانی، ساختار سرمایه در شرکت‌ها نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد، تا جایی که باعث ایجاد اولویت بندی در تصمیمات تأمین مالی شرکت‌ها می‌گردد (کاشانی پور و همکاران، ۱۳۹۰).

از آنجایی که پژوهش‌های پیشین به دفعات نشان داده‌اند که شرکت‌های دارای محدودیت

1. Wited and Wu

2. Lamont et al

مالی عموماً شرکت‌های کوچکی هستند (سینایی و همکاران، ۱۳۹۰)، این پرسش ایجاد می‌شود که آیا ریسک بالاتر شرکت‌های کوچک ناشی از محدودیت مالی بالای این شرکت‌ها است؟ وایتند و وو (۲۰۰۶) شواهدی ارائه دادند که نشان می‌دهد محدودیت مالی اثر اندازه بر بازده سهام را توضیح می‌دهد. به بیان دیگر اثر اندازه تا حدودی توسط ریسک محدودیت مالی توضیح داده می‌شود. از این رو در این پژوهش نیز به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا محدودیت مالی قادر به توضیح اثر اندازه شرکت بر بازده سهام است؟

در طول سال‌های گذشته، محققان تلاش کرده‌اند عواملی را شناسایی نمایند که قادر به توضیح تغییرات عمده در بازده سهام باشند. هدف شناسایی عواملی است که بر ریسک سیستماتیک اثرگذار هستند و لذا منجر می‌شوند بازده سهام شرکت‌های مختلف باهم حرکت کنند. متغیرهایی مانند بازار، اندازه و یا ارزش دفتری به ارزش بازار، از جمله‌ی این عوامل هستند و تغییرات همگام (هم‌جهت و مشترک) بازده سهام گروهی از شرکت‌ها را توضیح می‌دهند. در این راستا، این پژوهش به بررسی وجود یک عامل محدودیت مالی در ساختار عاملی بازده سهام می‌پردازد. منظور از عامل، متغیری است که منجر به تغییرات همگام در بازده سهام عمده شرکت‌ها می‌شود.

در واقع بررسی می‌شود که آیا محدودیت مالی همانند عوامل بازار، اندازه و یا ارزش دفتری به ارزش بازار منجر به تغییرات همگامی در بازده سهام گروهی از شرکت‌ها می‌شود. در صورتی که ریسک محدودیت مالی غیرسیستماتیک باشد، دلیلی وجود ندارد که بازده شرکت‌های دارای محدودیت مالی با همدیگر حرکت کنند (بالمیر و وایتند^۱، ۲۰۱۷). اما در صورتی که محدودیت مالی بیانگر یک بعد ریسک سیستماتیک باشد، باید تغییرات همگامی در بازده شرکت‌هایی با سطوح مشابه محدودیت مالی وجود داشته باشد (هان^۲، ۲۰۰۳). برای مثال، زمانی که یک سیاست پولی انقباضی، توانایی تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌ای را برای برخی از شرکت‌ها مشکل کند و این شرکت‌ها نتوانند به جریان نقد آتی مورد انتظارشان دست یابند، قیمت سهام آن‌ها همزمان با هم افت می‌کند. از این رو پرسش دومی که مطرح می‌شود این است که آیا محدودیت مالی منجر به تغییرات همگام در بازده سهام شرکت‌ها می‌شود؟

گرچه عمده‌ی پژوهش‌ها در حوزه‌ی محدودیت مالی به اثر نامساعد محدودیت مالی در افزایش ریسک شرکت توجه نموده اند اما جنسن^۳ (۱۹۸۶) اثرات مثبت محدودیت مالی را یادآور می‌شود. به عقیده او محدودیت مالی می‌تواند ابزار نظم‌دهی رفتار مدیر باشد. در شرکت‌هایی که

1. Buehlmaier and Whited

2. Hahn

3. Jensen

وجه نقد مازاد نگهداری می کنند، مدیر این انگیزه را دارد تا وجوه نقد را در پروژه های دارای ارزش فعلی منفی سرمایه گذاری کند. اما در صورتی که منابع نقدی به راحتی در دسترس مدیر نباشد و با محدودیت در تامین مالی مواجه باشد، باید به منظور تسویه تعهدات آتی برنامه ریزی کند (استیکلمن^۱، ۲۰۱۰). این موضوع مدیران را تشویق می کند تا صرفاً در پروژه های دارای NPV مثبت سرمایه گذاری نمایند و سایر پروژه های غیر سودآور را کنار گذارند. در نتیجه عملکرد شرکت بهبود می یابد. لذا انتظار می رود افزایش سرمایه گذاری در شرکت های دارای محدودیت های مالی نسبت به شرکت های بدون محدودیت مالی، بیشتر منجر به افزایش بازده آتی سهام می گردد (اسپینسا^۲، ۲۰۱۵). با توجه به مباحث مطرح شده این پرسش ایجاد می گردد که آیا اثر سرمایه گذاری بر بازده آتی سهام در شرکت های دارای محدودیت مالی نسبت به شرکت های بدون محدودیت مالی متفاوت است؟

در ادامه پژوهش یکی دیگر از مباحث مهم در ادبیات محدودیت مالی یعنی رفتار متفاوت شرکت های دارای محدودیت مالی و شرکت های بدون محدودیت مالی در واکنش به تغییرات اقتصاد کلان مورد بررسی قرار می گیرد. پژوهشگران با این استدلال که اقتصاد کلان جریانهای نقد آتی شرکت را تغییر می دهند، انتظار دارند، متغیرهای کلان اقتصادی بر بازده سهام اثرگذار باشند. اما اینکه تا چه میزان متغیرهای اقتصاد کلان می توانند جریانهای نقد آتی شرکت و نهایتاً بازده سهام را تحت تاثیر قرار دهند، به شدت محدودیت مالی شرکت بستگی دارد. عدم تقارن اطلاعات بین عرضه کنندگان سهام جدید، موسسات تأمین سرمایه و سرمایه گذاران بیرونی و مخاطرات اخلاقی از مشهورترین تئوری های مطرح شده در رابطه با عرضه های اولیه می باشند. همچنین تئوری های مالی پیش بینی کرده اند که هرچه یک شرکت با هزینه های نمایندگی بالاتر و مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی بیش تری مواجه باشد، بیش تر نسبت به شوک های منفی در اقتصاد که شرایط بازار اعتباری را کسادتر و نرخ های بهره را بالاتر می برد، آسیب پذیر است (برنک و گرتلر^۳، ۱۹۸۹؛ گرین والد و استیگلایتز^۴، ۱۹۹۳).

بعنوان مثال پژوهش کردستانی و فدائی کلورزی (۱۳۹۱) نشان از آن دارد که بین عدم تقارن اطلاعاتی و تغییرات بدهی بلندمدت رابطه ی منفی معناداری وجود دارد و بین کسری مالی و تغییرات بدهی بلندمدت رابطه ی مثبت معناداری وجود دارد؛ از سوی دیگر بین عدم تقارن اطلاعاتی و اهرم مالی و همچنین بین عدم تقارن اطلاعاتی و تغییرات اهرم مالی ارتباط

1. Stikkelman
2. Espinosa
3. Bernanke and Gertler
4. Greenwald and Stiglitz

معناداری وجود ندارد؛ بر این اساس میتوان انتظار داشت با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، تأمین مالی از طریق بدهی افزایش یابد.

براث و همکاران (۲۰۰۹) نیز به رابطه مثبت و معناداری میان عدم تقارن اطلاعاتی و میزان استفاده از بدهی در ساختار سرمایه شرکت‌ها پی بردند.

آرسوس و همکاران در پژوهشی (۲۰۰۸) با عنوان تئوری نمایندگی در عرضه‌های اولیه سهام پرداختند. آنها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نظارت هیات مدیره بر فرآیند عرضه و میزان سهام قابل عرضه، قیمت گذاری کمتر از حد عرضه‌های اولیه را کاهش می‌دهد و نیز تخصص هیات مدیره در خصوص عرضه سهام موجب کاهش قیمت گذاری کمتر از حد عرضه‌های اولیه میگردد.

گالوی و همکاران (۲۰۱۱) با انجام تحقیقی نشان دادند که هر چقدر میزان عدم تقارن اطلاعات و مخاطرات اخلاقی پذیره نویسان بیشتر باشد، قیمت گذاری کمتر از حد عرضه‌های اولیه بیشتر است.

همچنین ریسک شرکت‌های دارای محدودیت‌ها مالی نسبت به شرکت‌های بدون محدودیت‌های مالی، با سخت‌تر شدن شرایط بازار اعتباری، بیشتر افزایش می‌یابد. بنابراین یک دوره رکود می‌تواند منجر شود که سرمایه‌گذاران از ریسک بالای شرکت‌های دارای محدودیت‌های مالی دوری کنند و به سمت شرکت‌های بدون محدودیت مالی متمایل شوند (برننک و گرتلر، ۱۹۸۹). از این رو انتظار می‌رود بازده شرکت‌های دارای محدودیت‌های مالی بیشتر تحت تاثیر شرایط اقتصاد کلان و وضعیت چرخه تجاری قرار گیرد. با توجه به موارد بیان شده پرسش بعدی پژوهش به این صورت مطرح می‌شود که آیا محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری متغیرهای کلان اقتصاد بر بازده سهام، تاثیر دارد؟

بر اساس نظریه زمان سنجی بازار، شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار، به منظور تأمین مالی فعالیت‌های خود به شرایط بازار دقت می‌کنند. زمانی که سهام بالاتر از حد ارزش گذاری می‌شود، انتشار سهام و در غیر اینصورت استفاده از بدهی را ترجیح می‌دهند. لذا بازده سهام، عاملی است که بر ترکیب ساختار سرمایه اثرگذار است (بیکر و ورگلر^۱، ۲۰۰۲) و عوامل موثر بر بازده، می‌تواند ساختار سرمایه را نیز تحت تاثیر قرار دهند. از این رو در این پژوهش در نهایت به اثر تعاملی محدودیت مالی و متغیرهای کلان اقتصادی بر ساختار سرمایه پرداخته می‌شود. به عقیده دیسمساک^۲ و همکاران (۲۰۰۴) ساختار سرمایه تحت تاثیر محیط و فضایی است که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند.

1. Baker and Wurgler

2. Deesomsak

این پژوهش گران بیان می کنند که بحران سیاسی و اقتصادی از جمله بحران مالی ۱۹۹۷ و فضای متفاوت اقتصادی و رهنگی حاکم بر فعالیت شرکت ها، تعیین کننده نوع و میزان تاثیر متغیرهای حاکم بر عملکرد و تصمیمات تامین مالی شرکت ها است. کوراجچیک و لوی^۱ (۲۰۰۳) عقیده دارند که در مورد شرکت هایی که به بازارهای مالی دسترسی دارند، انتشار سهام الگویی موافق ادواری^۲ دارد. به بیان دیگر افزایش (یا کاهش) انتشار سهام در دوره رونق (یا رکود) در چرخه تجاری اقتصاد اتفاق می افتد. همچنین انتشار بدهی الگویی مخالف ادواری^۳ دارد. بدین معنی که افزایش (یا کاهش) انتشار بدهی در دوره رکود (یا رونق) در چرخه تجاری اقتصاد صورت می گیرد.

اما شرکت هایی که محدودیت های مالی زیادی دارند، از این الگوی مخالف ادواری انتشار بدهی تبعیت نمی کنند. به بیان دیگر شرکت های بدون محدودیت های مالی تصمیمات ساختار سرمایه خود را به گونه ای زمان بندی می کنند تا در دوره هایی که شرایط اقتصادی مساعد است به تامین مالی بپردازند. اما شرکت های دارای محدودیت های مالی این توانایی را ندارند. از این رو در ادامه پژوهش، نقش شرایط اقتصاد کلان و محدودیت های مالی بر تعیین انتخاب ساختار سرمایه شرکت بررسی می گردد. انتظار می رود در شرکت های بدون محدودیت های مالی نسبت به شرکت های دارای محدودیت های مالی، انتشار بدهی یا سهام بیشتر به شرایط اقتصاد کلان حساس باشد. زیرا این شرکت ها راحت تر قادر هستند از ساختار سرمایه بودجه شده خود انحراف داشته باشند و تامین مالی خود را در دوره هایی انجام دهند که شرایط بازار مساعدتر است (یعنی در دوره هایی که هزینه های تامین مالی پایین تر است). لذا پرسش بعدی پژوهش اینگونه مطرح می شود که آیا محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری متغیرهای کلان اقتصاد بر ساختار سرمایه، تاثیر دارد؟

گرچه در پژوهش های قبلی رابطه محدودیت مالی و بازده سهام مورد بررسی قرار گرفته است، در این پژوهش ابعاد دیگر تاثیر محدودیت مالی بر بازده سهام مورد بررسی قرار می گیرد و به طور خاص تاثیر محدودیت مالی بر رابطه بازده سهام با اندازه های شرکت، سرمایه گذاری و متغیرهای کلان اقتصادی، آزمون می گردد. به علاوه در این پژوهش محدودیت مالی به عنوان یک بعد ریسک سیستماتیک که منجر به تغییرات هم جهت در بازده شرکت های مختلف می شود، مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به مطالب بیان شده، به طور کلی این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال که آیا ضمن در نظر گرفتن اندازه شرکت، سرمایه گذاری شرکت و

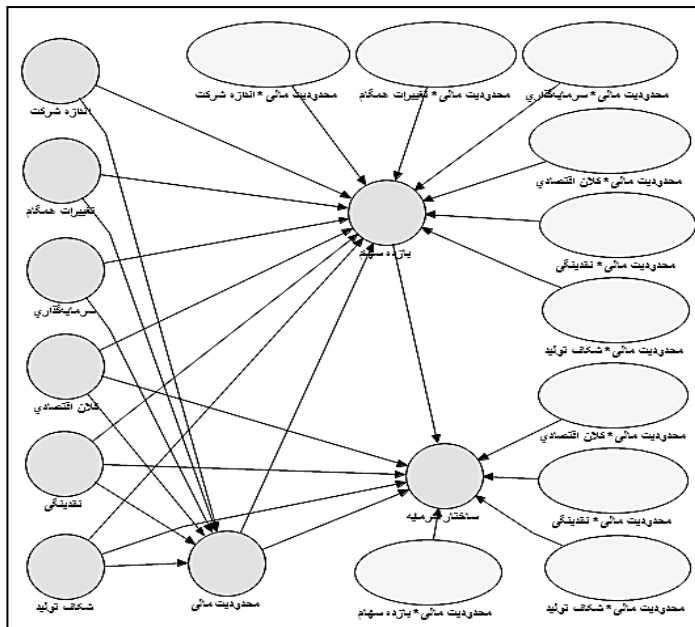
1. Korajczyk and levy
2. Proccyclical
3. Countercyclical

متغیرهای منتخب کلان اقتصادی، محدودیت مالی بر بازده سهام و ساختار سرمایه شرکت تاثیر دارد؟ همچنین در نهایت این پژوهش به دنبال این مسئله می باشد که آیا مخاطرات اخلاقی در بازده سهام شرکت ها تاثیر دارد؟

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، بر اساس هدف از نوع تحقیق کاربردی است و بر اساس نحوه‌ی گردآوری داده‌ها از نوع روش توصیفی از شاخه پیمایشی محسوب می‌شود (سرمد و دیگران، ۱۳۹۰). بر این اساس ابتدا جوانب و موضوعات مطالعاتی مربوط به تحلیل تاثیر نقش متغیرهای منتخب کلان اقتصادی با تاکید بر محدودیت مالی بر بازده و ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نیز مطالعات و تحقیقات مشابه انجام شده، در مورد موضوع تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس با استفاده از مطالعات میدانی، اقدام به تبیین فرضیات مطابق با عنوان و هدف تحقیق خواهد شد.

با توجه به روش‌های چهارگانه‌ی دیدگاه تئوری‌پردازی، یعنی بسط یا بهبود تئوری‌های موجود، مقایسه‌ی دیدگاه‌های تئوریک مختلف، بررسی پدیده‌ای خاص با استفاده از دیدگاه‌های تئوریک مختلف و بالاخره بررسی پدیده‌ای مستند و تکراری در محیط و شرایطی جدید (Feldman, 2004)، تحقیق حاضر در گروه چهارم قرار می‌گیرد. در این پژوهش از روش مدل معادلات ساختاری و نرم افزار اسمارت PLS برای آزمون فرضیات استفاده خواهد شد.



نمودار ۱ مدل مفهومی

تحلیل داده ها

تحلیل اکتشافی

قبل از انجام هرگونه تحلیل بر روی داده های جمع آوری شده و استنباط آماری، نخست باید از پایایی و روایی ابزار اندازه گیری اطمینان حاصل کرد. پایایی پرسشنامه توسط آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد و نتایج آزمون نشان داد که پرسشنامه های مورد استفاده از پایایی و دقت لازم برخوردارند. به منظور سنجش روایی نیز روش های گوناگونی وجود دارد که در این پژوهش با توجه به اینکه متغیرهای پژوهش از چند بُعد (مؤلفه) تشکیل شده اند، از آزمون تحلیل عاملی تاییدی بهره گرفته شده است. لذا همان طور که در فصل سوم نیز بیان شد، در انجام تحلیل عاملی باید از این مسأله اطمینان حاصل شود که آیا می توان داده های موجود را برای تحلیل مورد استفاده قرارداد یا نه. به عبارت دیگر؛ آیا تعداد داده های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر؟ بدین منظور از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده گردیده است. براساس این دو آزمون داده ها زمانی برای تحلیل عاملی مناسب هستند که شاخص KMO بیشتر از (۰/۶) و نزدیک به یک و sig آزمون بارتلت کمتر از (۰/۰۵) باشد. خروجی این آزمون ها در جداول زیر ارائه گردیده است.

| | | |
|-------|------------|--------------|
| ۰/۹۲۴ | آزمون KMO | |
| ۲۱۰۴ | χ^2 | آزمون بارتلت |
| ۹۱ | درجه آزادی | |
| ۰/۰۰۰ | Sig | |

جدول ۱ آزمون KMO و بارتلت برای سؤالات پرسشنامه

باتوجه به جدول ۱؛ مقدار شاخص KMO برابر ۰/۹۲۴ است (بیشتر از ۰/۶)، لذا تعداد نمونه (تعداد پاسخ دهندگان) برای تحلیل عاملی کافی می باشد. همچنین مقدار sig آزمون بارتلت، کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ که نشان می دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی مناسب است و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی، رد می شود.

در تحلیل عاملی اکتشافی برای استخراج عامل ها از روش مؤلفه های اصلی^۱ و برای چرخش عامل ها از روش واریماکس^۲ با نرمال سازی کیسر^۳ بهره گرفته شده است. ملاک تصمیم-

1. Principle Component
2. Varimax Rotation
3. Kaiser Normalization

گیری در مورد بقا یا حذف سؤالات پرسشنامه از تحلیل عاملی؛ مقادیر اشتراک استخراجی آن - هاست. بدین ترتیب که اگر مقدار اشتراک استخراجی هریک از سؤالات کمتر از (۰/۵) باشد، آن سؤال را از تحلیل عاملی کنار می‌گذاریم. همچنین ملاک تصمیم‌گیری در مورد دسته‌بندی سؤالات، مقادیر ویژه بالاتراز (۱) و نمرات عاملی بالاتر از (۰/۴) در نظر گرفته شده‌است. نتایج آزمون تحلیل اکتشافی در جداول (۳) نمایان است. جهت اینکه نشان دهیم هر سؤال پرسشنامه در کدام عامل جای گرفته‌است، بیشترین بار عاملی آن سؤال با رنگی دیگر در جداول تحلیل عاملی اکتشافی مشخص شده‌است.

تحلیل عاملی اکتشافی سؤالات پرسشنامه

| سؤالات | عامل اول | عامل دوم | سؤالات |
|--|--------------|-------------|--------|
| | عوامل بنیادی | عوامل درونی | |
| جریان نقد و سرمایه گذاری کوتاه مدت | .530 | .363 | .513 |
| تغییر بدهی و دارایی های شرکت | .712 | .135 | .525 |
| نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت | .558 | .407 | .577 |
| سود تقسیمی بر دارایی | .586 | .332 | .654 |
| نسبت بدهی به دارایی | .478 | .419 | .504 |
| موجودی نقد | .603 | .339 | .579 |
| تامین منابع از طریق منابع داخل شرکت | .566 | .556 | .629 |
| عدم تحصیل داراییهای جدید | .208 | .709 | .545 |
| عدم سرمایه گذاری در فعالیتهای تجاری جدید | .367 | .596 | .590 |
| کاهش پرداخت سود سهام | .116 | .707 | .514 |
| حفظ سطح معینی از سرمایه در گردش | .267 | .636 | .576 |
| حاصل جمع سود عملیاتی و استهلاک | .141 | .763 | .603 |
| هزینه های تحقیق و توسعه | .280 | .742 | .628 |
| تغییر در دارایی های غیر نقد | .174 | .783 | .643 |
| مخاطرات اخلاقی بر بازده سهام | .۰,۲۴۸ | .۰,۶۶۲ | .۵۹۸. |

جدول ۲ ماتریس عوامل چرخش یافته با روش تحلیل مولفه اصلی و روش چرخش واریمکس با نرمال سازی کیسر سؤالات

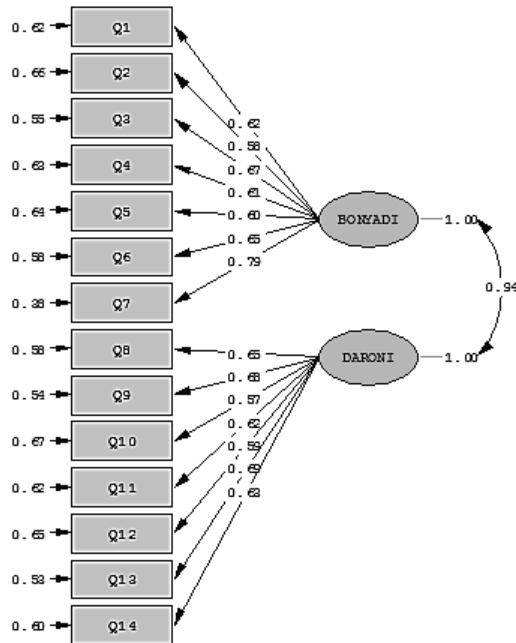
1. Communalities Extraction

باتوجه به جدول ۲، مقدار اشتراک استخراجی برای تمام سؤالات بیشتر از (۰/۵) می باشد و هیچ سؤالی از پرسشنامه لازم نیست که کنار گذاشته شود. باتوجه به جدول، دو عامل با مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شده اند که تمام سؤالات مربوط به این متغیر در این دو عامل جای گرفته اند. همچنین باتوجه به بارهای عاملی سؤالات؛ هریک از سؤالات بیشترین بار عاملی را در همان عاملی که از پیش تعیین شده بود، دارا هستند. پس هر سؤال دقیقاً همان عاملی را اندازه گیری می کند که برای آن طراحی شده است، بنابراین سؤالات پرسشنامه از روایی لازم برخوردار می باشد.

تحلیل عاملی تاییدی

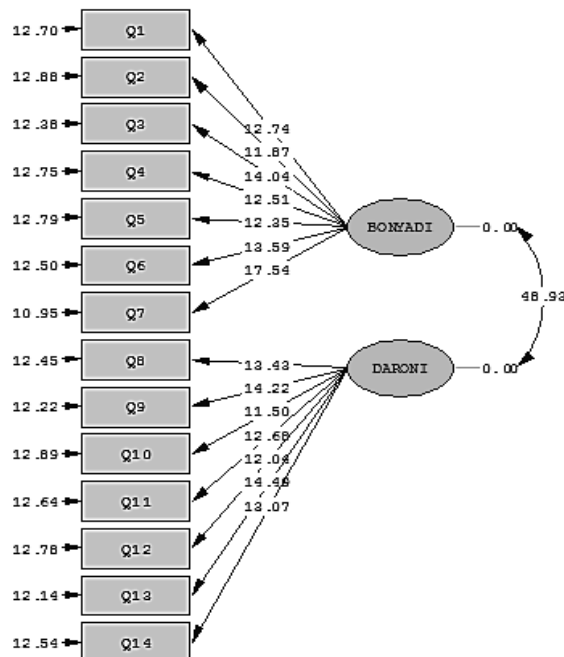
در تجزیه تحلیل استنباطی، پیش از آزمون فرضیه ها می بایست با استفاده از آزمون تحلیل عاملی تاییدی روایی سازه را مورد آزمون قرار دهیم. آزمون برازندگی در تحلیل تاییدی و مسیر، شاخص RMSEA، یا جذر برآورد واریانس خطای تقریب کمتر از هشت درصد شاخص $\frac{\chi^2}{df}$ کمتر از سه و (GFH, CFL, IFI, NNFI) بالاتر از ۹۰ درصد می باشد. مقدار (T-Value) ضرایب معنی داری هر متغیر نیز بزرگتر از ۲ و کوچکتر از -۲ باشد، مدل از برازش خوبی برخوردار است یا به عبارتی تقریبی معقولی از جامعه برخوردار می باشد.

نمودارهایی که در بخش زیر آورده ایم مدل ابعاد محدودیت ها در حالت استاندارد و معناداری را نشان می دهد. همان طور که این نمودارها نشان می دهد، عضویت کلیه عوامل بررسی شده در این متغیر تایید شده است.



Chi-Square=210.20, df=76, P-value=0.00000, RMSEA=0.070

نمودار ۲ مدل اندازه‌گیری ابعاد محدودیت‌ها با استفاده از تحلیل عاملی در حالت استاندارد

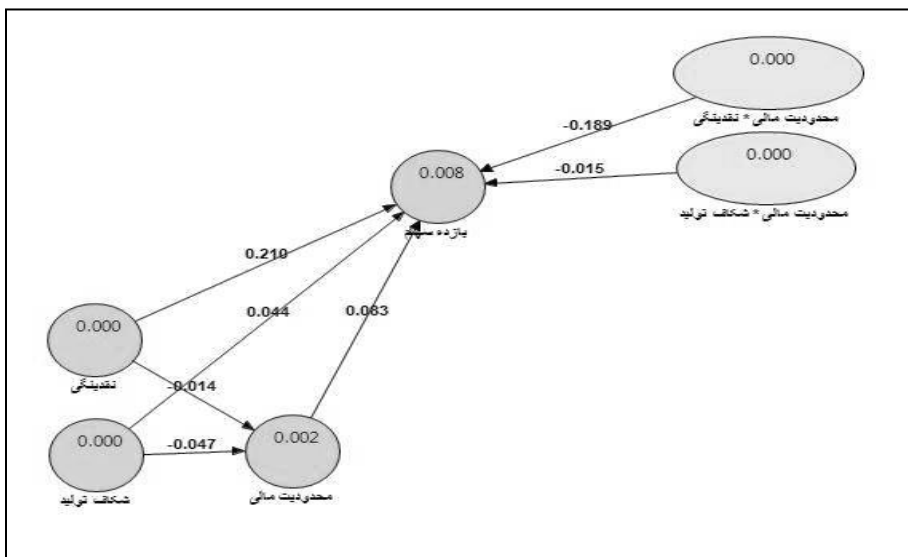
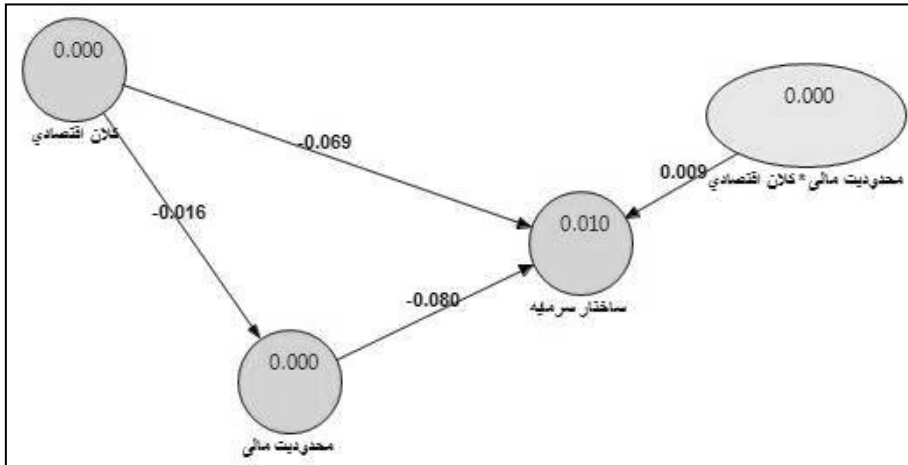


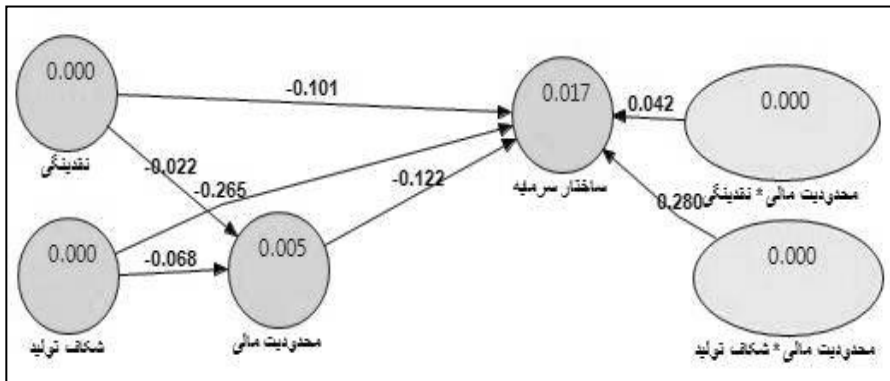
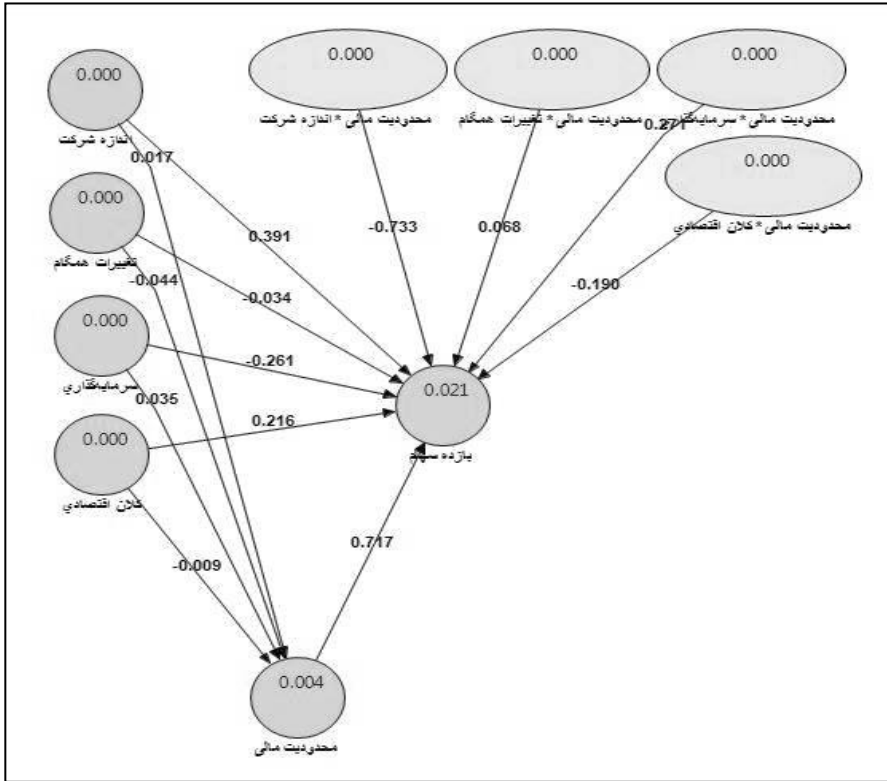
Chi-Square=210.20, df=76, P-value=0.00000, RMSEA=0.070

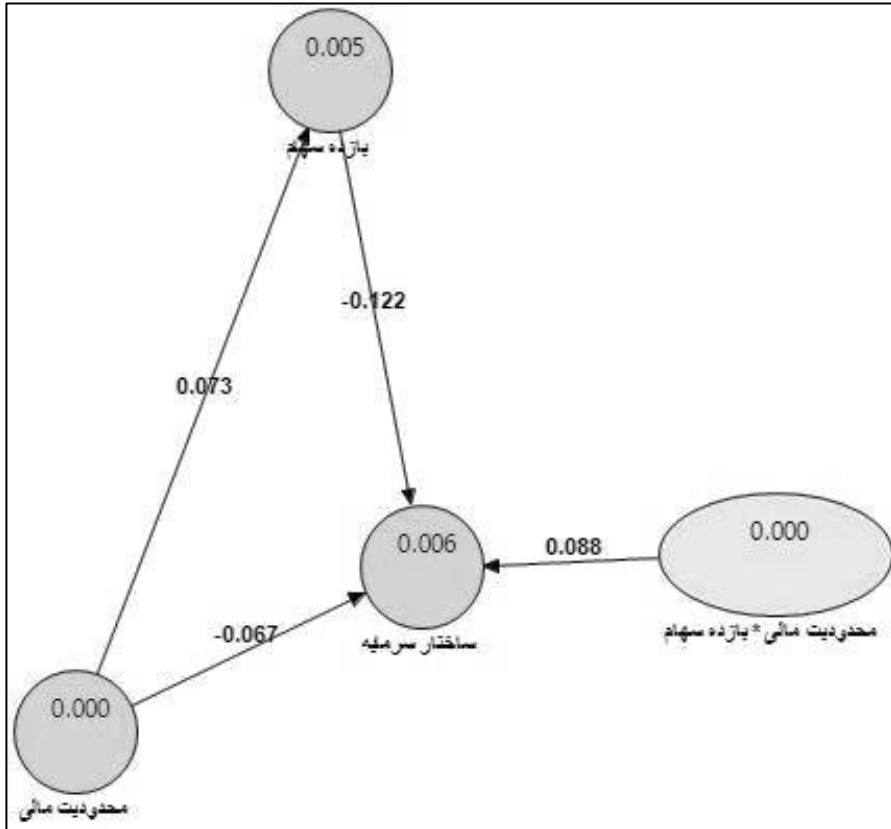
نمودار ۳ مدل اندازه‌گیری ابعاد محدودیت‌ها با استفاده از تحلیل عاملی در حالت معنی‌داری

آزمون فرضیه ها با استفاده از روابط ساختاریافته خطی

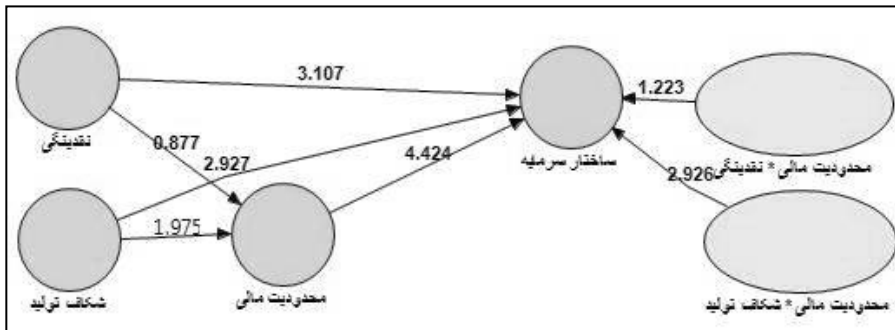
پس از تعیین مدل های اندازه گیری به منظور ارزیابی مدل مفهومی تحقیق و همچنین اطمینان یافتن از وجود یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی تناسب داده های مشاهده شده با مدل مفهومی تحقیق، فرضیه های تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری نیز آزمون شدند. نتایج آزمون فرضیه ها در نمودار منعکس شده اند.

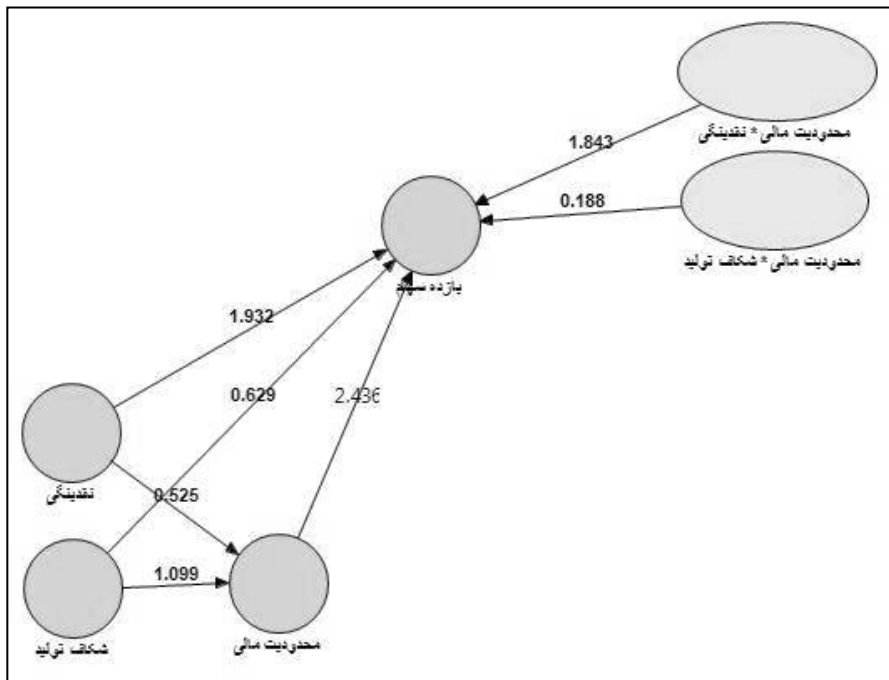
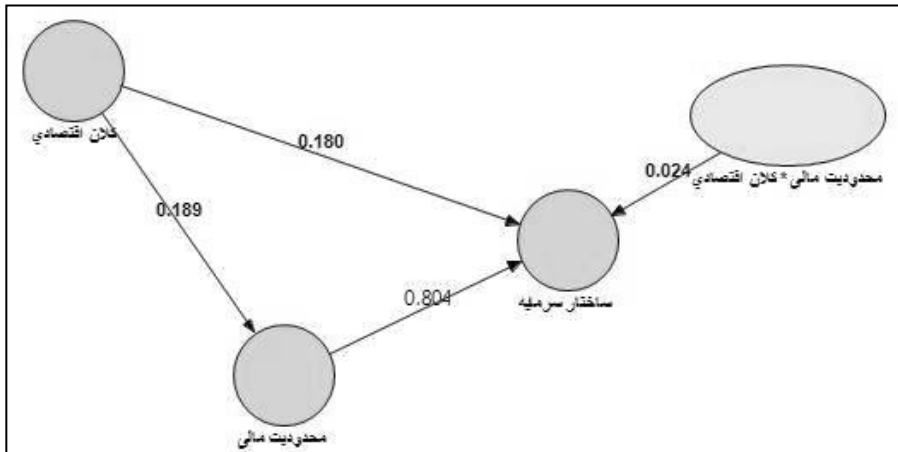


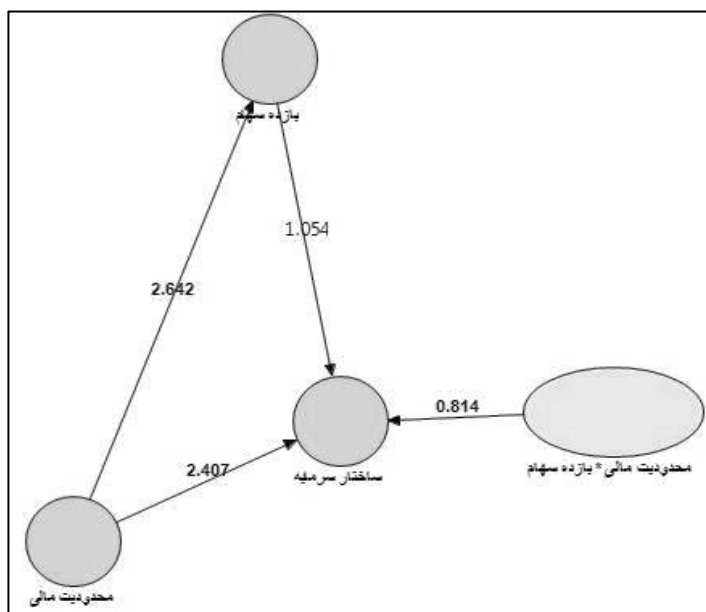
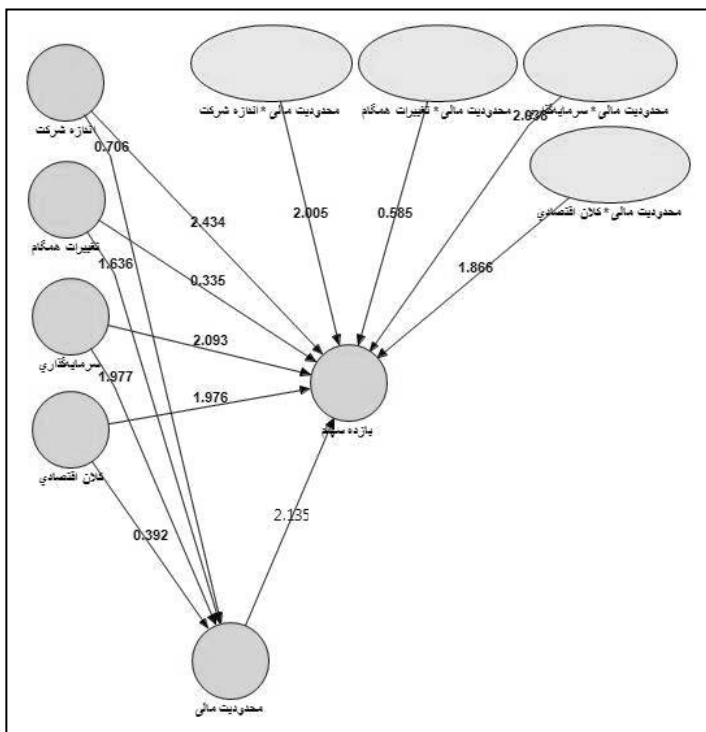




نمودار ۴ اندازه گیری مدل کلی و نتایج فرضیه ها در حالت استاندارد







نمودار ۵ اندازه گیری مدل کلی و نتایج فرضیه ها در حالت معنی دار

پایایی

پایایی شاخص نیز خود توسط دو معیار مورد سنجش واقع می‌گردد:

۱. آلفای کرونباخ

۲. پایایی ترکیبی

آلفای کرونباخ

معیاری کلاسیک برای سنجش و سنج‌های مناسب برای ارزیابی پایداری درونی محسوب می‌گردد. یکی از مواردی که برای سنجش پایایی در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود، پایداری درونی (سازگاری درونی) مدل‌های اندازه‌گیری است. پایداری درونی نشانگر میزان همبستگی بین سازه و شاخص‌های مربوط به آن است. مقدار بالای واریانس بیان شده بین سازه و شاخص‌های آن در مقابل خطای اندازه‌گیری مربوط به هر شاخص، پایداری درونی بالا را نتیجه می‌دهد. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷، نشانگر پایایی قابل قبول است (cronbach, 1951). برخی از محققان در مورد متغیرهای با تعداد سؤالات اندک، مقدار ۰/۶ را به عنوان سرحد ضریب آلفای کرونباخ معرفی کرده‌اند (دوری و رضاده، ۱۳۹۲، ۷۹).

| | Cronbachs Alpha |
|----------------|-----------------|
| تغییرات همگام | 1.000000 |
| بازده سهام | 1.000000 |
| ساختار سرمایه | 1.000000 |
| محدودیت مالی | 0.872605 |
| اندازه شرکت | 1.000000 |
| سرمایه گذاری | 1.000000 |
| شکاف تولید | 1.000000 |
| نقدینگی | ۱,۰۰۰۰۰۰ |
| مخاطرات اخلاقی | 1.000000 |

جدول ۳ ضرایب آلفای کرونباخ

پایایی ترکیبی

از آنجایی که معیار آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی سازه‌ها می‌باشد، روش PLS معیار مدرن‌تری نسبت به الفای به نام پایایی ترکیبی به کار می‌رود و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی

سازه هایشان با یکدیگر محاسبه می گردد. در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی در روش PLS، هر دوی این معیارها به کار برده می شوند. مقدار پایایی ترکیبی یک سازه از یک نسبت حاصل می شود که در صورت این کسر، واریانس بین یک سازه با شاخص هایش به اضافه مقدار خطای اندازه گیری می آید. در صورتی که مقدار CR برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه گیری دارد و مقدار کمتر از ۰/۶ عدم وجود پایایی را نشان می دهد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲، ۷۹).

| | Composite Reliability |
|----------------|-----------------------|
| تغییرات همگام | 0.719557 |
| بازده سهام | 0.728124 |
| ساختار سرمایه | 0.733000 |
| محدودیت مالی | 0.745017 |
| اندازه شرکت | 0.772385 |
| سرمایه گذاری | 0.755000 |
| شکاف تولید | 0.775720 |
| نقدینگی | 0.795500 |
| مخاطرات اخلاقی | ۰,۷۸۵۸۶۳ |

جدول ۴ پایایی ترکیبی

روایی همگرا

روایی همگرا دومین معیاری است که برای برازش مدل های اندازه گیری در روش PLS به کار برده می شود. معیار AVE نشان دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته بین هر سازه با شاخص های خود است. AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص های خود را نشان می دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. مقدار AVE بالای ۰/۵ روایی همگرایی قابل قبول را نشان می دهد (Fornell & Larcker, 1981). برخی از محققان مقدار حداقل قابل قبول را ۰/۴ در نظر گرفته اند.

| | AVE |
|----------------|----------|
| تغییرات همگام | 0.519557 |
| بازده سهام | 0.528350 |
| ساختار سرمایه | 0.772124 |
| محدودیت مالی | 0.593683 |
| اندازه شرکت | 0.672385 |
| سرمایه گذاری | 0.428124 |
| شکاف تولید | 0.775720 |
| نقدینگی | 0.795500 |
| مخاطرات اخلاقی | ۰,۵۶۳۶۹ |

جدول ۵: روایی همگرا

برازش مدل کلی

معیار GOF مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است که توسط این معیار محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. برای بررسی برازش در یک مدل کلی تنها یک معیار به نام GOF استفاده می‌شود. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است (وتزلس و همکاران، ۲۰۰۹). این معیار از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{GOF} = \sqrt{\text{communalities} \times R^2} \quad (\text{فرمول ۴-۲})$$

| | Communality | R Square |
|----------------|-------------|----------|
| تغییرات همگام | 1.000000 | |
| بازده سهام | 1.000000 | 0.014153 |
| ساختار سرمایه | 1.000000 | 0.009529 |
| محدودیت مالی | 0.992648 | 0.005854 |
| اندازه شرکت | 1.000000 | |
| سرمایه گذاری | 1.000000 | |
| شکاف تولید | 1.000000 | |
| نقدینگی | 1.000000 | |
| مخاطرات اخلاقی | ۱,۰۰۰۰۰۰ | |

جدول ۶: معیار GOF

در نتیجه communalities برابر است با ۰/۸۰. با توجه به مقادیر R^2 که در جدول بالا آمده در نتیجه R^2 برابر است با: ۰/۴۸

بدین ترتیب مقدار GOF محاسبه شده به شرح زیر می باشد:

$$GOF = \sqrt{0.48 \times 0.80} = 0.62$$

با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF، حاصل شدن ۰/۶۲ نشان از برازش قوی مدل دارد.

نتیجه بدست آمده از تحلیل آماری

تحلیل مسیر در این پژوهش با استفاده از نرم افزار اسمارت PLS انجام شده است. جدول زیر ضریب معناداری و نتایج فرضیه های مطرح شده را به طور خلاصه نشان می دهد.

| فرضیه ها | استاندارد | معناداری | نتیجه |
|---|-----------|----------|-------|
| محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری اندازه شرکت بر بازده سهام تاثیر دارد. | -۰,۷۳ | ۲,۰۰ | تایید |
| با افزایش محدودیت مالی، تغییرات همگام بازده سهام شرکت ها افزایش می یابد. | ۰,۰۶ | ۰,۵۸ | رد |
| محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری سرمایه گذاری بر بازده سهام تاثیر دارد. | ۰,۲۷ | ۲,۰۳ | تایید |
| محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری متغیرهای منتخب کلان اقتصادی بر بازده سهام تاثیر دارد. | -۰,۱۹ | ۱,۸۶ | رد |
| محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری نقدینگی بر بازده سهام تاثیر دارد. | -۰,۱۸ | ۱,۸۶ | رد |
| محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری شکاف تولید اقتصادی بر بازده سهام تاثیر دارد. | -۰,۰۱ | ۰,۱۸ | رد |
| محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری متغیرهای منتخب کلان اقتصادی بر ساختار سرمایه تاثیر دارد. | ۰,۰۰ | ۰,۰۲ | رد |
| محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری نقدینگی بر ساختار سرمایه تاثیر دارد. | ۰,۰۴ | ۱,۲۲ | رد |
| محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری شکاف تولید اقتصادی بر ساختار سرمایه تاثیر دارد. | ۰,۲۸ | ۲,۹۲ | تایید |
| محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری بازده بازار سهام بر ساختار سرمایه تاثیر دارد. | ۰,۰۸ | ۰,۸۱ | رد |
| محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری مخاطرات اخلاقی بر بازده سهام تاثیر دارد. | ۰,۷۸ | ۲,۰۱ | تایید |

جدول ۷ نتایج فرضیه ها

در فرضیه شماره ۱ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری اندازه شرکت بر بازده سهام تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول ۷؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر

مستقیم می باشد.

در فرضیه شماره ۲ پژوهش ادعا شده بود که با افزایش محدودیت مالی، تغییرات همگام بازده سهام شرکت‌ها افزایش می‌یابد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می‌دهد با توجه به جدول ۷؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر کوچکتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه رد شده است.

در فرضیه شماره ۳ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری سرمایه‌گذاری بر بازده سهام تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می‌دهد با توجه به جدول ۷؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می‌گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر مستقیم می باشد.

در فرضیه شماره ۴ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری متغیرهای منتخب کلان اقتصادی بر بازده سهام تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می‌دهد با توجه به جدول ۷؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر کوچکتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه رد شده است.

در فرضیه شماره ۵ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری نقدینگی بر بازده سهام تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می‌دهد با توجه به جدول ۷؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر کوچکتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه رد شده است.

در فرضیه شماره ۶ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری شکاف تولید اقتصادی بر بازده سهام تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می‌دهد با توجه به جدول ۷؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر کوچکتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه رد شده است.

در فرضیه شماره ۷ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری متغیرهای منتخب کلان اقتصادی بر ساختار سرمایه تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می‌دهد با توجه به جدول (۴-۱۷)؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر کوچکتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه رد شده است.

در فرضیه شماره ۸ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری نقدینگی بر ساختار سرمایه تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می‌دهد با توجه به جدول ۷؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر کوچکتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه رد شده است.

در فرضیه شماره ۹ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری شکاف تولید اقتصادی بر ساختار سرمایه تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول ۷؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد. از طرفی چون عدد معنی داری به دست آمده مثبت می باشد این اثر مستقیم می باشد.

در فرضیه شماره ۱۰ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری بازده بازار سهام بر ساختار سرمایه تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول ۷؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر کوچکتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه رد شده است.

در فرضیه شماره ۱۱ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری مخاطرات اخلاقی بر بازده سهام تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول ۷؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد.

نتیجه گیری

اهمیت سرمایه گذاری و ثبات محیط سرمایه‌گذاری برای توسعه و رشد اقتصادی بر کسی پوشیده نیست و عدم توجه به اهمیت آن می‌تواند منجر به افول اقتصاد شده و در بلندمدت رفاه عمومی و توسعه تولید را تحت تاثیر قرار دهد. همچنین توسعه بازارهای سرمایه و شناسایی و به کارگیری عواملی که کارایی این بازارها را افزایش می‌دهند، گامی مهم در جهت افزایش رونق در اقتصاد است. هرچه بازارهای سرمایه کارآتر باشند و سرمایه‌گذاران بهتر قادر به تعیین ارزش‌های واقعی باشند، سرمایه‌های بیش‌تری به سمت این بازارها جذب می‌شود. سرمایه‌گذاران مایلند متناسب با ریسک‌پذیری خود به بازده مناسب دست پیدا کنند. یعنی به صورت همزمان به دو پدیده‌ی ریسک و بازده توجه می‌کنند.

از طرفی هرچه بازارهای مالی دارای شفافیت بیشتری در اطلاع‌رسانی باشند، اطلاعات بی‌پرده و روشن و واضح در اختیار عموم قرار می‌گیرد و تعداد معاملات انجام شده افزایش می‌یابد و هزینه نظارت کاهش یافته و اجرای قوانین تضمین می‌گردد (ابریشمی و همکاران، ۱۳۹۶).

از اینرو می‌توان عوامل ریسک موثر بر بازده سهام را شناسایی نمایند. از این رو شناسایی و بررسی عوامل ریسک موثر بر بازده از جمله‌ی مهم‌ترین مسائل مالی است که باید مورد توجه فراوان صاحب‌نظران و پژوهش‌گران باشد. به علاوه با توجه به این‌که ریسک به دو بعد سیستماتیک و غیرسیستماتیک قابل تفکیک است، برای یک سرمایه‌گذار تعیین این‌که یک عامل ریسک صرفاً بر بازده سهام یک شرکت تاثیر دارد و غیر سیستماتیک است یا این‌که ریسک از نوع سیستماتیک و مشترک است اهمیت فراوانی دارد. زیرا ریسک سیستماتیک و مشترک، غیر قابل حد است، اما ریسک غیر سیستماتیک را می‌توان از طریق تنوع بخشی پرتفوی سهام حذف نمود (بادی^۱ و همکاران، ۲۰۱۰).

این پژوهش با تعیین این‌که آیا ریسک محدودیت مالی از نوع سیستماتیک یا غیرسیستماتیک است، سرمایه‌گذاران را در تنوع بخشی پرتفوی سهامشان یاری می‌رساند. از سوی دیگر، این پژوهش چگونگی واکنش بازار به سرمایه‌گذاری شرکت‌های دارای محدودیت مالی و شرکت‌های بدون محدودیت مالی را مورد بررسی قرار می‌دهد تا به سهامداران این دو طیف از شرکت‌ها، برای ارزیابی دقیق‌تر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران کمک کند. به علاوه، امروزه با بزرگتر شدن شرکت‌ها و توسعه تکنولوژی، نیز به منابع مالی هنگفت سرمایه شدت گرفته و این موضوع را به یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های تصمیم‌گیری مدیران تبدیل کرده است (شعری و محسنی، ۱۳۹۴).

با توجه به یافته ها و نتایج بدست آمده، پیشنهادهای کاربردی که می توان در این بخش ارائه نمود شامل موارد زیر می باشد:

در فرضیه شماره ۱ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری اندازه شرکت بر بازده سهام تاثیر دارد که این فرضیه تایید شده است از این رو توصیه می شود، با توجه به نتایج این پژوهش که بیانگر اهمیت محدودیت مالی شرکت بر بازده سهام است، به سرمایه گذاران پیشنهاد میشود در زمان اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری و قیمت گذاری سهام، محدودیت مالی شرکت را نیز در نظر بگیرند و در هنگام تشکیل پرتفوی سهام، سیستماتیک بودن ریسک محدودیت مالی را مدنظر قرار دهند. با توجه به تنوع مدل های قیمتگذاری دارایی و عدم امکان بررسی کلیه آنها، در این پژوهش، مدل کاپلان زینگالس و وایت و وو انتخاب گردید و نقش محدودیت مالی بر توان تبیین بازده سهام از طریق اندازه شرکت توسط این مدلها موردبررسی قرار گرفت.

در فرضیه شماره ۲ پژوهش ادعا شده بود که با افزایش محدودیت مالی، تغییرات همگام بازده سهام شرکتها افزایش می یابد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می دهد با توجه به جدول (۵-۲)؛ عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر کوچکتر از ۱,۹۶ می باشد، از این رو این فرضیه رد شده است. . نتایج نشان داد که با افزایش محدودیت های مالی، همگام سازی بازده سهام کاهش خواهد یافت که منجر به افزایش محتوای مطالعاتی قیمت سهام خواهد شد و همزمانی بازه سهام کاهش خواهد یافت. از اینرو می توان با کاهش شاخص های محدودیت های مالی در مسیر همگام سازی گام برداشت و موجبات افزایش بازده سهام را فراهم نمود.

در فرضیه شماره ۳ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری سرمایه گذاری بر بازده سهام تاثیر دارد و نتایج فرضیه این مورد را تایید کرده است. پیشنهاد کاربردی در این راستا می تواند به این صورت باشد که با رفع موانع مالی و کاهش آن سرمایه گذاری را در این شرکت ها افزایش داد و از طرفی موجبات بهبود بازده سهام را فراهم نمود.

در فرضیه شماره ۴ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری متغیرهای منتخب کلان اقتصادی بر بازده سهام تاثیر دارد که این فرضیه رد شده است و نشان داد که محدودیت مالی بر اثرگذاری متغیرهای همچون نرخ تورم، حجم نقدینگی، نرخ سود بانکی و نرخ ارز بر بازده سهام نمی تواند اثرگذار باشد.

در فرضیه شماره ۵ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری نقدینگی بر بازده سهام تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو از این فرضیه نتیجه گرفته شد و نشان داده شد که شاخص های محدودیت مالی نمی تواند بر شدت اثرگذاری نقدینگی بر بازده سهام تاثیر گذار باشد.

در فرضیه شماره ۶ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری شکاف تولید اقتصادی بر بازده سهام تاثیر دارد که نتایج یافته‌ها این رابطه را رد کرده است. اینگونه استنباط شد که شاخص‌های محدودیت مالی نمی‌تواند بر شدت اثرگذاری شکاف تولید اقتصادی بر بازده سهام اثرگذار باشد.

در فرضیه شماره ۷ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری متغیرهای منتخب کلان اقتصادی بر ساختار سرمایه تاثیر دارد که این فرضیه نیز رد شده است و نشان داده که متغیرهای همچون نرخ تورم، حجم نقدینگی، نرخ سود بانکی و نرخ ارز به تنهایی می‌تواند ساختار سرمایه شرکت‌ها را تعیین کند و نیازی به دخالت دادن شاخص‌های محدودیت مالی در این رابطه نیست.

در فرضیه شماره ۸ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری نقدینگی بر ساختار سرمایه تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو فرضیه را رد کرده و پیشنهاد خاصی با رد شدن فرضیه قابل بیان نیست.

در فرضیه شماره ۹ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری شکاف تولید اقتصادی بر ساختار سرمایه تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان می‌دهد، فرضیه مورد تایید قرار می‌گیرد. از دیرباز روند تغییرات تولید و علل ایجاد این نوسانات ذهن اقتصاددانان را به خود معطوف ساخته و هر یک از زاویه‌ای به توجیه آن پرداخته‌اند. در قرن اخیر توجه به عوامل طرف تقاضا بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و اقتصاددانان متعددی سعی در توجیه ادوار تجاری به کمک چرخه‌های متغیرهای مصرف، سرمایه‌گذاری، مخارج دولت و تراز تجاری نموده‌اند. لذا در مجموع میتوان دریافت که برای کنترل ادوار تجاری و کاهش پیامدهای منفی آن در اقتصاد ایران، مدیریت چرخه‌های متغیرهای سمت تقاضای از اهمیت بالایی برخوردار بوده و مدیریت این متغیرها توسط سیاستگذاران اقتصادی جهت مصون ماندن از آثار منفی ادوار تجاری، بویژه در دوران رکود، توصیه میشود.

در فرضیه شماره ۱۰ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری بازده بازار سهام بر ساختار سرمایه تاثیر دارد که تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان از این روابط دارد و بیان می‌دارد که بازده بازار سهام خودش می‌تواند ساختار سرمایه شرکت‌ها را جهت بیخشد.

در فرضیه شماره ۱۱ پژوهش ادعا شده بود که محدودیت مالی بر شدت اثرگذاری مخاطرات اخلاقی بر بازده سهام تاثیر دارد از این رو تجزیه و تحلیل آماری نشان از تایید فرضیه دارد. برای ایجاد شفافیت در بازار سرمایه و عملکرد اخلاقی شرکت‌ها، در دسترس بودن اطلاعات مهمترین عامل است. هر چه اطلاعات در بازار سرمایه شفاف‌تر باشد که به آن

اطلاعات متقارن می گویند، بستر باشد تاثیر بیشتری بر رشد اقتصادی خواهد داشت (ابریشمی و همکاران، ۱۳۹۸). مخاطرات اخلاقی به خطر رفتار غیر اخلاقی مدیریت اشاره دارد. در همچنین وضعیتی، سهامداران تلاش میکنند از طرق متعدد مدیر را به عمل مسئولانه تر تشویق کنند (لی، ۲۰۰۹؛ به نقل از به نقل از خلیفه سلطانی و خواجوی، ۱۳۹۵). عدم تقارن اطلاعات که از جمله مخاطرات اخلاقی بین شرکت ها و سرمایه گذاران است، سبب میشود که هزینه تأمین مالی داخلی و خارجی متفاوت باشد، به نحوی که تأمین مالی هزینه زیادی به شرکت تحمیل خواهد کرد (قربانی و عدیلی، ۱۳۹۱؛ به نقل از خلیفه سلطانی و خواجوی، ۱۳۹۵).

ضمناً هر چه خطر اخلاقی بین کارفرما و مدیر بیشتر باشد، سهامدار کمتر امکان ملاحظه جهت اقدام و عملیات مدیر را دارد، بنابراین برای تأمین منافع خود در برابر ریسک خطر اخلاقی، بازده بالاتری را انتظار دارد و طلب میکند.

پیشنهادها پژوهشی

- ۱- به صنعت بورس کشور توصیه می‌گردد با توجه به اهمیت شاخص‌های محدودیت‌های مالی و عوامل اثرگذار بر آن در این صنعت اولویت‌های پژوهشی مورد نیاز در امر سازمانی به طور خاص را برای دانشگاه و مراکز علمی-تحقیقاتی تهیه نمایند.
- ۲- تحلیل یافته‌های این پژوهش و مقایسه آن با مدل‌های ارائه شده در این زمینه و در سایر پژوهش‌ها به عنوان پژوهشی تحلیل مقایسه‌ای.
- ۳- تحلیل روند انجام کار در حالت معمولی و قطعی.
- ۴- ارائه روشی مبتنی بر هوش مصنوعی و بر اساس شاخص‌های بدست آمده جهت بهبود شرایط موجود شرکت‌های مورد مطالعه
- ۵- پیشنهاد می‌گردد از سایر روش‌های وزن‌گیری نیز استفاده شده و برای رتبه‌بندی پیشنهاد می‌شود از سایر روش‌های رتبه‌بندی مانند روش‌های تاپسیس و الکتراه و کوپراس و اورسته و پرومته و تئوری خاکستری و روش‌های جدید در علم تصمیم‌گیری چند معیاره برای رتبه‌بندی استفاده کرده و بین نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر همبستگی گرفته شود.
- ۶- پیشنهاد می‌گردد الگوریتم انجام این پایان‌نامه در فضای عادی اجرا شود.
- ۷- اولویت‌بندی ابعاد و شاخص‌های محدودیت‌های مالی بر اساس تاثیر گذاری بر بازده سهام.

۸- در نظر گرفتن اصل کرامت انسانی در انجام معاملات

۹- پرهیز از تبانی و ائتلاف جهت افزایش قیمت

۱۰- تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی و فرهنگ‌سازی برای حاکمیت ارزش‌های اخلاقی

در معاملات

محدودیت‌های پژوهش

از عمده‌ترین ارکان تحقیق و پژوهش دسترسی به آمار و اطلاعات است، در این زمینه مشکلاتی وجود دارد که موجب شده خدمات تحقیقاتی از قبیل دسترسی به کتب، مجلات، آمار، بانک‌های اطلاعاتی و ... در کشور به راحتی ممکن نباشد.

بخشی از این مشکل ناشی از فقدان یا کمبود هریک از خدمات تحقیقات فوق است و از سوی دیگر فرهنگ غلط، سبب خصوصی تلقی کردن این موارد شده و در نتیجه افراد و موسسات به نوعی از انتقال یافته‌های خویش به دیگران خودداری می‌کنند.

از سوی دیگر متغیرهای ناخواسته که ممکن است حاصل طرح‌ها و روش‌های ویژه‌ای باشند که در تحقیق به کار گرفته می‌شوند، غالباً به گونه‌های مختلف، اعتبار درونی و بیرونی

تحقیق را به مخاطره می اندازند.

باید آگاه بود که در پژوهش ها، کنترل یا حذف کامل این نوع عوامل غیر ممکن است. اما به هر حال سعی پژوهشگران بر آن است که این عوامل را حد الامکان پیش بینی شناسایی و تمام احتیاط های لازم را به منظور کاهش آنها بکار برند.

هر پژوهشی در کنار بدیع بودن و داشتن نقاط قوت، دارای برخی محدودیت های روش شناختی نیز می باشد. البته باید توجه داشت که محدودیت های پژوهش به معنی نارسایی پژوهش در مراحل تدوین، اجرا، تحلیل و تبیین نتایج نمی باشد به عبارت دیگر از زاویه روش شناختی محدودیت های اعمال شده، بیانگر توانمندی پژوهش است.

فهرست منابع

۱. ابریشمی، ح.، و توحیدی نیا، ا.، و خزایی، ف. (۱۳۹۶). بررسی و تبیین مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامناسب در بازار سرمایه و نقش اخلاق در کاهش آن. مدیریت مخاطرات محیطی، ۴(۴)، ۳۴۵-۳۹۹. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۴۰۳-۴۱۸>
۲. خلیفه سلطانی، سید احمد، خواجهوی، سیمین. (۱۳۹۵). تاثیر مخاطرات اخلاقی بر ساختار سرمایه. مطالعات تجربی حسابداری مالی، 12(49), 171-189. doi: 10.22054/qjma.2016.4198
۳. کاشانی پور، محمد و ابوالفضل مؤمنی یانسری (۱۳۹۰)، «بررسی نقش عدم تقارن اطلاعاتی در تصمیمات ساختار سرمایه شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس تهران». فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی. شماره ۹. ص ۹۵.
۴. کامیابی، یحیی، بوربوری، فاطمه. (۱۳۹۷). مخاطرات اخلاقی و عدم تقارن اطلاعاتی در قیمتگذاری کمتر از حد عرضه‌های اولیه عمومی سهام. حسابداری، پاسخگویی و منافع جامعه، 6(1), 21-42. doi: 10.22051/ijar.2016.2361
۵. سینایی، حسنعلی. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین بازده سهام و محدودیت مالی در شرکت‌های تولیدی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۶. کردستانی، غلامرضا و عمران نجفی. (۱۳۸۷). مروری بر نظریه‌های ساختار سرمایه، مجله حسابداری، شماره ۱۹۸، ۴۰-۴۸.
۷. کنعانی امیری، منصور. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین محدودیت مالی و بازده سهام در بازار سرمایه ایران، دو ماهنامه دانشور، شماره ۲۶، ۱۷-۳۰.
۸. نژادی کلاریجانی، علی، (۱۳۹۳)، رابطه بین محدودیت‌های مالی نقدینگی سهام و بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، همایش ملی تحلیل راهبردی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در اقتصاد و مدیریت حماسه اقتصادی / اقتصاد مقاومتی، بابل،
۹. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و الهه حجازی (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چاپ بیست و یکم، تهران، نشر آگه، ۱۸۸-۱۸۶.
۱۰. داوری، علی و رضازاده، آرش (۱۳۹۲). مدلسازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
11. شعری آناقیز، صابر، محسنی رستاقی، بهرام. (۱۳۹۴). انعطاف پذیری مالی و تصمیمات ساختار سرمایه در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲(۴۶)، ۹-۲۶.

12. Baker, M., & Wurgler, J. (2002). Market timing and capital structure. *The journal of finance*, 57(1), 1-32.
13. Bernanke, B, and M. Gertler,(1989), Agency Cost, Net Worth, and Business Fluctuations, *American Economic Review*, 79(1), 14-31.
14. Bernanke, B. S., & Gertler, M. (1986). Agency costs, collateral, and business fluctuations.
15. Buehlmaier, M. M., & Whited, T. M. (2018). Are financial constraints priced? Evidence from textual analysis. *The Review of Financial Studies*, 31(7), 2693-2728.
16. Carhart, M. M. (1997). On persistence in mutual fund performance. *The Journal of finance*, 52(1), 57-82.
17. Chan, K. C., and N. Chen, 1991, Structural and Return Characteristics of Small and Large Firms, *Journal of Finance*. 46(4), 1467-1484.
18. Cronbach, L. J. (1951). Coefficient alpha and the internal structure of tests. *Psychometrika*, 16, 297–324.
19. Espinosa, R, (2015), Financial Constraints, Corporate Investment and Future Profitability, Phd Thesis on Business Administration, University of California, Berkeley.
20. Fama, E. F., & French, K. R. (2015). A five-factor asset pricing model. *Journal of financial economics*, 116(1), 1-22.
21. Fama, E., French, k. (2015), " A Five-factor Asset Pricing Model", *Journal of Financial Economic* 116(1), 1-22.
22. Feldman, M. S. (2004). Resources in emerging structures and processes of change. *Organization Science*, 15(3), 295-309.
23. Greenwald, B. C., & Stiglitz, J. E. (1993). Financial market imperfections and business cycles. *The Quarterly Journal of Economics*, 108(1), 77-114.
24. Hahn, jaehoon,(2003), Asset Pricing Implications of Capital Market Imperfections, Phd Thesis on Business Administration, Columbia University.
25. Lamont, O., Polk, C., & Saaá-Requejo, J. (2001). Financial constraints and stock returns. *The review of financial studies*, 14(2), 529-554.
26. Reilly, F. K., & Brown, K. C. (2011). *Investment Analysis and Portfolio Management (Text Only)*. Cengage Learning

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۶۰-۳۷

بررسی عوامل موثر بر وفاداری مشتری با محوریت شخصیت برند (مورد مطالعه: شعب بانک ملت اصفهان)

حمیدرضا احقاقی^۱

محمد قاسمی نامقی^۲

علی حسین زاده^۳

چکیده

برند را به عنوان یکی از با ارزش ترین دارایی های هر شرکت برشمرد. هرچه ارزش برند در ذهن مشتریان بیشتر باشد، شرکت می تواند در سایه آن منافع بیش تری را از مشتریان کسب کند. هدف این تحقیق بررسی عوامل موثر بر وفاداری مشتری با محوریت شخصیت برند (مورد مطالعه: شعب بانک ملت اصفهان) بوده است. جامعه آماری این تحقیق را مشتری و کارکنان و مدیران بانک ملت تشکیل داده است. جامعه آماری در مرحله کمی حدود ۳۸۴ نفر بوده است. روابط بین متغیرهای تحقیق با استفاده از نرم افزار smart.pls مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد مقوله های شناسایی شده شامل ارزش مشتری، اعتبار برند، اعتماد برند، بازاریابی برند، تجربه مشتری، تصویر ذهنی مشتری، تصویر شرکت، عوامل سازمانی، عوامل محیطی، قدرت برند، مزیت رقابتی، مسئولیت اجتماعی برند، هویت برند، وفاداری مشتری، ویژگی خدمات از عوامل موثر بوده است.

واژگان کلیدی

برندسازی، وفاداری مشتری، شخصیت برند.

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

Email: hamid5797@yahoo.com

۲. استادیار مدیریت بازرگانی، گروه اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
استاد مدعو گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی تربت حیدریه ایران.

Email: mgghn2008@yahoo.com

۳. استادیار مدیریت، گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی تربت حیدریه، ایران.

Email: hosseinzadeh56@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۸/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۴

طرح مسأله

با توجه به توسعه روز افزون کاربران خدماتی و علاقه آنها به انتخاب بهترین خدمات از نظر عملکردی، شاخص های عملکردی زیادی در زمینه ارزیابی خدمات وجود دارد که عبارتند از: ویژگی های کیفیت مانند، زمان پاسخ گویی، در دسترس بودن، قابلیت اطمینان و غیره... با وجود تلاش های متعدد از سوی محققان بازاریابی از نظر دیدگاه کوتاه مدت، مطابقت هایی وجود دارد اما از دیدگاه بلند مدت، نیازمند ارزیابی دقیق تر می باشد (یاهویی و اون^۱، 2018).

می توان برند را به عنوان یکی از با ارزش ترین دارایی های هر شرکت برشمرد. هرچه ارزش برند در ذهن مشتریان بیشتر باشد، شرکت می تواند در سایه آن منافع بیش تری را از مشتریان کسب کند. بنابراین می توان گفت برند یک دارائی درازمدت و استراتژیک برای هر شرکتی است که می تواند در زمینه کمک کردن به رابطه با مشتری و مسائل مربوط نظیر حفظ مشتری و رفتارهای سوددهی او موثر باشد. با توجه به اهمیت برند برای ایجاد تمایز و رشد شرکتهای، اخیرا این حوزه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. (پیچ و آرمستودی^۲، ۲۰۱۵). در مطالعات بازاریابی، ارتباط بین مشتریان و برندها، موضوع مدنظر محققان و متخصصان بوده است. در این شرایط محرک های ارزش های برند، شامل تعامل با مشتری و تجربه برند، می باشد. بسیاری از مشتریان، متناسب با تجربیاتشان نسبت به برند، میزان منافع و اعتقاداتشان را نشان می دهد (اسوریس و همکاران^۳، ۲۰۱۵) که با ارزش های نمادین محصولات، میزان لذت از آن محصول و تصویر برند، مرتبط است (گمباتی و همکاران^۴، ۲۰۱۲). . مطالعات اخیر در مورد نقش برند و ارزش ویژه برند در استراتژی های بازاریابی، بر اساس یک دیدگاه ارتباطی، متمرکز بوده است. به طور خاص، برخی از مطالعات بر روی محرک های خاص ارزش ویژه برند متمرکز بوده است، یعنی کسانی که تجربه مربوط به اعتماد، دل بستگی، و درگیری ذهنی را داشته اند و بر روی محرک های ارزش ویژه برند، ماهیت و خصوصیات واکنش های عاطفی افراد نسبت به برندها، به عنوان پیش شرط های پیش بینی واکنش احساسی افراد، نیاز به مطالعات بیشتری است. (ریسیتانو و همکاران^۵، ۲۰۱۷).

بر موضوع وفاداری مشتری به یک محصول یا علامت تجاری خاص، اهمیت بسیاری دارد. وفاداری برای بسیاری از شرکت ها، نوعی ابزار رقابتی شناخته شده و رشد بقای سازمان ها نیز

- 1- Yahyaoui . Hamdi, Own .Hala S
- 2- C. Pich and G. Armannsdottir
- 3- Assiouras et al
- 4- Gambetti et al
- 5- Risitano

به چگونگی وفاداری مشتریان آنها وابسته است (بوهن و آجیپونگ^۱، ۲۰۱۱). با افزایش رقابت، نیاز به وفاداری مشتری و حفظ آن اهمیت ویژه ای می یابد (تراسوراس و راسسیل^۲، ۲۰۰۹). وفاداری مشتریان، مهم ترین خروجی ارائه دهندگان محصول و خدمات است (لوین، راجاما و پاسوان^۳، ۲۰۱۵). در واقع وفاداری تعهدی است که از نگرش مطلوب نسبت به خرید سازگار از برندی خاص نشأت می گیرد (چانگ و گیسیون^۴، ۲۰۱۵). مشتریان وفادار نسبت به قیمت حساسیت کمتری دارند، زیرا برای آنها بنگاه و کسب و کار جذابیت دارد و برای برقراری ارتباط با آنها به تلاش کمتری نیاز است (دولنیکار و همکاران^۵، ۲۰۱۱). یکی از عوامل مهم در شکل گیری وفاداری مشتریان به محصولات، خدمات و در حالت کلی به برند تصویری است که از شخصیت آن برند در ذهن مشتریان نقش می بندد. تاثیر شخصیت برند در درک انتخاب برند نیز اهمیت بسیاری دارد (گیونس و همکاران^۶، ۲۰۰۹). هر مشتری در ذهن خود یک یا چند ویژگی از ویژگی های شخصیت انسانی را به هر برند اختصاص می دهد. شخصیت برند ویژگی خاصی است که از سوی مصرف کننده درک شده و اصطلاح منحصر به فرد و معتبری از تلاش برای معنا بخشی به ایجاد هویت در بازار برند ها، تعریف می شود. ویژگی های شخصیتی برند معانی نمادین یا ارزش های احساسی فراهم می کنند که می تواند به ترجیحات برند مصرف کنندگان کمک کند، اما مصرف کنندگان اغلب به استفاده از برند هایی با شخصیت قوی تمایل دارند تا بتواند با آن رابطه برقرار کنند و شخصیت خود را به نمایش بگذارند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱). مشتریان اغلب با دادن شخصیت به برند ها برای آنها جنبه انسانی قائل می شوند و بازاریابان اکثر اوقات به کمک جایگاه یابی، این ادراکات را ایجاد کرده یا تقویت می کنند (وایتز و موردویج^۷، ۲۰۱۰). خصوصیات شخصیت برند یک مفهوم نمادین یا ارزش عاطفی فراهم می آورد که می تواند به استنباط مشتری از برند منجر شود و ماندگار تر از ویژگی های وظیفه ای عمل کند. جایگاه یابی موفقیت آمیز شخصیت برند در یک طبقه کالا نیازمند مدل هایی است که قادر باشد خصوصیات شخصیتی منحصر به فرد را از ویژگی هایی که در طبقه کالا برای همه برند ها مشترک هستند، متمایز کند (راجاگوپال^۸، ۲۰۰۸). به طور کلی، این منظر بیان می کند که یک هویت برند قدرتمند، چیزی بسیار فراتر از ویژگی های محصول است. برند همانند یک شخص

-
- 1 - Boohene & Agyapong
 - 2 - Trasaras, R. & Russell
 - 3 - Lewin, Rajamma & Paswan
 - 4 - Chang & Gibson
 - 5 - Dolnicar et al
 - 6 - Geuens et al
 - 7 - Waytz & Morewedge
 - 8 - Rajagopal

نیز می‌تواند به صورت پویا، مسئولیت‌پذیر و .. به نظر برسد. تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که شخصیت برند به چندین طریق می‌تواند سبب ایجاد یک برند قدرتمند گردد. شخصیت می‌تواند سبب ایجاد مزیت‌های نمادین برای مشتریان شده و به صورت ابزاری برای خودنمایی مشتریان و بیان شخصیت آنها استفاده شود. همچنین شخصیت برند می‌تواند به انتقال ویژگی‌های محصول به مشتریان کمک کند و سبب ایجاد مزیت‌های کارکردی برای مشتریان شود. بیشتر تحقیقاتی که روی موضوع شخصیت برند انجام گرفته است، مربوط به تحقیقات و مطالعات آکر است. آکر شخصیت برند را به این صورت تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از مشخصات و صفات متمایز مرتبط با برند. شخصیت برند، قسمت عمده‌ای از مفهومی با نام هویت برند را تشکیل می‌دهد (آقا زاده و همکاران، ۱۳۹۵). جذب منابع و مشتریان بیشتر، ایجاد مکانیزمی دفاعی در مقابل رقبای فعال و اتخاذ رویکردی برای حضور در تمامی حوزه‌های بانکداری، توسط بانک‌ها می‌باشد. اصلاح ساختار بانک‌ها و تبدیل آن از وظیفه‌مداری به مشتری‌مداری یکی از گام‌های اصلی در این مسیر بوده و حوزه‌هایی همچون بانکداری خرد، بانکداری اختصاصی، بانکداری شخصی، بانکداری تجاری و بانکداری شرکتی و ... از جمله زیربخش‌های بانکداری به شمار می‌روند که در ساختار سازمانی بانک‌ها ایجاد گردید. روندهای اخیر صنعت بانکداری در ایران و نگرش مشتریان به بانک‌ها نشان دهنده این است که با توجه به چالش‌های اخیر سیستم بانکی، اعتماد مردم به سیستم بانکی کشور به دلیل عملکرد غیر شفاف بانک‌های تجاری، پرداختی‌های نامتعارف برخی از مدیران و نیز ورشکستگی برخی از موسسات مالی و ایجاد مشکلات فراوان برای سپرده‌گذاران خود، بسیار کاهش یافته است. در این وضعیت کلیه بانک‌ها سعی بر این دارند تا با توجه به فعالیت‌های خود در راستای مسئولیت اجتماعی سازمانی، این وضعیت بی‌اعتمادی شکل گرفته را تا حدی بهبود بخشند. از سوی دیگر با توجه به فضای رقابتی حاکم بر صنایع مختلف علی‌الخصوص صنعت بانکداری و نیز وجود مشابهت‌های زیاد در زمینه محصولات ارائه‌شده، توجه به مفهوم برند‌سازی، شخصیت‌برند و ایجاد تمایز در ذهن مشتریان، در این سازمان‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفته است، ولی با توجه به وجود مشابهت‌های بسیار زیاد در صنعت بانکداری و چالش‌های پیش‌رو، ایجاد تصویرسازی ذهنی صحیح و تاثیرگذار بر ذهن مخاطبان هدف به درستی انجام نگرفته است. در این میان بانک‌های ملت نیز به دلیل فضای حاکم بر نظام بانکی دچار چالش در وضعیت تصویر ذهنی در میان مشتریان و ذینفعان خود می‌باشند، ولی علیرغم هویت ذاتی این بانک‌ها و به دلیل تسلط پایین و نداشتن ساختارهای مشخص در حوزه مدیریت برند، برندسازی سازمانی و بکارگیری شاخص‌های شفاف شخصیت‌برند در فرایند برندسازی، نتوانستند برندی مستحکم با تصویر ذهنی مطلوبی را در ذهن ذینفعانشان ایجاد نمایند. در این خصوص بانک‌های ملت با چالش‌هایی در ارتباط با بکارگیری

استراتژی های وفاداری مشتریان نه تنها برای التیام تضاد های موجود با جامعه، بلکه به منظور تحکیم ارتباط با ذینفعان خود و نیز تقویت مزیت های رقابتی مواجه می باشند. در واقع اگر مشتریان را واحدهای ایجاد سود سازمان تصور نمائیم . با سنجش وفاداری مشتری برای سازمان می توان ارزش شرکت را مورد ارزیابی قرار داد . متأسفانه این مفهوم هنوز در ایران چندان که باید مورد توجه قرار نگرفته است . ضعف دانش در حوزه ارتباط با مشتری در ایران نتیجه ای جز نارضایتی مشتریان و کاهش وفاداری مشتریان نسبت به وفاداری بالقوه آنها به دنبال ندارد. در این تحقیق سعی داریم با ارائه مدل وفاداری مشتریان برای سازمان، این مفهوم را در بستر ارتباطی سازمان ها و مشتریان مورد بررسی قرار دهیم . در واقع مسئله اصلی این تحقیق، به بررسی عوامل موثر بر وفاداری مشتریان با محوریت شخصیت برند برای بانک ملت ایران است درصد هستیم دریابیم چگونه روابط این عوامل وفاداری مشتریان را برای بانک ملت افزایش و کاهش می دهد . در بخش بعدی این مقاله، ادبیات تحقیق، آورده شده است و سپس، روش شناسی و تجزیه و تحلیل داده ها بیان می گردد.

ادبیات تحقیق

برند به عنوان رکن و اساس بازی رقابتی امروز، عنصری است که باید به دقت تعریف، ایجاد و مدیریت شود تا صنایع و سازمانها بتوانند با تکیه بر آن سودآوری و رقابت پذیری هر چه بیشتر را برای خود رقم بزنند (آیلی و چایلان^۱، ۲۰۱۱). برندسازی رویکردی است که به مشتریان کمک میکند محصول یک شرکت را از بین محصولات شرکت های رقیب انتخاب کنند (لیبرالی و همکاران^۲، ۲۰۱۳). پژوهشگران معتقدند که برندها این قابلیت را دارند که هویت مطلوب فرد را مجسم کرده، اطلاع دهند و به دیگران ابلاغ کنند. پژوهشگران معتقدند افراد بر اساس هویت اجتماعی خود دست به انتخاب برندها میزنند و برندی را برمیگزینند که منعکس کننده هویت آنها باشد (آلام و همکاران^۳، ۲۰۱۴).

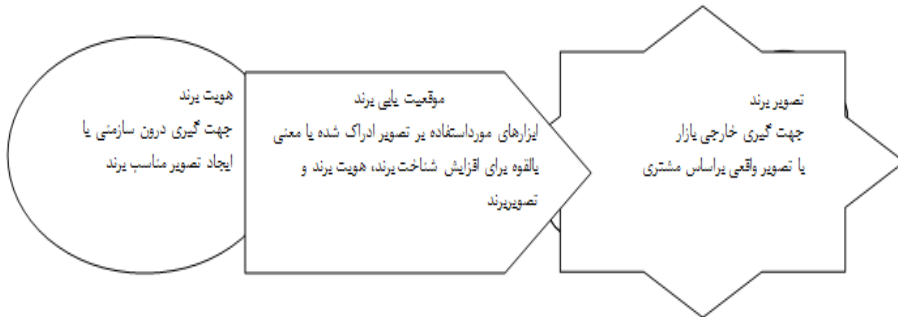
برندسازی از سه قسمت اصلی تشکیل می شود. اولین جزء هویت برند است که نشان دهنده گرایش داخلی سازمان یا تصویر مورد نظری است که یک سازمان سعی دارد با بازار ارتباط برقرار کند. از سوی دیگر، مولفه دوم تصویر برند است که گرایش بازار خارجی نامیده می شود که بیانگر تصویری از برندی است که توسط مصرف کنندگان درک شده است. مولفه سوم موقعیت تجاری است که دو عنصر قبلی را پیوند می دهد. در واقع، موقعیت برند، ویژگی های سازمانی را

1- Ille & Chailan

2- Liberali

3- Alam et al

نشان می‌دهد که می‌تواند بر روی تصویر برند مصرف‌کنندگان تأثیر گذار باشد (زورا، ۲۰۱۵).



شکل ۱- شناسایی نام تجاری، تصویر برند و موقعیت برند (زورا، ۲۰۱۵).

موفقیت یک برند در بازار تابعی از ابعاد عملکرد برند است. رویکرد استراتژیک بازاریابی می‌تواند به شرکت کمک کند تا کارکرد برند خود را در رابطه با رقبا به طور دقیق ارزیابی کند و شرکت را قادر می‌سازد تا در مقابل تهدیدات رقابتی در حال ظهور پاسخ گو باشد و تضمین می‌کند که راهکارهای بازاریابی جدید به درستی سنجیده شده است (هیرونن و لائوکانن^۲، ۲۰۱۲). منظور درک بهتر عملکرد برند در بازار، شرکت‌ها طیف گسترده‌ای از مقیاس‌ها را به کار گرفته‌اند که پژوهش‌های مبتنی بر مشتری اغلب نقش مرکزی در این پژوهش‌ها را بر عهده دارد. لمن و همکاران (۲۰۰۸)، در پژوهشی به شناسایی ابعاد اصلی معیارهای مبتنی بر بررسی عملکرد برند و عناوین ساختارهای عملکرد برند از جمله نگرش کلی، نوآوری، آگاهی، دانش، تمایز، شهرت، عملکرد، مزایا، اعتماد و بررسی تأثیرات آنها بر یکدیگر می‌پردازند. همچنین آمبلر و همکاران^۳ (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای به توسعه یک چارچوب کلی به منظور اندازه‌گیری عملکرد برند و بازاریابی بر اساس شش معیار اندازه‌گیری: مالی، رقابتی، رفتار مصرف‌کننده، مصرف‌کننده واسطه، احساسات مشتری، تجارت مستقیم و نوآوری می‌پردازند. سولکانسکی و همکاران^۴ (۲۰۱۱)، نیز در مطالعه‌ای، به توصیف و مقایسه رویکردهای مختلف به منظور یافتن معیارهایی برای اندازه‌گیری فعالیت‌های بازاریابی از طریق معیارهای مالی و معیارهای غیر مالی می‌پردازند. نگو و اوکاس^۵ (۲۰۱۱)، در پژوهشی با هدف اتخاذ چشم‌اندازی برای خلق ارزش مشتری محور به بررسی دیدگاه‌هایی درباره تأثیر

1- Zora

2- Hirvonen & Laukkanen

3- Ambler et al

4- Solcansky et al

5- Ngo & O'Cass

جهت گیری های کسب و کار، به ویژه جهت گیری بازاریابی و جهت گیری نوآوری به منظور ایجاد ارزش مشتری محور (ارزش ویژه مشتری و عملکرد برند)، می پردازند. یافته ها نشان می دهد که بازاریابی و نوآوری گرا بودن در ایجاد مشتریان، نگه داشتن آنها، و افزایش فروش و عملکرد بهتر برند در بازار نقش مهمی دارد (نگو و اوکاس، ۲۰۱۱). خلاصه ای از ابعاد عملکرد برند، در جدول زیر آورده شده است.

| ابعاد | سازه |
|--|------------------|
| نگو و اوکاس ^۲ ، امبلرو همکاران ^۱ ۲۰۰۱، لمن و همکاران ^۲ ۲۰۰۸ | نوآوری |
| نگو و اوکاس ۲۰۱۱، امبلر و همکاران ۲۰۰۱ | رضایت |
| امبلر و همکاران ۲۰۰۱ | دسترسی/توزیع |
| لمن و همکاران ۲۰۰۸ | نگرش |
| ایست و همکاران ^۳ ۲۰۰۸ | تبلیغات توصیه ای |

جدول ۲- ابعاد عملکرد برند در بازار

مدیریت برند، باورها و ارتباطات شفاف، هدفمند و پایداری است که شرکت ها بر اساس آنها برای مشتریان هدف خود ارزش آفرینی می کنند و به نوعی برند خود را مدیریت می کنند و مدیریت برند را جزء لاینفک برندسازی معرفی کرده و اعتقاد دارند، هرگز برندی صرف انجام مجموعه فعالیتی تحت عنوان "ایجاد برند"، ساخته نمی شود، به دلیل آنکه برای شکل گیری یک برند عوامل متعددی دخیل می باشند (سیمون^۴، ۲۰۱۲).

آکر (۱۹۹۷) پیشنهاد می کند که مصرف کنندگان، در نسبت دادن ویژگی های شخصیتی انسان به برندها دشواری ندارد. براساس کارهای فورنیر^۵ (۱۹۹۸)، یک راه برای توجیه پرندها به عنوان دوست، برجسته ساختن روش هایی است که برندها در آنها جانبخشی شده، انسانی شده یا تا حدی، شخصی می شوند. وی بیان می کند که به نظر می رسد مردم نیاز به انسان انگاری برندها برای تسهیل تعامل با آنها دارند. شخصیت پرندها (BP) به عنوان ویژگی های شخصیتی انسان و مشخصه های انسانی مربوط به یک پرندها است (آکر ۱۹۹۷) یعنی شناسایی معنای پرندها با

- 1- Ambler
- 2- Lehmann
- 3- East et al
- 4- Simon
- 5- Fournier

جنبه‌های شخصیتی (آکر و همکاران^۱، ۲۰۰۱). یک BP متمایز در ایجاد مجموعه‌ای از تداعی‌های مطلوب در ذهن مصرف‌کننده سهم دارد و در نتیجه به طور مثبت پیامدهای مطلوب را متاثر می‌سازد (فرلینگز و فوربس ۲۰۰۵، رامسشان، استین ۲۰۱۴). در نتیجه، شخصیت‌بخشی به برندها به عنوان فعالیت قدرتمندی در نظر گرفته می‌شود که برای موفقیت برندها از نظر رابطه مصرف‌کننده-برند، تداعی‌های برند، پسندها و انتخاب‌ها مهم است (آکر، فورنیر، براسل ۲۰۰۴، براکوس و همکاران ۲۰۰۹، چادوری، هولبوروک ۲۰۰۱، سلمنز و همکاران ۲۰۱۲، ایزند، استوکبرگر، ساویر، ۲۰۱۳، فرلینگ، فوربس ۲۰۰۵، گوردن و همکاران ۲۰۱۶، نیسوین و همکاران ۲۰۱۳).

آکر (۱۹۹۷)، شخصیت برندها را به عنوان یک ساختار چندبُعدی که نشان‌دهنده ۵ بُعد است تعریف می‌کند: صمیمیت، هیجان، شایستگی، دلفریبی، و قدرت. BPS^۲ آکر در بسیاری از پژوهش‌ها به کار رفته است (ایزند، استوکبرگر، ساویر ۲۰۱۳). با این وجود انتقاداتی نیز به دلایل متعددی بر آن وارد شده است (اویس و همکاران ۲۰۱۴، آزولاین، کاپرر ۲۰۰۳، جونز و همکاران ۲۰۰۹، راجنابل و همکاران ۲۰۱۶).

وفاداری مشتریان به برند

اعتماد مشتریان نسبت به برند بر اساس باورهای مثبت درباره انتظاراتشان از رفتار سازمان و عملکرد، محصولاتش، بهبود و توسعه می‌یابد (اشلی و لئونارد^۳، ۲۰۰۹). اعتماد اثر فزاینده‌ای در طول زمان بر روی وفاداری مشتریان دارد و در طول زمان مشتریان که به برند اعتماد دارند وفاداری شان نسبت به آن افزایش می‌یابد (چو و شن^۴، ۲۰۱۱).

وفاداری مشتری به دلیل اثر مثبت آن بر فروش، کسب سهمی از بودجه و حفظ مشتری مهم است (داگر و همکاران^۵، ۲۰۱۰). ارتقای سطح رضایتمندی مشتری، باعث ارتقای میزان سودآوری و افزایش سهم شرکت‌ها در بازار رقابت خواهد شد. البته این کافی نبوده و شرکت‌ها باید مطمئن شوند که مشتریان رضایتمندشان وفادار هم هستند (وو^۶، ۲۰۱۱).

وفاداری مشتری، جام مقدس بازاریابی، مدت‌ها است که به عنوان یک سوال تجاری از اهمیت بسیار زیاد برخوردار بوده است. وفاداری مشتری در هر سازمانی که تحت تاثیر فشارهای رقابتی ناشی از عرضه و احتمال بالاتر شکست‌های سازمانی است، بسیار مهم و قابل توجه است.

1. Aaker
2. brand personality scale
3. Ashley & Leonard
4. Chiou & Shen
5. Dagger
6. Wu

از این رو، وفاداری مشتری همچنان برای بیشتر بازاریابان همچنان دست نیافتنی باقی مانده است. اما برنامه‌های وفاداری تا حد زیادی در ایجاد وفاداری شکست خورده اند، چرا که آن‌ها بر پایه منطق ناقص محرک‌های مرتبط با حفظ و نگهداری مشتری طراحی شده اند (سیوراستاو و رای^۱، ۲۰۱۸).

وفاداری به طور سنتی یک ساختار منعکس کننده دو نوع رفتار است: قصد خرید مجدد و قصد پیشنهاد. وفاداری رفتاری، منجر به افزایش فروش می شود. وفاداری مرتبط با خرید مجدد، توصیه دهان به دهان و سایر فعالیت‌هایی است که رابطه فروشنده / خریدار را تقویت می کند شامل وفاداری رفتاری است. در این راستا، بهبود تعاملات بین مشتریان و فروشندگان، به فرآیند ایجاد ارزش از طریق تبادل اطلاعات، توصیه‌ها، توسعه ایده‌های جدید، کارکردها، کاربردها و دیگر جنبه‌های مرتبط با نوآوری محصول کمک می کند. بنابراین با افزایش وفاداری رفتاری می تواند به توسعه فروش شرکت کمک کند (مولینیلو و همکاران^۲، ۲۰۱۹). وفاداری مشتری، پایه و اساس بسیاری از مدل‌های بازاریابی معروف از قبیل زنجیره سود خدمات، ارزش ویژه مشتری، بازیابی خدمات و ارزش برند می باشد. وفاداری یک عامل پنهان است، زمانی درک می شود که وفاداری روانی مشتری (که وفاداری نگرشی نیز گفته می شود) به رفتارهای وفاداری تبدیل شود. وفاداری پنهان یک مشکل بازشناسی شده در استراتژی‌های نگهداری مشتری می باشد. برای مثال ریچهلد^۳ (۲۰۰۳) بیان کرده است که بسیاری از مشتریانی که ترک می کنند در واقع راضی هستند. بررسی‌ها باید فراتر رفتن از رضایت، انجام شود. گوپتا و زیتمال^۴ (۲۰۰۶) در مورد معیارهای ارزیابی مشتری، پیشنهاد می کند تمایلات وفاداری مشتری اغلب وفاداری واقعی را پیش بینی نمی کند. نکته حائز اهمیت این است که وفاداری پنهان یک نگرانی جدی برای بازاریابان است. چون ایجاد یک نگرش مطلوبتر می تواند برای تضمین رفتارهای وفاداری باشد (ولتر و همکاران^۵، ۲۰۱۷). وفاداری مشتری به سازمان مقوله ای است که از عوامل و شرایط متعدد و متنوعی در درون و بیرون سازمان تأثیر می پذیرد، که میزان اثرگذاری آن‌ها با توجه به نوع سازمان، از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است در این راستا صفایی و همکاران (۱۳۹۷) در تأثیر ارزش مشتری و تصویر برند بر وفاداری مشتریان (مورد مطالعه صنعت بیمه) نشان دادند ارزش درک شده مشتریان بر وفاداری مشتریان تأثیر مثبتی دارد که با وجود متغیر میانجی تصویر برند تأثیر ارزش مشتری بر وفاداری مشتریان تأیید می شود. مولفه‌های نتایج تحقیق تأثیر

1. Srivastava Medha, Rai
2. Molinillo
3. Reichheld
4. Gupta و Zeithmal
5. Wolter

تصویر برند بر وفاداری مشتریان را مورد تایید قرار داد. وظیفه دوست و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی تاثیر شخصیت برند بر ارزش ویژه برند و اعتماد به برند، نشان دادند که شخصیت برند بر اعتماد مصرف کنندگان تاثیر دارد. همچنین شاخص های ارزش ویژه برند از شخصیت برند تاثیر می پذیرد. پس شخصیت برند بر وفاداری، کیفیت ادراک شده، آگاهی برند و تداعی همخوانی تاثیرگذار است. ساتوج و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در بررسی روابط تصویر، روابط تجاری و ارزش مشتری با توجه به نقش هزینه تبلیغات و شدت کار در وفاداری مشتری، نشان دادند تصویر شرکت و اعتماد کارکنان تاثیر قابل توجهی بر ارزش مشتری و ادراک وفاداری دارد. این تحقیق تأیید می کند که تفاوت های شدت هزینه تبلیغات می تواند اختلاف در تاثیر نسبی ارزش مشتری و محرک های وفاداری در صنایع مختلف خدمات را توضیح دهد. یوگانتان و همکاران^۲ (۲۰۱۵) در بررسی تاثیر گرایش بازاریابی رابطه مند بر ارزش ویژه برند در بانک ها نشان دادند که گرایش بازاریابی رابطه مند به شکلی مثبت، توسعه ارزش ویژه برند در بانک ها را افزایش داد. از ابعاد گرایش بازاریابی رابطه مند مورد بررسی قرار گرفته، اعتماد، ارتباط، ارزش مشترک و همدلی به شکلی معنادار ارزش ویژه برند را افزایش می دهد. نتایج این یافته ها در نظریه و عمل پیشنهاد شده است. یافته های این مطالعه دارای کاربردهای عملی برای افزایش ارزش ویژه برند بانک ها و دیگر موسسات مالی از طریق تقویت الگوهای بازاریابی رابطه مندشان است. مولونیو و همکاران^۳ (۲۰۱۹) در بررسی تحلیل تاثیر حمایت اجتماعی و عوامل اجتماعی بر تعامل با مشتری و تاثیر آن بر رفتارهای وفاداری به وب سایت های تجارت الکترونیکی نشان دادند که مشارکت مشتری، پیشگویی کلیدی در چهار بعد وفاداری مشتری نسبت به وب سایت های تجارت اجتماعی است. علاوه بر این، نتایج حاکی از آن است که حمایت اجتماعی و دو عامل اجتماعی به طور قابل ملاحظه ای بر تعامل مشتری تأثیر می گذارد. آهرولد و همکاران^۴ (۲۰۱۹) در بررسی افزایش وفاداری با توجه به بهبود مسائل مرتبط با لذت و رضایت مشتری نشان دادند اثر لذت و رضایت با افزایش تجربه های مصرف قبلی کم می شوند. بنابراین، زمانی که مدیران در لذت و رضایت سرمایه گذاری می کنند، باید تاثیرات نا چیز فردی خود را بر وفاداری و تمایز بین مصرف کنندگانی که تجربه مصرف قبلی داشتند، در نظر بگیرند

-
1. Sajtos
 2. Yoganathan
 3. Molinillo et al
 4. Ahrholdt et al

طرح پژوهش

در این تحقیق برای بررسی عوامل مؤثر بر طراحی مدل وفاداری مشتری با محوریت شخصیت برند بانک ملت در این تحقیق، ابتدا با رویکرد کیفی و نظر خبرگان متغیرهای تحقیق شناسایی شده است. در این مطالعه به اعتبارسنجی مدل پرداخته شده است. پژوهش بر اساس هدف، توسعه ای و بر اساس دسته بندی روش های گردآوری اطلاعات از نوع پیمایشی است در این تحقیق برای اندازه گیری متغیرهای تحقیق از پرسشنامه ای با طیف ۵ تایی لیکرت، استفاده می شود. پرسشنامه شامل ۱۵ بُعد و ۹۸ سوال بوده است. جامعه آماری این تحقیق، با توجه به ماهیت موضوعی مدل تحقیق و نظر اساتید، مدیران عالی و کارکنان با تجربه فعال بانک ملت می باشد. جامعه آماری در مرحله کمی حدود ۳۸۴ نفر بوده است. برای آزمون روابط بین متغیرها نیز از نرم افزار SMART.PLS استفاده شده است.

متغیرها و مدل پژوهش

روایی و پایایی متغیرهای مدل‌های تحقیق

از آنجایی که از پرسشنامه استاندارد برای سنجش متغیرها استفاده شده، ابتدا، شاخصهای مورد نظر ترجمه و سپس، با مراجعه به نخبان اصلاحات لازم صورت گرفت. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می شود. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می شود. بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ قابل قبول است و اگر بزرگ تر از ۰/۶ باشد خیلی مطلوب است. در جدول (۱) می توان مشاهده کرد تمامی بارهای عاملی متغیرها مقداری بیشتر از ۰,۵ را دارا می باشند و مؤید این مطلب است که پایایی در مورد مدل اندازه گیری قابل قبول است.

| آماره تی | بار عاملی | جهت | آماره تی | بار عاملی | جهت |
|----------|-----------|-------------------|----------|-----------|------------------|
| 12.201 | 0.675 | ← عوامل محیطی q50 | 14.849 | 0.678 | ← ارزش مشتری q01 |
| 10.092 | 0.633 | ← عوامل محیطی q51 | 22.356 | 0.786 | ← ارزش مشتری q02 |
| 13.092 | 0.667 | ← عوامل محیطی q52 | 18.059 | 0.689 | ← ارزش مشتری q03 |
| 57.146 | 0.895 | ← قدرت برند q53 | 38.304 | 0.862 | ← ارزش مشتری q04 |
| 58.716 | 0.892 | ← قدرت برند q54 | 15.236 | 0.742 | ← ارزش مشتری q05 |

| | | | | | |
|----------------------|-------|--------|-----------------------|-------|--------|
| ← q06 اعتبار برند | 0.775 | 22.32 | ← q55 مزیت رقابتی | 0.846 | 42.123 |
| ← q07 اعتبار برند | 0.794 | 24.189 | ← q56 مزیت رقابتی | 0.777 | 23.495 |
| ← q08 اعتبار برند | 0.785 | 20.228 | ← q57 مزیت رقابتی | 0.856 | 51.241 |
| ← q09 اعتبار برند | 0.661 | 11.535 | ← q58 مزیت رقابتی | 0.793 | 45.129 |
| ← q10 اعتبار برند | 0.655 | 9.701 | ← q59 مسئولیت اجتماعی | 0.632 | 10.591 |
| ← q11 اعتماد برند | 0.791 | 20.118 | ← q60 مسئولیت اجتماعی | 0.799 | 19.485 |
| ← q12 اعتماد برند | 0.814 | 23.8 | ← q61 مسئولیت اجتماعی | 0.663 | 13.29 |
| ← q13 اعتماد برند | 0.844 | 36.566 | ← q62 مسئولیت اجتماعی | 0.869 | 31.865 |
| ← q14 بازاریابی برند | 0.683 | 15.13 | ← q63 مسئولیت اجتماعی | 0.74 | 15.331 |
| ← q15 بازاریابی برند | 0.671 | 11.068 | ← q64 هویت برند | 0.66 | 8.576 |
| ← q16 بازاریابی برند | 0.807 | 26.504 | ← q65 هویت برند | 0.786 | 19.211 |
| ← q17 بازاریابی برند | 0.582 | 9.471 | ← q66 هویت برند | 0.688 | 12.415 |
| ← q18 بازاریابی برند | 0.644 | 11.929 | ← q67 هویت برند | 0.586 | 9.211 |
| ← q19 بازاریابی برند | 0.581 | 10.146 | ← q68 هویت برند | 0.817 | 21.444 |
| ← q20 بازاریابی برند | 0.854 | 37.939 | ← q69 هویت برند | 0.595 | 8.239 |
| ← q21 بازاریابی برند | 0.807 | 21.489 | ← q70 هویت برند | 0.672 | 14.381 |
| ← q22 بازاریابی برند | 0.714 | 16.803 | ← q71 هویت برند | 0.821 | 19.131 |
| ← q23 بازاریابی برند | 0.604 | 11.041 | ← q72 هویت برند | 0.791 | 27.252 |

| | | | | | |
|------------------------|-------|--------|---------------------|-------|--------|
| ← q24 بازار یابی برند | 0.691 | 13.744 | ← q73 وفاداری مشتری | 0.824 | 24.389 |
| ← q25 بازار یابی برند | 0.783 | 29.502 | ← q74 وفاداری مشتری | 0.823 | 29.747 |
| ← q26 بازار یابی برند | 0.834 | 34.386 | ← q75 وفاداری مشتری | 0.852 | 31.533 |
| ← q27 تجربه مشتری | 0.926 | 78.66 | ← q76 ویژگی خدمات | 0.557 | 10.052 |
| ← q28 تجربه مشتری | 0.782 | 28.337 | ← q77 ویژگی خدمات | 0.839 | 30.497 |
| ← q29 تجربه مشتری | 0.924 | 81.034 | ← q78 ویژگی خدمات | 0.741 | 18.984 |
| ← q30 تجربه مشتری | 0.925 | 88.316 | ← q79 ویژگی خدمات | 0.692 | 12.93 |
| ← q31 تصویر ذهنی مشتری | 0.73 | 17.397 | ← q80 ویژگی خدمات | 0.655 | 11.813 |
| ← q32 تصویر ذهنی مشتری | 0.862 | 35.368 | ← q81 ویژگی خدمات | 0.674 | 12.123 |
| ← q33 تصویر ذهنی مشتری | 0.754 | 18.063 | ← q82 ویژگی خدمات | 0.583 | 10.288 |
| ← q34 تصویر ذهنی مشتری | 0.651 | 11.539 | ← q83 ویژگی خدمات | 0.791 | 24.019 |
| ← q35 تصویر ذهنی مشتری | 0.852 | 32.059 | ← q84 ویژگی خدمات | 0.63 | 13.383 |
| ← q36 تصویر ذهنی مشتری | 0.677 | 12.966 | ← q85 ویژگی خدمات | 0.675 | 14.081 |
| ← q37 تصویر شرکت | 0.898 | 32.53 | ← q86 ویژگی خدمات | 0.583 | 12.203 |
| ← q38 تصویر شرکت | 0.915 | 43.638 | ← q87 ویژگی خدمات | 0.576 | 10.174 |
| ← q39 عوامل سازمانی | 0.86 | 37.723 | ← q88 ویژگی خدمات | 0.775 | 22.837 |
| ← q40 عوامل سازمانی | 0.732 | 17.055 | ← q89 ویژگی خدمات | 0.789 | 24.175 |
| ← q41 عوامل سازمانی | 0.688 | 13.935 | ← q90 ویژگی خدمات | 0.831 | 30.865 |
| ← q42 عوامل سازمانی | 0.847 | 35.013 | ← q91 ویژگی خدمات | 0.813 | 29.577 |
| ← q43 عوامل سازمانی | 0.67 | 12.005 | ← q92 | 0.694 | 15.424 |

| | | | ویژگی خدمات | | |
|---------------------|-------|--------|----------------------|-------|--------|
| ← q44 عوامل سازمانی | 0.607 | 10.207 | ← q93 ویژگی خدمات | 0.56 | 9.359 |
| ← q45 عوامل سازمانی | 0.719 | 13.25 | ← q94 ویژگی خدمات | 0.844 | 36.763 |
| ← q46 عوامل سازمانی | 0.724 | 16.487 | ← q95 ویژگی خدمات | 0.816 | 25.944 |
| ← q47 عوامل محیطی | 0.773 | 21.383 | ← q96 ویژگی خدمات | 0.673 | 12.535 |
| ← q48 عوامل محیطی | 0.785 | 20.029 | ← q97 ویژگی خدمات | 0.662 | 12.319 |
| ← q49 عوامل محیطی | 0.765 | 19.216 | ← q98 ویژگی خدمات | 0.675 | 14.251 |

جدول ۱- بارهای عاملی و متغیرهای تحقیق

سپس، پایایی متغیرهای تحقیق توسط شاخصهای آلفای کرونباخ با میزان استاندارد بالای ۰,۷ (کرونباخ، ۱۹۵۱) و پایایی ترکیبی (CR) با میزان استاندارد بالای ۰,۷ و میانگین واریانس توسعه یافته (AVE) با میزان استاندارد بالای ۰,۵ (فورنل و لاکر، ۱۹۸۱) با استفاده از نرم افزار Smart-PLS بررسی شد. در جدول (۲) می توان مشاهده کرد متغیرهای تحقیق از پایایی و روایی همگرا برخوردار می باشند.

| متغیرها | آلفای کرونباخ | پایایی مرکب (CR) |
|------------------|---------------|------------------|
| اعتماد برند | 0.751 | 0.857 |
| تصویر شرکت | 0.783 | 0.902 |
| مزیت رقابتی | 0.835 | 0.89 |
| وفاداری مشتری | 0.78 | 0.872 |
| عوامل محیطی | 0.811 | 0.864 |
| تجربه مشتری | 0.912 | 0.939 |
| هویت برند | 0.88 | 0.904 |
| بازاریابی برند | 0.919 | 0.931 |
| عوامل سازمانی | 0.876 | 0.903 |
| تصویر ذهنی مشتری | 0.849 | 0.889 |
| ویژگی خدمات | 0.953 | 0.958 |

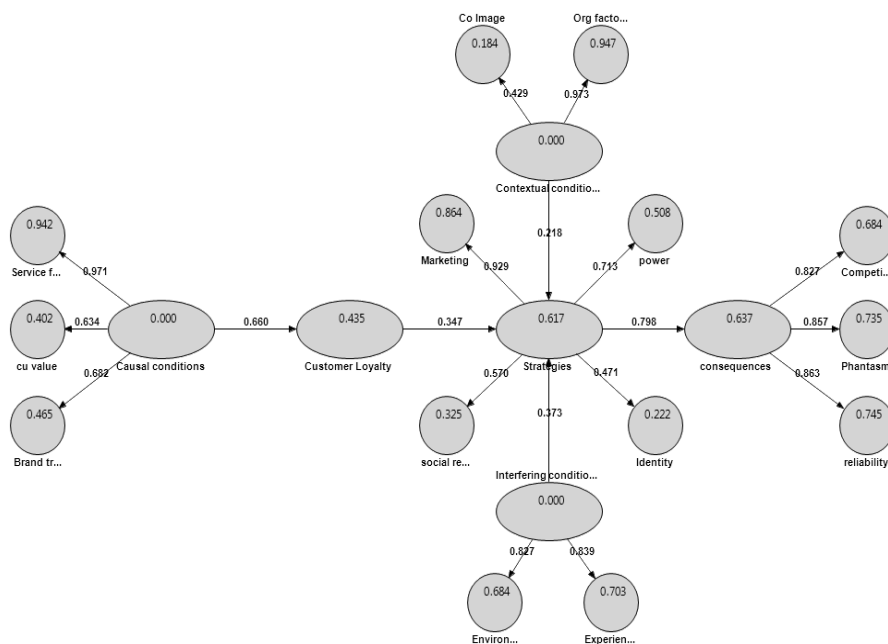
| | | |
|-------|-------|-----------------|
| 0.867 | 0.807 | ارزش مشتری |
| 0.888 | 0.748 | قدرت برند |
| 0.855 | 0.787 | اعتبار برند |
| 0.861 | 0.796 | مسئولیت اجتماعی |

جدول ۲- پایایی و روایی همگرایی متغیرهای مدل تحقیق

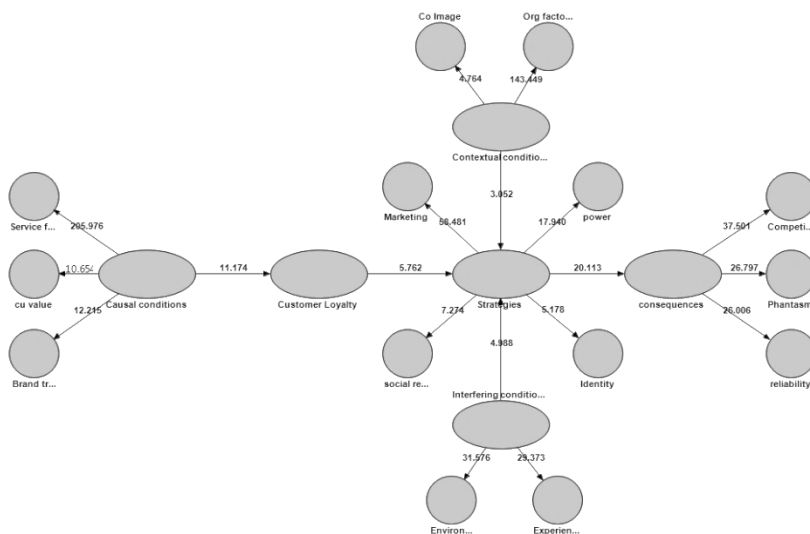
آلفای کرونباخ تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۷ بوده بنابراین از نظر پایایی تمامی متغیرها مورد تأیید است. مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) همواره بزرگ‌تر از ۰/۵ است بنابراین روایی همگرا نیز تأیید می‌شود.

یافته های پژوهش

رابطه متغیرهای مورد بررسی در هر یک از فرضیه های تحقیق بر اساس یک ساختار علی با تکنیک حداقل مربعات جزئی PLS آزمون شده است. در مدل کلی تحقیق که در شکل (۲) ترسیم شده است مدل اندازه گیری (رابطه هریک از متغیرهای قابل مشاهده به متغیر پنهان) و مدل مسیر (روابط متغیرهای پنهان با یکدیگر) محاسبه شده است. برای سنجش معناداری روابط نیز آماره t با تکنیک بوت استرپینگ محاسبه شده است که در شکل (۳) ارائه شده است.



شکل ۲- تکنیک حداقل مربعات جزئی مدل کلی پژوهش



شکل ۳- آماره تی مدل کلی پژوهش با تکنیک بوت استرایپینگ

با توجه به نتایج بدست آمده در شکل های (۲) و (۳) نتایج بررسی روابط در ادامه آورده شده است.

بررسی تاثیر شرایط علی (ویژگی خدمات، ارزش مشتری و اعتماد برند) بر مقوله محوری وفاداری مشتری

شدت اثر شرایط علی (ویژگی خدمات، ارزش مشتری و اعتماد برند) بر مقوله محوری وفاداری مشتری برابر $0/660$ محاسبه شده است و آماره احتمال آزمون نیز $11/174$ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده و نشان می‌دهد تاثیر مشاهده شده معنادار است. بنابراین با اطمینان 95% شرایط علی (ویژگی خدمات، ارزش مشتری و اعتماد برند) بر مقوله محوری وفاداری مشتری تاثیر مثبت و معناداری دارد.

بررسی تاثیر مقوله محوری وفاداری مشتری بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند)

شدت اثر مقوله محوری وفاداری مشتری بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) برابر $0/347$ محاسبه شده است و آماره احتمال آزمون نیز $5/762$ به دست آمده است که بزرگ‌تر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده و نشان می‌دهد تاثیر مشاهده شده معنادار است. بنابراین با اطمینان 95% مقوله محوری وفاداری مشتری بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) تاثیر مثبت و معناداری دارد.

بررسی تاثیر شرایط زمینه ای (تصویر شرکت و عوامل سازمانی) بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند)

شدت اثر شرایط زمینه ای (تصویر شرکت و عوامل سازمانی) بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) برابر $0/218$ محاسبه شده است و آماره احتمال آزمون نیز $3/052$ به دست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده و نشان می دهد تاثیر مشاهده شده معنادار است. بنابراین با اطمینان 95% شرایط زمینه ای (تصویر شرکت و عوامل سازمانی) بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) تاثیر مثبت و معناداری دارد.

بررسی تاثیر شرایط مداخله گر (عوامل محیطی و تجربه مشتری) بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند)

شدت اثر شرایط مداخله گر (عوامل محیطی و تجربه مشتری) بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) برابر $0/373$ محاسبه شده است و آماره احتمال آزمون نیز $4/988$ به دست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده و نشان می دهد تاثیر مشاهده شده معنادار است. بنابراین با اطمینان 95% شرایط مداخله گر (عوامل محیطی و تجربه مشتری) بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) تاثیر مثبت و معناداری دارد.

بررسی تاثیر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) بر پیامدها (مزیت رقابتی، تصویر ذهنی مشتری و اعتبار برند)

شدت اثر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) بر پیامدها (مزیت رقابتی، تصویر ذهنی مشتری و اعتبار برند) برابر $0/798$ محاسبه شده است و آماره احتمال آزمون نیز $20/113$ به دست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده و نشان می دهد تاثیر مشاهده شده معنادار است. بنابراین با اطمینان 95% راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) بر پیامدها (مزیت رقابتی، تصویر ذهنی مشتری و اعتبار برند) تاثیر مثبت و معناداری دارد. به همین ترتیب می توان شدت اثر هر یک از متغیرها را در مدل مورد بررسی قرار داد.

بررسی تاثیر شرایط علی (ویژگی خدمات، ارزش مشتری و اعتماد برند) بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند)

شدت اثر شرایط علی (ویژگی خدمات، ارزش مشتری و اعتماد برند) بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) برابر مقدار اندک $0/229$ محاسبه شده است و آماره احتمال آزمون نیز $4/713$ به دست آمده است که بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده و نشان می دهد تاثیر مشاهده شده معنادار است. بنابراین با اطمینان 95% شرایط علی (ویژگی خدمات، ارزش مشتری و اعتماد برند) بر راهبردها (بازاریابی برند، قدرت برند، مسئولیت اجتماعی برند و هویت برند) تاثیر مثبت و معناداری دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج مدل نشان می‌دهد که مقوله‌های تعریف شده در مدل پارادایمی بدست آمده از بخش کیفی، معنادار بوده و متغیرهای در نظر گرفته شده در هر بخش نیز، تاثیر معناداری داشته‌اند. برای بانک‌های امروز، قدرت و توان بازاریابی یک برند سازمانی سریعاً تبدیل به یکی از اهرم‌های مهم برای متمایز شدن و موفقیت شده است. بانک‌ها باید تجربه برند همسانی را به منظور جلوگیری مشتریان از رفتن به بانک‌های رقیب فراهم کنند. بانک‌ها باید در ایجاد راهبردهای بازاریابی تلاش کنند که موجب ارتقای تصویر برند در بین مشتریان برای افزایش رضایت و وفاداری مشتریان و ارتقای عملکرد بیشتر می‌شود. (پیچ و آرمستودی^۱، ۲۰۱۵). در ادبیات بازاریابی، نیت رفتاری مصرف‌کننده، نقش کلیدی را در نتایج برند دارد. در حقیقت، هدف‌های رفتاری به طور معمول به‌عنوان یک نوع وفاداری مشتری، قصد خرید مجدد، نیز می‌تواند در نظر گرفته شود از آنجایی که امروزه، مشکلی که شرکت‌ها با آن مواجه هستند کمبود کالا نیست بلکه کمبود مشتریان است، لذا شناخت مشتریان و درک رفتار مصرف‌کننده بسیار مهم می‌باشد. نام‌های تجاری قوی علاوه بر ایجاد یک مزیت رقابتی، نقدینگی سازمان را افزایش می‌دهد، جریان نقدینگی را سریع می‌نماید و امکان افزایش قیمت، سوددهی و وفاداری بیشتر مشتریان را فراهم می‌کند. در دنیای رقابتی امروز، که صدها برند وجود دارد، شرکت‌ها به دنبال یافتن راهی برای متمایز کردن برند خود از رقبای هستند. که این تمایز تنها از طریق مزیت‌های کارکردی و تجربی امکان‌پذیر نیست. موفقیت شرکت‌ها در ایجاد شخصیت برند و وفاداری مشتری است. صاحب‌نظران، جنبه‌های متمایز دیگری نیز برای وفاداری به خدمت‌قائل هستند. برخی پیشنهاد کرده‌اند که ارائه دهندگان خدمت قادرند با مشتریان خود قراردادهای وفاداری قوی‌تری نسبت به تأمین‌کنندگان کالاها ایجاد نمایند. بعضی دیگر اظهار داشته‌اند که وفاداری بین مشتریان خدمات مرسوم‌تر و بیشتر از مشتریان کالاهاست. سه ویژگی خدمت، همچنین (ناملموس بودن، ناهمگونی و همزمانی تولید و مصرف) فرصت‌های بیشتری برای تعاملات رو در رو ایجاد می‌کنند. این روابط و تعاملات، اهمیت محوری برای خدمات و اغلب خدمات، مبتنی بر تعاملات فرد به فرد است. این تعاملات فرصت مناسبی برای توسعه روابط قوی با مشتریان فراهم می‌آورد و همین امر زمینه را برای توسعه وفاداری هموار می‌سازد. همچنین، محققان دریافته‌اند که اغلب، ریسک ادراک شده در خرید خدمات بیش از خرید کالا است همین مسأله فضای مناسبی برای توسعه وفاداری فراهم می‌آورد؛ زیرا وفاداری می‌تواند به صورت ابزاری در جهت کاهش ریسک عمل کند بیشتر رفتارهای انسان در حوزه مصرف خدمات ماهیتاً به دنبال کسب رضایت و لذت است. بنابراین تجربه خدمات نه تنها بر اساس میزان استفاده نهایی بلکه بر اساس تاثیر عاطفی که بر فرد می‌گذارد، ارزیابی می‌شود. در محیط‌های خدماتی امکان تجربه

سریع وجود ندارد، اما می‌توان میزان لذت افراد را افزایش داد. افزایش لذت در افراد تا میزان خاصی رخ می‌دهد و تا نقطه خاصی بالا می‌رود و بعد از آن با همان نسبت کاهش می‌یابد (نون و همکاران^۱، 2009). علاوه بر مواردی که در بخش‌های پیشین به آنها پرداخته شد، باید اذعان داشت عوامل دیگری نیز بر میزان وفاداری مشتریان موثر است. گرچه این عوامل کمتر در حیطه کنترل سازمان است، آشنایی با آنها برای مدیران سودمند خواهد بود.

۱. بی‌تفاوتی: چنانچه تمامی عرضه‌کنندگان محصولات و خدمات خود را به صورت یکسان عرضه نمایند، مشتریان نسبت به انتخاب از میان تامین‌کنندگان دچار بی‌تفاوتی می‌شوند. در چنین حالتی فرد به محض مشاهده کوچک‌ترین مزیت از سوی یکی از تامین‌کنندگان سعی می‌کند نیازهای خود را از طریق وی تامین سازد.

۲. عادت: منظور از عادت، تثبیت رفتار فرد به دلیل تکرار و یادگیری آن توسط فرد است. اگر وفاداری مشتری فقط به سبب عادت در وی ایجاد شود، هر عامل فیزیکی یا روانی که به تردید فرد در مورد عادت بیانجامد می‌تواند وفاداری وی را از میان بردارد.

۳. ارزانی: بی‌تردید مشتریان از کالاها یا خدمات ارزان قیمت استقبال می‌کنند اما آنچه باید مدنظر قرار گیرد، آن است که در صورت افت کیفیت مشتریان با وجود ارزانی محصول یا خدمت، از خرید آن سرباز می‌زنند. این مسئله به ویژه در مورد محصولات یا خدماتی نظیر خدمات که مشتری از آنها کیفیت بالایی را انتظار دارد، اهمیتی دوچندان می‌یابد. به بیان دیگر مدیران موظفند برای محصولات یا خدمات سطح حداقلی از کیفیت را تعریف نموده و همواره آن را رعایت نمایند، حتی اگر این پایبندی به افزایش قیمت محصول یا خدمت مورد نظر منجر گردد.

۴. هزینه جابه‌جایی: چنانچه مشتری بخواهد به تامین‌کنندگان دیگر روی بیاورد، باید هزینه‌هایی را نیز متحمل گردد. هزینه‌های جابه‌جایی بر ۳ قسم هستند:

۱-۴: هزینه‌های اقتصادی: هزینه خدمات (مانند قیمت و کیفیت خدمات جدید)، زمان (سرعت و کارایی خدمات جدید) و مواردی از این دست از جمله هزینه‌های اقتصادی است که مشتری در صورت تغییر تامین‌کننده متحمل می‌شود. هر چه این هزینه‌ها بیشتر باشد، وفاداری وی بیشتر خواهد بود.

۲-۴: هزینه‌های تبدیل:

- ریسک: عواملی نظیر سن، شخصیت، شغل، درآمد، تحصیلات و غیره بر میزان ریسک‌پذیری مشتریان موثر است. با افزایش ریسک‌پذیری مشتری، وفاداری وی کاهش می‌یابد.
- مجاورت: هر چه تعداد گزینه‌های جایگزین از نظر مشتری کمتر باشد، وفاداری وی افزایش می‌یابد.

۳-۴: هزینه‌های تعویض:

- دشواری: دشواری دسترسی به کیفیت خدمات مشابه، بر وفاداری مشتری می‌افزاید.
- اطلاعات ویژه: هر چه تامین کننده فعلی اطلاعات بیشتری نسبت به مشتری داشته باشد، بر وفاداری مشتری نسبت به وی افزوده می‌شود زیرا بدین ترتیب احتمال تامین نیازهای وی به صورت مطلوب افزوده بالا می‌رود

بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به اهمیت وفاداری، می‌توان گفت وفاداری زمانی که شکل گرفت، احتمال کمتری وجود دارد که مصرف کننده تحت تأثیر اقدامات رقبا نظیر کاهش قیمت، تبلیغات و ترفیع قرار گیرد. بنابراین این نکته اهمیت دارد که مدیران بازاریابی بانک ملت، بتوانند به درک درستی از چگونگی ایجاد و نگهداری مفهوم وفاداری به برند برسند. بنابراین لازم است که در این راستا، به عواملی چون دانش و اطلاعات مصرف کننده، جستجوی اطلاعات، درگیری محصول، درک ریسک و رضایت مشتری را درباره وفاداری برند، توجه شود.

۲. با توجه به تاثیر عوامل محیطی موثر بر وفاداری مشتریان بانک، پیشنهاد می‌شود به منظور ایجاد تمایز، نسبت به سایر رقبا، لازم است که امکانات و فضایی مناسبی برای تمام مشتریان، به خصوص مشتریانی با ناتوانی‌های جسمی و ویژگی‌های خاص، فراهم شود.

۳. با توجه به اینکه اعتماد به برند بر جنبه‌های وفاداری مشتریان، تاثیر گذار است؛ بنابراین این بانک میتواند با ارائه خدماتی باکیفیت، عمل به تعهدات، مسیر شفاف برای انجام امور بانکی مالی و برخورد مناسب با مشتری در مشتریان خود اعتماد ایجاد کند تا مشتریان برند «بانک ملت» را به دوستان و همکاران خود توصیه کنند.

۴. با توجه به تاثیر هویت برند بر تصویر برند در ذهن مشتریان بانک، برای بهبود هویت برند، «بانک ملت» باید اعتماد مشتریان را به خدمات خود جلب کند. کیفیت و سرعت ارائه خدمات، کیفیت وب سایت، امنیت اطلاعات و سفارشی سازی شده برای مشتریان، تعامل و روابط عاطفی کارکنان با مشتریان، محیط فیزیکی مناسب و غیره میتواند از عوامل تأثیرگذار در ایجاد اعتماد مشتریان باشد.

۵. علت افزایش بانک‌ها، انتخاب مشتریان برای سرمایه‌گذاری سخت است که در این میان برندسازی می‌تواند در انتخاب کمک حال باشد. به طور کلی و با توجه به نتایج تحقیقات گسترده در حوزه خدمات مالی، عوامل زیر بر تداعی و آگاهی از نام و نشان تجاری و در نهایت در ایجاد برندی قدرتمند در سازمان‌های خدمات مالی نقشی تعیین کننده ایفا می‌کنند:

- دسترسی به شعبه
- فرآیند ارائه خدمات
- شواهد فیزیکی شعبه
- رفتار کارکنان شعبه

فهرست منابع

۱. آقا زاده . هاشم ،قلی پور . رحمت الله ،بخشی زاده . الهه ،(۱۳۹۲)، بررسی تاثیر شخصیت برند بر قصد خرید مجدد از طریق ارزش ادراک شده و وفاداری برند (مورد مطالعه : بیمه گذاران عمر شرکت بیمه سامان)، تحقیقات بازاریابی نوین ،سال سوم ،شماره ۴ ، ۱-۲۲
۲. صفایی، احسان، غیور، سیدمرتضی، رجوعی، مرتضی. (۱۳۹۷). تاثیر ارزش مشتری و تصویر برند بر وفاداری مشتریان (مورد مطالعه صنعت بیمه)، هفتمین کنفرانس ملی کاربردهای حسابداری و مدیریت، تهران، گروه ارتباط طلایی آسیا
۳. عزیزی، ش، جمالی کاپک، ش، رضایی، م (۱۳۹۱) بررسی ارتباط بین ارزش ویژه برند با همخوانی شخصیت برند و مشتری. تحقیقات بازاریابی نوین؛ ۶۳-۸۱.
۴. کاتلر، فیلیپ و گری آرمسترانگ "اصول بازاریابی" بهمن فروزنده، نشر: آموخته (۱۳۹۶)، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۴.
۵. وظیفه دوست، حسین؛ مونا کشکی و سارا مهدی زاده، ۱۳۹۷، تاثیر شخصیت برند بر ارزش ویژه برند و اعتماد به برند، دومین کنفرانس ملی پژوهشهای نوین حسابداری و مدیریت در هزاره سوم، کرج، دانشگاه جامع علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری ها، <https://www.civilica.com/Paper-MANACC-202-034.html>.
6. Aaker David, (2018), Commentary: do brands compete or coexist?: By Sheth and Koschmann. From brand to subcategory competition, European Journal of Marketing, <https://doi.org/10.1108/EJM-07-2018-0490>
7. Aaker, D. A. (1992). Managing Brand Equity: Capitalizing on the Value of a Brand Name. New York: The Free Press.
8. Aaker, D. Stayman. D. (1990). Measuring Audience Perceptions of Commercials and relating them to Ad Impact. Journal of Advertising Research. 30 (4), 7-17.
9. Alam, a., arshad, m. U., & shabbir, s. A.(2012). Brand credibility, customer loyalty and the role of religious orientation. Asia pacific journal of marketing and logistics, 24(4), 583-598.
10. Alwi, Sharifah. Faridah, Syed. Philip, J. Kitchen. (2014). Projecting corporate brand image and behavioral response in business schools: Cognitive or affective brand attributes?, Journal of Business Research Volume 67, Issue 11, November 2014, Pages 2324-2336
11. Anup Krishnamurthy, S. Ramesh, Kumar. (2018). Electronic word-of-mouth and the brand image: Exploring the moderating role of involvement

- through a consumer expectations lens, *Journal of Retailing and Consumer Services*, 2018, vol. 43, issue C, 149-156
12. Assiouras, I., Liapati, G., Kouletsis, G. and Koniordos, M. (2015), "The impact of brand authenticity on brand attachment in the food industry", *British Food Journal*, Vol. 117 No. 2, pp. 538-552. <https://doi.org/10.1108/BFJ-03-2014-0095>
13. Ding, C. G., & Tseng, T. H. (2015). On the relationships among brand experience, hedonic emotions, and brand equity. *European Journal of Marketing*, 49(7/8), 994–1015
14. Dolnicar, S., Grabler, K., Grün, B. & Kulnig, A. (2011). Key Drivers of Airline Loyalty. *Tourism Management*, 32 (5), 1020-1026.
15. Durdana Ozretic-Dosen Ines Zizak , (2015), "Measuring the quality of banking services targeting student population", *EuroMed Journal of Business*, Vol. 10 Iss 1 pp. 98 - 117
16. Gambetti, R.C., Graffigna, G., & Biraghi, S. (2012) Grounded Theory approach to consumer-brand engagement: practitioners' standpoint. *International Journal of Market Research*, 54, 5, pp. 659-687.
17. Gao, Bo Wendy. Ivan, Ka Wai Lai. (2015). The effects of transaction-specific satisfactions and integrated satisfaction on customer loyalty, *International Journal of Hospitality Management* Volume 44, Pages 38–47.
18. Geuens, M., Weijters, B., & De Wulf, K. (2009). A new measure of brand personality. *International Journal of Research in Marketing*, 26(2), 97–107
19. Liberali, g., urban, g.l. & hauser, j.r. (2013). Competitive information, trust, brand consideration and sales: two field experiments. *International journal of research in marketing*, 30(2), 101-113.
20. Molinillo Sebastian, Rafael Anaya-Sánchez, Francisco Liébana-Cabanillas, Analyzing the effect of social support and community factors on customer engagement and its impact on loyalty behaviors toward social commerce websites, *Computers in Human Behavior* (2019), doi: 10.1016/j.chb.2019.04.004
21. Nysveen, H., Pedersen, P. E., & Skard, S. (2013). Brand experiences in service organizations: Exploring the individual effects of brand experience dimensions. *Journal of Brand Management*, 20(5), 404–423
22. O'Cass Aron Liem Ngo Viet Vida Siahtiri , (2015), "Marketing resource-capability complementarity and firm performance in B2B firms", *Journal of Business & Industrial Marketing*, Vol. 30 Iss 2 pp. 194 - 207
23. Pich, C. Armannsdottir, G. (2015). Political brand image: an investigation into the operationalisation of the external orientation of David Cameron s Conservative brand. *Journal of Marketing Communications*. ISSN 1466-4445
24. Rajagopal. (2008). Measuring brand performance through metrics application. *Measuring Business Excellence*, 12(1), 29-38.

25. Risitano, M., Romano, R., Sorrentino, A. and Quintano, M. (2017), "The impact of consumer-brand engagement on brand experience and behavioural intentions", *British Food Journal*, Vol. 119 No. 8, pp. 1884-1896. <https://doi.org/10.1108/BFJ-11-2016-0579>
26. Sallam, M. A. (2014). The Effects of Brand Credibility on Customer s WOM Communication: The Moderator Role of Brand Commitment. *International Journal of Marketing Studies*, 6(5), 112-118.
27. Simon, Clatworthy. (2012). Bridging the gap between brand strategy and customer experience , *Managing Service Quality: An International Journal*, Vol. 22 Issue: 2, pp.108-127, <https://doi.org/10.1108/09604521211218936>
28. Srivastava Medha, Rai Alok Kr..(2018). Mechanics of engendering customer loyalty: A conceptual framework, *IIMB Management Review*, Volume 30, Issue 3, September 2018, Pages 207-218
29. Trasorras, R. & Russell, A. (2009). Value, Satisfaction, Loyalty and Retention in Professional Services. *Marketing Intelligence & Planning*, 27 (5), 615 – 639.
30. Waytz A., Morewedge C. K. (2010) "Making sense by making sentient: Effectance motivation increases anthropomorphism", *Journal of Personality and Social Psychology*, 3: 410–435. <http://dx.doi.org/10.1037/a0020240>.
31. Wu, L. & Wang, Ch. (۲۰۱۱). "Satisfaction and zone of tolerance: the moderating roles of elaboration and loyalty programs", *Journal of Managing Service Quality*, 66 (90), pp. 23-11.
32. Yahyaoui, Hamdi. Own, Hala. S. (2018). Unsupervised clustering of service performance behaviors, *Information Sciences* 422 (2018) 558–571
33. Yoganathan, Dhanushanthini. Charles, Jebarajakirthy. Paramaporn, Thaichon. (2015). The influence of relationship marketing orientation on brand equity in banks , *Journal of Retailing and Consumer Services*, Volume 26, September 2015, Pages 14-22
34. Zhou, K.Z., Li, J.J., Zhou, N. and Su, C. (2008), "Market orientation, job satisfaction, product quality, and firm performance: evidence from China", *Strategic Management Journal*, Vol. 29 No. 9, pp. 985-1000.
35. Zora Daria .(2015). Branding Theories and Practices. The Case Study of the Brand Identity Ticino. Master's Dissertation, University of Lugano, Switzerland Faculty of Economics

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۸۴ - ۶۱

تبیین رویکردهای اخلاقی متفاوت در پیشایندها و پیامدهای خرید نمایشی بانوان

علی افشاری^۱

حمیدرضا سعیدنیا^۲

حسین وظیفه دوست^۳

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی عوامل موثر بر مصرف نمایشی از نگاه بانوان با سبک زندگی متفاوت شامل دانشگاهیان و حوزویان و همچنین بررسی این مسئله است که مصرف نمایشی در افراد منجر به چه کنش‌هایی می‌شود. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی است و از نظر روش شناسی با استفاده از نظریه داده بنیاد به بررسی و تحلیل دیدگاه بانوان به مصرف نمایشی کالاهای لوکس می‌پردازد. روش گردآوری داده‌ها میدانی و با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته در دو گروه از افراد جامعه آماری شامل ۱۵ نفر از بانوان دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و ۱۵ نفر از بانوان طلاب حوزه علمیه جامعه الزهرا قم می‌باشد. نتایج حاصل از مطالعه بیانگر تفاوت بین باور و دیدگاه گروه اول و دوم نسبت به مفهوم مصرف نمایشی بوده و نشان می‌دهد بانوان دانشجوی تمایل بیشتری به مصرف نمایشی کالاهای لوکس داشته و بانوان طلاب تمایل کمتری به مصرف نمایشی دارند و به دنبال کنترل آن از طریق توجه به اخلاق اسلامی و زندگی دینی می‌باشند. این تفاوت در دیدگاه دانشجویان و طلاب براساس عوامل علی شامل عوامل ساختاری، رفتاری، روانشناسی و اجتماعی ایجاد می‌شود. این پژوهش برای اولین بار به مفهوم مصرف نمایشی از دو دیدگاه با رویکردهای فکری متفاوت و مقایسه آن‌ها در کشور ایران پرداخته است.

واژگان کلیدی

مصرف نمایشی، کالاهای لوکس، مادی گرایی، جامعه دینی، اخلاق اسلامی، تولید ملی.

۱. دانشجوی دکتری رشته مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: afshariali105@gmail.com

۲. دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: dr.saeednia1@gmail.com

۳. استاد گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: h-vazifehdoust@srbiau.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۹

طرح مسأله

یکی از مسائلی که گریبانگیر بسیاری از افراد جامعه است مصرف نمایشی^۱ کالاها می باشد. برخی افراد جامعه با صرف هزینه های زیاد سعی در خرید کالاهایی دارند که بیشتر جنبه نمایشی دارد تا کارکردی. این افراد کالا را صرفاً برای کارکرد آن مصرف نمی کنند، آن ها با استفاده از کالا می خواهند به دیگران علامت دهند برای مثال بگویند که من فرد با پرستیژ و دارایی هستم. اینگونه اشخاص محصولات را مورد استفاده قرار می دهند تا از طریق نمایش آن وجهه خود را بالا برند و مورد احترام اطرافیان واقع شوند. افراد مذکور در انتخاب کالا بجای اینکه به ملاک های درونی خود توجه داشته باشند بیشتر به مورد قبول واقع شدن آن در نگاه دیگران توجه دارند. معمولاً وقتی در جامعه ای اختلاف طبقاتی وجود دارد و ارزش های مادی گرایانه در آن حاکم است افرادی که در طبقه اجتماعی پایین تر قرار دارند سعی دارند با استفاده از محصولات خاص به دیگران نشان دهند که به طبقه اجتماعی بالاتر متعلق هستند. به چنین رفتاری مصرف نمایشی می گویند یعنی مصرفی که مزایای اجتماعی کالای مورد استفاده از کارکرد آن مهم تر باشد. این نوع رفتار فقط مختص مرفهین و ثروتمندان نیست و همه اقشار جامعه در هر طبقه ای ممکن است در آن دخیل باشند. مصرف نمایشی را مصرف تجملی، خودنمایانه، تظاهری و متظاهرانه نیز نامیده اند. عبارت مصرف نمایشی برای اولین بار توسط تورستن وبلن^۲، اقتصاددان و جامعه شناس نروژی- آمریکایی، در سال ۱۸۹۹ و در کتاب نظریه طبقه تن آسا^۳ مطرح گردید. این اصطلاح بعد ها وارد ادبیات رفتار مصرف کننده شد و مورد مطالعه پژوهشگران این حوزه قرار گرفت.

افرادی که مصرف نمایشی دارند ملی گرایی در مصرفشان کمتر است و تمایل بیشتر به خرید کالای خارجی دارند(مارکوکو^۴ و دیگران، ۱۹۹۷) و (رنجبریان^۵ و دیگران، ۲۰۱۰).

همین امر موجب خروج ارز از کشور و تضعیف اقتصاد ملی می گردد. از ابتدای سال ۱۳۸۸ تا انتهای سال ۱۳۹۴، ۵۰۴۹ هزار تن کالای لوکس خارجی وارد کشور شده و ۱۲۸۶۷ میلیون دلار ارز از کشور خارج شده است(ایرنا، ۹۶/۱/۴). بر پایه گزارش سازمان توسعه و تجارت، واردات خودروهایی بالای ۲۵۰۰ سی سی شامل برند هایی چون پورشه، لکسوس، مازراتی و ... در فاصله سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ در مجموع ۹۵ هزار و ۶۷۳ دستگاه بوده که باعث خروج بیش از ۲

1-Conspicuous consumption
 2-Thorstein Veblen
 3-The Theory Of Leisure Class
 4-Marcoux
 5-Ranjbarian

میلیارد و ۵۱۰ میلیون دلار ارز از کشور شده است (خبرگزاری مهر، ۹۴/۳/۲۲).

سالانه بخش زیادی از دارایی های افرادی که مصرف نمایشی دارند صرف خرید کالاهای پرستیژی می گردد در صورتیکه همان پول می توانست پس انداز گردد یا در جایی دیگر سرمایه گذاری شود. همچنین افرادی که مصرف نمایشی دارند مدام به فکر این هستند که دیگران چه تصویری از آن ها دارند و همین امر ممکن است موجب ذهن مشغولی آن ها گردد.

مصرف نمایشی مسائل و مشکلاتی هم در سطح خانواده بوجود می آورد. مثلا موجب می شود که بر روی پدر خانواده جهت تأمین هزینه های مربوطه فشار بیاید، در نتیجه پدر جهت تأمین این هزینه ها به راه کارهایی مثل خرید اقساطی، گرفتن وام و یا دو شغله شدن روی می آورد. از لحاظ روانی هم پدر خانواده دچار اضطراب و افسردگی می شود. و نیز محیط خانواده به یک محیط ناآرام و پر تنش تبدیل می گردد (خودکاری، ۱۳۹۰، ۳۵).

با توجه به پیامدهایی که مصرف نمایشی برای خانواده ها و جامعه دارد در این پژوهش سعی در شناخت عواملی داریم که موجب مصرف نمایشی می گردد و همچنین می خواهیم بدانیم مصرف نمایشی در افراد منجر به چه کنش هایی خواهد شد. اگر عواملی که موجب روی آوردن افراد جامعه به مصرف نمایشی می گردد به درستی شناخته شود آنگاه می توان گرایش به این گونه مصرف در جامعه را کنترل یا تضعیف نمود.

بیشتر مطالعات مربوط به مصرف نمایشی در جوامع غربی صورت گرفته است. پژوهش هایی که در زمینه مصرف نمایشی در ایران وجود دارند عمدتا مدل های غربی را مورد بررسی قرار داده اند و مدل جدیدی را خلق نکرده اند. ممکن است عواملی که موجب روی آوردن به مصرف نمایشی در جوامع غربی می گردد با عواملی که در ایران موجب این امر می شوند متفاوت باشد. بنابراین در این زمینه شکاف تئوریکی وجود دارد و انجام این پژوهش در ایران ضروری به نظر می رسد. همچنین مطالعاتی که در حوزه مصرف نمایشی صورت گرفته معمولا در محیط های دانشگاهی و یا بر روی مصرف کنندگان محصولی خاص صورت گرفته است و هیچ مطالعه ای تا کنون طلاب حوزه های علمیه را به عنوان جامعه آماری در نظر نگرفته است. در این پژوهش به بررسی مصرف نمایشی در میان بانوان کشور ایران و در دو محیط فرهنگی نسبتا متفاوت دانشگاه و حوزه علمیه می پردازیم و پیشاندها^۱ و پیامدهای^۲ آن را تعیین می کنیم.

بنابراین سوال اصلی این پژوهش عبارت از: پیشاندها و پیامدهای مصرف نمایشی چیست؟

1-Antecedents

2-Consequences

۱- مبانی نظری پژوهش

از دیدگاه رفتار مصرف کننده، مصرف کالا یا خدمات به دلایل و انگیزه‌های متفاوتی انجام می‌شود از این رو می‌توان انواع گوناگونی را برای مصرف در نظر گرفت (افتخاری، ۱۳۹۴، ۳۲).

در ادامه انواع مصرف ذکر گردیده است.

۱-۲- مصرف کارکردی (بی توجه به نقش)^۱

مصرف کارکردی عبارت است از اینکه فرد کالا را به منظور کارکرد آن و استفاده از آن می‌خرد و به شأن و پرستیژ کالا توجهی ندارد. مصرف کنندگان بی توجه به نقش کالا، تصمیم‌گیری خرید خود را عمدتاً بر اساس حسی که به ویژگی‌های برجسته کالا دارند انجام می‌دهند (کلارک و همکاران^۲، ۲۰۰۷).

۲-۲- مصرف اعتیادی^۳

گرچه بیشتر افراد اعتیاد را با مواد مخدر مساوی می‌دانند، ولی مصرف کنندگان تقریباً هر محصول یا خدمتی را ممکن است برای تسکین (لااقل موقتی) یک مشکل و یا تأمین یک نیاز استفاده کنند، تا جایی که وابستگی به آن محصول به حد افراط برسد. اعتیاد مصرف کننده یک وابستگی زیستی یا روانی به محصولات یا خدمات است (سولومون، ۱۳۹۲، ۶۴).

۳-۲- مصرف اجباری^۴

مصرف اجباری به معنای خرید مکرر و غالباً بیش از حد به عنوان پادزهری (درمانی) برای تشش، اضطراب، افسردگی و یا بی‌حوصلگی است. یک مرد که برای او تشخیص اختلال خرید اجباری داده شده بود، بیش از ۲۰۰۰ آچار فرانسه خریده بود ولی از هیچ کدام از آن‌ها استفاده نکرده بود. درمانگران گزارش می‌کنند که موارد بالینی تشخیص اختلال خرید اجباری در زنان چهار برابر مردان است. آن‌ها حدس می‌زنند که زنان به عنوان روشی برای تقویت روابط بین فردی خود به طرف اجناسی مانند لباس و لوازم آرایشی جلب می‌شوند، در حالی که مردان معمولاً روی دستگاه‌ها، ابزارها و تفنگ به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به حس قدرت تمرکز می‌کنند. برخی از محققان می‌گویند که خرید اجباری ممکن است با عزت نفس (اعتماد به نفس) پایین ارتباط داشته باشد (سولومون، ۱۳۹۲، ۶۴).

۴-۲- مصرف مقدس^۵

مصرف مقدس زمانی روی می‌دهد که ما اشیا و رویدادها را از فعالیت عادی جدا می‌کنیم

1-Role – relaxed consumption.

2-Clark et al.

3-Addictive consumption.

4-compulsive consumption

5-Sacred consumption

و در مقابل آن‌ها با احترام یا ترس رفتار می‌کنیم. در اینجا اصطلاح مقدس لزوماً معنای مذهبی ندارد. مقدس‌سازی زمانی روی می‌دهد که اشیاء، رویدادها و حتی افراد عادی معنای مقدس پیدا می‌کنند. این امر توضیح‌دهنده‌ی علاقه‌ی هواداران به اشیایی است که متعلق به افراد مشهور بوده‌اند یا حتی اینکه آن افراد به آن‌ها دست زده‌اند.

حالت دیگر وقتی است که ما اشیاء روزمره‌ی ارزان را در کلکسیون جمع‌آوری می‌کنیم و به این ترتیب آن‌ها را به اشیای مقدس تبدیل می‌کنیم. یک شیء به محض اینکه وارد یک کلکسیون شد مقدس می‌شود و برای کلکسیون‌دار معنای ویژه‌ای پیدا می‌کند که شاید فهم آن برای افراد دیگر به آسانی میسر نباشد (سولومون، ۱۳۹۲، ۶۸۷).

۲-۵- مصرف لذت‌گرایانه^۱

مصرف کالاها و یا حتی کالاهای معمولی خانگی ممکن است وسیله‌ای برای دستیابی به لذت باشد، اشیاء روزمره اغلب دارای ارزش کارکردی و ارزش زیبایی‌شناختی هستند و روند جستجو و بدست آوردن کالا می‌تواند لذت بخش باشد. کالین کمپل بیان می‌کند که رابطه مصرف‌کنندگان با کالاها می‌تواند پویا و عاشقانه باشد (لین^۲، ۲۰۰۸).

۲-۶- مصرف ابداعی (خلاقانه)^۳

مصرف خلاقانه مصرفی است که در آن فرد یا گروه در کالای ارائه شده اصلاح، تغییر شکل یا دگرگونی ایجاد می‌کند. در مصرف سنتی کالاها یا خدمات به سادگی استفاده و مصرف می‌شوند اما در مصرف خلاقانه کالاها نه تنها استفاده و مصرف می‌شوند بلکه به شیوه‌های مختلف تغییر می‌یابند (برتون^۴، ۲۰۰۷).

۲-۷- مصرف ارتباطی^۵

شیوه‌ی خاص مصرف کردن راهی برای بیان خود در رابطه با دیگران است. بنابراین مصرف کردن راهی برای اثبات خود و حفظ اقتدار فردی است. مصرف نه لزوماً برای نیاز و نه برای نمایش رقابتی است، بلکه مصرف کالا می‌تواند خطوط مناسب اجتماعی را تعیین کند. مهم‌ترین کارکرد مصرف به مثابه ارتباط، ظرفیت معنا‌سازی آن است (کاظمی، ۱۳۸۸، ۵۰).

۲-۸- مصرف دینی^۶

مصرف دینی مصرف کالاها و خدمات در راه دین می‌باشد.

1-Hedonic consumption

2-Lin

3-Creative Consumption.

4-Berthon

5-Communicative Consumption

6-Religious Consumption

مصرف‌های مراسم تشریفاتی کشیش‌ها، هزینه‌های مربوط به زیارتگاه‌ها، معبدها، کلیساها، لباس‌های کشیشی، قربانی‌ها، نذرها، مراسم تعمید و عشاء ربانی، مراسم روزهای تعطیلی مقدس و ... همگی در ردیف مصرف دینی می‌باشد. بدیهی است که چنین مصرف‌هایی در توسعه و گسترش اندیشه‌های ادیان مؤثر می‌باشد (وبلن، ۱۳۹۶، ۳۰۶).

۲-۹- مصرف فرهنگی^۱

مصرف فرهنگی بیشتر با حوزه فرهنگ و هنر مرتبط است و شامل رفتارهای مصرفی مثل رفتن به تئاتر، سینما، کنسرت، تماشای تلویزیون، خواندن کتاب و روزنامه و مجله، گوش دادن به رادیو، بازدید از موزه، شرکت در فعالیت‌های هنری و ... می‌شود (راسل و همکاران^۲، ۲۰۱۷).

۲-۱۰- مصرف نمایشی

مصرف نمایشی براساس دیدگاه وبلن عبارت است از صرف هزینه برای خرید کالا و خدمات به منظور بهبود جایگاه خود در سلسله مراتب اجتماعی. مصرف نمایشی زمانی اتفاق می‌افتد که هدف مصرف نشان دادن توانایی اقتصادی خود به دیگران باشد. مصرف نمایشی را نمایش خودنمایانه ثروت با هدف بدست آوردن یا حفظ منزلت و پرستیژ در جامعه تعریف می‌کنند. برخی پژوهشگران مصرف نمایشی را با مصرف منزلت گرا معادل می‌گیرند (بگول^۳، برنهایم^۴، ۱۹۹۶).

۲- پیشینه تجربی پژوهش

آستا ورما و هرا^۵ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان مادی‌گرایی، خرید تفننی و مصرف به بررسی تولید دانش و بینشی جدید در مورد مادی‌گرایی، خرید تفننی و مصرف نمایشی با استفاده از تکنیک‌های پژوهش کیفی پرداخته است. این پژوهش یک مطالعه کیفی می‌باشد که از طریق تحلیل محتوا به بررسی داده‌های جمع‌آوری شده می‌پردازد. جامعه آماری آن نیز ۲۰ نفر از مشتریان هایپرمارکت بزرگ بازار در شهر دهلی می‌باشد که با روش نمونه‌گیری غیر احتمالی از مشتریان همیشگی (منظم) هایپرمارکت محلی بیگ بازار در شهر دهلی انجام شده است. نتایج پژوهش کیفی نشان می‌دهد که عوامل مختلفی بر مادی‌گرایی، خرید تفننی و مصرف نمایشی تأثیرگذار هستند شامل عوامل جمعیت‌شناختی^۶، جهانی شدن^۷، ساختار خانواده^۸، میزان

1-Cultural Consumption

2-Rossel etal

3-Bagwell

4-Bernheim

5-Aastha Verma Vohra

6-Demographics

7-Globalization

8-Family structure

رضایت^۱، فرهنگ^۲، مشاهده تبلیغات تلویزیون^۳، منزلت اجتماعی^۴ و مد^۵.
 ابی لوئیس^۶ و میگل مویتال^۷ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان مصرف نمایشی متخصصان جوان در حوزه پوشاک به بررسی عوامل موثر بر مصرف نمایشی در حوزه پوشاک پرداخته اند. همچنین این پژوهش رابطه بین «مصرف نمایشی» و «خودآگاهی عمومی، مادی گرایی، عزت نفس، عوامل جمعیت شناختی و رفتار خرید» را بررسی می کند. رویکرد این پژوهش کمی می باشد. برای سنجش نرمال بودن متغیرها از آزمون شاپیرو ویلک استفاده شده است. برای تحلیل داده ها از آمارناپارامتریک و از آزمون کروسکال و الیس و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردیده است. جامعه آماری پژوهش نیز ۲۶۱ نفر از متخصصان جوان در محدوده سنی ۱۸ تا ۳۵ سال و با مدرک تحصیلی یا صلاحیت حرفه ای هستند که در مشاغل اداری، مدیریتی یا حوزه های تخصصی شهر لندن فعالیت دارند. برای نمونه گیری از روش نمونه گیری غیر احتمالی در دسترس و نمونه گیری گلوله برفی استفاده شده است. پرسشنامه ها به صورت آنلاین و از طریق ایمیل و شبکه های اجتماعی در اختیار آزمودنی ها قرار گرفته است و از آن ها خواسته شده است تا پرسشنامه را به افرادی که در محدوده جامعه آماری هستند ارسال کنند. این پژوهش به بررسی متخصصان جوان پرداخته است بنابراین یک پیشنهاد برای پژوهش های آتی این مطالعه بررسی غیر متخصصان یا جمعیت های دیگر می باشد. همچنین می توان برای پژوهش های آتی به بررسی این مسئله پرداخت که کدام نوع از پوشاک با مصرف نمایشی بیشترین رابطه را دارد.
 سارا جیووانینی^۸، زویینگجیائو^۹ و جین بادی توماس^{۱۰} (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان "مصرف کالاهای مد لوکس و مصرف کنندگان نسل Y: شخصیت، آگاهی از برند و انگیزه مصرف" به بررسی مصرف کالاهای مد لوکس توسط مصرف کنندگان نسل Y پرداخته اند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش نیز ۳۰۵ نفر از مصرف کنندگان نسل Y آمریکایی است که در محدوده سنی ۲۵ تا ۴۰ سال قرار دارند و درآمد آن ها بالای ۴۰/۰۰۰ دلار (برای

1-Satisfaction

2-culture

3-Tv viewing

4-Social status

5-Fashion

6-Abbie Lewis

7-Miguel Moital

8-Sarah Giovannini

9-Xu yingjiao

10-Jane Body Thomas

مجردها) و ۷۵/۰۰۰ دلار (برای متأهل‌ها) می‌باشد. پژوهش‌های آتی می‌توانند تأثیر جنبه‌های دیگر تجربه خرید بر مصرف کالاهای لوکس نسل Y مثل خدمات مشتری، محیط فروشگاه و ویژگی‌های کالا را بررسی نمایند. همچنین مطالعات آینده درباره مصرف کالاهای مد لوکس می‌توانند به بررسی واکنش مصرف‌کنندگان به مجموعه‌ای از نام‌های تجاری خاص بپردازند.

ملیحه یحیایی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "پولی شدن جامعه و مصرف‌گرایی متظاهرانه علل و پیامدها" به بررسی علل مصرف متظاهرانه (متأخذ از ویلن) و نیز مادی‌گرایی و اهمیت دادن به پول و مادیات در روابط روزمره پرداخته است. این تحقیق یک مطالعه پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه است. در تحقیق حاضر ابتدا از آمار توصیفی استفاده گردیده به طوریکه برای توصیف متغیرهای کمی به محاسبه شاخصه‌های مرکزی و پراکندگی چارک‌ها پرداخته شده است. در ارتباط با آمار استنباطی نیز برای آزمون فرضیه‌های تحقیق و آزمون روابط بین متغیرها از آزمون‌های آماری همانند همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش دختران شهرستانی دانشجوی در تهران و ساکن خوابگاه و نیز زنان تهرانی می‌باشند که همراه خانواده در تهران زندگی می‌کنند. در مجموع ۳۸۴ نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی از سه خوابگاه دانشگاه علامه طباطبایی (خیابان طالقانی) خوابگاه دانشگاه الزهرا (واقع در دانشگاه الزهرا) و خوابگاه دانشگاه تهران (کوی دانشگاه) و همچنین از زنان پنج منطقه شمال، جنوب و شرق و غرب و مرکز تهران گرفته شده است.

بهار تیمورپور (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "تقسیم‌بندی رفتار مصرف‌تجملی بر مبنای ارزش تجملی ادراک شده توسط مصرف‌کنندگان"، قصد دارد تا بر مبنای ارزش تجملی ادراک شده توسط مصرف‌کنندگان تقسیم‌بندی مناسبی از رفتارهای مصرف‌تجملی ارائه دهد. پژوهش حاضر از نظر روش اجرا توصیفی - پیمایشی است و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. برای آزمون ارتباط بین متغیرها در مدل مفهومی و فرضیات از تحلیل عامل تأییدی مرتبه دوم استفاده شده است. نمونه این پژوهش ۱۰۹۷ نفر از ساکنان سه کلان‌شهر تهران، اصفهان، مشهد می‌باشند. در این پژوهش پیشنهاد می‌شود تا عوامل جمعیت‌شناختی کنترل شوند و تأثیر این عوامل مورد بررسی قرار گیرند تا اطلاعات بیشتری از جامعه آماری به دست آید. به طور مثال انجام پژوهش در سه طبقه درآمدی پایین، متوسط و بالا با بررسی مصرف‌تجملی روی نسل جوان، میانسال و مسن می‌تواند نتایج مفیدی داشته باشد. خوشه‌بندی بر اساس متغیرهای دیگری چون جغرافیایی، جمعیت‌شناختی، روان‌شناختی نیز می‌تواند نتایج جالب و قابل استفاده‌ای را به همراه داشته باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود تا این پژوهش برای کالاهای تجملی بادوام و بی‌دوام و طبقه‌های متفاوت محصول انجام گیرد و یافته‌های آن‌ها مورد مقایسه قرار گیرند.

| پژوهشگر و سال | عنوان پژوهش | متغیر مستقل | متغیر وابسته | روش شناسی |
|-----------------------------|---|--|--------------------------------|--|
| آستا ورما و هرا ۲۰۱۶ | مادی گرایی، خرید تفننی و مصرف | مادی گرایی، خرید تفننی، مصرف | مصرف نمایشی | پژوهش کیفی |
| ابی لوئیس، میگل مویتال ۲۰۱۶ | مصرف نمایشی متخصصان جوان در حوزه پوشاک | خودآگاهی عمومی، مادی گرایی، عزت نفس، عوامل جمعیت شناختی و رفتار خرید | مصرف نمایشی | آزمون کروسکال و ایس و ضریب همبستگی اسپیرمن |
| سارا جیووانینی ۲۰۱۵ | مصرف کالاهای مد لوکس و مصرف کنندگان نسل Y | شخصیت، آگاهی از برند، انگیزه مصرف | مصرف نمایشی کالاهای لوکس | تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و مدل معادلات ساختاری (SEM) |
| ملیحه یحیایی ۱۳۹۱ | پولی شدن جامعه و مصرف گرایی متظاهرانه علل و پیامدها | مادی گرایی و اهمیت دادن به پول و مادیات در روابط روزمره | مصرف نمایشی | همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه |
| بهار تیمور پور ۱۳۹۱ | تقسیم بندی رفتار مصرف تجملی بر مبنای ارزش تجملی ادارک شده توسط مصرف کنندگان | ارزش تجملی ادارک شده توسط مصرف کنندگان | رفتار مصرف نمایشی کالاهای لوکس | تحلیل عامل تأییدی مرتبه دوم |

جدول شماره ۱: پیشینه تجربی پژوهش

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از این نظر که به کشف پیشایندها و پیامدهای مصرف نمایشی بانوان در ایران و ارائه مدلی نو و جدید می پردازد بنیادی می باشد و از این جهت که نتایج آن برای شیوه های مواجهه با بازار کاربردی است کاربردی نیز می باشد. پژوهش حاضر از نوع روش پژوهش کیفی-پدیدارشناسی می باشد. استراتژی پژوهش نیز با استفاده از استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد^۱ خواهد بود. دلیل انتخاب این استراتژی این است که محققان به دنبال کشف پیشایندها و پیامدهای مصرف نمایشی بانوان در ایران و در یک محیط واقعی و در نتیجه ارائه مدلی جدید و نو می باشند.

۴-۱- روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش اطلاعات لازم برای نگارش ادبیات نظری از روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود. همچنین اطلاعات لازم برای ارائه مدل از روش میدانی جمع‌آوری می‌گردد.

۴-۲- ابزار گردآوری داده‌ها

در ابتدا با توجه به اسناد و مدارک موجود ادبیات نظری پژوهش نگارش می‌شود سپس در مرحله کیفی از ابزار مصاحبه استفاده می‌گردد.

۴-۳- جامعه و روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری ۱۵ نفر از بانوان دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و ۱۵ نفر از بانوان حوزه علمیه جامعه الزهرا قم می‌باشد. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری نظری^۱ خواهد بود. حجم نمونه این پژوهش به اشباع نظری^۲ سوالات مورد بررسی بستگی دارد و هرگاه پاسخ‌های داده شده به اندازه‌ای شبیه یکدیگر باشند که منجر به تکراری شدن پاسخ‌ها گردد و داده‌های جدیدی در آن وجود نداشته باشد نمونه‌گیری متوقف خواهد شد (محمدپور و رضایی، ۱۳۷۸). بنابراین در ابتدای پژوهش حجم نمونه تعیین نمی‌گردد و در خلال جمع‌آوری داده‌ها و پس از اشباع نظری تعداد نمونه مشخص خواهد شد. در این نوع نمونه‌گیری محقق با افرادی تماس برقرار می‌کند که در زمینه موضوع تحت بررسی یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و کافی باشند و یا پدیده مورد نظر را تجربه کرده باشند (محمدپور و رضایی، ۱۳۷۸). در ادامه به معرفی توصیفی مصاحبه‌شوندگان در دو گروه بانوان دانشجوی و بانوان طلاب حوزه علمیه پرداخته می‌شود.

| شماره مصاحبه | سن | میزان تحصیلات | میزان درآمد |
|--------------|----|----------------------|----------------|
| ۱ | ۲۴ | ارشد کشاورزی | صفر |
| ۲ | ۲۵ | ارشد جامعه‌شناسی | صفر |
| ۳ | ۱۸ | کارشناسی روان‌شناسی | ۴ میلیون تومان |
| ۴ | ۲۲ | کارشناسی مدیریت مالی | صفر |
| ۵ | ۲۳ | کارشناسی علم اطلاعات | ۱ میلیون تومان |
| ۶ | ۲۶ | ارشد مدیریت مالی | ۲ میلیون تومان |
| ۷ | ۲۵ | ارشد مدیریت مالی | ۳ میلیون تومان |

1-Theoretical sampling

2-Theoretical saturation

| | | | |
|---------------------------|----------------------------|----|----|
| ۵ میلیون تومان | دکتری مدیریت صنعتی | ۳۲ | ۸ |
| ۵ میلیون تومان | کارشناسی عمران | ۲۸ | ۹ |
| صفر | کارشناسی ارشد مدیریت دولتی | ۲۴ | ۱۰ |
| بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان | دکتری جمعیت شناسی | ۴۰ | ۱۱ |
| ۲ تا ۴ میلیون تومان | کارشناسی حقوق | ۲۸ | ۱۲ |
| ۳ میلیون تومان | ارشد مدیریت مالی | ۲۶ | ۱۳ |
| ۶ میلیون تومان | دکتری مدیریت مالی | ۴۳ | ۱۴ |
| ۴,۵ میلیون تومان | کارشناسی مدیریت صنعتی | ۲۷ | ۱۵ |

جدول شماره (۲): مشخصات مصاحبه شوندگان دانشجو

| میزان درآمد | میزان تحصیلات | سن | شماره مصاحبه |
|------------------|------------------------------|----|--------------|
| صفر | سطح ۲ حوزه | ۲۰ | ۱ |
| ۴ میلیون تومان | سطح ۳ و کارشناس ارشد | ۲۴ | ۲ |
| ۲ میلیون تومان | سطح ۳ حوزه | ۲۸ | ۳ |
| ۱ میلیون تومان | سطح ۲ حوزه | ۲۶ | ۴ |
| ۳ میلیون تومان | سطح ۴ حوزه | ۴۰ | ۵ |
| ۲ میلیون تومان | سطح ۴ حوزه | ۵۲ | ۶ |
| ۱,۵ میلیون تومان | سطح ۳ حوزه | ۳۲ | ۷ |
| ۱,۵ میلیون تومان | سطح ۳ حوزه | ۳۶ | ۸ |
| ۲ میلیون تومان | سطح ۴ حوزه | ۴۰ | ۹ |
| صفر | سطح ۳ حوزه | ۳۶ | ۱۰ |
| ۲,۵ میلیون تومان | سطح ۳ حوزه و ارشد ادیان الهی | ۴۰ | ۱۱ |
| صفر | سطح ۴ حوزه | ۴۲ | ۱۲ |
| ۲ میلیون تومان | سطح ۴ حوزه | ۴۰ | ۱۳ |
| ۳ میلیون تومان | دکتری حوزوی | ۴۵ | ۱۴ |
| ۲ میلیون تومان | سطح ۳ حوزه | ۳۷ | ۱۵ |

جدول شماره (۳): مشخصات مصاحبه شوندگان طلاب

۴-۴- روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

در روش کیفی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری و روش تحلیل محتوا استفاده خواهد شد که در ادامه به تشریح روش داده بنیاد پرداخته می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها قلب روش نظریه داده بنیاد است. این کار در چارچوب یک فرآیند مکانیکی و گام به گام انجام نمی‌شود. بلکه نیازمند خلاقیت، صبر، تیزبینی و نکته‌سنجی پژوهشگر است. در اصل روح تحلیل در استراتژی داده بنیاد، نوعی تحلیل مقایسه‌ای داده‌هاست که از آن به «مقایسه مستمر»^۱ تعبیر می‌شود. تولید طبقه‌ها و ایجاد ارتباط میان آن‌ها از طریق مقایسه بین رویدادها با طبقه‌ها و طبقه‌ها با یکدیگر حاصل می‌شود. هدف کلی در تمام این فرآیند این است که طبقه‌ها را از بین داده‌ها استخراج کنیم.

(۱) کدگذاری باز

کدگذاری باز: فرآیند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده، ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. در این مرحله، نظریه پرداز داده بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را، به وسیله بخش بندی اطلاعات شکل می‌دهد. پژوهشگر مقوله‌ها را بر همه‌ی داده‌های جمع‌آوری شده، نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات و وقایع یا یادداشت‌های خود بنیان می‌گذارد.

کد: واحد‌های پایه‌ای تحلیل هستند زیرا از مفهوم‌سازی داده‌ها نظریه شکل می‌گیرد، نه از خود داده‌های واقعی.

مفاهیم: زیر مقوله‌هایی از نوع کدهای باز هستند که وظیفه‌شان ارائه جزئیات بیشتری در مورد هر طبقه است.

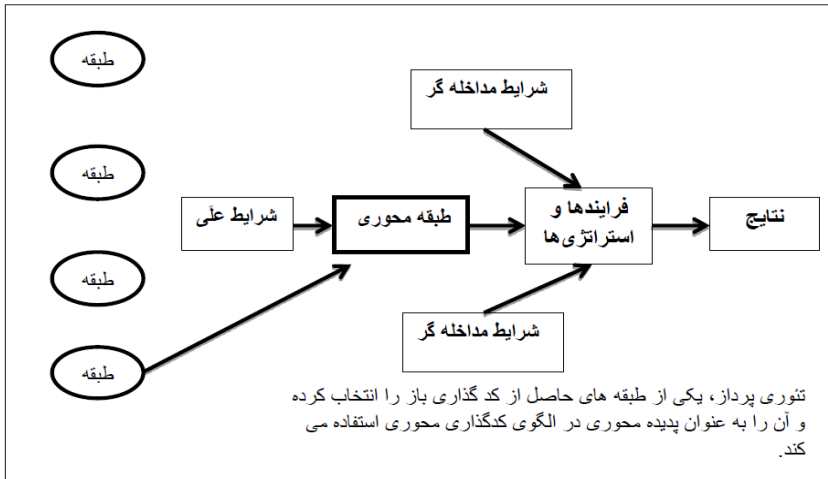
طبقه‌ها: در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی‌تر بوده و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. آنها از طریق همان فرآیند تحلیلی انجام مقایسه برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها که در سطح پایین‌تر برای تولید مفاهیم استفاده شد تولید می‌شوند. طبقه‌ها شالوده ساختن نظریه هستند و ابزاری فراهم می‌کنند که بوسیله آن نظریه می‌تواند یکپارچه شود.

(۲) کدگذاری محوری

در این مرحله پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به عنوان طبقه محوری انتخاب کرده، آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرآیند، مورد کاوش قرار داده و ارتباط سایر طبقه‌ها با طبقه محوری در پهنج عنوان می‌تواند تحقق یابد.

شرایط علی: این شرایط باعث شکل‌گیری پدیده و یا طبقه محوری می‌شوند. این شرایط

را مجموعه ای از طبقه ها به همراه ویژگی هایشان تشکیل می دهد. راهبردها: کنش ها یا برهم کنش های خاصی که از پدیده محوری منتج می شوند. زمینه (بستر حاکم): شرایط خاصی که بر راهبردها تاثیر می گذارند. شرایط مداخله گر: شرایط زمینه ای عمومی که بر راهبرد ها تاثیر گذارند. پیامدها: خروجی های حاصل از بکارگیری راهبرد ها. این روش کد گذاری که اصطلاحاً به آن (مدل پارادایم) کد گذاری محوری گفته می شود توسط استراوس و کوربین ارائه شده است. به این دلیل به آن محوری گفته می شود که کد گذاری حول «محور» یک طبقه انجام می گیرد.



شکل شماره (۱) مدل پارادایمی کد گذاری محوری

۳) کد گذاری انتخابی

در آخرین مرحله از کد گذاری که به کد گذاری انتخابی معروف است پژوهشگر با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی شده در دومرحله قبل به استحکام بیشتر فرآیند کد گذاری می پردازد و با تاکید بر بخش هایی که در تدوین تئوری می توانند نقش مهمتری ایفا کنند به تسهیل مراحل بعدی کمک می کند. به این ترتیب مقوله محوری را به شکلی نظام مند به دیگر مقوله ها ربط داده، آن روابط را اثبات پژوهشی کرده و طبقه هایی را بر اساس روابط بین آنها ایجاد میکند. تمام رویه ها به سمت تولید یک نظریه براساس داده های گردآوری شده هدایت می شوند. این کار با نگارش یک روایت صورت می گیرد. پژوهشگر این روایت را حول یک محور خاصی پرورش میدهد و بیان می کند که چگونه عوامل خاصی بر یک پدیده محوری اثر گذاشته و در نتیجه، رابطه هایی خاص با پیامد هایی خاص اتخاذ می شوند.

۴-۵- روش و ابزار گردآوری داده‌ها

سوالات تحقیق در مصاحبه عمقی با بررسی ادبیات نظری و در راستای پاسخ به سوال "پیشایندها و پیامدهای مصرف نمایی در ایران چیست؟" طراحی و شکل‌گیری پروتکل نهایی (جدول ۴) مصاحبه عمیق در پژوهش کیفی صورت گرفت.

۱. چگونه خودتان را به اطرافیان می‌شناسونید؟ (چگونه هویت خودتان را به دیگران معرفی می‌کنید)
۲. مصرف چه نوع کالاها یا خدماتی بهتر شما را به دیگران معرفی می‌کند؟
۳. مصرف تجملی (نمایی) چه نوع رفتاری می‌باشد؟ چه تعریفی از مصرف نمایی کالاهای لوکس دارید؟
۴. چه عواملی موجب می‌شود تا افراد به سمت این نوع مصرف گرایش داشته باشند؟
۵. چه جور آدم‌هایی معمولاً به سمت مصرف نمایی کالاها گرایش دارند؟
۶. در چه جامعه‌ها و محیط‌هایی افراد کمتر به سمت مصرف نمایی گرایش پیدا می‌کنند؟
۷. انگیزه افراد از مصرف نمایی کالاهای لوکس چیست؟
۸. مصرف نمایی کالاهای لوکس چه فواید و مضراتی برای افرادی که این نوع مصرف را دارند دارد؟
۹. افرادی که مصرف نمایی دارند ممکن است در جامعه به چه کارهایی روی بیاورند؟
۱۰. مصرف نمایی کالاهای لوکس چه فواید و مضراتی برای جامعه دارد؟
۱۱. در چه جوامع و محیط‌هایی مصرف نمایی بیشتر است؟
۱۲. در چه جوامع و محیط‌هایی مصرف نمایی کمتر است؟
۱۳. مصرف نمایی کالاهای لوکس چه فواید و مضراتی برای کسب و کارها دارد؟
۱۴. عوامل تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده مصرف نمایی چیست؟
۱۵. زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری مصرف نمایی چیست؟

جدول ۴. پروتکل مصاحبه

۴-۶- اعتبار و پایایی

در این پژوهش، جهت ارزیابی اعتبار، از روش «زاویه‌بندی^۱» یا کنترل مشارکت‌کنندگان^۲ استفاده شد. مقوله‌ها و مضمون‌های استخراج شده به شیوه توصیف روایت‌گونه، در اختیار

1-Triangulation

2-Member-Check

مشارکت‌کنندگان قرار گرفت که همراه با آن فرمی نیز در اختیار آنها قرار داده شد که توافق یا عدم توافق خود را درباره مفاهیم در قالب چهار گزینه کاملاً موافقم / موافقم / تاحدودی موافقم / اصلاً موافق نیستم، اعلام دارند. انتخاب گزینه‌های کاملاً موافقم و موافقم به معنای اعتبار مفهوم از دیدگاه مشارکت‌کننده در نظر گرفته شده است. نسبت تعداد افرادی که این دو گزینه را به عنوان پاسخ خود برگزیده‌اند به تعداد کل آنان به عنوان شاخصی برای ارزیابی مقوله‌ها و مضمون‌های استخراج شده در نظر گرفته شده است. نتایج نشان از اعتبار تمامی مقوله‌ها و مضمون‌های استخراج شده دارد. در جداول زیر نتایج اعتبار سنجی در دو مطالعه از دو گروه دانشجویان و طلاب ارائه می‌گردد.

جدول ۵. نتایج اعتبارسنجی داده‌های کیفی در مطالعه اول (دانشجویان)

| مضمون | مقوله | اعتبارسنجی (درصد) |
|----------------------------|---|-------------------|
| مصرف نمایی کالاهای لوکس | خرید کالاهای لوکس به منظور متمایز شدن با بقیه | ۱۰۰ |
| | مصرف کالاها برای بالابردن پرستیژ | ۱۰۰ |
| | خرید کالاهای نمایانگر ثروت و تجملات | ۱۰۰ |
| | خرید کالا به منظور تعلق به گروه اجتماعی خاص | ۸۵ |
| | خرید کالاهای متناسب با طرز تفکر دیگران | ۸۵ |
| | خرید کالا برای ارتقا جایگاه اجتماعی | ۸۵ |
| | مصرف کالا صرفاً به دلیل برند | ۱۰۰ |

جدول ۶. نتایج اعتبارسنجی داده‌های کیفی در مطالعه دوم (طلاب)

| مضمون | مقوله | اعتبارسنجی (درصد) |
|-------------------------|---|-------------------|
| مصرف نمایی کالاهای لوکس | خرید کالاهای لوکس به منظور متمایز شدن با بقیه | ۸۵ |
| | مصرف کالاها نه صرفاً به منظور رفع نیاز | ۱۰۰ |
| | خرید کالاهای نمایانگر ثروت و تجملات | ۱۰۰ |
| | خرید کالا به منظور نمایش میزان دارایی | ۸۵ |
| | خرید کالاهای متناسب با طرز تفکر دیگران | ۱۰۰ |
| | خرید کالاهای غیر ضروری | ۸۵ |

جهت صحت و استحکام تأیید پایایی تحقیق به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. همچنین از «تکنیک ممیزی» نیز استفاده گردید که دو متخصص بازاریابی مسلط به نظریه داده بنیاد، مراحل کدگذاری را نظارت نموده و در حین کار اشکالات را تذکر دادند و همچنین جهت بهبود فرآیند کار در مراحل کدگذاری نکات را گفته و ویرایش‌های لازم انجام شد تا تفاوت‌ها و تشابهات کدهای استخراجی آنها با نتایج این پژوهش نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۴- یافته‌های پژوهش

۵-۱- یافته‌ها در مطالعه اول (بانوان دانشجوی)

در اغلب پژوهش‌ها قبل از جمع‌آوری داده‌ها، متغیر، روابط و حتی نتایج تعریف شده و طرح تحقیقی متضمن مقصود است. در نظریه داده بنیاد تحقیق با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی‌شود بلکه روند تحقیق، با مطالعه یک حوزه مطالعاتی شروع گردیده و به تدریج موارد مرتبط پدیدار می‌گردد.

اطلاعات جمع‌آوری شده با تکنیک‌هایی چون کدگذاری آزاد یا آنالیز خط به خط (برای جستجوی کلمات یا جملاتی در متن که دارای معنی خاص باشند) تجزیه و تحلیل می‌شود که می‌تواند به محقق در راستای تشخیص مفاهیم موقت اکتشافی کمک کرده و وی را برای تشخیص نمونه‌های بیشتر راهنمایی کند.

با توجه به موارد ذکر شده در ابتدا با استناد به مصاحبه‌های صورت گرفته و استخراج کدهای باز به اطلاعات اولیه در خصوص مصرف کالاهای نمایی و موارد مرتبط دست پیدا کردیم،

سپس به دسته بندی و مقایسه عناوین استخراج شده پرداخته شد. در این بخش با مقایسه مفاهیم مختلف، زمینه های مشترک میان مفاهیم در کد گذاری باز کشف و امکان طبقه بندی مشابه در قالب های یکسان فراهم شده است.

با استفاده از این تکنیک زمینه ظهور ابعاد مشترک مفاهیم که همان کد گذاری محوری می باشد امکان پذیر گردیده است، حاصل این مرحله از فرایند تحقیق، شکل گیری مولفه ها است که در قالب مدل مفهومی ارائه شده است. نتایج حاصل از دسته بندی حاکی از آن است که شرایط علی روی آوردن به مصرف نمایشی کالاهای لوکس منتج از عوامل ساختاری، رفتاری، روان شناسی، اجتماعی می باشد. به این صورت که بانوان دانشجو شبکه های اجتماعی مانند اینستاگرام، سبک زندگی والدین و موقعیت اجتماعی را بستر تمایل به استفاده از کالاهای لوکس و نمایشی بیان کرده اند. همچنین بیشتر دانشجویان خانم بیان کرده اند که تمایل به استفاده از کالاهای لوکس دارند زیرا معتقدند با استفاده از کالاهای لوکس جایگاه و پرستیژ بالاتری پیدا خواهند کرد، حس خوبی خواهند داشت، اعتماد به نفسشان بالا خواهد رفت، مورد توجه خواهند بود و همچنین عوامل زمینه ای دخیل در این رفتار مصرف، بستر های فرهنگی و اقتصادی دارد. در قسمت بعدی (عوامل مداخله گر) میزان تاثیر عوامل مختلف بر تضعیف یا تقویت مصرف کالاهای نمایشی بررسی شده است. نتایج حاصل از مصاحبه نشان می دهد دانشجویان فضای ارتباطات یعنی شبکه های اجتماعی و تبلیغات و عوامل جمعیت شناختی چون سن، جنسیت، میزان درآمد و ... را عواملی دانسته اند که باعث تشویق آنها به استفاده از کالاهای نمایشی و لوکس می شود.

با توجه به موارد بالا و یافته های حاصل از مصاحبه ها راهبردهایی در جهت شناسایی رابطه بین پیشاندهای مصرف نمایشی و مصرف نمایشی و همچنین رابطه بین مصرف نمایشی و پیامدهای مصرف نمایشی در بین بانوان دانشجو ارائه گردیده است. با توجه به گرایش بانوان دانشجو به مصرف نمایشی کالاهای لوکس این راهبرد ها به بیان راهکارهایی چون آموزش و توانمند سازی پرسنل شرکت ها، فرهنگ سازی، حمایت از تولید کنندگان برای تولید یا مونتاژ کالای لوکس و سیاست گذاری های حمایتی دولت پرداخته است و سپس پیامدهای آن که شامل اعتماد به تولید داخلی کالاهای لوکس، رونق کارخانه های مونتاژ، برندینگ و توسعه اقتصاد پایدار می باشد، بیان شده است که در نهایت منجر به شکل گیری مدل مفهومی شماره ۱ گردیده است.



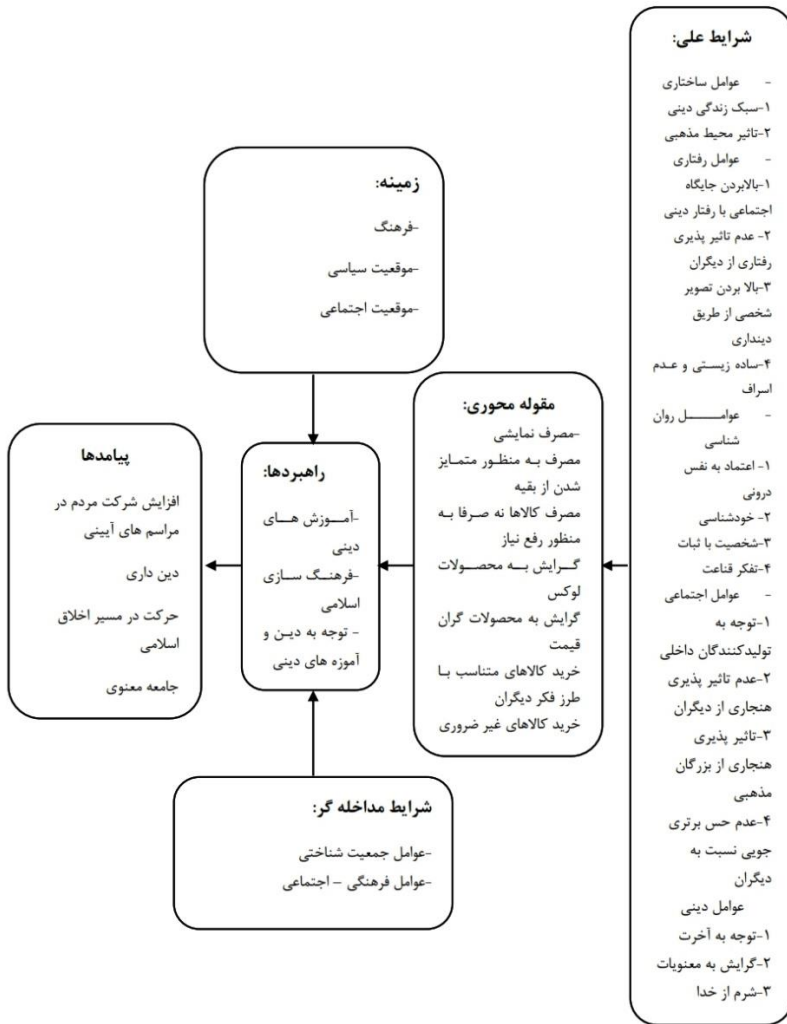
۵-۲- یافته ها در مطالعه دوم (بانوان طلاب)

در این بخش همانند بخش قبل مصاحبه با ۱۵ نفر از بانوان طلاب حوزه علمیه صورت گرفت و نتایج حاصل از آن (برخلاف بانوان دانشجو که بدلیل مزایای استفاده از کالاهای لوکس بیشتر تمایل به مصرف نمایشی چنین کالاهایی داشتند) نشان از تمایل بانوان طلاب به کنترل و کاهش مصرف نمایشی و مصرف کالاهای لوکس دارد. در این بخش نیز ترتیب دسته بندی پاسخ ها به صورت کد گذاری باز، محوری و جدول کدگذاری گزینشی و دست یابی به مولفه ها و چارچوب نظری پژوهش مانند بخش قبل انجام شده است. در بخش کدگذاری گزینشی، شرایط علی کنترل و کاهش مصرف نمایشی از نظر طلاب مصاحبه شونده، شامل شرایط اجتماعی، روان

شناسی، ساختاری، مذهبی- دینی و رفتاری می باشد، همچنین عوامل زمینه ای که بستر ساز کنترل مصرف نمایی هستند عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که تحت تاثیر این عوامل مصرف نمایی کالاها می تواند کنترل یا کاهش یابد.

همچنین نتایج حاصل از مصاحبه با طلاب بیانگر این مسئله است که عواملی چون عوامل جمعیت شناختی، اجتماعی - فرهنگی در مصرف نمایی دخیل هستند.

باتوجه به موارد ذکر شده در بخش بعدی راهبردهایی در راستای کاهش و کنترل مصرف نمایی و پیامدهای حاصل از این راهبردها در قالب مدل مفهومی شماره ۲ بیان گردیده است.



مدل مفهومی شماره ۲
(مصاحبه با بانوان طلاب)

نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از هر دو مطالعه بانوان دانشجوی و طلاب، پیشایندها و پیامدهای مصرف نمایی ابتدا در مطالعه اول و سپس در مطالعه دوم بیان می گردند. در مطالعه اول پیشایندهای مصرف نمایی، شاخص های علی شامل عوامل رفتاری، روان شناسی، اجتماعی و ساختاری هستند و عوامل اقتصادی و فرهنگی نیز زمینه های شکل گیری مصرف نمایی می باشند. پیامدهای ناشی از تاثیر مداخله عوامل جمعیت شناسی و ارتباطات بر استراتژی ها شامل آموزش و توانمند سازی پرسنل شرکت ها، فرهنگ سازی، حمایت از تولید کنندگان برای تولید یا مونتاژ کالای لوکس و سیاست گذاری های حمایتی دولت که در جهت افزایش مصرف کالاهای لوکس می باشد عبارتند از: اعتماد به تولید داخلی کالاهای لوکس، رونق کارخانه های مونتاژ، برندینگ و توسعه اقتصاد پایدار.

در مطالعه دوم پیشایندهای مصرف نمایی، شاخص های علی شامل عوامل رفتاری، روان شناسی، اجتماعی، ساختاری و دینی هستند و عوامل موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز زمینه های شکل گیری مصرف نمایی می باشند. پیامدهای ناشی از تاثیر مداخله عوامل جمعیت شناسی و فرهنگی - اجتماعی بر استراتژی ها شامل آموزش های دینی، فرهنگ سازی اسلامی و توجه به دین و آموزه های دینی که در جهت کاهش مصرف نمایی کالاهای لوکس می باشد عبارتند از: افزایش شرکت مردم در مراسم های آیینی، دین داری، حرکت در مسیر اخلاق اسلامی و جامعه معنوی.

ویلن سبک های متفاوت زندگی در دوره های مختلف را به جهت گیری های مذهبی اساساً متفاوت افراد نسبت می دهد (کوزر، ۱۳۸۸، ۳۶۴). ما نیز در این پژوهش به مطالعه مصرف نمایی کالاهای لوکس در ۲ فرهنگ متفاوت حوزه و دانشگاه پرداختیم. نتایج این پژوهش نشان می دهد که ارزش های فکری حاکم بر بانوان دانشجوی و طلاب در مورد مصرف نمایی کالاهای لوکس تقریباً متناقض است.

پس از انجام پژوهش کیفی مشخص شد که حوزوی ها بیشتر به مصرف در حد ضرورت و مضرات مصرف گرایی توجه داشتند ولی دانشگاهیان بیشتر به فواید مصرف توجه داشته و با دید مثبت به مصرف و مصرف گرایی نگاه می کردند. منش طلاب حوزه های علمیه بیشتر بر مبنای قناعت، ریاضت، پس انداز و حسابگری استوار است در حالی که منش دانشجویان بیشتر بر اساس لذت بردن از مصرف، تمایز، اعتبار و بهره مندی تکیه دارد. حوزویان بیشتر مروج مصرف ضروری هستند ولی دانشگاهیان در مصرف گرایی و مصرف کالاهای لوکس فوایدی می بینند که به آن اشاره شد.

نتایج بدست آمده از هر دو مطالعه نشان داد که باورها و اعتقادات افراد با شرایط علی متفاوت منجر به متفاوت بودن نگاه آنها به مقوله و مفهوم مصرف نمایی است و تاثیر معنی داری بر ابعاد مقوله مصرف نمایی داشته است. در واقع حضور افراد در دو جامعه فکری و سبک زندگی متفاوت باعث شده که رویکردشان نسبت به مصرف تجملی کاملاً متفاوت باشد و این امر

تبعات و پیامدهای کاملا متفاوتی برای جامعه دارد.

۱- پیشنهادات مدیریتی مطالعه اول (مصاحبه با بانوان دانشجو)

- آموزش واحدهای بازاریابی قوی و متخصص جهت معرفی کالاهای با کیفیت و اورجینال داخل که قابل رقابت با برندهای خارجی باشد
- آموزش تخصص‌هایی همچون بازاریابی و برندینگ جهت تقویت معرفی کالاهای لوکس و با کیفیت تولید داخل
- فرهنگ سازی در خصوص استفاده از کالاهای اورجینال داخلی از طریق تاکید بر ارزشهای ملی
- مشارکت مردم در فعالیت‌های فرهنگی جهت تقویت خرید و مصرف کالاهای با کیفیت و با ضمانت داخلی
- بهره برداری از جدیدترین تکنولوژی‌ها در تولیدات داخلی جهت تولید کالاهای لوکس
- تخصیص بودجه برای مونتاژ برخی کالاهای خارجی و برندهای سطح اول جهان
- ایجاد بستر همکاری بلند مدت بین المللی از طریق نمایشگاه‌های بین المللی در خارج و داخل
- استفاده از تبلیغات نوین جهت جایگاه سازی برندهای داخلی براساس الگوبرداری از برندهای خارجی مطرح
- ارائه تسهیلات به تولید کنندگان داخلی از طریق تنظیم بازار و قیمت گذاری صحیح
- افزایش مالیات واردکنندگان جهت کاهش واردات کالاهای لوکس خارجی
- تلفیق هم زمان خلاقیت و نوآوری در تولیدات داخلی

۲- پیشنهادات مدیریتی مطالعه دوم (مصاحبه با بانوان طلاب)

- ارتقا میزان مشارکت مردم در مراسمات آیینی و آموزش ارزشهای دینی و تغییر سبک زندگی
- ایجاد زمینه‌های لازم در جهت توجه به آخرت و فانی دانستن دنیا
- توجه به حرکت در مسیر اخلاق اسلامی
- تشویق ساده زیستی مردم به ویژه قشر جوان جامعه
- تشویق افراد جامعه به سمت قناعت پیشگی
- جلوگیری از اسراف و بیان مضرات آن در تمامی زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و مذهبی.
- توجه به معنویات در مقابل مادی گرایی

۳- پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- انجام این تحقیق در شهرهای دیگر و در میان اقوام و طبقات اجتماعی مختلف.
- انجام این پژوهش با استفاده از روش‌های کمی و تجربی و شبه آزمایشی.

فهرست منابع

۱. افتخاری، هلیا، ۱۳۹۴. بررسی رابطه ارزش‌های فرهنگی و گرایش به مصرف متظاهرانه گوشی‌های همراه لوکس در ایران. پردیس البرز دانشگاه تهران.
۲. تیمورپور، بهار، ۱۳۹۱. تقسیم‌بندی رفتار مصرف‌تجملی بر مبنای ارزش‌تجملی‌ادارک شده توسط مصرف‌کنندگان. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۳. خودکاری، لعیا، ۱۳۹۰. بررسی مصرف‌تظاهری و عوامل موثر بر آن. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا.
۴. سولومون، مایکل، ۱۳۹۲. رفتار مصرف‌کننده: خریدن، داشتن و بودن. ترجمه: کامبیز حیدرزاده. انتشارات بازاریابی.
۵. کاظمی، عباس، ۱۳۸۸. پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی. انتشارات آشیان.
۶. کوزر، لیوئیس، ۱۳۸۸. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی. انتشارات علمی.
۷. منصوریان، یزدان، ۱۳۹۳. نیاز به «بلوغ‌روشناختی» در مطالعات کیفی. فصلنامه نقد کتاب، سال دوم، شماره ۵، بهار ۹۴.
۸. محمدپور، احمد، ۱۳۹۰. تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها. مجله انسان‌شناسی، دوره دوم، سال یکم، شماره پیاپی ۱۰، صفحه ۱۲۷-۱۶۰.
۹. محمدپور، احمد، صادقی، رسول، رضایی، مهدی، ۱۳۸۹. روش‌های تحقیق ترکیبی به عنوان سومین جنبش روش‌شناختی: مبانی نظری و اصول عملی. جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۱، شماره ۲، صفحه ۷۷-۱۰۰.
۱۰. ویلن، تورستین، ۱۳۹۶. نظریه طبقه تن‌آسا. ترجمه: فرهنگ ارشاد. نشر نی.
۱۱. یحیایی، ملیحه، ۱۳۹۱. پولی‌شدن جامعه و مصرف‌گرایی متظاهرانه علل و پیامدها. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
12. Bagwell, L.S., Bernheim, B.D., 1996. Veblen effects in a theory of conspicuous consumption. *The American Economic Review*, 86(3), 349-373.
13. Berthon, P.R., Pitt, L.F., McCarthy, L., Kates, S.M., 2007. When customers get clever: Managerial approaches to dealing with creative consumers. *Business Horizons*, 50(1), 39-47.
14. Clark, R.A., Zboja, J.J., Goldsmith, R.E., 2007. Status consumption and role-relaxed consumption: A tale of two retail

- consumers. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 14(1), 45-59.
15. Giovannini, S., Xu, Y., Thomas, J., 2015. Luxury fashion consumption and Generation Y consumers: self, brand consciousness, and consumption. *Journal of Fashion Marketing*, 19 (1), 22-40.
16. Lewis, A., Moital, M., 2016. Young professionals' conspicuous consumption of clothing. *Journal of Fashion Marketing and Management: An International Journal*, 20(2), 138-156.
17. Lin, A.C., 2008. Virtual consumption: A second life for earth. *BRIGHAM Young University Law Review*, 49-113.
18. Marcoux, J.S., Filiatrault, P., Cheron, E., 1997. The attitudes underlying preferences of young urban educated Polish consumers towards products made in western countries. *Journal of International Consumer Marketing*, 9(4), 5-29.
19. O'cass, A., Frost, H., 2002. Status brands: examining the effects of non-product-related brand associations on status and conspicuous consumption. *Journal of Product and Brand Management*, 11(2), 67-88.
20. O'Cass, A., McEwen, H., 2004. Exploring consumer status and conspicuous consumption. *Journal of Consumer Behaviour*, 4 (1), 25-39
21. Ranjbarian, B., Rojuee, M., Mirzaei, A., 2010. Consumer Ethnocentrism and Buying Intentions: An Empirical Analysis of Iranian Consumers. *European Journal of Social Sciences*, 13(3), 371-386.
22. Shukla, P., 2008. Conspicuous consumption among middle age consumers: psychological and brand antecedents. *Journal of Product & Brand Management*, 17 (1), 25-36.
23. Vohra, A.V., 2016. Materialism, Impulse Buying and Conspicuous Consumption: A Qualitative Research. *Global Business Review*, 17(1), 51-67.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۰۲ - ۸۵

جایگاه علم، عمل و ایمان در مثنوی مولوی

^۱ زهرا باباپور

^۲ محمدرضا صرفی

^۳ عنایت‌الله شریف‌پور

چکیده

ادبیات عرفانی به خصوص مولوی روح و جاذبه‌ی خود را از ایمان و معرفت گرفته است. روح انسان‌گرایی ادبیات همان روح ایمانی و عرفانی است. مثنوی مولوی این شاهکار ادبی مملو از روح ایمان و آگاهی است. محتوا و لب ادبیات عرفانی ما از ایمان و آگاهی نشأت می‌گیرد در این مقاله با عنوان علم و ایمان در مثنوی مولوی، کوشش می‌شود که حقیقت علم و ایمان و رابطه آن‌ها را از نظر مولوی بسنجد و تبیین کند که علم و ایمان چگونه می‌تواند انسان را به حقیقت واحد برساند. مولوی چه نوع علمی را راهگشا می‌داند و در ارتباط علم و ایمان کدام یک را بر دیگری رجحان می‌نهد. مولانا همواره ارتباطی نزدیک بین علم و ایمان قرار داده و ایمان را نعمتی بزرگ می‌شمارد و نوری که بر بصیرت انسان می‌افزاید و انسان دانا درونش نوری برای هدایت اوست که با ایمان به خدا حقیقت را درمی‌یابد. او معتقد است علم و ایمان باید نردبانی برای تعالی روحانی انسان باشد و انسان باید در کنار علم، درس‌هایی از معرفت و عشق الهی بخواند و در پی رستاخیزی باشد که او را به سوی ثبات اخلاقی و روحانی پیش ببرد.

واژگان کلیدی

مولوی، مثنوی، ایمان، معرفت علمی، معرفت شهودی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

Email: babapour.z@gmail.com

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: m_sarfi@uk.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

Email: e.sharifpour@uk.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۸

طرح مسأله

مولانا از عارفانی است که به علم به دیدی ژرف نگریسته و دریای علم را بی انتها می‌داند و علم را به مثابه روح در تن عالم می‌داند که به واسطه آن می‌تواند به تمام هستی و همه موجودات مسلط شود. از نظر مولانا علم نوری است که انسان را از ظلمت جهل و نادانی می‌رهاند و تأکید می‌کند هر کس از درخت علم میوه و توشه بردارد هرگز گرفتار زوال و نیستی نخواهد شد. مولانا کسی را عالم واقعی می‌داند که در خلوت به بینش راه یابد و از دانش برای خودنمایی، جاه‌طلبی و تکاثر ثروت استفاده نکند. ایمان و علم همیشه در زندگی انسان نقش مهمی داشته و مولانا ایمان را همان علم شهودی می‌داند که موجب نیل به سعادت انسان است. در این مقاله علم و ایمان و رابطه این دو از نظر مولانا کاویده می‌شود و تعریف ایمان از نظر لغوی، عرفانی، لوازم و مراتب ایمان، ایمان و عمل، ایمان و عشق، ایمان شهودی و عارفانه، تعریف علم، مراتب علم مطرح و سپس رابطه علم و ایمان از منظر مولوی تبیین می‌شود. از آن جا که تاریخ انسان از ابتدا تا کنون با علم و ایمان گره خورده است حرکت در مسیر سعادت آدمی، در سایه خرد ورزی و تجربه‌ایمانی و عمل به آموزه‌های دینی میسر است و دغدغه مولانا داشتن ایمانی از روی علم و آگاهی است. در این مقاله، با تکیه بر مثنوی معنوی مولوی، جایگاه علم و ایمان به شیوه کتابخانه‌ای مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است.

درباره علم و ایمان در مثنوی تحقیقاتی انجام شده است اما هیچ کدام به طور جامع به علم و ایمان در مثنوی پرداخته نشده است. از جمله پژوهش‌هایی که درباره مثنوی انجام شده از جمله: مقاله "معرفت شناسی دینی در اندیشه مولوی" بدری، احمد (۱۳۹۲) که به شاخه‌های معرفت شناسی پرداخته است و توجه او بیشتر به تعمق مولوی به روش شناسی است. مقاله «تبیین جایگاه عقل در مثنوی مولوی و دلالت‌های تربیتی آن» فرمهینی فراهانی، محسن و مهدی سبحانی نژاد و زینب مهدوی (۱۳۸۹) دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، بیشتر به نقش و تأثیر عقل در تربیت انسان پرداخته است. مقاله «علم از دیدگاه مولانا» امیری خراسانی (۱۳۸۰) مقاله علمی و پژوهشی مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران سعی بر آن بوده علم از منظر چند تن از بزرگان عرفان از جمله مولانا بررسی شود.

در هر کدام از این پژوهش‌ها علم و ایمان از دیدگاه عرفان بررسی شده است و یا به جنبه‌های تربیتی علم و ایمان بر انسان اشاره شده است ولی به طور فراگیر و مبسوط به انواع علم از دیدگاه مولانا و طبقه بندی علم و رابطه آن با ایمان پرداخته نشده است.

۲- علم

امروزه علم در دو معنای متفاوت بکار برده می شود: معنای نخستین و اصیل علم دانستن در برابر ندانستن است. و به همه دانستنی ها صرف نظر از نوع آنها علم می گویند. و عالم کسی است که جاهل نباشد، طبق این معنا، اخلاق، ریاضیات، فقه، زیست شناسی، نجوم و ... همه علم اند. علم در این معنا متضاد جهل است و همان است که در انگلیسی بدان Knowledge می گویند.

در تعریف دیگر علم گفته اند: «مجموعه فعالیت های منظم و منسجمی است که با کمک آن، واقعیت های جهان در کنار یکدیگر نهاده می شود» (دلاور، ۱۳۸۴: ۲۷). و یا اینکه: «علم، پیکره ای سازمان یافته درباره جهان است» (هومن، ۱۳۷۳: ۵) و نیز "علم عبارت است از وجود شیئی مجرد، یعنی وجودی که غواشی ماده از آن سلب شده است خواه علم لافسه باشد یا شیئی دیگری." (صدرالدین شیرازی، ۲۸۶/۳)

مولانا دو مفهوم برای علم بیان می کند یکی علمی است که با هستی مادی و صوری مربوط است و از راه مدرسه و به کمک تجهیزات آموزشی به دست می آید، و دیگر، علمی که این جهانی نیست، در مدرسه ها نمی آموزند، و از راه کتاب و آموزش به دست نمی آید. این علم، دریافتی از باطن و حقیقت هستی است که درک آن فراتر از دریافت حسی عوام است. پس هر فردی با توجه به میزان درک خویش و موقعیتی که در آن قرار دارد راجع به یک مسأله خاص اظهار نظر می کند. تنها علم (معرفت) می تواند اختلاف در طرز تلقی و برداشت های گوناگون افراد از یک موضوع واحد را از میان بردارد و واقعیت را به آنان بنمایاند. قرآن مجید در آیات بسیاری انسان را به تفکر در آیات آسمان و ستارگان و نظام متقن حاکم بر آنها دعوت می کند. و بدین ترتیب به یادگیری علوم طبیعی، ریاضی، فلسفه و همه علوم می که در دسترس فکر انسانی است و آموختن آنها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی است؛ دعوت می کند. (علامه طباطبایی، بی تا: ۱۳۴)

۱-۲- مراتب علم

۱-۱-۲- علم حسی

عبارتست از احساس کردن چیزهایی که حواس پنجگانه بدان نایل می گردد و در حقیقت سرمایه اولیه برای تمامی علوم است و به اصطلاح فقدان هر یک از این حواس محرومیت از یک علمی است. دیگر حیوانات که هر یک از این حواس را واجدند، با انسان در این مرحله از علم مشارکت دارند

۲-۱-۲- علم خیالی

که همان تصرف در محسوسات کسب شده در ذهن است. مانند اینکه بگویید این خط بلندتر از آن خط است و گاهی از ترکیب صورتهای محسوس به صورتهایی دست می‌یابد که وجود خارجی ندارند. به این نوع علم «متصرفه» نیز گویند.

۲-۱-۳- علم وهمی

وقتی که قلمروی علم و ادراک انسان امور غیر محسوس را شامل شود، معانی جزئی را که نه ماده و نه مقدار دارد، درک می‌کند. مانند دوستی والدین، اندوه مادر داغ‌دیده و ... که این علم و آگاهی را «علم وهمی» می‌نامند و در اینجا است که انسان و حیوان از همدیگر متمایز می‌گردند.

۲-۱-۴- علم عقلی

انسان با استفاده از قوه عقل و اندیشه تمام مدرکات خویش را، اعم از علوم حسی، خیالی و وهمی، مورد بررسی قرار می‌دهد و درستی و نادرستی ادراکات خود را می‌سنجد و معانی کلی را از جزئیات درک می‌نماید و هر اندازه که عقل و اندیشه بخواهد، می‌تواند در آن علوم دخل و تصرف نماید و به نتایج و احکامی جدید دست یابد. این کاملترین دانشی است که انسان بودن انسان، وابسته به آن است و موجب متمایز بودن انسان‌ها از یکدیگر می‌باشد.

۲-۲- محدودیت های علم

دیدگاه علمی، با وجود موفقیت‌های بزرگی که در شناخت بی‌واسطه و کنترل جهان فیزیکی و در نتیجه، شناخت واقعیت فیزیکی داشته است؛ نمی‌تواند تمام پاسخ‌هایی را که در پی آن هستیم به دست دهد، و پیشرفت‌های علم در آینده، این محدودیت‌ها را تغییر نمی‌دهد زیرا این محدودیتها ذاتی علم است. (جورج، ۱۳۸۰: ۶۰)

مولانا در مثنوی در داستان شاه و کنیزک، بی‌ادبی در ساحت الهی را بزرگترین ناتوانی طبیبان از معالجه کنیزک می‌داند؛ چرا که آن‌ها بر این باورند که علم محدودشان در طول دانش بیکران الهی قرار دارد. او معتقد است درمان نفس و زدودن مهلکات و امراض نفسانی تنها با یاری حضرت حق امکان‌پذیر است و بدون رعایت ادب در پیشگاه الهی، درمان دردهای اخلاقی، روحی و معنوی ممکن نیست.

گر خدا خواهد نگفتند از بتر پس خدا بنمودشان عجز بشر
(مولوی، ۱۳۹۸: ۴۸/۱)

۳- ایمان

ایمان مصدر باب افعال از ماده یا ریشه ا م ن است. برای این کلمه معانی زیر ذکر شده است: اعتماد کردن، گرویدن و تصدیق کردن، ایمن گردانیدن، زنهار دادن و بی‌بیم گردانیدن کسی را، تصدیق کردن کسی را و گرویدن به او و قبول شریعت وی کردن و در انقیاد او درآمدن

،فروتنی نمودن ، (دهخدا، ۱۳۷۲) .ایمان به معنی تصدیق است و برعکس آن تکذیب باشد(ابن منظور، ۱۳۷۴ق) أمن در اصل آرامش خاطر و آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است(راغب ، ۱۳۹۲ق) متکلمان اسلامی برای ایمان این معانی را ذکر کرده اند: کار دل ، کار زبان ، کار دل و زبان ، کردار نیک و آمیزه ای از کار دل و زبان و کردار نیک (دایره المعارف تشییع ، ج ۲ص ۶۵۴) ایمان، یک اصطلاح قرآنی است که درحوزه کلام، فلسفه و عرفان نیز مورد توجه و تأمل قرار می‌گیرد. ایمان: «در لغت به معنی گرویدن، اعتماد کردن، تصدیق کردن و وثوق و اطمینان و همچنین به معنی خضوع و انقیاد و تصدیق مطلق و فضیله و ثبات آمده است و نیز به معنی باور داشت و اعتقاد و مقابل کفر است» (سجّادی، ۱۳۶۲: ۸۱)

از منظر عرفا: «ایمان بر دو قسم است؛ یکی ایمان در ظاهر که اقرار است و دیگری، ایمان به باطن و تصدیق به قلب، که در قسم اول، علاوه بر اعتقاد قلبی، عمل هم لازم است» (سجّادی، ۱۳۶۶: ۱/۳۶۶).

بلک تقلیدست آن ایمان او روی ایمان را ندیده جان او
بس خطر باشد مقلد را عظیم از ره و رهزن ز شیطان رجیم
(مولوی، ۱۳۹۸: ۵/۲۴۵)

مولوی علم و ایمان را متمم و مکمل یکدیگر می‌داند، توانایی را از علم و عشق را از ایمان می‌گیرد «علم ابزار می‌سازد و ایمان مقصد، علم سرعت می‌دهد و ایمان جهت، علم توانستن است و ایمان خوب خواستن، علم می‌نمایاند که چه هست و ایمان الهام می‌بخشد که چه باید کرد، علم انقلاب برون است و ایمان انقلاب درون، علم جهان را جهان آدمی می‌کند و ایمان روان را روان آدمیت می‌سازد، علم وجود انسان را به صورت افقی گسترش می‌دهد و ایمان به شکل عمودی بالا می‌برد، علم طبیعت ساز است و ایمان انسان ساز .هم علم به انسان نیرو می‌دهد، هم ایمان، اما علم نیروی منفصل می‌دهد و ایمان نیروی متصل. علم زیبایی است و ایمان هم زیبایی است. علم زیبایی عقل است و ایمان زیبایی روح، علم امنیت برونی می‌دهد و ایمان امنیت درونی .علم در مقابل هجوم بیماری‌ها، سیل‌ها، زلزله‌ها، طوفان‌ها ایمنی می‌دهد و ایمان در مقابل اضطراب‌ها، تنهایی‌ها و احساس بی‌پناهی‌ها علم جهان را با انسان سازگار می‌کند و ایمان انسان را با خودش.» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ۳۴)

«ایمان درست آن است که مؤمن در عقیده خود به درجه یقین رسد و آن متفاوت است؛ طایفه‌ای در دنیا به علم یقین بدانند و عده ای به عین یقین و بالاترین مقام ایمان، آن اولیاست که با اخلاص کامل به حق همراه است و نیز، کمترین باب ایمان آن است که از نهاد تو همتی سر بزند که دنیا و عقبی را به پشت پای به یکسو اندازی، چون این خاشاک از پیش قدم تو برداشتند، جمال ایمان آنکه بر دل تو تجلی کند.» (سجّادی، ۱۳۶۲: ۸۳)

۱-۳- ایمان تنها راه رسیدن به کشف و شهود

مولانا تأکید می‌کند که بعد باطنی ایمان اهمیت خاصی دارد و ایمان متعالی را موجب کشف و شهود دل می‌داند. «اهل تصوف به بعد باطنی ایمان تأکید داشتند و مخالف ایمان تقلیدی بودند چون ایمان تقلیدی را تبعیت کورکورانه می‌دانستند که هیچ خاصیتی ندارد. متصوفه، با تأکید بر بعد باطنی ایمان، با ایمان تقلیدی که، تبعیت کورکورانه است، مخالف بودند. صوفیان به نوع عالی‌تری از ایمان قایل بودند که به واسطه‌ی کشف و شهود و رؤیت دل حاصل می‌شود.» (لویزن، ۱۳۷۹، ۳۵۴)

مولانا در دفتر پنجم، در حکایت گبری زمان بایزید، ایمان ظاهری را عین کفر می‌داند. بود گبری در زمان بایزید / گفت او را یک مسلمان سعید / که چه باشد گر تو اسلام آوری / تا بیابی صد نجات و سروری / گفت این ایمان اگر هست ای مرید / آنک دارد شیخ عالم بایزید / من ندارم طاقت آن تاب آن / که آن فزون آمد ز کوششهای جان / گرچه در ایمان او بس مومنم / بس لطیف و با فروغ و با فرست / دارم ایمان که آن ز جمله برترست / گرچه مهرم هست محکم بر دهان / مؤمن ایمان اویم در نهان / باز ایمان خود گر ایمان شماسست / آنک صد میلش سوی ایمان بود / چون شما را دید آن فاتر شود / زانک نامی بیند و معنیش نی / عشق او ز آورد ایمان بفسرد / چون بیابان را مفازه گفتنی / چون به ایمان شما او بنگرد / (مولوی، ۱۳۹۸: ۵ / ۳۳۵۷-۳۳۶۷)

مولانا می‌گوید بایزید معنای حقیقی ایمان را دریافته اما افراد دیگر فقط نام ظاهری ایمان را شنیده‌اند ولی از حقیقت ایمان غافلند مانند عرب که به بیابان مفازه می‌گویند و بر هر چیزی نام ضد آن را می‌نهند تا خوش یمن شود. آن‌ها هم فقط این ایمان ظاهری را با ضدش می‌شناسند.

مولانا معتقد است کاملان طریقت ایمانی محکم و استوار دارند و حقیقت ایمان را دریافته‌اند ایمان همان است که در دل کاملان طریقت است که خود را از شک به دور داشته‌اند و به یقینی مطمئن دست یافته‌اند. این ایمان، ایمانی مبتنی بر کشف و شهود است. چون ببیند نور حق ایمن شود / ز اضطرابات شک او ساکن شود / (مولوی، ۱۳۹۸: ۵ / ۳۳۶۷)

از نظر مولانا، مردان حق، خود میزان حق و باطل و معیار تشخیص خطا و صواب

هستند. مولوی، میان اهل باطن و اهل ظاهر تفاوت قایل می‌شود و بر این باور است که باطن امور نه تنها در آخرت، بلکه در همین دنیا نیز بر اهل معرفت بی‌پرده و آشکار خواهد بود:

هر که او را برگ آن ایمان بود همچو برگ از بیم این لِرزان بود
(مولوی، ۱۳۹۸: ۱۳۴/۱)

مولانا ایمان را نعمتی بزرگ می‌شمارد و معتقد است ایمان نوری است که بر بصیرت انسان می‌افزاید و نباید فقط به ظاهر ایمان قناعت شود.

ذات ایمان، نعمت و لوتی است هول ای قناعت کرده از ایمان به قول
(مولوی، ۱۳۹۸: ۵/۶۵۰)

مولانا ایمان را غذای روح می‌داند و می‌گوید اکثر مردم از حقیقت ایمان بی‌خبرند و چون از نور ایمان به گفتار قناعت کرده‌اند، نمی‌دانند که ایمان غذای روح و اندیشه آدمی است.

بنابراین کسانی که در مادیات زندگی غرق شده‌اند، نمی‌توانند با این افکار مادی و غذای حیوانی به دنبال آرمان‌های والا باشند. پس باید بدانیم، ایمانی که مولوی ما را بدان می‌خواند

تا کی ای قانع به نان و گندنا با خود آ و نور ایمان کن غذا
(مولوی، ۱۳۹۸: ۲۸۳/۵)

چیست؟ مفسر مثنوی در شرح آن، چنین بیان می‌کند: «پدیده ایمان هم از قبیل عشق حقیقی است؛ با وجود ریشه اساسی ایمان در درون انسان که عبارت است از حس اتکا به مبدأ عالی‌تر در اشکال گوناگونش، از هیچ ایمانی به یک تکیه گاه، اعراض نمی‌توان کرد، مگر این که تکیه گاه کلی دیگری، ایمان انسان را برانگیزد» (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۱/۱۷۷).

مولانا، ایمانی حقیقی می‌داند که از یک مبدأ عالی سرچشمه می‌گیرد و حقیقت چنین ایمانی را نعمت و معرفتی بس عالی و بزرگ می‌داند، وقتی انسان در سایه ایمان، حقیقت را دریافت، در زندگی از هر خطا و لغزشی در امان می‌ماند و به کمال می‌رسد. اساسی‌ترین ملاک ایمان در نظر مولانا، صدق و نیت است و از آن جایی که این دو امر درونی است نمی‌توان صدق و نیت را در انسان دید لذا مولانا بیان می‌کند که حقیقت ایمان متضمن شهادت قولی و فعلی است. «تا زمانی که قول و فعل با صدق مقرون نباشد، شهادت آنها برای تحقق ایمان سالک کافی نیست و آنچه در حقیقت مبنای شریعت محسوب است و کلمه شهادت نام دارد. بدون این صدق مخلصانه تحقق نمی‌پذیرد.» (زرین کوب، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۷۲)

فعل و قول آمد گواهان ضمیر
زین دو بر باطن تو استدلال گیر
چون ندارد سیر سرت در درون
بنگر اندر بول رنجور از برون
فعل و قول آن بول رنجوران بود
که طیب جسم را برهان بود
(مولوی، ۱۳۹۸: ۲۳۶/۵)

مولانا سکینه قلب را همان اعتقاد جازم قلبی به خدا و نبوت رسول (ص) می‌داند و شرط ایمان را در قول و عمل می‌بیند و ایمان را حتی فایده بخش برای جسم می‌داند.

این نماز و روزه و حج و جهاد هم گواهی دادنست از اعتقاد
این زکات و هدیه و ترک حسد هم گواهی دادنست از سر خود
گر چه آن مطعوم جان است و نظر جسم را هم زان نصیب است ای پسر
(مولوی، ۱۳۹۸: ۲۸۶/۵)

۳-۳- مراتب ایمان

مولوی بالاترین مرتبه ایمان را از آن انبیای عظام و آنچه بر آنان نازل شده است، می‌داند. او در موارد گوناگون و در تمثیل‌های مثنوی، به مراتب ایمان و حقیقت آن، بارها اشاره کرده است؛ ایمان منکران، ایمان دین باوران، ایمان شهودی و عاشقانه، ایمان حقیقی، ایمان ظاهری، ایمان متقین، که مورد اخیر را بالاترین مرتبه ایمان می‌داند. او در مثنوی بر این باور است که اهل ایمان ندای تسبیح و نیایش همه جمادات و پدیده‌های هستی را می‌شنوند و آن را باور دارند. همنشینان نشنوند، او بشنود ای خنک جان کو به غیبتش بگردد
(مولوی، ۱۳۹۸: ۴۶۸/۳)

مولوی در نهایت با آوردن حکایت پیامبر(ص) و زید بن حارثه، نشانه‌های ایمان شهودی، عاشقانه و عارفانه را بیان می‌کند. وقتی پیامبر(ص) از زید می‌پرسد نشانه‌های ایمانت چیست؟ زید جواب می‌دهد:

گفت تشنه بوده ام من روزها شب نخفتمم ز عشق و سوزها
تا ز روز و شب گذر کردم چنان که ز اسپرم بگذرد نوک سنان
(مولوی، ۱۳۹۸: ۱۴۲/۱)

نشانه‌های ایمان شهودی؛ عشق به مبدأ هستی، راز و نیاز شبانه، ورود به وادی تزکیه و تهذیب، گذر از عالم ماده و مدت و رسیدن به مقام تجرید و وارستگی است: «چون نور عشق و ایمان دل زید را روشن ساخته بود و حقیقت را آشکارا می‌دید، گفت ایمان من بدان درجه رسیده است که بهشت و دوزخ و اهل آن را چنانکه هستند، می‌توانم ببینم» (شهیدی، ۱۳۷۳: ۱۶۸/۱)

۳-۴- رابطه علم و ایمان

در تعریف علم و ایمان گفته شده است که علم مفهومی عینی، جهانی، معقول و مبتنی بر حس می‌باشد و در تعریف ایمان می‌گویند ایمان مربوط به امور ذهنی، احساسی و مبتنی بر سنت تلقی می‌شود. "دانشمندان معمولاً رابطه علم و ایمان را در چهار مقوله جای می‌دهند: تعارض، استقلال یا تمایز، گفتگو یا تعامل، وحدت و یا تایید. و گاه این رابطه را به سه رابطه تعارض، تمایز، مکملیت تقلیل می‌دهند. (پترسون، ۱۳۹۰: ۳۲۱)

علم کوششی برای فهم نظم جهان و ایمان تلاشی برای فهم معنا در جهان است. اینها هر دو ارتباط بین اجزای مختلف جهان را می جویند. لذا اگر موفق شوند باید در نهایت یکی شوند. در این رویکرد علم و ایمان تلاش می کنند برای فهم جهان ما و خود ما خدمتی آرایه دهند و هر یک وظیفه خودش را ایفا می کند. انسان دانا باید خود را از هر آلودگی و هوا و هوس پاک کند و در حقیقت درونش نوری برای هدایت او باشد چنین انسان خردمندی می تواند راهبر و پیشوای دیگر انسان ها باشد.

عاقل آن باشد که او با مشعله است او دلیل و پیشوای قافله است
پیرو نور خود است آن پیش رو تابع خویش است آن بی خویش رو
مؤمن خویش است و ایمان آورید هم بدان نوری که جانش زو چرید
(مولوی، ۱۳۹۸: ۲۱۸۹/۴)

ایمانی که از یک مبدأ الهی سرچشمه بگیرد از نظر مولانا ایمانی حقیقی است انسانی که به ایمان و به یقین می رسد دیگر به هیچ یک از خطاهای نفس آلوده نمی شود و با ایمان خود به یک زندگی پاک و طیب دست می یابد. بالاترین مرتبه ایمان ایمانی است که متقین دارند. ایمان آورندگان کسانی هستند که وجدانی سلیم دارند و از عقبه های سخت و دشوار درونی و بیرونی عبور کرده اند. «اینان هستند که ایمان به خود آورده اند، یعنی خود وابسته به خدا را دریافته اند و به آن ایمان آورده اند. این نوع اشخاص شاید در هر قرنی بیش از عدد انگشتان یک دست پیدا نشوند» (جعفری، ۱۳۸۸: ۳۷۱/۱۰)

۵-۳- نشانه های ایمان

مولانا نشانه های ایمان را عشق بیان می کند عشقی که به مبدأ هستی است و انسان را به مقام وارستگی می رساند. و هنگامی که نور عشق دل انسان را روشن کند می تواند حقیقت را ببیند و ایمان انسان به درجه ای از یقین می رسد که تمام حقایق را می بیند مولانا ایمانی را در مثنوی مطرح می کند که مبدأ، محور و موتور حرکت آن خداوند است. ایمان در مثنوی، مقدمه ای است برای ورود به عرفان و پرواز روح به مراتب بالاتر.

صحت این حس بجوید از طیب صحت آن را بخواهید از حیب
(مولوی، ۱۳۹۸: ۳۰۸/۱)

مولانا، معتقد است انسان با رعایت ادب به پیشگاه حضرت دوست می تواند به سرمنزل مقصود برسد. از دید مولانا، وجود انسان با تخلق به صفات حسنه و گذار از مقامی به مقام دیگر با طی مراتب وجود، از مرتبه ای به مرتبه دیگر تعالی می یابد لذا تعالی روح مسئله ای وجودی است،

حس دنیا نردبان این جهان حس دینی نردبان آسمان
صحت این حس ز معموری تن صحت آن حس ز ویرانی بدن
(مولوی، ۱۳۹۸: ۳۰۷/۱)

مولانا می‌گوید ایمان بدون طریقت ناکارآمد است، شریعت را پوسته دین است، در حالی که طریقت، در باره جوهر دین بحث می‌کند و نتایج عملی بسیار مثبتی دارد.

بشنوید ای دوستان این داستان خود حقیقت نقد حال ماست آن
(مولوی، ۱۳۹۸: ۳۵/۱)

مولوی در مذمت نفس و دوری از آن، بدین سبب اصرار می‌ورزد که پیروی از آن موجب دوری از حق است و چون نفس را در مقابل عقل می‌داند، همراه شدن با آن را دور شدن از راه حق به شمار می‌آورد. با عشق است که امکان وصول و دریافت اسرار الهی نصیب سالک می‌گردد.

عشق تو بر هر چه آن موجود بود آن ز وصف حق زر اندود بود
چون زری با اصل رفت و مس بماند طبعسیر آمد طلاق او براند
(مولوی، ۱۳۹۸: ۵۵۵/۳)

مولانا می‌گوید ما باید خس و خاشاکِ مسیر را پاک کنیم تا در ورای این آلودگی‌ها، به فهمی که پنهان مانده است، برسیم. این نگرش متفاوت، ریشه در دو تفکر ارسطویی و افلاطونی (و البته نوافلاطونی) دارد. افلاطون مثل ارسطو نبود که کلیه‌ها را مُنتزَع از ادراک ذهنی جزئیات بدانند بلکه «برای کلیه‌ها قائل به مکان شد و اندیشه عالمی واقعی را در ماورای آسمانها برای مُثُل مطرح کرد.» (تسیلر، ۴۹۳۰: ۹۶)

مولانا در دفتر دوم مثنوی داستان تشنه را بیان می‌کند که بر سر دیوار بلند نشسته و جویای آب است. او به تدریج از خشته‌های دیوار می‌کند و در جوی آب کنار دیوار می‌اندازد. فلسفه این عمل این است که او با کندن هر خشت (حجاب/ هستی مادی) به آب نزدیک تر شود و علاوه بر این، صدای افتادن خشته‌ها در آب، بانگی را ایجاد کند که لبیکی از مطلوب و معشوق است و گرمابخش و امیدآفرین. هر که عاشقتر بود بر بانگ آب / او کلوخ زفت تر کند از حجاب . انسان تا وقتی که از این تن خاکی نجات پیدا نکند، نمی‌تواند بر آب حیات سجده بکند. هرچه قدر کسی تشنه‌تر باشد، این خشت را زودتر می‌کند و زودتر به مطلوب می‌رسد.

بر سر دیوار تشنه دردمند
از پی آب او چو ماهی زار بود
بانگ آب آمد به گوشش چون خطاب
مست کرد آن بانگ آبش چون نبیذ
گشت خشت انداز از آنجا خشت کن
(مولوی، ۱۳۹۸: ۱۱۹۶/۲-۱۲۰۰)

بر لب جو بوده دیواری بلند
مانعش از آب آن دیوار بود
ناگهان انداخت او خشتی در آب
چون خطاب یار شیرین لذیذ
از صفای بانگ آب آن ممتحن

مولانا صیقلی دادن درون را مهمترین ابزار معرفتی و شناخت می داند و داستان رقابت رومیان و چینیان در نقاشی و توصیه های فراوان مولانا بر صیقلی دادن ابزار معرفتی دل، همگی برخاسته از همین تفکر افلاطونی و نوافلاطونی اوست. تلاش اولیاء را در مقام تزکیه نفس و تصفیه دل به کار چینیان تشبیه می کند که با صیقلی دادن صفة خود موجب شدند که نقش های زیبای صفة رومیان، عینا و بلکه به گونه ای شفاف تر، بر سطح صاف و زوده صفة آنها منعکس شود.

بی ز تکرار و کتاب و بی هنر
پاک از آز و حرص و بخل و کینه ها
صورت بی منتها را قابلست
(مولوی، ۱۳۹۸: ۳۴۹۵/۱)

رومیان آن صوفیاند ای پدر
لیک صیقل کرده اند آن سینه ها
آن صفای آینه وصف دلست

وقتی مولانا از «يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ» شدن، دم می زند، مرادش چنین مرحله ای از ایمان است که باعث بالاترین درجه فهم می شود و نتیجه حاصله از این مرتبه ایمان، علم و آگاهی است با ارزشی بالاتر از یافته های عقل بشری. به عبارت دیگر، «نیک باشیم تا با نیکان به سر بریم و آنان به حکم نیکی خود با ما رفتار کنند، بد باشیم تا با بدان به سر آریم و ما و آنها بدی یکدیگر را بر خود هموار داریم. نظم این است و هیچکس نمیتواند خواه در دوره حیات، خواه پس از ممات از آن معاف باشد.» (ژیلسون، ۴۹۶۶: ۹۲۰) مولانا به مصداق آیه ۶ سوره نور که: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ.» معتقد است که مؤمنان به سوی مؤمنان و کافران و ناپاکان به سوی ناپاکان جذب می شوند. او ایمان و مؤمنان را از جنس نور و کفر و کافران را از جنس آتش و نار می داند. خوبی، خوبی را جذب میکند و بدی، بدی را؛ پس اگر مؤمن باشی، به سبب این همانی، امور الهی را راحت تر خواهی فهمید:

ناریان هم ناریان را جاذبند
(مولوی، ۱۳۹۸: ۸۳/۲)

نوریان مر نوریان را جاذبند

مولانا معتقد است ایمان افراد دچار زیادی یا نقصان می شود ولی کاملاً طریقت دچار زیادت و نقصان نمی شوند زیرا آنها با کشف و شهود به یقین تزلزل ناپذیر رسیدند، دیگر

تزلزلی برای ایمان آن‌ها پیش نمی‌آید. برای رسیدن به ایمان حقیقی، پذیرش درد عشق و صیقل دل از تمام تعلقات، تطهیر باطن، رهایی از عادت و تقلید لازم است تا بدین طریق به فنا و نیستی یعنی وصال با معشوق دست یافت.

هر کسی اندازه‌ی روشندلی غیب را بیند به قدر صیقلی
هر که صیقل بیش کرد او بیش دید بیشتر آمد بر او صورت پدید
(مولوی، ۱۳۹۸: ۴/۲۹۱۰)

۴- رابطه ایمان و علم

شناخت با عزم و علم به دست می‌آید و رسیدن به پرتوهایی از فهم باعث می‌شود که این طلب، تکثیر شود. استاد فروزانفر در باره ستایش عقل ایمانی و نکوهش عقل حسابگر می‌گوید: «مولوی در نود و پنج جای مثنوی، درباره‌ی عقل سخن گفته و بیشتر جاها آن را ستوده و گاهی نیز آن را مذمت کرده است؛ عقلی که شاعر مذمت کرده، عقل حسابگر، جزئی و مصلحت اندیش است، اما عقلی که مایه‌ی رستگاری و نجات است، باید با ایمان و راستی و خداجویی همراه و هماهنگ باشد. همان عقلی که در تعبیرات شرعی به آن اشاره شده است و همواره بر ایمان راستین و معرفت یاب متکی است» (فروزانفر، ۱۳۶۷: ۵۶۵)

براساس باور مولانا ممکن است انسانی در عقل جزئی به درجه بالایی از عقل رسیده باشد اما چون به عقل خدا جو و عقل کلی راه نیافته باشد محکوم به جهالت شود:

سوی حسّ و سوی عقل او کامل است گرچه خود نسبت به جان او جاهل است
(مولوی، ۱۳۹۸: ۱/۱۵۱۳)

به عبارتی هر جا ایمان هست، پای علم هم در میان است. اما ممکن است علم در جایی باشد. ولی اثری از ایمان نباشد؛ همانگونه که ابلیس بسیاری از حقایق را می‌دانست اما از ایمان خالصانه برخوردار نبود، بنابراین، همین علم فاقد ایمان او باعث شد تا از جایگاه رفیع تقرّب به حق فرو افتد و مطرود ابدی آستان الهی گردد. مولوی براین باور است که عقل کلی یا عقل کل از خداوند نور می‌گیرد لذا آن را ویژه‌ی انبیاء الهی، اولیا و یا ابر آدمیان و بندگان برگزیده‌ی حق می‌داند و درباره‌ی اهمیت عقل می‌گوید:

بس نکو گفت آن رسول خوش جواز ذره‌ای عقلت به از صوم و نماز
ز آن که عقلت جوهر است این دو عرض این دو در تکمیل آن شد مقتض
(مولوی، ۱۳۹۸ دفتر ۵/ ۴۵۴)

مولوی علم با ایمان را یاریگر انسان می‌داند و علم ایمانی را رهنمون انسان در سرای باقی تلقی می‌کند و می‌گوید علم بار گرانی بر دوش حاملانشان نباشد این بار را باید برای سبکبار شدن بردوش کشید؛ نه برای گرانشنگی و سبکساری.

علم های اهل دل حاملشان علم های اهل تن حاملشان
علم چون بر دل زنده یاری شود علم چون بر تن زنده یاری شود
(مولوی، ۱۳۹۸: ۱/۳۴۵۷)

به عبارتی علم و اندیشه ای که در خدمت تعالی انسان باشد ستودنی است. و عقل ایمانی را بصیرتی می داند که از علم بسی بالاتر و فراتر است و شناخت و آگاهی انسان را خودش جان همه دانش ها می داند و به فکر عاقبت کار خویش بودن را بهترین خرد و اندیشه می داند.

۱-۴- داستان طوطی و مرد بقال

مولانا می گوید هیچ وقت کار انسان های پاک را با کار خودت مقایسه نکن، اگر چه املای شیر درنده و شیر خوردنی در ظاهر مانند هم است اما در باطن با یکدیگر کلی تفاوت دارند. تمام انسان ها به این دلیل گمراه شدند که با قیاس های نابه جا نتوانستند مردان حق و اولیا الله را تشخیص دهند و آن ها را مانند خود فرض کردند. ممکن است امر واحدی از سوی دو تن انجام گیرد اما نتایج متفاوتی داشته باشد که به نیت و ذات درونی انسان ها بستگی دارد. میزان درک افراد از امور به اندازه فهم و دانش آن هاست که قیاس های نابجا نیز از آن نشأت می گیرد. انسان باید از تقلید کورکورانه دوری کند.

منطقی کز وحی نبود از هواست همچو خاکی در هوا و در هباست
اعتمادش بود از روی قیاس خانه نتوان کرد در کوی قیاس
(مولوی، ۱۳۹۸: ۶/۴۶۶۸)

قیاس و عمل کردن به ظن و گمان مخصوص آن دسته از مردم است که به خزانه علم الهی و منبع عقل کل اتصال نداشته باشند و در حکم همان اباحه خوردن جیفه و مردار است در ضرورت حفظ حیات؛ و با وجود این حال اگر تحری و اجتهاد نکنند اعمال ایشان همه باطل و بی اساس است.

احمد! چون نیستت از وحی یاس جسمیان را ده تحری و قیاس
کز ضرورت هست مرداری حلال که تحری نیست در کعبه ی وصال
(مولوی، ۱۳۹۸: ۶/۴۷۰۷)

نتیجه گیری که از این داستان حاصل می شود. این است که نباید قیاس کرد بین دو چیز گر چه به ظاهر یکسان، در ماهیت متفاوتند. مخالفان قیاس می گویند اول کسی که قیاس کرد و ملعون شد شیطان بود قیاس کردن انسان را از هدف اصلی دور می کند.

از قیاسش خنده آمد خلق را کو چو خود پنداشت صاحب دل را
کار پاکان را قیاس از خود مگیر گر چه باشد در نبشتن شیر و شیر
(مولوی، ۱۳۹۸: ۱/۲۶۶)

انسان‌های ظاهر بین نیز بدین سبب درجهان گمراه گشته اند که کار انسانهای صالح و پاک را با کار خود قیاس نموده اند و چه بسا که خود را با انبیا یکی دانسته و مدعی گشته اند که پیامبران نیز چون ایشان بشرند و وابسته به خور و خواب و اقتضای غرایز. ایشان کوردلانی بیش نیستند و هرگز در نمی یابند که انبیا تفاوت بسیار با سایر ابناء بشر دارند.

| | |
|------------------------------|------------------------------|
| جمله عالم زین سبب گمراه شد | کم کسی ز ابدال حق آگاه شد |
| همسری با انبیا برداشتند | اولیا را همچو خود پنداشتند |
| گفته: اینک ما بشر، ایشان بشر | ما و ایشان بسته خوابیم و خور |
| این ندانستند ایشان از عمی | هست فرقی در میان، بی منتهی |

(مولوی، ۱۳۹۸: ۲۶۸/۱)

تکیه مولانا بیشتر بر شهود و تصفیه باطن است و عقل جزوی را در طی طریق حقیقت، لنگ می بیند. مولانا در جاهای دیگری از مثنوی نیز با استفاده از مثال معجزات پیامبران تلاش کرده است به ما بگوید مجرای همه‌ی امور را همین علت‌های شناخته شده و ظاهری ندانید، چه بسا علت‌ها و سبب‌هایی قوی‌تر از آن‌ها پشت صحنه باشند. از جمله این که در دفتر دوم می‌گوید:

بی سبب بین نه از آب و گیا چشم چشمه معجزات انبیا
(مولوی، ۱۳۹۸: ۱۸۴۷/۲)

۲-۴- حکایت اعرابی و ریگ در جوال کردن و ملامت کردن آن فیلسوف را

مولانا پس از اشاره به علم ظاهر و بی‌حاصلی آن، به مناسبت، کلام حکایت اعرابی و ریگ در جوال کردن و ملامت کردن فیلسوف او را می‌آورد. عربی صحرائشین بر پشت شتر خود باری نهاده بود؛ یک جوال پر گندم و جوال دیگر پر ریگ، خود نیز روی جوال‌ها نشسته بود. در این هنگام شخص پرگویی که فیلسوف می‌نمود، گفت: می‌خواستی بار گندم را دو بخش کنی، تا هم وزن بارت سبک‌تر شود و هم تعادل برقرار گردد. مرد عرب چنین کرد و بر فیلسوف تحسین نمود، و از او پرسید تو حکیم با فضلی هستی. بگو شاهی، یا وزیر و با این دانش چرا پیاده می‌روی؟ فیلسوف گفت: شخص عادی هستم؛ نه شاهم و نه وزیر. مرد گفت: درهم و دینار چقدر داری. فیلسوف گفت: من به نان شبم محتاجم، تا چه برسد به پول نقد. مرد عرب گفت: زود از من دور شو که می‌ترسم شومی و نحسی دانش و هنر تو، گریبان مرا نیز بگیرد اعرابی می‌گوید: من ترجیح می‌دهم که بی‌سواد و احمق باشم، اما دلم ساز و برگ ایمان خود را حفظ کند و روحم پرهیزکار بماند.

تا نبارد شومی تو بر سرم
نطق تو شومست بر اهل زمن
ور ترا ره پیش من و پس روم
به بود زمین حیل‌های مردریگ
که دلم با برگ و جانم متقیست
چهد کن تا از تو حکمت کم شود
حکمتی نی فیض نور ذوالجلال
حکمت دینی برد فوق فلک
(مولوی، ۱۳۹۸: ۳۲۰۵/۲-۳۲۱۲)

پس عرب گفتش که رو دور از برم
دور بر آن حکمت شومت ز من
یا تو آن سو رو من این سو می‌دوم
یک جوالم گندم و دیگر ز ریگ
احمقی‌ام پس مبارک احمقیست
گر تو خواهی کت شقاوت کم شود
حکمتی کز طبع زاید وز خیال
حکمت دنیا فزاید ظن و شک

مولوی در این حکایت دانش و حکمت فلسفه را به باد انتقاد می‌گیرد و آن را زاید طبع و خیال قلمداد می‌کند. و علم و دانشی را که نتوانند گرهی از کار کسی بگشاید و نه سود دنیوی داشته باشد و نه سود آخروی سخت مورد نکوهش قرار می‌دهد. به عبارت دیگر بیان می‌کند که «فلسفه و علوم عقلی نه تنها راه به جایی در وادی معرفت و حکمت (حقیقی) نمی‌برد بلکه خود اساس و زایندهٔ جهل و نادانی هم هست و اینکه این آموخته‌ها نه تنها سود معنوی و آخرتی ندارد که دنیا و روزگار آدمی را هم به تباهی می‌کشاند و جز فقر و پریشانی و آوارگی چیزی برای صاحبش نمی‌آورد چنانکه در حیطةٔ عمل برای فلسفی مرد، چیزی جز مسکنت و بی‌چیزی نیارود» (محبتی، ۱۳۸۱: ۲۸)

در مثنوی مولانا، خدا محور همه چیز قرار دارد و به انسان می‌آموزد که چگونه دوباره به مبدأ اصلی خویش رجعت کند. ایمان مرکز ثقل تفکر مولاناست. او در صدد توضیح مسالهٔ انسان و چگونگی بازگشت او به جانب معبود یا محبوب است تا به انسان تفهیم کند تو که از عالم اعیان هستی، از آن نیستان جدا شده‌ای، از محبوب فراق یافته، به این عالم هبوط کرده‌ای؛ دریاب چگونه می‌توانی به مبدا و ماوای خویش بازگردی. مولانا خدا محور است اما انسان را سایه اصلی او می‌بیند و بر این باور است که انسان کریمه الهی است که به این دنیا هبوط کرده، اما قابلیت خلیفهٔ الهی را داراست. کل آفرینش به خاطر انسان خلق شده است. انسان به عنوان خلیفهٔ الله، مساله اصلی و گل سرسید آفرینش است و همه هستی توسط خداوند حول وجود انسان، ساختار و تشکل می‌یابد. پس با علم و ایمان می‌تواند به سر منزل مقصود راه یابد.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش
(مولوی، ۱۳۹۸: ۱/۴)

نتیجه گیری

علم انسان تحت تأثیر وجود او قرار دارد بنا براین ایمان آدمی با حیطة وجودی انسان تعامل دارد. ایمان به مثابه اراده معطوف به باور است. باور به یک موضوع نه تنها موجب فهم بیشتر انسان می‌شود حتی می‌تواند آفریننده فهم باشد و فهم را بیافریند پس زمینه ایمان داشتن موجب شناخت می‌شود و همین باور ایمانی با هم‌نوا ساختن حیطة های عاطفی و ارادی وجود و علم انسان را به سمت درک بهتر هنمون می‌کند. همه علوم در وجود آدمی نهفته است و در عالم مثل، روح همه این علوم را درک کرده است اما راه درک دوباره این علوم، رهایی و خلاصی از حجاب های عالم مادی است. فهم فقط برای استدلال نیست بلکه به منظور دریافت نور است که باید از طریق صیقلی دادن دل ایجاد شود. مولانا معتقد است که علم و ایمان از سنخ نور هستند و در نتیجه حصول ایمان به مثابه کسب نور و همسخی با نورانیت است. بر این اساس در می‌یابیم که ایمان نور است و علم، محتاج نور است و برای یافتن علم، نور ایمان لازم است. به عبارتی هردو سنخ ایمان و علم لازم و ملزوم همدیگرند و با هم همسنخ و همگامند و این سیر ایمان و علم با تعالی وجودی آدمی همراه و همگام است. مولانا روش تحقیق فلاسفه و علمای مدرسه را که مبتنی بر ادله صوری و روابط علت و معلولی است، مقلدانه می‌داند، اما روش مبتنی بر کشف، وجدان و شهود را روشی اصیل به شمار می‌آورد و معتقد است که این روش، جوینده را به سر منزل مقصود می‌رساند. مولانا ایمان و عشق را ارجح می‌داند و بر فهم عقلانی برتری می‌دهد مرتبه نخست ایمان که اعتقاد قلبی است یعنی اعتقاد تالی علم است و هر جا که بتوان علم را جایگزین اعتقاد ساخت، غنیمتی است که فاهمه ما را حاصل می‌آید.

فهرست منابع

- قرآن کریم
۱. ابن منظور (۱۴۱۶) *لسان العرب*، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
 ۲. تسلر، ادوارد. «۴۹۳۰ افلاطون» ترجمه حسن فتحی. فصلنامه علامه. ش ۹ دوره اول تابستان صص ۹۴۳-۹۴۰.
 ۳. لیندبرگ، دیوید (۱۳۷۷) *سرآغازهای علم در عرب*، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
 ۴. سجادی، سید جعفر (۱۳۷۰) *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران: طهوری.
 ۵. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۸) *عقل در مثنوی*، تهران، کرامت.
 ۶. دلاور، علی (۱۳۸۴) *روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*، تهران، نشر ویرایش
 ۷. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۴) *سر نی*، ج ۱، تهران: انتشارات علمی.
 ۸. ژیلسون، اتین (۴۹۶۶) *روح فلسفه قرون وسطی*، ترجمه غ داوودی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۹. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۳). *شرح مثنوی*، شش مجلد، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 ۱۰. شمیسا، سیروس، *نقد ادبی*، ۱۳۸۳، چاپ چهارم، تهران، رامین
 ۱۱. صدر الدین، محمد بن ابراهیم (صدر المتألهین) (۱۳۸۱) *کسر اصنام الجاهلیه*، تهران: بنیاد حکمت صدر
 ۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا) *قرآن در اسلام*. تهران: طلوع.
 ۱۳. فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۶۱) *احادیث و قصص مثنوی*، تهران. زوار
 ۱۴. محبتی، مهدی (۱۳۸۱) «*تقابل معرفت و معیشت براساس قصه ای از مثنوی معنوی*»، پژوهش نامه زبان و ادبیات فارسی، بهار و تابستان، صص ۲۱-۳۴.
 ۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، *مجموعه آثار*، ج ۲، چاپ هفتم، تهران. نشر صدرا،
 ۱۶. مظفر، محمد رضا (۴۰۹۲) *اصول الفقه*، ج ۵، قم، انتشارات اسلامی
 ۱۷. مولوی، محمد (۱۳۹۸). *مثنوی معنوی*، تصحیح محمد علی موحد، چاپ چهارم، تهران: نشر هرمس.
 ۱۸. محمد بن منور (۱۳۶۶) *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید*، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.
 ۱۹. هات، جان. اف (۱۳۸۲) *علم و دین: از تعارض تا گفت و گو*، ترجمه بتول نجفی. قم: کتاب طه.
 ۲۰. هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۲) *کشف المحجوب*، تهران: طهوری.
 ۲۱. هومن، حیدر علی (۱۳۷۳) *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، تهران، انتشارات پارسا
 22. Holy Quran
 23. Ibn Manzur (1416) *Lisan al-Arab*, Beirut: Dar al-Hayya al-Turath al-Arabiyya.
 24. Tessler, Edward. 4930 *Plato*, translated by Hasan Fathi. *Faslama is a mark*. 9 St., first round, Tabstan, pp. 943-940.

25. Lindbergh, Dewayd (1377), Saragazhay, Alam Dar Arab, translated by: Fereidun Badra Ay, Tehran: Scholarly Varhangi.
26. Sajjadi, Sayyid Jaafar (1370) Farahng Idioms and expressions of gratitude, Tehran: Tahri.
27. Jaafari, Muhammad Taqi (1378) Aql Dor Mathnawi, Tehran, Karamat.
28. Dalawer, Ali (1384) Rosh Verification of the Rawanshnassi and Educational Sciences, Tehran, Wiraish Publishing
29. Zareen Koube, Abd al-Husayn (1364), Sereni, Part 1, Tehran: Scholarly Spread.
30. Gilson, Etienne (4966) The Spirit of Medieval Philosophy, translated by GD Dawoodi, Tehran, Scholarly Spread and Farhangi.
31. Shaheedi, Sayyid Ja'far (1973). Explanation of Mathnawi, Sheh Magdal, Tehran: Intilat Alami and Farhanji Company
32. Shamisa, Syrius, Literary Criticism, 19, 29 Haram, Tehran, Ramin
33. Sadr al-Din, Muhammad ibn Abraheem (Sadr al-Mutlaheen) (1381) Breaking the Idols of the Jahiliyyah, Tehran: Baniyad Hakamat Sadr
34. Tabatbay, Sayyid Muhammad Husayn (Pita) Qur'an Dur Islam. Tehran: rise.
35. Forouzanfer, Badi` Al-Zaman (1361) Hadiths and Stories of Mathnawi, Tehran. Visitors
36. Mahbati, Mahdi (1381) "I met and lived with Rasas, a story that is a double-minded person," Johash Namah Zaban and Adabiyat Farsi, Bahar and Tabistan, pp. 21-34.
37. Mutahri, Morteza (1376), Group of Athar, C2, Haftam, Tehran. Post a chest,
38. Muzaffar, Muhammad Ridha (4092), Fundamentals of Jurisprudence, Vol. 5, Qom, Ansarat Islam
39. Mawlawi, Muhammad (1398). Mathnawi in Morale, Corrected by Muhammad Ali Muhad, Cha Haram, Tehran: Publishing Hermes.
40. Muhammad ibn Munawar (1366) The Secrets of Monotheism in the Maqamat of Sheikh Abu Said, Corrected by Muhammad Reza Shafei Kadkani, Tehran: Agh.
41. Hat, Jean. F (1382) Science and Religion: A contradicts Taifat and F, translated by Batoul Najafi. Qom: Taha's book.
42. Hajiwari, Ali bin Othman (1382) Kashf Al-Mahjoub, Tehran: Tehran.
43. Humen, Haydar Ali (1373) Schnacht Rosh Alami Der Science Revtari, Tehran, Parsa Expansion.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۱۴ - ۱۰۳

تطبیق آراء علامه طباطبایی و علامه مصباح یزدی درباره منشاء الزام و ارزش اخلاقی

سیدمرتضی حسینی مطلق^۱

مهدی ایمانی مقدم^۲

چکیده

عموم فیلسوفان اخلاق مسلمان، به اقتضای اطلاق و دوام شریعت اسلام و حجیت ابدی سیره و سنت حضرات معصومین (علیهم السلام) و نیز به اقتضای استدلال عقلی و ثبات فطرت انسانی و علی رغم تفاوت در روش تبیین، قائل به اطلاق ملاکات برای ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی شده‌اند. دو فیلسوف بزرگ اخلاق شیعی در دوره معاصر یعنی علامه طباطبایی و علامه مصباح یزدی در تبیین به ظاهر متفاوت از واقع گروهی اخلاقی و اطلاق ملاکات اخلاقی، نظریه پردازی نموده‌اند؛ مقاله حاضر در پی اثبات این نکته است که این دو تبیین، مآلاً به تبیین واحدی قابل ارجاع است. علامه طباطبائی (در تفسیر رایج از نظریه ایشان) ضروریات اخلاقی را از باب اعتباریات دانسته و ضرورت حقیقی و تکوینی بین عمل قوه فعاله و اثر عینی آن را، مجازاً (به معنای وحدت در معنا و تفاوت در مصداق) به ضرورت ذهنی و نفسانی حاصل از تصور غایت ذهنی تسری داده است اما علامه مصباح از باب ضرورت بالقیاس الی الغیر، به ضرورت الزامات اخلاقی رسیده است. می‌توان با اعتباری و ذهنی دانستن ضرورت بالقیاس و ارجاع آن به ضرورت بالغیر، این دو نظریه را، تعابیری متفاوت از یک حقیقت دانست. تحقیق پیش رو، به تبیین این مهم پرداخته است.

واژگان کلیدی

فلسفه اخلاق، ملاک اخلاقی، اعتباریات، ضرورت بالقیاس، ضرورت بالغیر، علامه طباطبایی، مصباح یزدی.

۱. دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران.

Email: seyedm124@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول).

Email: m.imanimoghdam99@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۳/۸

طرح مسأله

ارائه نظریه ای قابل قبول درباره تعریف و سپس منشا و ملاک مفاهیم ارزشی و هنجاری یکی از عمده ترین دغدغه‌های فیلسوفان اخلاق بوده و از مهم ترین علل پیدایش مکاتب مختلف اخلاقی نظیر لذت گرایی، سود گرایی، جامعه گرایی، احساس گرایی، نظریه امر الهی، واقع گروی اخلاقی و دیگر مکاتب اخلاقی شده است.

بحث در رابطه با مفاهیم اخلاقی و نظریه اخلاقی، ابتدا مبتنی بر تعریف پذیری مفاهیم اخلاقی است و بعد از آن، صحبت از منشأ پیدایش باید کرد. به طور کلی در بین فیلسوفان اخلاق سه نظریه عمده در این موضوع وجود دارد؛ نظریه تعریف گرایانه، شهود گرایانه و غیر شناختی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ش، ص ۵۴).

نظریه تعریف گرایانه، که خود به دو دسته طبیعت گرا و ماوراء گرا تقسیم می شود، گویای این مطلب است که مفاهیم اخلاقی قابل تعریف و تحلیل اند و هر مفهوم اخلاقی را می توان بدون ارجاع به مفاهیم اخلاقی دیگر و تنها بر اساس مفاهیم غیر اخلاقی تعریف کرد (همان) طرفداران این نظریه اصولاً اصطلاحات و مفاهیم اخلاقی را صرفاً علامت‌ها و نشانه‌هایی از ویژگی‌های اشیاء خارجی می‌دانند و بر طبق این دیدگاه می‌توان «باید» را براساس «هست» و ارزش را براساس واقعیت تعریف کرد (فرانکنا، ۱۳۷۶ش، ص ۲۰۵).

لیکن در نظریه شهود گرایانه، اصطلاحات اخلاقی علامت و نشانه درک شخصی و درونی ما از افعال است مانند حس مطلوب بودن یا رهنمون بودن به سعادت همه جانبه. این نظریه از جهتی با تعریف گرایانه مشترک است اما با این تفاوت که در شهودگرایی، هنجارها و اوصاف اخلاقی، می‌توانند براساس اصطلاحات اخلاقی نیز قابل تعریف باشند ولی تنها از راه شهود به معنای نوعی درک شخصی، می‌توان احکام و مفاهیم اخلاقی را شناخت و نه با مشاهده تجربی و یا استدلال ما بعد الطبیعی؛ (همان، ص ۲۱۵ و ۲۱۶).

نظریه غیر شناختی یا توصیف ناگروانه که با مبانی دینی ناسازگار است، مبتنی بر این باور است که مفاهیم اخلاقی، مفاهیمی بی‌معنا و غیر قابل تعریف اند؛ نه مانند تعریف گرایانه با ارجاع به مفاهیم طبیعی یا متافیزیکی می‌توان آن‌ها را تعریف کرد و نه همچون شهود گرایانه با استمداد از مفاهیم اصلی اخلاق. اینان اصولاً برای مفاهیم اخلاقی حیثیت شناختی قائل نبوده و آن‌ها را ناظر به واقع نمی‌دانند و مفاهیم اخلاقی را صرفاً مفاهیمی احساسی، عاطفی و یا توصیه‌ای می‌پندارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ش، ص ۵۷). درباره منشأ پیدایش مفاهیم اخلاقی، گروهی طرفدار واقعی بودن مفاهیم اخلاقی اند و معتقدند الزامات و ارزش‌های اخلاقی، قابل ارجاع مستقیم یا غیر مستقیم و با عقل یا وحی و شهود به واقعیت‌های خارجی و عینی اند. (همان، ص ۵۸). بنابراین «خوبی» در فعل اخلاقی درست مانند «حُسن» و اعتدالی است که در

اشیای محسوس، وجود دارد. در مقابل، دسته دیگری از فیلسوفان اخلاق همچون جامعه‌گرایان و طرفداران نظریه امر الاهی از جمله اشاعره، بر این باورند که ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی مانند جملات استفهامی و امری هیچ ریشه‌ای در واقعیات عینی و خارجی نداشته و صرفاً انشائات و جعلیاتی هستند که از خواسته‌گوینده نشئت گرفته‌اند (همان ص ۵۹). مطابق این دیدگاه علم اخلاق از علوم صرفاً دستوری به حساب آمده و علمی است که کار آن کشف از چیزی نیست بلکه صرفاً مجموعه‌ای از دستورها و اوامر و نواهی است.

نظریه سوم در منشاء پیدایش مفاهیم اخلاقی ارجاع آن به فطرت و سرشت و ذات آدمیان است؛ طبق آن درک مفاهیم اخلاقی از ویژگی‌های وجودی انسان است. انسان‌ها بر صورت اخلاقی خداوند آفریده شده‌اند؛ یعنی عامل انقیاد و پذیرش هنجارهای اخلاقی مبنایی در عموم انسانها، تجلی و ظهور سرشت خدادادی ایشان است و دست کم برخی از اصول اخلاقی مورد پذیرش انسان‌ها، وهبی بوده و قابل تعلیم و آموزش نیستند. (همان، ص ۶۱). می‌توان نظریه افلاطون در درک همه علوم از جمله ارزش‌های اخلاقی به هنگام اتصال روح انسانی به مثل قبل از خلقت را، نوعی فطری‌گرایی اخلاقی تلقی کرد که طبق آن، فراگیری علوم و تعلیم آن از جمله در علم اخلاق، در حد تذکر و یادآوری قابل تعریف است (مطهری، ۱۳۸۲ ش، ص ۴۸). شهید مطهری نیز از راه فطرت به معنای اقتضائات نفس علوی و روح الاهی (البته در معنایی متمایز از نظریه مثل افلاطونی) به تبیین ملاک‌های ثابت اخلاقی می‌پردازد.

عموم فیلسوفان اخلاق مسلمان از جمله علامه طباطبائی و علامه مصباح، معتقد به واقع‌گروی اخلاقی و اطلاق ملاکات اخلاقی، می‌باشند؛ علامه طباطبائی، از راه اعتباریات، ضروریات اخلاقی را تبیین نموده و ضرورت بین عمل و اثر آن را، مجازاً به ضرورت حاصل از تصور ذهنی از غایت اطلاق نموده است اما علامه مصباح از باب ضرورت بالقیاس الی‌الغیر، واقع‌گرایی اخلاقی را تبیین نموده است. شارحین این دو نظریه عموماً، تمایزی بین ایندو قائل بوده‌اند اما تحقیق پیش‌رو، با ارجاع منطقی ضرورت بالقیاس الی‌الغیر به ضرورت بالغیر در نظریه اعتباریات علامه طباطبائی، به نزاع ظاهری بین این دو نظریه خاتمه داده است.

نظریه اعتباریات اخلاقی علامه طباطبائی (ره)

بایستی برای فهم آرای اخلاقی علامه در بحث «الزام و ارزش» به بحث اعتباریات ایشان در معرفت‌شناسی فلسفی مراجعه کرد. توضیح آن که، واژه «اعتبار» از مشترکات لفظی است و معانی آن عبارتند از:

اول) معقولات ثانی اعم از منطقی و فلسفی که فاقد ما بازای خارجی اند ولی منشاء انتزاعشان واقع است.

دوم) معانی حقوقی و اخلاقی و مفاهیم ارزشی (در برابر مفاهیم توصیفی و یا اخباری) که

ارزش‌گذاری و الزام اند.

سوم) اعتباریات به معنای وهمیات.

چهارم) اعتباری در مقابل اصالت؛ (اصیل چیزی است که منشأ اثر واقعی است مانند وجود و اعتباری منشأ اثر بالاصاله نیست مانند ماهیت در حکمت متعالیه). (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰۱)

پنجم) نوعی استعاره به معنای «اعطای حد چیزی به چیز دیگر که فاقد آن حد است» علامه بسان مرحوم محقق اصفهانی، اعتبار در ملاک‌های اخلاقی را به معنای پنجم تعریف می‌نماید. «اعتبار» در بیان ایشان، به معنای «مجاز در تعریف سکاکی» است؛ سکاکی استعاره را از شوون معانی می‌داند نه الفاظ؛ یعنی عملی است نفسانی و ذهنی در اعطای حقیقی تعریف و حد چیزی (مشبه به) به چیز دیگر (مشبه) که آن حد را ندارد. مانند آن که در «زید شیر است» حقیقتاً حد و تعریف شیر را به انسان شجاع توسعه دهیم. (طباطبائی، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۹۱، غروی اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۱۶) یعنی بدون عوض کردن حد و تعریف شیر، گویا زید هم یکی از افراد اسد است و زید را به منزله یکی از افراد جامعه اسدی تنزیل داده‌ایم و این یعنی «مجاز در اسناد» که مبنای تحلیل علامه است؛ و نیز بایستی توجه داشت که علامه تمام مفاهیم اعتباریه را برخاسته از حقایق نفس الامر می‌داند (طباطبائی، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۹۵) توضیح آن که، ادراکات از نظر ایشان به ادراکات حقیقی (نفس الامر) مانند «حس خاصی که من از تشنگی فعلی خود دارم» و ادراکات اعتباری «باید سیراب شوم» تقسیم می‌شود و حاصل این دو، صدور فعل ارادی از انسان است. (طباطبائی، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۳۱) نفس، رابطه ضرورت تکوینی و حقیقی بین فعل آشامیدن (علت) و سیراب شدن (معلول) را اعتباراً و به نحو توسعه در معنا، شامل رابطه خود و تصور لذت حاصل از حالت سیراب شدن می‌گرداند (هر چند در واقع بین این دو، رابطه امکانی حاکم است) که در جمله «باید سیراب شوم» بروز می‌یابد و از این توسعه در معنای ضرورت، به ضرورت اعتباری تعبیر می‌نماید. به بیان دیگر اعتبار، حاصل احساسات و خواسته‌هایی است که از نیازهای حقیقی برخاسته اند و این اعتبار منشاء صدور فعل ارادی در انسان است (طباطبائی، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۵۵)

انسان در نخستین بار با بکار انداختن قوای فعاله خود، نسبت ضرورت و وجوب را میان خود و صور احساسی خود که با نتیجه عمل تطبیق می‌نماید، می‌گذارد و حال آن که این نسبت در حقیقت، در میان قوه فعاله و حرکات حقیقی صادره آن جای دارد؛ پس نسبت نامبرده اعتباری خواهد بود و از اینجا روشن می‌شود که نخستین ادراک اعتباری از اعتباریات عملی که انسان می‌تواند بسازد، همان نسبت وجوب است... اعتبار وجوب، اعتباری است عمومی که هیچ فعلی از وی استغناء ندارد. (طباطبائی، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۳۰-۴۳۱)

در افعال اختیاری اخلاقی نیز به همین گونه است؛ مثلاً از «کمال نفس و تعالی آن» حاصل از سخن گفتن مطابق با واقع، تعبیر به «باید راست گفت» می‌نماید. (طباطبائی، ۱۳۶۲ش، ص ۱۵۴) شاید بتوان گفت: این ضرورت و الزام در اعتباریات اخلاقی، همان شوق مؤکدی است که در نفس ایجاد می‌شود و مبداء اراده اختیاری انسان می‌گردد. ایشان معتقدند هیچ فعل اختیاری از انسان صادر نمی‌شود مگر این که نفس انسان آن را اعتبار کند و انسان خواسته یا ناخواسته به عمل اعتبار سازی در امور زندگی دست می‌زند؛ بنابراین اعتباریات، لازمه هر فعل ارادی بوده و ارزش های اخلاقی و مفاهیم الزامی را وابسته به اعتبار معتبر دانسته است. (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۴۵۳)

بنابراین، علامه اعتباریات را به اعتباری بالمعنی الاعم (معنای دوم از معانی چهارگانه) و اعتباری بالمعنی الاخص (معنای پنجم و مطمح نظر ایشان در فلسفه اخلاق) تقسیم می‌نماید. توضیح معنای پنجم اینکه، بُعد طبیعی وجود انسان، اندیشه و احساساتی را ایجاد می‌کند تا از طریق آنها بر خواسته های خود دست یابند. این اندیشه ها، اعتباری اند که از آن به «اعتباریات عملی» یاد می‌شود. (طباطبائی، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۲۸) مانند تصور غایت (مثلاً سیری) در قبل از عمل (خوردن، خرید و...) که باعث اعتبار الزام آن عمل در جهت تحقق آن غایت می‌شود. بنابراین رسیدن به احساس خوشایند سیری دوباره، یک سری الزام ها (مثل تهیه غذا، خرید و خوردن غذا) را اقتضاء می‌کند. این «الزام و وجوب» یک اعتبار است. این الزام و وجوب به خلاف وجوب بالذات که وصف وجود مستقل عینی است و به خلاف وجوب بالغیر که «ضروره وجود المعلول عند وجود علتہ التامه فی الخارج» است، ضرورتی ذهنی و مقایسه ای بین تصور غایت و لوازم تحقق و کسب آن است.

در بایدهای اخلاقی هم، تصور غایت (مثلاً آرامش درونی و یا پاداش اخروی و یا رضایت الهی ...) باعث اعتبار وجوب فعل (صبر، ایثار و ...)، قبل از انجام فعل می‌شود. در جمله اخلاقی «باید صبوری کنی تا به پاداش برسی» این «باید»، وجوب قبل از فعل (صبوری) است و به واسطه غایتی که به همراه دارد این باید اعتباری اخلاقی، بوجود آمده است.

بحث اعتباریات در حسن و قبح

علامه ارزش های اخلاقی (خوب و بد) را اعتباری و زائیده بلافصل اعتبار وجوب می‌داند. مفهوم «خوب»، مصادیق عینی و حقیقی دارد؛ یعنی ملائمت و سازگاری میان اشیاء و قوای احساسی. مثلاً زیبایی گل و خوش بوئی آن، ملائمت دارد با طبع قوای احساسی یعنی با بویایی و بینایی. از دیدگاه علامه، در ارتکاب هر فعل ارادی، این ملائمت بین اشیاء و قوای احساسی عالماتاً و یا ارتکازاً تصور می‌شود. بنابراین حسن راستگویی، حسن عدل، حسن تعاون و غیره در نظر علامه، اعتباری و حاصل و برآیند تمایلات انسان است. هر تحلیلی که در هنجارها کردیم و

به لزوم اعتباری رسیدیم، همان مراحل را نیز در ارزش‌های اخلاقی طی می‌کنیم؛ مثلاً «ملایمت و حسن گل» امری حقیقی است. تصور آن، باعث حسن مقدمات وصول به آن است؛ مقدماتی مانند آبیاری و سم‌پاشی و ... خودشان حسن حقیقی و بالاصاله ندارند و به واسطه اینکه می‌خواهند ما را به آنجا برسانند نازل منزله همان حسن قرار می‌گیرند هرچند همراه با دشواری باشند و باصطلاح «حسن اعتباری» می‌یابند، البته با تفسیری که در ارجاع اعتباریات علامه به واقعیات نموده و آن را از نوع مجاز سکاکی نمودیم، این توسعه در حقیقت، در معنا و مفهوم حسن نیست.

حسن و زیبایی بهشت و یا وصول به رضوان و قرب الی‌الله، باعث حسن مقدمات آن از جمله نماز و سایر واجبات الهی می‌گردد؛ بنابراین نماز هم حسن دارد تنزیلاً؛ یعنی هر چند ممکن است نماز دارای کلفت ظاهری و حسی باشد، اما در پرتو حسن غایت، حقیقتاً حسن و لذت معنوی و ملائمت با روح می‌یابد. اگر سعادت مقصد عالی و دارای حسن ذاتی، یعنی واقعاً و حقیقتاً ملائمت طبع است، پس افعالی که مقدمه رسیدن به این سعادت است، نیز حسن اعتباری ظاهری و در عین حال ملائمت با طبع روحی می‌یابند. وجه اعتباری بودن مقدمات این است که شاید، نه تنها ملائمتی با طبع نداشته بلکه منافر طبع باشند و نوعی کلفت و زحمت هم داشته باشند اما در لحاظ با وصول به ملایمت شدید تر و اعلی غایت، مطلوب قرار می‌گیرد. اما بایستی توجه داشت که اولاً و بالذات، آنچه ملائمت طبع است، غایت افعال است.

نظریه اخلاق از دیدگاه علامه مصباح

علامه مصباح یزدی «حب نفس» را مهمترین عامل در صدور فعل اخلاقی از انسان می‌داند و هر عمل ارضاء کننده این حب، که موجب وصول به کمال «قرب الی‌الله» به عنوان عالی‌ترین مطلوب باشد نیز دارای حسن و مطلوبیت می‌گردد؛ بنابراین عملی که موجب بقاء، توسعه نفس و التذاذ حقیقی آن باشد، فعل اخلاقی تلقی می‌گردد و از این طریق ایشان قایل به ضرورت بالقیاس بین فعل و قرب الی‌الله می‌شوند.

توضیح آنکه، در گزاره‌های اخلاقی، با توجه به اینکه مفاهیم در جملات اخلاقی یا به عنوان موضوع (مانند عدل و ظلم و حسد و...) و یا به عنوان محمول (خوب، بد، باید و نباید...) به کار می‌روند، در مقایسه بین موضوعات و عروض محمولات اخلاقی، سه قسم متصور است؛ یا حمل محمول بر موضوع ضروری و حتمی و همیشگی است (واجب) و یا محال است (ممتنع) و یا نه ضرورت حمل دارد و نه ضرورت سلب (امکان). و هر یک به سه قسم بالذات (ضرورت حمل ناشی از ذات موضوع است) و بالغیر (حمل بواسطه علتی غیر از موضوع است) و بالقیاس الی‌الغیر (حمل در مقایسه با غیر و بدون رابطه علیت صورت بپذیرد) تقسیم می‌گردد (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۲-۴۸) استاد مصباح، از رهگذر ضرورت بالقیاس به تبیین ملاک‌های حسن و قبح

و الزامات اخلاقی در گزاره های اخلاقی می پردازد. ضرورت بالقیاس به این معناست که هر علتی اعم از تامه و ناقصه نسبت به معلول خودش وجوب بالقیاس دارد، یعنی بدون اینکه در وجود وابسته به معلول باشد اما مادام که معلولش محقق باشد او نیز باید باشد و همچنین هر معلولی نسبت به علت تامه اش علاوه بر ضرورت بالغیر و وابستگی وجودی، وجوب بالقیاس نیز دارد یعنی درمقایسه با علتش، بودن آن ضروریست (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۶) مانند آن ضرورتی که بین دو معلول همزمان برای علت تامه واحد حاکم است و نسبت به یکدیگر وجوب بالقیاس دارند. ایشان مفاهیم اخلاقی را از جنس معقولات ثانی فلسفی دانسته که با انتزاع ذهن از حقائق خارجی و سببیت فعل برای تحقق هدف غایی، استنتاج می گردند. بایستی توجه داشت که ضرورت بالقیاس مانند هر مقایسه ذهنی دیگر، اولاً اعتباری ذهنی است و ثانیاً قابل جمع با سایر ضرورت های حقیقی است؛ یعنی هم با (ضرورت بالذات) جمع می شود، مانند ضرورت بالقیاس بین دو واجب بالذات مفروض و هم با (ضرورت بالغیر). (طباطبائی، ۱۳۹۲، ص ۵۴)

تبیین علامه مصباح از مفهوم باید اخلاقی

مفاهیم الزامی و واژه های باید و نباید، گاهی صرفاً انشائی اند و عواطف و احساسات درونی امر در قالب امر و نهی به زبان می آید و تمنای تحقق چیزی و فعلی در عالم واقع دارند و گاهی در واقع خبری اند و بیان کننده رابطه ضرورت و حتمیت وجود محمول برای موضوع در عالم واقع را دارند که در قالب انشائی بیان می شوند. در هر صورت، باید و نباید اخلاقی (مانند: باید راست گفت و نباید دروغ گفت) حتی در قسم نخست که حالت اعتباری داشته و بیان کننده عواطف و احساسات گوینده است (انگونه که در مکتب های لیبرال ویا لذت گرای اخلاقی انشاء می شود) گرچه ممکن است صرفاً براساس امیال و احساسات درونی گوینده ابراز شوند اما تنها در صورتی موجه و معقول اند که بر مبنای رابطه ای ضروری و واقعی میان فعل و نتیجه آن (هرچند وهمی و خیالی) اعتبار شده باشند. در این کاربرد هرچند مفاد باید و نباید، انشاء و اعتبار است اما اعتباری بی پایه و بی مایه نیست بلکه بیانی از یک امر حقیقی و عینی یا به توهم حقیقی بودن آن است و در واقع این مفاهیم از آن واقعیت نفس الامری حکایت می کنند. بنابراین مفاهیم اخلاقی از قبیل مفاهیم فلسفی و معقولات ثانی فلسفی اند که هرچند ما به ازای عینی و خارجی ندارند اما منشاء انتزاع آن ها در خارج موجود است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۷۵)

با این توضیح، مفهوم باید و نباید وقتی که در کاربرد اخباری استفاده می شوند، مبین ضرورت بالقیاس، بین سبب و مسبب و علت و معلول است؛ یعنی در واقع، غیر از ضرورت بالغیر معلول نسبت به علتش، نوعی ضرورت مقایسه ای از باب دو قاعده فلسفی «عند وجود المعلول وجود العله ضروری» و «عند وجود العله التامه وجود المعلول ضروری» استنتاج می شود. مثلاً اگر

گفته می‌شود: «باید راست گفت»، رابطه‌ای بین راست‌گویی و غایت آن که رسیدن به قرب الهی است وجود دارد که از این تلازم (جدای از رابطه علیت و وابستگی تحقق قرب الی الله به صداقت) به ضرورت بالقیاس بین فعل و نتیجه اخلاقی تعبیر می‌شود. این ضرورت را می‌توانیم به صورت یک قضیه اخلاقی بیان کنیم که فعل مزبور در آن متعلق «باید» است و می‌گوییم بین تحقق معلول یعنی قرب الهی با فعل صداقت، تلازم وجود دارد. (همان، ص ۷۶)

استاد مصباح، با تاکید بر معنای پدیدارشناسانه و نه زبان شناسانه از ارزش های اخلاقی، خوب و بد را به مانند بایدها و نبایدها، صرفاً نشانه عواطف و احساسات گوینده و یا قرارداد و اعتبار محض نمی‌داند بلکه آنها را مفاهیمی حقیقی و خارجی از نوع معقولات ثانی فلسفی می‌داند که عروضشان ذهنی و منشأ انتزاع خارجی دارند. به عقیده ایشان برای انتزاع مفهوم خوبی باید تناسب و تلازمی میان دو چیز وجود داشته باشد. البته این تناسب باید میان دو حقیقت عینی و خارجی باشد و نه وابسته به ذوق و سلیقه افراد. هرچند ممکن است یکی از طرفین، خود انسان باشد اما نه به آن دلیل که دارای سلیقه خاصی است بلکه از آن جهت که کمالی برای او در خارج محقق می‌شود. یک طرف کار اختیاری انسان است و طرف دیگر کمال واقعی و عینی او. هر کاری که منتهی به آن کمال مطلوب شود و در خدمت رسیدن به آن قرار گیرد، خوب و هر کاری که انسان را از آن دور سازد، بد است. بنابراین ملاک خوبی بعضی افعال، تناسب و تلازم میان آن‌ها و هدف مطلوب انسانی است و معیار بدی پاره ای دیگر از کارهای آدمی، مبیانت و ناسازگاری آن‌ها با کمال مطلوب است؛ به تعبیر دیگر، مفهوم خوب و بد اخلاقی در واقع از مصادیق مفهوم علت و معلول به حساب می‌آیند. همان گونه که علیت و معلولیت از اشیاء عینی و خارجی انتزاع می‌شوند و به درستی می‌توان آن‌ها را به اشیاء خارجی نسبت داد، خوبی و بدی نیز از رابطه علیت و معلولیتی که میان فعل اختیاری انسان و کمال مطلوب او برقرار است انتزاع می‌شود و به درستی می‌توان افعال آدمی را به آن‌ها متصف کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۰۳-۱۰۴)

تطبیق دو نظریه

وجه مشترکی در نظریه علامه طباطبایی و علامه مصباح یزدی وجود دارد؛ اعتباریات از جنس معقولات ثانی فلسفی‌اند؛ معقول، در مقابل محسوس به معنای آنچه که به عقل در آید، به دو قسم اولی و ثانی تقسیم می‌شود. معقول اولی یعنی تصورات اولیه از اشیاء که مبین تعیین و تدوین اشیاء است که دارای مصداق خارجی بوده و تصور می‌شوند. مانند انسان و حیوان؛ معقول ثانی، کلیاتی‌اند که با امعان نظر و تصرف در معقولات اولی، در ذهن حاصل می‌آیند و فاقد مصداق حقیقی و منحاز در خارج اند. حال اگر عروض و اتصاف هر دو در خارج بود، مانند اتصاف به عوارض خارجی مثل بلندی و کوتاهی و قرمزی و استحکام، معقول ثانی ماهوی‌اند و اگر

عروض و اتصاف هر دو در ذهن باشد، مانند لوازم وجود ذهنی از قبیل کلیت، جزئیت و نوعیت بودن، معقول ثانی منطقی‌اند و اگر عروض در ذهن و اتصاف در خارج بود معقول ثانی فلسفی‌اند. حال می‌توان نتیجه گرفت، با توجه به اینکه اعتباریات مانند معقولات ثانی از اقسام وجود نیستند ولی از احکام وجودند (مانند احکام وحدت و ضرورت و حسن و قبح) (صدرالمتألهین، بی‌تا، ص ۳۲۴)، اعتبار به معنایی که علامه در احکام اخلاقی مطرح می‌کند بیان احکام حقیقی برای افعال محقق در نفس الامر است.

اعتباریات علامه و نیز معقولات ثانی (بخلاف اولی) جنبه عمومی داشته و باصطلاح از «امور عامه» اند و بر همه هستی و در همه ازمنه، قابل حمل‌اند و مبنای تشکیل علوم دستوری مختلف از جمله اخلاق‌اند. «انتزاع معقولات ثانی، یک درجه عالی‌تر از درجه‌ی تجرید و تعمیم است. البته به واسطه‌ی قوه‌ی تعمیم، ذهن قادر می‌شود که مفاهیم کلی بسازد ولی به واسطه‌ی معقولات ثانی است که می‌تواند از این مفاهیم کلی، قضایای ضروری و از قضایا، قیاس بسازد و از قیاسات استنتاج کرده و علمی را به وجود آورد و فکر و فلسفه داشته باشد» (طباطبائی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۷۵-۲۷۶) بنابراین ضرورت و از جمله ضرورت بالقیاس ماخوذ از قضایای اخلاقی در نظریه علامه مصباح، از جنس معقولات ثانی فلسفی‌اند و نیز اعتباریات علامه طباطبائی به معنای تعمیم معنای حقیقی ضرورت بالغیر نیز از جنس معقولات ثانی فلسفی‌اند. توضیح آنکه انسان به عنوان فاعل بالقصد، در افعال اختیاری در تلاش برای کسب هدف و غایتی است و برای وصول به آن و مبتنی بر استدلال عقلی و یا آموزه‌های وحیانی و یا وهم و خیال، انجام فعل خاصی را لازم و علت نیل به آن هدف می‌پندارد. بنابراین انتزاع ذهنی رابطه علیت و معلولیت از فعل و غایت صورت می‌پذیرد. بر این اساس، مطلوبیت ذاتی غایت متصور، به فعل هم بالعرض سرایت می‌کند؛ بنابراین مفاهیم اخلاقی از جمله احکام عقلی و معقولات ثانی فلسفی‌اند و از امور عامه بوده و غیر ناظر به فعل و پدیده خاص در واقع‌اند و ظرف تحقق آن ذهن است و واقعیت و مابازاء خارجی ندارند. به مانند ضرورت بالقیاس بین موضوع و محمول در قضایای اخلاقی؛ زیرا قیاس و مقایسه، کار ذهن است؛ همانگونه که اعتباریات اخلاقی در نظریه علامه که در آن ذهن (البته ناظر به تاثر نتیجه واقعی از فعل)، حسن غایت خارجی را به افعال انسانی و غایت ذهنی تعمیم می‌دهد. به بیان دیگر ایشان، الزامات اخلاقی را از نوع ضرورت بالغیر و حقیقی می‌داند و اعتباری بودن آن به معنای «مجاز سکاکی» است که در آن معنای حقیقی واقعا یکی است و تنها مصادیق آن دو متفاوت است و معنای حقیقی الزامات اخلاقی از منظر ایشان ضرورت بالغیر بین فعل و نتیجه است که از معقولات ثانی فلسفی است (احمدی، ۱۳۹۳ش، شماره ۲۲) بنابراین مآلاً این نظر قابل ارجاع به نظریه علامه مصباح خواهد بود و ظرف تحلیل و استنتاج، هم در نظریه اعتباریات علامه طباطبائی و هم در نظریه ضرورت

بالتقیاس علامه مصباح در گزاره های اخلاقی، ذهن و از معقولات ثانی فلسفی است و هر دو نظریه قابل ارجاع به ضرورت بالغیر بین نتیجه و افعال منتج به آن است. در بیان چگونگی ارجاع ضرورت بالتقیاس به بالغیر باید گفت که هم می توان رابطه معلول با علت را از جهتی ضرورت بالغیر دانست (بخاطر وابستگی وجودی معلول به علت) و هم ذهن می تواند در مقایسه معلول با علت و بر عکس، علت با معلول، ضرورت بالتقیاس را استنتاج کند.

نتیجه گیری

اولاً مفهوم باید‌ها در نظریه علامه طباطبایی برگرفته و عاریه از وجوب بالغیر بین فعل و غایت آن و تعمیم حسن آن به غایت ذهنی و افعال منتهی به آن است و در نظر استاد مصباح، هر چند ایشان تصریح بر این دارند که باید‌ها از سنخ وجوب بالتقیاس اند نه بالغیر، اما بایستی توجه داشت که ضرورت بالغیر در انتزاع و فهم ذهنی قابل ارجاع به ضرورت بالتقیاس است؛ به بیان دیگر، ضرورت بالتقیاس گاه بین «معلولین (=دو پدیده مفروض) لعله واحده» است؛ یعنی ضرورت بالتقیاس بین فعل متصور و غایت متصور در نظریه استاد مصباح و گاه ذهن از فهم رابطه بین علت و معلول، این ضرورت را انتزاع می نماید (ریشه نظریه اعتباریات علامه طباطبایی). حال بایستی توجه داشت که ضرورت بالتقیاس از مفاهیم ثانی فلسفی است که در آن منشا انتزاع دو پدیده، خارج است. بنابراین در فهم و تسری الزامات اخلاقی (در قبل از وقوع عمل) نیز، حقایق عینی، ملاک این تسری و انتزاع است. در نتیجه ضرورت بالتقیاس عموماً در علوم اعتباری از جمله اخلاق به نوعی با ضرورت بالغیر هم‌گرا می باشند.

ثانیاً هر دو نظریه بر این فرض است که ارزش های اخلاقی در اعتبار ذهن انسانی و در تناسب با فعل اختیاری و نتیجه آن، تصور و فعلیت می یابند؛ ولی بایستی توجه داشت که در فرض عدم وجود فاعل و مُدرک معتبر نیز، حُسن (به معنای اعتدال و تناسب اجزا) قابل تحقق است و شاید این معنای از حسن به معنای تعادل و تناسب ذاتی در حقائق عینی با اطلاق سازگارتر باشد. مضافاً آنکه فهم اعتدال، امری عقلانی است و نه فطری یا تعبدی.

ثالثاً حق آنست که نظریه اعتباریات علامه در بحث ملاک های اخلاقی، به معنای غیر واقعی بودن و انشایی بودن معیارها و ملاک های ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی نیست (هر چند ذهن در وهله نخست از اعتبار و استعاره این را می فهمد)؛ بلکه به معنای استنتاج ضرورت، از رابطه غایت متصور ذهنی و افعال منتج به آن است و این امر، نسبی و دلخواه فرد یا گروهی نیست، بلکه بازتاب رابطه علی در حقائق عینی در ذهن است. پس در نهایت ضرورت بالغیر عینی، مبدأ اعتباریات در نظر علامه است.

فهرست منابع

۱. احمدی، حسین، «معنا شناسی الزام اخلاقی با تفسیری نو از دیدگاه علامه طباطبائی» پژوهشنامه اخلاق، سال هفتم، بهار ۱۳۹۳، شماره ۲۲.
۲. صدرالمتألهین، محمد، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۱، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۳. طباطبائی، سید محمد حسن، بدایه الحکمه، قم، انتشارات حوزه علمیه، ۱۳۹۲ ش.
۴. طباطبائی، سید محمد حسن، نهایه الحکمه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ ق.
۵. طباطبائی، محمد حسین، اصول فلسفه، در کتاب مجموعه آثار شهید مطهری «اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۶» چاپ هشتم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰ ش.
۶. طباطبائی، محمد حسین، رسائل سبعة، قم، چاپ حکمت، ۱۳۶۲ ش.
۷. غروی اصفهانی، محمد حسین، نهایه الدرايه فی شرح الکفایه، ج ۶-۵، طبع دوم، بیروت، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۲۹ ق.
۸. فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، انتشارات طه، ۱۳۷۶ ش.
۹. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴ ش.
۱۱. مطهری، مرتضی، فطرت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۵، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۳ ش.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۳۰ - ۱۱۵

تحلیل فقهی - اخلاقی "حق بر محیط زیست سالم" به عنوان یک حق انسانی

مهنار اسدی خانوکی^۱
علی محبی^۲
نجمه و کیلی^۳

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر آسیب شناسی تربیت اخلاقی نشاط‌آور در مقطع اول متوسطه و ارائه الگوی مطلوب می باشد. کارکرد این بحران‌ها به گونه‌ای است که حتی در ابعاد وجودی انسان نیز رخنه کرده و هر روز بیشتر از قبل او را متحول و دگرگون کرده است. این بحران‌ها و چالش‌ها ارزش‌های دیرروز را ضد ارزش امروز و ناهنجاری‌های دیرروز را به هنجارهای امروز تبدیل کرده است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات بنیادی نظری است. روش تجزیه تحلیل اطلاعات نیز بدین گونه است که با استفاده از منابع موجود به فیش برداری پرداخته و با چیدمان فیش‌های مرتبط با یکدیگر به ترتیب اولویت به اهداف مورد نظر پژوهش اشاره شده و تحلیل و بررسی در زمینه ارائه الگوی تربیت دینی نشاط‌آور انجام شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که، هدف غایی تربیت اخلاقی نشاط‌آور رساندن نوجوان به زندگی شاد و با نشاط است.

واژگان کلیدی

آسیب شناسی، تربیت اخلاقی نشاط‌آور، الگوی مطلوب.

۱. دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Mahnazasadi3@gmail.com

۲. دانشیار علوم تربیتی دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: mohebbiarr@yahoo.com

۳. استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: najmeh_vakili@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۵

طرح مسأله

امروزه بحران‌ها و چالش‌های عدیده زندگی مدرن باعث تغییرات عمده و زیربنایی در ابعاد مختلف زندگی و نفوذ در ابعاد وجودی انسان شده است. یکی از مهم‌ترین تغییرات این ابعاد، تغییر در بعد تربیتی و اخلاقی در افراد است. از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی که وظیفه تربیت و آموزش را در جامعه بر عهده دارند، مدرسه است که اصلی‌ترین رکن تعلیم و تربیت به منظور تربیت صحیح دانش‌آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی، کشف استعدادها و هدایت رشد روحی و معنوی و جسمانی آنان بر اساس اهداف مصوب دوره‌های تحصیلی و برابر ضوابط و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می‌شود را ایفا می‌کند، انتقال ارزش‌های اساسی جامعه نیز در کانون اصلی توجه نظام آموزشی قرار دارد، به گونه‌ای که مدرسه دانش‌آموزان را قادر و متعهد می‌سازد ارزش‌های جامعه را درونی سازند و به آن پایبند باشند (قاسم زاده و پناهی، ۱۳۹۰: ۲).

از جمله این ارزش‌ها، پرداختن به تربیت اخلاقی می‌باشد که در رشد و پرورش افراد تاثیر بسزایی دارد و اسناد مصوب نیز از تربیت اخلاقی به عنوان یکی از اهداف کلان حاکمیتی نام برده و هدف تربیت رسمی و عمومی را، تربیت اخلاقی می‌داند که از مسئولیت‌های مهم نظام آموزشی است. در قانون اساسی معارف نیز بیان شده است که "مکتب و مدرسه عبارت است از تاسیساتی است که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی ابناء نوع دائر می‌گردد" (حسنی، ۱۳۹۵: ۳). تربیت اخلاقی به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت نوجوانان و افراد جامعه دارد، از گذشته‌های دور مورد توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی قرار گرفت است و اخیراً به سبب آسیب‌های جدی که از این ناحیه به سلامت جامعه و افراد وارد می‌شود، توجه به اخلاق و فضایل اخلاقی و به دنبال آن توجه به تربیت اخلاق، افزایش چشمگیری پیدا کرده است و مورد توجه خاصی قرار گرفته شده است (شریف زاده، ۱۳۹۵، ۱). آسیب‌های وارد شده در زمینه تربیت اخلاقی که مهمترین رکن اخلاقیات می‌باشد در صورتی که مورد غفلت واقع شوند نوجوانان و افراد را دچار مشکلات بزرگی می‌کنند که عواقب آن، علاوه بر خود فرد، خانواده و جامعه را نیز دچار مشکل می‌نماید. بنابراین با توجه به موارد مذکور در پژوهش حاضر به بررسی "آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی نشاط‌آور در مقطع اول متوسطه و ارائه الگوی مطلوب" می‌پردازیم.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پویایی، نشاط و سلامتی آنان تضمین‌کننده سلامت اقتصادی-اجتماعی جامعه آینده است. در واقع نظام تعلیم و تربیت باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرون حاضر آماده کند. برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و

مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش‌های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی، آموزش شهروندی و مهارت‌های زندگی سالم فردی، اجتماعی، اقتصادی و علمی و فرهنگی را محور برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار دهد (اوحدی و همکاران، ۱۳۹۱).

یکی از مسائل مهم و اساسی تربیت که تعلیم و تربیت معاصر با آن روبروست، مسئله تربیت اخلاقی است. تربیت اخلاقی از حیثه‌ها و ساحت‌های مهم تربیت به شمار می‌آید که شامل: تربیت عاطفی، تربیت عرفانی، تربیت مدنی، تربیت اجتماعی می‌شود (شریف زاده، ۱۳۹۵: ۱) و از مهم‌ترین عواملی است که انگیزه‌های نوجوانان را در مسیر رشد صحیح قرار می‌دهد (گنجاندن ارزش‌های اخلاقی در بطن فعالیت‌های نشاط انگیز)؛ افراد هنگام لذت بردن از فعالیت‌های با معانی، با ارزش‌های اخلاقی، ارتباط برقرار می‌کنند و این ارتباط میان ارزش و لذت، پلی است تا فرد را در زندگی شخصی معتقد و مقید به اصول اخلاقی بار آورد (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵). تربیت اخلاقی مهم‌ترین وجه تربیت است (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷).

اخلاق و تربیت اخلاقی شاهراه پیشگیری از آسیب‌های روانی اجتماعی و هم ریشه‌ی اصلاحات اجتماعی و وسیله‌ی مبارزه با مفاسد و ناهنجاری‌های جوامع است و ایمن موضوع در دوران معاصر اهمیت مضاعفی را پیدا کرده است. با گسترش فناوری‌های علمی و غرق شدن در امور مادی و احساس بی‌نیازی افراد از اخلاق زمینه را برای افزایش کجروی‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقی افزایش می‌دهد. این موضوع در جامعه ما که از مبادی دینی، اخلاقی و تمدن اصیل فرهنگی برخوردار است نگرش مضاعف را ایجاد نموده است (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲). اما منظور از آسیب شناسی تربیت اخلاقی، شناسایی آسیب‌ها، بحران‌ها و چالش‌های موجود در تربیت اخلاقی افراد می‌باشد. عصر حاضر را باید قرن بحران‌ها و چالش‌ها نامید. این بحران‌ها علاوه بر تغییرات جدی و زیر بنایی در زندگی انسان منجر به تحولات شگرفی در زندگی او شده است. کارکرد این بحران‌ها به گونه‌ای است که حتی در ابعاد وجودی انسان نیز رخنه کرده و هر روز بیشتر از قبل او را متحول و دگرگون کرده است. این بحران‌ها و چالش‌ها ارزش‌های دیروز را ضد ارزش امروز و ناهنجاری‌های دیروز را به هنجارهای امروز تبدیل کرده است. تربیت اخلاقی از جمله رهیافت‌هایی که در فلسفه تعلیم و تربیت معاصر دارای جایگاهی مشخص می‌باشد. مفهوم تربیت اخلاقی^۱ امروزه دچار تغییر و تحولاتی اساسی شده است. بنا به دلیل اهمیتی که موضوع تربیت اخلاقی از آن برخوردار است علاوه بر نقش مهمی که خانواده در تربیت اخلاقی فرزندان خود بر عهده دارند، نظام تربیت رسمی و عمومی نیز پرورش اخلاقی دانش آموزان را مورد

توجه قرار داده است (آزاد منش و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۶-۱۵۱).

امروزه بر اساس مباحث روانشناسی، جامعه‌ای دارای نشاط است که افراد آن جامعه از زندگی خود لذت برده و زندگی برای آنها دارای معنا بوده و هدفمند باشد و این امر مستلزم داشتن یک روحیه با نشاط و شاداب در میان افراد جامعه است. جامعه ایران نیز به لحاظ مواجه شدن با تحولات ساختاری همانند افزایش سالانه جمعیت، مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و همچنین گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن و در آستانه ورود به عرصه تکنولوژی شاهد بروز پدیده‌های مختلفی در حوزه امنیت و آسیب‌های اجتماعی شده است که این موضوع نشاط و شادی جامعه ایران را بیشتر از گذشته تحت تأثیر قرار داده است. متأسفانه به رغم اهمیت موضوع نشاط در یک جامعه تا به امروز هیچ کارشناس و صاحب نظری در رابطه با میزان نشاط اجتماعی جامعه ایران پژوهشی انجام نداده است و هیچ آمار دقیقی در رابطه با میزان نشاط جامعه وجود ندارد و حتی برای سنجش میزان نشاط هم شاخص تعیین کننده‌ای در جامعه وجود ندارد و این یکی از کم توجهی‌ها نسبت به نوجوانان در نظام تعلیم و تربیت و دوران نوجوانی در جامعه ما است (نصر آزادانی، ۱۳۹۱، ۲۵).

بنابراین لازم است والدین و مربیان و همه دست اندرکاران آموزش و پرورش با همکاری و تعامل، تلاش خود را به کار گیرند تا مراکز آموزشی را به محیط‌هایی با نشاط، جذاب و همراه با فعالیت حرکتی و ورزشی تفریحی برای دانش آموزان تبدیل کنند تا پیشرفت تحصیلی آنان نیز ارتقا یابد. شادی و سرزندگی در دانش آموزان سبب می‌شود آنها با رغبت بیشتری در مدرسه حاضر شوند و نه تنها در راه تحصیل علم تلاش کنند، بلکه باعث می‌شود ارزش‌های مورد توجه مدرسه را نیز بهتر بشناسند. بی شک فضای شاداب و دوست داشتنی تأثیر زیادی در شکوفایی استعدادها، خلاقیت، برنامه‌ریزی آموزشی پویا و خلاق، پیشرفت تحصیلی، کارایی، سلامت و زنده دلی دانش آموزان دارد (نیاز آذری، ۱۳۹۲، به نقل از خدادای و همکاران، ۱۳۹۶). در دهه‌های اخیر با وجود اینکه انسان به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته اما در حل بحران‌ها و چالش‌های روحی و اخلاقی خویش به اندازه کافی موفق نبوده، به همین دلیل انبیاء الهی قبل از هر چیز به سراغ اصلاح اخلاق امت‌ها رفتند و آن را بر همه چیز مقدم شمردند (گل محمدی و خیرالهی رکن آبادی، ۱۳۹۵). پژوهش‌های انجام شده در زمینه شادی نشان می‌دهند که سبک تفکر و رفتار افراد شاد، انطباقی و کمک کننده است. این افراد با دیدگاهی روشن به امور می‌نگرند، از دعا و نیایش بهره می‌برند، برای حل مسائل خود فعالانه تلاش می‌کنند و به موقع از دیگران کمک می‌طلبند. از سوی دیگر افراد غمگین به شکلی بدبینانه فکر و رفتار می‌کنند، در خیالات خود فرو می‌روند، خود و دیگران را سرزنش کرده و از تلاش برای حل مشکلات اجتناب می‌ورزند که این عوامل خود باعث بروز شادی و نگرانی می‌گردند (پورسردار و همکاران، ۱۳۹۱).

در ایران مدارس در شکل کنونی آن سابقه‌ای صد ساله دارد. از این رو توجه به بعد اخلاقی دانش‌آموزان هم از ناحیه صاحب نظران و هم از ناحیه سیاست‌گذاران در دستور کار قرار داشته است. چنان که در قانون اساسی معارف که در نهم آبان ماه ۱۲۹۰ شمسی تصویب شده است، مدرسه را این گونه تعریف نموده است: «مکتب و مدرسه عبارت است از تاسیساتی که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی ابناء نوع دائر می‌گردد». در سال‌های بعد از انقلاب نیز این تقاضا از مدرسه همچنان مورد تأکید بوده است. شاهد این مدعا تأکید بالای اسناد بالادستی و رسمی کشور بر کارکرد اخلاقی می‌باشد. اسناد مصوب گویای آن است که تربیت اخلاقی به عنوان یک هدف کلان حاکمیتی و به طبع هدف نظام تربیت رسمی و عمومی می‌باشد. همچنین تربیت اخلاقی یکی از مسئولیت‌های مهم نظام تعریف شده است. چنان که در سند چشم‌انداز بیست ساله به عنوان یک سند بالا دستی اخلاقی بودن یکی از معیارهای شهروند مطلوب جمهوری اسلامی دانسه شده است. در متن سند چشم‌انداز آمده است: «جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز یک جامعه اخلاقی و متکی بر اصول اخلاقی تصویر شده است» (حسنی، ۱۳۹۵: ۲۷).

اثرات مثبت بسیاری برای شادی برشمرده‌اند، همچنان که ابن سینا به عنوان یکی از بزرگترین اندیشمندان حوزه فلسفه جهان اسلام نیز در نهم هشتم اشارات به بیان انواع لذت‌ها و تأثیرات آنها در انسان پرداخته و از جنبه درونی، وی لذت را به اقسام لذت‌های حسی، عقلی، خیالی و روحی تقسیم کرده و برای هر کدام کمالی در نظر می‌گیرد. سپس با بیان کمالات هر لذتی که برای انسان مسرت بخش می‌باشد به این نتیجه می‌رسد که نشاط و شادی تأثیر به‌سزایی در سعادت انسانی دارد اما مراد وی از لذت شادی آفرین و موثر در سعادت، بالاترین لذت و نشاط یعنی لذت عقلی و روحی می‌باشد (طوسی، ۱۳۸۴: ۱۰۸۴).

ایجاد محیط آموزشی با نشاط برای دانش‌آموزان سال‌ها است که به عنوان یک دغدغه جدی نزد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش مطرح شده است. این مسأله یکی از نیازهای اساسی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی است، شادابی و نشاط فضای آموزشی نقش و جایگاه برجسته‌ای در مبحث کیفیت و برنامه‌ریزی آموزشی دارد. به طوری که شور و شوق به تحصیل، فعال شدن حس کنجکاوی و افزایش خلاقیت دانش‌آموزان ارتباط نزدیکی با وضعیت محوطه آموزشی آنها دارد. انبساط روحی، بهجت افزایی و خنده‌رویی از زمینه‌های رشد و شکوفایی جوان و زمینه‌ای برای تخلیه عقده‌های روحی و فشارهای روانی است. نشاط و انبساط روحی، یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری شخصیت مثبت در کودکان و نوجوانان است و بالعکس، اضطراب و تشویش خاطر عامل مهمی در توقف استعدادها است (نیازآذری، ۱۳۹۱: ۳۸). به اعتقاد آرچیل و لو (۱۹۹۰) شادمانی سه جزء اساسی دارد: هیجان‌ات مثبت، رضایت از زندگی و نبود هیجان‌ات منفی از جمله افسردگی و اضطراب. آنها دریافته‌اند که روابط مثبت با دیگران،

هدفمند بودن زندگی، رشد شخصی، دوست داشتن دیگران و زندگی، از اجزای شادی هستند. بندورا (۱۹۷۷) شادی بخش بودن فعالیت‌های اوقات فراغت را اینگونه تفسیر می‌کند که وقتی افراد به این نوع فعالیت‌ها می‌پردازند، در حال انجام کاری هستند که می‌توانند آن را به خوبی انجام دهند و توانایی انجام آن را دارند. بنابر این، سعی می‌کنند هر چه بیشتر به این فعالیت‌ها بپردازند و در نهایت، بر میزان شادی در آنها افزوده خواهد شد. به طور کلی، بسیاری از نظریه پردازان، راه رسیدن به شادکامی و خوشبختی روانشناختی را در پرتو توجه به ارزش‌ها و هدف‌های معنوی، نیازهای بنیادی، معنادار بودن و هدفمندی زندگی، عشق و علائق دینی و الهی می‌دانند (مایرز و همکاران، ۲۰۰۱).

دوره نوجوانی دوره حساس و با اهمیتی در زندگی هر فرد می‌باشد. در اسلام نیز اهمیت این دوره تا به آن جا است که پیامبر(ص) مراحل تربیت را به سه مرحله هفت ساله (از تولد تا هفت سالگی، از هفت تا چهارده سالگی و از چهارده سالگی به بالا)، تقسیم‌بندی کرده‌اند و تاکید می‌کنند در هفت سال سوم زندگی مقدماتی انسان (که همان دوران بلوغ و نوجوانی است) به او به عنوان یک شخصیت بزرگ سال بنگرند و به او اعتماد نمایند و در کارها با وی مشورت کنند و به نظر او احترام بگذارند و به او مسئولیت دهند تا شخصیت وی شکوفا گردد (مجلسی، ۱۳۹۶: ۹۵).

با پیچیده شدن روابط در دنیای صنعتی امروز، فشارهای روانی مردم افزایش یافته و زندگی به کام عده‌ای از افراد تلخ گشته است. افراد دیگر تنها به ارضای نیازهای اولیه راضی نیستند و نیازهای جدیدی بر گستره‌ی نیازهای قبلی شکل گرفته است. در این بین دانش آموزان هم درگیر این قاعده شده‌اند و نسبت به نسل‌های قبل تکالیف پیچیده‌تری بر عهده گرفته و ملزم به رعایت برنامه ریزی‌های نوین آموزشی می‌باشند (مارتیندال، ۲۰۱۴). گاهی شکست‌ها و ناکامی‌ها باعث دلسردی آنان در حل مسائل می‌شود و شادی، خصوصیتی است که تحت تأثیر ویژگی‌های سرشتی و شخصیتی فرد خصوصاً درون گرایی و برون گرایی قرار دارد و شخصیت و ویژگی‌های فردی اشخاص را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بین بریج، ۲۰۱۰: ۱۲). به منظور نیل به تربیتی اخلاقی در برنامه‌ریزی در ارتباط با امر مورد نظر همانا متصف شدن به محاسن اخلاقی و دوری از ردائل اخلاقی مدنظر قرار می‌گیرد، این برنامه ریزی‌ها شامل محتوای رسمی و غیررسمی، شیوه‌های تدریس، شیوه ارزشیابی و فضاهای تربیتی است که از طریق آن برای فراگیران، امکان شناخت توانایی‌های خویش و جهان هستی فراهم می‌شود و بر مبنای آن، فعالیت‌ها و استعدادها فطری خویش را هدفمند می‌سازند (باقری، ۱۳۸۰: ۲۲، به نقل از غربا، ۱۳۹۳، ۴).

اما آسیب شناسی تربیت اخلاقی مولفه دیگر در این پژوهش است که به معنای شناخت آسیب‌های تربیت اخلاقی است که از ناحیه مربی، اهداف، روش‌ها و مانند آن متوجه این ساحت

از تربیت می‌گردد و موجب اختلال در آن می‌شود (غربا، ۱۳۹۳: ۲). همچنین مدارس تامین کننده‌ی نیروی کیفی جامعه‌اند و نه فقط تامین‌کننده کمیتی از خیل عظیم نیروی انسانی که به عنوان تحصیل کرده روانه جامعه می‌شوند. پس شناسایی و ایجاد زمینه برای رشد خصایل ممتاز بشری، اولین دغدغه دست اندرکاران تعلیم و تربیت در کلیه فعالیت‌های علمی یا فرهنگی است که باید با تمام وجود خود را وقف ایفای این وظیفه سنگین کنند. با توجه به اینکه ایجاد نشاط و شادابی یکی از مؤثرترین راه‌ها برای افزایش بهداشت روانی در جامعه است، مدارس به عنوان یک نهاد می‌توانند با به وجود آوردن زمینه‌ها و برنامه‌هایی باعث هر چه شاداب کردن جامعه شوند. اگر در مدرسه شوق زندگی کردن بوجود آید خود به خود اثرگذار بر جامعه خواهد بود. انسان‌های شاد زندگی خود را تحت کنترل دارند، مسئولیت پذیرند، هدفمند هستند، دید مثبت به زندگی دارند. آینده‌نگر و امیدوارند و در مقابل مشکلات و سختی‌ها از پای نمی‌نشینند. برای دستیابی به تحقق آرمان‌های مربوط به شاداب سازی مدارس باید تحولات جدی در نگرش مدیران و مسئولان نظام آموزش و پرورش ایجاد نمود. در واقع شاداب سازی مدارس را باید در ابعاد ظاهری و ابعاد معنوی جستجو کرد (صباغیان، ۱۳۸۴: ۵). نشاط و شادابی در مدرسه باعث رشد و شکوفایی در همه‌ی ابعاد وجودی یک دانش آموز می‌شود. در محیط شاد، ذهن انسان پویا، زبانش گویا و استعدادش شکوفا می‌گردد. در قرن جدید سرلوحه‌ی تعلیم و تربیت در یک جمله خلاصه شده است. «شوق زندگی کردن را به دانش آموزان بیاموزیم» پس باید معتقد باشیم که در حقیقت رشد پایدار ما در گرو شادی پایدار است و این شادی باید در مدارس ایجاد و مدیریت شود (صباغیان، ۱۳۸۴). دانش آموزان طیف مهم نظام آموزش و پرورش هر کشوری محسوب می‌شوند و شاد زیستن برای دانش آموزان و نوجوانان به همان اندازه مهم است که تغذیه خوب، محبت کردن و حفاظت از او اهمیت دارد، زیرا سلامت روحی و روانی و فیزیکی و جسمانی او را تامین می‌کند. عواملی که می‌تواند این سرمایه ملی را برای رشد بهینه و کیفی آماده سازد، مهارت‌های رفتاری است که در محیط آموخته می‌شود نه فقط محفوظات علمی. نشاط و شادابی در مدرسه باعث رشد و تکامل همه ابعاد وجودی یک دانش آموز در بعد جسمانی، شناختی، عاطفی، اخلاقی و معنوی می‌شود. چنانچه یک بعد از این ابعاد دچار صدمه شود و یا مورد غفلت و فراموشی قرار گیرد، دانش آموز به توانایی‌ها و شایستگی‌های کامل دست نخواهد یافت (اکبرپوران، ۱۳۹۲: ۱۸۲)، (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۲۸). مجموعه عواملی وجود دارند که بر روند تربیت اخلاقی تأثیری سوء می‌گذارند و سبب می‌گردند که یک فرد در مقام انسانی خود که اخلاقیات را به عنوان وجه ممیز از حیوان دارا است مبتلا به گسیختگی شخصیت گردد و نشانی از تکوین منشی که به عنوان عامل اساسی در تربیت اخلاقی یاد می‌شود وجود نداشته باشد و به جای رساندن آدمی به اوج مراتب انسانی خود، نقش بیشتری در انحطاط اخلاقی خود ایفا نماید و

نشانه‌های کمالیت و تمامیت انسان‌ها را به خطر اندازد. با توجه به اینکه یکی از موارد اساسی در نظام‌های آموزش‌های، تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در همه مقاطع می‌باشد که گاه نقصان و یا خللی در این موضوع اثرات ان‌جبران‌ناپذیری بر افراد دارد به همین خاطر انجام پژوهشی که بتواند علل اساسی چالش‌ها و خلأهای موجود در تربیت اخلاقی را مورد بررسی و مستندسازی قرار دهد، باعث آگاهی از شرایط و وضعیت موجود در مدارس گردیده و زمینه‌ای را برای اصلاح و بهبود آن فراهم می‌نماید. مقاله حاضر بر محور همین ابهام شکل گرفته است.

بنابراین در این پژوهش قصد داریم به سوال اصلی پژوهش پاسخ دهیم که عبارت است از اینکه: وضعیت تربیت اخلاقی نشاط‌آور در مقطع اول متوسطه چگونه است و ارائه‌الگوی مطلوب در آن زمینه کدام است؟

روش پژوهش

نشاط خود را در زندگی باید در مسائلی جستجو کنیم که بتوانید این عوامل بحران‌زا را کنترل کند. دین اسلام کامل‌ترین دینی است که به تمامی امور زندگی بشر توجه کرده است. بسیاری از آموزه‌های اسلامی با موارد مطرح‌شده روانشناسان و پژوهشگران در زمینه شادی همسو و هماهنگ است. در آموزه‌های دینی به جایگاه و اهمیت شادی در زندگی و علل و آثار آن توجه ویژه‌ای شده است؛ تا آنجا که مکرر در دستورات اسلامی و احادیث و روایات اهلیت شادی‌های مثبت و هدفمند بسیار توصیه و سفارش شده است. به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان مهم‌ترین عاملی که می‌تواند عوامل بحران‌زای زندگی را کنترل کند و زمینه نشاط و احساس عزت‌نفس را در انسان به وجود آورد چیزی جز مذهب و اعمال و رفتار مذهبی نیست. روش تحقیق بستگی به هدف و ماهیت بررسی پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. روش تحقیق، با توجه به نظری بودن موضوع، روش تحلیلی و توصیفی است. به این شرح که ابتدا با مراجعه به مقالات مرتبط با موضوع در مجلات و کتاب‌های قابل دسترسی، حدود تعریف راجع به موضوع را مشخص خواهیم نمود.

یافته‌های پژوهش

شادی برای موقعیت اجتماعی، سلامتی و محبوبیتی که انسان در خانواده و بین دوستان و جامعه دارد و آثار سازنده و ارزشمند بر آنها مترتب می‌گردد، خوب و مطلوب است و مطلوب بودن این شادی از آن رو است که انسان درصدد استفاده از نشاط در سبک زندگی اسلامی نقش شادی و نعمت‌های الهی در مسیر صحیح بر می‌آید و ضمناً از یاد خداوند نیز غافل نمی‌گردد.

۱- تربیت اخلاقی

تربیت: پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، پرورش (فرهنگ معین، ۱۳۸۶، ۳۱۲). تربیت، به معنای زیاد کردن، نمو دادن، وسیله‌ی رشد را فراهم نمودن و پاک گردانیدن است و در اصطلاح به معنای گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله تربیت در آموزش و پرورش عبارت است از تغییری که آدمی در نفس خویش با دیگران ایجاد کند و در روانشناسی پستالژی، عبارت است از رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ تمام نیروها و استعدادهای انسانی که در نهادش موجود و مکتوم است (شریفی، ۱۳۸۹، ۷۸).

تعاریف گوناگونی از تربیت با تاکید بر جنبه‌های مختلف آن نظیر جنبه عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و بدنی ارائه شده است که چون در مبانی و نگرش افراد با یکدیگر تفاوت دارند نمی‌توان در این باب اتفاق نظر را شاهد بود، چرا که مفهوم دقیق و واضح از تربیت به نوع بینش هر متفکر تربیتی درباره هستی، انسان و نظام ارزشی وی بستگی دارد. اصطلاح تربیت اخلاقی مرکب از دو واژه‌ی تربیت و اخلاق است (لویسون، ۲۰۱۵: ۹۶). بنابراین تقدم واژه‌ی تربیت و گرفتن وصف اخلاقی نشان می‌دهد که اگر قصد داشته باشیم این اصطلاح را تعریف نمود، باید ابتدا از تربیت تعریفی داشته و سپس به تعریف اخلاق پرداخت. تربیت به این معنا است که مربی، اخلاق بد را از آدمی باز ستاند و اخلاق نیکو را جای آن بنهد (غزالی، بی تا، ج ۳، ص ۵۲).

واژه «اخلاق» در جمع «خُلُق» و به معنای خوی‌ها می‌باشد (معین، ۱۳۸۶: ۹۳). «خلق همان حالت نفسانی انسانی است که فرد را به انجام کارهایی دعوت می‌کند بی آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد» (ابن مسکویه، ۱۳۷۱: ۵۱).

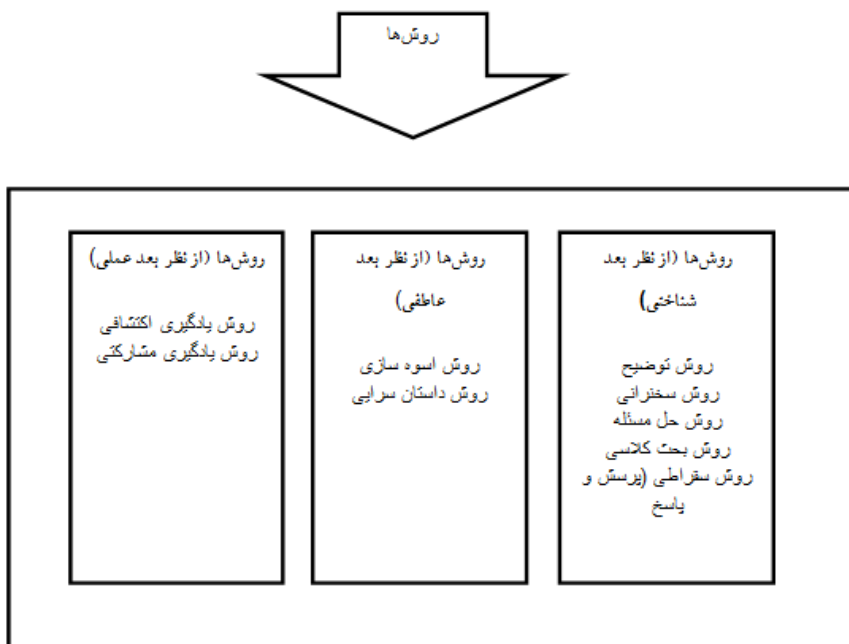
اخلاق، جمع «خلق» و در لغت دارای دو معناست. برخی اخلاق را به معنای سرشت باطنی دانسته اند که برای انسان، تنها با دیده بصیرت، قابل درک باشد. در برابر «خلق» که به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود (راغب اصفهانی، بی تا: ماده «خلق» و برخی دیگر خلق را به معنای صفت نفسانی راسخ.

آسیب‌شناسی در زمینه مسائل روان‌شناختی، تربیتی و یا فرهنگی اصولاً به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز، پدیدآورنده و یا ثبات‌بخش روانی فیزیولوژیکی، بیولوژیکی، تربیتی و فرهنگی آفات و آسیب‌های موجود در آن زمینه می‌پردازد. هدف اصلی از چنین مطالعاتی تکمیل و تامین فرآیندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌ها می‌باشد.

مبانی، اصول و روش‌ها نسبت به اهداف همیشه نقش مقدمی دارند و اهداف تربیتی علت نهایی فرآیندهای تربیتی و آموزش است؛ سه عنصر رهبری فعالیت‌های تربیتی، ایجاد انگیزه، و تعیین معیار برای سنجش و اندازه‌گیری از آثار مهم تعیین هدف است. گستره تربیت اخلاقی به وسعت وجود آدمی است (اوحدی، ۲۰۱۳)، به گونه‌ای که از صفات اخلاقی گرفته تا اندیشه و

تفکر و اعمال و رفتار آدمی را شامل می‌شود، بنابراین هدف تربیت اخلاقی در حوزه اندیشه می‌تواند جهت الهی / دادن به اندیشه‌های انسان باشد و افراد را به سمت نزدیکی و ارتباط با خداوند سوق دهد. (باقری، ۱۳۸۵: ۸۷).

روش‌های تربیت اخلاقی را می‌توان در جدول زیر نشان داد:



۳- تربیت اخلاقی و نشاط از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع)

در نگاه امام علی (علیه السلام)، تربیت اخلاقی دارای ابعاد مختلفی است که خدامحوری، بندگی خداوند متعال، عقلانیت، گرایش به نیکی و فضایل اخلاقی و دوری از رذایل و پستی‌ها از آن جمله‌اند.

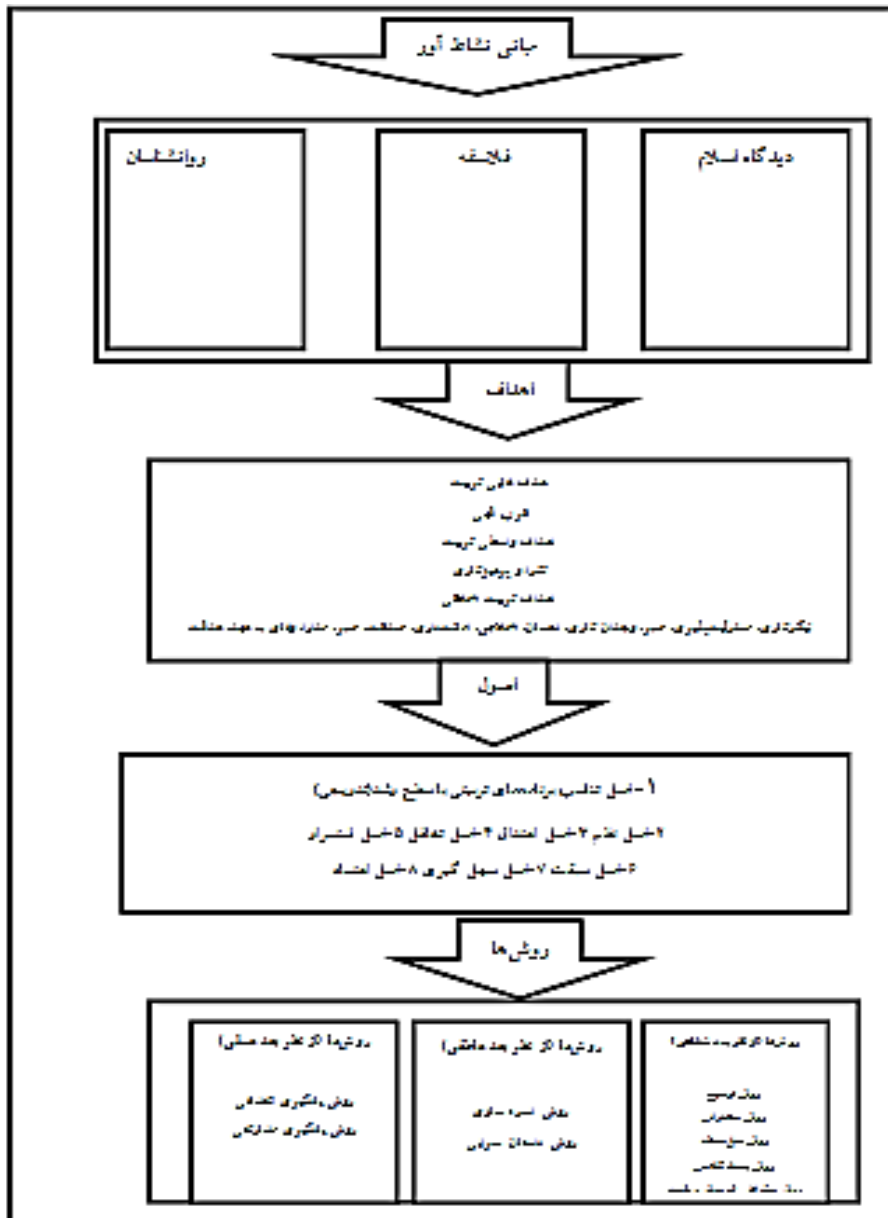
۴- وضعیت روش‌های تربیت اخلاقی نشاط آور در مقطع تحصیلی متوسطه اول چگونه است؟

با توجه به سوال نتایج پژوهش عابدی، احمدی و نصوحی (۱۳۸۳) در زمینه رابطه میزان شادمانی و عوامل آموزشی دانش آموزان دبیرستانی شهر مبارکه انجام دادند نشان داد که بین میزان شادکامی دانش آموزان و روابط آنها با مدیر، دبیران و مشاوران مدرسه همبستگی معنادار وجود دارد. هم‌چنین، بین میزان شادمانی دانش آموزان و سبک‌های رهبری حمایتی، موفقیت‌مدار و مشارکتی همبستگی معنادار دیده شد، که با سبک رهبری آمرانه معنادار نیست. دریکوندی

(۱۳۸۱) در پژوهشی عوامل موثر بر شادابی دانش آموزان مدارس راهنمایی پسرانه شهر اصفهان را از نظر مدیران و مربیان پرورشی بررسی نمود. نتایج این پژوهش نیز نشان داد که مدیران و مربیان پرورشی عوامل شش گانه روان‌شناختی، فیزیکی، اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و سازمانی را در ایجاد نشاط در دانش آموزان موثر می‌دانستند. شادی در مدرسه که به واسطه عوامل پیش گفته و بسیاری از متغیرهای دیگر ایجاد می‌شود، خود موجد شادی‌های دیگر است. تاکنون تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در رابطه با عوامل اثرگذار در شادابی افراد و به خصوص دانش آموزان و معلمان در مدارس بیان شد، ولی با توجه به موضوع پژوهش، از بین آنها، تنها عوامل فیزیکی و کالبدی مدارس مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ که شامل استانداردهای آموزش و پرورش کشور است.

شادی، ضرورتی است که به زندگی معنا می‌دهد و اصولاً آفرینش جهان هستی و انسان به گونه‌ای است که خود به خود شادی و نشاط را برای آدمی فراهم می‌آورد و عواطف منفی مانند ناکامی، ترس و نگرانی را بی اثر می‌سازد. می‌توان از شادی و نشاط به عنوان محرکی برای نیازهای اساسی انسان در زندگی یاد کرد و آن را عامل رشد، موفقیت و ابزاری برای کار و فعالیت بیشتر و افزایش توانایی انسان دانست. انسان در زندگی روزمره بر اثر کار و فعالیت‌های روزانه و حرکت در پیچ و خم‌های دشوار زندگی، دچار خستگی و ملال خاطر می‌شود. برای رهایی از این وضعیت لازم است بخشی از اوقات فرد به شادی و نشاط اختصاص داده شود تا روح انسان صفا و طراوت یابد. در واقع، همانطور که جسم انسان نیاز به غذا و انواع ویتامین‌ها دارد، روح انسان نیز به تنوع، استراحت، تفریح و شادی نیازمند است. شادی، احساس و واکنشی مثبت است که روان انسان در موقعیت‌های مختلف، از خود نشان می‌دهد. شاد بودن آدمی، تجربه‌های اجتناب ناپذیر زندگی مانند ناکامی، ناامیدی و عواطف منفی را خنثی می‌کند. احساس نشاط، کمک می‌کند تا فرد سلامت روانی خود را بازیافته و به آرامش برسد. روان‌شناسان معتقدند در قرن حاضر که ناملایمات زیاد، انسان را درگیر خود ساخته است، شادی نه تنها از بسیاری از بیماری‌ها پیشگیری می‌کند بلکه قادر است سبب رشد، پیشرفت و موفقیت هر چه بیشتر انسان در جنبه‌های مختلف زندگی گردد (صیفوری و فلاحتی، ۱۳۹۰).

الگوی مطلوب تربیت اخلاقی نشاط‌آور را می‌تواند در جدول زیر نمایش داد:



۵- راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های تربیت اخلاقی نشاط‌آور

برنامه‌ریزی در تمامی ساحت‌های تربیتی نیازمند صاحب نظران و کارشناسانی متخصص در هر موضوع درسی است. این فرآیند در حوزه تربیت دینی نیز علاوه بر متخصصین موضوعی به افراد صاحب نظر در آموزش و تربیت اخلاقی نیازمند است تا با هم فکری و تبادل نظر، اصول و

روش‌های کارشناسی شده و تأثیرگذاری را در برنامه‌ریزی و آموزش مسائل تربیتی ارائه نمایند؛ اعتبارسنجی دقیق در تدوین برنامه‌ها و کتاب‌های درسی، در رابطه با مسایل اخلاقی شادی بخش صورت گیرد. با توجه به اینکه شناخت نیازهای تربیت اخلاقی مبنا و اساس تعیین اهداف است، اجرای کامل و صحیح این فرآیند، اهداف محتوای آموزش تربیت اخلاقی را محقق خواهد کرد، توجه به اصول و قواعد اهداف تربیت اخلاقی در برنامه‌های درسی، یعنی واضح بودن، قابل اندازه‌گیری و در دسترس بودن، واقع‌گرایانه بودن و در نظر گرفتن زمان‌بندی تحقق آن، منسجم بودن سطوح اهداف، متناسب بودن اهداف با نیازها، علایق و تفاوت‌های فردی یادگیرندگان دوره تحصیلی متوسطه؛ تدوین محتوای برنامه‌های تربیت اخلاقی نشاط‌آوری که علاوه بر نمود رفتاری (اجرای مناسک، آداب و عبادات)، جنبه‌های معرفتی نیز در آن لحاظ شده باشد و منشأ آثار اجتماعی و فرهنگی در دانش آموزان مقطع اول متوسطه باشد، شکل نمره‌دهی در نظام ارزشیابی پرهیز از کمیت، برنامه‌های تربیت اخلاقی نشاط‌آور و توجه به فرآیندمداری و کیفی جهت نهادینه شدن اعتقادات دینی و باورهای ارزشی فراگیران؛ به کارگیری روش‌های معرفی الگو، گردش‌های علمی و مشاهده عینی، نمایش، قصه‌گویی، مناظره، مقایسه، تمثیل و در ارائه محتوای برنامه‌های درسی تربیت اخلاقی؛ روشن بودن مفاهیم تربیت اخلاقی نشاط‌آور و قابل تفسیر نبودن آن‌ها برای دانش آموزان؛ جایگزینی چگونه‌آموزی به جای چه‌آموزی در فرآیند یاددهی-یادگیری، پرهیز از هرگونه فشار به دانش آموزان در مورد انجام مناسک تربیت اخلاقی نشاط‌آور؛ پرهیز از جذب معلمان و مربیان ضعیف در بخش تربیت دینی و تربیت اخلاقی نشاط‌آور، به کارگیری معلمان جوان با روحیه‌ی شاد و با نشاط در مقطع متوسطه برای تدریس دروس معارف، هنر و پرورشی که بیشتر با تربیت دانش آموزان مرتبط هستند، می‌تواند بسیار مفید واقع شود. با توجه مطالعاتی که داشته‌ایم مدیران به جای اجرای صرف قوانین آموزشی، پرداختن به اهداف آموزش و پرورش، افزایش بازده کاری و درصد قبولی دانش آموزان، بر کارآمدی، تربیت اخلاقی دانش آموزان و به ویژه تربیت اخلاقی نشاط‌آور که (در مدارس به ویژه دوره متوسطه مورد کم توجهی قرار گرفته شده است) رفتارهای مراقبت کننده و ایجاد جو حمایتی در مدارس نیز تأکید کنند. این روش، فضاهای آموزشی را از مدیریت استبدادی به مدیریت مشارکتی سوق می‌دهد. مدیران و مسئولان آموزشی می‌توانند با در نظر گرفتن انگیزه‌ها، اهداف و مشکلات هر معلم و با مشارکت و همفکری آنها فضا و قوانین آموزشی را به گونه‌ای طراحی کنند تا معلمان نسبت به تدریس و گرفتن نتیجه مطلوب آموزشی علاقه‌مند شوند و حرفه خود را جذاب، خوشایند و دلنشین ببینند و دانش آموزان نیز با توجه به ویژگی‌های نوجوانی به بهترین شکل ممکن تربیت اخلاقی نشاط‌آور را در درک نموده و از آن بهره‌مند شوند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی نشاط‌آور در مقطع اول متوسطه و ارائه‌ی الگوی مطلوب با روش تحقیق کیفی از نوع تحلیل محتوا انجام گردید و نتایج تحقیق حاکی از آن بود که، هدف غایی تربیت اخلاقی نشاط‌آور رساندن نوجوان به زندگی شاد و با نشاط است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که آسیب‌های اهداف تربیت اخلاقی شامل: مبهم بودن (شفاف نبودن) اهداف، کاربردی نبودن اهداف، برانگیزاننده و نشاط‌آور نبودن ضعف‌سازگاری اهداف با وضعیت روحی و روانی دوران نوجوانی بود، آسیب‌های مربوط به روش‌های تربیت اخلاقی نیز شامل: استفاده از روش‌های تربیتی اجبار و تحکم، تبعیض و بی‌عدالتی مریبان، افراط در تنبیه، تحقیر و اهانت شامل تمسخر و سرزنش و نامگذاری و صداکردن با القاب ناشایست، آسیب‌های مربوط به محتوا شامل: کمبود کتاب در زمینه تربیت اخلاقی در کتابخانه مدارس، ضعف کاربردی بودن محتوای کتب دینی و اخلاقی و فقدان برنامه‌های آموزش مهارت‌های اخلاقی. آسیب‌های مرتبط به عوامل و زمینه‌ها شامل: رفتارهای غلط معلمان از قبیل: فاصله بین گفتار و رفتار، عدم ایجاد رابطه عاطفی معلمان با دانش‌آموزان، تأثیر مخرب فضای مجازی و رسانه، تأثیر مخرب دوستان ناباب، مسائل اخلاقی خانواده و نداشتن الگوی مناسب بودند.

فهرست منابع

۱. احمدی فر، مصطفی، امیری، دادمحمد، (۱۳۹۶)، روش های اصلاحی در تربیت اخلاقی قرآن کریم، آموزه های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۶.
۲. آزادمنش، سعید؛ سجادیه، نرگس، باقری، خسرو (۱۳۹۵)، تبیین اهداف و ملاحظات تربیت اخلاقی کودک با نظر به مفهوم عاملیت انسان در اندیشه اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، سال ۱۱، شماره ۲۳.
۳. باقری، خسرو، (۱۳۸۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، انتشارات مدرسه.
۴. پورسردار، فیض الله، سنگری، علی اکبر، عباس پور، ذبیح الله، آلبو کردی، سجاده، (۱۳۹۱)، تأثیر شادی بر سلامت روانی و رضایت از زندگی؛ یک مدل روان شناختی از بهزیستی، (۱۳۹) دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه- سال شانزدهم، شماره دوم.
۵. حسنی، محمد، (۱۳۹۵)، بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی، فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۱۱، شماره ۲۳.
۶. صیفوری، ویدا، فلاحتی، علی، (۱۳۹۰)، بررسی اهمیت و ضرورت شادی و نشاط از دیدگاه قرآن، روایات و تعالیم دینی، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲.
۷. طوسی، خواجه نصیرا لدین (۱۳۸۴)، شرح الاشارات و التنبیها، تحقیق حسن زاده آملی، قم: بوستان.
۸. قاسم زاده، عظیم، پناهی، بهنام، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر تحول ارزش های اجتماعی از دیدگاه شهروند مسئول در شهر پارس آباد مغان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۹. کهندانی، مصطفی، (۱۳۸۸)، تاریخ تطور و تحول شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۲۷۵ تا ۱۳۸۸، تهران
۱۰. شریف زاده، حکیمه السادات، باعزت، فرشته، ظاهر، رقیه، (۱۳۹۵)، آسیب شناسی تربیت اخلاقی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، همایش آموزه های اسلامی، انسان معاصر و نظام خانواده، ساری، موسسه پیامبر اعظم (ص) ساری. انتشارات نور الثقلمین.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۶)، بحار الانوار، دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، (۱۳۸۶)، انتشارات فرهنگ نما.
۱۳. نصر آزادانی، (۱۳۹۱)، طراحی محصول تعاملی در فضای متروی شهری با هدف افزایش نشاط عمومی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران دانشکده هنرهای زیبا.
۱۴. نگارش، حمید، دامن پاک مقدم، ناهید، (۱۳۸۸)، آسیب شناسی تربیت اسلامی در مدارس راهنمایی استان قم و راهکارهای مدیریتی درمان آن، مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم، شماره پنجم.

۱۵. نیاز آذری، کیومرث، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر شادابی و نشاط در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان ساری، مطالعات برنامه ریزی آموزشی، دوره ۲، شماره ۳
۱۶. وجدانی، فاطمه، ایمانی، اکبریان، محسن، رضا، صادق زاده قمصری، علیرضا، (۱۳۹۲)، ماهیت تربیت اخلاقی از نظر فردی یا جمعی بودن از دیدگاه علامه طباطبایی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۱۸، ص ۲۳-۱۱.
۱۷. غربا، مبینا، (۱۳۹۳)، آسیب شناسی تربیت اخلاقی دانشجویان دانشگاه کاشان از منظر برنامه درسی پنهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی.
18. Levinson, M.(2015), Moral Injury And The Ethics Of Educational Injustice, Harvard Educational Review, 85(2), 203-228.
19. Martindale, J.(2017). Intersections Between Place-Responsive Outdoor Education And Environmental Action: Transforming Secondary Students' Ethic Of Care Into Action(Doctoral Dissertation, The University Of Waikato).
20. Monteverde, S.(2014). Undergraduate Healthcare Ethics Education, Moral Resilience, And The Role Of Ethical Theories. Nursing Ethics, 21(4), 385-401
21. Owhadi.M, Mazahery. H,Moafi.M.(2013), Validation Curriculum Guides, Teaching Manners And Life Skills, Journal Of Educational Innovations. No. 44, 11:165-86.(Persian).

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۵۲ - ۱۳۱

واکاوی تداوم عناصر اندرزنامه نویسی سیاسی باستان در دوره قاجار

^۱ سودابه دستی ترک^۲ سهیلا ترابی فارسانی^۳ ناصرجدیدی

چکیده

اندرزنامه‌های سیاسی اگرچه آثاری هستند که در زمینه سیاست و تأملات سیاسی در ایران و اسلام و با هدف توصیه رفتار مناسب در زندگی سیاسی و تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی صاحبان قدرت به رشته تحریر درآمده است، اما این اندرزنامه‌ها به مباحث اخلاقی و اجتماعی نیز می‌پردازد. محور مباحث اندرزنامه‌نویسان سیاسی، ارائه چارچوب قدرت حاکم، حفظ و اصلاح آن است. اندرزنامه‌ها به تفاسیر و توجیهاات خود مبتنی بر اصولی چون توأمان بودن دین و سیاست، عدالت، اخلاق و دین، تجربیات پیشینیان و پند و حکمت قرار پرداخته‌اند. هدف اندرزنامه‌ها ارائه چگونگی رفتار مناسب در «کسب قدرت» و «حفظ قدرت» است. اندرزنامه‌های سیاسی به چگونگی کارکرد نظام سیاسی و تأثیر عوامل موجود در تولید و توزیع قدرت سیاسی می‌پردازند. یافته‌های این مطالعه نشان داد هدف عمده اندرزنامه‌های دوران قاجار یافتن راه حل‌هایی عملی است برای خارج کردن کشور و رعیت از وضعیتی که عموماً آن را اسفناک ارزیابی می‌کنند. از این منظر اندرزنامه‌های عصر قاجار تفاوت‌های زیادی با نوشته‌های پیشینیان دارند. از دلایلی که باعث شده رسائل عصر قاجار در زمره اندرزنامه نویسی جای داده شوند آن است که مخاطب بسیاری از آنها، همچون متون پیشینیان، اول شخص کشور است. مهمترین وجوه عنصر تداوم در سیاست نامه‌های قاجار مباحثی چون عدالت، تمرکز بر قدرت پادشاه، قانون، رابطه شاه و رعیت (مردم) و پیوند دین و سیاست می‌باشد.

واژگان کلیدی

اندرزنامه، دوره قاجار، سیاست، عدالت، پادشاه، مردم.

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Email: dastitork0641@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: stfarsani1963@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Email: Naserjadidi1397@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۴

طرح مسأله

اندرزنامه در حقیقت همان پندنامه یا رساله‌هایی است که متعلق به دوره ساسانیان و به زبان پهلوی وجود دارد و شامل پند و واندرز، دستورات دینی و اخلاقی و حکم است که محتوای آنها در آثار دوران ماقبل ساسانیان و در اوستا وجود دارد. اندرزنامه‌ها منسوب به یکی از بزرگان دین زرتشت و یا یکی از سران و پادشاهان باستانی است و ترجمه برخی از آنها در شاهنامه آمده است. اندرزنامه‌های باستانی به زبانهای مختلف فارسی، انگلیسی، گجراتی و ... ترجمه شده است. اندرزنامه‌های پهلوی اکثراً در زمان ساسانیان و پس از آن نگارش شده است و تاریخ کتابت آنها مشخص است (اوشیدری، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲).

هدف اندرزنامه‌ها ارائه چگونگی رفتار مناسب در «به چنگ آوردن» و «نگاه داشتن» قدرت است. اندرزنامه‌های سیاسی به چگونگی کارکرد نظام سیاسی و تأثیر عوامل موجود در تولید و توزیع قدرت سیاسی می‌پردازند و این-که بهترین روش حفظ و نگاه داشت قدرت کدام است. به همین دلیل در مقابل فلسفه‌های سیاسی که رهیافتی آرمانی دارند یا شریعت-نامه‌ها که رهیافتی قانونی بر آنها حاکم است اندرزنامه‌ها با رهیافت قدرت به توصیه‌هایی برای کسب و حفظ قدرت می‌پردازند (رجائی، ۱۳۷۳، صص ۱۷ - ۲۸). اندرزنامه‌های سیاسی یکی از آثاری است که در زمینه سیاست و تأملات سیاسی در ایران و اسلام با هدف توصیه رفتار مناسب در زندگی سیاسی و تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی صاحبان قدرت به رشته تحریر درآمده است. در این گونه آثار هم شیوه‌های حفظ اقتدار و مشروعیت قدرت سیاسی ارائه می‌شود و هم آنچه به تضعیف یا از بین رفتن قدرت منجر می‌شود تحت عنوان آفات قدرت سیاسی به حاکم یادآوری می‌شود تا قدرت او هرچه بیشتر نزد مردم توجیه‌پذیر شود؛ بنابراین محور مباحث اندرزنامه-نویسان سیاسی قدرت حاکم و حفظ آن است. آنها تفاسیر و توجیهاات خود را مبتنی بر اصولی چون توأمان بودن دین و سیاست، عدالت، اخلاق و دین، تجربیات پیشینیان و پند و حکمت قرار می‌دادند (یوسفی راد، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳).

مطالعه و بررسی متون و ادبیات ایران باستان به‌ویژه ساسانیان، وجود بسیاری از کتابها و پندنامه‌های منسوب به بزرگان و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی این دوره نشان می‌دهد. بسیاری از این متون و نوشته‌ها در دوران اسلامی نمودی تازه یافتند. بدین‌روی جریان اندرزنامه‌نویسی دوران اسلامی با بهره‌مندی از آبخخور این جریان مهم ادبی و فکری باستانی تداوم یافت. پندنامه عنصرالمعالی در تداوم این جریان مهم قابل تأمل است. اقدام او در تدوین این اندرزنامه نخست به لحاظ رفتاری، سنت عملی پادشاهان خردمند و بزرگان باستانی ایران را- که پندها و گفتارهای آموزنده و کاربردی ایشان در قالب وصایا و اشاره به فرزندان خود یا

مخاطبان مشخص برجای مانده است- به یاد می‌آورد که اثری عمیق بر جان و فرهنگ جامعه داشته‌اند.

اگرچه تاکنون مطالعاتی در خصوص اندرزنامه نویسی انجام شده است مانند اندرزبه سلطان اثر نگین یآوری، ریشه‌ها و مبانی فکری اندرزنامه نویسی سیاسی اثر سینا فروزش، بررسی تحلیل سنت اندرزنامه نویسی سیاسی در تاریخ میانه ایران اثر سینا فروزش، اندرزنامه نویسی در ایران باستان اثر نسرین اصلانی اما در این پژوهش کوشیده می‌شود تداوم عناصر اساسی اندرزنامه‌های سیاسی در دوره باستان و وجود همان عناصر در دوره قاجار با استفاده از روش کتابخانه‌ای مطرح شود. هدف این مطالعه تحلیل عنصر تداوم درمقایسه اندرزنامه نویسی دوره‌های باستان و قاجار می‌باشد و پاسخ به این پرسش که عناصر ماندگار در این اندرزنامه‌ها از باستان به قاجار چه بوده است و با چه تفاوت‌هایی در این دوران مطرح شده است. از این رو کوشیده می‌شود کتب مهم و مربوط به این سبک از ادبیات ایران را در دوره ساسانی و عهد قاجار بررسی نموده و عناصر مربوط به این تداوم را از ساسانی به قاجار واکاوی نماید.

اندرزنامه نویسی دوره باستان

پیشینه اندرزنامه‌نویسی به گذشته‌های بسیار دور برمی‌گردد و مطالعه و بررسی متون و ادبیات ایران باستان به‌ویژه ساسانیان، وجود بسیاری از کتاب‌ها و پندنامه‌های منسوب به بزرگان و شخصیت‌های سیاسی این دوره را نشان می‌دهد. در دوران اسلامی به‌ویژه در اوایل حکومت عباسیان به دلیل نیاز گسترده اعراب به اطلاع از شیوه‌های ملکداری از یک سو و فقدان نیروهای کارآموده در میان آنها از سویی دیگر آیین‌های کشورداری ایران باستان و آشنایی با آن را به یکی از الزامات حکومتی خلفا تبدیل نمود. جذب یا نفوذ بسیاری از ایرانیان مستعد به‌ویژه در حکومت عباسیان سبب آن گردید که بسیاری از شیوه‌ها و نکات کشورداری به صورت تألیف یا ترجمه یا رفتار به مراکز قدرت انتقال یابد (قادری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱).

اندرزنامه‌ها در صورت اولیه خود از کتابهای اخلاقی در زبان فارسی محسوب می‌شوند. اما باید گفت: اندرز به سبب درون مایه‌ی خود حاوی آموزشی می‌باشد که رو به آینده دارد. (فوشه کور، ۱۳۹۳: ۱)

منابع اندرزی باستان که صرفاً عهد ساسانیان را شامل می‌گردد کتیبه‌ها و منابع مکتوب می‌باشد. از کتیبه‌ها، کتیبه کرتیر بسیار حائز اهمیت است. از منابع مکتوب پیش از اسلام، نامه تنسر و اندرزنامه‌های پهلوی چون اندرز خسروکواتان، اندرز کوروش به هنگام مرگ، مینوی خرد مورد توجه قرار گرفته‌اند. که غالب مفاهیم اینگونه اندرزنامه‌ها توجه به امر سیاست و اخلاق دارند. آنچه که نباید فراموش کرد این است که اندرزنامه‌های اولیه کتابی اخلاقی بوده‌اند. بسیاری از متون و اندرزنامه‌های ایرانی پیش از اسلام به‌ویژه متن‌هایی که به سیاست و

روش حکومت می‌پرداخت مورد توجه قرار گرفت و جریان مهمی برای ترجمه این متون پدید آمد. تقریباً همه مؤلفان کتاب‌های آداب عربی مانند آداب-الملوک‌ها در اوایل دوره اسلامی کما بیش از مضامین اندرزنامه‌های ایرانی بهره بردند. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های عربی که در آن بخش‌های زیادی از مضامین اندرزنامه‌ها آمده، "الحکمۃ الخالده" نوشته ابوعلی مسکویه رازی (متولد ۴۲۱) است که گزیده‌ای از اندرزهای منسوب به حکما و خردمندان قدیم ایران، یونان، روم، هند و عرب می‌باشد. از کتاب‌های دیگر در این خصوص "غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم" نوشته ثعالبی و "التاج فی اخبار الملوک" منسوب به جاحظ است (طباطبایی، ۱۳۵۷، صص ۱۲۴-۱۲۵).

بنابراین فرهنگ سیاسی ایران پیش از اسلام در قالب متون ترجمه‌ای به زبان عربی و تواریخ و نوشته‌های اسلامی بازتاب گسترده‌ای یافت و این جریان در تاریخ خلافت و ایران اسلامی با کارکردهای متفاوتی تداوم پیدا کرد. ابن-مقفع (۱۴۴-۱۰۶ هجری) با ترجمه آثار مهمی پایه‌گذار سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی در دوران اسلامی است (الهیاری، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱). این آثار بستری مناسب برای بازتاب و انتقال فرهنگ سیاسی باستانی یا اندیشه ایرانی‌شهری در دوران اسلامی فراهم ساخت.

بیشترین آثار به جای مانده مکتوب، از پندنامه‌ها مربوط به عصر ساسانیان می‌باشد. چرا که در این دوره که ختم تاریخ باستان ایران نیز محسوب می‌شود و تاریخ ایران وارد مرحله جدیدی به نام «عصر اسلامی» می‌گردد علل و عوامل متعددی را به دنبال خود می‌کشاند. عواملی نظیر: علاقمندی بیشتر پادشاهان ساسانی به بحث علم و ترجمه کتب، تأسیس بعضی از دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها در پایتخت‌های ساسانیان و شاید هم از بین بردن آثار گذشتگان خصوصاً عصر اشکانیان باعث رونق بیشتر مکتوبات ارشادی و اخلاقی این دوره شده باشد. آن چیزی را که نباید فراموش کنیم فاصله زمانی این دوره با عصر اسلامی است که خود مزید بر علت می‌شود. در این زمان بسیاری از کتاب‌ها ترجمه شده حتی از محدوده‌ی کشوری و منطقه‌ی خارج و در سایر اقصی نقاط جهان رخنه نموده و مورد بهره‌برداری ادبیاتی و حتی حکومت‌داری و سیاستمداری در کشورها می‌شود. لذا از این حیث ادبیات غنی ایرانیان، مایه‌ی فخر و مباهات هر ایرانی می‌باشد.

« به کسی که راه نیکی را بر می‌گزیند، شهریاری خدایی و نیک اندیشی و راستی می‌رسد. و آرامش پایدار، به کالبد او نیرو و توانایی می‌بخشد، از میان مردم او از آن تُست. زیرا در آزمایش پیروز برآمده است» (جعفری، ۱۳۵۹، ص ۱۴۵)

تداوم اندرزنامه نویسی باستان در دوره اسلامی

از دوره غزنویان تا اوایل قرن سیزده هجری که ایران با حمله مداوم قبایل صحرائشین روبه رو بود همواره خواقین و خوانین خوارزمشاهی و سلجوقی و غز و تیموری و... بودند که بجای فرهیختگان و دانایان قدرت را در دست داشتند. این پادشاهان اساس قدرت خود را بر مالیات و حقوق سلطانی بنا نمودند و با حملات پی در پی به مناطق مختلف و غارت شهرها و روستاها به کسب ثروت و قدرت می پرداختند و چون مدام در حال جابجایی بودند، دلیلی نیز برای انتخاب شهری خاص برای پایتخت حکومت خود نداشتند. به هر حال گستره حاکمیت پادشاهان در ایران در ارکان و نظام اجتماعی پیوسته ثابت بود ولی آنچه تغییر می کرد سیطره و نام حکومتها بوده است. بنابراین لشکرگشایی ها، نبردها و فروپاشی قدرتها جان و مال مردم را با خطر مواجه می ساخت. بنابراین در بسیاری از اندرزنامه ها از سلطان ظالم در مقابله با آشوب و فروپاشی استقبال می شد (آذرگشسب، ۱۳۴۶، صص ۵۰-۵۵).

هدف اولیه اندرزنامه ها پادشاهان و سلطنت است. یعنی اندرزنامه نویسان برای کم کردن ظلم و ستم پادشاهان نسبت به مردم تلاش می کردند تعلیم اصول تربیتی و حداقل آداب زندگی و کشورداری را به آنها بیاموزند. دومین مبحثی که در اندرزنامه ها به آن توجه می شد کشورداری و وزارت بود، اندرزنامه نویسان نه تنها وزارت را نیاز قطعی دستگاه سلطنت می شمارند، بلکه مرتبه عقلانی وزیر را نیز از حد صاحب مسندی برخوردار از رای و کیاست که سنگینی بار سلطنت را به دوش می کشد، ارتقا داده و تاکید می کنند وزیر باید اندیشمند و در تمام امور کشورداری برجسته و جامع علوم و آداب باشد (حیدری نیا، ۱۳۹۳، ص ۷۵).

یکی دیگر از اهداف اغلب اندرزنامه ها عدالت است؛ گفت و گو از عدالت و ضرورت آراستن شهرداری به زیور عدل را باز هم اندرزنامه نویسان ایران با همان مبانی که از سلطنت مطلوب طرح کرده بودند، آغاز کردند. حکومت قاجاریه بی گمان ماهیت استبدادی داشت اما با دگرگون شدن اوضاع قبلی، بخصوص در دوره ناصری اندرزنامه نویسان این دوره، نه تنها مفهوم عدالت در معنای عنایت شهریار، هر چه بیشتر به معنای وظیفه او در رعایت حقوق رعیت بر ذمه توسعه یافت، بلکه در تعدادی از اندرزنامه ها، شکل و شیوه اندرز غیرمستقیم، به اندرز خطاب مستقیم تبدیل شده و این بار شخص شاه، نه وزیر یا سلطان فرضی و مجهول به صراحت تمام مورد خطاب قرار گرفت (زرگری نژاد، ۱۳۹۵، ص ۳۶).

به هر ترتیب ظهور تدریجی نویسندگانی دردمند، ترقی طلب و وطن دوست و مردم خواه در داخل و خارج کشور، باعث شد گرایش به تالیف و نگارش آثار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روند گسترش و تکامل خود را ادامه داده و موجب پدید آمدن بیش از دویست رساله و اندرزنامه سیاسی شود. این رسائل عمدتاً توسط علما و منورالفکرهای دوره قاجاری و تعداد بسیار اندکی از

آنها توسط تجار تالیف شده‌اند که می‌توان گفت، رسائل تالیف شده توسط علما هم ناظر به انتقاد از استبداد سیاسی و هم ناظر به ضرورت مقابله و ستیز علیه استعمار بود. هدف و آمال همه این نویسندگان یک چیز بود. یک عده از آنها تحت تاثیر اندیشه‌های مغرب زمین عمدتاً به انتقال اندیشه‌ها و تجارب حکومتی غربی توجه داشتند. عده‌ای دیگر اندرزنامه‌نویسانی بودند که با تکیه بر میراث اندرزنامه‌نویسان متقدم می‌کوشیدند نوسازی سیاسی و اجتماعی را مطلوب و آرمان خود را در قالب اندرزهای سیاسی و ارائه الگوهای شاهان آرمانی ارائه کنند و عده کمی از آنها به تلفیق آموزه‌های مغرب و سنت حکومتی و تفکر سیاسی متقدمان جامعه ایران و اصالت‌های ملی و اعتقادی ایران زمین تاکید می‌کردند و نسبت به اندیشه انحطاط‌طلبی نویسندگان غرب‌گرا منتقد بودند (طباطبایی، ۱۳۵۷، ص ۶۴).

از دلایلی که باعث شده رسائل عصر قاجار در زمره اندرزنامه‌نویسی جای داده شود یکی آن است که مخاطب بسیاری از آنها، همچون متون پیشینیان، اول شخص کشور است. از دیگر وجوه تشابه تقسیم‌بندی مردمان است به گروه‌های مختلف بسته به شغل که در اندرزنامه‌نویسی سنتی دیرینه دارد و ردپای آن را تا دوران ماقبل اسلامی ایران نیز می‌توان دنبال کرد. در عهد اردشیر، طبقات اجتماعی به چهار گروه نظامیان، دینداران، منجمان و پزشکان و دهقانان و صنعتگران و تجار تقسیم می‌شدند. از دیگر وجوه تشابه لزوم رعایت عدالت است که هرچند تعاریف متفاوتی اختیار می‌کند اما هیچ وقت غایب نیست. خواجه نظام الملک بر این نظر است که «مُلک با کفر بیاید و با ستم نپاید.» و اخلاق ناصری بر پادشاه واجب می‌داند «که در حال رعیت نظر کند و بر حفظ قوانین معدلت توفیر نماید، چه قوام مملکت به معدلت بود.» از دیگر مضامین تکراری در اندرزنامه‌های عصر قاجار که امتداد همان سنت گذشته است مبحث آبادانی است. آبادانی گاه غایت نهایی مُلکداری است و گاه مقدمه‌ای لازم برای بقای پادشاهی؛ گاه نماد رعایت دین و عدالت است و گاه ابزاری برای حفظ آن (طباطبائی فر، ۱۳۸۴، ص ۲۶).

عناصر مقوم اندرزنامه نویسی سیاسی باستان در دوره قاجار

سیاست نامه‌های دوره ی قاجار نیز همچون دیگر اندرزنامه‌های سیاسی به عنوان آثار اندرزی در ادبیات ایران عصر اسلامی محسوب می‌شوند که همگی نشان دهنده ی منابع اندیشه و میراث تفکر سیاسی ایران می‌باشند. در این کتب کوشیده می‌شود حاکمیت سلاطین قاجاری نه تنها مشروعیت بالذات پیدا کند بلکه ادامه دهنده ی ولایت نبوی و مرتضوی نیز قلمداد گردد. (زرگری نژاد، ۱۳۹۵: ۱۶)

مفاهیم خاصی چون عدالت، شجاعت، سخاوت، ادب، حلم و عفو از مباحث مهم شکل‌گیری این آثار می‌باشد. نگاهی که در شکل‌گیری سبک خاص این دوره بوجود می‌آید نگاهی است که یک حاکم را تا جایگاه والای حکومتی بالا می‌کشد و وجود حاکم ظالم بر جامعه ی بدون

حاکم ارجعیت می یابد. توجه ویژه ی این پژوهش بر نفوذ و تأثیر اندرزنامه های باستان که از عصر ساسانیان باقیمانده و به دوره ی قاجار کشیده شده می باشد. اندرزنامه در تاریخ ایران پیشینه ای کهن دارد و میراث آن به فرهنگ اسلامی می رسد و بخش مهمی از ادب پیشینیان را می سازد. اندرزنامه ها حوزه گسترده ای را شامل: تنظیم زندگی فردی، امور خانوادگی و اجتماعی، تعلیم اخلاقی و دینی، دستور سیاسی در دادپرووری و دولت مداری و حکمرانی دربر می گیرد. اگرچه نظام تعلیم اندرزنامه متمایز از فلسفه اجتماعی و سیاسی است، پیوستگی آن را با تعقل مدنی نمی توان یکسره انکار کرد. به تعبیر دیگر فکر پندنامه ها وجهه نظر کلی را نسبت به بنیادهای اصلی مدنی - خانواده و اخلاق و دیانت و سیاست - کم و بیش منعکس می دارد (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۹۸).

تا حدی که آگاهی داریم این قضیه مورد تحقیق و سنجش علمی قرار نگرفته که در گذشته منطق اندرزنامه نویسی تا چه اندازه با ماهیت نظام مطلقه و احکام شرعی تبعیدی، همبستگی داشته است. چه به هر حال آن جا که مجال گفت و شنود و شک دستوری باشد، چه جای پند و اندرز است (قادری، ۱۳۸۵، ص ۵۵).

چون و چرا گفتن و بحث و انتقاد و استدلال خود راهی را در تعقل سیاسی و کردار اجتماعی می گشاید و قواعدی را در تنظیم روابط مدنی می نهد که به اندرزگویی نیازی نباشد. اندرزنامه نویسی در سده سیزدهم، امتداد همان سنت گذشته است با این تفاوت که از نظر سبک نگارش لطف سخن گذشتگان را ندارد و از نظر فکر و مضمون به قوت و اعتبار آثار پیشینیان نمی رسد. قرن ها بود تفکر سیاسی از آنچه در اصل هم بود تنزل یافته بود و اندرزنامه فقط جلوه ای است از منظومه تعقل کلی جامعه. به حقیقت سده سیزدهم دوره انحطاط ادب طنزنویسی است که جنبه سیاسی اش در برخورد با اندیشه های اجتماعی و سیاسی جدید رفته رفته به افول رسید. جهت عمومی اندرزنامه های این دوره پذیرفتن نظام حاکم زمانه است، روح آن سکون و رکود است، جوهر آن تسلیم و رضاست و هر حرکتی خواه ناخواه در تضاد با وضع سیاسی قرار می گیرد (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۹۹).

پندهایی را که از این دوره می شناسیم را روی هم رفته به دو دسته می توان تقسیم کرد: برخی معرف فکر متحجر محض است، پاره ای دیگر لحن انتقادی آمیخته با طنز و کنایه دارند اما در مفاد هر دو دسته نوشته ها به ندرت اختلاف اصولی و اساسی می یابیم. نکته دیگر آن است که میان اندرزنامه ها و رساله های به اصطلاح سیاسی که ته مانده تعلیمات کلاسیک هستند تعیین مرز و فاصله قاطع همیشه آسان نیست و تفکیک آنها گاه اعتباری و نسبی است. در منطق سیاسی اندرزنامه، مردم رمه اند و حکمران پاسبان آنها. فرمانروایان دعوت می شوند که به داد گریند. عدالت مفهومی است ذهنی بدون تعریف دقیق و در واقع دور از عدالت اجتماعی.

دادگرایی از اختیارات انحصاری حکمران شناخته شده، چه بهتر که مردم از آن رحمت برخوردار باشند (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۲۲-۳۵).

از میان رساله‌های موجود، کمتر نوشته‌ای را بتوان یافت که به روشنی رساله میرزا سعیدخان انصاری مؤتمن الملک تفاوت بنیادین میان اندرزنامه نویسی و راهنمای حکومت مندی را نشان دهد. مؤتمن الملک در رساله خود بر اهمیت سه عامل تأکید می‌کند: امنیت، جمعیت و قلمرو. مؤتمن الملک همچون بسیاری از معاصرانش دستیابی به عدالت را در «متابعت از یک قانون» می‌بیند، اما برخلاف دیگران اهمیت قانون را نه فی‌الذاته که در آن می‌داند که فاصله میان مردم و دولت را از بین ببرد و اعتماد از دست رفته را بازسازی کند؛ چرا که در واقع «دولت با اشخاص یکی است فرقی هم ندارند ... اسم یکی دولت است و اسم دیگری شخص واحد» (تقفی، ۱۳۸۶، ص ۳۳).

نزیك کردن قدرت و مردم که در اینجا قرار است به لطف قانونی میسر شود که برابری دولت و ملت را تضمین کند - سایر نویسندگان به طرق دیگری دسترسی به آن را ممکن می‌دانند (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۴۱).

در توصیف برخی رسائل سیاسی منتشرشده در عصر قاجار، اول شارحان اندیشه و آراء متفکران این عصر، این متون را در زمره اندرزنامه جای می‌دهند و می‌نویسند: «اندرزنویسی در سده سیزدهم... امتداد همان سنت گذشته می‌باشد با این تفاوت که از نظر سبک نگارش لطف سخن گذشتگان را ندارد؛ و از نظر فکر و مضمون به قوت و اعتبار پیشینیان نمی‌رسد». درست است که در نگاه اول، هم متون مورد بررسی که این داوری در مورد آنها انجام شده است و هم تعداد دیگری از رساله‌های سیاسی که در سال‌های اخیرتر منتشر شده‌اند، هم در شکل و هم در محتوا وجوه مشترکی با اندرزنامه‌های پیشینیان دارند، با این همه داوری در مورد این متون تنها از منظر مقایسه با اندرزنامه‌های پیشینیان و یا سنجیدن آنها به محک فلسفه سیاسی و اجتماعی، آدای دین کاملی به این رسائل نخواهد بود. در واقع به نظر می‌رسد که این رسائل اصولاً چنین وظیفه‌ای را نیز برای خود قائل نبودند و جز تعداد معدودی از آنها، الباقی اصولاً چندان درصدد ارائه تحلیل‌های مبتنی بر فلسفه سیاسی و اجتماعی هم نیستند. هدف عمده آنها یافتن راه حل‌هایی عملی است برای خارج کردن کشور و رعیت از وضعیتی که عموماً آن را اسفناک ارزیابی می‌کنند. از این منظر اندرزنامه‌های عصر قاجار تفاوت‌های زیادی با نوشته‌های پیشینیان دارند (تقفی، ۱۳۸۶، ص ۳۸).

تمرکز بر قدرت پادشاه

بنیاد پادشاهی در ساختار سیاسی جامعه ایرانی اگرچه به لحاظ تاریخی با تشکیل دولت ماد پایه‌ریزی می‌شود، در اساطیر ایران به آغاز خلقت باز می‌گردد و به عنوان یک محور اساسی در

موجودیت و هویت جامعه ایرانی به شمار می‌آید. به روایت بیرونی، ایرانیان کیومرث را نخستین شاه و آموزگار تمدن می‌دانند (رجایی، ۱۳۷۳، ص ۲۵). از این رو تکوین شاهی با آموزش مدنیت در اعتقاد ایرانیان تقرین است (بهار، ۱۳۷۰، ص ۳۵). بدین‌روی با توجه به چنین جایگاهی، پادشاهی در ذهنیت تاریخی و حیات سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی، سنج‌های مهم به‌شمار می‌آید.

مهمترین امتیاز و مشخصه پادشاه آرمانی در اندیشه ایرانشهری، فره‌مندی او به‌عنوان عاملی مؤثر در کامیابی و ایفای کارویژه‌های شاهی است. نویسنده قابوس‌نامه در سفارش به صاحب منصب وزارت بیان می‌دارد: «اگر چنانکه خداوند کوچک بود کوچک مشمر که مثال پادشاه‌زادگان بر مثال بچه مرغ‌آبی باشند و بچه مرغ‌آبی را شنا نباید آموخت» (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۸)

پادشاه فره‌مند در اندیشه ایرانشهری سیمایی اخلاقی و دینی دارد. امیر عنصر المعالی، باب چهل و دوم در آیین و شرط پادشاهی را چنین آغاز می‌کند: «پس اگر پادشاه باشی پارسا باش و چشم و دست از حرم مردمان دور دار و پاک شلوار باش که پاک شلوازی از پاک دینی است.» (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۷) «بدین‌روی پارسایی و پرهیزگاری به‌عنوان صفاتی اخلاقی از ویژگی‌های مهم و اولیه پادشاه بیان می‌شود. البته پادشاه پارسا و پرهیزگار باید بر پایه عقل و خرد رفتار کند و خردورزی دیگر ویژگی مهم اوست» (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۷).

پادشاهی معیاری مهم در برآورد انتظام و انجام اصلاح امور در جامعه به‌شمار می‌آمد. آنچه در کنار پارسایی و خردورزی، نظم سیاسی و اجتماعی و اصلاح امور جامعه با گروهها و تمایلات مختلف را فراهم می‌ساخت، اقتدار شاهی بود. پادشاه باید در چشم عوام هیبت و حشمت داشته باشد و به‌گونه‌ای رفتار کند که از جلالت و شکوه مقام شاهی کاسته نشود. عنصر المعالی با دقت بر اهمیت رفتارهای فردی و خلقی شاه در حفظ هیبت و حشمت شاهی در چشم رعیت می‌نویسد: «و لکن کم‌گوی و کم‌خنده باش تا کهتران بر تو دلیر نشوند که گفته‌اند: بدترین کاری پدشاه را دلیری رعیت و بی‌فرمانی حاشیت است» (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۸) این سخن بسیار شبیه گفتار حکمت‌آموزی است که مسکویه رازی به نقل از هوشنگ پیشدادی پادشاه اساطیری درباره ضعف شاهان می‌نویسد: «سه چیز است که فساد آن به اصلاح در نتوان یافت» یکی از آن سه چیز «رکاکت و ضعف در پادشاهان است.» (مسکویه رازی، ۱۳۶۹، ص ۳۶)

بدین‌سان وجود سلطانی قاهر ضرورتی برای حفظ نظم و اجرای عدل در جامعه است. ابن قتیبه دینوری نیز به نقل از کسری پنج چیز را مانع خرابی و زوال بلاد می‌شمرد که در آن میان سلطان قاهر در مرتبه نخست قرار دارد (۱/ص ۵۹). بدین‌روی قدرت و حشمت شاه مایه

اساسی انتظام جامعه و تدوام پادشاهی بود، به قول عنصرالمعالی «پس پادشاه که وی را فرمانروایی نبود او پادشاه نبود.» (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۰) و فرقی پادشاه با رعیت در فرمان دادن است. حفظ حشمت شاه و فرمانروایی او به خرد، تدبیر و سیاست بستگی دارد. «نظام ملک ملکان اندر فرمانروائی باشد و فرمانروایی جز به سیاست نبود، پس در سیاست تقصیر نباید کرد تا امرها روان بود و شغلها بی تقصیر.» (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۲). واژه «سیاست» در این عبارت، هم به مفهوم تدبیر و شیوه برخورد با جامعه به کار برده شده و هم به مفهوم عقوبت و مجازات جهت عبرت دیگران و استحکام قدرت پادشاهی مورد استفاده قرار گرفته است. مهم‌ترین عامل اعمال قدرت و حاکمیت پادشاه در قلمرو سیاسی او و ابزار حفظ حدود و ثغور حکمرانی، سپاه است. بررسی مخاطبان قابوس‌نامه و پیشه‌هایی که بدانها پرداخته شده ترکیب و ترتیبی اجتماعی نظیر گروه‌های چهارگانه در جامعه ساسانی را نشان می‌دهد که در دوره‌های بعدی نیز به شکلی تدارم یافت و در نوشته‌های نویسندگان مسلمان در بحث ارکان جامعه مورد توجه قرار گرفت (طوسی، ۱۳۵۶، ص ۳۰۷-۳۰۴؛ لمبتن، ۱۳۷۲، ص ۲۴۳-۲۴۱)، اما بر پایه ماهیت مناسبات پادشاه، سپاه و رعیت در اندیشه ایرانی‌شهری به نوعی به کارکردهای متقابل و وابستگی‌های ایجابی میان این عناصر می‌پردازد و در این باره می‌نویسد: «و نیز رعیت را به لشکر مطیع توان کردن و لشکر را هم به رعیت نگاه توان داشت که دخل از رعیت حاصل شود و رعیت آبادان و برجای از عدل بود.» (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۳).

این سخن یادآور گفتار معروفی در نوشته‌های نویسندگان اسلامی است که به طور عمده به نقل از چهره‌های مختلف دینی و سیاسی دوران ساسانی بیان شده است. مسعودی این گفتار معروف را به نقل از انوشیروان چنین می‌نویسد: «پادشاهی به سپاه است و سپاه به مال و مال به خراج و خراج به آبادی و آبادی به عدل» (مسعودی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶۱). خواجه نظام الملک در فصل آغازین سیاستنامه می‌نویسد: ایزد تعالی در هر عصری و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیند و او را به هنرهای پادشاهانه آراسته و ستوده گرداند و مصالح جهان و آرام بندگان را بدو بازیند و در فساد و آشوب و فتنه را بدو بسته گرداند و هیبت و حشمت او اندر دلها و چشم خلائق بگستراند تا مردم اندر عدل او روزگار می‌گذراند و آمن همی باشند و بقای دولت همی خواهد (خواجه نظام الملک، ۱۳۶۴، ص ۱۵).

همین معنا را امام محمد غزالی در نصیحه الملوک چنین می‌گوید: «بدان و آگاه باش که خدای تعالی از بنی آدم دو گروه را برگزید و این دو گروه را بر دیگران فضل نهاد؛ یکی پیامبران و دیگر ملوک» (غزالی، ۱۳۶۱، ص ۲۸).

متنی که به روشن‌ترین وجه، بیرونی و ویژه و استعلایی بودن قدرت حاکم را نسبت به قلمرو و رعایایش بازگو می‌کند، توصیف خواجه نصیر الدین طوسی است از ملک.

و در تقدیم احکام به شخصی احتیاج افتد که به تأییدی الهی ممتاز بود از دیگران تا او را تکمیل ایشان میسر شود، و آن شخص را در عبارت قدما ملک علی الاطلاق گفته‌اند، و احکام او را صناعت ملک؛ و در عبارت محدثان او را امام، و فعل او را امامت؛ و افلاطون او را مدبر عالم خواند؛ و ارسطو انسان مدنی، یعنی انسانی که قوام تمدن به وجود او و مثال او صورت بندد. و باید که مقرر بود که مراد از ملک در این موضع نه آنست که او را خیل و حشمی یا مملکتی باشد، بلکه مراد آنست که مستحق ملک او بود در حقیقت و اگرچه بصورت هیچکس بدو التفات نکند، و چون مباشر تدبیر غیر او باشد جور و عدم نظام شایع بود.

فی الجملة در هر روزگاری و قرنی به صاحب ناموسی احتیاج نبود چه یک وضع اهل ادوار را کفایت باشد، اما در هر روزگاری عالم را مدبری باید، چه اگر تدبیر منقطع شود نظام مرتفع گردد و بقای نوع بر وجه اکمل صورت نیندد، و مدبر به حفظ ناموس قیام نماید و مردمان را به اقامت مراسم آن تکلیف کند، و او را ولایت تصرف بود در جزویات بر حسب مصلحت هر وقت و روزگار (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۳).

سیاست نامه های عصر قاجار که آنها را هنر حکومت‌مندی ن امیدیم به چه نحوی تلاشی در جهت عکس را وحه همت خود قرار داده، یعنی کوشش می‌کنند قدرت شهریار را به سایر انواع قدرت‌ها پیوند بزنند. یک نمونه از آن پیروی کند، مناسب‌ترین راه برای رسیدن به این هدف می‌داند.

عدالت

تنسر، چهره روحانی معروف دوران نخست شاهنشاهی دودمان ساسانی که پژوهشگران نامه منسوب به او را متعلق به سده ششم میلادی می‌دانند در این باره می‌نویسد: و چون رعیت درویش شد، خزانه پادشاه خالی ماند و مقاتل نفقه نیابد ملک از دست شود. (ابن مقفع، ۱۳۱۱، ص ۲۴). این‌گونه بستگی زنجیره‌ای میان پادشاه، سپاه و رعیت در فرهنگ سیاسی ایران به عنوان «چرخه ثبات سیاسی» نیز تعبیر شده است. این زنجیره در فرهنگ سیاسی ایرانی به لحاظ نظری، به نوعی ماندگاری قدرت پادشاه و صلاح رعیت را به یکدیگر پیوند می‌دهد. همان‌گونه که قدرت پادشاه و روانی فرمان او به سپاه بستگی دارد، سپاه نیز با مال گرد می‌آید و مال به رعیت بستگی دارد و رعیت‌داری و آبادانی کشور از الزامات ثبات و قوام حاکمیت سیاسی است. بدین‌روی پادشاه باید حافظ تعادل و توازن عناصر جامعه باشد و به‌خصوص از تعدی سپاه بر رعیت که موجب ویرانی می‌شود، جلوگیری کند. عنصر المعالی در این باره پادشاه را سفارش می‌کند که: «بیداد را در دل خویش راه مده که خانه ملکان دادگر دیر بماند و قدیمی گردد و خانه بیدادگران زود پست شود، زیرا که داد آبادانی بود و بیداد ویرانی. پس چون آبادانی دیر شاید کرد، دیرتر بماند و ویرانی چون زودتر توان کرد زود نیست گردد» (عنصر المعالی،

۱۳۷۱، ص ۲۳۳).

بنابراین دادگری و عدالت پادشاه شرط بقای ملک و توازن و تعادل جامعه است. «پادشاه چون آفتاب است نشاید که آفتاب بر یکی تابد و بر دیگری نتابد» (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۳) و پادشاه شبان و رعیت رمه اوست. اگر پادشاه مهربان نباشد آنها را از درندگان نگاه نمی‌دارد نگاهی اجمالی به متون سیاسی ایرانی-اسلامی و به‌ویژه سیاست‌نامه‌ها، می‌توان به روشنی دریافت که پدیدآورندگان این‌گونه آثار از عدالت به گونه‌ای سخن می‌گویند که گویی ابزار و وسیله یا راه و روشی برای نگاهداری و گسترش قدرت و حکومت است و نه یک ارزش و هدف که در راه نگاهداری و پاس‌داشت آن می‌توان و باید از همه چیز-از جمله قدرت و حکومت و ریاست-گذشت.

شاه و مردم

پادشاه همواره باید از حال رعیت، لشکر و کارگزاران و وزیر خود آگاه باشد. به‌خصوص اطلاع پادشاه از حال وزیر و لشکر از ضرورت‌های اصلی است و بی‌خبری او می‌تواند برای قدرت وی بسیار پرمخاطره باشد؛ زیرا همه امور ملک در دست اوست و «باید که وزیر تو آب نخورد که تا تو ندانی که جان و مال خود بدو سپرده‌ای، اگر از او غافل باشی از جان و مال خویش غافل بوده باشی نه از حال و کار وزیر خویش». (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۸).

هم‌چنین پادشاه باید از حال سپاه و رعیت نیز آگاه باشد تا سپاهیان، دست‌تاول بر رعیت نگشایند. سپاه علاوه بر خطر تعدی بر رعیت ممکن است با شورش نیز برای قدرت پادشاه خطرناک باشد. به‌همین سبب پادشاه باید ترکیب سپاه را به گونه‌ای نگه دارد که بتواند هر گروه از سپاه را با گروه دیگر مهار کند. بنابراین عنصر المعالی پادشاه را سفارش می‌کند: «لشکر همه از یک جنس مدار که هر پادشاهی لشکر همه از یک جنس دارد همیشه اسیر لشکر خویش باشد. دایم زیون باشد از آنکه از یک جنس همیشه متفق یکدیگر باشند. ایشان را به یکدیگر نتوان مالیدن و چون از همه جنس بود این جنس را بدان مالیده توان داشتن تا آن قوم از بیم این قوم و این قوم از بیم آن قوم بی‌فرمانی نکنند و فرمان تو بر لشکر تو روان بود.» (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۴).

نهادهایی که رساله نویسان مورد نظر ما برای متصل کردن قدرت پادشاه به سایر قدرت-های موجود در جامعه پیشنهاد می‌کنند از درجات پیچیدگی متفاوتی برخوردار است. گاه رساله-نویسی همچون رستم الحکما که خواهیم دید حرف‌های بسیاری در زمینه حکومت مندی دارد، به نهادی مشورتی اکتفا کرده و پیشنهاد می‌کند مجلس «کنگاش پادشاهی» تشکیل شود که مشتمل است «از وزیران و اهل دربار و امیران [که] هر روز عصر منعقد می‌شود. همه ... بر تبه و مقام خویش در حضور سلطان بایستند، و پس از گفتگو در امور ملکی مرخص گردند». اما پیوند

اول قدرت سیاسی با عموم به همین یک مجلس ختم نمی شود. شاه همچنان باید به وزیرانی تکیه کند که اهمیت شان به کاردانی است و نه به امتیاز اجتماعی و تبار و ثروت. وزیرانی که به «مصلحت ملکی» آگاهند و از این رو در دین مردم مداخله نمی کنند. علاوه بر این، باید «پادشاه هر جمعه از بامداد تا نیمروز در دیوانخانه نشیند و اذن عام دهد که هر کس عرضحالی دارد بگوید و دادرسی شود». در دوره های متأخرتر، هم بر تعداد نهادها افزوده می شود و هم کارکردهای متفاوتی برای آنها در نظر گرفته می شود. از این جمله است نویسنده ناشناس رساله «شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی ایران» (شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی ایران، ۱۲۷۵، به نقل از زرگری نژاد، ۱۳۸۰، صص. ۱۲۱ الی ۱۷۲).

او که در مجموع بر این نظر است که باید نظم افلاک و سماوات را عیناً در این جهان پیاده کرد و برای بهبود امور از کائنات الگوبرداری کرد، وجود سه مجلس را ضروری می داند: یکی مجلس دولتی که توسط دوازده وزیر - به تبعیت از بروج دوازده گانه - اداره می شود و دیگری مجلس دارالشورا که در آن «پانزده نفر وکلای دولت هستند و پانزده نفر وکلای ملت» و «در فواید دولت و ملت مذاکره خواهند کرد» و نتیجه مذاکره را به اطلاع پادشاه خواهند رسانید تا دستور اجرای احکام را بدهد. در کنار این دو نهاد، مجلس سومی هم هست که از همان آغاز کار تعداد نمایندگانش بالغ بر شصت نفر است و «ایشان وکلای ملت باشند که شصت تن از خردمندان و خداوندان رأی و هوش که هر مملکتی را از ممالک دوازده گانه، پنج تن می رسد، به وکالت اختیار کرده به درگاه دولت می فرستند که در وقایع اتفاقیه مملکتی مصلحت رعیت و ملت را تقریر کنند و ارکان دولت هم مراعات جانب آنها را لازم دانند و ملتسمات آنها را در مصالح امور به جای آرند». و باز در توضیح اهمیت توجه به نظرات این مجلس و اعتبار آن می-نویسد: «در حوادث اتفاقیه [نظرات] ایشان را داخل شوراها می معظم کنند که واسطه میان دولت و ملت اند (تأکید از ماست) و رابطه میان این دو جهتند و چون رعیت یکی را خود به رضا برای وکالت اختیار کند، او را به همه حال نیکخواه پندارد. لاجرم بودن ایشان در میان، موجب میل رعیت باشد به اعیان و ارکان حضرت سلطان». اینکه چرا این رساله نویسنده گمنام اینچنین به خود زحمت ایجاد نهادهای مختلف را می دهد از آن روست که بر این نظر است که دستگاه دولت نمی تواند تنها به تکرار کلیاتی اکتفا کند از آن دست که در اندرزنامه های پیشینیان در مورد «خوشبختی رعیت» و «حفظ عدالت» گفته می شد، بلکه بایستی همچون ارکان هستی متولی چهار امر باشد که عبارتند از «امر خلقت و ایجاد، امر تربیت، امر مرگ و هلاک و امر احیای ثانی» (شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی ایران، ۱۲۷۵، به نقل از زرگری نژاد، ۱۳۸۰، صص ۱۸۱).

تلاش مستمر دیوانیان و نخبگان اوایل عصر قاجار برای حل و فصل مسائل مملکت از

طریق برقراری پیوند میان اول قدرت سیاسی کشور با سایر قدرت‌های موجود در جامعه که بازتاب آن را در تغییر محتوای رساله‌های سیاسی از اندرزنامه‌نویسی به شیوه کهن به هنر حکومت‌مندی مشاهده کردیم. نتیجه تغییر در فلسفه سیاسی این نخبگان نبود. همانطور که دیدیم فلسفه سیاسی این رساله - ها در واقع آن بخشی از آنها را تشکیل می‌داد که می‌توان آن را تداوم اندرزنامه‌نویسی به شیوه کهن دانست. تغییر در حوزه مسائل موردنظر بود که ایجاب می‌کرد پیوندی - حقوقی و یا حقیقی - میان قدرت پادشاه و سایر قدرت‌های اجتماعی برقرار شود. به عبارت دیگر لازم بود که پادشاه جایگاه متعالی و بیرونی‌ای را که نسبت به پادشاهی‌اش داشت کنار نهاده و به قلمرواش و مسائل ساکنان آن از خلقت و ایجاد تا مرگ و هلاک رسیدگی کند. علت این تغییر را باید در دو عامل اساسی جستجو کرد: یکی سر بر آوردن جنبش‌های اصلاح دینی که تکاپوی بی‌هماندی را در زمینه فکری و نیز تشکیلاتی در میان روحانیون ایران باعث شد و دیگری نیز به شهادت قریب به اتفاق رساله - نویسان (ثقفی، ۱۳۸۶، ص ۴۶).

نظم و قانون

بر پایه فرهنگ اجتماعی فرهنگ اجتماعی رایج در جامعه ساسانی هرکس می‌توانست به کار و پیشه‌ای خاص بپردازد. کار ویژه افراد در نظام اجتماعی، مبتنی بر دین و فرهنگ باستانی ایرانی تبیین و توجیه می‌شد. این باور بر پایه توجیهی که ثبات اجتماعی و سیاسی را با مبادرت اشخاص به کار ویژه خود پیوند می‌داد، در فرهنگ سیاسی ساسانی جایگاهی ویژه به دست آورد و از این طریق در جریان اندرزنامه‌نویسی اسلامی بازتاب یافت. یکی از کارکردهای مهم نهاد شاهی مراقبت پادشاه در رعایت حدود و ثغور اجتماعی و مبادرت افراد به کار ویژه خود بود. تنسر در این باره می‌نویسد: «تا بدانی آنچه شاهنشاه فرمود از مشغول گردانیدن مردمان به کارهای خویش و بازداشتن از کارهای دیگران قوام عالم و نظام کار عالمیان است. اگر در عذاب سفک دما چنین قوم افراط به جایی رساند که منتها آن پدید نبود، ما آن را زندگانی می‌دانیم و صلاح» (ابن مقفع، ۱۳۱۱، ص ۱۵).

بدین‌روی هرکس باید با توجه به جایگاه اجتماعی خود مشغول به کار ویژه‌های خویش باشد. بیکاری افراد تهدیدی برای نظام اجتماعی و ثبات سیاسی به‌شمار می‌آمد. بر پایه اندرزهای منسوب به اردشیر بابکان نباید هیچ‌کس را دمی بیکار گذاشت، زیرا دچار اندیشه‌های مضر می‌شود که به جامعه آسیب می‌رساند (مسکویه رازی، ۱۳۶۹، ص ۲۰-۱۹).

نویسنده قابوسنامه نیز بر همین پایه می‌نویسد: «و از هرکسی شغلی دریغ مدار تا از منفعتی که از آن شغل بیابند با قصد خویش مضاف کنند بی‌تقصیرتر زیند و تو نیز در باب ایشان بی‌اندیشه‌تر زبی که چاکران را از بهر شغل دارند.» (عنصر المعالی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۹)

اما هر کسی برای شغلی شایسته است و نمی‌توان هر کاری را به هر کسی سپرد. همان‌گونه که گفته شد این تفکر در فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران باستان پایه‌های دینی و اعتقادی ویژه‌ای داشت، به طوری که بر پایه اصل فرهی ایرانیان، هر کس فقط با پرداختن به کار ویژه خود می‌توانست سعادت دنیوی و اخروی یابد (مجتبایی، ۱۳۵۲، ص ۹۳-۹۲).

آن قانونی که مؤتمن الملک از آن به عنوان راه نزدیک کردن دولت و مردم صحبت می‌کند را دیگران نیز مهم دانسته‌اند. از میرزا ملکم خان که تمامی یک رساله را به آن اختصاص داده است و بحثش شناخته شده است اگر بگذریم به رساله نویسان کمتر شناخته شده ای می‌رسیم همچون ابوطالب بهبهانی نویسنده منهای العلی مورخ ۱۲۹۳ هجری قمری که او نیز چاره «پریشانی و بی نظمی و بی سامانی نوکر» و «بی سامانی و تفرقه و عدم امنیت و اطمینان رعیت از مال و جان و ناموس خود»، و «استیلا و قدرت آحاد خارجه» و ده‌ها مشکل دیگر را «به جهت عدم استقرار و استبداد اقوال دولت» می‌داند که آن نیز خود «از نداشتن قانون» ناشی می‌شود. بهبهانی چندان هم در بند منبع و منشأ قانون نیست و اگر دست‌آخر پیشنهاد می‌کند که «شمه ای از قوانین و رسوم فرنگستان که موجب ترقی دولت و ملت و کسب راه ثروت و مکنات است و از تاسی به آن خللی به مذهب و شریعت راه نمی‌یابد» مرقوم شود، بیشتر دلیل عملی دارد تا هر دلیل دیگری. چه راه دیگر می‌توانست آن باشد که عقلای دولت و ملت گردهم آیند و قانون جدیدی بنویسند، اما این کار طولانی خواهد شد و علاوه بر آن همانند اختراع دوباره چیزی است که کس دیگری زحمت اختراع آن را از پیش کشیده است. روش دیگر قانون نویسی می‌توانست تاسی به رسوم و آداب سلاطین ایران از دوره پیش از اسلام تا سلاطین صفوی باشد. یگانه نگرانی او از یک چنین کاری تغییراتی است که احساس می‌کند در جهان اتفاق افتاده و لازم می‌دارد که «ببینیم در آن ازمنه و ایام، دول همسایه و همجوار هم، همین پولتیک و تنظیمات و سبک و سیاق را به این استحکام حالیه داشتند یا مطلقاً در جنب دول مشرق زمین، محل اعتنا نبودند». او خود بر این نظر است که سابق بر این «مبنای عمل و رفتار کل دول روی زمین، به قوت شمشیر و استعمال نیزه و تیر بود»، حال آنکه «امروز به قدرت تدابیر و قانون، بنیان کار دول روی زمین بر نهجی گذاشته شده است که هر یک، از استحکام قانون و انتظام قشون اسلحه و حربیه، بیشتر اهتمام دارند، در کار پیشترند» (بهبهانی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۱).

نویسنده استفاده از قانون شریعت اسلام را نیز میسر نمی‌داند زیرا بر خلاف صدر اسلام اکنون «اختلافاتی در قانون شریعت اسلام به هم رسیده و مذاهب متفرقه ظاهر گردیده» و اختلاف آراء در میان «علماء ملت اسلامیة که مروج قانون شریعت هستند» به حدی است که «مطلقاً برای انتظام امور دولت و ملت، مؤثر و کافی و مفید فایده نیست». هر چند بهبهانی در

منبع و مأخذ قانون رویه مصلحت‌اندیشانه و واقع‌بینانه در پیش می‌گیرد، اما در زمینه شمول قانون کمترین تعارفی را روا نمی‌داند. به نظر او هر چند قانون وضع نمی‌شود مگر به حکم پادشاه، اما به محض اینکه چنین شد، او خود نیز در شمول آن قرار می‌گیرد: «قانون وضع نمی‌شود مگر به استبداد رأی و عزم و جزم متین پادشاه بر اجرای بقای آن و عدم تخلف از آن، اگر چه بسیار جزبی باشد؛... و نیز هیچ قانونی وضع نمی‌شود، مگر اینکه حکم سیاست و تنبیه مخالف آن در ذیل آن مسطور و مرقوم است، اگر چه طرف مخالف از اعزه مملکت و دولت، یا اقارب خانواده سلطنت باشد، چنانکه در احکام شریعت غرا به همین نهج مقرر است». به این صورت خط فاصل قدرت پادشاه و سایر قدرت‌ها از میان برداشته می‌شود، یعنی «وضع و نشر قانون، باعث می‌شود بر اتفاق و اتحاد جمیع آراء و حرکت و رفتار دولت و ملت بر اسلوب واحد و از این به هم می‌رسد، اتفاق دولت و ملت.» (بهبهانی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۸)

همین اتفاق و همراهی را یوسف خان مستشارالدوله دلیل پیشرفت ممالک غرب می‌داند که در آنها «دولت و امت معاً کفیل بقای» قانون هستند که «جمیع شرایط و انتظامات معمول که به امور دنیویه تعلق دارد در آن محرر و مسطور است» چنانکه «هیچ فردی از سکنه... مطلق التصرف نیست یعنی هیچ کاری که متعلق بامور محاکمه و مرافعه و سیاست و امثال آن باشد به هوای نفس خود عمل نمی‌تواند کرد». و برای آنکه روشن شود که شاه نیز نه از جایگاهی ویژه نسبت به قانون برخوردار است و نه بیرون از شمول آن، تأکید می‌کند که «شاه و گدا و رعیت و لشکری در بند آن مقید هستند و احدی قدرت مخالفت بکتاب قانون ندارد». از قضا مستشارالدوله نیز همچون بهبهانی چندان در قید منشأ قانون نیست؛ به نظرش می‌رسد که اگر به «فرمان جلیل، علما متفق شوند» و قوانین شریعت را که عاری از ضعف باشد و هر قولی را در آن اختلافی کثیر نباشد «معین فرموده بنویسند و همه مهر کنند و اولیای دولت و وکلای ملت نیز مهر کنند»، این متن کفاف کار را خواهد داد. البته لازم خواهد بود که «کتاب قانون بدون اغلاق به زبان معمول این زمان که هر کس از خواندن آن بهره مند شده تکلیف خود را بدانند نوشته شود». او کمی نگران «ملل غیر مسلمه از ساکنان ممالک اسلام» است که در این صورت ممکن است «به خواندن کتاب قانون رغبت نکنند» زیرا آنها که مجبور نیستند به احکامی مانند «صوم و صلوه و حج و خمس و ...» عمل نمایند. در عین حالی که «در سایر احکام که به امور دنیا تعلق دارد تکلیف رعایایی که از مذاهب مختلفه در تحت اختیار دولت واحده هستند علی السویه است». با این مسئله نیز مستشارالدوله عملگرایانه برخورد کرده، پیشنهاد می‌کند «علمای متقدمین، قوانین اسلام را در کتاب‌های علیحده و کتاب سیاست و معاش را علیحده» گرد آورند تا تکلیف هر کس معلوم شود. می‌ماند مظالمی که «به اسم عرف و عادت» انجام می‌شوند که «قید و تسجیل آنها نیز واجب است». رفتار مداراجویانه مستشارالدوله فقط یک استثنا دارد و آن

اینکه قانون «به قبول دولت و ملت نوشته شود نه به رأی واحد» (بهبهانی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۸).

رابطه دین و سیاست

آنچه در مورد شیوه حکومت و مشروعیت سیاسی و چگونگی مناسبات دین و سیاست در ایران باستان به رشته تحریر درآمده، نشان می دهد باورها و معتقدات مذهبی در عهد باستان از اهمیتی زیاد برخوردار بوده است. به گونه ای که می توان ادعا کرد پادشاهان مشروعیت خود و حکومتشان را از دین گرفته اند و هم ترازوی دین و سیاست باعث شد که در دوران باستان هر امر دیگری در نسبت با دین تعریف شود، تا مشروعیت آن برای مردم پذیرفتنی باشد. دوران باستان که از فرمانروایی مادها (۷۰۸ پ.م) تا فرمانروایی ساسانیان (۶۵۱ م) است، در حوزه اندیشه سیاسی و باورهای دینی و مذهبی تحت تاثیر دوران پیشین تاریخی است. به طوری که نمی توان مطالعات ایران باستان را بدون در نظر گرفتن دوران پیشین تاریخی به سرانجام مطلوبی رساند. به همان اندازه که باورها و عقاید مذهبی به زندگی اجتماعی و فردی مردم فلات ایران در دوران پیشین تاریخی جهت می داد، در دوران باستان به عنوان زیربنای امر سیاست، مدنیت و مشروعیت حکومت ها مطرح بوده است، آن چنان که در هر دوره از تاریخ تعامل دین، سیاست و حکومت همواره برقرار بوده و هیچ گاه گرایش سکولار نسبت به دین مورد تایید نبوده است (محتشم، ۱۳۹۵).

این ویژگی، عنصر بسیار مهم و تعیین کننده ای است؛ یعنی سیاست نامه های دوران باستان با وجود این که با تأکید بر عدالت و توأمانی دین و سیاست به نوعی یک اندیشه آرمان گرایانه را پرورانده اند، از واقع بینی سیاسی هم غافل نبوده اند. محور اصلی اندرزنامه های سیاسی تأکید بر حفظ قدرت فرمانروا است. سیاست نامه نویس همه تلاش خود را صرف این امر می کند که راه و رسم فرمانروایی، یا به بیان دقیق تر، بهترین شیوه حفظ قدرت سیاسی را نشان دهد و در این راه تمامی شئون و ساحت های دیگر حیات اجتماعی را در خدمت قدرت سیاسی قرار می دهد. اندرزنامه های سیاسی گرچه از «سیاست شرعی» سخنی نمی گفتند ولی از سیاست مبتنی بر تدبیر و حزم و رعایت عدالت و توأمان بودن دین و سیاست حمایت می کردند. خواجه نظام الملک در این باره می گوید: «بر پادشاه واجب است در کار دین پژوهش کردن و فرایض و سنت و فرمان های خدای تعالی به جا آوردن و کار بستن و علمای دین را حرمت داشتن و کفاف ایشان را از بیت المال پدید آوردن» (طوسی، ۱۳۷۲، ص ۵۴).

حفظ دین هم یکی از وظایف اساسی است که در سیاست نامه ها بر آن تأکید می رود. در سیاست نامه ها دین و دولت هم زاد یکدیگرند و در این راه، دین و دولت به طور متقابل در خدمت هم هستند. از آن جا که مشروعیت حکومت، الهی است، حکومت نیازمند دین و همیاری علماست و در عین حال برای رسیدن به این همراهی باید وظیفه خود را در حفظ دین به طور

شایسته انجام دهد. به همین دلیل نیز در اغلب سیاست‌نامه‌ها توجه ویژه‌ای به دین و علما صورت می‌گیرد. ولی تفاوت آن با اندیشه ایرانشهری در این است که در ایران قدیم، شاه آرمانی خود، دین آگاه است و از این نظر از علما بی‌نیاز است، ولی در سیاست‌نامه‌هایی که در دوره قاجار نوشته شده اند پادشاهان از آن پادشاه آرمانی به دور هستند، در نتیجه، از احکام دین آگاهی چندانی ندارند و به همین دلیل برای فهم دین، نیاز به علما ضرورت پیدا می‌کند. نمونه اصلی چنین تحلیلی را در سیاست‌نامه خواجه نظام الملک می‌توان یافت که در دیگر سیاست‌نامه‌ها هم نمود شایانی پیدا کرده است. نگاه خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به علما و تأکیدهای بیش از حد او هم از همین منظر، قابل فهم است. خواجه رشیدالدین تقریباً در تمامی مکاتبات خود به حکام ایالت‌های مختلف که اغلب از خاندان خود وی بودند، هم نشینی با علما را به آن‌ها توصیه می‌کند. خواجه به فرزند امیر خود این چنین می‌نویسد:

در سایه رایت علما و کنف فضلا به انوار نجوم علوم دینی خلوت تاریک ضمیر خود را سیر گرداند، چرا که هیچ فضیلتی فوق مرتبه علوم شرعی نه، و هیچ حبلی متین چون ذیل اخلاق حمیده نیست (همدانی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۱).

نتیجه گیری

سیاست نامه ها از سنت های فکری مهم در اندیشه سیاسی جوامع اسلامی، به ویژه در تاریخ میانه است. از لحاظ تاریخی، اندیشه سیاسی در جهان اسلام، مولود شرایط سیاسی - اجتماعی هر دوره ای بوده و از همین روی یکی از ویژگی های اساسی آن، توجیه گری سیاسی در درون بوده است. سیاست نامه ها یا اندرزنامه های سیاسی یکی از حوزه های مهم فکری محسوب می شوند که در تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام توجه بسیاری به آن ها شده و آثار زیادی هم داشته اند.

رساله های سیاست نامه، با توجه به شرایط تاریخی - سیاسی ظهور آن ها، خصایص ویژه ای داشته و هریک از آن ها در قالب یک اندرزنامه پندآمیز به منظور راهنمایی عملی امیر یا سلطان خاص نوشته شده و برای ایجاد تنوع، به نقل ها، حدیث ها و حکایت های شیرین آمیخته شده اند. این که سیاست نامه ها اصالتاً به کدام حوزه فکری وابسته بوده اند، اختلاف نظر وجود دارد. تحلیل این است که سیاست نامه نویسی در جهان اسلام در ادامه سنت اندرزنامه نویسی در اندیشه سیاسی ایرانیان قبل از اسلام بود. سیاست نامه ها در قالب های مختلف، سرشت خاصی دارند و آن، مصلحت گرایی سیاسی برای حفظ وضع موجود است. چند ویژگی اساسی سیاست نامه عبارتند از: تمرکز بر قدرت پادشاه، قانون، رابطه شاه و مردم، پیوند دین و سیاست و عدالت.

حکومت قاجار بی گمان ماهیتی استبدادی داشت و همانند فرمانروایان پیشین، مردم را رعیت خود می شمرد؛ اما با دگرگون شدن اوضاع قبلی و محدود شدن خصلت پلنگی این فرمانروایی، به خصوص در دوره ناصری و محدود شدن چشمگیر قتل عام های گسترده، نظیر قتل عام های پیاپی ادوار قبل، اندرزنامه نویسان این دوره نه تنها مفهوم عدالت در معنای عنایت شهریار، هر چه بیشتر به معنای وظیفه او در رعایت حقوق رعیت بر ذمه وی توسعه یافت، بلکه در تعدادی اندرزنامه ها، اندرزها نیز از شکل و شیوه اندرز غیرمستقیم، به اندرز و خطاب مستقیم بدل شد و این بار شخص شاه، نه وزیر یا سلطان فرضی و مجهول، به صراحت تمام مخاطب قرار گرفت.

در توصیف برخی رسائل سیاسی منتشر شده در عصر قاجار، اول شارحان اندیشه و آراء متفکران این عصر، این متون را در زمره اندرزنامه جای می دهند. هدف عمده اندرزنامه های دوران قاجار یافتن راه حل هایی عملی است برای خارج کردن کشور و رعیت از وضعیتی که عموماً آن را اسفناک ارزیابی می کنند. از این منظر اندرزنامه های عصر قاجار تفاوت های زیادی با نوشته های پیشینیان دارند.

از دلایلی که باعث شده رسائل عصر قاجار در زمره اندرزنامه نویسی جای داده شوند یکی

آن است که مخاطب بسیاری از آنها، همچون متون پیشینیان، اول شخص کشور است. از دیگر وجوه تشابه تقسیم بندی مردمان است به گروه‌های مختلف بسته به شغل، که در اندرزنامه نویسی سنتی دیرینه دارد و ردپای آن را تا دوران ماقبل اسلامی ایران نیز می‌توان دنبال کرد. اندرزنامه‌نویسی، جریانی مهم و دیرپا در تاریخ ایران است که گفته می‌شود پیشینه آن به اوستا کتاب دینی ایرانیان پیش از اسلام می‌رسد. این جریان مهم در دوران اسلامی کارکرد ویژه‌ای در انتقال و تداوم پاره‌های حوزه‌های مهم فرهنگی ایران پیش از اسلام به‌ویژه فرهنگی و اندیشه سیاسی باستانی تحت عنوان اندیشه ایرانشهری داشت. قابوس‌نامه عنصرالمعالی در این جریان مهم در دوران اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. گفتار سیاسی قابوس‌نامه در ابوابی که به‌گونه‌ای با حوزه سیاست و ساختار حکومتی مربوط است، منطقی مبتنی بر مبانی نظری اندیشه ایرانشهری را نشان می‌دهد. بررسی محتوای قابوس‌نامه به روشنی، گره‌برداری نویسنده از حوزه فرهنگ و اندیشه سیاسی ایران باستان را آشکار می‌سازد. نویسنده علاوه بر اینکه نهادهایی چون شاهی، وزارت، دبیری و دیوان، سپاه و دربار و ندیمان و رعیت را در چارچوب و منطق اندیشه ایرانشهری که در اندرزنامه‌ها و متون پهلوی ساسانی بازتاب یافته است، معرفی می‌کند با دقت در الزامات حکومتی مبتنی بر این ساختار و ضرورت‌های زمانه به خوبی بر ملاحظات و ضرورت‌های حفظ اعتبار و قدرت در چنین ساختاری توجه دارد. در نتیجه، ماهیت گفتار سیاسی نویسنده، اثری با ویژگی‌های اندرزنامه‌های سیاسی و جایگاه این متون در تاریخ اندیشه ایرانشهری را نشان می‌دهد.

مطالعه و بررسی متون و ادبیات ایران باستان به‌ویژه ساسانیان، وجود بسیاری از کتابها و پندنامه‌های منسوب به بزرگان و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی این دوره را نشان می‌دهد. بسیاری از این متون و نوشته‌ها در دوران اسلامی نمودی تازه یافتند. بدین‌روی جریان اندرزنامه‌نویسی دوران اسلامی با بهره‌مندی از آب‌شخور این جریان مهم ادبی و فکری باستانی تداوم یافت.

فهرست منابع

- ۱- آدمیت فریدون؛ ناطق هما (۱۳۵۶)، افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول
- ۲- آذرگشسب، اردشیر (۱۳۴۶)، اندر زمانه های پهلوی، تهران: انتشارات راستی. چاپ اول
- ۳- ابن مقفع. (۱۳۱۱)، ترجمه به فارسی به قلم ابن اسفندیار، به نقل از نسخ خطی و مقابله با چاپ دارمستتر) به ضمیمه دیباچه و حواشی و توضیحات به سعی و تحقیق مجتبی مینوی، مجلس، تهران.
- ۴- اصلانی، نسرین (۱۳۹۸)، اندر زمانه نویسی در ایران باستان، تهران: نشر اندیشه احسان. چاپ اول
- ۵- امام محمد غزالی (۱۳۶۱)، نصیحه الملوک، به کوشش جلال الدین همایی، تهران، انتشارات بابک، چاپ سوم
- ۶- بهار ملک الشعراء، محمد تقی (۱۳۷۰). سبک‌شناسی تاریخ تطور نثر فارسی، تهران. ، امیر کبیر، چاپ ششم جلد ۲
- ۷- بهار، ملک الشعراء (۱۳۷۰)، سبک‌شناسی تاریخ تطور نثر فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر. چاپ دوم، جلد دوم
- ۸- بهبهانی ابوطالب (۱۳۸۹)، منهاج العلی: رساله ای در باب حکومت قانون، تهران: نشر میراث مکتوب. چاپ اول
- ۹- ثقفی، مراد (۱۳۸۶)، مسائلی در باب حکومت مندی، تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۰- حیدری نیا، صادق (۱۳۹۳)، شهریار ایرانی، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه انسانی، چاپ دوم
- ۱۱- خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی ۱۳۶۲ ق.، «مکاتبات»، به سعی و اهتمام محمد شفیع. لاهور،
- ۱۲- خواجه نظام الملک (۱۳۶۴)، سیر الملوک، به کوشش هیوبرت دارک، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم
- ۱۳- دینوری، ابوحنیفه بن داود (۱۳۸۴)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدی دامغانی، تهران: انتشارات نی. ، چاپ ششم
- ۱۴- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۳)، معركة جهان‌بینی‌ها در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، تهران. احیاء کتاب، چاپ دوم
- ۱۵- رجائی، فرهنگ (۱۳۷۳) معركة جهان‌بینی‌ها (در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان)، تهران، احیاء کتاب.

- ۱۶- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۵)، سیاست نامه های قاجاری، تهران: انتشارات نگارستان اندیشه. چاپ اول. ۴ جلد،
- ۱۷- طباطبائی، سیدجواد (۱۳۵۷) خواجه نظام-الملک، تهران، طرح نو.
- ۱۸- طباطبائی فر، سیدمحسن (۱۳۸۴)، نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه ی سیاسی شیعه، تهران: انتشارات نی. چاپ اول
- ۱۹- طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۷۲)؛ سیرالملوک، به اهتمام هیربرت دارک، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۲۰- عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار (۱۳۷۱). قابوس‌نامه، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران. انتشارات علمی و فرهنگی. ، چاپ ششم
- ۲۱- عنصرالمعالی، کیکاوس (۱۳۷۹)، قابوس نامه، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. ، چاپ دوم
- ۲۲- فروزش، سینا (۱۳۹۱)، بررسی تحلیلی سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی در تاریخ میانه ایران: عنصرالمعالی کیکاووس‌بن اسکندر زیاری، تهران: نشر جهاد دانشگاهی. چاپ اول
- ۲۳- فروزش، سینا؛ شیرعلیزاده، افسانه (۱۳۹۰)، ریشه ها و مبانی فکری اندرزنامه نویسی سیاسی در دو قرن اول هجری، تهران: نشر جهاد دانشگاهی. چاپ اول
- ۲۴- قادری، حاتم (۱۳۸۵)، اندیشه های سیاسی در ایران، تهران: انتشارات سمت. ، چاپ هفتم
- ۲۵- قادری، حاتم (۱۳۸۸)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۶- لمبتن، آن (۱۳۷۲). تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران. نشر نی
- ۲۷- مجتبابی، فتح الله (۱۳۵۲). شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان، تهران. ، انجمن فرهنگ ایران باستان
- ۲۸- محتشم، عیسی (۱۳۹۵)، رابطه دین و سیاست در مشروعیت سیاسی حکومت‌های ایران باستان، سومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، تهران، موسسه سفیران فرهنگی مبین، https://www.civilica.com/Paper-ICCRT03-ICCRT03_111.html
- ۲۹- مسکویه رازی، ابو علی (۱۳۶۹). تجارب‌الامم، ترجمه دکتر ابو القاسم امامی، تهران. انتشارات سروش.، جلد اول
- ۳۰- نصیر الدین طوسی (۱۳۵۶). اخلاق ناصری، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، تهران. خوارزمی.
- ۳۱- یآوری، نگین (۱۳۹۸)، اندرزبه سلطان، ترجمه محمد دهقانی، تهران: نشر تاریخ ایران. ، چاپ دوم.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۷۰-۱۵۳

بررسی شیوه های تعامل بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی و بازرسی داخلی بانک ها و ارزیابی تاثیر آن بر کارایی و اثربخشی نظارت بانکی

سید مجتبی حسینی شاهی سرا^۱سید محمدرضا رئیس زاده^۲علی فلاح^۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی شیوه های تعامل بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی و بازرسی داخلی بانک ها و ارزیابی تاثیر آن بر کارایی و اثربخشی نظارت بانکی به انجام رسید. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی، و از لحاظ رویکرد توصیفی- پیمایشی می باشد. در این تحقیق، کلیه مدیران ارشد شعب سرپرستی بانکها در تهران به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند که تعداد آنها ۱۵۰ نفر بود. بر اساس جدول کرجسی و مورگان، برای جامعه ای با این حجم، به حداقل ۱۰۸ نمونه آماری نیاز بود. در این تحقیق، از روش نمونه برداری تصادفی ساده برای انتخاب نمونه های آماری استفاده شد. ابزار اصلی مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه ای برگرفته از نظرات خبرگان بود که ۲۲ گویه را در خود جای می داد. در این پرسشنامه، پاسخ ها بر اساس طیف پنج نقطه ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) طراحی شدند. روایی و پایایی این پرسشنامه به روش های مختلف مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. بعد از توزیع و جمع آوری پرسشنامه ها و استخراج داده ها، انجام تجزیه و تحلیل های توصیفی و استنباطی از طریق نرم افزارهای SPSS و LISREL در دستور کار قرار گرفت. در این فرایند، آنالیزهای توصیفی در خصوص متغیرهای تحقیق، آزمون کی.ام.او، آزمون کولموگراف-اسمیرنوف، تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر به انجام رسید. سرانجام نتایج تحقیق نشان داد که تعامل بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی بانکها تأثیر مثبت قوی و معنادار بر کارایی و اثربخشی نظارت بانکی دارد.

واژگان کلیدی

حسابرسی، بازرسی داخلی، ارزیابی، کارایی، اثربخشی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران.

Email: smhsh1982@yahoo.com

۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: r.raisi@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حسابداری، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران.

Email: fallahali55@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱

طرح مسأله

نظارت موثر بر بانکها یکی از مهمترین عوامل حفظ ثبات در سیستم بانکی و به تبع آن در کل سیستم مالی می باشد. نظارت بانکی دقیق و پیشگیرانه باعث ایجاد ثبات شده و بانکها را قادر می سازد به دور از تلاطم های ناگهانی و ریسکهای غیر ضروری به فعالیتهای اصلی خود بپردازند. حسابرسی فعالیت های بانک، از این جهت که ابزاری برای ارزیابی درستی فرآیند فعالیت های آن، از جنبه های مختلف است، یکی از روش های مهم کنترلی محسوب می گردد. مسئولیت کفایت خطمشی های حسابرسی داخلی، برای ارائه تصویر واقعی از عملکرد بانک بر عهده هیات مدیره است. (دانایی فر، ۱۳۹۰) ناظرین در نظام های نظارتی که حسابرسان مستقل نقش مشخصی را برای نظارت آن ایفا می کنند از گزارشهای تهیه شده توسط حسابرسان مستقل استفاده کرده تا اطلاعاتی را در مورد کار واحد حسابرسی داخلی کسب کنند. در بعضی از کشورها، ناظرین، با حسابرسان داخلی تبادل نظرهایی را در سطح بخش و درباره گستره وسیعی از موضوعاتی که جزو مشترکات مورد توجه آن هاست مثل مقررات نظارتی و تاثیر آن بر کنترل های داخلی و حسابرسی داخلی ترتیب می دهند. لذا هر چند تاملی بر نظارت فعلی، از سیر تکوین و تکامل حداقل الزامات و اصول یک نظارت بانکی مترقی و کارآمد حکایت دارد که حسب آموزه ها و تجربه های حاصل از رویدادها و شرایط محیطی روزآمد گردیده اند. (شبانیان بادی و همکاران، ۱۳۹۷) تحقیق جدید ما را از مطالعه و تدقیق در نسخ قبلی بی نیاز نمی نماید و نظر داشت و تامل بر همه نسخ مذکور می تواند به درک و شناخت جامع تر و عمیق تر از موضوع بیانجامد لیکن در جهت شناخت و درک بیشتر و جامع تر از ادبیات نظارت بانکی و تعمیق و تثبیت مفاهیم نظری موضوع نزد مدیران و کارشناسان نظام بانکی کشور، صاحب نظران و اهل فن و مقامات و تصمیم گیران مربوط موثر افتد و منجر به شناخت وظایف و نحوه تعامل فی مابین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و شبکه بانکی کشور شود، نظارت بانکی را بهبود بخشد و ثبات مالی ناشی از یک نظارت موثر و کارآمد بانکی را فراهم سازد، ضرورت تاثیر بررسی شیوه های تعامل بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی بانکها بر روی کارایی و اثربخشی به عنوان خلا تحقیقاتی احساس و در زمره اولویتهای پژوهشی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. (سمندری و همکاران، ۱۳۹۷)

مبانی نظری

تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی و بازرسی داخلی

مطابق رهنمود کنترل های داخلی توسط کمیته بال، کلیه ناظران بانکی باید کار واحدهای حسابرسی بانک های تحت نظارت خود را ارزیابی کنند. این کار از طریق برگزاری جلسات

دوره‌ای، ارزیابی‌های حضوری یا گزارش‌دهی به ناظران انجام می‌شود. به‌منظور تبادل نظر در مورد عملکرد واحد حسابرسی داخلی و یافته‌های آن بخش، به‌خصوص در زمینه‌هایی که ریسک قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد، ناظران جلسات مشورتی با حسابرسان داخلی تشکیل دهند. ناظران، گزارش‌های حسابرسی داخلی را به‌منظور شناسایی مشکلات کنترلی و زمینه‌های بالقوه ریسک بررسی می‌کنند. ایجاد یک واحد حسابرسی داخلی اثربخش و کارآ دارای استقلال و جایگاه حرفه‌ای در بانک‌های کشور علاوه بر کمک به مدیران ارشد بانک‌ها در راستای نظارت و نظام راهبری بانک به واحدهای نظارتی خارج از بانک مانند بانک مرکزی می‌تواند اطمینان دهد که آیا بانک از یک سیستم کنترل داخلی اثربخش برخوردار است و همچنین بانک مرکزی را در راستای نظارت خود بر بانک‌ها از جمله نحوه رعایت قوانین و مقررات بانک مرکزی توسط بانک‌ها کمک خواهد کرد. ایجاد یک واحد حسابرسی داخلی اثربخش در بانک‌های کشور بدون هماهنگی و حمایت بین سه گروه ذی‌نفع شامل هیات‌مدیره و مدیران ارشد بانک‌ها به‌عنوان دریافت‌کننده خدمات حسابرسی داخلی، حسابرسان داخلی بانک‌ها به‌عنوان ارائه‌دهنده خدمات حرفه‌ای حسابرسی داخلی و حمایت و الزام نهادهای نظارتی مانند بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار به‌عنوان نهادهای ناظر و قانون‌گذار جهت استقرار حسابرسی داخلی در بانک‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد. در شرایط حاضر ساختار حسابرسی داخلی در بانک‌های ایران به سه شکل است: (دسته اول) برخی از بانک‌ها دارای واحد حسابرسی داخلی مستقل زیر نظر کمیته حسابرسی بوده و گزارش‌های خود را به هیات‌مدیره بانک ارائه می‌دهند؛ (دسته دوم) برخی از بانک‌ها دارای مدیریت حسابرسی و بازرسی بوده که واحد حسابرسی داخلی زیر نظر مدیر بازرسی فعالیت کرده و گزارش‌های خود را به مدیرعامل یا مدیر امور ناظر بر بازرسی ارائه می‌دهند؛ (دسته سوم) برخی بانک‌ها فاقد واحد حسابرسی داخلی بوده و فقط دارای بازرسی می‌باشند. **کارایی بانکی:** کارایی معطوف به حداکثر کردن نتیجه، توسط سازمان یا نهاد اقتصادی است و با مفاهیمی مانند اثربخشی و بهره‌وری مرتبط بوده و در عین حال نیز با این مفاهیم متفاوت است. کارایی با چگونگی عملکرد یک واحد اقتصادی در فرآیند تولید سروکار دارد. عبارتی میانگین چگونگی عملکرد اجزاء فرآیند تولید و ترکیب بهینه آن در جریان رسیدن به حداکثر میزان تولید است. به‌عنوان مثال اگر با یک واحد تولیدی سروکار داشتیم که از یک سطح سرمایه و نیروی کار در تکنولوژی ثابتی به تولید کالا یا خدمات می‌پردازد تولید زمانی کارا است که بتوانیم بهترین استفاده را از میزان نیروی کار و سرمایه در دسترس به‌منظور دستیابی به تولید داشته باشیم. بصورتی که نتوان با این امکانات در دسترس، تولید را از نظر فنی افزایش

داد یا اینکه نتوان با جایگزینی سرمایه و کار بطوریکه هزینه تولید افزایش نیابد، تولید را افزایش داد و به معنی دیگر در شرایط بهینه پرتو قرار داشته باشیم (هندرسون^۱ و دیگران، ۱۹۲۹). **اثر بخشی بانکی:** در واقع، سنجش عملکرد، ابزاری است که می‌تواند سازمان را در درک موقعیت و هماهنگی هر چه بهتر با شرایط و بهبود آن یاری دهد. از دیدگاه گذشته نگر، بدون استفاده از سنجش عملکرد نمی‌توان پی برد که برنامه‌ای که در دوره‌ای مشخص طراحی و پیاده‌سازی شده یک موقعیت یا یک شکست تمام عیار بوده است. به زبان ساده، سنجش عملکرد چشم‌بینای مدیر سازمان برای بررسی وضعیت فعلی سازمان است. از دیدگاه آینده نگر، سنجش عملکرد ابزاری است که به ما امکان ابراز نظر در مورد موقعیت‌های ممکن آینده و نحوه برخورد با آن‌ها را فراهم می‌کند (سانگ و ویندرام^۲، ۲۰۰۵).

با توجه به مطالب بیان شده پژوهش‌های انجام شده به شرح ذیل می‌باشد: شبانین بادی و فیروزی (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی تاثیر عملکرد حسابرسی داخلی بر عملکرد حسابداران در بانکهای شهرستان کاشان پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که حسابرسان مستقل بر نتایج حاصل از کار حسابرسان داخلی اتکا می‌کنند و این اتکا منجر به کاهش بودجه‌های زمانی و ریالی در برنامه حسابرسی می‌گردد و عملاً تاثیر عملکرد حسابرسی داخلی را بر عملکرد حسابداران داخلی بانک‌ها سنجیده و خروجی‌ها را بر اساس متغیرهای اندازه‌گیری شده در بانکهای شهرستان کاشان نشان می‌دهد. ماچیری و جاگونو (۲۰۱۷) طی پژوهشی به بررسی ارتباط بین حسابرسی داخلی و عملکرد مالی در سازمان‌های دولتی پرداختند. آدیلوی و همکاران (۲۰۱۶) اقدام به بررسی تاثیر سیستم کنترل داخلی بر پیشگیری از تقلب در صنعت بانکداری نمودند. نتایج حاکی از آن بود که کنترل داخلی به تنهایی جهت پیشگیری از تقلب مؤثر بوده اما همه کارکنان به آن متعهد نمی‌باشند. از سوی دیگر بیان شد که سیاست بانک مرکزی برای کاهش هزینه‌های جاری و بکارگیری کارکنان تحصیلکرده برای کاهش وقوع تقلب در سیستم بانکی مؤثر بوده است. هاچینسن و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی تاثیر حسابرس داخلی و کمیته‌های حسابرسی بر عملکرد شرکت‌ها پرداخته‌اند. شرکت‌های مورد بررسی آنها ۶۰ شرکت مالزیایی بود و نتایج تحقیق آنها حاکی از آن بود که بین کیفیت حسابرسی داخلی و عملکرد شرکت‌های دارای فرصت‌های رشد رابطه معناداری وجود دارد آنها همچنین مشاهده نمودند که هر چه استقلال کمیته‌های حسابرسی بیشتر باشد، تعداد اعضای غیر موظف عضو کمیته نیز بیشتر و این ارتباط معنادارتر خواهد بود. (فتحی و همکاران، ۱۳۹۸)

-
1. Hutchinson
 2. Song & Windram

روش پژوهش

روش تحقیق از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ رویکرد توصیفی-پیمایشی و از نوع مطالعات علی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق، کلیه مدیران ارشد شعب سرپرستی بانک‌ها در تهران بودند که بر اساس بررسی انجام شده، تعداد آنها ۱۵۰ نفر تعیین شد. بر اساس جدول کرجسی و مورگان، برای جامعه‌ای با حجم ۱۵۰ نفر، به حداقل ۱۰۸ نمونه آماری نیاز بود که در این تحقیق سعی شد بر اساس روش نمونه برداری تصادفی ساده، نمونه‌های مورد نیاز انتخاب شوند. در تحقیق حاضر، بمنظور بررسی روایی ابزار، با توجه به تعداد متخصصین، گویه‌هایی که CVR آنها بیشتر از ۰/۶۲ محاسبه شد، مورد تأیید قرار گرفتند.

| متغیرها | AVE |
|---|----------|
| تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی | 0.559085 |
| اثربخشی نظارت بانکی | 0.592171 |
| کارایی نظارت بانکی | 0.508631 |

جدول (۱) روایی همگرا

| متغیرها | ضریب آلفای کرونباخ |
|---|--------------------|
| تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی | 0.841678 |
| کارایی نظارت بانکی | 0.769435 |
| اثربخشی نظارت بانکی | 0.662904 |

جدول (۲) بررسی پایایی پرسشنامه

| متغیرها | CR |
|---|----------|
| تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی | 0.883415 |
| اثربخشی نظارت بانکی | 0.850707 |
| کارایی نظارت بانکی | 0.798226 |

جدول (۳) پایایی ترکیبی

با توجه به نوع تحقیق و نوع متغیرها، جهت تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و بررسی سئوالات پژوهش با بهره‌گیری از نرم افزارهای آماری SPSS و Lisrel، از آماره‌های توصیفی و آزمون‌های استنباطی متناسب با نوع داده‌ها و متغیرها استفاده گردید. در تحقیق حاضر جهت

تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها، از آزمون‌هایی زیر استفاده شد: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای مشخص نمودن توزیع متغیرهای تحقیق (نرمال بودن یا غیر نرمال بودن توزیع متغیرها). بررسی پایایی و روایی متغیرها، تحلیل عاملی تأییدی، برازش کلی مدل (روش معادلات ساختاری و تحلیل مسیر)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای تحقیق

شاخص KMO و آزمون بارتلت، شاخص KMO بیشتر از (۰/۶) و نزدیک به یک و sig آزمون بارتلت کمتر از (۰/۰۵) باشد. خروجی این آزمون‌ها در جدول زیر ارائه گردیده است.

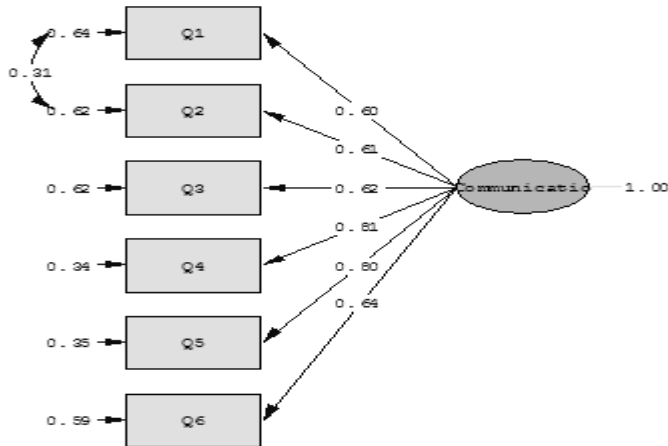
| ۰/۹۰۹ | آزمون KMO | |
|----------|------------|--------------|
| ۱۳۷۸/۹۴۲ | χ^2 | آزمون بارتلت |
| ۳۳۱ | درجه آزادی | |
| ۰/۰۰۰ | Sig | |

جدول (۴) آزمون KMO و بارتلت برای سؤالات

باتوجه به جدول فوق، مقدار شاخص KMO برابر ۰/۹۰۹ است (بیشتر از ۰/۶)، لذا تعداد نمونه (تعداد پاسخ‌دهندگان) برای تحلیل عاملی کافی می‌باشد. همچنین مقدار sig آزمون بارتلت، کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی مناسب است و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی، رد می‌شود.

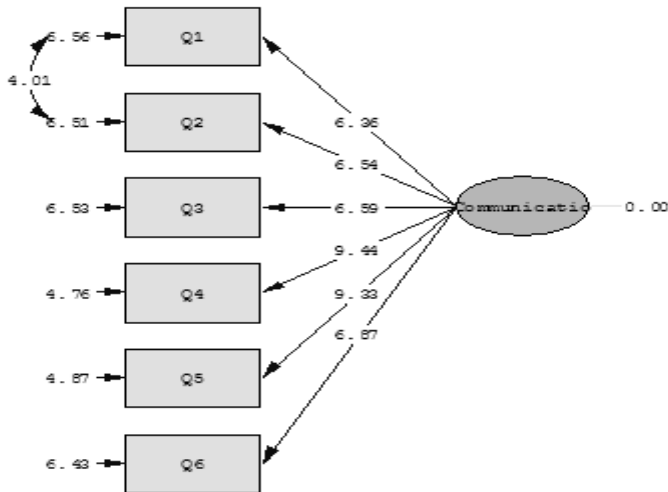
تحلیل عاملی تأییدی متغیر ارتباطی

شکل‌های ۱ و ۲، مدل ابعاد متغیر ارتباطی را در حالت‌های استاندارد و معناداری نشان می‌دهند. همان‌طور که مشخص است، عضویت کلیه عوامل بررسی شده در این متغیر تأیید شده است:



Chi-Square=13.67, df=8, P-value=0.09076, RMSEA=0.076

شکل (۱) مدل اندازه‌گیری ابعاد متغیر ارتباطی در حالت استاندارد

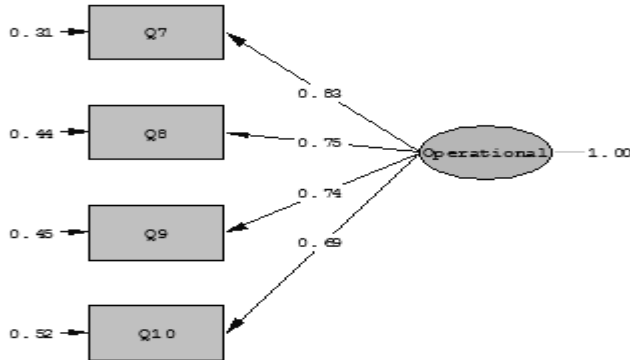


Chi-Square=13.67, df=8, P-value=0.09076, RMSEA=0.076

شکل (۲) مدل اندازه‌گیری ابعاد متغیر ارتباطی در حالت معنی‌داری

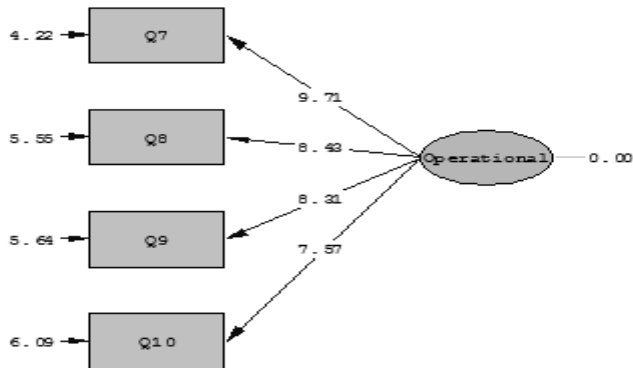
تحلیل عاملی تأییدی متغیر عملیاتی

شکل‌های ۳ و ۴، مدل ابعاد متغیر عملیاتی را در حالت‌های استاندارد و معناداری نشان می‌دهند. همان‌طور که مشخص است، عضویت کلیه عوامل بررسی شده در این متغیر تأیید شده است:



Chi-Square=1.64, df=2, P-value=0.43992, RMSEA=0.000

شکل ۳ مدل اندازه‌گیری ابعاد متغیر عملیاتی در حالت استاندارد

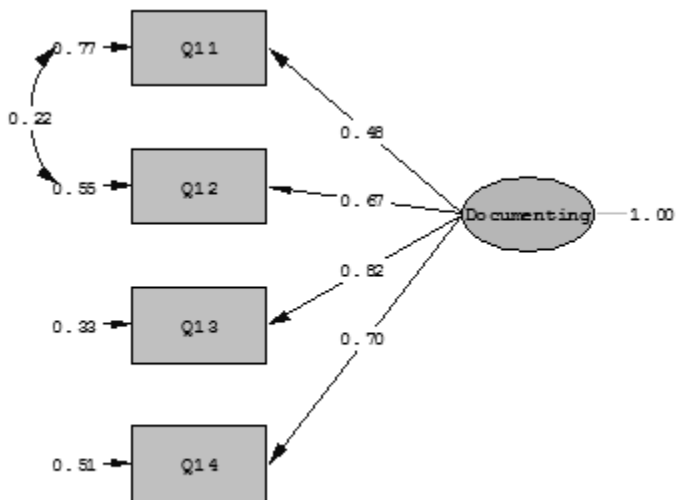


Chi-Square=1.64, df=2, P-value=0.43992, RMSEA=0.000

شکل ۴- مدل اندازه‌گیری ابعاد عملیاتی در حالت معنی‌داری

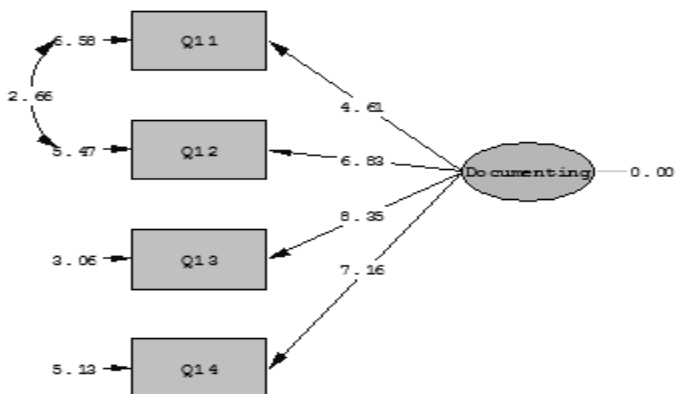
تحلیل عاملی تأییدی متغیر مستندسازی و گزارش‌دهی / گزارش‌گیری

شکل‌های ۵ و ۶، مدل ابعاد متغیر مستندسازی و گزارش‌دهی / گزارش‌گیری را در حالت‌های استاندارد و معناداری نشان می‌دهند. همان‌طور که مشخص است، عضویت کلیه عوامل بررسی شده در این متغیر تأیید شده است:



Chi-Square=0.02, df=1, P-value=0.87847, RMSEA=0.000

شکل ۵) مدل اندازه‌گیری ابعاد متغیر مستندسازی و گزارش‌دهی / گزارش‌گیری در حالت استاندارد

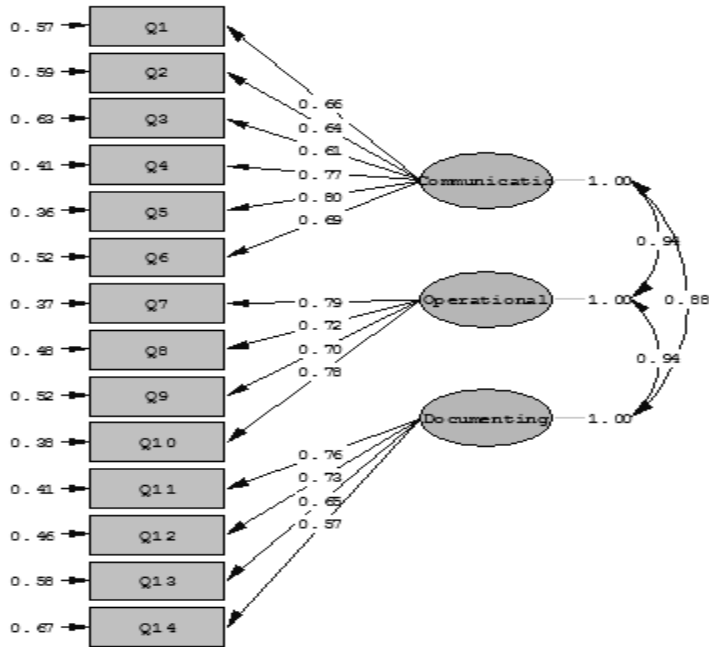


Chi-Square=0.02, df=1, P-value=0.87847, RMSEA=0.000

شکل ۶) مدل اندازه‌گیری ابعاد مستندسازی و گزارش‌دهی / گزارش‌گیری در حالت معنی‌داری

تحلیل عاملی تأییدی متغیر تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی

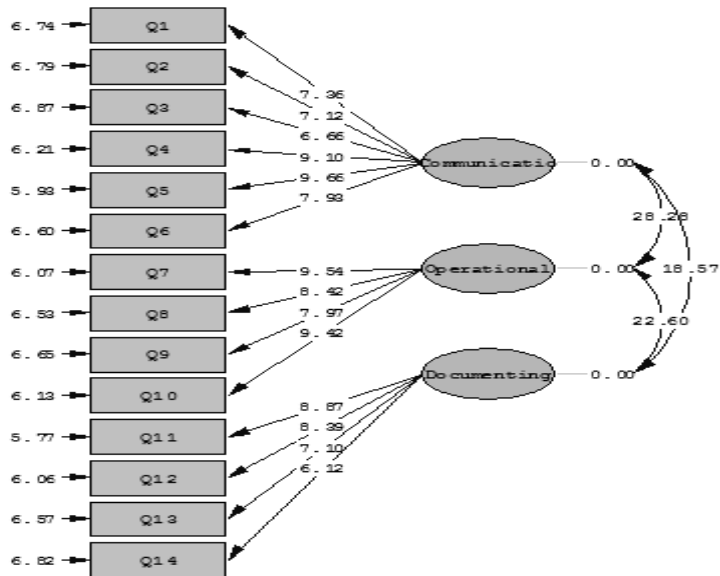
شکل‌های ۷ و ۸، مدل ابعاد متغیر تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی را در حالت‌های استاندارد و معناداری نشان می‌دهند. همان‌طور که مشخص است، عضویت کلیه عوامل بررسی شده در این متغیر تأیید شده است:



Chi-Square=160.77, df=74, P-value=0.00000, RMSEA=0.067

شکل ۷) مدل اندازه‌گیری ابعاد متغیر تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی

داخلی در حالت استاندارد



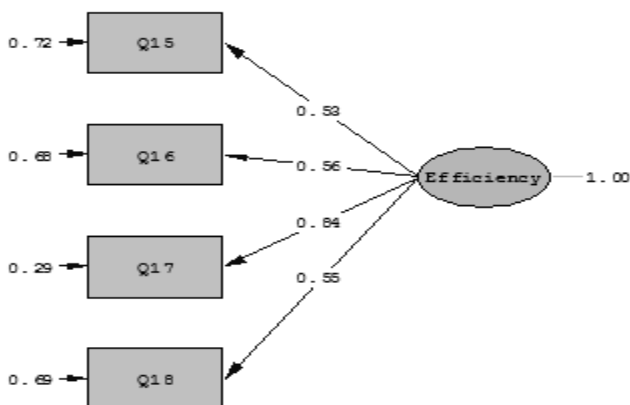
Chi-Square=160.77, df=74, P-value=0.00000, RMSEA=0.067

شکل ۸) مدل اندازه‌گیری ابعاد تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی در

حالت معنی‌داری

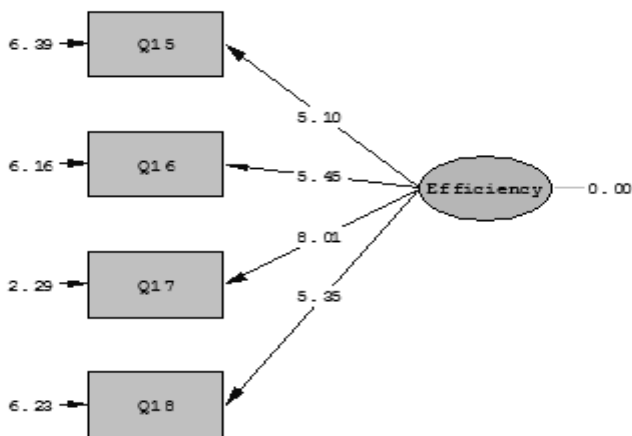
تحلیل عاملی تأییدی متغیر کارایی نظارت بانکی

شکل‌های ۹ و ۱۰، مدل ابعاد متغیر کارایی نظارت بانکی را در حالت‌های استاندارد و معناداری نشان می‌دهند. همان‌طور که مشخص است، عضویت کلیه عوامل بررسی شده در این متغیر تأیید شده است:



Chi-Square=2.34, df=2, P-value=0.31021, RMSEA=0.040

شکل ۹) مدل اندازه‌گیری ابعاد متغیر کارایی نظارت بانکی در حالت استاندارد

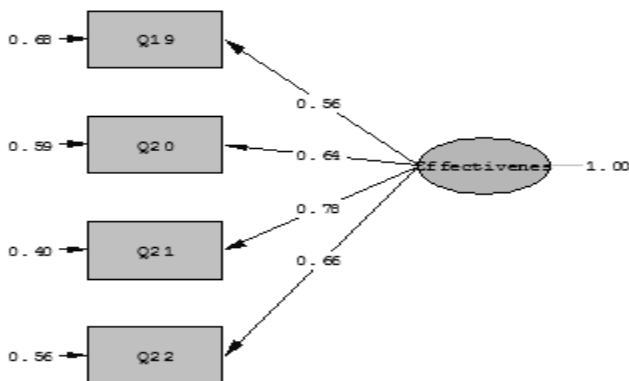


Chi-Square=2.34, df=2, P-value=0.31021, RMSEA=0.040

شکل ۱۰) مدل اندازه‌گیری ابعاد کارایی نظارت بانکی در حالت معنی‌داری

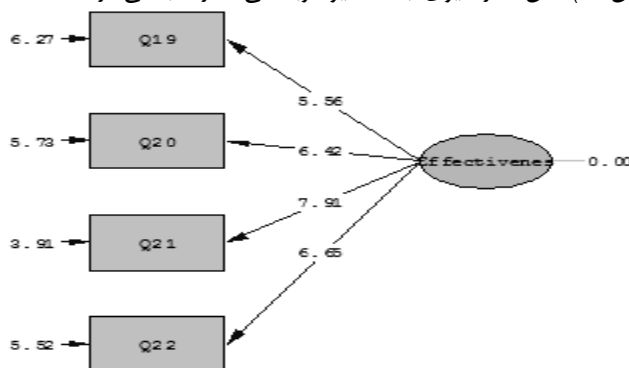
تحلیل عاملی تأییدی متغیر اثربخشی نظارت بانکی

شکل‌های ۱۱ و ۱۲، مدل ابعاد متغیر اثربخشی نظارت بانکی را در حالت‌های استاندارد و معناداری نشان می‌دهند. همان‌طور که مشخص است، عضویت کلیه عوامل بررسی شده در این متغیر تأیید شده است:



Chi-Square=1.58, df=2, P-value=0.45457, RMSEA=0.000

شکل (۱۱) مدل اندازه‌گیری ابعاد متغیر اثربخشی نظارت بانکی در حالت استاندارد

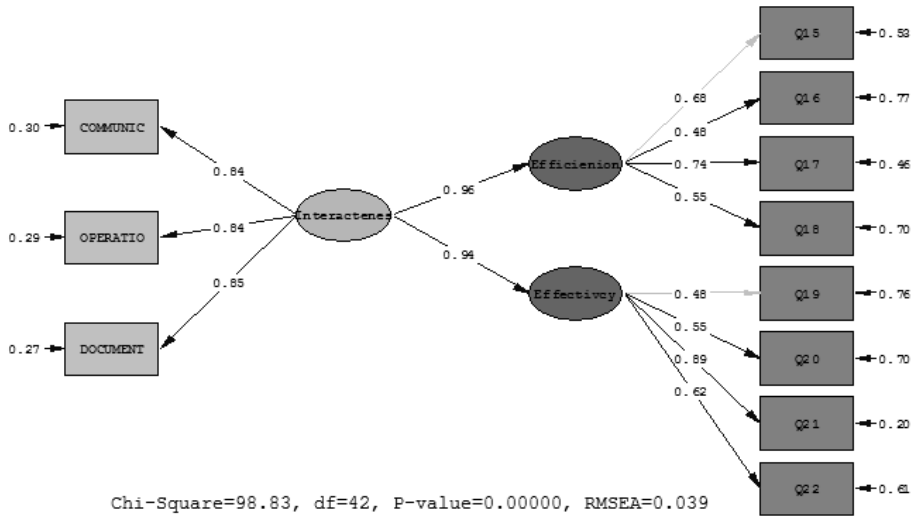


Chi-Square=1.58, df=2, P-value=0.45457, RMSEA=0.000

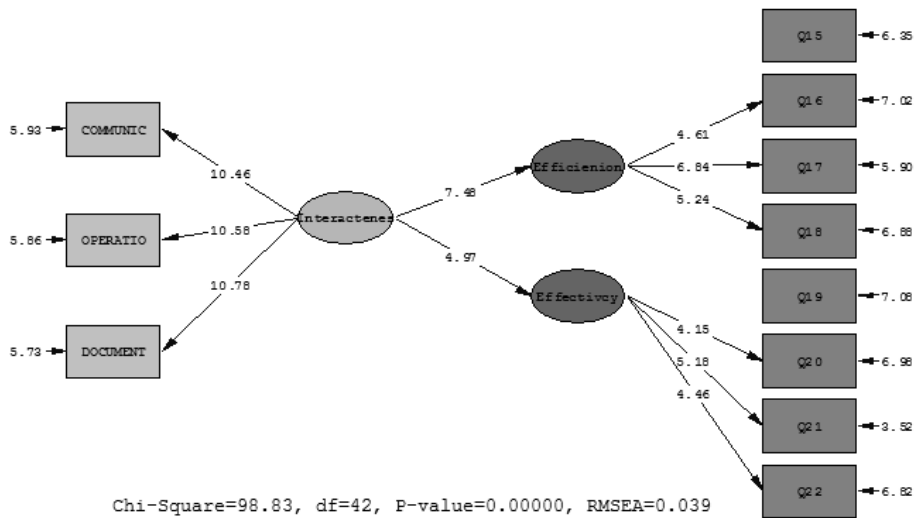
شکل (۱۲) مدل اندازه‌گیری ابعاد اثربخشی نظارت بانکی در حالت معنی‌داری

آزمون فرضیه‌ها با استفاده از روابط ساختاریافته خطی

پس از تعیین مدل‌های اندازه‌گیری به منظور ارزیابی مدل مفهومی تحقیق و همچنین اطمینان یافتن از وجود یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی تناسب داده‌های مشاهده شده با مدل مفهومی تحقیق، فرضیه‌های تحقیق با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز آزمون شدند. نتایج آزمون فرضیه‌ها در شکل‌های ۱۳ و ۱۴ منعکس شده‌اند:



شکل ۱۳) برازش مدل کلی تحقیق در حالت استاندارد



شکل ۱۴) برازش مدل کلی تحقیق در حالت معنی‌داری

| مقدار الگو | مقدار مطلوب | شاخص برازش |
|------------|-------------|--|
| ۲/۳۵ | < ۳/۰۰ | χ^2/df |
| ۰/۹۴ | > ۰/۹۰ | GFI(Goodness of Fit Index) |
| ۰/۹۰ | > ۰/۹۰ | AGFI(Adjusted Goodness of Fit Index) |
| ۰/۰۴۲ | < ۰/۰۵ | RMR(Root Mean square Residual) |
| ۰/۹۹ | > ۰/۹۰ | NFI (Normed Fit Index) |
| ۰/۹۰ | > ۰/۹۰ | NNFI (Non-Normed Fit Index) |
| ۰/۹۷ | > ۰/۹۰ | IFI(Incremental Fit Index) |
| ۰/۹۲ | > ۰/۹۰ | CFI (Comparative Fit Index) |
| ۰/۰۳۹ | < ۰/۰۸ | RMSEA(Root Mean Square Error of Approximation) |

جدول ۵) مقادیر شاخص‌های برازش مدل و نتیجه برازش

با توجه به جدول ۵ که در آن شاخصهای برازش مدل ارائه شده است، مقادیر تمامی شاخص‌های برازش نشان از وضعیت قابل قبول و مناسبی مدل و داده‌ها می‌باشد و از برازش قابل قبولی برخوردارند. در این راستا، برای ارزیابی مدل طراحی شده از نرم افزار لیزرل استفاده گردید که بر این اساس از شاخص‌های X^2 به درجه آزادی، شاخص برازندگی^۱، شاخص تعدیل برازندگی^۲، میانگین مجذور پس مانده‌ها^۳، شاخص نرم شده برازندگی^۴، شاخص نرم نشده برازندگی^۵، شاخص برازندگی فزاینده^۶، شاخص برازندگی تطبیقی^۷ و شاخص بسیار مهم ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب^۸ استفاده شده است.

نسبت مجذور X^2 به درجه آزادی بسیار به حجم نمونه وابسته می‌باشد و نمونه بزرگ، کمیت خبی دو را بیش آنچه که بتوان آن را به غلط بودن مدل نسبت داد، افزایش می‌دهد، ایده آل آن است که مقدار نسبت خبی دو به درجه آزادی کمتر از عدد ۳ باشد با توجه به مقدار گزارش شده برای این مقدار در جدول فوق می‌توان نتایج حاصل از این قسمت را معتبر و به لحاظ آماری قابل تحلیل دانست. زیرا که مقدار نسبت خبی دو به درجه آزادی برای این مدل ۲/۳۵ گزارش

1. GFI
2. AGFI
3. RMR
4. NFI
5. NNFI
6. IFI
7. CFI
8. RMSEA

شده است. شاخص GFI و AGFI که توسط جازز کاگ و سوربوم (۱۹۸۹) پیشنهاد شده است، نشان دهنده اندازه ای از مقدار نسبی واریانس و کوواریانس ها می باشد که توسط مدل تبیین می شود. این معیار بین صفر تا یک متغیر می باشد که هر چه به عدد یک نزدیکتر باشند، نیکویی برازش مدل با داده های مشاهده شده بیشتر است. مقدار GFI و AGFI گزارش شده برای این مدل بالاتر از ۰/۹ هستند، که تایید کننده نتایج آزمون خی دو می باشند. شاخص ریشه دوم میانگین مجذور پس مانده ها (RMR)، یعنی تفاوت بین عناصر ماتریس مشاهده شده در گروه نمونه و عناصر ماتریس برآورد یا پیش بینی شده با فرض درست بودن مدل مورد نظر است که هر چه این شاخص برای مدل مورد نظر نزدیک تر به صفر باشد، مدل مذکور برازش بهتری دارد. مقدار RMR در این تحقیق (۰/۰۴۲) بیانگر تبیین مناسب کوواریانس ها می باشد. برای بررسی اینکه یک مدل به خصوص در مقایسه با سایر مدل های ممکن، از لحاظ تبیین مجموعه ای از داده ها مشاهده شده تا چه حد خوب عمل می کند، از مقادیر شاخص نرم شده برازندگی (NFI)، شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، استفاده گردیده که به اعتقاد براون و کودک (۱۹۹۲) مقادیر بالای ۰/۹ این شاخص ها حاکی از برازش بسیار مناسب مدل طراحی شده در مقایسه با سایر مدل های ممکنه است. در نهایت برای بررسی چگونگی ترکیب برازندگی و صرفه جویی مدل مربوطه، از شاخص بسیار قدرتمند ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) استفاده شده است. مقدار این شاخص برای مدل های خوب کمتر از ۰/۰۸ می باشد. مدلی که در آن این شاخص ۰/۱۰ یا بیشتر باشد برازش ضعیفی دارد. مقدار این شاخص در این مدل (۰/۰۳۹) می باشد که برای مدل طراحی شده در این تحقیق، نشان از برازش مناسب داده های گردآوری شده و برازندگی عالی آنها دارد.

جدول ۶ ضریب معناداری و نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق را به طور خلاصه نشان

می دهد:

| نتیجه | معناداری | استاندارد | فرضیه‌ها |
|-------|----------|-----------|---|
| تایید | ۷/۴۸ | ۰/۹۶ | تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی بر کارایی نظارت بانکی تأثیر معناداری دارد. |
| تایید | ۴/۹۷ | ۰/۹۴ | تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی بر اثربخشی نظارت بانکی تأثیر معناداری دارد. |

جدول ۶) نتیجه آزمون فرضیه‌ها

همانطور که مشخص است، با توجه به اینکه عدد معنی داری هر دو فرضیه تحقیق بیشتر از (۱/۹۶+) بدست آمده، از اینرو می توان استنباط نمود که این فرضیه‌ها مورد تأیید می باشند.

نتیجه گیری

در فرضیه اول پژوهش ادعا شده بود که تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی بر کارایی نظارت بانکی تأثیر معناداری دارد. تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان داد عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر برابر $(7/48)$ می باشد و چون این مقدار بزرگتر از $(+1/96)$ بود، از این رو این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. از طرفی چون ضریب استاندارد این رابطه علی مثبت بود $(+0/96)$ ، این تأثیرگذاری مستقیم تشخیص داده شد. این بدان معناست که اگر تعامل سازنده بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی بانک‌ها، تأثیر بسیار قوی و مثبتی بر کارایی نظارت در بانک‌های تابعه خواهد داشت. این نتیجه، تلویحاً با نتیجه تحقیقات صورت گرفته توسط فتحی و همکارانش (1398) ، سمندری و همکارانش (1397) ، شبانیان بادی و فیروزی (1397) ، داداشی و همکارانش (1397) ، ساهیتی و همکاران (2017) و ماچیری و جاگونو (2017) همخوانی دارد.

در فرضیه دوم پژوهش ادعا شده بود که تعامل بین بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی بر اثربخشی نظارت بانکی تأثیر معناداری دارد. تجزیه تحلیل آماری بین این دو نشان داد عدد معنی داری مسیر مابین دو متغیر برابر $(4/97)$ می باشد و چون این مقدار بزرگتر از $(+1/96)$ بود، از این رو این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. از طرفی چون ضریب استاندارد این رابطه علی مثبت بود $(+0/94)$ ، این تأثیرگذاری مستقیم تشخیص داده شد. این بدان معناست که اگر تعامل سازنده بخش نظارت بانک مرکزی با واحدهای حسابرسی داخلی بانک‌ها، تأثیر بسیار قوی و مثبتی بر اثربخشی نظارت در بانک‌های تابعه خواهد داشت. این نتیجه، تلویحاً با نتیجه تحقیقات صورت گرفته توسط فتحی و همکارانش (1398) ، سمندری و همکارانش (1397) ، شبانیان بادی و فیروزی (1397) ، داداشی و همکارانش (1397) ، ساهیتی و همکاران (2017) و ماچیری و جاگونو (2017) همخوانی دارد.

پیشنهاداتی اجرایی

فرآیند ارزیابی بانک‌های تابعه توسط مقامات نظارتی بانک مرکزی کاملاً مستندسازی شود. تجزیه و تحلیل نارسایی‌های شناسایی شده توسط حسابرسان داخلی بانک‌ها به مقامات نظارتی بانک مرکزی گزارش شود.

مقامات نظارتی بانک مرکزی همه گزارشات واصله از حسابرسان داخلی بانک‌های تابعه را به دقت بررسی کرده و به آنها بازخورد دهند.

فهرست منابع

۱. دانایی فر، دلخواه، مشبکی، (۱۳۹۰) ارزیابی کارایی بانک های دولتی در مقایسه با بانک های خصوصی در ایران، چشم‌انداز مدیریت بازرگانی.
۲. سمندری، زینب؛ عباس زاده، محسن؛ نخعی، سکینه. (۱۳۹۷). بررسی عوامل موثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی شعب بانک کشاورزی شهر بیرجند، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری و حسابرسی پویا، تهران، دانشگاه صالحان.
۳. شبانیان بادی، حمیدرضا؛ فیروزی، حسین. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر عملکرد حسابرسی داخلی بر عملکرد حسابداران در بانکهای شهرستان کاشان، دومین کنفرانس بین المللی یافته های نوین در حسابداری، مدیریت، اقتصاد و بانکداری، تهران، شرکت همایش آروین البرز، دانشگاه شهید بهشتی.
۴. فتحی، محدثه؛ عطری، حسن؛ حیدر پور، فرزانه. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی با ساختار نظارت مالی و سلامت بانک با استفاده از معادلات ساختاری، کنفرانس بین المللی ایده های نوین در مدیریت حسابداری، اقتصاد و بانکداری، تهران- مرکز همایش سازمان مدیریت صنعتی، شرکت همایش آروین البرز.
۵. هدوی نجم آبادی، سید حسین (۱۳۷۲)، نظارت در بانکداری مرکزی و بررسی عملکرد ده ساله آن در بانکداری اسلامی در ایران، (ارائه شده در چهارمین سمینار بانکداری اسلامی) تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
6. Garay,U and Gonzalez,M(2008). Corporate governance and firm Value: The Case of Venezuela. Journal of Corporate Governance, An International Review, Volume 16 Number ۳pp.194-209
7. Giokas, D. and M. Vassiloglou (1991), "A Goal Programming Model for Bank Assets and Liabilities Management", European Journal of Operational Research, 50: 48-60.
8. Godlewski, C.J., 'Bank capital and credit risk taking in emerging market economies', Journal of Banking Regulation, Vol. 6, no. 2,2004, pp. 128-145.
9. Grubmann, N. (1987), "BESMOD: A Strategic Balance Sheet Simulation Model", European Journal of Operational Research, 30: 30-4.

10. Hutchinson, Marion Ruth and Zain, Mazlina Mat (2009) .Internal audit quality,audit committee independence, growth opportunities and firm performance.Corporate Ownership and Control, 7(2). pp. 50-63.
11. Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. Journal of financial economics, 3(4), 305-360.
12. Micco, A., Panizza, U. and Yañez, M., “Bank Ownership and Performance”, InterAmerican Development Bank, Working paper, no.518, 2004.
13. Song, J., & Windram, B. (2004). Benchmarking audit committee effectiveness in financial reporting. International Journal of Auditing, 8(3), 195-205.
14. Sinkey, J. F. and Greenawlat, M.B., ‘LoanLoss Experience and Risk-taking Behaviour at Large Commercial Banks’, Journal of Financial Services Research, Vol. 5, no. 1, 1991, pp. 43-59.

توسعه پایدار محله در راستای خوشبختی اجتماعی و شادی عمومی (واکاوی اصول، ابعاد و شاخصها)

شیوا شکری^۱
راحله رستمی^۲
فاطمه مظفری^۳

چکیده

توسعه پایدار یک راه حل بالقوه برای برخی چالش‌های مهم اجتماعی نظیر خوشبختی است که برای انسانها یک هدف نهایی محسوب می‌شود و شادی معمولاً به عنوان یک ویژگی فردی در نظر گرفته می‌شود که هر فرد منحصرأ مسئول آن است. با این حال، یک ویژگی اجتماعی نیز محسوب می‌شود که تحت‌تأثیر عوامل بیرونی فرد قرار دارد. مقاله حاضر با مرور پارامترها و اهداف توسعه پایدار درجهت رسیدن به شادی، مهم‌ترین معیارهای کمی و کیفی در پنج حوزه خوشبختی و پایداری اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌دهد که از طریق آنها میتوان به ارزیابی و ارتقا شادی در محلات و بینش مختصری در مورد پروژه توسعه محله رسید. این ابزار همچنین می‌تواند در محله‌های پایدار آینده برای پروژه‌های شادی به کار گرفته شود. در نهایت، پیشنهاد می‌کند که توسعه پایدار باید خوشبختی را ارتقا دهد در حالی که اقتصاد و اکوسیستم‌های محلی را بازسازی می‌کند، ارتباطات اجتماعی را تقویت می‌کند، و سنت‌های فرهنگی مطلوب را احیا یا حفظ می‌کند و همچنین یک چارچوب توسعه پایدار اجتماعی جایگزین ارائه می‌دهد که بر بهبود فرصت‌های شادی و رفاه جامعه تمرکز دارد.

واژگان کلیدی

شادی، پایداری، رفاه، توسعه جامعه.

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. استادیار، گروه معماری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Rahelehrostami22@yahoo.com

۳. استادیار، گروه معماری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۵/۲۴

طرح مسأله

شادی، نه تنها یک ویژگی فردی بلکه یک ویژگی اجتماعی است (Adams et al. 2012) که به شدت به ارتباطات و همبستگی اجتماعی وابسته است (Diener et al. 2002). تحقیقات رو به رشدی وجود دارد که اعتقاد دارد پیوندهای اجتماعی با ویژگی‌های محیطی شکل می‌گیرند (Julius.1999 ; Putnam.1995 ; Talen .1987; Duany et al.2001). پیوندهای اجتماعی، به نوبه خود، ممکن است به حفاظت در برابر خطرات زیست‌محیطی مانند جرم کمک کنند که می‌تواند رفاه جامعه و انسجام اجتماعی را افزایش دهد (Sampson و همکاران ۱۹۹۷). بیشتر، امکانات اجتماعی، از جمله پارک‌ها، حمل و نقل، باغ‌های اجتماعی، مسکن مقرون به صرفه، و سایت‌های فرهنگی، برای کمک به شادی یا حوزه‌های شادی ساکنان در شهرها ایجاد شده‌اند.

(Akers et al. 2012 Brereton et al. 2008 ; Campbell and Wiesen 2011)
Choi 2013 ; Kaplan 2001 ; Leyden et al. 2011 Morris 2011 ; Wells and Laquatra 2009). بر این اساس، شادی فردی و رفاه اجتماعی به طور متقابل تقویت می‌شوند. با وجود وابستگی متقابل شادی فردی و رفاه جامعه، شادی عموماً به عنوان یک هدف در توسعه جامعه دنبال نمی‌شود. در عوض، دستیابی به عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی به طور سنتی اهداف کلیدی آن بوده‌است، به خصوص برای موسساتی مانند شرکت‌های توسعه اجتماعی که نقش رهبری در این فرآیند دارند. علوم پایداری اصول جدیدی را در عمل توسعه جامعه تزریق کرده‌اند. مهم‌ترین آن‌ها "سه پایه" پایداری - محیط‌زیست، اقتصاد و برابری اجتماعی بوده‌است. حالا متخصصان توسعه اجتماعی درک رو به رشدی برای چگونگی پی‌گیری این اهداف دارند. (Campbell.1996). آن‌ها همچنین به طور فزاینده‌ای نسبت به اهمیت صلاحیت فرهنگی و درگیر شدن ساکنان در عملکرد جامعه خود حساس هستند. با این حال، رویکردهای جدیدتری پیش رو است که می‌توانند منجر به درگیری‌هایی شوند که سلامت جامعه را تهدید می‌کنند. یک چارچوب جایگزین که قادر به اجتناب از این درگیری‌ها باشد برای انتقال سریع‌تر جوامع به وضعیت رفاه و پایداری مورد نیاز است.

هدف از این پژوهش بر دو قسم است. اول اینکه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که شادی فردی جز حیاتی رفاه جامعه است و رفاه جامعه نیز به نوبه خود نقش مهمی در شکل‌گیری شادی فردی ایفا می‌کند. دوم اینکه برای افزایش شادی فردی در سطح اجتماع به عنوان یک هدف جایگزین برای توسعه پایدار جامعه بحث می‌کند. دو دلیل دیگر نیز برای ایجاد شادی فردی به عنوان یک نگرانی اصلی در توسعه جامعه ارزشمند، وجود دارد. اول، این یک هدف گسترده و

مبتنی بر مکان است که پذیرش سیاسی گسترده‌ای دارد. دوم، تلاش برای تقویت شادی ساکنان می‌تواند به هموار کردن مناقشات در پی‌گیری سه ستون پایداری توسط متخصصان کمک کند.

پیشینه پژوهش

به طور کلی، توسعه اجتماعی "ساخت دارایی‌هایی است که کیفیت زندگی در میان ساکنان جوامع با درآمد پایین و متوسط را بهبود می‌بخشد، که در آن جوامع به عنوان محله یا مناطق چند همسایگی تعریف می‌شوند" (Sampson et al. 1999). زمینه توسعه جوامع مدرن از دوران حقوق مدنی در دهه ۱۹۶۰ پدید آمد. اعلام جنگ علیه فقر در سال ۱۹۶۴ و تصویب قانون فرصت‌های اقتصادی، جوامع را در جهت تلاش برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی مداوم تشویق کرد (Connor. 1999). ادغام برنامه‌های رفاه اجتماعی در طول دهه‌های بعد، انگیزه بیشتری را برای سازمان‌های اجتماعی ایجاد کرد تا در محله‌های خود مداخله کنند و اقتصادهای محلی خود را توسعه دهند و با جلوگیری از عمیق‌تر شدن نابرابری‌های اقتصادی در مناطق به برابری اجتماعی بیشتری دست یابند (De Souza Briggs 2007 ; Goetz 1995 ; Jargowsky 1997 ; Keating and Smith 1996 ; O'connor 1999 Wilson 2012). تا اواسط دهه ۱۹۹۰، شرکت‌های توسعه اجتماعی در حال پر کردن شکاف در ارائه خدمات اجتماعی، درگیر شدن در مسکن، تجارت، و توسعه صنعتی، و اجرای آموزش شغلی و برنامه‌های وام‌دهی تجاری کوچک بودند (Ferguson and Dickens 2011 ; Vidal 1996). توسعه جامعه مردم مدار، که توسط Saul Alinsky، سازمان‌دهنده پیشگام محله معروف شده است، نیز تا حد زیادی بر مسائل اقتصادی متمرکز بود. همانطور که Fisher (۱۹۹۶) نوشت، "توسعه اقتصادی جامعه به طور مجازی با سازماندهی محله مترادف شده است، گویی سازماندهی و توانمندسازی در مسائل توسعه اقتصادی ریشه دارد، انگار که تغییرات در همسایگی محله‌ها همیشه مانند توسعه اقتصادی جامعه است."

حوزه پایداری از آن زمان به بعد مدل‌های جدیدی را در عمل توسعه جامعه تزییق کرده است. این موارد شامل نگرانی در مورد "سه ستون" پایداری - حفاظت از محیط‌زیست، رشد اقتصادی و برابری اجتماعی - حساسیت به فرهنگ، و تمرکز مجدد بر اهمیت مشارکت عمومی است.

روش تحقیق

این مقاله با تکیه بر تحقیقات قبلی یک مرور کلی و جامع بر روی پارامترها و اهداف توسعه پایدار می‌باشد و نشان می‌دهد چگونه شادی و پارامترهای آن می‌تواند جامعه را به سمت و سوی پایداری سوق دهد. در ابتدا یک مرور کلی از توسعه پایدار ارائه شده و در ادامه به پارامترهای آن پرداخته میشود و در هر پارامتر نیز نکات و مزایای مربوطه توضیح داده شده است.

ادامه نیز به معرفی چارچوب بدست آمده از مطالعه تاثیر شادی در جوامع پرداخته میشود و در نهایت توضیح داده شده که چگونه میتوان به جامعه ای با سطح مناسبی از شادی دست یافت.

ادبیات تحقیق

۱- تعریف توسعه پایدار

توسعه پایدار، مفهومی است که به واسطه پیامدهای منفی محیط زیستی و اجتماعی ناشی از رویکردهای توسعه یک‌جانبه اقتصادی پس از انقلاب صنعتی و تغییر نگرش بشر به مفهوم رشد و پیشرفت پدید آمده است. این مفهوم تلاش دارد که با نگاهی نو به توسعه، اشتباهات گذشته بشری را تکرار نکند و توسعه‌ای همه‌جانبه و متوازن را رقم بزند (Maryanti et al.2020)

توسعه پایدار فرآیندی است که آینده‌ای مطلوب را برای جوامع بشری متصور می‌شود که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های حیاتی، نیازهای انسان را برطرف می‌سازد. (Alberg et al.2020) توسعه پایدار راه‌حلی را برای الگوهای فانی ساختاری، اجتماعی و اقتصادی توسعه ارائه می‌دهد تا بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب سامانه‌های زیستی، آلودگی، تغییرات آب و هوایی، افزایش بی‌رویه جمعیت، بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌های حال و آینده جلوگیری کند. توسعه پایدار فرآیندی است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، جهت‌گیری توسعه فناوری و تغییرات نهادی، با نیازهای حال و آینده سازگار باشد. توسعه پایدار که از دهه ۱۹۹۰ بر آن تأکید شد جنبه‌ای از توسعه انسانی و در ارتباط با محیط زیست و نسل‌های آینده است. هدف توسعه انسانی پرورش قابلیت‌های انسانی محسوب می‌شود. توسعه پایدار به عنوان یک فرایند در حالی که لازمه بهبود و پیشرفت است، اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع پیشرفته را فراهم می‌آورد و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع و به ویژه کشورهای در حال توسعه باشد. توسعه پایدار سعی دارد به پنج نیاز اساسی زیر پاسخ گوید: تلفیق حفاظت و توسعه، تأمین نیازهای اولیه زیستی انسان، دستیابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری و تنوع فرهنگی و حفاظت از یگانگی اکولوژیکی. (Bali Swain et al.2020) از این رو، تمرکز توسعه پایدار بسیار گسترده‌تر از صرفاً محیط‌زیست است. این همچنین در مورد اطمینان از یک جامعه‌ای قوی، سالم و عادلانه می‌باشد. این به معنای رفع نیازهای متنوع همه افراد در جوامع موجود و آینده، ارتقای رفاه شخصی، انسجام و شمول اجتماعی، و ایجاد فرصت‌های برابر است. (Alberg et al.2020)

توسعه پایدار فرآیندی است برای بدست آوردن پایداری در هر فعالیتی که نیاز به منابع و

جایگزینی سریع و یکپارچه آن وجود دارد. توسعه پایدار در کنار رشد اقتصادی و توسعه بشری در یک جامعه یا یک اقتصاد توسعه یافته، سعی در تحصیل توسعه مستمر، و رای توسعه اقتصادی دارد. (Hummels et al.2021)

۲- سه پایه: حفاظت از محیط زیست، رشد اقتصادی و برابری اجتماعی

حوزه پایداری تلاش کرده است تا حوزه توسعه جامعه را از تمرکز سنتی اش بر رشد اقتصاد محلی و پیشبرد عدالت اجتماعی با وارد کردن یک هدف سوم: حفاظت از محیط زیست دور کند. در ظاهر، اکثر پروژه های توسعه پایدار اجتماعی با استفاده از یک رویکرد سه ستون توصیف می شوند. با این حال، بیشترین وزن به طور معمول در توسعه اقتصادی قرار می گیرد، و پس از آن حفاظت از محیط زیست قرار دارد، در حالی که حقوق اجتماعی در اولویت سوم باقی می ماند (Campbell.1996).

توسعه پایدار، کیفیت زندگی و اقتصاد محلی با دوام، دست در دست هم هستند (et al.2013)، با این حال، معضلاتی برای در نظر گرفتن وجود دارد (Wong.2001). به عنوان مثال، پروژه های در یک روستا را در نظر بگیرید که بر پرورش توسعه اقتصادی با کاهش زمان شستن لباس ها با دست متمرکز شده است. برنامه ریزان این پروژه پیشنهاد کردند که زمانی که زنان صرف جمع کردن لباس های خانواده، رفتن به رودخانه، شستن لباس ها و بازگشت از رودخانه می کنند، با ارائه ماشین شستشوی خورشیدی و استفاده از آب در محل، از بین خواهد رفت. بنابراین، زنان می توانند بر فرصت های توسعه کسب و کار محلی و اشتغال تمرکز کنند، در حالی که اختلال و آلودگی رودخانه را کاهش می دهند. با این حال، وقتی پروژه شستشو اجرا شد و مورد استفاده قرار گرفت، پیامدهای ناخواسته ای از جمله افسردگی با میزان بالا از زنان این روستا گزارش کرده اند. در اصل، این پروژه سه چیز را از آن ها دور کرد: (۱) فرصت ورزش در حین راه رفتن و شستن (۲) فرصت گذراندن وقت با زنان دیگر از روستا و (۳) حس هدف در ارائه لباس های تمیز برای خانواده. (Leire Iriarte et al.2019)

عدم تعادل و چالش های سیستماتیک در میان این سه رکن، مهم ترین چالش برای رویکرد توسعه پایدار جامعه است. اگر از چارچوبی برای رفاه جامعه استفاده شود، این جنبه ها مورد توجه قرار می گیرد و در نتیجه راه حل هایی کاملا متفاوت به دست می آید.

۳- پایه چهارم: فرهنگ

اخیرا، زمینه پایداری خواستار افزودن فرهنگ به چارچوب سه گانه توسعه پایدار جامعه شده است. فرهنگ چیزی است که گروه هایی را تعریف می کند که مجموعه مشترکی از ویژگی ها مانند باورها، هنجارها، آداب و رسوم و ارزش ها را به اشتراک می گذارند. فرهنگ ها می توانند در ابعاد مختلفی از هویت جامعه، از جمله خلاقیت، زبان، نژاد یا قومیت یا حرفه توسعه یابند. توجه

به فرهنگ در توسعه پایدار جامعه به معنای درک و برخورد با عدم تعادل قدرت در میان فرهنگ‌های مختلف در یک جامعه، و همچنین حساس بودن نسبت به این حقیقت است که مردم اغلب به تعدد فرهنگ‌ها (به عنوان مثال صحبت کردن یک زبان خاص و آمدن از یک مکان خاص)، و تلاش برای شایستگی فرهنگی (Vasquez.2009) می‌باشند تعلق دارد.

فرهنگ جنبه مهمی از چارچوب توسعه پایدار جامعه است. (wiek et al.2014) با این حال، پروژه‌های پایداری اغلب فاقد یکپارچگی فرهنگی هستند. به عنوان مثال، پروژه‌ای را در نظر بگیرید که مسکن پایدار را برای پناهندگان یک کشور جنگ‌زده فراهم می‌کند. رهبران پروژه یک جامعه کوچک از چندین خانه را با در نظر گرفتن تعداد پناهندگان طراحی کردند. توجه دقیق به ارائه خانه‌های پایدار زیست‌محیطی، به عنوان پروژه یکپارچه و با محصولاتی با حداقل انتشار، شکل‌های جایگزین انرژی، احیای آب و مواد با منشا پایدار در نظر گرفته شد. با این حال، پس از اینکه پناهندگان به جامعه وارد شدند، دچار افسردگی و در برخی موارد سو تغذیه شدند. پس از بررسی مشخص شد که بسیاری از زنان جامعه از پختن غذاهای سنتی و کالاهای اساسی (نان و شیرینی) در آشپزخانه خودداری کردند چون پیش‌خان‌ها بسیار بلند و باریک بودند. در واکنش به این مساله، برخی از مردان برای خرید غذاهای فرآوری شده ارزان‌قیمت به فروشگاه‌های محلی مراجعه کردند. در موارد دیگر، خانواده‌ها از خوردن غذاهای غیر سنتی امتناع می‌کنند مگر اینکه بسیار گرسنه باشند. یک چارچوب مشارکتی آگاهانه از رفاه جامعه می‌تواند نیازهای فرهنگی برای آماده‌سازی غذا را توجیه کرده و از این نتایج اجتناب کند. (Ilse Schoeman et al.2019)

۴- نقش مشارکت در توسعه پایدار

بیانیه در مورد جنگ با فقر در سال ۱۹۶۴ نه تنها عدالت اجتماعی را به عنوان یک هدف کلیدی تأیید کرد بلکه مشارکت عمومی را در تصمیم‌گیری به عنوان یک مکانیزم اولیه برای دستیابی به عدالت اجتماعی ایجاد کرد. (connor.1999) از این دوره، مشارکت عمومی به عنوان یک جز تشکیل‌دهنده مهم توسعه جامعه نهادینه شده است (Medoff.1994; Seidman.2013). با این حال، مشارکت یک "مفهوم مورد بحث" است؛ این به معنای چیزهای متفاوتی برای افراد مختلف است (Day.1997). سطح مشارکت ساکنان و سهامداران در مسائل و تصمیماتی که زندگی آن‌ها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد می‌تواند بی‌هیچ دخالت یا دستکاری و یا مشارکت نمادین، منفعل یا مشورتی، تا کنترل کامل باشد (Arnstein.1969).

همانند پی‌گیری سه ستون پایداری، توسعه جامعه مشارکتی اغلب منجر به درگیری‌هایی می‌شود که سلامت جامعه را تهدید می‌کند؛ با این حال، مشارکت نیز برای رفاه جامعه حیاتی است. از یک سو، مشارکت عمومی بیشتر می‌تواند دانش میدانی را در خود جای دهد، که ممکن است منجر به ایده‌های خلاقانه‌تر و تصمیمات با کیفیت بالاتر و آگاهانه شود. اگر مشارکت

اعتماد ایجاد کند و اجرای تصمیم را آسان‌تر کند، می‌تواند کارآمد باشد. همچنین ممکن است عدالت اجتماعی و رفاه جامعه را افزایش دهد و منجر به در نظر گرفتن نیازها و نتایج عادلانه‌تر در آن‌ها شود (Creighton.2005). از سوی دیگر، مشارکت عمومی وقت گیر و پرهزینه است، که ممکن است انجام کارها را دشوار کند، سر و صدا را افزایش دهد و منجر به مصالحه شود که دامنه‌گزینه‌ها را محدود می‌کند و جهت‌گیری‌های جسورانه را نادیده می‌گیرد. در نهایت، ممکن است عدم تعادل قدرت در فرآیندهای مشارکتی وجود داشته باشد که در نهایت ممکن است منجر به تصمیماتی شود که به نفع گروه‌های خاص نسبت به دیگران است، در نتیجه بی‌عدالتی‌های اجتماعی را تشدید می‌کند و رفاه جامعه را تهدید می‌کند. (Benveniste.1989) توجه به این تعارضات منجر به مشارکت به عنوان "پاشنه آشیل برنامه‌ریزی" شد، با این استدلال که "یک معضل برنامه‌ریزی این است که برنامه‌ریزی نمی‌تواند بدون مشارکت موفق شود در حالی که در عین حال نمی‌تواند تحت تسلط فرآیندهای مشارکتی باشد.

| ردیف | محدودیت | نقطه قوت | تشریح | چهارچوب |
|------|--|--|--|--------------|
| ۱ | تمرکز بر اصلاح مسائل اجتماعی و اقتصادی به قیمت سایر مسائل مربوط به رفاه و پایداری جامعه | معایب ناشی از واگذاری برنامه‌های رفاه اجتماعی، کمک به مبارزه با نابرابری‌های اقتصادی رو به رشد | رویکرد متعارف توسعه جامعه | جنگ علیه فقر |
| ۲ | عدم تعادل بین ستون‌ها می‌تواند سلامت جامعه را تهدید کند | رویکرد سیستمی، با تمرکز بر مولفه‌های کلیدی پایداری انسانی | رویکرد متعارف توسعه پایدار شامل حفاظت از محیط‌زیست، رشد اقتصادی و برابری اجتماعی | سه ستون |
| ۳ | لایه دیگری را اضافه می‌کند که کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ باید بخشی از یک چارچوب بزرگ‌تر باشد | حفظ و شایستگی فرهنگی | رویکرد توسعه که در آن جنبه‌های فرهنگی (تاریخچه، هنجارها، ارزش‌ها، هویت‌ها، باورها) در نظر گرفته شده و حفظ می‌شوند. | ستون چهارم |
| ۴ | سخت است که گوش دادن و عمل را متعادل کنید؛ زمان بر است؛ ممکن است تعارض را افزایش دهد و سلامت و پایداری جامعه را در صورت عدم حصول توافق تهدید کند. | مشارکت عمومی به مردم این امکان را می‌دهد که جوامع خود را شکل دهند و مسایل زیر سطحی را کشف کنند. به طور بالقوه باعث کاهش درگیری و تسهیل در اجرا می‌شود. | تعهد به مشارکت مردم در طرح‌ها و تصمیماتی که زندگی آن‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد | مشارکت عمومی |

جدول ۴-۱ خلاصه چهارچوب‌های اصلی توسعه جامعه

پایداری و مشارکت با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند، چرا که پایداری نیازمند فعالیت از سوی کاربران انسانی است. با این حال، همانطور که در بالا بحث شد، یک فرآیند برای هدایت، ایجاد و حفظ تعادل در کنترل جامعه و تصمیم‌گیری در جهت موثر بودن مشارکت لازم است. (Scott Cloutier et al. 2015) به عنوان مثال از مسائلی که می‌تواند در فرآیندهای مشارکتی به وجود آید، تجربه نهادی را در نظر بگیرید که وظیفه توسعه یک جامعه جدید را بر عهده دارد. پروژه شامل طراحی چند بخش (مانند آب، زباله، حمل و نقل) برای یک آینده پایدار است. برنامه‌ریزی اولیه در طول چند ماه انجام شد، و پس از آن مفاهیم پروژه در یک جلسه اطلاعات عمومی به اشتراک گذاشته شدند. در بیشتر موارد، بازخورد مفیدی دریافت شد و مطابق با آن تعدیلاتی صورت گرفت. با این حال، یک دوچرخه سوار مشتاق، برنامه‌های حمل و نقل را زیر سوال برد و بر جلسه اطلاع‌رسانی مسلط شد و خواستار این شد که خیابان‌ها دارای خطوط دوچرخه محافظت شده با مانع باشد. به دانش محلی او احترام گذاشته شد و خطوط دوچرخه‌سواری حفاظت‌شده در این طرح‌ها گنجانده شدند. با این حال، این تصمیم مالکان کسب‌وکار را عصبانی کرد، که نگران بودند که این زیرساخت پارکینگ در خیابان را کاهش دهد، مشتریان را دلسرد کند، و درآمدها را کاهش دهد. نزاع میان دوچرخه‌سواران و صاحبان تجارت در نهایت این پروژه را کنار گذاشت و سلامت و پایداری جامعه را تهدید کرد. (Scott Cloutier et al. 2018)

چارچوب‌های توسعه اجتماعی ارائه‌شده در بالا نقاط قوت کلیدی دارند، که در جدول ۱.۴ خلاصه شده‌اند. با این حال، همانطور که در اشاره شد، این چارچوب‌ها در توانایی‌شان برای ارتقای رفاه و پایداری جامعه محدود هستند. در ادامه، ما برای شادی فردی به عنوان یک حلقه گم‌شده بین توسعه پایدار جامعه و رفاه جامعه بحث می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چگونه شادی فردی می‌تواند یک هدف جایگزین برای توسعه پایدار جامعه باشد.

۵- شادی: پیوند گم‌شده بین توسعه پایدار و رفاه جامعه

شادی حلقه گم‌شده بین توسعه پایدار جامعه و رفاه جامعه است، زیرا زمینه‌ای مشترک برای افراد با فرهنگ‌ها و عقاید مختلف، زندگی در جغرافیای مختلف، برای پیوستن به هم برای بهبود جوامع و خودشان فراهم می‌کند. دستیابی به رفاه اجتماعی از طریق افزایش فرصت‌ها برای شادی فردی نیازمند بحث و ارزیابی کامل "چگونگی تسهیل یا ممانعت از لذت زندگی خوب" است (Thin. 2012). جوامع به دو روش عمده بر شادی تاثیر می‌گذارند. اول اینکه، ویژگی‌های محیطی بر روابط اجتماعی، انسجام، و سرمایه ساکنین تاثیر می‌گذارند، که به طور مشترک شادی فردی و رفاه جامعه را شکل می‌دهند. دوم، جوامع شامل ترکیب ویژه‌ای از امکانات هستند که بر شادی فردی نیز تاثیر می‌گذارند. ما این محرک‌ها را در زیر توصیف می‌کنیم.

۱-۵- شرایط محیطی، همبستگی اجتماعی، و شادی

اجماع رو به رشدی وجود دارد که روابط اجتماعی بر شادی فردی تاثیر می گذارند

(Diener and Seligman 2002 ; Fowler and Christakis 2008 Holder and Coleman 2009 ; Layard and Layard 2011 ; Leyden et al. 2011 ; Lucas and Dyrenforth 2006). Seligman و Diener (۲۰۰۲) با در نظر گرفتن تمایل افراد بسیار خوشحال به داشتن روابط اجتماعی عمیق و کامل، گفته می شود که "روابط اجتماعی خوب، مانند غذا و تنظیم دما، به طور جهانی برای خلق و خوی انسان مهم هستند" (ص ۸۳). صحبت کردن با دیگران ما را در ارتباط و درگیر در جوامع مان نگه می دارد، که ممکن است کلید سلامتی طولانی مدت فردی، از جمله سلامتی باشد (Retrum و Elder 2012).

اگر اعتماد و هنجارهای اجتماعی مشترک از این ارتباطات ناشی شوند، ما می توانیم به سرمایه اجتماعی دست پیدا کنیم، که دانش و منبعی است از روابط ما که به ما اجازه دستیابی به اهدافمان را می دهد (Coleman 1988 ; De Souza Briggs 1997 ; Putnam 1995).

تجمع سرمایه اجتماعی در سطح جامعه می تواند ترکیب منحصر به فرد سرمایه انسانی، اجتماعی، سیاسی، مالی و طبیعی آن را نیز تقویت کند. سرمایه اجتماعی، ظرفیت یک مکان برای اقدام جمعی برای بالا بردن رفاه جامعه را شکل می دهد. علاوه بر این، درگیر شدن در ارتباطات همسایگی و جمعی می تواند شادی فردی را تقویت کند. افرادی که به سازمان های محلی می پیوندند و در مکان هایی با فرصت های داوطلبانه بیشتر و دولت پاسخگو و قابل اعتماد زندگی می کنند ممکن است تمایل داشته باشند که شادتر باشند (Leyden et al. 2011).

ویژگی های جامعه، مانند طراحی و تراکم مسکن، ارتباط خیابانی، ترکیب کاربری زمین، و در دسترس بودن فضاهای عمومی، روابط اجتماعی و سرمایه ساکنین را شکل می دهند.

(Brueckner and Largey 2008 ; Duany et al. 2001 ; Freeman 2001 ; Glaeser and Gottlieb 2006 ; Leyden 2003 ; Lund 2003 ; Mason 2010 ; Williamson 2002 ; Putnam 1995 ; Talen 1999). تحقیقات نشان می دهد که یک شکل شهری فشرده و متنوع می تواند ساکنان را به سمت توسعه روابط اجتماعی و سرمایه غنی تر سوق دهد

(Mason.2010; Lund.2003; Leyden2003). رابطه بین فشرده گی و تنوع محیط

ساخته شده، و شادی ممکن است در طبیعت به صورت یک چرخه باشد. به عنوان مثال، اگر شکل شهری از طریق مداخلات پایداری، متراکم تر و متنوع تر شود، فرصت ها را برای روابط اجتماعی جدید نشان خواهند داد. اگر همبستگی اجتماعی وجود داشته باشد و رشد کند و ساکنین شادتر شوند، آن ها ممکن است برای یک محیط شهری متراکم و متنوع تر که پیوستگی اجتماعی را

بیشتر پرورش می‌دهد، سازمان دهی شده و از آن دفاع کنند. (Scott Cloutier et al. 2015) ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی نیز ممکن است بر انسجام اجتماعی تاثیر بگذارد. افراد مسن‌تر، ثروتمندتر و با تحصیلات بالاتر نسبت به افراد جوان‌تر، فقیرتر و با تحصیلات پایین‌تر گرایش بیشتری به ارتباط اجتماعی دارند. (Putnam 1995 ; Rohe و Lindblad 2013). در جوامع فقیر یا غنی نیز ممکن است ارتباط اجتماعی و تعاملات کمتری نسبت به طبقه متوسط از نظر اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد و در نتیجه شادی فردی و رفاه جامعه را کاهش دهند (Oliver 1999 ; Wilson 2012). ارتباط اجتماعی و سرمایه در میان ساکنان ممکن است مکان‌ها را قادر سازد تا با تهدیداتی مانند جرم مبارزه کرده و در برابر بلایای طبیعی ایمن باشند (Seidman 2013 ; Sampson et al. 1997). غلبه بر تهدیدها و ایمن بودن در برابر بلایا ممکن است روابط اجتماعی ساکنان را بیشتر نماید و شادی فردی و رفاه جامعه را تقویت کند.

۲-۵- شادی و خوشبختی جامعه

امکانات اجتماعی ممکن است مستقیماً شادی فردی و رفاه جامعه را شکل دهند (Cloutier et al. 2014; Cloutier et al. 2014). این موارد عبارتند از دسترسی به فضای سبز، حمل و نقل و خانه‌های مقرون به صرفه در میان دیگر موارد. تحقیقات در حال حاضر نشان می‌دهد که توانایی دسترسی به محیط‌های سبز و طبیعی شادی فردی را تقویت می‌کند (Akers et al. 2012 ; Brereton et al. 2008 ; Campbell and Wiesen) (Kaplan 2001 ; Wells and Laquatra 2009 ; 2011). قادر بودن به دیدن طبیعت از پنجره خانه تان (به عنوان مثال چمن‌ها، باغ‌ها، و محوطه‌سازی) و زندگی نزدیک به فضاهای سبز که فرصتی برای ورزش کردن (به عنوان مثال، پارک‌ها) دارند، ممکن است فرد را شادتر کنند (Akers et al. 2012; Kaplan 2012). پنجره‌ها میکرو ترمیم‌کننده هستند، یعنی آن‌ها با تلاش بسیار کمی از سایر فعالیت‌ها، آرامش اندکی ارائه می‌دهند (Kaplan 2001). این حس آرامش ممکن است از دیدن ساده رنگ سبز مشتق شود (Akers et al. 2012). نشان داده شده که رنگ سبز به ایجاد حس آرامش کمک می‌کند (Akers et al. 2012). محیط‌های سبز نیز حس آفرینش و باروری را نشان می‌دهند که ممکن است عمیقاً در ما حک شده باشند تا به دنبال بقا باشیم. (Akers et al. 2012). (Wiesen و Campbell 2011)، همچنین ثابت شده که فضاهای باز مردم را به عنوان "مشق‌های ترمیمی" شادتر می‌کنند. این مکان‌ها شامل پارک، باغ‌های محلی، باغ‌های گیاهی، ساخت نماد‌های خارجی و پیاده راه هستند. پیچیدگی و انعطاف‌پذیری این فضاها ممکن است باعث ایجاد شگفتی و اکتشاف سریع شود که می‌تواند شادی فردی و رفاه جامعه را تقویت کند. دسترسی به این محیط‌ها ممکن است به خصوص برای شادی سالمندان مهم باشد (Laquatra 2009).

سیستم‌های حمل و نقل اجتماعی نیز ممکن است با مرتبط کردن افراد به امکانات در یک جغرافیای گسترده‌تر بر شادی آنها تاثیر بگذارد (Choi 2013; Leyden et al. 2011)؛ Morris 2011). سیستم‌های حمل و نقل دارای جنبه‌هایی می باشد که شادی را شکل می دهند که عبارتند از (۱) در دسترس بودن حالت‌های مختلف حمل و نقل، مانند دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی، و رانندگی (۲) سهولت و ایمنی استفاده از حالت‌های مختلف، مانند حضور افراد بین مسیرهای دوچرخه و خودرو و (۳) امکانات که شیوه‌های مختلف دسترسی به آنها را ارائه می‌دهند، از جمله مشاغل مختلف، فضای باز، خرید و دیگر ویژگی‌ها. (Morris 2011; Leyden et al. 2011) شواهدی از ارتباط بین شادی و زندگی در مکان‌هایی با قابلیت پیاده‌روی و زیست پذیری بیشتر وجود دارد (Choi 2013)، (Brereton et al. 2008)، با این حال، افرادی که نزدیک‌تر به جاده‌های اصلی زندگی می‌کنند، تمایل کمتری به شاد بودن دارند. دسترسی بیشتر به حمل و نقل ممکن است مستلزم نزدیکی به سر و صدا و آلودگی باشد، که ممکن است از شادی بکاهد.

دسترسی به خانه‌های مقرون به صرفه نیز ممکن است بر شادی فردی و رفاه جامعه تاثیر بگذارد. هزینه‌های بالای مسکن اجتماعی ممکن است بر سطح استرس ساکنان تاثیر بگذارد. افرادی که در حال تلاش برای پرداخت اجاره یا وام مسکن هستند، ممکن است زمان کمتری را در محل کار بگذرانند و یا افسرده شوند و این باعث می‌شود که کم‌تر با همسایگان خود تعامل داشته باشند. این اثر دومینو ممکن است شادی فردی را کاهش دهد، و اگر ارتباطات اجتماعی و سرمایه در یک جامعه رو به زوال بگذارد، رفاه جامعه کاهش می‌یابد. شواهدی برای ارتباط بین قیمت مسکن و شادی فردی از Leyden و همکاران (۲۰۱۱) بدست می‌آید، که دریافتند افرادی که در شهرهایی با قیمت مسکن بالاتر زندگی می‌کنند تمایل به شادی کمتری دارند.

در اصل، ویژگی‌های یک محله، فرصت‌هایی را برای ساکنین ایجاد می‌کند تا شادی خود را دنبال کنند و به رفاه جامعه کمک کنند. از طریق فرآیند توسعه جامعه، می‌توانیم ویژگی‌های محله را شکل دهیم تا ارتباطات اجتماعی قوی‌تر را توسعه دهیم، شادی فردی را تقویت کنیم، و رفاه و پایداری جامعه را بهبود بخشیم. اکنون به یک چارچوب عملی می‌پردازیم که متخصصان توسعه اجتماعی می‌توانند از آن برای دستیابی به این اهداف استفاده کنند.

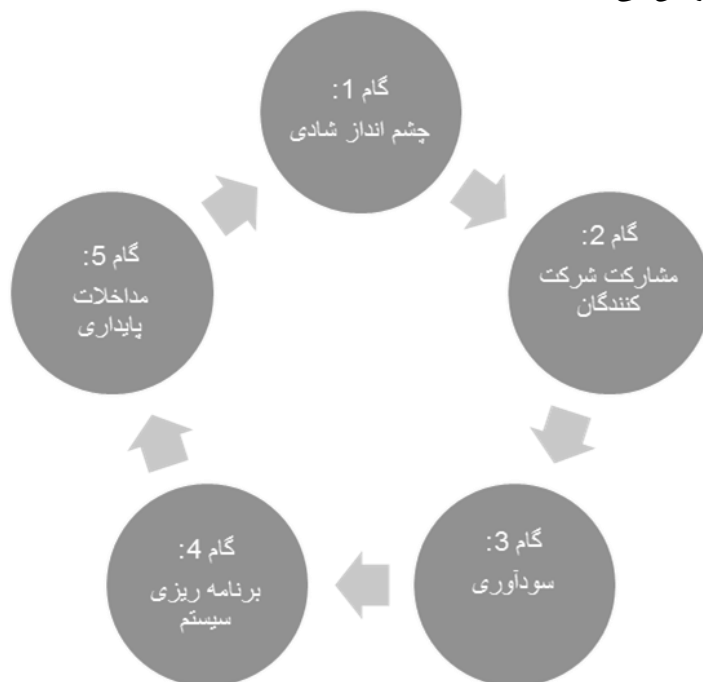
پایداری از طریق چارچوب شادی (STHF)

پایداری از طریق چارچوب شادی (STHF) (شکل ۱.۵) یک رویکرد تکراری برای توسعه جامعه است که به طور مداوم شادی و پایداری یک پروژه هدفمند را ارزیابی می‌کند (Cloutier و Pfeiffer 2015 ; Pfeiffer و Cloutier 2016). هدف این چارچوب، به حداکثر رساندن فرصت‌ها برای ساکنان جهت دنبال کردن شادی و رفاه خود و در نتیجه بهبود رفاه و

پایداری کلی جامعه است. مرحله ابتدایی برای یک پروژه تامین شادی است و فرآیند از آنجا ادامه دارد. پنج مرحله متمایز در این فرآیند بصورت خلاصه (جدول ۱، ۱) و در زیر به تفصیل شرح داده می‌شوند.

۱- چشم انداز

اولین مرحله در STHF چشم انداز شادی است. سهامداران مانند کارکنان پروژه، برنامه ریزان شهری، و رهبران موسسات محلی و گروه‌های اجتماعی در این مرحله شرکت می‌کنند. (Kim و Oki 2011؛ Sheppard et al. 2011؛ Wiek و Iwaniec)، فرآیند تامین شادی منحصر به فرد است. این شامل شناسایی جنبه‌های محیطی و اجتماعی ساخته شده در یک جامعه است که به شادی کمک می‌کند، همانطور که توسط تحقیقات، پروژه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی موجود شناسایی شده است. سپس، یک چشم‌انداز از آینده جامعه ایجاد می‌شود که این جنبه‌ها را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال، همانطور که قبلاً ذکر شد، شواهدی وجود دارد که فضاهای سبز ممکن است به رفاه ذهنی کمک کنند. یک فرآیند برای تجسم شادی ممکن است مستلزم تصور مجدد جامعه به عنوان مکانی باشد که به ساکنان اجازه می‌دهد تا فرصت‌های بیشتری برای مشاهده و دسترسی به فضاهای سبز داشته باشند در نتیجه شادی فردی و رفاه جامعه را افزایش می‌دهد.



تصویر ۱-۵: پایداری از طریق چارچوب شادی

۲. مشارکت شرکت کنندگان

مرحله دوم STHF تعامل شرکت کنندگان است. در این نقطه، پرسنل پروژه با ساکنین و دیگر اعضای جامعه در یک فضا و در طول زمانی که برای درک معنای محلی شادی و نقاط قوت و ضعف در جامعه که بر شادی فردی و رفاه جامعه تاثیر می گذارند، مناسب است، گفتگو می کنند. پرسنل پروژه همچنین می توانند میزبان کارگاه های آموزش خدمات با دانشگاه های محلی و مکان های آموزش عالی باشند که در افزایش تعامل شرکت کنندگان نقش دارند. سپس، اغلب بعد از چندین جلسه، کارکنان پروژه اهداف تامین شادی را به اشتراک می گذارند که به نیاز های شرکت کنندگان می پردازد و بر سر نتایج مورد نظر به توافق می رسد. به عنوان مثال، اگر شرکت کنندگان فقدان دسترسی به غذای سالم و مقرون به صرفه را به عنوان تهدیدی برای شادی فردی خود شناسایی کنند، و دسترسی به فضای سبز به عنوان یک هدف در طول فرآیند تامین شادی ظاهر شود، پارک های اجتماعی می تواند یک مورد مناسب در این زمینه باشد. پارک های محلی جذاب هستند، زیرا آنها می توانند نه تنها با فراهم آوردن دسترسی ساکنان به غذاهای سالم و مقرون به صرفه، بلکه با ارائه فضای عمومی برای ساکنین جهت مشارکت با یکدیگر و توسعه سرمایه و ظرفیت اجتماعی خود برای فعالیت های جمعی، به تقویت شادی فردی کمک کنند.

| ردیف | بازیگران | شرح | مرحله چارچوب |
|------|---|--|---------------------|
| ۱ | پرسنل پروژه، برنامه ریزان شهری، موسسات محلی | ایجاد یک جامعه پایدار با تمرکز بر این که شادی چه شکلی خواهد بود (گام اول) در زیر سیستم های همسایگی و اصلاح دیدگاه ها برای شادی (در تکرارهای بعدی). | چشم انداز شادی |
| ۲ | ساکنان، پرسنل پروژه، برنامه ریزان شهر، نهادهای محلی | درگیر کردن ساکنان برای بازخورد و دریافت اهداف هدفمند از مرحله چشم انداز. | مشارکت شرکت کنندگان |
| ۳ | پرسنل پروژه، برنامه ریزان شهر، رهبران جامعه | ارزیابی و جمع آوری سود مشارکت در چشم اندازهای شادی برای یک پروژه. | فهرست سود |
| ۴ | پرسنل پروژه، برنامه ریزان شهر، رهبران جامعه | شناسایی زیر سیستم های درون یک سیستم پروژه پایداری و مداخلات بالقوه ای که باعث شادی می شوند | برنامه ریزی سیستم |
| ۵ | ساکنان، پرسنل پروژه، برنامه ریزان شهر، نهادهای محلی | اقدامات پایداری با هدف دیدار با چشم اندازهای شادی در زیر سیستم های مورد علاقه. | مداخلات پایداری |

جدول ۱-۵ پایداری از طریق چارچوب شادی مراحل توصیف

منبع: (۲۰۱۵، Cloutier و Pfeiffer)

۳-۵- سود آوری

مرحله سوم STHF فهرست سود است. پس از توافق با ساکنین و اعضای جامعه در مورد نتایجی که می‌تواند بر شادی تاثیر بگذارد، پرسنل پروژه، برنامه ریزان محلی و رهبران جامعه مجدداً برای تعیین چگونگی دستیابی به این اهداف گرد هم می‌آیند. دارایی‌ها در جامعه ترسیم می‌شوند و ساختار مالکیت و ویژگی‌های دیگر آن‌ها برای درک این که چگونه می‌توانند به نتایج مورد نظر کمک کنند، مورد تحقیق قرار می‌گیرند. برای مثال، ممکن است کارکنان پروژه با برنامه ریزان محلی هم‌کاری کنند تا زمین مناسب برای استفاده یک باغ محلی را شناسایی کنند. اگر ساکنان بتوانند یک مکان اجتماعی در محل ایجاد کنند، منافع مرتبط با شادی مانند دسترسی به فضای سبز و غذای سالم مقرون به صرفه و ارتباطات اجتماعی ممکن است به وجود آید. به طور خلاصه، سود هر گونه منابع، خدمات، دارایی‌ها، یا شرایطی است که می‌تواند به شادی ساکنان و رفاه جامعه کمک کند.

۴-۵- برنامه ریزی سیستم‌ها

مرحله چهارم STHF برنامه ریزی سیستم‌ها است. در طول این مرحله، پرسنل پروژه، برنامه ریزان محلی، و رهبران جامعه زیر سیستم‌های خاصی را شناسایی می‌کنند که به نتایج مطلوب و منافع بالقوه شادی که قبلاً شناسایی شده‌اند، مرتبط هستند. برای مثال، یک باغ اجتماعی ممکن است شامل زیر سیستم‌های زیر باشد: آب، خاک، و تولید و حمل و نقل غذا. هدف این مرحله تعیین موثرترین نواحی برای کار جهت افزایش رفاه جامعه است.

۵-۵- مداخلات پایداری

آخرین مرحله STHF شامل توسعه مداخلات پایداری است. این مرحله شامل همه شرکت کنندگان پروژه (کارکنان پروژه، برنامه ریزان محلی، رهبران جامعه، و ساکنان و دیگر اعضای جامعه) است. هدف از این مرحله هم تراز کردن مداخلات خاص با نتایج شادی در طول مرحله تعامل شرکت کننده در سراسر زیرسیستم‌های شناسایی شده در مرحله برنامه ریزی سیستم است. برای مثال، برای دستیابی به درآمد یک باغ محلی، ممکن است با موسسات محلی برای دسترسی به آب و کمک به پردازش و تحویل محصولات، توافقنامه هایی صورت گیرد. در طی این مرحله، کارکنان پروژه همچنین به ساکنان درباره پنج مرحله STHF آموزش می‌دهند تا پس از چند بار تکرار بتوانند به تنهایی به این فرآیند ادامه دهند.

۶-۵- ملاحظات در بکارگیری چارچوب

STHF جنبه‌های اصلی چارچوب‌های توسعه پایدار جامعه، از جمله رویکرد مبتنی بر سیستم، آموزش خدمات و کارگاه‌ها، و تاکید بر مشارکت جامعه را ادغام می‌کند. اما در سایر چارچوب‌ها با در نظر گرفتن یک هدف مشترک، شادی بهبود می‌یابد، که تحقق آن می‌تواند مستقیماً زندگی ساکنان و رفاه جامعه را بهبود بخشد. با این حال، STHF چالش‌های کلیدی را ارائه می‌کند که نیازمند بحث بیشتر است.

۷-۵- همکاری‌ها

STHF جنبه‌های چارچوب‌های اصلی توسعه پایدار جامعه را اتخاذ و بهبود می‌بخشد. جامعه موجود و چارچوب‌های توسعه پایدار مشارکت جامعه را ادغام کرده و بر روی دوره‌های یادگیری خدمات و استودیو تمرکز کرده تا مداخلات را درک کنند و در زیر سیستم‌های جامعه طوفان فکری ایجاد کنند (Ferguson و Stoutland 1999). چارچوب‌های توسعه پایدار همچنین از تفکر سیستم‌ها استفاده می‌کنند، به معنی مداخلاتی که همزمان به چند مساله می‌پردازند. در نهایت، مرحله مداخلات پایداری STHF منحصر به فرد نیست، زیرا پروژه‌های متعدد توسعه جامعه مبتنی بر مداخلات پایداری هستند (Altman 1995، Arce 2003).

نقش کلیدی STHF این است که تمام مولفه‌های آن بر حرکت به سوی آینده‌ای پایدار تمرکز دارند در حالی که هدف بهبود شادی فردی را برآورده می‌کنند. هر چه ساکنان در یک جامعه فرصت بیشتری برای دنبال کردن خوشبختی فردی خود داشته باشند، رفاه جامعه بیشتر شده و در درازمدت انعطاف‌پذیرتر خواهد بود. به این ترتیب، شادی حلقه مفقوده بین توسعه پایدار جامعه و رفاه جامعه است.

با این حال، مزیت دیگر STHF اثرات غیر مستقیمی است که می‌تواند بر سایر اهداف اصلی توسعه پایدار جامعه داشته باشد، مانند عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست، و توسعه اقتصادی. در STHF، این اهداف محصول جانبی استراتژی‌هایی برای تقویت شادی ساکنان هستند. برای مثال، همانطور که در بالا ذکر شد، یک باغ محلی ممکن است با فراهم کردن دسترسی به غذاهای سالم، شکاف در چاقی و دیابت را در میان گروه‌های اجتماعی کم کند. همچنین می‌تواند از فضای باز محله محافظت کرده و فرصت‌های اقتصادی برای ساکنان فراهم کند (مثلاً فروش محصولات در فروشگاه‌ها)، و ارتباطات اجتماعی را افزایش دهد. علاوه بر این، تجسم شادی به یک باغ اجتماعی اجازه می‌دهد تا بخشی از یک سیستم بزرگ‌تر جهت افزایش و بهبود فرصت‌ها برای شادی شود. مرحله تامین شادی، یک فرآیند سیستماتیک و سازمان‌یافته را برای افزایش دسترسی به این فرصت‌ها تسهیل می‌کند.

خوشبختی فردی ممکن است یک هدف آسان‌تر برای دست‌یابی متخصصان توسعه

اجتماعی نسبت به عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست، یا توسعه اقتصادی باشد، زیرا ممکن است برای بخش بزرگتری از جمعیت دلپذیرتر باشد. مردم معمولاً در مورد شادی شخصی خود و شادی دیگران صحبت می‌کنند. کار کردن در جهت رفاه جامعه از طریق محور شادی فردی ممکن است به این معنی باشد که ساکنین می‌توانند سریع‌تر در پروژه‌های توسعه پایدار جامعه مشارکت کنند، زیرا آن‌ها قبلاً زبان و نتیجه را درک کرده‌اند. در عوض، دستیابی به بهبود شادی فردی ممکن است ساده‌تر از اختلال در محدودیت‌های ساختاری باشد که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را به پیش می‌برند، اگرچه قطعاً مورد دوم را نباید نادیده گرفت. مداخلات مانند باغ‌های اجتماعی رویکردهای مقیاس کوچک، با فشار مالی کم برای ساکنان و سهامداران خارجی هستند. شادی به عنوان یک هدف معنی‌دار برای کار کردن در بخش‌های مختلف اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. این ممکن است به این معنی باشد که طرح‌های توسعه جامعه خوشبختی محور دارای سرمایه سیاسی و اجتماعی بیشتری برای کمک به دستیابی به اهدافشان هستند.

نتیجه گیری

همانند هر پروژه‌ای که بر یک هدف جمعی متمرکز باشد، چالش‌هایی برای بهبود رفاه جامعه از طریق افزایش شادی فردی وجود خواهد داشت. برای شروع، کمبود دانش در زمینه محرک‌های شادی در سطح محله وجود دارد. اگر چه شواهدی از این که چگونه همسایگی‌ها به طور غیر مستقیم بر شادی فردی از طریق ارتباط اجتماعی تاثیر می‌گذارند در حال رشد است، ما هنوز چیز زیادی در مورد این که چگونه امکانات و شرایط همسایگی به طور مستقیم بر شادی فردی تاثیر می‌گذارند نمی‌دانیم. تحقیقات تجربی بیشتر برای آزمودن تئوری‌ها در مورد این روابط، و همچنین توسعه آن‌ها مورد نیاز است. تا زمانی که این بدنه دانش تکمیل نشود، ابزاری که متخصصان توسعه جامعه قادر خواهند بود در مرحله مداخلات پایداری STHF استفاده کنند، محدود خواهد شد.

متخصصان توسعه اجتماعی که از STHF استفاده می‌کنند نیز با درگیری‌هایی مواجه خواهند شد که در آن‌ها شادی یک فرد منجر به نارضایتی فرد دیگر می‌شود. اگر چه شادی با برخی دامنه‌های جهانی شکل می‌گیرد (Layard و Layard 2011)، اما موارد دیگر آن ممکن است به طور گسترده در میان افراد و جوامع متفاوت باشند. برای مثال، مرحله سودآوری ممکن است یک قطعه در شهر را که در کنار یک ساختمان آپارتمانی است به عنوان محل مناسب برای یک باغ اجتماعی شناسایی کند. اما اگر باغبان‌ها بیش از حد اجتماعی باشند و سر و صدای زیادی راه بیندازند شادی ساکنان ساختمان کاهش می‌یابد. یک چالش مرتبط که افراد حرفه‌ای با آن مواجه خواهند شد، برنامه‌ریزی برای شادی ساکنان فعلی به روشی است که از شادی ساکنان یا نسل‌های آینده یا ساکنان خارج از جامعه که می‌تواند منجر به نابرابری بین‌نسلی یا منطقه‌ای شود، بکاهد. ایجاد روش‌های برخورد با این تعارضات در چارچوب STHF یک جهت‌گیری مهم برای تحقیقات بیشتر است.

در نهایت، حوزه توسعه پایدار جامعه نیازمند چشم‌اندازهای جدید است. جمعیت انسان به طور مداوم در حال رشد است و بر محیط‌زیست، اقتصاد و سیستم‌های اجتماعی ما تاکید دارد. همانطور که گسترش می‌یابد، تفاوت‌ها با توجه به فعالیت‌ها، باورها و اهداف فرهنگی متفاوت بوجود می‌آیند. چارچوب توسعه پایدار جامعه با تمرکز بر دستیابی به رفاه جامعه از طریق به حداکثر رساندن فرصت‌ها برای افراد برای دنبال کردن شادی خود راهی به جلو ارائه می‌دهد.

فهرست منابع

1. Adams, R. E. (1992). Is happiness a home in the suburbs?: The influence of urban versus suburban neighborhoods on psychological health. *Journal of Community Psychology*, 20(4), 353–372.
2. Akers, A., Barton, J., Cossey, R., Gainsford, P., Griffin, M., & Micklewright, D. (2012). Visual color perception in green exercise: Positive effects on mood and perceived exertion. *Environmental Science & Technology*, 46(16), 8661–8666.
3. Altman, D. G. (1995). Sustaining interventions in community systems: On the relationship between researchers and communities. *Health Psychology*, 14(6), 526.
4. Alberg, P., Duic, N., Noorollahi, Y., Mikulcic, S., Kalogirou, S. (2020) Sustainable development using renewable energy technology, Volume 146, Pages 2430-2437
5. Arce, A. (2003). Value contestations in development interventions: Community development and sustainable livelihoods approaches. *Community Development Journal*, 38(3), 199–212.
6. Arnstein, S. R. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(4), 216–224.
7. Bali Swain, R., Ranganathan, SH. (2021) Modeling interlinkages between sustainable development goals using network analysis, Volume 138, 105136
8. Benveniste, G. (1989). *Mastering the politics of planning: Crafting credible plans and policies that make a difference*. San Francisco: Jossey-Bass Inc Pub.
9. Brereton, F., Clinch, J. P., & Ferreira, S. (2008). Happiness, geography and the environment. *Ecological Economics*, 65(2), 386–396.
10. Brueckner, J. K., & Largey, A. G. (2008). Social interaction and urban sprawl. *Journal of Urban Economics*, 64(1), 18–34.
11. Campbell, S. (1996). Green cities, growing cities, just cities?: Urban planning and the contradictions of sustainable development. *Journal of the American Planning Association*, 62(3), 296–312.
12. Campbell, L., & Wiesen, A. (2011). *Restorative commons: Creating health and well-being through urban landscapes* (vol. 39). Washington, DC: Government Printing Office.
13. Choi, J. (2013). *An analysis of area type and the availability of alternative transportation services on subjective well-being: Are people happiest in cities?* Cambridge: Massachusetts Institute of Technology.
14. Cloutier, S., & Pfeiffer, D. (2015). Sustainability through happiness: A framework for sustainable development. *Sustainable Development*, 23, 317–327.

15. Cloutier, S., Berejnoia, E., Russella, S., Morrisona, B., Rossb, B. (2018). Toward a holistic sustainable and happy neighborhood development assessment tool: A critical review of relevant literature. *Ecological Indicators*, 89, 139–149
16. Cloutier, S., Jambeck, J., & Scott, N. (2014a). The Sustainable Neighborhoods for Happiness Index (SNHI): A metric for assessing a community's sustainability and potential influence on happiness. *Ecological Indicators*, 40, 147–152.
17. Cloutier, S., Larson, L., & Jambeck, J. (2014b). Are sustainable cities “happy” cities? Associations between sustainable development and human well-being in urban areas of the United States. *Environment, Development and Sustainability*, 16(3), 633–647.
18. Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95–S120.
19. Creighton, J. L. (2005). *The public participation handbook: Making better decisions through citizen involvement*. San Francisco: Wiley.
20. Day, D. (1997). Citizen participation in the planning process: An essentially contested concept? *Journal of Planning Literature*, 11(3), 421–434.
21. De Souza Briggs, X. (1997). Social capital and the cities: Advice to change agents. *National Civic Review*, 86(2), 111–117.
22. De Souza Briggs, X. (2007). More pluribus, less unum? The changing geography of race and opportunity. In *Neighbourhood renewal & housing markets: Community engagement in the US & UK* (pp. 63–87). Oxford: Blackwell.
23. Diener, E. (2000). Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index. *American Psychologist*, 55(1), 34.
24. Duany, A., Plater-Zyberk, E., & Speck, J. (2001). *Suburban nation: The rise of sprawl and the decline of*
25. *the American dream*. New York: Macmillan.
26. Elder, K., & Retrum, J. (2012). *Framework for isolation in adults over 50: AARP foundation isolation framework project*. San Diego: ResearchWorks.
27. Ferguson, R. F., & Dickens, W. T. (2011). *Urban problems and community development*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
28. Ferguson, R. F., & Stoutland, S. E. (1999). Reconceiving the community development field. In *Urban problems and community development* (pp. 33–75). Washington, DC: Brookings Institute.
29. Fisher, R. (1996). Neighborhood organizing: The importance of historical context. In *Revitalizing urban*
30. *neighborhoods* (pp. 39–49). Lawrence: University Press of Kansas.
31. Freeman, L. (2001). The effects of sprawl on neighborhood social ties: An explanatory analysis. *Journal*

32. of the American Planning Association, 67(1), 69–77.
33. Glaeser, E. L., & Gottlieb, J. D. (2006). Urban resurgence and the consumer city. *Urban Studies*, 43(8), 1275–1299.
34. Goetz, E. G. (1995). Potential effects of federal policy devolution on local housing expenditures. *Publius: The Journal of Federalism*, 25(3), 99–116.
35. Hjorth, P., & Bagheri, A. (2006). Navigating towards sustainable development: A system dynamics approach. *Futures*, 38(1), 74–92.
36. Holder, M. D., & Coleman, B. (2009). The contribution of social relationships to children's happiness. *Journal of Happiness Studies*, 10(3), 329–349.
37. Hummels, H., & Argyrou, A. (2021). Planetary demands: Redefining sustainable development and sustainable entrepreneurship, Volume 278, 123804
38. Iriarte, L., & Musikanski, L. (2019). Bridging the Gap between the Sustainable Development Goals and Happiness Metrics, *International Journal of Community Well-Being* <https://doi.org/10.1007/s42413-018-0012-2>
39. Jargowsky, P. A. (1997). *Poverty and place: Ghettos, barrios, and the American city*. New York: Russell Sage Foundation.
40. Julius, W. W. (1987). *The truly disadvantaged: The inner city, the underclass, and public policy*. Chicago: The University of Chicago.
41. Kaplan, R. (2001). The nature of the view from home psychological benefits. *Environment and Behavior*, 33(4), 507–542.
42. Keating, W. D., & Smith, J. (1996). Past federal policy for urban neighborhoods. In *Revitalizing urban neighborhoods* (pp. 50–61). Lawrence: University Press of Kansas
43. Kim, J., & Oki, T. (2011). Visioneering: An essential framework in sustainability science. *Sustainability Science*, 6(2), 247–251.
44. Layard, P. R., & Layard, R. (2011). *Happiness: Lessons from a new science*. London: Penguin.
45. Leyden, K. M. (2003). Social capital and the built environment: The importance of walkable neighborhoods. *American Journal of Public Health*, 93(9), 1546–1551.
46. Leyden, K. M., Goldberg, A., & Michelbach, P. (2011). Understanding the pursuit of happiness in ten major cities. *Urban Affairs Review*, 47(6), 861–888.
47. Lucas, R. E., & Dyrenforth, P. S. (2006). Does the existence of social relationships matter for subjective well-being? In K. D. Vohs & E. J. Finkel (Eds.), *Self relationships: Connecting intrapersonal and interpersonal processes* (pp. 254–273). New York: Guilford.

51. Lund, H. (2003). Testing the claims of new urbanism: Local access, pedestrian travel, and neighboring
52. Maryanti, N., Rohana, R., Kristiawan, M. (2020). The Principal's Strategy in Preparing Students Ready to Face the Industrial Revolution. 4.0.
53. behaviors. *Journal of the American Planning Association*, 69(4), 414–429.
54. Mason, S. G. (2010). Can community design build trust? A comparative study of design factors in Boise, Idaho neighborhoods. *Cities*, 27(6), 456–465.
55. Medoff, P. (1994). *Streets of hope: The fall and rise of an urban neighborhood*. Boston: South End Press.
56. Moroke, T., and Schoeman, I. (2019). Developing a neighbourhood sustainability assessment model: An approach to sustainable urban development, *Sustainable Cities and Society*
<https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101433>
57. Morris, E. A. (2011). Access and outcomes: Transportation, location, and subjective well-being.
58. Los Angeles: University of California.
59. O'Connor, A. (1999). Swimming against the tide: A brief history of federal policy in poor communities. In *Urban problems and community development* (pp. 77–137). Washington, DC: Brookings Institution Press.
60. Press.
61. Oliver, J. E. (1999). The effects of metropolitan economic segregation on local civic participation. *American Journal of Political Science*, 43, 186–212.
62. Pfeiffer, D., & Cloutier, S. (2016). Planning happier neighborhoods. *Journal of the American Planning Association*. doi:10.1080/01944363.2016.1166347.
63. Association.
64. Phillips, R., Seifer, B., & Antczak, E. (2013). *Sustainable communities: Creating a durable local economy*. London: Routledge.
65. Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy*, 6(1), 65–78.
66. Quercia, D., Séaghdha, D. Ó., & Crowcroft, J. (2012). Talk of the city: Our tweets, our community happiness. Paper presented at the ICWSM.
67. Rohe, W. M., & Lindblad, M. (2013). Reexamining the social benefits of homeownership after the housing crisis. Paper presented at the Paper originally presented at Homeownership Built to Last: Lessons from the Housing Crisis on Sustaining Homeownership for Low-Income and Minority Families—A National Symposium held on April.
68. Sampson, R. J., Raudenbush, S. W., & Earls, F. (1997). Neighborhoods and violent crime: A multilevel study of collective efficacy. *Science*, 277(5328), 918–924.
69. Sampson, R. J., Ferguson, R., & Dickens, W. (1999). Urban problems and community development.

70. Washington, DC: Brookings Institution Press.
71. Seidman, K. F. (2013). *Coming home to New Orleans: Neighborhood rebuilding after Katrina*. New York: Oxford University Press.
- Sheppard, S. R., Shaw, A., Flanders, D., Burch, S., Wiek, A., Carmichael, J., ... & Cohen, S. (2011). Future visioning of local climate change: A framework for community engagement and planning with scenarios and visualisation. *Futures*, 43(4), 400–412.
74. Talen, E. (1999). Sense of community and neighbourhood form: An assessment of the social doctrine of new urbanism. *Urban Studies*, 36(8), 1361–1379.
75. Thin, N. (2012). *Social happiness: Theory into policy and practice*. Bristol: Policy Press.
76. Vasquez, L. (2009). Cultural competency: A critical skill set for the 21st century planner. Retrieved from <http://www.planetizen.com/node/42164>
77. Wells, N. M., & Laquatra, J. (2009). Why green housing and green neighborhoods are important to the health and well-being of older adults. *Generations*, 33(4) 50–57.
78. Wiek, A., & Iwaniec, D. (2014). Quality criteria for visions and visioning in sustainability science. *Sustainability Science*, 9(4), 497–512.
80. Williamson, T. (2002). Sprawl, politics, and participation: A preliminary analysis. *National Civic Review*, 91(3), 235–244.
81. Wilson, W. J. (2012). *The truly disadvantaged: The inner city, the underclass, and public policy*. Chicago: University of Chicago Press.
82. Wong, C. (2001). The relationship between quality of life and local economic development: An empirical study of local authority areas in England. *Cities*, 18(1), 25–32

پی‌نوشت‌ها

STHF: Sustainability Through Happiness Framework

پایداری از طریق چارچوب شادی.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۰۶ - ۱۹۳

دیالکتیک عدالت و نظم عمومی و سنتز حقوق شهروندی

حمید طالب زاده^۱

چکیده

حقوق شهروندی به عنوان مجموعه حقوق تعریف شده فرد با عنوان شهروند به مفهوم رکن فرمانبردار و تاثیرگذار جامعه سیاسی در برابر دولت با لحاظ فاکتور ارتباط ایندو در قالب تابعیت و نهایتاً یکسان بودن تمام افراد جامعه در برابر قانون با عنایت به رابطه نامتقارن بین قدرت ناب سیاسی و فرد مشخصاً با مفاهیم عدالت و نظم عمومی اشتراک پیدا می کند که با تحلیل این مفاهیم به نظر میرسد حقوق شهروندی بعنوان نمونها و مصادیق مفهومی از عدالت که در مقام عمل تزامم با نظامات اجتماعی مربوط به نظم عمومی پیدا می کند مطرح می گردد لحاظ مبانی، غایات و کیفیت طرح این مسایل گفته های فوق را تایید می نماید. البته لحاظ نسبی در تمامی مفاهیم سه گانه عدالت، نظم عمومی و حقوق شهروندی همانند سایر مفاهیم علوم انسانی مانع از این امر است که به طور جزم فرض فوق را مورد تاکید قرار داد ولی لحاظ تعریفی نسبتاً مقبول از این مفاهیم موید امر خواهد بود.

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، عدالت، نظم عمومی، تابعیت، حاکمیت، شخص.

۱. گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

طرح مسأله

در زمان ایجاد دولت شهر در یونان باستان مفهوم مقدماتی شهروند نیز با ضابطه ارتباط از طریق پیوند فرد با دولت شهر نیز پدیدار شد هر چند این مفهوم در قالبی که ما هم اکنون از حقوق شهروندی اراده می‌کنیم ارائه نمی‌شده ولی میتوان آن را مبنای شهروندی قرارداد. اما مفهوم مدرن از حقوق شهروندی پس از ارائه نه چندان کامل آن در منشور کبیر بریتانیا در قرن دوازده میلادی پس از جنبشهای قانون اساسی در دوران نوزایی و تشکیل جوامع سیاسی در قالب دولت - کشور پدیدار شد.

پس از گسترش مفاهیم انترناسیونالیستی و اصالت انسان و وضع قواعد جهانشمول حقوق بشری در نسلهای تکاملی این حقوق، حقوق شهروندی نیز ذیل این عنوان مورد بحث قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که معمولاً در بررسی حقوق شهروندی در غرب آن را به سه دوره کلاسیک، قرون وسطی و رنسانس تقسیم بندی می‌کنند.^۱

مفهوم عدالت نیز به عنوان آرمان زندگی اجتماعی از زمانهای دور مطرح بوده ولی دوران طلایی این مباحث نیز به یونان باستان بازمیگردد تعاریف متعددی از عدالت از طرف اندیشمندان ارائه گردیده و این تنوع خود باعث گردیده تقسیمات متعدد از این مفهوم صورت پذیرد و هر تعریف قسمتی از مفهوم را بیان دارد آشنا ترین مفهوم بشری که در مقام تبیین و اجرا دورترین مفاهیم بشمار می‌رود. و در مقام عمل با لحاظ دانش بشری جزو دست نیافتنی ترین موضوعات است. اما آنچه مسلم است این که مفهومی در حال تکامل و گسترش است که با رشد بشر رو به کمال دارد.

اقتضات اصالت انسان نتوانست نافی مصالح اجتماعی او گردد و ذهن انسان همیشه در میان این دیالکتیک در حال سنتز جدیدترین هاست بنابراین مصالح اجتماعی اقتضای لحاظ منافع اجتماعی از طریق ایجاد نظاماتی با کارکرد جامعه گرا را دارد فلذا مفهوم نظم عمومی نیز به نظر همگام با آنتی تز خود در حال تکامل و منتظر ایجادهای تازه می‌باشد. این موضوعات مدرن اما با ریشه های دیرین ارزش بررسی و کنکاش با لحاظ مقتضیات روز را دارا هستند.

۱. احمد دستمالچیان، کلیات حقوق شهروندی، اداره صیانت از حقوق شهروندی وزارت کشور، ص ۵

حقوق شهروندی

حقوق شهروندی یکی از مفاهیمی است که همگام با تکامل تدریجی مفهوم جامعه سیاسی در قالب دولت - کشور تکامل یافته است به لحاظ مبانی می توان آن را به جنبشهای لیبرالیستی ناش از افکار اومانیستی نسبت داد که بر اساس محوریت نوع انسان و استقلال و آزادی عمل او و جریان اصل اباحه در رفتار انسان پا می گیرد.

تعاریف زیادی از شهروند به عمل آمده است بنا به یک تعریف: شهروند به کسی اطلاق می شود که تحت الحمایه حکومتی باشد و قوانین و مقررات آن حکومت را به رسمیت بشناسد و جزو جامعه ای محسوب گردد که دولت تمام امتیازات و حقوق آن جامعه را به تمام معنی قبول داشته باشد و در واقع دولت بخشی از آن جامعه به حساب آید. واژه شهروند رامیتوان معادل واژه citizen غربی دانست. حقوق شهروندی مجموعه حقوقی است مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است .

بنابراین تعریف «حقوق شهروندی» یک مفهوم نسبتاً وسیعی است که شامل حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فردی و اموری که دارای صبغه سیاسی نیستند) می باشد. اصولاً «حقوق شهروندی» را می توان مجموعه قواعدی که بر روابط اشخاص در جامعه حکومت می کند تعریف نمود.^۱

اتصال اشخاص به سیستمهای حقوقی و تبعیت آنها از یک سیستم حقوقی مشخص در دولت کشورهای مدرن عمدتاً، بر اساس مفهوم تابعیت صورت می گیرد بنابراین میتوان حقوق شهروندی را یکی از آثار و عوارض تابعیت تلقی نمود که در تعریف حقوق و تکالیف یک شهروند عنصر اصلی و تعیین کننده تلقی می گردد. ولی بر خلاف دید جوامع سنتی تکیه حقوق شهروندی بر دارا بودن حقوق عمدتاً حقوق اساسی در ارتباط نامتقارن شخص (با لحاظ فردیت وی) با حاکمیت (به مفهوم قدرت ناب سیاسی) می باشد.

البته تکیه بر مفهوم تابعیت نافی مفهوم عام جهان وطنی (انترناسیونالیسم) به عنوان یک آرمان نمی باشد ولی در سطح پراتیک و عملی با لحاظ نشات حقوق از سیستمهای حاکمیتی ملی این تکیه قابل توجیه است بنابراین میثاقهای بین المللی راجع به حقوق بشر و حقوق شهروندی حد واسط این دو مفهوم را پر نموده و پیوند واقع گرایانه میان این دو برقرار می کنند.

در دین مبین اسلام برای شهروند به عنوان عنصری از جامعه اسلامی حقوق و تکالیفی برشمرده شده است. شهروندی مفهومی است مستقر بر قوانین فطری، قوانین الهی و قوانین

اجتماعی که مجموعه روابط شهری و شهروندی را سامان می‌دهد. این قوانین گاه به صورت نوشته شده «قانون» و گاه قوانین نوشته نشده مورد وثوق اکثریت «عرف» می‌باشند. اما حق در اصطلاح حقوق موضوعه امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق منع دیگران از تجاوز را می‌دهد. واژه «حق» به طور معمول به معنای فردی یا شخصی به کار می‌رود؛ در برابر «حقوق» که به معنای احکام است.

مبنای حقوق در اسلام، اندیشه‌های انسان‌شناسانه و جهان‌بینی خاص است. پذیرش مسئولیت انسان در برابر خداوند و رابطه‌ی عبودیت در تعیین حدود حقوق انسان بسیار مؤثر است. اما در اصطلاح فقه، حق نوعی مالکیت است که به‌نحو خاصی بین مالک و مملوک وجود دارد. گاهی واژه حق در مقابل ملک قرار می‌گیرد و گاه مترادف با آن و در هر دو معنا قدرتی است که برای انسان نسبت به غیر خودش جعل شده و این پایین‌ترین مرتبه ملکیت است. از طرف دیگر اثبات قدر مشترک انسان‌ها چندان ساده نیست و نمی‌توان برای همگان حقوق برابر و شامل تصویب کرد. مفهوم فطرت در اسلام، معنای کاملی را در بیان قدر مشترک انسان‌ها دارد. فطرت در معنای خاص در برابر طبیعت قرار می‌گیرد. اسلام با پذیرش دو بعد طبیعی و روحانی برای انسان، اصالت را به روح می‌دهد. فطرت در این معنا، حاکی از روح مجرد و ملکوتی انسان دارد که از دمیده شدن روحی الهی ارزشمند و متعالی شده است.^۱ از نظر موضوع نیز موضوعات و مصادیق حقوق شهروندی انطباق کامل با موضوعات و مصادیق حقوق بشر دارد.

عدالت

عدالت یکی از غایات حقوق و از آرمانهای انسان تلقی می‌گردد به لحاظ اخلاقی از آن به عنوان فضیلت فضیلت‌ها نام برده شده است به لحاظ ایضاح مفهومی عدالت یکی از غامض‌ترین و مبهم‌ترین مفاهیم مطرح در علوم اجتماعی می‌باشد. مفهوم اجمالی عدالت یکی است اما تاویل و تفسیر آن یا نظریه‌های عدالت بسیلرند^۲ از دید هستی‌شناسانه عدالت درک انسان از نظم گسترده در جهان را شامل می‌شود مشاهده طبیعت و تاریخ رویدادها، و اندیشه در خلقت، از دیرباز انسان را متوجه ساخت که آفرینش جهان بیهوده نبوده و هدفی را دنبال می‌کند. انسان نیز در این مجموعه منظم و با هدف قرار گرفته و با آن همگام و سازگار است. بنابراین، هر چیزی که در راستای این نظم طبیعی باشد، درست و عادلانه است. حقوق نیز از این قاعده بیرون نبوده و

۱. همان ص ۱۴

۲. هیلل استاینر، مفهوم عدالت، مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۸۲، شماره ۳۸ ص ۱۱

مبنای آن در مشاهده موجودات و اجتماع‌های گوناگون است. پس، از ملاحظه آنچه هست می‌توان به جوهر آنچه باید باشد دست یافت. به بیان دیگر به لحاظ عملی حرکت به آنچه باید باشد را در بر می‌گیرد به عبارت بهتر درک جایگاه هر چیز و وضع شی در موضع آن می‌باشد. البته وضع شی در موضعش به تنهایی صورت مساله عدالت را بیان می‌کند و حل این مساله به شناسایی موضع هر شی می‌باشد که به لحاظ عقلی مفهومی نسبی و متغیر وابسته به متغیر علم انسان می‌باشد. بدین ترتیب، آرمان عدالت و مصداق‌های آن ثابت نیست و به جای عدالت معقول و جاودانه، باید از «عدالت زمانه» سخن گفت. دادرسان، هنرمندان تمیز اخلاق و عدالت و تواناترین حامیان این ارزش‌ها هستند و پایبندی روانی آنان به رعایت حرمت قانون و آراء گذشته خود و همچنین سلسله مراتب قضایی که به وحدت رویه‌ها می‌انجامد، از مهم‌ترین عوامل ایجاد نظم در اجرای عدالت و جلوگیری از آشفتگی راه حل‌ها در این زمینه است.

تعاریف متعددی از عدالت صورت گرفته ولی مهمتر از این تعاریف تقسیماتی است که از این مفهوم به دست داده شده است.

موضوع برقراری عدل و عدالت در جامعه یکی از ارکان دین مقدس اسلام می‌باشد، به گونه‌ای عدل الهی یکی از اصول اعتقادی شیعیان و برخی از فرقه‌های اهل تسنن مانند معتزله می‌باشد.

امام علی (ع) عدل و عدالت را یکی از پایه‌ها و بنیاین‌های قوام هر حکومت می‌داند. آن حضرت عدل را زیبایی و جمال حاکمان و معیار سیاست مطلوب را رعایت عدالت در جامعه می‌پندارد.

امام علی (ع) عدالت را تساوی و برابری حق افراد (در شرایط برابر) تعریف نموده است و معتقد است که بنا بر اصل تساوی افراد در خلقت، آزادی و مساوات یک حق بشری و الهی برای همه مردم است. آن حضرت معتقد است که توزیع اموال بیت المال باید به صورت عادلانه بین مردم تقسیم شود و هرگز حاضر نبود برای حمایت اشراف و بزرگان قریش و حتی برادرش عقیل (که وضعیت مالی خوبی برای تأمین مایحتاج عیال و فرزندانش نداشت) سهمی بیشتر به آنها اختصاص دهد.

بنابراین دیدگاه‌های امام علی (ع) درباره عدل و عدالت و راهکارهای برقراری آن، اندیشه‌ای جاودانه و ابدی و الگویی منحصر به فرد برای هر حکومت اسلامی است و به مرور زمان نه تنها سست و کم اهمیت نگشته بلکه پس از گذشت قرن‌ها، مشتاقان و شیفتگان (مسلمان و غیر مسلمان) بسیاری پیدا کرده است.^۱

۱. محمد مولایی، دیدگاه امام علی (ع) درباره عدالت در حکومت اسلامی، www.confbank.um.ac.ir

عدالت به اعتباری به عدالت صوری و عدالت محتوایی تقسیم می‌شود عدالت صوری در بر گیرنده مفهوم برابری انسانها می‌باشد و جزو معدود تقسیماتی از عدالت است که کمتر مورد مناقشه قرار می‌گیرد در برابر عدالت محتوایی که به مفهوم سزاواری و شایستگی تکیه می‌نماید و حل مساله عدالت را از حیث ماهوی دنبال می‌کند. برخلاف عدالت محتوایی می‌توان در عدالت صوری به شاخصهای مشترک و کلی اشاره کرد مثل:

الف- دادن حق به صاحب حق

ب- بیطرفی و فقدان جانبداری (در عدالت مقایسه ای نه در عدالت غیر مقایسه ای)

ج- رعایت موازین دادرسی

برای شناخت شاخصهای عدالت محتوایی باید به فلسفه اخلاق و ارزش رجوع کرد. البته جالب توجه است که خود شاخص های عدالت صوری نیز بار ارزشی دارند که باز در فلسفه اخلاق بحث می‌شوند.

بر مبنای عدالت صوری، اگر قاعده‌ای به همه موقعیت‌ها و اشخاصی که موضوع آن قرار می‌گیرد یکسان حکومت کند و تبعیض روا ندارد، عادل است، خواه مفاد آن قاعده درست باشد یا نادرست. بر عکس، در عدالت ماهوی به مضمون و محتوای قاعده نیز توجه می‌شود و برابر داشتن کفایت نمی‌کند؛ کیفیت نیز مطرح است و سزاوار بودن نیز شرط اجرای عدالت به شمار می‌آید. برای مثال، عدالت این نیست که هر قاتلی بدون توجه به وضع روحی و جسمی و سن اش، به اعدام محکوم شود یا کیفر ببیند. ولی، برابر داشتن تمام کسانی که در موقعیت یکسان قرار گرفته‌اند لازمه عدالت است. به طور معمول، عدالت به معنی کامل خود به کار می‌رود، مگر این که با قید صوری همراه باشد.

تقسیم دیگر عدالت به عدالت طبیعی (تکوینی) و عدالت حقوقی (تشریحی) می‌باشد. در کتاب اخلاق خود، عدالت را به طبیعی و قانونی تقسیم می‌کند. مقصود او از عدالت طبیعی قواعد همگانی و نوعی است که از طبیعت اشیاء سرچشمه می‌گیرد و ارتباطی به عقاید اشخاص و قوانین حاکم بر جامعه ندارد. بر عکس، عدالت قانونی وابسته به اوامر و نواهی قانون است و ضابطه نوعی ندارد. برای مثال، نرخ بازخريد زندانی را قانون معین می‌کند و اجرای عدالت قانونی، منوط به پرداخت همان نرخ است. بدین ترتیب، برخلاف عدالت طبیعی که چهره آرمانی و الهی دارد، عدالت قانونی همانند حسن و قبح شرعی نزد متکلمان و عالمان اصول اسلامی است و از داده‌های قانون استنباط می‌شود. از این حیث موقع انسان در نظم طبیعی موجود تعبیر به عدالت طبیعی و موقع انسان در برابر حقوق و تکالیف موضوعه تعبیر به عدالت حقوقی می‌گردد.

این تقسیم‌بندی، الهام بخش نویسندگانی است که از بیم تجاوز دادرسان به آرمان‌های ملی و اختلاط صلاحیت‌های قوه قانونگذاری و قضایی، اجرای عدالت را به طور مقید و در چارچوب

قوانین برای دادرسان مجاز شمرده‌اند، بدین ترتیب که دادرس، در مقام تفسیر قوانین، می‌تواند از عدالتی که مجموعه قوانین به او تلقین می‌کند الهام گرفته و پا را از آن فراتر نهد. به بیان دیگر، قاضی باید همچون اسیری در بند، حرمت زنجیرهای قانون را که بر پای بسته شده است نگاه دارد و قدم در «سیاست قانونگذاری» نهد.

تامل در رویه‌های قضایی نشان می‌دهد که بسیاری از آراء دادگاه‌ها از نظر منطقی قابل توجه نیست و چه بسا مخالف با قانون است. همه این انحراف‌ها را به اشتباه با سوء نیت قاضی نمی‌توان نسبت داد. گاه وجدانی بیدار و آگاه است که به سوی عدالت گام بر می‌دارد و نظریه‌های حقوقی را در استخدام می‌گیرد.

بدین ترتیب، به جای «عدالت قانونی» که مفهومی بیپه‌وده و خنثی را به ذهن می‌آورد، باید از عدالت قضایی یا حقوقی سخن گفت تا نمودار تمام واقعیت‌های قانونی و اجتماعی و روانی باشد و گویای نظم شود که سلسله مراتب دادگاه‌ها و تکلیف اجرای قانون به آن می‌بخشد. قاضی در خدمت قدرتی که او را برگزیده نیست؛ در خدمت عدالت است و از قانون به عنوان ابزار راهیابی به آرمان خود سود می‌برد.

نظم عمومی

نظم عمومی نیز همانند سایر مفاهیم بنیادین علوم اجتماعی و انسانی از مناقشه برانگیز ترین مفاهیم می‌باشد. نظم در اصطلاح ترتیب زمانی و مکانی امور را می‌گویند که هر چند در مقام ایجاد، بسته به غایات تعریف می‌شود ولی ذات مفهوم فارغ از غایت تعریف آن منشا اثر قرار می‌گیرد.

بسیاری نظم عمومی را از مصادیق مصلحت عمومی دانسته‌اند که بر نظم کلی جامعه انسانی و ساختار کلان آن اطلاق می‌شود نظم عمومی در اینجا به معنای آن نوع و سطح از نظم در روابط میان افراد و اداره عمومی است که بدون آن اساساً چیزی به نام زندگی اجتماعی و جمعی ممکن نخواهد بود.^۱

به لحاظ حقوقی مفهوم نظم عمومی در رابطه با نظامات متفاوت اجتماعی تعریف می‌گردد که شامل نظامات اقتصادی، اجتماعی و غیره می‌باشد از لحاظ عملی این مفهوم در تقابل حقوق فردی با حقوق اجتماعی تعریف شده توسط دولت بروز پیدا می‌کند بنابراین بیشتر در قالب تقابل پوزیتیویسم با ناتوریسیسم و حقوق طبیعی انسان است که موضوع بحث قرار می‌گیرد.

از نظر بعضی پوزیتیویستها دولت در مرکز تمامی نظریه‌های فلسفی حقوق قرار دارد و البته حقوق از اخلاق و عدالت تفکیک شده و به جای خیر و شر بر اساس قدرت مافوق قرار می‌

۱. محمد راسخ و مهناز بیات کمیتکی، مفهوم نظم عمومی، مجله تحقیقات حقوقی، زمستان ۱۳۹۰.

گیرد. از دیدگاه آستین حقوق موضوعه بر اساسا چهار عنصر فرمان، ضمانت اجرا، تکلیف و حاکمیت تعریف می‌شود.^۱

تعریف دقیق و مشخص از مفهوم نظم عمومی بین دانشمندان علم حقوق اختلاف است اما آنچه که فصل مشترک این تعاریف است رابطه نظم عمومی با عرف و منافع عموم مردم است؛ یعنی نظم عمومی ضامن حفظ منافع عمومی و عرف مردم است منفعت عمومی خواست اکثریت و مورد اراده اکثر مردم است و اگر اراده یک فرد بخواهد در آن جامعه خلاف اراده اکثریت عمل کند قابل قبول نیست پس نظم عمومی مربوط به منفعت عمومی و منفعت عمومی مربوط به اراده عموم و عرف جامعه است و علت اینکه نظم عمومی مقدم بر اصل حاکمیت اراده یک انسان است به این نکته بر می‌گردد که همواره اراده جمعی بر اراده فردی مقدم است.

پس نظم عمومی عبارت است از نظمی که عموم مردم و قاطبه عرف جامعه بر پایه جلب منافع عمومی می‌خواهند.

نظام لیبرالیسم باز به خواست نفسانی انسانی اصالت بخشید اما این بار خواست جمعی یک جامعه را برخواست فردی افراد مقدم می‌دارد و باز معیار، همان اراده و خواست نفس انسان است که به طور جمعی لحاظ شده است.

این نهاد رابطه بسیار تنگاتنگی با منافع اجتماعی دارد و حتی بسیاری از حقوق‌دانان در تعریف نظم عمومی آن را به منافع جامعه تعریف کرده‌اند. از آنجا که منافع از مفاهیم نسبی است و تغییر زمان و مکان باعث تغییر مفهوم آن می‌شود، ماهیت نظم عمومی نیز امری متغیر و نسبی جلوه می‌کند که قلمرو آن با توجه به تغییرات شرایط اجتماعی و اقتصادی، گسترده و تنگ می‌شود و همین نسبی بودن ماهیت، باعث اختلاف نظرهای فراوانی درباره تعریف، مبنا و قلمرو نظم عمومی شده است.

حقوقدانان تعریف واحد و روشنی از نظم عمومی ارائه نکرده‌اند. به نظر می‌رسد، این مفهوم در نزد دانشمندان حقوق نیز چندان روشن نیست و در حاله‌ای از ابهام قرار دارد، زیرا در تعیین ضابطه برای تشخیص قواعد نظم عمومی، تفسیرهای گوناگونی از نظم عمومی ارائه کرده‌اند. وجود تفسیرهای متفاوت ناشی از چندگانگی ماهیت حقوقی نظم عمومی نیست، بلکه با یک استقرای ناقص در قوانین به خوبی استدارک می‌شود، در تمام مواردی که به نظم عمومی استناد می‌شود، هدف این است که از اجرای امری که با منافع و مصالح عمومی جامعه تعارض دارد، ممانعت شود. به این معنا که مصالح عام مورد نظر برای وضع قواعد با مصالح فردی اشخاص

۱. محمد رضا ویژه، اثبات‌گرایی حقوقی و آثار آن بر دولت حقوقی و حق‌های شهروندی، ارج نامه دکتر الماسی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۱۳۹۰، ص ۶۷۱.

درگیر است و در این صورت مصلحت اهم که همان مصالح عمومی است، ترجیح داده شده است. بدیهی است که مصالح و منافع جامعه امری ثابت نیست و دائم در حال تغییر و تحول است. بنابراین عوامل مؤثر در تعیین آن مصالح و منافع هم بسیار متنوع خواهد بود. نتیجه این می‌شود که برای شناسایی مفهوم نظم عمومی، نمی‌توان معنا و مفهوم ثابتی را در نظر گرفت؛ یعنی نظم عمومی یک مفهوم نسبی خواهد بود که با ملاحظه همه عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه تعیین خواهد شد. البته این بدان معنا نیست که نظم عمومی دارای مفاهیم متعدد است.

بنا بر این، قاعده‌ای مربوط به نظم عمومی است که در ردیف اموری باشد که نظام جامعه، چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه‌های سیاسی، اداری، فرهنگی و اخلاقی به آن وابسته است و نقض آن امور به این نظام خدشه و خللی وارد می‌آورد و قوه حاکمه را از استقرار آن نظام ناتوان می‌سازد. طبیعی و بدیهی است که در یک جامعه نظام‌مند، افراد نباید بتوانند قدرت بر هم زدن این نظم را با تراضی داشته باشند. لذا گفته شده است: از مهم‌ترین اوصاف نظم عمومی، لزوم رعایت آن از سوی همه افراد جامعه است.

اعتبار نظم عمومی در مصادیق مختلف مورد استناد، یکسان نیست. در موضوعات حقوق اساسی و آزادیهای ذاتی بشر، از قبیل حق حیات، حق تعیین سرنوشت، آزادی بیان و اندیشه و غیره، قواعد عامی وجود دارد که به نظم عمومی مربوط می‌شود و افراد به هیچ عنوان نمی‌توانند - براساس قرارداد - بر خلاف آن قواعد عمل نمایند. اما در موضوعات حقوق خصوصی، نظم عمومی، یک مکانیزم حقوقی است که دولت به وسیله آن قراردادهای خصوصی مغایر با منافع عمومی را باطل اعلام می‌کند. بنا بر این در حقوق مدنی، نظم عمومی ابزاری است که اصل آزادی اراده در قراردادها را محدود می‌سازد. منتها، همان طور که پیش‌تر آمد، چون استناد به نظم عمومی در تحدید اراده‌ها، جهت حفظ مصالح عامه و تأمین منافع عمومی است و دولتها برای تحقق این هدف، قواعدی را وضع می‌نمایند که دائم در حال تغییر و تحول است، موارد استناد به نظم عمومی هم دائماً متغیر است. هنجارمندی از ارکان جامعه بوده و به لحاظ مبنا کارکردی سوسیالیستی داشته و معمولاً در تعارض با حقوق فردی قرار می‌گیرد.

بررسی تطبیقی مفاهیم حقوق شهروندی، عدالت و نظم عمومی

برای بررسی تطبیقی مفاهیم سه گانه حقوق شهروندی، عدالت و نظم عمومی ابتدا باید اشاره به محور مشترک این چند مفهوم نمود تا بتوان جایگاه متفاوت هر یک از این مفاهیم را تبیین کرد.

حقوق علم بررسی ضوابط حاکم بر روابط اشخاص در مفهوم زندگی اجتماعی می‌باشد با این تذکار موضوع اصلی علم حقوق رابطه میان اشخاص می‌باشد که هم خود رابطه و هم

طرفین آن برای تحلیل، موضوعیت دارند بنابراین عنایت به این مطالب نشان می‌دهد که در این مفاهیم سه گانه یک رابطه نامتقارن بین شخص (با لحاظ فردیت وی) و حاکمیت (به مفهوم قدرت ناب سیاسی) وجود دارد که از لحاظ امکانات، صلاحیتها و غیره متفاوت می‌باشند بنابراین یک طرف ضعیف در مقابل یک طرف قوی قرار می‌گیرد و توجه به این نکته که ضمانت اجرا و تضمین آن از سوی طرف قوی تعیین و اجرا می‌گردد به لحاظ حقوقی به یک چالش عمده منجر می‌شود و توسل به مفاهیم بنیادین در علوم سیاسی و حقوق اساسی و نظریه پرداززی در مبانی علم سیاست و حقوق در راستای حل این چالش عمده صورت می‌گیرد. بنابراین طرفین رابطه در موضوعات حقوق شهروندی، عدالت و نظم عمومی این دو شخص بوده و خود رابطه نیز مبتنی بر تعیین حقوق و تکالیف این دو در برابر هم می‌باشد.

غایت اجتماعی هر نظام حقوقی باید با مبانی آن هم افزایی و هماهنگی داشته باشند و این امر یک ضرورت است مبانی یک نظام حقوقی در تمام نهادهای آن اعم از حوزه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی و ... جهت گیری اش بدون استثنا باید منطبق با اهداف اجتماعی قانونگذار باشد^۱ حقوق شهروندی هم در قالب یک نظام حقوقی استثنا از این امر نبوده و بنا براین نقض این ضرورت منجر به یک تناقض در سیستم می‌شود و تداخل دو مفهوم نظم عمومی و عدالت به نظر تناقض یا حد اقل چالشی برای این موضوع ایجاد می‌کند

البته همچنانکه در متن نیز به آن اشاره رفته است تمامی آن مفاهیم مفاهیمی سیال و انعطاف پذیر مبتنی بر دانایی ناظر آن می‌باشند فلذا نوع رویکرد، مبانی اندیشه و البته حسن نیت از عوامل تعیین کننده و تاثیر گذار در تعامل این مفاهیم با هم می‌باشد. این نسبت نباید به عنوان عاملی مهم در عدم ثبات نظام ایجاد شده در برخورد این مفاهیم باشد چرا که در حد اقلی از این مفاهیم که به طور ملموس منافع همه افراد را لحاظ می‌کند اتفاق نظرهایی وجود دارد که به لحاظ عملی قوام کاربردی لازم را به این نظام می‌دهد.^۲

حقوق شهروندی به مفهومی که در جهان امروز تبیین می‌شود به لحاظ تطابق با مفهوم عدالت در بخشهایی با این مفهوم همپوشانی دارد بدین ترتیب که با لحاظ برابری شهروندان در برابر قانون به عنوان رکن اولی حقوق شهروندی در قالب مدرن آن عدالت صوری را به ذهن انسان متبادر می‌نماید و این تداعی و تبادر در تحلیل هم همخوانی و همپوشانی این مفهوم را می‌رساند فلذا منطقه اشتراک این دو مفهوم به شمار می‌آید و به لحاظ تحلیل محتوایی و انطباق با عدالت محتوایی موضوع را به دیگر شاخه های علم حقوق وامی‌گذارد و می‌توان تبیین

۱. غفور خویی، فلسفه حقوق، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول ۱۳۹۳، ص ۷۲

۲. همان، ص ۱۸۷

نسبی عدالت محتوایی با حقوق شهروندی را مشاهده کرد البته باید خاطرنشان ساخت که تفکیک مطلق محتوا از صورت در مباحث حقوقی به شکل کلیشه فوق ممکن نخواهد بود.

از زاویه دید دیگر با عنایت به تعریف حقوق شهروندی با قانون و ارتباط شهروند با یک سیستم حقوقی به عنوان حقوق موضوعه این مفهوم (حقوق شهروندی) با مفهوم عدالت حقوقی اشتراک پیدا می کند و در واقع می توان آن را دید پوزیتیویستی از مفهوم عدالت تلقی نمود بنابراین در این تقسیم بندی نیز حوزه اشتراک عدالت با حقوق شهروندی همپوشانی با عدالت حقوقی دارد.

اما در ارتباط با نظم عمومی به نظر می رسد با تحلیلهای پیش گفته تقابل و تعارضی موجود است به این صورت که در مقام برقراری نظم عمومی بر اساس منافع اجتماعی و ایجاد نظامهای مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و غیره حقوق شهروندان در معرض تهدید قرار می گیرد و البته حقوق مساوی هر شخص از جمله دولت به عنوان متولی نهادهای عمومی (از دید حقوق طبیعی) مخدوش شده و برتری دولت در برابر اشخاص دیگر به عنوان دارنده قدرت ناب سیاسی (از دید اثبات گرایانه) تثبیت می گردد. که با این اوصاف نه تنها همپوشانی بین دو مفهوم نظم عمومی و حقوق شهروندی وجود ندارد بلکه فراتر از تباین رابطه تقابل نیز وجود پیدا می کند.

البته اگر دید وسیع نسبت به حقوق شهروندی را لحاظ کنیم یعنی آن را مجموعه حقوق و تکالیف متقابل دولت و فرد بیانگاریم (و نه فقط حقوق فرد در برابر دولت) در این صورت رابطه ایندو عموم خصوص بوده و در مقام تداخل ایندو نیاز به اولویت بندی وجود خواهد داشت. شایان ذکر است که از نظر بسیاری از متخصصان فلسفه حقوق در صورت تزاحم باید به اصلاح سیاستهای ملی پرداخت تا منافع و مصالح یک گروه یا قوم خاص نیز تامین شود.^۱

نتیجه گیری

لحاظ اشتراکات عدالت، حقوق شهروندی و نظم عمومی با توجه به دیدگاه مکاتب و نحله های مختلف فکری در زمینه مبانی و مبادی اندیشه های حقوقی و سیاسی از حیث صلاحیت و اختیار و اقتدار حاکمیت در برابر افراد جامعه، ایجاد توازن میان مبانی طرفدار حقوق انسان بما هو انسان از سویی و قوای ناظر و مدافع حقوق جمعی به نمایندگی دولتها از طرف دیگر را اجتناب ناپذیر می سازد فلذا عدالت به عنوان مفهومی بنیادین و آرمانی برای سیستمهای حقوقی در مقام تکوین و ایجاد مصادیق حقوقی شکل دهنده حقوق شهروندی موثر بوده و در مقام اجرا نیز در مراحل تفسیر و انطباق مصداق با قاعده بعنوان راهنمای چنین حقوقی شمرده می شود که به این ترتیب در راستای تقویت قوای حقوق بشر در برابر قدرت دولتها که عمدتاً با تکیه بر نظم عمومی توجیه می شود عمل می کند البته در خصوص مفهوم خاص حقوق شهروندی بعنوان جلوه ای از حقوق بشر در نسلهای مختلف آن تکیه بر مفاهیم یکسان ساز افراد در برابر قوانین آن را به لحاظ عملی یک گام جلوتر از جلوه های دیگر این نوع دید نسبت به حقوق قرار می دهد به این معنی که تعریفی از شهروند در قالب رابطه ای یکسان با نام تابعیت صورت پذیرفته و باعث می شود عملاً اشخاص حداقلی از یکسانی را که لازمه اجرای حقوق بر مبنای موازین عدالت هست را دارا باشند. نسبت موضوع نیز همچنانکه گفته شد کارایی این بحث را تحت تاثیر جدی قرار نمی دهد البته در دیدی کلان تر تمایل غریزی به حفظ منافع فردی و گروهی ممکن است مصادره به مطلوب کند که در این خصوص نیز لحاظ میزان دانایی و البته حسن نیت می تواند موثر واقع گردد.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. جان رالز، مترجمین سید محمد کمال سروریان و مرتضی بحرانی، نظریه عدالت، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷.
۲. جعفری محمد تقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، نشر دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
۳. خویینی غفور، حقوق شهروندی و توسعه پایدار، فرهنگ صبا، ۱۳۸۶.
۴. -----، فلسفه حقوق، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۵. دستمالچیان احمد، کلیات حقوق شهروندی، اداره صیانت از حقوق شهروندی وزارت کشور، سایت وزارت کشور.
۶. راجر سالیوان، مترجم عزت الله فولادوند، اخلاق در فلسفه کانت، طرح نو، ۱۳۸۰.
۷. راسخ محمد، حق و مصلحت مجموعه مقالات، نشر نی.
۸. ----- و مهناز بیات کمیتکی، مفهوم نظم عمومی، مجله تحقیقات حقوقی، زمستان ۱۳۹۰.
۹. مارک تیبیت، ترجمه حسن رضایی خاوری، فلسفه حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶.
۱۰. محسنی حسن، ارج نامه دکتر الماسی مجموعه مقالات، شرکت سهامی انتشار.
۱۱. هربرت هارت، ترجمه محمد راسخ، مفهوم قانون، نشر نی، ۱۳۹۰.
۱۲. هیلل استاینر، مترجم محمد راسخ، مفهوم عدالت، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳۸.

منابع لاتین

13. Aristotle, The Nicomachean Ethics, trans. H. Rackham, Cambridge: Harvard university press
14. Athias , Christian, Philosophie du droit.2e edition, Paris, P.U.F, 2004
15. Del vecchio(G), L Etat et le droit, paris , dalloz, 1964
16. Friedmann,w, theorie generale du droit, 4e edition, Paris L.G.D.j , 1965
17. Ripert georges , La regle moral dans les obligations civiles , 4e edition, paris, 1949.

الگوی مطلوب حکمرانی در پرتو سیستم مستقل قضایی

حسین عبدی^۱

ولی رستمی^۲

چکیده

استقلال قضایی از ابزارهای تامین کننده بی طرفی در رسیدگی های قضایی می باشد به همین دلیل قوه قضاییه نیاز مند این امر می باشد که در رسیدگی های قضایی بی طرفی خود را حفظ کند این بی طرفی و استقلال با ابزارهای چندی تامین می شود از جمله استقلال مالی قوه قضاییه و استقلال در تشخیص صلاحیت. هر کدام از این عناصر به قوه قضاییه کمک می کند به عنوان رکنی مستقل اقدام کند و از جهت گیری های مختلف به دور باشد برای بررسی استقلال قوه قضاییه، به بیان مختصری راجع به تفکیک قوا در غرب و ایران پرداخته می شود سپس به عناصر استقلال قوه قضاییه اشاره می شود. حکمرانی فرایندی است که مشکلات و معضلات جامعه را با تلاش و تکاپوی جمعی و با اتکا به قدرت عمومی و به کارگیری آن حل و فصل می نماید. هرگاه چنین مفهومی از حکمرانی بر کیفیت و نحوه انجام وظایف آن تاکید کند، مفهوم حکمرانی خوب شهری مطرح می گردد. حکمرانی خوب شهری مجموعه ای از افراد، نهادها، بخش عمومی و خصوصی است که امور شهر را برنامه ریزی کرده و اداره می نماید و پیوند ناگسستنی با رفاه شهروندان دارد.

واژگان کلیدی

قوه قضاییه، استقلال مالی، تشخیص صلاحیت، حکمرانی خوب، شهروندان.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: h.abdi1355@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: vrostami@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۰

طرح مسأله

تمامی سیستم‌های مترقی، اقتدار دستگاه قضایی در احقاق حقوق اشخاص را نشان حق محوری آن نظام می‌دانند. نظام دادرسی یک حکومت اگر به تشکیلات مستحکم دست یابد به نحوی که در رسیدگی به هر نوع دعوی ساز و کار مناسب داشته، موافق اقتضائات هر یک ساختار دادرسی متناسبی مستقر نماید، شهروند محور است. نظام دادرسی غیر جامع و سطحی مشوق زورمندان و ابزار توجیه عمل متخلفان و مامن صاحب منصبان قانون‌گریز شناخته می‌شود. اصل تفکیک قوا به نحوی یکی از ابزارهای تامین‌کننده بی‌طرفی دستگاه قضا می‌باشد به همین دلیل در جمهوری اسلامی ایران، بند اول اصل ۵۸ قانون اساسی تکلیف رئیس قوه قضاییه را ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل ۱۵۶ مقرر نموده است. چنین تکلیفی به معنای ایجاد حقی برای عموم مردم ایران در برخورداری از نظام دادرسی مناسب جهت احقاق حقوقشان است. به همان اندازه که حقوق افراد به تشکیلات دادگستری وابسته باشد برای متصدی قوه قضاییه باید تکلیف قائل شد.^۱ تاثیر نپذیرفتن دستگاه قضا از جریان‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی از ابزارهای تامین‌کننده بی‌طرفی قضات می‌باشد که این امر در اثر تفکیک قوا امکان پذیر است در سیستم حقوقی ایران تفکیک نسبی قوا پذیرفته شده است که باعث شده است ارکان حکومت هر چند از یکدیگر منفک می‌باشند ولی در ارتباط نسبی با یکدیگر عمل می‌کنند.

دستگاه قضایی کشور، اگر چه قسمتی از راه را پیموده و برخی انتقادات را مرتفع کرده است، اما در انتظار تحولات پایداری بسر می‌برد تا به مرحله قابل قبول خود برای بجا آوردن تکالیف مقرر در نظام اسلامی و قانون اساسی و همین‌طور خدمت‌رسانی به شهروندان مطابق آنچه حقوق آنان اقتضاء می‌کند، نائل شود.

دادرسی جمهوری اسلامی ایران ناگزیر به محور قرار دادن اصول دادرسی اسلامی است.^۲

۱- حفظ استقلال قوه قضاییه

حفظ بی‌طرفی هم در مرحله رسیدگی و دستورات قضایی لازم است و هم در مرحله تصمیم‌گیری و صدور حکم، و البته بی‌طرفی در مرحله صدور حکم چون بیان و نتیجه رسیدگی است، از اهمیت بیشتری برخوردار است و همه تلاش‌هایی که برای تامین بی‌طرفی قضایی

۱. سواد کوهی، سام، رابطه نظام دادرسی با حقوق شهروندی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۹۴.

۲. ر. ک کاشانی، سید محمود، استانداردهای جهانی دادگستری، نقد و بررسی قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳، بر آیند کلی، صص ۲۲۲ الی ۲۲۸.

صورت می‌گیرد، با هدف صدور حکم شایسته است. به هر حال بی‌طرفی قضایی در صدور حکم، مستلزم وجود چند ویژگی ساختاری به شرح زیر است و عدم وجود این ویژگی‌ها موجب می‌شود که ساختار قوه قضاییه و به تبع آن دادگاه، مستقل و یا بی‌طرف نباشد. این لوازم و مقتضیات ساختاری یا مربوط به قوه قضاییه و یا مربوط به اشتغال قضات و یا نهایتاً مربوط به مصونیت و امنیت قضات است.^۱

این لوازم و مقتضیات یا مربوط به به رابطه قوه قضاییه با سایر قوا و یا استقلال مالی این قوه و یا اینکه صلاحیت این قوه در رسیدگی به دعوی است که طبیعت قضایی دارند. تفکیک قوا^۲، اصلی در حقوق عمومی است که بر اساس آن برای جلوگیری از استبداد، حکومت به چند قوه‌ی جدا از هم سپرده می‌شود و در این جهت کوشیده تا از تمرکز فسادانگیز و خودکامه‌زای قدرت، که در یک شخص یا گروه عاید می‌شود، جلوگیری نموده و راهکار و روشی را ارائه کند تا به وسیله‌ی آن شرایط تمرکز قدرت سیاسی در یدی واحد از میان رفته و حتی - المقذور، امکان سوء استفاده از قدرت از بین برود.^۳

اصل تفکیک قوا در غرب، در اندیشه‌های افلاطون و ارسطو مطرح شده است. افلاطون در کتاب قوانین، گروه‌های جداگانه‌ای را برای وضع قانون و پاسداری از آن، امور لشکری و اداره‌ی شهر (انجمن شهر) و دادرسی معین کرده، اما تفکیک این امور در نظر او صورتی مقدماتی داشته است؛^۴ اما ارسطو را می‌توان نخستین پایه‌گذار نظریه‌ی تفکیک قوا در یونان باستان نامید، او برای هر حکومت، سه گونه قدرت را می‌شناسد که عبارتند از:

۱. قدرت تامل و مشورت درباره‌ی مصالح عام؛

۲. قدرت فرامان‌روایی؛

۳. قدرت دادرسی؛

اگرچه اصول کلی قوای سه‌گانه‌ی مورد نظر ارسطو تقریباً همان است که در دوره‌ی معاصر مطرح شد، اما قوای سه‌گانه‌ی ارسطویی با تفکیک قوای جدید تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد.^۵

۱. ناجی، زواره، مرتضی، دادرسی بی‌طرفی در امور کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳.

2. separation of powers

۳. قاضی، ابوالفضل؛ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۲۸

۴. افلاطون؛ دوره‌ی آثار افلاطون، جلد ۴، ترجمه‌ی محمدحسن لطفی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۲

۵. ارسطو؛ سیاست، ترجمه‌ی حمید عنایت، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸، ص ۲۳۱

۱-۱- تفکیک قوا در غرب

در قرون وسطا در اروپا مفهوم تفکیک قوا تحت عنوان نظریه‌ی دو شمشیر وجود داشت. بر اساس این نظریه، قدرت بین دولت و کلیسا تقسیم می‌گردید و از استبداد مطلق هر یک از آنها جلوگیری می‌شد و هیچ نظر قاطعی درباره‌ی برتری یکی از این دو وجود نداشت. در سده‌های یازدهم، دوازدهم، هفدهم و هجدهم، فیلسوفان سیاسی اروپا، به‌ویژه جان لاک و منتسکیو، صورت جدید این نظریه را در واکنش به ادعاهای جدید حق خداوند و حاکمیت مطلق شاهان فراهم کردند؛^۱ هدف آنان مبارزه با تمرکز قدرت و خودکامگی فسادانگیز بود. "جان لاک" در سده‌ی هفدهم با توجه به نظام سیاسی انگلستان، قوه‌ی مجریه، مقننه و ائتلافی را از هم متمایز ساخت، اما این قوا را جدا از هم تصور نمی‌کرد، او معتقد بود که قوه‌ی مقننه قدرت فائده است، اما نظام به قوای مجریه و ائتلافی نیز نیاز دارد.^۲ "منتسکیو" در سده‌ی هجدهم، نظریه‌ی تفکیک کامل قوای مقننه، مجریه و قضائیه را مطرح کرد. وی معتقد بود در هر کشوری که همه‌ی قوا زیر نظر یک تن باشد، آزادی تحقق نمی‌یابد؛ از این رو، بهترین راه حفظ حکومت و جلوگیری از حاکمیت یک فرد یا یک گروه، آن است که در نظام سیاسی میان قوای حکومت موازنه برقرار شود تا هر قوه بتواند بر قوای دیگر نظارت کند.^۳

ضابطه‌ای که مونته‌سکیو برای اصل تفکیک قوا برگزیده، مهم‌ترین تظاهر حاکمیت یعنی قانون است. او قانون را ملاک گرفته و سه وظیفه‌ی حاکمیت در قبال آن را از یکدیگر متمایز می‌کند: وضع قانون، اجرای قانون و قضاوت بر اساس قانون.

الف) وظیفه‌ی قانون‌گذرای یعنی تامل، مشاوره، رایزنی و تصویب قواعد قانونی که بر عهده‌ی مجالس مقننه نهاده شده است.

ب) وظیفه‌ی اجرایی یعنی الزام به اجرای قوانین موضوعه در جهت ایجاد نظم عمومی و انجام کارها با میزان قانون و رعایت حدود و مرزهای مصوب. این وظیفه به عهده‌ی دستگاه اجرایی یعنی هیات دولت و سازمان‌های اداری زیر مجموعه‌ی آن است.

ج) وظیفه‌ی قضا که به جهت رفع اختلافات مردم با یکدیگر و همچنین نظارت بر اجرای قوانین آمره و نهی‌کننده در ارتباط با جامعه به کار می‌رود، این وظیفه را قضات دادگاه‌ها اعمال می‌کنند.

۱. آشوری، داریوش؛ دانش‌نامه‌ی سیاسی، تهران، دادفر، ۱۳۶۶، ص ۱۰۰

۲. جونز ویلیام، تامس؛ ماکیاول، بدن، هابز، لاک: خداوندان اندیشه‌ی سیاسی، جلد ۲، ترجمه‌ی علی رامین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۲۵۳.

۳. اشرفی، مرتضی؛ تاریخ افکار سیاسی در غرب، قم، انتشارات قدس، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴.

اگر قوای مقننه و مجریه در هم ادغام شوند و در اختیار یک شخص یا یک گروه قرار گیرند، و نیز اگر قوه‌ی قضائیه از قوای مقننه و مجریه جدا نباشد، آزادی ناممکن می‌گردد. چنانچه قوه‌ی قضائیه به قوه‌ی مقننه بپیوندد، زندگی و آزادی در معرض نظارت خودسرانه قرار خواهد گرفت، زیرا در این وضع، قاضی قانون‌گذار هم هست. در میان این سه قوه، قوه‌ی قضائیه نقش حکومتی و سیاسی نداشته و به روشنی اهمیت دو قوه‌ی قانون‌گذاری و اجرایی در برابر این قوه‌ی سوم مشخص می‌شود.^۱

اصل تفکیک قوا، تحت تأثیر نظریه‌ی منتسکیو، نخستین بار در قانون اساسی ایالات متحد-هی آمریکا وارد شد و طبق آن، قوه‌ی مجریه به رئیس‌جمهور و قوه‌ی مقننه به مجلس نمایندگان (کنگره) واگذار گردید. پس از انقلاب فرانسه ۱۷۸۹، و به پیروی از قانون اساسی آمریکا، اصل تفکیک قوا در قانون اساسی فرانسه به رسمیت شناخته شد و از آنجا به دیگر کشورهایی که از الگوی قانونی این کشور پیروی می‌کردند، راه یافت.

اما "هگل" از دیگر متفکران غربی نیز به تفکیک قوا پرداخته است، در مورد تفکیک قوا نظرات هگل به منتسکیو نزدیک‌تر است، در دولت قوای متعددی است، قدرت مقننه و اجرائی که بایستی هم‌دیگر را کنترل کنند.

هگل معتقد است که باید نهادی میان قوه‌ها ارتباط برقرار کند و او نظام پادشاهی را بهتر می‌داند که می‌تواند ارتباط بین آن نهادها را بهتر برقرار سازد.

تاکید هگل بر ملت‌ها، همواره با تصور خاص وی از آزادی، ستایش او را نسبت به دولت توضیح می‌دهد که این امر جنبه‌ی مهمی از فلسفه‌ی هگل است. وی برای دولت همان مکانی را قائل است که آگوستین و اخلاف کاتولیک او برای کلیسا قائل بودند، اما در آخر به نظر هگل چیزی نیست که بد باشد، یا بر ما لازم باشد که خواهان امحای آن باشیم، غرض از وجود دولت، تنها پشتیبانی از جان و مال افراد نیست، که این امر جنگ را اخلاقاً توجیه می‌نماید. به نظر هگل با این توضیحات جنگ را نباید شر مطلق یا امری تصادفی دانست یا به‌عنوان چیزی در نظر گرفت که علت آن در جایی است که نباید باشد.^۲

۱-۲- تفکیک قوا در ایران

اندیشمندان در ایران، از اواخر قرن سیزدهم، تحت تأثیر آموزه‌ی تفکیک قوا و حاکمیت مردم و لزوم قانون اساسی قرار گرفتند. سابقه‌ی طرح بحث تفکیک قوا در ایران به جنبش ناتمام

۱. منتسکیو، روح‌القوانین، ترجمه و نگارش علی‌اکبر مهدی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات از محمد محمدپور، تهران، امیرکبیر، ویراست دوم، چاپ نهم، ۱۳۷۰، صص ۳۹۶ و ۳۹۷.

۲. اشرافی، مرتضی؛ منبع پیشین، ص ۱۴۸.

مشروطه باز می‌گردد. در این دوره با توجه به ورود عناصر و مفاهیم جدید و غیر بومی به داخل کشور، اندیشمندان و روشنفکران ایرانی سعی در برجسته کردن این مفاهیم و استفاده از آن‌ها برای ایجاد تغییرات در جامعه و نظام سیاسی نمودند.^۱

تفکیک قوا در نظام اسلامی ما هم پذیرفته شده است و هدف اصلی از تفکیک قوا، تقسیم کردن قدرت بین قوای سه‌گانه می‌باشد، به نحوی که قدرت مافوق این قوا وجود نداشته باشد. مطابق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه‌ی مقننه، قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه‌ی امر و امامت امت، اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

همان‌گونه که از اصل مذکور نیز مشاهده می‌شود، قانون اساسی ضمن پذیرش نسبی تفکیک قوا، تنها استقلال قوا از یکدیگر را مطرح می‌کند؛ اما از سوی دیگر می‌گوید قوای سه‌گانه "زیر نظر ولایت مطلقه‌ی امر و امامت امت قرار" دارند که قوه‌ی مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی، متشکل از نمایندگان منتخب مردم (اصل ۵۸ قانون اساسی) و قوه‌ی مجریه، جز در مواردی که مستقیماً بر عهده‌ی رهبری (ولی فقیه) است، از طریق رئیس‌جمهور منتخب مردم و وزیران اعمال می‌شود (اصل ۶۰ قانون اساسی). قوه‌ی قضائیه را دادگاه‌ها اعمال می‌کنند که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شوند (اصل ۶۱ قانون اساسی).^۲

۲- ابزارهای استقلال قوه قضائیه

برای استقلال قوه قضائیه نیازمند شرایطی هستیم که تامین کننده این استقلال باشد به همین دلیل در این فصل سعی می‌شود به دو مورد از ابزارهای تامین کننده این استقلال اشاره شود.

۲-۱- استقلال مالی قوه قضائیه

چنانچه دستگاه قضایی بودجه کافی در اختیار نداشته باشد، قادر به پرداخت حقوق نیروهای کارآمد و توانمند خود و در نتیجه نگهداری آنان نخواهد بود. از جمله وظایف دولت‌ها تامین منابع کافی برای دستگاه قضایی است تا قادر به ایفای وظایف خود باشد.^۳

اهمیت تامین استقلال مالی قوه قضائیه از آن جهت است که به بی‌نیازی نسبی مالی

۱. لکزایی، نجف؛ مفهوم تفکیک قوا در ایران، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره‌ی ۲۷، ۱۳۸۳، ص ۴۳.

۲. عمید زنجانی، عباسعلی؛ فقه سیاسی، حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۱۱۳.

۳. بانگ، وین سنت، راهکارهای مبارزه با فساد قضایی در کشورهای آسیایی، ترجمه آرش فرهودی، روزنامه مأوی مورخ ۱۳۸۷/۶/۳، ص ۶.

قضات انجامیده و آنان را در گذران زندگی و تامین معیشت خود با مشکل مواجه ساخته و زمینه نقض بی طرفی یا فساد در دستگاه قضایی را تا حد زیادی از بین برد. به همین خاطر بعضاً پیشنهاد شده خود قوه قضاییه در تامین یا تخمین بودجه اش ایفای نقش کند.

این امر حتی در کشورهای بسیاری نیز مورد توجه قرار گرفته است در کشور آفریقا، در اصول و رهنمودهای کمیسیون آفریقای آفاده است: «دولت ها باید نهاد های قضایی را برای اجرای وظایفشان از منابع مالی کافی برخوردار سازند. در مورد تعیین و تخصیص بودجه، قوه قضاییه باید مورد مشورت قرار گیرد.»^۱

در ایران سیاست های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۹ مقام رهبری در بند ۱۳ تامین مالی و رفع نیازهای قوه قضاییه، با توجه به اهمیت این مساله، مورد توجه قرار گرفته است: «تامین نیازهای قوه قضاییه در زمینه های مالی، تشکیلاتی و استخدامی با توجه به اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی.»

و در بند (ج) ماده ۱ قانون حدود و اختیارات و وظایف رئیس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ نیز «پیشنهاد بودجه سالیانه قوه قضاییه و سازمان وابسته آن به هیات وزیران» از جمله وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه دانسته شده و به این ترتیب این قوه به نوعی در تعیین بودجه سالیانه خود ایفای نقش می کند.^۲

۲-۲- استقلال در تشخیص صلاحیت

استقلال در تصمیم گیری مستلزم استقلال در تشخیص صلاحیت است. هیچ مقامی حق ندارد، رسیدگی به موضوعی را که در صلاحیت قاضی است از صلاحیت او خارج یا موضوعی را که رسیدگی به آن داخل در صلاحیت قاضی است از او سلب صلاحیت کند. معمولاً هدف چنین مقاماتی تحصیل رای به نفع خود از طریق دخالت دادن قضاتی است که رسیدگی آن ها را به سود خود می بینند. به همین خاطر معمولاً گفته می شود، تشخیص صلاحیت قاضی، با خود اوست و پس از ارجاع پرونده به او نمی توان پرونده را از او مسترد کرد و طرفین دعوی نقشی در فرایند ارجاع پرونده به قاضی ندارند. امروزه پدیده ای موسوم به «خرید قاضی» رایج است که به موجب آن در روند ارجاع پرونده، سعی در انتخاب قاضی معین و مشخص و ارجاع پرونده به او شده تا بدین ترتیب موجبات صدور آتی رای را به نفع یکی از طرفین فراهم شود، در جهت مبارزه با این پدیده پیش بینی شده تا بدین ترتیب موجبات صدور آتی رای به نفع یکی از طرفین فراهم شود، در جهت مبارزه با این پدیده پیش بینی شده که سیستم ارجاع پرونده به صورت اتفاقی یا

۱. ناجی زواره، مرتضی، منبع پیشین، ص ۲۰۰.

۲. همان.

رایانه ای صورت صورت گیرد تا بیم نفوذ در سیستم ارجاع پرونده را منتفی سازد پس از ارجاع پرونده نیز قاضی رسیدگی کننده، بدون دلیل موجه نمی تواند از خود سلب صلاحیت کند. سایر قوای کشور نیز نمی توانند با تاسیس مراجع موازی یا با دادن دستور یا بخشنامه، صلاحیت قوه قضاییه را برای رسیدگی به موضوعاتی که ماهیتی قضایی دارند، از بین ببرند. اصل سوم اصول اساسی استقلال قوه قضاییه مقرر می دارد: «قوه قضاییه برای رسیدگی به تمام مسائلی که ماهیتی قضایی دارند صلاحیت دارد و تنها مرجعی است که می تواند تصمیم بگیرد که مسأله مطروحه نزد او برای تصمیم گیری، داخل در صلاحیت قانونی آن هست یا خیر» اصل ۱۴ آن نیز مقرر می دارد: «ارجاع پرونده به قضات دادگاه ها یک امر داخلی مربوط به اداره امور قضایی است.»^۱ قاضی باید در فرایند رسیدگی ذهن و رفتار بی طرفانه داشته باشد و حاکم یا محکوم شدن یکی از طرفین دعوای او فرقی نداشته باشد، سایر افراد دخیل در پرونده که به نوعی در کنار قاضی قرار گرفته و قاضی را در اتخاذ تصمیم کمک می کنند آن ها نیز باید بی طرف باشند.^۲ و ذهن و فکر یا رفتار بی طرفانه داشته باشند، نه نسبت به موضوع دعوی و نه نسبت به طرفین آن التفاتی خاص نداشته و همانند قاضی بی طرف بوده و خود را صرفاً ملزم به حفظ منافع یکی از طرفین ندانسته و طبق واقع، قانون یا ارزیابی خود از آن سخن گویند. در اثر چنین استقلالی، قاضی باید از رفتاری که وضعیت قضایی یکی از طرفین را نسبت به دیگری ارتقاء داده یا برعکس این وضعیت را تضعیف نماید خودداری کند و بدانند در زمان دادرسی اصحاب دعوی که روبروی او می نشینند تمام حرکات و سخنان او ربا ضرر خود نتیجه گیری می کنند. لذا قاضی باید هم واقعاً بی طرف باشد و هم باید ظاهری بی طرف داشته باشد. همین وضعیت البته با حساسیت کمتری نسبت به سایر اشخاص دخیل در پرونده وجود دارد.^۳

بی طرفی قاضی مستلزم این است که در فرآیند دادرسی تحت تاثیر عوامل خارجی مثل احساسات و واکنش های عمومی یا تبلیغات رسانه ای یا عوامل درونی مثل اعتقادات و گرایش های شخصی قرار نگیرد و بدون جانب داری و پیش داوری، بر اساس دلایل و استدلال های عینی که در طول دادرسی در پرونده منعکس گردیده اظهار نظر کند. برای تضمین رعایت بی طرفی از سوی او، به عنوان اقدام بازدارنده، عوامل تهدید کننده بی طرفی در جریان دادرسی دفع شده و به عنوان اقدامی واکنشی، نقض بی طرفی، حسب مورد به موجب کیفر یا مجازات انتظامی پاسخ داده می شود.

۱. ناجی زواره، مرتضی، منبع پیشین، ص ۲۰۱.

۲. لازم به ذکر است در لسان حقوقی و عرفی بی طرفی منحصر به قاضی دانسته شده است.

۳. ناجی، زواره، مرتضی، دادرسی بی طرفی در امور کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۴۹.

در فرآیند عملی دادرسی، بی طرفی قاضی نقش محوری دارد. قاضی مقام صادرکننده حکم است و با توجه به نقش اساسی در فرآیند دادرسی، ضمن حفظ بی طرفی خود می تواند با اعمال نظارت دقیق، می تواند نقض بی طرفی سایر اشخاص دخیل در پرونده را کنترل یا خنثی کند.^۱ قانون یازدهم قوانین طبیعی توماس هابز در مورد رعایت انصاف و بی طرفی می گوید: «اگر وظیفه داوری بین آدمیان به عهده کسی گذاشته شود بر طبق یکی از اصول قانون طبیعی آن کس باید رفتار یکسانی با ایشان داشته باشد زیرا در غیر این صورت منازعات آدمیان جز از طریق جنگ فیصله نتواند یافت، بنابراین آن کس که داوری مغرض و جانب دار باشد، آنچه در توان دارد به کار می برد تا آدمیان را از به کار گرفتن قاضیان و داوران باز دارد و در نتیجه موجب جنگ می گردد.»^۲

۳- حکمرانی خوب شهری

اصول و ویژگی‌های اساسی مربوط به حکمرانی مطلوب، جهانی و بین المللی هستند و تمامی کشورها و دولت‌ها را شامل می‌شود اما اجرای آنها در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. از این جهت کشورها باید بتوانند گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی مطلوب مشخص و تعیین نمایند. از این جهت بکارگیری تجربه تاریخی کشورها بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزشهای بومی آنها که منعکس کننده واقعیت‌های روز است امری مهم و ضروری است. در نتیجه حکمرانی مطلوب حکمرانی محلی و منطقه‌ای است.^۳ شیوه حکمرانی غیر متمرکز موجب می‌شود که مردم در فرایند تصمیم‌سازی نادیده گرفته نشوند و ارتباط بین آنها و مقامات محلی بطور مستقیم و نزدیکتر باشد و امکان تأمین بیشتر نیازهای آنها وجود داشته باشد. اصول بنیادین حکمرانی مطلوب که جهانی‌اند شامل احترام به حقوق بشر و حقوق زنان، رعایت اصل حاکمیت قانون، وجود فضای آزاد سیاسی، مشارکت، مدارا، تساهل و بردباری، پاسخگویی، شفافیت و کارآمدی و مؤثر بودن نظام اداری می‌باشد. مباحث مربوط به حکمرانی مطلوب بسیار گسترده‌اند از ارتباط تفکیک ناپذیر این اصطلاح با توسعه پایدار گرفته تا اثر بخشی مدیریت عمومی و... ادامه می‌یابد. این اصطلاح تعبیری جدید از مفاهیمی نظیر دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون بوده که با ارایه قالبی جدید تلاش در جمع‌آوری این ارزش‌ها بطور یکجا دارد. حکمرانی مطلوب، بیانگر توسعه حق بنیاد و انسان محور است.^۴

۱. ناجی زواره، مرتضی، منبع پیشین، ص ۲۵۰.

۲. هابز، توماس، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۷۸.

۳. حکمرانی خوب، بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره انتشارات ۱۷، سال ۱۳۸۳، ص ۱۹۴.

4. Undp, Governrnce for sustainable growth and equity report of international conference, united nations, new york, 28 – 30 july 1999.

۴- الزامات حکمرانی خوب

حکمرانی خوب شهری الگویی از تعامل و شراکت سه بخش دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی را ارائه می‌کند که با همکاری شراکتی این سه حوزه حکمرانی تحقق می‌یابد. در واقع فعالیت تعاملی این سه بخش نقش پیش‌برندگی در حکمرانی و تسهیل‌کننده آن خواهد داشت و بستر لازم برای تحقق حکمرانی خوب را فراهم می‌سازد. یک آگاهی در حال رشد وجود دارد که بهبود ساختار مدیریتی شهر در تقویت دولت نیست بلکه تابعی است از تعادل بین دولت، بخش خصوصی و شهروندان.^۱

جامعه مدنی نقش مدافع حقوق شهروندان را بر عهده دارد، همانطور که بخش دولتی و خصوصی در عصر حاضر تغییر شکل و نقش داده‌اند، در روش‌های عمل جامعه مدنی نیز تغییر ایجاد شده است، جامعه مدنی افراد را با قلمرو عمومی مرتبط می‌سازد، سازمان‌های جامعه مدنی مشارکت مردمی را در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سوق می‌دهند و آنها را در گروه‌های قدرتمند به منظور تاثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های عمومی بر منافع اقشار آسیب‌پذیر، سازماندهی می‌کند. بنابراین توجه به نقش نهادهای مدنی در ایجاد تعامل بین افراد، جامعه و در مراقبت و کنترل بر محیط‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند عامل تاثیرگذاری در اعمال حکمرانی خوب و توسعه پایدار انسانی باشد.^۲

دولت به دنبال فرصت‌هایی است که بتواند وضعیت خود را بهبود دهد. در چنین شرایطی اداره دولت از روش مدیریت عمومی به روش حکمرانی خوب تغییر خواهد یافت. حکمرانی عمومی تاکید بیشتری بر ارزش‌های قانونی و ارزش‌های مشروع به جای ارزش‌های اقتصادی و کارایی صرف دارد و همچنین برای حکمرانی خوب، ایجاد مردم‌سالاری در جامعه حائز اهمیت است.

حکمرانی خوب شهری با اینکه شامل دولت، بخش خصوصی و شهروندان می‌باشد در نهایت پروژه‌ای است که باید توسط دولت اجرا شود. به دلیل اینکه اجرای آن بدون همکاری با سایر سطوح مدیریتی جامعه، بهبودی را حاصل نمی‌آورد. اینکه سیاستگذاران یک جامعه به سیاست‌های حکمرانی خوب شهری ایمان داشته باشند، بر روی کیفیت مدیریت شهری تاثیرگذار است. در نهایت باید گفت لزوم ایجاد حکمرانی خوب شهری مستلزم برقراری ارتباط متعامل بین بخش‌های سه‌گانه مذکور می‌باشد.

۱. قلی‌پور، رحمت‌الله، حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰.

۲. میدری، احمد، مجموعه مقالات حکمرانی خوب بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۴۳.

۵- آثار حکمرانی خوب بر جامعه

تحقق الگوی حکمرانی خوب می تواند تاثیر بسزایی بر نوع نظام حکومتی و تقویت و بهبود نظام مردم سالار به عنوان یکی از راهکارهای مورد تایید اسناد و نهادهای بین المللی در جهت تضمین و احترام به حقوق بشر در یک کشور داشته باشد. حکمرانی مطلوب سبب اتخاذ تصمیم ها، سیاست ها، قوانین و برنامه های حکومتی بر اساس فرایند تکثرگرا و مشارکتی می گردد. از این منظر، ویژگی هایی از قبیل رقابت سیاسی برای گروههای اجتماعی و سیاسی به صورت عادلانه، امکان انتخاب آزاد و سالم، شناسایی حق رای برابر و همگانی، شفافیت در فرایند تصمیم گیری های حکومتی و اطلاع رسانی کارآمد و موثر و حق برابر مشارکت در فرایندهای تصمیم گیری، قانونگذاری و سیاست گذاری که از مولفه های این شاخصه به شمار می آیند، تاثیر بسزایی در تقویت مردم سالاری و تضمین حقوق مدنی افراد خواهد داشت.^۱

همچنین باید گفت حکمرانی خوب سبب شکل گیری نظام دموکراتیک و مردمی بر مبنای تحقق اهداف و ارزش هایی است که ماهیت و سرشتی جمعی و مشترک دارند و تحقق اراده مشترک مردم آرمان عالی نظام سیاسی و ساختارها و تشکیلات سیاسی و اجرایی آن محسوب می شود.

دستیابی به نظامی مردم سالار باید با تضمین های ساختاری و سازمانی همراه باشد. ساختارها، سازمان ها و تشکیلات حکومتی یا مدنی باید به گونه ای به وجود آیند و فعالیت نمایند که ضامن اجرای شاخصه های فرایندی و ماهوی مردم سالاری باشند. با توجه به ویژگی های فوق هر نظام سیاسی که ملاک ها و موازین فرایندی، ماهوی و سازمانی مردم سالاری را بیشتر رعایت نماید، دموکراتیک بوده و بالطبع بشر در آنها بیشتر رعایت و تضمین خواهد شد و بالعکس هر چه از شاخصه های فوق بیشتر فاصله داشته باشد، غیردموکراتیک خواهد بود که در چنین جوامعی احتمال نقض حقوق اساسی افراد محتمل تر می باشد.^۲

یکی از آثار تحقق حکمرانی خوب در یک کشور، افزایش مشارکت افراد در اداره امور است. منظور از مشارکت جویی، مشارکت در فعالیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که می تواند از یک سوء دایره انتخاب شهروندان را در حوزه های فوق الذکر گسترش دهد و از سوی دیگر حاکمان و مسئولان را در معرض انتخاب قرار دهد.

۱. زارعی، محمدحسین، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵.

۲. نقیبی مفرد، حسام، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، موسسه مطالعات پژوهش های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۹، ص ۶۵.

نتیجه گیری

برای تامین دادرسی عادلانه، نیازمند استقلال قوه قضاییه هستیم از طرف دیگر ایران از سیستم تفکیک نسبی قوا برخوردار است به این صورت که قوای سه گانه جمهوری اسلامی ایران در عین حال که از یکدیگر منفک هستند ولی ارتباط نسبی با یکدیگر دارند به عبارت دیگر در ایران رژیم تفکیک نسبی حاکم است نه تفکیک مطلق قوا. استقلال قوه قضاییه نیز از جمله مسائلی است که نیازمند بررسی همه جانبه دارد تا از طریق این بررسی، بتوان ابزارهای تامین کننده این بی طرفی را تامین کرد از جمله مباحثی که نیازمند توجه می باشد استقلال مالی قوه قضاییه و استقلال در تشخیص صلاحیت می باشد به عبارت دیگر قوه قضاییه باید از نظر مالی مستقل باشد و به هیچ نهاد و ارگانی وابسته نباشد تا در صورت وابستگی مجبور به قبول تاثیراتی شود که از جانب این نهاد و یا ارگان به او می رسد. همچنین قوه قضاییه باید از نظر تشخیص صلاحیت نیز مستقل باشد به این معنی که خود تشخیص دهد چه امری در صلاحیت رسیدگی اش قرار دارد. در نهایت باید گفت که استقلال قوه قضاییه گامی در جهت تحقق عدالت است.

یکی از راهکارهای مناسب جهت بالا بردن سطح مدیریتی در شهر، الگوی حکمرانی خوب شهری می باشد. این الگو توسط بانک جهانی و همچنین برنامه توسعه سازمان ملل ترویج می شود. طی چند دهه اخیر حکمرانی خوب شهری به عنوان اثربخش ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت برای شهرهای امروزی مطرح شده است. محوریت این رویکرد، بر مبنای توسعه های مردم سالار و برابر خواهانه برای تاثیرگذاری تمامی نیروهای ذی نفوذ در اداره امور شهرها و همچنین پاسخگویی به تمامی نیازهای این گروهها می باشد.

الگوی حکمرانی خوب شهری، ضمن درک مناسب گروههای تاثیرگذار بر شهر، مولفه های مناسب را جهت بهبود وضعیت شهر ارائه می دهد. این الگو با ارائه مولفه هایی همچون مشارکت، کارایی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت، قانونمندی، مسئولیت پذیری و اجماع پذیری در یک سیستم با در نظر گرفتن بخش دولتی، بخش خصوصی و همچنین بخش عمومی سعی بر بهبود وضعیت مدیریتی و به طبع آن زندگی شهری دارد.

فهرست منابع

۱. ارسطو؛ سیاست، ترجمه‌ی حمید عنایت، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸
۲. اشرفی، مرتضی؛ تاریخ افکار سیاسی در غرب، قم، انتشارات قدس، ۱۳۸۵
۳. افلاطون؛ دوره‌ی آثار افلاطون، جلد ۴، ترجمه‌ی محمدحسن لطفی، تهران، ۱۳۸۰
۴. آشوری، داریوش؛ دانش‌نامه‌ی سیاسی، تهران، انتشارات دادفر، چاپ اول، ۱۳۶۶
۵. بانگ، وین سنت، راهکارهای مبارزه با فساد قضایی در کشورهای آسیایی، ترجمه آرش فرهودی، روزنامه ماوی مورخ ۱۳۸۷/۶/۳.
۶. جونز ویلیام، تامس؛ ماکیاول، بدن، هابز، لاک: خداوندان اندیشه‌ی سیاسی، جلد ۲، ترجمه‌ی علی رامین، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۷. حکمرانی خوب، بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره انتشارات ۱۷، سال ۱۳۸۳.
۸. زارعی، محمدحسین، حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳.
۹. سواد کوهی، سام، رابطه نظام دادرسی با حقوق شهروندی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۰. عمید زنجانی، عباسعلی؛ فقه سیاسی، حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳
۱۱. قاضی، ابوالفضل؛ حقوق اساسی و نهادهای سیاسی تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰،
۱۲. قلی پور، رحمت الله، حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم، ۱۳۸۷.
۱۳. کاشانی، سید محمود، استانداردهای جهانی دادگستری، نقد و بررسی قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳، بر آینه کلی.
۱۴. لکزایی، نجف؛ مفهوم تفکیک قوا در ایران، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره‌ی ۲۷، ۱۳۸۳.
۱۵. منتسکیو، روح‌القوانین، ترجمه و نگارش علی‌اکبر مهتدی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات از محمد محمدپور، تهران، امیرکبیر، ویراست دوم، چاپ نهم، ۱۳۷۰
۱۶. میدری، احمد، مجموعه مقالات حکمرانی خوب بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۷. ناجی، زواره، مرتضی، دادرسی بی طرفی در امور کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۸. نقیبی مفرد، حسام، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، موسسه مطالعات پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۹.
۱۹. هابز، توماس، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
20. Undp, Governrnce for sustainable growth and equity report of international conference, united nations, new york, 28 – 30 july 1999.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۳۸ - ۲۲۱

ارائه الگوی رفتار شهروندی زیست- محیطی با تأکید بر عواطف اخلاقی در صنایع تولیدی استان مازندران

جواد عموزاد خلیلی^۱سامره شجاعی^۲محمدباقر گرجی^۳

چکیده

افزایش مشکلات و بحران‌های زیست محیطی در جهان از یک طرف و درک پیامدهای بلند مدت موضوعات زیست محیطی در زندگی انسان‌ها از سوی دیگر، باعث شده است تا محققان در پی درک راهکارهای اجتناب از آسیب رساندن به محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن، باشند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل رفتار شهروندی زیست- محیطی با تأکید بر عواطف اخلاقی در صنایع تولیدی استان مازندران انجام گرفت.

روش پژوهش از نوع آمیخته و مبتنی بر مدل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کارکنان اداری و مدیران صنایع تولیدی استان مازندران بوده که تعداد آن برابر با ۱۰۹۶۲ نفر به دست آمد که حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۳۷۱ نفر برآورد شد. بعد از طراحی پرسشنامه محقق ساخته، در مجموع ۵۰۰ پرسشنامه به صورت الکترونیکی و حضوری در بین نمونه آماری، توزیع شد که با توجه به تعداد پرسشنامه‌های تکمیل شده، تعداد نمونه آماری تحقیق در پژوهش حاضر به ۳۷۱ نفر رسید. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار smart pls3 و spss 20 انجام گردید. نتایج نشان داد، تأثیرگذاری عواطف اخلاقی و ابعاد فرعی آن (تربیت و رشد اخلاقی، خصلت‌های اخلاقی، خودآگاهی اخلاقی) بر رفتار شهروندی زیست- محیطی تأیید شد.

به نظر می‌رسد که ارتباط عواطف اخلاقی و میزان تأثیرگذاری آن بر رفتار شهروندی زیست محیطی حائز اهمیت است و ارتباط معناداری بین آنها برقرار است و نتایج این پژوهش به بهبود ادراک از عامل‌هایی که درگیری کارکنان در رفتارهای شهروندی زیست- محیطی را ایجاد می‌کنند، کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی

حفظ محیط زیست، رفتار شهروندی زیست محیطی، عواطف اخلاقی، صنایع تولیدی.

۱. گروه مدیریت، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران.

Email: javad.amoozad61@yahoo.com

۲. استادیار، گروه مدیریت، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: shojaei@aliabadiu.ac.ir

۳. استادیار، گروه مدیریت، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران.

Email: gorjimb@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۷

طرح مسأله

محیط زیست طبیعی، پناهگاه اشکال زندگی گوناگون و اکوسیستم‌ها است. چنین محیطی حاصل میلیون‌ها سال تکامل و جهش است. انسان به محیط زیست نیاز دارد و لازم است انسان به نتیجه عملکرد خود و تداخل با عناصر فیزیکی و بیولوژیکی در محیط زیست آگاه باشد و این آگاهی را برای برنامه‌ریزی و مدیریت خردمندانه و به منظور حفاظت از منابع طبیعی بکار ببندد [۱]. بسیاری از تهدیدات زیست محیطی، تخریب منابع و آلوده‌سازی محیط پیامد رفتار انسانی است. تنها تغییر در رفتار انسانی می‌تواند این مشکلات زیست محیطی را کاهش دهد [۲]. در دهه‌های گذشته دانشمندان علوم اجتماعی نسبت به بسیاری از شرایط محیطی که بر رفتار انسان اثر می‌گذارد یا معلول رفتار مردم است، حساسیت فزاینده‌ای یافته‌اند [۳]. در بررسی‌های روانشناختی، محیط انسان را از محیط طبیعی وی جدا نمی‌کنند، بلکه انسان را به عنوان بعدی غیرقابل تفکیک از شرایط محیطی مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهند [۴]. مفهوم رفتار شهروندی سازمانی اولین بار توسط با ارگان (Organ) در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی ارائه شد که رفتار شهروندی زیست- محیطی به عنوان بخشی از رفتار شهروندی سازمانی بر رفتار فردی کارکنان نسبت به محیط موثر است [۵]. روانشناسان عصر جدید نشان دادند که واکنش‌های حسی، روانی و اخلاقی فرد با دوران طفولیت، پرورش ذهنی و عاطفی و نیز محیط زندگی او پیوندی منطقی و ناگسستنی برقرار می‌کند [۶]. رفتار شهروندی زیست- محیطی در حوزه‌هایی چون کنترل مصرف منابع (مصرف آب)، حفاظت از محیط زیست (حفاظت از جنگل)، کاهش اثر تغییرات جوی (تغییر از مصرف سوخت‌های فسیلی به سوخت‌های جایگزین) و حمایت از محصولات دوستدار محیط زیست دیده می‌شود [۷]. رفتار شهروندی زیست محیطی را می‌توان آن به عنوان رفتارهای فردی اختیاری تعریف کرد که به صراحت توسط سیستم پاداش رسمی سازمان آن به رسمیت شناخته نشده و به تأثیرات بیشتر مدیریت زیست سازمان‌ها کمک می‌کند [۱۸]. ارگان رفتار شهروندی- زیست محیطی را به عنوان اقدامات اختیاری توسط کارکنان در درون سازمان که نه الزامی به انجام آن است و نه پاداشی در پی دارد و منجر به بهبود زیست محیطی می‌شود، تعریف کرد [۵]. این رفتارهای فردی و اختیاری شامل انواع مختلفی از طرح‌ها مانند به اشتراک‌گذاری دانش برای جلوگیری از آلودگی در محل کار، نشان دادن راه حل‌هایی و با هدف کاهش ضایعات، نماینده سازمان در اجلاس‌های محیط زیست و همکاری با گروه محیط زیست برای پیاده‌سازی فناوری سبز در سازمان می‌باشد [۹]. رفتار شهروندی زیست محیطی با توجه به دو دلیل عمده برای مدیریت زیست محیطی مفید است. اول، با توسعه روش‌های پیشگیرانه رفتارهای طرفدارانه زیست محیطی در محل کار برای کاهش آلودگی در منبع ضرورت پیدا کرده‌اند. دوم، با توجه به پیچیدگی و تنوع جنبه‌های زیست محیطی، سیستم‌های مدیریت رسمی

ممکن است استفاده از همه رفتارهای مطلوب که می‌تواند اثرات زیست محیطی به حداقل برساند امکان پذیر نباشد، بنابراین تمایل کارکنان به مشارکت در رفتارهای طرفدارانه زیست محیطی مانند رفتار شهروندی زیست محیطی اغلب به عنوان یکی از عوامل مهم که از فعالیت مدیران زیست محیطی پشتیبانی می‌کنند، شناخته شده‌اند [۱۰]. رفتار شهروندی زیست-محیطی رفتاری است که فرد در برخورد با محیط زیست از خود بروز می‌دهد این رفتارها ممکن است کاملاً مثبت، محیط گرایانه و مسئولانه باشد یا برعکس، کاملاً منفی و مخالف محیط زیست [۱۱]. بحران محیط زیست در عصر حاضر ناشی از فقدان دانش و نیز فقدان آگاهی بشر در مدیریت پایدار محیط زیست است. در قرن حاضر رفتارهای زیست محیطی انسان به عنوان یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین عوامل بر محیط زیست مورد توجه بسیاری از جامعه شناسان محیط زیستی قرار گرفته است [۱۲].

یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند موجب رفتار شهروندی محیطی گردد، عواطف اخلاقی است. مفهوم «اخلاق» قدمتش به عمر تاریخ نوع بشر می‌رسد و یکی از بحث انگیزترین مطالبی است که پژوهش‌های بسیاری را به خود اختصاص داده است [۱۳]. رعایت اخلاق و حفظ ارزش‌های اخلاقی به صورت یکی از مهمترین پدیده‌هایی درآمده است که در بیشتر سازمان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد [۱۴]. اصول اخلاقی به صورت بخشی از سیاست‌های رسمی و فرهنگ‌های غیر رسمی سازمان سازمان درآمده است. عواطف اخلاقی تعیین کننده استانداردهایی هستند مبنی بر اینکه از نظر رفتار و تصمیم‌گیری چه چیز خوب یا بد است [۱۵].

اجتماعی بودن انسان ایجاب می‌کند همواره دارای کنش متقابل با هموعان خود باشد، کنش و رفتاری که به ناچار می‌باید در یک محیط و بستر و محیط مشترک شکل گیرد. از این رو تک تک افراد جامعه، به شکل فردی یا جمعی با محیط اطراف خود تعامل دارند، اما مدت‌هاست انسان با نام پیشرفت بدست تکنولوژی تعامل میان خود و طبیعت را به تعارض تبدیل کرده است. این تعارض سبب بوجود آمدن بحران‌های زیست محیطی شده است که به آلوده شدن محیط شهرها و افزایش انواع سرطان‌ها، تخریب و نابودی منابع و ذخایر طبیعی و تغییرات اقلیمی را موجب می‌گردد [۱۶]. سازمان‌ها و صنایع تولیدی در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه که نیازمند جهشی عمده در افزایش کارآمدی می‌باشند، بایستی زمینه را به گونه‌ای فراهم سازند که کارکنان و مدیرانشان با آسودگی خاطر تمامی تجربیات، توانائی‌ها و ظرفیت‌های خود را در جهت اعتلای اهداف سازمان خود بکار گیرند که تحقق این امر جز با شناسایی و بستر سازی اصول و قواعد مربوط به رفتار شهروندی محیطی میسر نخواهد بود [۱۷].

عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه خود دریافتند که با شناسایی رفتار شهروندی محیطی می‌توان میزان تعهد کارمند به سازمان و رضایت شغلی کارکنان را بیشتر فراهم نمود و

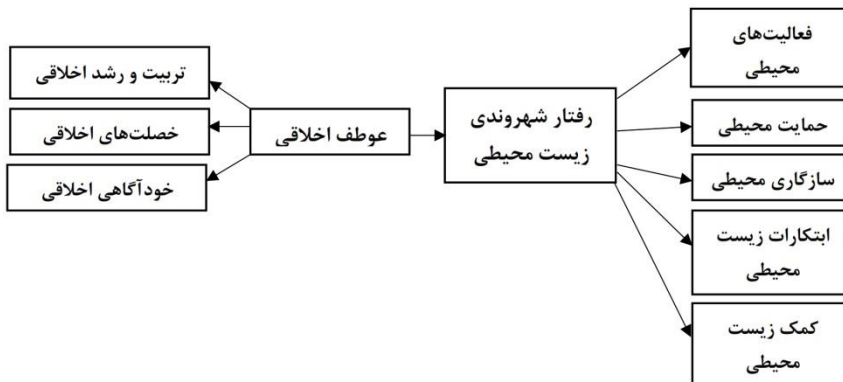
میزان ترک خدمت را کاهش داد [۱۸]. همچنین نتایج مطالعه صالحی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد اقدامات مدیریتی محیطی با تعهد محیطی کارکنان رابطه مثبت دارد و تعهد محیطی کارکنان با رفتار شهروندی محیطی کارکنان رابطه مثبت دارد [۱۹]. گلدمن (Goldman) و همکاران (۲۰۲۰) نیز در مطالعه خود گزارش کردند مفهوم شهروندی زیست محیطی متضمن رفتار است و آموزش رفتار شهروندی زیست محیطی به معنای تغییر رفتار است [۲۰]. همچنین لیو (Liu) و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «دانش و شهروند محیطی» بیان داشتند دانش نقشی اساسی در تأثیرگذاری بر رفتار حامی محیط زیست و به همین ترتیب در توسعه شهروندی محیط زیست دارد. برای پرورش مهارت‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و شایستگی‌های منسجم و کافی سه نوع دانش لازم است (۱) دانش سیستم‌های زیست محیطی، (۲) دانش مربوط به عمل و (۳) دانش اثربخشی [۲۱]. در همین راستا، کان (Khan) و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای گزارش کردند که رابطه مثبتی بین رتبه‌بندی کارکنان در رهبری اخلاقی سرپرستان و رفتار شهروندی سازمانی محیطی وجود دارد. علاوه بر این، یک فضای روانشناختی سبز رابطه بین رهبری اخلاقی سرپرستان و رفتار شهروندی سازمانی محیطی را واسطه قرار می‌دهد [۲۲].

با توجه به نتایج مطالعات مشخص می‌شود که مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری مؤثر رفتار شهروندی زیست-محیطی در صنایع تولیدی بسیار مهم است، زیرا عدم وجود یک چارچوب متحد و اندازه‌گیری مربوطه احتمالاً مانع تحقیقات آینده خواهد شد. بدون پرداختن به رفتار شهروندی زیست-محیطی، صنایع تولیدی نمی‌توانند اندازه‌گیری کنند که کارمندان چگونه انواع مختلف رفتارهای محیطی را اعمال می‌کنند. اگر چه تحقیقات در مورد رفتار شهروندی محیطی کم است، شواهدی از تأثیر مثبت رفتار شهروندی زیست-محیطی بر عملکرد زیست محیطی سازمان‌ها وجود دارد که می‌تواند به همه افراد جامعه در پرداختن به موضوعات زیست محیطی مانند تخریب محیط زیست، گرم شدن کره زمین و تغییرات آب و هوایی کمک کند. بنابراین، با توجه به اهمیت رفتار شهروندی زیست-محیطی برای عملکرد شرکت، کمبود تحقیق در مورد اینکه چگونه مدیران می‌توانند مشارکت کارکنان را در رفتار شهروندی زیست-محیطی تشویق کنند و نیز عدم توجه کافی به رفتار شهروندی زیست-محیطی در سازمان‌ها و صنایع تولیدی، لذا در این پژوهش به سؤال خواهیم پرداخت که الگوی رفتار شهروندی زیست-محیطی با تأکید بر عواطف اخلاقی در صنایع تولیدی (مطالعه موردی: استان مازندران) چگونه است؟

مدل تحقیق

همان‌طور که ذکر شد پژوهش حاضر بدنبال ارائه الگوی رفتار شهروندی زیست محیطی با تأکید بر عواطف اخلاقی در صنایع تولیدی استان مازندران می‌باشد. ردپای محیطی سازمان‌ها طی چند دهه گذشته مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. اگرچه سازمان‌ها به میزان قابل

توجهی در تخریب محیط زیست نقش دارند، اما آنها همچنین توانایی تقویت حفظ محیط زیست را هم دارند [۲۱]. بسیاری از سازمان‌های مبتکر طرح‌های محیط زیست برای بهبود عملکرد محیطی خود اقدام به درگیر کردن کارکنان در رفتارهای فرا محیط زیستی می‌کنند، در حالی که بخشی از شرح شغلی رسمی آنها نبوده و در موفقیت سیستم‌های رسمی مدیریت محیط زیست در سازمان همکاری دارند [۱۹]. این مطالعه به دلیل وجود خلأ پژوهشی و عدم وجود مطالعه‌ای با عنوان و محتوا مشابه این پژوهش به صورت آمیخته انجام شد و در فاز کیفی پس از مصاحبه با خبرگان، پرسشنامه و مدل نظری تحقیق اکتشاف شد و محقق بر مبنای آن به تکمیل اجزا مدل رفتار شهروندی زیست-محیطی با تأکید بر عواطف اخلاقی در صنایع تولیدی استان مازندران که هر مؤلفه دارای ابعاد مختلفی هستند، پرداخت. مدل تحقیق، در دو بُعد اصلی رفتار شهروندی زیست-محیطی و عواطف اخلاقی طراحی شد که زیرمؤلفه‌های رفتار شهروندی زیست-محیطی شامل سازگاری محیطی، فعالیت‌های محیطی، ابتکارات زیست محیطی، کمک زیست محیطی، حمایت محیطی و زیرمؤلفه‌های عواطف اخلاقی شامل تربیت و رشد اخلاقی، خصلت‌های اخلاقی، خودآگاهی اخلاقی، قابل ذکر است که این ابعاد حاصل بررسی متون نظری و مصاحبه با خبرگان حوزه حفظ محیط زیست بود. مدل نظری مورد نظر پژوهش بعد از فاز کیفی و بر اساس تحلیل محتوای حاصل از مصاحبه با خبرگان تدوین و سپس در فاز کمی پژوهش جهت تعمیم‌پذیری بیشتر تست کمی گردید و در نهایت اجزا ابعاد مدل رفتار شهروندی زیست-محیطی با تأکید بر عواطف اخلاقی تبیین شدند که شکل زیر بیانگر ابعاد اولیه مدل مورد نظر تحقیق است که اجزا آن در دو فاز کیفی و کمی اکتشاف، تبیین شدند:



شکل ۱. ابعاد اولیه مدل مورد نظر پژوهش [۱۷، ۱۶، ۲۱، ۲۲۰].

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع مطالعات همبستگی بود که مبتنی بر معادلات ساختاری است و از لحاظ هدف در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد و از نظر اجراء، به شکل میدانی انجام شده است.

روش نمونه‌گیری، جامعه و نمونه آماری در مرحله کیفی

روش نمونه‌گیری در این تحقیق غیر تصادفی و از نوع هدفمند در دسترس بود. در این مرحله، با ۳۰ نفر از خبرگان دانشگاهی رشته‌های مدیریت دولتی و رفتار سازمانی و خبرگان صنایع تولیدی، مصاحبه صورت گرفت. قابل ذکر است که این افراد دارای مدرک دکتری مدیریت و حداقل ۵ سال سابقه کار اجرایی و یا حداقل ۱۵ سال سابقه کار اجرایی مرتبط با مدیریت و تجربه کافی در حوزه رفتار شهروندی محیطی بوده و نیز در حوزه موضوع تحقیق حاضر دارای تألیفات، مقالات و فعالیت‌های پژوهشی بوده‌اند و خبرگی آنها پس از بررسی رزومه کاری و تحقیقاتی آنها توسط اساتید راهنما و مشاور مورد تأیید قرار گرفت. بعد از انجام مصاحبه و پس از رسیدن به اشباع نظری، مصاحبه‌ها متوقف شد. با جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه و مطالعه پیشینه تحقیق، با استفاده از روش تحلیل محتوا و دلفی فازی، داده‌های مصاحبه‌ای و متنی کدبندی شدند. کدبندی اطلاعات در سه مرحله است: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام گردید. ساختار پرسشنامه شکل گرفت.

روش نمونه‌گیری، جامعه و نمونه آماری در مرحله کمی

روش نمونه‌گیری در این مرحله هدفمند در دسترس بود. معیارهای ورود آزمودنی‌ها در تحقیق، آگاهی از رفتار شهروندی زیست-محیطی، داشتن سابقه کاری و اجرایی و نیز مدیریتی در صنایع تولیدی استان مازندران بود و معیارهای خروج نیز عدم تمایل به پاسخگویی صادقانه به سئوالات و نداشتن رضایت جهت شرکت در مطالعه بود. تعداد جامعه آماری پژوهش برابر با ۱۰۹۶۲ نفر بوده که حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۳۷۱ نفر برآورد شد. برای اطمینان بیشتر و برگشت‌پذیری پرسشنامه‌ها تعداد ۵۰۰ پرسشنامه توزیع گردید و در نهایت ۴۰۰ پرسشنامه به محقق عودت داده شده است. از بین پرسشنامه‌های برگشتی ۲۹ پرسشنامه مخدوش بوده و بنابراین تعداد ۳۷۱ پرسشنامه در تجزیه و تحلیل استفاده شده است و تعداد نمونه تحقیق در پژوهش حاضر به ۳۷۱ نفر رسید که از خبرگان بودند که در پُر کردن پرسشنامه همکاری داشتند.

پس از استخراج عوامل مذکور از فاز کیفی پرسشنامه تحقیق طی مراحل رفت و برگشت از تعداد ۱۶۴ سؤال به ۷۶ سؤال تقلیل پیدا کرد و در نهایت مورد تأیید اساتید راهنما و مشاور قرار

گرفت. البته رواىى محتواىى و رواىى صورى و پايابى ابتداىى پرسشنامه با استفاده از نظرهاى اصلاحي ۱۵ تن از استادان مديريت دولتى تعيين شد و برابى سنجش پايابى از آزمون آلفاى كرونباخ بهره گرفته شده است. پرسش نامه يكى از ابزارهاى رايج جمع‌آورى داده‌ها به صورت ميدانى مى‌باشد. به اين منظور، با مطالعه ادبيات، پيشينه تحقيق‌هاى انجام شده و انجام تحليل كيفى و با راهنماىى و اعمال نظرات اساتيد محترم راهنما و مشاور، پرسش‌نامه‌اى استاندارد در قالب طيف ۵ گزينه‌اى ليكرت (خيلى زياد، زياد، متوسط، كم، خيلى كم) طراحي و شكل گرفت.

همان طور كه اشاره شد به منظور جمع‌آورى داده‌ها و اطلاعات برابى تجزيه و تحليل از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گرديده است كه شامل دو قسمت سؤالات عمومى و تخصصى است. در ۵ سؤال عمومى (شامل سن، جنسيت، رشته تحصيلى، ميزان تحصيلات و سابقه كار) سعى شده تا اطلاعات كلى و جمعيت‌شناختى در رابطه با پاسخ‌دهندگان جمع‌آورى گردد، هم‌چنين با ۷۶ سؤال تخصصى در حوزه رفتار شهروندى زىست- محىطى و عواطف اخلاقى سعى شده تا ابعاد رفتار شهروندى زىست- محىطى و عواطف اخلاقى مورد سنجش قرار گرفت.

سؤالات تخصصى در دو بُعد اصلى رفتار شهروندى زىست- محىطى (۴۲ گويه) و عواطف اخلاقى (۳۴ گويه) طراحي شد كه بُعد رفتار شهروندى زىست- محىطى داراى زيرمؤلفه‌هاى شامل سازگارى محىطى (۱۰ گويه)، فعاليتهاى محىطى (۹ گويه)، ابتكارات زىست محىطى (۸ گويه)، كمك زىست محىطى (۸ گويه)، حمايت محىطى (۷ گويه) و بُعد عواطف اخلاقى داراى زيرمؤلفه‌هاى تربيت و رشد اخلاقى (۱۳ گويه)، خصلت‌هاى اخلاقى (۱۰ گويه)، خودآگاهى اخلاقى (۱۱ گويه) بود.

رواىى صورى و محتواىى و نيز ساختارى پرسشنامه با استفاده از نظرهاى اصلاحي ۱۵ تن از استادان مديريت دولتى و سازمانى و اساتيد راهنما و مشاور تعيين شد و برابى سنجش پايابى از آزمون آلفاى كرونباخ بهره گرفته شده است. ميزان آلفاى كرونباخ محاسبه شده برابى كل پرسشنامه، به صورت تفكيكى به تفكيك هر حيطه در جدول زير شرح داده است.

جدول ۱. آزمون آلفای کرونباخ

| پایایی مرکب | آلفای کرونباخ | تعداد گویه (سؤال) | حیطه‌های پرسشنامه (زیرعامل‌ها) | پایایی ترکیبی | آلفای کرونباخ | تعداد گویه (سؤال) | پرسشنامه (عامل اصلی) | پرسشنامه |
|-------------|---------------|-------------------|--------------------------------|---------------|---------------|-------------------|--------------------------|----------------------------------|
| ۰/۸۷۶ | ۰/۸۴۲ | ۱۰ | سازگاری محیطی | ۰/۹۶۵ | ۰/۹۶۳ | ۴۲ | رفتار شهروندی زیست-محیطی | پرسشنامه‌های محقق‌ساخته‌ی اخلاقی |
| ۰/۸۹۳ | ۰/۸۶۱ | ۹ | فعالیت‌های محیطی | | | | | |
| ۰/۸۷۶ | ۰/۸۳۵ | ۸ | ابتکارات زیست محیطی | | | | | |
| ۰/۹۰۰ | ۰/۸۷۳ | ۸ | کمک زیست محیطی | | | | | |
| ۰/۹۳۱ | ۰/۸۱۳ | ۷ | حمایت محیطی | | | | | |
| ۰/۹۵۹ | ۰/۹۵۳ | ۱۳ | تربیت و رشد اخلاقی | ۰/۹۷۶ | ۰/۹۷۴ | عواطف اخلاقی | | |
| ۰/۹۳۶ | ۰/۹۲۴ | ۱۰ | خصلت‌های اخلاقی | | | | | |
| ۰/۹۵۴ | ۰/۹۴۶ | ۱۱ | خودآگاهی اخلاقی | | | | | |

برای انجام این پژوهش از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد و تجزیه و تحلیل متغیرها نیز، به کمک نرم‌افزار smart pls و spss 20 انجام گردید. از مدل یابی معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار smart pls نسخه ۳ برای بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش بهره گرفته شد.

یافته‌ها

توزیع فراوانی ویژگی‌های فردی نمونه‌ها نشان داد که از نظر شاخص سن شرکت کنندگان در بازه سنی (۴۰ - ۳۱) سال با ۶۰/۴۰ درصد بیشترین فراوانی و شرکت کنندگان بالاتر از ۵۱ سال با ۵/۹ درصد دارای پایین‌ترین فراوانی داشتند و ۶۸/۲ درصد نمونه از نظر جنسیتی مرد و تنها ۳۱/۸ درصد آن‌ها زن بودند. از نظر شاخص میزان تحصیلات نمونه‌ی آماری با مدرک تحصیلی لیسانس (کارشناسی) با ۵۷/۴ درصد و پس از آن با مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس (کارشناسی ارشد) با ۲۶/۷ درصد بیشترین میزان فراوانی و نمونه آماری با مدرک تحصیلی دکتری با ۱۵/۹ درصد دارای کمترین میزان فراوانی بودند. از نظر شاخص سابقه‌ی کاری (خدمت) نمونه آماری بیشترین فراوانی در بازه‌ی سنی (۲۰-۱۱) سال سابقه‌ی کاری با ۵۷/۷ درصد و کمترین فراوانی در بازه‌ی سنی (۱۰-۱) سال با ۱۴/۶ درصد بودند.

در ابتدا جهت اطمینان از صحت نتایج به دست آمده نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی به تأیید این مهم پرداخته شد که سؤالات پرسشنامه به خوبی توانسته‌اند آن چیزی را بسنجند که مدنظر ما بوده‌اند و در نهایت با استفاده از مدل معادلات ساختاری در مورد رد فرض صفر یا عدم وجود دلایل کافی رد فرض صفر اظهار نظر گردید. طبق نتایج آزمون‌های آماری در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد: متغیرهای موجود در پژوهش دارای توزیع آماری نرمال قابل قبولی بودند. قابل ذکر است که در استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل معادلات ساختاری نیازی به بررسی نرمال یا غیر نرمال بودن داده‌ها نیست و

نتایج آن به نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌ها وابسته و حساس نیست و نیازی به گزارش نرمال بودن یا نبودن داده‌ها نبوده و در صورت گزارش نرمال بودن در نرم افزار spss از آزمون t و از آزمون باینومیال (Binomial) اگر داده‌ها نرمال نبود، استفاده می‌گردید و چون در ابتدا تصمیم بر استفاده از نرم‌افزار spss بوده برای همین نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی واقع شد و در نهایت با توجه به نتایج بدست آمده از نتایج نرمال بودن داده‌ها در جدول شماره ۲ از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در ادامه تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول سازه‌های پرسشنامه می‌پردازیم:

جدول ۲. نتایج نرمال بودن متغیرهای موجود در پژوهش

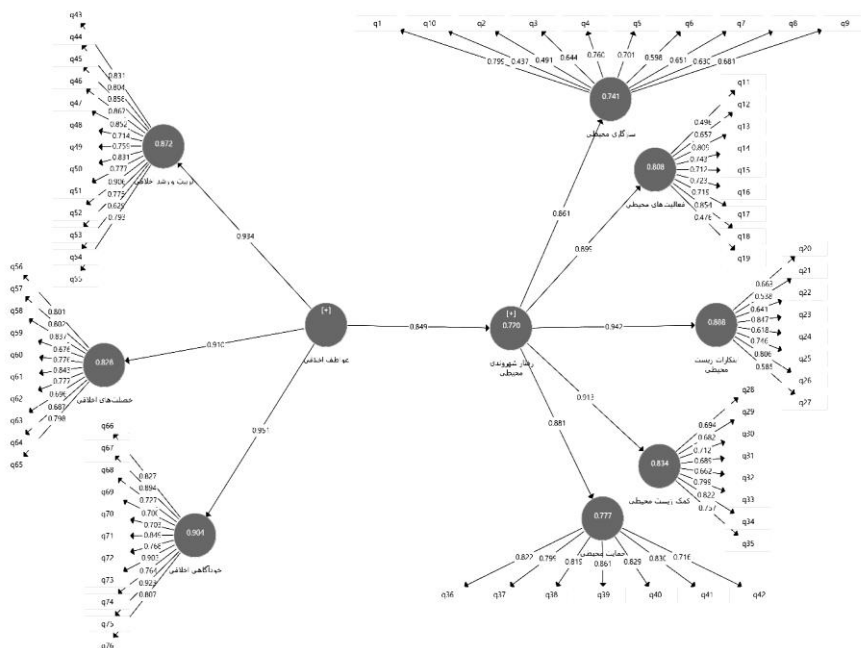
| P-value | مقدار (z) | آزمون آماری | |
|---------|-----------|-----------------------------|-------------------------|
| | | ابعاد و حیطه‌های پرسشنامه‌ی | پرسشنامه |
| ۰/۱۴۶ | ۲/۲۴۱ | رفتار شهروندی زیست- محیطی | پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی |
| ۰/۱۴۲ | ۲/۲۳۴ | سازگاری محیطی | |
| ۰/۲۵۸ | ۲/۳۴۲ | فعالیت‌های محیطی | |
| ۰/۳۴۲ | ۱/۷۶۴ | ابتکارات زیست محیطی | |
| ۰/۱۷۶ | ۲/۱۲۴ | کمک زیست محیطی | |
| ۰/۲۱۴ | ۱/۷۶۵ | حمایت محیطی | |
| ۰/۳۱۲ | ۳/۱۲۵ | عواطف اخلاقی | |
| ۰/۴۱۲ | ۲/۶۷۳ | تربیت و رشد اخلاقی | |
| ۰/۸۲۴ | ۵/۶۴۲ | خصلت‌های اخلاقی | |
| ۰/۳۱۲ | ۱/۸۴۵ | خودآگاهی اخلاقی | |

در ادامه و پیش از آزمون تحلیل مسیر، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، سؤالات بکار رفته در ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه) به تفکیک متغیرهای پژوهش از نظر قابلیت برآزش مدل مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۳ آمده است. در رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS)، کیفیت و برآزش مدل با استفاده از دو شاخص فزونگی (-CV Redundancy) و همه‌داشت (CV-Communality) سنجیده می‌شود و مقادیر شاخص‌های مذکور در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. مقادیر شاخص‌های CV-Red و CV-Com برای متغیرهای مدل تحقیق

| CV- Com | CV-Red | متغیرهای پرسشنامه | پرسشنامه (عامل اصلی) | پرسشنامه |
|---------|--------|---------------------|-------------------------------|-------------------------------|
| ۰/۱۸۷ | ۰/۱۲۳ | سازگاری محیطی | رفتار شهروندی زیست - محیطی | پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته‌ی محیطی |
| ۰/۱۳۰ | ۰/۲۰۶ | فعالیت‌های محیطی | | |
| ۰/۱۷۳ | ۰/۲۱۹ | ابتکارات زیست محیطی | | |
| ۰/۱۲۵ | ۰/۱۳۷ | کمک زیست محیطی | | |
| ۰/۱۸۶ | ۰/۲۴۱ | حمایت محیطی | | |
| ۰/۱۱۰ | ۰/۱۷۶ | تربیت و رشد اخلاقی | عواطف اخلاقی | |
| ۰/۱۰۲ | ۰/۱۵۱ | خصلت‌های اخلاقی | | |
| ۰/۱۶۴ | ۰/۲۱۷ | خودآگاهی اخلاقی | | |

با توجه اطلاعات جدول ۳، مقادیر به دست آمده برای شاخص‌های بررسی فزونگی که کیفیت مدل ساختاری را نشان می‌دهد و بررسی همه‌داشت، همگی مثبت هستند که نشان‌دهنده کیفیت مناسب مدل آزمون شده است. در ادامه مدل آزمون شده تحقیق به همراه ضریب مسیر به دست آمده برای تمامی مسیرهای مدل در جدول ۴ و شکل ۲، مشخص گردیده است.



شکل ۲. مدل ساختاری برازش شده رفتار شهروندی محیطی با تأکید بر عواطف اخلاقی

جدول ۴. مقادیر ضریب مسیر مستقیم و آماره t مسیرهای مدل پژوهش

| مسیر | رابطه | | ضریب مسیر | آماره t | P-value |
|----------------------------|-------|---------------------|-----------|---------|---------|
| | → | عواطف اخلاقی | | | |
| ۱ رفتار شهروندی زیست-محیطی | → | عواطف اخلاقی | ۰/۸۴۹ | ۷۱/۰۱۳ | ۰/۰۰۰۱ |
| ۲ عواطف اخلاقی | → | تربیت و رشد اخلاقی | ۰/۹۳۴ | ۱۹۹/۶۴۳ | ۰/۰۰۰۱ |
| ۳ عواطف اخلاقی | → | خصلت‌های اخلاقی | ۰/۹۱۰ | ۹۴/۹۱۵ | ۰/۰۰۰۱ |
| ۴ عواطف اخلاقی | → | خودآگاهی اخلاقی | ۰/۹۹۱ | ۲۴۰/۶۵۱ | ۰/۰۰۰۱ |
| ۵ رفتار شهروندی زیست-محیطی | → | سازگاری محیطی | ۰/۸۶۱ | ۷۰/۳۱۳ | ۰/۰۰۰۱ |
| ۶ رفتار شهروندی زیست-محیطی | → | فعالیت‌های محیطی | ۰/۸۹۹ | ۸۲/۰۱۲ | ۰/۰۰۰۱ |
| ۷ رفتار شهروندی زیست-محیطی | → | ابتکارات زیست محیطی | ۰/۹۴۲ | ۱۳۶/۸۷۶ | ۰/۰۰۰۱ |
| ۸ رفتار شهروندی زیست-محیطی | → | کمک زیست محیطی | ۰/۹۱۹ | ۸۵/۶۵۶ | ۰/۰۰۰۱ |
| ۹ رفتار شهروندی زیست-محیطی | → | حمایت محیطی | ۰/۸۸۱ | ۸۲/۴۹۹ | ۰/۰۰۰۱ |

با توجه به الگوی تفسیری در مدل سازی معادلات ساختاری، چنانچه مقدار آماره t مربوط به یک مسیر از ۱/۹۶ بزرگ تر باشد می توان گفت که مسیر مربوطه در سطح ۹۵ درصد معنی دار می باشد و فرضیه مربوط به آن مسیر تأیید می گردد. با توجه به نتایج بالا (جدول ۴) می توان این گونه نتیجه گیری نمود که بین گویه (عامل) های حیطه مورد بحث در ارائه مدل و همچنین با تمام مؤلفه های مورد بحث آن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب مسیر تأثیر گویه (عامل) های هر بعد و حیطه بر مدل رفتار شهروندی زیست-محیطی و عواطف اخلاقی در جدول فوق مشخص شده است. با توجه به نتایج جدول فوق، نتایج ذیل به دست می آید:

- بین رفتار شهروندی زیست-محیطی و عواطف اخلاقی رابطه معنی داری برقرار است.
- بین ابعاد رفتار شهروندی زیست-محیطی از مدل پژوهش و هر کدام از زیر مؤلفه های سازگاری محیطی، فعالیت های محیطی، ابتکارات زیست محیطی، کمک زیست محیطی، حمایت محیطی رابطه معنی داری برقرار است.
- بین ابعاد عواطف اخلاقی از مدل پژوهش و زیر مؤلفه های تربیت و رشد اخلاقی، خصلت های اخلاقی، خودآگاهی اخلاقی رابطه معنی داری برقرار است.

روش ارزیابی مدل ساختاری: اولین معیار کلیدی که بدین منظور در نرم افزار (Smart PLS(3) مورد استفاده قرار می گیرد، ضریب تبیین R^2 است که مقدار این ضریب نیز از ۰ تا ۱ متغیر است که مقادیر بزرگ تر، مطلوب تر است. برای بررسی برازش مدل در حداقل مربعات جزئی، از معیار کیفیت جهانی استفاده می کنیم:

$$GOF = \sqrt{\text{communality} \times \overline{R^2}}$$

که در آن «communality» میانگین اشتراک هر متغیر و کیفیت مدل بیرونی را می سنجد؛ « $\overline{R^2}$ » میانگین R^2 برای هر متغیر پنهان برونزا است؛ و R^2 کیفیت مدل داخلی را می سنجد و برای هر متغیر درونزا بر طبق متغیر پنهان که آن را توضیح می دهد، محاسبه

می‌شود. برازش بالای مدل نشان می‌دهد که این مدل توسط حداقل مربعات جزئی به خوبی تبیین شده است. شاخص نیکویی برازش (Goodness of Fit (GOF)) بالاتر از ۰/۵ نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است.

جدول ۵. محاسبه برازش مدل ساختاری

| متغیر | مقادیر اشتراکی | R2 |
|--------------------------|----------------|-------|
| رفتار شهروندی زیست محیطی | ۰/۵۶۸ | ۰/۷۲۰ |
| سازگاری محیطی | ۰/۵۱۹ | ۰/۷۴۱ |
| فعالیت‌های محیطی | ۰/۵۸۸ | ۰/۸۰۸ |
| ابتکارات زیست محیطی | ۰/۵۷۴ | ۰/۸۸۸ |
| کمک زیست محیطی | ۰/۵۳۲ | ۰/۸۳۴ |
| حمایت محیطی | ۰/۶۵۹ | ۰/۷۷۷ |
| عواطف اخلاقی | ۰/۵۴۸ | - |
| تربیت و رشد اخلاقی | ۰/۶۴۴ | ۰/۸۷۲ |
| خصلت‌های اخلاقی | ۰/۵۹۵ | ۰/۸۲۸ |
| خودآگاهی اخلاقی | ۰/۶۵۵ | ۰/۹۰۴ |
| شاخص نیکویی برازش | GOF= ۰/۶۹۴ | |

با توجه به جدول ۵ مقدار GOF برای مدل پژوهش بالای ۰/۵ است. بنابراین مدل پژوهش، قدرت آزمون مسیرها را دارد. بدست آوردن مقدار ۰/۶۹۴ برای GOF در مورد مدل مفهومی پژوهش، برازش بسیار مناسب مدل کلی آن تأیید می‌شود.

بحث و بررسی

از نتایج تحقیق حاضر می‌باشد که بین رفتار شهروندی زیست محیطی و عواطف اخلاقی رابطه معنی‌داری برقرار است و مدل تدوین شده نیز حاکی از آن است که عواطف اخلاقی و ابعاد آن بر رفتار شهروندی زیست محیطی اثرگذار هستند. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق گلدمن و همکاران (۲۰۲۰) [۲۰]، کان و همکاران (۲۰۱۹) [۲۲]، سونگ (Song) و همکاران (۲۰۱۹) [۲۳]، پایلی (Pailié) و همکاران (۲۰۱۶) [۲۴] و بویرال (Boiral) و همکاران (۲۰۱۳) [۲۵] هم‌راستا می‌باشد. بویرال (Boiral) و همکاران (۲۰۱۳)، در مطالعه خود اذعان داشتند که مدیرانی که مایل به بهبود عملکرد زیست محیطی سازمان‌هایشان هستند، این مدیران باید نه تنها بر شیوه‌های مدیریت رسمی تمرکز کنند، بلکه باید در رفتارهای محیطی خود در فعالیت‌های

روزمره تمرکز کنند. این تحقیق بر اساس روانشناسی اجتماعی نشان می‌دهد که باورها و ارزش‌ها در توضیح رفتارها نقش مهمی دارند، مخصوصاً در رابطه با مسائل مربوط به محیط زیست عمومی [۲۵]. گلدمن و همکاران (۲۰۲۰) نیز در مطالعه خودشان دریافتند که انسانیت نقش مهمی در توسعه و بهبود محیط زیست و رفتار شهروندی زیست محیطی دارد [۲۰].

رایبری (Raineri) و همکاران (۲۰۱۶)، تحقیقی مشترک در رابطه با نگرش‌های مرتبط با موضوعات زیست محیطی و برخی ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با منبع کنترل، باز بودن نظام اعتقادی و درک از خود افراد انجام دادند و نتایج نشان داد که افراد خود کنترل و هدف‌گرا رفتارهای مطلوب‌تری نسبت به محیط زیست از خود نشان می‌دهند. همچنین این تحقیق نشان داد که افرادی که خود را مشرف بر اتفاقات رخ داده در محیط خود می‌دانند، تمایلات کمتری برای دفاع از قوانین و محدودیت‌های طراحی شده برای محافظت و یا بهبود کیفیت محیط زیست دارند [۲۶]. در همین رابطه وسلینک (Wesseling) و همکارانش (۲۰۱۷) معتقدند که، دو بعد شوارتر یعنی طرفداری از خود، طرفداری از جامعه و بازبودن برای تغییر محافظه‌گرایی، می‌توانند راهنمایی برای تفسیر رفتارهای مرتبط با محیط زیست باشند. افراد خودپرست به مانند محافظه‌کاران به احتمال کمتری رفتارهای محافظت از محیط از خود نشان می‌دهند. چنین روابطی بین ارزش‌های اجتماعی و زیست محیطی می‌تواند پایه اجتماعی زیست محیطی در راه آزمون ارزش‌های زیست محیطی به کار آید. افرادی که آمادگی بیشتری برای تغییر دارند، دگر دوست هستند و احساس نزدیکی با طبیعت می‌کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که رفتارهای محافظت از محیط بیشتری از خود نشان دهند [۲۷]. رابرتسون (Robertson) و همکاران (۲۰۱۳) اشاره داشتند بخشی از رفتار شهروندی سازمانی را رفتار شهروندی محیطی تشکیل می‌دهد که بر رفتارهای فردی کارکنان نسبت به محیط کاری مؤثر است [۲۸]. در این راستا فلامر (Flammer) (۲۰۱۳) اشاره داشت کارکنانی که رفتارهای شهروندی زیست-محیطی را از خود بروز می‌دهند رفتارهای ارادی و فراتر از وظیفه آنها است [۲۹]. بویرال (Boiral) (۲۰۰۷) در پژوهشی میزان توجه و استفاده از سیستم‌های مدیریت زیست محیطی را مورد بررسی قرار داد که نتایج نشان‌دهنده آن بود که سازمان‌ها تلاش‌های تشریفاتی در راستای رعایت استانداردهای آن کرده‌اند و این افراد بوده‌اند که بیشتر به صورت اقدامات خودجوش و اختیاری در سازمان این استانداردها را رعایت کرده‌اند [۳۰]. لام (Lamm) و همکاران (۲۰۱۵) پیشنهاد دادند که برای ترویج رفتارهای زیست محیطی در محیط کار، از رفتارهایی همچون بازیافت، کاهش استفاده از منابع مضر با طبیعت و استفاده مجدد از وسایل در کارهای دیگر استفاده کنید. همین‌طور تعهد کارکنان در رفتارهای داوطلبانه و خودجوش در راستای حمایت از محیط زیست پایدار می‌تواند تبدیل به یک نیروی اصلی و پشتکار برای ایجاد تلاش‌های مداوم در راستای توجه به شرکت به

محیط زیست شود [۳۱]. روانشناسان نشان داده‌اند که واکنش‌های حسی، روانی و اخلاقی فرد با دوران طفولیت، پرورش ذهنی و عاطفی و نیز محیط زندگی او پیوندی منطقی و ناگسستنی برقرار می‌کند. عواطف و هیجانات یکی از مهمترین ساحت‌های وجودی انسان است که چپستی و کارکرد آن، به میزان اهمیتش دچار ابهام و پیچیدگی است. ارزش‌های اخلاقی، برخاسته از اموری واقعی و عینی هستند که مستقل از عواطف و هیجانات انسانی، وجودی تشخیص یافته دارند [۱۰]. عواطف اخلاقی براساس تفاوت‌گذاری میان نقش همدردی و نفع شخصی در کنش، طرح می‌شود. نفع شخصی را نیروی محرک رفتار و همدردی را نیروی تنظیم‌گر رفتار می‌خواند که هر یک در سطحی متفاوت عمل می‌کنند. محرکی که همچنان برای رفتارها می‌توان فرض کرد نفع شخصی است اما همدردی نیز به مثابه نیروی تنظیم‌کننده در رفتارها عمل می‌کند [۸].

از آنجا که سازمان‌ها تلاش‌های مربوط به رفتارهای شهروندی زیست محیطی خود را افزایش می‌دهند، چالش اصلی در حال حاضر تفسیر سیاست‌های رسمی سازمانی نسبت به ابتکارات فردی غیرمتمرکز است که حاصل عواطف و احساسات اخلاقی کارکنان در محیط کار می‌باشد [۲۵]. در غیراینصورت، برنامه‌ها به صورت ضعیف ادغام می‌شوند، نوآوری‌ها از بین می‌روند، فناوری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و مشکلات به موقع و مؤثر برطرف نمی‌شوند [۲۸]. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رفتار شهروندی زیست محیطی کارکنان وابسته به احساسات و عواطف اخلاقی آنهاست. مفهوم شهروندی زیست محیطی متضمن رفتار است - یک شهروند فعال درگیر که از حقوق و تعهدات زیست محیطی خود در حوزه‌های خصوصی و عمومی استفاده می‌کند [۲۲]. لیو (Liu) و همکاران (۲۰۲۰) اشاره داشتند دانش نقشی اساسی در تأثیرگذاری بر رفتار حامی محیط زیست و به همین ترتیب در توسعه شهروندی محیط زیست دارد. تلاش در جهت پرورش دانش به تنهایی در آموزش شهروندی محیطی، بدون پیوند به زندگی واقعی، شایستگی‌ها و ارزش‌ها، به خاطر یک جهان پایدار کافی نیست [۲۱]. یو (Yu) و همکاران (۲۰۱۹) بیان داشتند برنامه‌های آموزش سبز می‌توانند از طریق اهداف بازیافت منابع، شهروندی زیست محیطی را برقراری ارتباط، ارتقا، فعال و داخلی سازند. حمایت و فعالیت به عنوان اتخاذ رفتارهای شهروندی محیطی تلقی می‌شود [۱۱]. از طرفی سونگ (Song) و همکاران (۲۰۱۹) بیان داشتند اعتماد پیوند بین دلبستگی به مکان و رفتار شهروندی زیست محیطی را تقویت می‌کند. تحرک، اعتماد و وابستگی مکانی به طور مشترک بر رفتار شهروندی زیست محیطی تأثیر می‌گذارد [۲۳]. عواطف اخلاقی از یک سو به دلیل برخی ویژگی‌های وجودی آن، نظیر سرعت مواجهه با بزنگاه‌های رفتاری و تحقق فوری فعل، با واکنش‌های عاطفی و هیجانی که آن‌ها هم به سرعت شکل می‌گیرند، همراهی بیشتری دارد. از سوی دیگر، تحقق رفتار در آدمی به جهت علی، ارتباط مستقیمی با بعد انگیزشی دارد و انگیزش‌های انسانی به شکل مؤثری از

ساحت‌های عاطفی و هیجانی، تأثیر می‌پذیرد. این عامل ارتباط ساحت عاطفی و هیجانی انسان را با بُعد رفتاری تقویت می‌کند. دانش‌ها و تمایلات انسان، زمینه‌ساز رفتارهای اوست. بسیاری از رفتارهای روزمره که پیامدهای منفی برای محیط دارند، بر حسب رفتار مبتنی بر عادت صورت می‌گیرند [۱۸].

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که انجام پژوهش در صنایع تولیدی استان مازندران موجب کاهش تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش به سایر صنایع می‌شود. همچنین محدودیت‌های زمانی جهت انجام تحقیق و کوتاه بودن دوره نمونه‌گیری و نیز متقاعد نمودن افراد در مورد محرمانه بودن اطلاعات و ابراز عقایدشان نسبت به سازمان از موارد محدودیت‌های پژوهش بودند.

نتیجه‌گیری

به طور کلی، به نظر می‌رسد که ارتباط عواطف اخلاقی و میزان تأثیرگذاری آن بر رفتار شهروندی زیست محیطی حائز اهمیت است و ارتباط معناداری بین آنها برقرار است و نتایج این پژوهش به بهبود ادراک از عامل‌هایی که درگیری کارکنان در رفتارهای شهروندی زیست-محیطی را ایجاد می‌کنند، کمک خواهد کرد.

فهرست منابع

1. Usman O, Olanipekun IO, Iorembor PT, Abu-Goodman M. Modelling environmental degradation in South Africa: the effects of energy consumption, democracy, and globalization using innovation accounting tests. *Environmental Science and Pollution Research*. 2020 Mar;27(8):8334-49.
2. Balsalobre-Lorente D, Driha OM, Shahbaz M, Sinha A. The effects of tourism and globalization over environmental degradation in developed countries. *Environmental Science and Pollution Research*. 2020 Mar;27(7):7130-44.
3. Vesely S, Klöckner CA. Social desirability in environmental psychology research: three meta-analyses. *Frontiers in Psychology*. 2020;11.
4. Tam KP, Chan HW. Environmental concern has a weaker association with pro-environmental behavior in some societies than others: A cross-cultural psychology perspective. *Journal of Environmental Psychology*. 2017 Nov 1;53:213-23.
5. Organ DW. Organizational citizenship behavior: Recent trends and developments. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*. 2018 Jan 21;80:295-306.
6. Luu TT. Building employees' organizational citizenship behavior for the environment. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*. 2019 Jan 14.
7. Robertson JL, Barling J. Toward a new measure of organizational environmental citizenship behavior. *Journal of Business Research*. 2017 Jun 1;75:57-66.
8. Asah ST, Bengston DN, Westphal LM, Gowan CH. Mechanisms of children's exposure to nature: Predicting adulthood environmental citizenship and commitment to nature-based activities. *Environment and Behavior*. 2018 Aug;50(7):807-36.
9. Woosnam KM, Strzelecka M, Nisbett GS, Keith SJ. Examining millennials' global citizenship attitudes and behavioral intentions to engage in environmental volunteering. *Sustainability*. 2019 Jan;11(8):2324.
10. Testa F, Corsini F, Gusmerotti NM, Iraldo F. Predictors of organizational citizenship behavior in relation to environmental and health & safety issues. *The International Journal of Human Resource*

Management. 2020 Jul 19;31(13):1705-38.

11. Yu TK, Lin FY, Kao KY, Chao CM, Yu TY. An innovative environmental citizen behavior model: Recycling intention as climate change mitigation strategies. *Journal of environmental management*. 2019 Oct 1;247:499-508.

12. Chin TL, Yean TF, Yahya KK. Elucidating the bonds between organizational ethical climate and corporate environmental citizenship. *Jurnal Pengurusan (UKM Journal of Management)*. 2018 Dec 31;54.

13. Greenbaum R, Bonner J, Gray T, Mawritz M. Moral emotions: A review and research agenda for management scholarship. *Journal of Organizational Behavior*. 2020 Feb;41(2):95-114.

14. Xie C, Bagozzi RP, Grønhaug K. The impact of corporate social responsibility on consumer brand advocacy: The role of moral emotions, attitudes, and individual differences. *Journal of Business Research*. 2019 Feb 1;95:514-30.

15. Liang D, Hou C, Jo MS, Sarigöllü E. Pollution avoidance and green purchase: The role of moral emotions. *Journal of cleaner production*. 2019 Feb 10;210:1301-10.

16. Han Z, Wang Q, Yan X. How responsible leadership motivates employees to engage in organizational citizenship behavior for the environment: A double-mediation model. *Sustainability*. 2019 Jan;11(3):605.

17. Takahashi B, Tandoc Jr EC, Duan R, Van Witsen A. Revisiting environmental citizenship: The role of information capital and media use. *Environment and Behavior*. 2017 Feb;49(2):111-35.

18. Abbaszadeh M. Study of Intervening Effect of Environmental Responsible Attitude on the Relationship of between Place Attachment and Environmental Responsible Behavior. *Journal of Applied Sociology*. 2016 Aug 22;27(2):61-80. (Persian)

19. Salehi, S., Emamgholi, L. Effect of Social Capital on Environmental Behavior Case Study: Kurdistan Province. *Iranian Journal of Sociology*, 2013; 13(4): 90-115. (Persian)

20. Goldman D, Hansmann R, Činčera J, Radović V, Telešienė A, Balžekienė A, Vávra J. Education for Environmental Citizenship and Responsible Environmental Behaviour. *Conceptualizing Environmental Citizenship for 21st Century Education*. 2020:115.

21. Liu D, Upchurch RS, Curtis C. The fit of environmental citizenship models to energy tourism: the case of Ningbo China.

- Journal of Ecotourism. 2020 Jul 2;19(3):266-74.
22. Khan MA, Jianguo D, Ali M, Saleem S, Usman M. Interrelations between ethical leadership, green psychological climate, and organizational environmental citizenship behavior: A moderated mediation model. *Frontiers in psychology*. 2019 Aug 28;10:1977.
23. Song Z, Daryanto A, Soopramanien D. Place attachment, trust and mobility: Three-way interaction effect on urban residents' environmental citizenship behaviour. *Journal of Business Research*. 2019 Dec 1;105:168-77.
24. Paillé P, Mejía-Morelos JH, Marché-Paillé A, Chen CC, Chen Y. Corporate greening, exchange process among co-workers, and ethics of care: An empirical study on the determinants of pro-environmental behaviors at coworkers-level. *Journal of Business Ethics*. 2016 Jul;136(3):655-73.
25. Boiral O, Talbot D, Paillé P. Leading by example: A model of organizational citizenship behavior for the environment. *Business Strategy and the Environment*. 2015 Sep;24(6):532-50.
26. Raineri N, Paillé P. Linking corporate policy and supervisory support with environmental citizenship behaviors: The role of employee environmental beliefs and commitment. *Journal of Business Ethics*. 2016 Aug;137(1):129-48.
27. Wesselink R, Blok V, Ringersma J. Pro-environmental behaviour in the workplace and the role of managers and organisation. *Journal of cleaner production*. 2017 Dec 1;168:1679-87.
28. Robertson JL, Barling J. Greening organizations through leaders' influence on employees' pro-environmental behaviors. *Journal of organizational behavior*. 2013 Feb;34(2):176-94.
29. Flammer C. Corporate social responsibility and shareholder reaction: The environmental awareness of investors. *Academy of Management Journal*. 2013 Jun;56(3):758-81.
30. Boiral O. Corporate greening through ISO 14001: a rational myth?. *Organization Science*. 2007 Feb;18(1):127-46.
31. Lamm E, Tosti-Kharas J, King CE. Empowering employee sustainability: Perceived organizational support toward the environment. *Journal of Business Ethics*. 2015 Apr;128(1):207-20.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۶۴ - ۲۳۹

عدالت اجتماعی و نقش آن در امنیت اجتماعی از نگاه قرآن و روایات اسلامی

^۱ محسن غفوری پور

^۲ سید حمید شمع ریزی

^۳ کمال خواجه پور

چکیده

یکی از اهداف متعالی که بشر همواره و در طی قرن‌ها در صدد تحقق آن بوده؛ عدالت اجتماعی و بهره‌مندی از نتایج تحقق آن است. از نگاه قرآن، استقرار و اجرای عدالت در جامعه از مهم‌ترین وظایف انبیاء الهی به شمار می‌آید؛ از این رو اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی و در رأس آن، وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) به عنوان مصلحان الهی به این اصل فطری توجه ویژه داشته و به تبیین آن پرداخته‌اند. امنیت نیز با تمام ابعاد و زمینه‌هایش، از ضروریات زندگی فردی و اجتماعی انسان بوده و عدم وجود آن، خلأ بزرگ و فصل مشترک بسیاری از مشکلات بشر در زندگی محسوب می‌شود؛ بنابراین بررسی و تبیین این دو مقوله و ارتباط میان آن‌ها ضروری می‌نماید. در مقاله‌ی حاضر که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده، ضمن تبیین ماهیت عدالت اجتماعی، نقش آن در امنیت جامعه اسلامی و در دو بعد اجتماعی و اقتصادی از نگاه قرآن و روایات مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

عدالت اجتماعی، امنیت، روایات اسلامی، جامعه اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

Email: Mohsenghafourypour@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: shamerizi@iauyazd.ac.ir

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

Email: khajehpour@iauyazd.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۰

طرح مسأله

آرامش، رشد و شکوفایی انسان، بروز همه‌ی استعدادها و خلاقیت‌ها و نیل به همه‌ی کمالات انسانی در سایه‌ی امنیت به دست می‌آید. وجود حاکم، کارگزاران و انسان‌های عادل، حکومت عدالت‌محور و قوانین عادلانه، مقدمه‌ای برای ایجاد، بسط و گسترش امنیت در تمامی عرصه‌هاست. تحکیم پایه‌های حکومت و حفظ امنیت، اعمال اقتدار در بعد داخلی و خارجی، جز با برقراری عدالت ممکن نخواهد بود؛ عدالتی که در آن حق مظلومان از ظالمان، حق ضعیف از اقویا و حق فقرا از اغنیا بازستانده شود؛ عدالتی که موجب شود کسی به حقوق دیگران تعدی نکند. اگر عدالت تحقق یابد، ارکان جامعه به توازن می‌رسند و رضایت عمومی، جامعه را از هرج و مرج و تجاوز مصون می‌دارد. در جامعه‌ای که عدالت نباشد و اشراف به امتیازات ویژه برسند، حتی اگر عموم مردم از رفاه نسبی برخوردار باشند، مشاهده‌ی تبعیض، امنیت روانی جامعه را مخدوش کرده، مردم گرفتار عقده‌های روانی شده و از حدود خود تجاوز می‌نمایند؛ در نتیجه، دست به شورش می‌زنند که پیامدی جز بی‌ثباتی و ناامنی ندارد. علاوه بر این، در جامعه‌ای که افکار مردم آسیب‌پذیر بوده و به عادلانه بودن حاکم، کارگزاران و حکومت باور نداشته باشند، مقاومت در برابر دشمن خارجی هم با خطر جدی روبه‌رو می‌شود؛ به بیان دیگر امنیت خارجی و بین‌المللی در گرو امنیت داخلی و آن نیز در گرو تحقق عدالت در سطح جامعه است؛ در واقع هرگز بدون حضور عدالت، افراد احساس امنیت و آرامش نمی‌کنند؛ چرا که پیوند محکمی بین عدالت و امنیت در جامعه و در ذهنیت تک‌تک اعضای آن وجود دارد؛ از این رو اجرای عدالت به عنوان یکی از اساسی‌ترین راه‌کارهای تحقق امنیت، در اسلام مورد توجه ویژه قرار گرفته و لوازم و زمینه‌های لازم برای تحقق و اجرای هر دو مقوله به طور کامل و جامع بیان گردیده است. بنابراین با عنایت به جایگاه ویژه عدالت و امنیت در ساحت اجتماع و در منطق اسلام، ابتدا ماهیت عدالت و امنیت و نسبت بین آن دو تشریح و در ادامه تأثیر تحقق عدالت اجتماعی بر امنیت جامعه اسلامی در دو حوزه‌ی اجتماعی و اقتصادی بیان گردیده است.

۱- مفهوم شناسی

الف- عدالت اجتماعی

واژه‌شناسان، عدالت را به میانه‌روی، حدّ وسط میان افراط و تفریط (معین، ۱۳۸۶، ماده‌ی عدل)، تسویه و مساوات (طریحی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۳۴)، راستی و درستی، برابری و انصاف در داوری (معلوف، ۱۳۸۰، ماده عدل)، همسانی، همانندی، نظیر و مثل، استقامت و ضد ظلم و جور (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۴، ۱۲) معنا کرده و گفته‌اند: عدل و عدل در معنی نزدیک به هم هستند، ولی عدل در چیزی است که تساوی آن با بصیرت درک شود و عدل در چیزی است که تساوی آن با حس فهمیده شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱، ۴۳۶). در کتاب العین، عدل، حکم به حق، معنا شده

است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲، ۳۸). راغب اصفهانی آن را به معنای تقسیم کردن به طور مساوی دانسته و آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ» (نحل، ۹۰) را چنین تفسیر کرده که عدل در آیه، مساوات در مکافات است، یعنی پاداش عمل خیر به اندازه خودش و جزای عمل شر هم مساوی خودش باشد و برای توضیح بیشتر این واژه می‌گوید: «عدل تقسیم کردن به طور مساوی است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده‌ی عدل). «عدالت در لغت به معنای استقامت چیزی، مستقیم بودن، مساوات، داد، انصاف، حُکم حق، میزان و امر متعادل آمده است» (دلشاد، ۱۳۷۹، ۱۶۵).

عدالت در اصطلاح علوم گوناگون، تعاریف مختلفی دارد؛ «عدالت در شریعت به معنای راستی در راه حق و برتری دادن عقل بر هوا و هوس است» (طباطبائی حکیم، ۱۳۹۱، ۱، ۴۶) و «در اصطلاح فقیهان، عبارت است از پرهیز از گناهان بزرگ و عدم اصرار بر گناهان کوچک. آنان رعایت تقوا و دوری از همه این‌ها را به ملکه عدالت تعبیر می‌کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ۱، ۱۰). «عدالت در اصطلاح حدّ وسط میان افراط و تفریط است، که عبارت است از تعدیل قوّه عملیه و تهذیب آن که از مهم‌ترین فضائل اخلاقی بوده و بستر کمالات معرفی شده است» (دلشاد، ۱۳۷۹، ۱۶۵). «عدل در قضاوت یعنی حُکم بالاستواء، یعنی به دور از انحراف و تمایل به یکی از دو طرف، فردی را «عدل» می‌گویند که پسندیده و دارای راه و روشی مستقیم، متعادل و به دور از انحراف باشد» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴، ۲۴۶). «عدالت اجتماعی یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن تخصیص منصفانه‌ی منابع در یک جامعه است. به این معنا قانون باید به سطح قابل قبولی از عدالت واقعی و رسمی دست یابد و باید توزیع منصفانه‌ی منابع و برابر فرصت‌ها را تضمین کند» (باری جوز، ۲۰۰۱، ۸۵۸).

در قرآن از عدالت به‌عنوان مهم‌ترین هدف بعثت پیامبران الهی سخن به میان آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید، ۲۵)؛ «وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَّسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ برای هر امتی، رسولی است؛ هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، به عدالت در میان آن‌ها داوری می‌شود و ستمی به آن‌ها نخواهد شد» (یونس، ۴۷). آیات بسیاری در قرآن در باب لزوم توجه به تأمین و برقراری قسط و عدل در قرآن به چشم می‌خورد به‌عنوان نمونه:

خداوند متعال در خطاب به داوود نبی (علیه‌السلام) که از نخستین پیامبرانی است که به تشکیل حکومت پرداخته، از او می‌خواهد که در بین مردم به حق داوری کند و از خواهش‌های نفسانی پیروی نکند: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ

الْهَوَى؛ ای داوود ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن» (ص، ۲۶). در آیه دیگری آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید» (نساء، ۵۸).

پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عنوان خاتم الانبیاء و برترین پیامبران الهی، از سوی خداوند متعال مأمور بر پا داشتن عدل و قسط در جامعه شد: «وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ؛ و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم» (شوری، ۱۵). ایشان با هدف تکامل مکارم اخلاقی، اجرای عدالت را سرلوحه رسالت خویش قرار داده و مساوات و برابری و اخوت را محقق ساختند، اما در این مسیر فقط به جنبه نظری در قالب پند و اندرز بسنده نکردند، بلکه موجبات کینه، حسد و انتقام‌جوئی‌ها؛ یعنی تبعیضات حقوقی را از بین برده و وحدت و یگانگی اجتماعی را در جامعه‌ای متوازن بوجود آوردند. آن حضرت در برخورد با مردم و در اجرای قانون هیچ‌گاه حکم خدا را تعطیل نکرده و همواره عدالت را برقرار نموده و به خداوند متعال قسم یاد کردند که در اجرای عدالت درباره هیچ‌کس، سستی نخواهند کرد؛ اگرچه مجرم از نزدیک‌ترین خویشاوندان آن حضرت باشد. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مورد اهمیت عادلانه بودن حکومت می‌فرماید: «عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً قِيَامَ لَيْلِهَا وَ صِيَامَ نَهَارِهَا وَ جَوْزُ سَاعَةٍ فِي حُكْمِ أَشَدُّ وَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَعَاصِي سِتِّينَ سَنَةً؛ یک ساعت عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبش به عبادت و روزش به روزه‌داری بگذرد و یک ساعت بی‌عدالتی در حکومت (داوری) نزد خدا سخت‌تر و سنگین‌تر از شصت سال گناه است» (شعیری، ۱۳۶۳، ۴۳۵). در رفتار عادلانه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) همین بس که در واپسین روزهای حیات خویش در مسجد مدینه فرمود: «هرکسی حقی برگردن من دارد برخیزد و اظهار کند؛ زیرا قصاص در این جهان آسان‌تر از قصاص روز رستاخیز است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۱، ۱۶۴؛ سبحانی، ۱۳۹۵، ۲، ۵۰۲).

امام علی (علیه‌السلام) نیز پیوسته مردم را در به کار بستن عدالت سفارش می‌فرمودند و به والیان و مأموران فرمان می‌دادند که کار به عدالت کنند و از راه عدالت منحرف نشوند. به‌گونه‌ای که در سخنان و نامه‌های کوتاه آن حضرت، بیشترین تأکید بر عدالت است؛ چنان‌که می‌فرماید: «العدل يضع الامور مواضعها؛ عدالت کارها را بدان‌جا که باید، می‌نهد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶، حکمت ۴۳۷). ایشان عدالت اجتماعی را به معنای تدبیر عمومی گرفته و می‌فرماید: «العدل سائس عام و الجود عارض الخاص؛ عدالت، تدبیر عمومی مردم است در حالی که بخشش، گروه خاصی را شامل است» (همان، حکمت ۴۲۷). بنابراین اگر این تعریف

و معنایی را که حضرت از عدالت اجتماعی ارائه داده‌اند، در کنار تعاریف دیگر ایشان برای عدالت قرار دهیم، می‌توانیم عدالت اجتماعی را از منظر امام علی (علیه‌السلام) این‌گونه تعریف نمائیم: عدالت اجتماعی عبارت است از تدبیر جامعه و امور مردم، به گونه‌ای که هر چیزی در جای خویش قرار گرفته و حق کسی ضایع نگردد.

امام باقر (علیه‌السلام) اجرای عدالت را عامل بی‌نیازی مردم می‌داند و می‌فرماید: «ما أَوْسَعَ الْعَدْلُ! إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ عَلَيْهِمْ؛ چه گسترده است دامنه عدالت! اگر عدالت در جامعه اجرا شود، مردم بی‌نیاز می‌شوند» (مغربی، ۱۳۸۵، ۱، ۳۸۰). امام صادق (علیه‌السلام) درباره این حقیقت که بی‌عدالتی عیب و عدالت خوشایند همگان است می‌فرماید: «إِتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا فَانكُمُ ثَعِيبُونَ عَلَى قَوْمٍ لَا يَعْدِلُونَ؛ از خداوند پروا کنید و به عدالت رفتار کنید؛ چراکه شما به قومی که عدالت نکند خرده می‌گیرید» (شیخ کلینی، ۱۳۸۸، ۳، ۲۱۷). هم‌چنین در خصوص مطلوبیت عدالت بیان می‌دارند: «الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الشَّهَادَةِ وَالْأَيُّنُ مِنَ الزَّيْدِ وَاطْيَبُ رِيحاً مِنَ الْمَشْكِ؛ عدل از عسل شیرین‌تر، از کره نرم‌تر و از مشک خوشبوتر است» (همان). امام رضا (علیه‌السلام) در مورد نتایج تحقق عدالت می‌فرماید: «اسْتِعْمَالُ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ مُؤَدِّنُ بَدَوَامِ التَّعْمَةِ؛ به کارگیری عدل و احسان و نیکویی موجب دوام و باقی ماندن نعمت می‌شود» (شیخ صدوق، ۱۳۷۳، ۲، ۲۴).

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد عدالت به عنوان اصلی اساسی و بنیادین در سیره عملی، حکومتی و نظری پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

ب- امنیت اجتماعی

از نظر لغوی کلمه امنیت ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد؛ اهل لغت آن را به معنی در امان و آسایش بودن (عمید، ۱۳۹۰، واژه امن)، ایمن شدن و بی‌بیمی (معین، ۱۳۸۶، ۱۲۲)، اطمینان خاطر یافتن و برطرف شدن ترس و بیم (افرام بستانی، ۱۳۸۹، ۳۲۳) گرفته‌اند. راغب در کتاب مفردات خود، امن و امنیت را در اصل به معنای آرامش نفس و از بین رفتن ترس دانسته (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۵)، فیومی در المصباح المنیر با ذکر مثال «أمن زيد الأسد أمانة» معنای امنیت را آرامش و زوال ترس یاد نموده، آن‌گاه این واژه را هم از نظر وزن و هم از نظر معنا همانند «سلم» گرفته است (فیومی، ۱۴۱۴، ۲۴). جوهری در الصحاح، امن و امانت را به یک معنا گرفته (جوهری، ۱۴۰۴، ۵، ۲۰۷)، خلیل بن احمد، امن را به ضد ترس و خوف معنا کرده و مأمن را موضع بدون ترس دانسته است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۸، ۳۷۷). بنابراین آن‌چه از مجموع دیدگاه واژه‌شناسان به دست می‌آید این است که: «امنیت دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. ایجاد اطمینان، آرامش فکری و روحی و فقدان خوف و دلهره و نگرانی که موجب سلب اطمینان

و آرامش می‌گردد» (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶، ۱۹). از این رو امنیت در لغت حالت فراغت است از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با آن. «در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود» (آشوری، ۱۳۷۳، ۳۸).

از دیدگاه قرآن امنیت یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و خلافت صالحان است؛ علاوه بر این تأمین امنیت از اهداف جهاد و احساس امنیت از خصائص مؤمن به شمار آمده است: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ سزای کسانی که با (دوست‌داران) خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یک‌دیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند، این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت» (مانده، ۳۳). هدف از صدور این دستورات در این آیه‌ی شریفه که معروف به آیه محاربه و افساد در زمین است، برقراری امنیت، مبارزه با تجاوز، شرارت و جنایت افرادی است که مردم را می‌ترسانند و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازند.

این مفهوم علاوه بر قرآن، در روایات اسلامی و شیعی نیز به فراوانی دیده می‌شود که نشان از گستره وسیع آن دارد؛ به‌طوری که تمامی عرصه‌های فردی و اجتماعی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی و دنیوی و اخروی را در برمی‌گیرد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در بیان وسعت امنیت می‌فرماید: «هرکس تنش سالم و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش را دارد، جهان سراسر مال اوست» (پابنده، ۱۳۸۳، ۵۹). هم‌چنین ایشان در خصوص عظمت این نعمت الهی می‌فرمایند: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ؛ امنیت و سلامت دو نعمتی هستند که کفران می‌شوند» (شیخ صدوق، ۱۳۸۱، ۱، ۳۴). از نظر ایشان در گفتار بی‌کردار و دیدن بی‌آزمودن... و زندگی بدون سلامت و وطن بدون امنیت و شادمانی، خیری نیست (همان، ۱۳۸۵، ۴، ۳۶۹). پس در جامعه‌ای که امنیت نیست، هیچ خیری نیست؛ بلکه باید آن را بدترین سرزمین دانست؛ چنان که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «تَسْرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا حِصْبٌ؛ بدترین شهرها، شهری است که در آن، امنیت و فراوانی نباشد» (آمدی، ۱۴۱۰، ۴، ۱۶۵). از نظر ایشان کسی که امنیت ندارد و همیشه ترسان و هراسان است، اصولاً زندگی ندارد: «الْخَائِفُ لَا عَيْشَ لَهُ؛ کسی که در ترس و وحشت به سر می‌برد، زندگی ندارد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۳۰). امام صادق (علیه‌السلام) نیز زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده، می‌فرماید: «حَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلًا لِعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ، فَأَوْلَاهَا: صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّانِيَةُ: الْأَمْنُ...؛ پنج چیز است که حتی اگر یکی از آن‌ها برقرار

نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است، عقل نابود می‌شود و مایه دل مشغولی می‌گردد؛ اولین این پنج چیز سلامتی و دومین آن امنیت است» (شیخ صدوق، ۱۳۸۱، ۲۸۴؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۸، ۱۷۱). در روایتی از این امام همام از امنیت در کنار عدالت و فراوانی به عنوان نیازهای عموم مردم یاد شده است: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرُقًا إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ» (حرّانی، ۱۳۸۲، ۳۲۴). ایشان در اهمیت امنیت می‌فرمایند: «نعمت دنیا، امنیت و تندرستی است و کامل شدن نعمت در آخرت، رفتن به بهشت است. تا زمانی که بنده وارد بهشت نشود، هرگز نعمت را کامل به دست نیاورده است» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ۸۱، ۱۷۲).

۳- نسبت عدالت و امنیت

بررسی رابطه دو مفهوم عدالت و امنیت از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که این دو مقوله، دو مفهوم اساسی در ساحت اجتماع و در منطق اسلام به شمار می‌روند. از لحاظ نظری چهار نوع ارتباط میان عدالت و امنیت متصور است: در فرض اول، ارتباط بدین گونه است که هریک از این دو مفهوم به ایجاد و حفظ دیگری کمک می‌کند؛ به این صورت که تحقق عدالت، به ایجاد و استقرار امنیت کمک کرده و استقرار امنیت نیز موجب اجرای عدالت می‌گردد. فرض دوم امنیت را پیش شرط عدالت می‌داند؛ در این مفهوم تحقق امنیت، موجب استقرار و اجرای عدالت در ساحت اجتماع می‌شود. در فرض سوم، عدالت؛ پیش شرط امنیت است؛ در این صورت تحقق عدالت، باعث ایجاد و حفظ امنیت در ابعاد مختلف می‌گردد و در نهایت فرض چهارم هیچ ارتباط معناداری را بین آن دو متصور نیست؛ بر اساس این فرض وجود هم زمان هر دو آن‌ها در یک مکان تصادفی است؛ با توجه به این فرضیات و برای پی بردن به چگونگی ارتباط بین این دو مفهوم بنیادین، در ادامه وجوه اشتراک و اختلاف هریک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هر دو مفهوم عدالت و امنیت دارای وجوه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده و هر دو ابعاد فردی و اجتماعی دارند. اما عدالت مفهومی بسیار کیفی و وسیع‌تر از امنیت داشته و در نتیجه از اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به آن برخوردار است. تفاوت دیگر این است که امنیت به نیاز بودن و زیستن اشاره دارد؛ در حالی که عدالت، اساس و پایه تمام نیازها و آمال بشری است؛ با این حال در برخی نظریات اولویت به امنیت داده شده است. این موضوع در صورتی صادق است که جهان جای امنی بوده و کالاها، خدمات و امکانات در شرایط مساوی و به میزان کافی وجود داشته باشد، در آن هنگام عدالت معنایی نخواهد داشت؛ در حالی که اوضاع و احوال و شرایط حاکم بر جهان گویای مطلب دیگری است. انسان‌ها هرگاه تمایل داشتند عدالت را محقق سازند، دچار اختلاف و درگیری شده و به بی‌عدالتی دامن زدند، در نتیجه امنیت خود را نیز از دست داده‌اند. دستیابی به عدالت به مراتب مشکل‌تر از تلاش برای کسب امنیت است. عدالت برای تمامی بشر در تمامی دوران‌ها امری آرمانی بوده است؛ به طوری که در راه تلاش برای

تحقق و دست‌یابی به این اصل آرمانی، جان‌ها و مال‌ها فدا شده؛ اما امنیت امر مقبولی نبوده، بلکه تنها از سر ضرورت و نیاز، مورد توجه بشر قرار گرفته است. پس امنیت امری است ضروری ولی عدالت اولویت دارد.

رابطه میان عدالت و امنیت چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی آن، رابطه‌ای متقابل و دو سویه است؛ بدین صورت که تحقق و اجرای عدالت باعث تأمین امنیت شده و از مهم‌ترین عوامل ایجاد کننده آن در تمامی ابعاد و زمینه‌ها به شمار می‌رود. امنیت نیز فراهم کننده بستر مناسب برای اجرای عدالت در سطح جامعه اسلامی است. به عبارت دیگر عدالت، امنیت، سست پایه و بدون نقطه اتکاء به شمار می‌رود. به عقیده امام علی (علیه‌السلام) اگر مردم بر حکومت چیره شوند یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از میان می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد، راه گسترده سنت پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری‌های دل فراوان می‌گردد (رک: نهج البلاغه، ۱۳۸۶، خطبه ۲۰۷). در نتیجه‌ی تجاوز و تعدی مردم به حکومت و ظلم و ستم حکومت بر مردم، بی‌عدالتی در جامعه ایجاد شده و سرانجام، امنیت در چنین جامعه‌ای از بین خواهد رفت.

مرحوم علامه طباطبایی (ره) در پایان تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی ۸۲ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام که می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ؛ کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی (چون شرک) نیامیختند، ایمنی (از عذاب) برای آنان است و آنان راه یافتگانند»، چنین نتیجه می‌گیرند: «اگر عدالت برقرار گشت، ایمان حقیقی تجلی می‌یابد و آن‌گاه که ایمان تجلی یافت، امنیت واقعی که از خواص آن است، ظهور می‌یابد، از این رو؛ عدالت صفتی است که پیوندش با اجزای به وجود آورنده امنیت (که از جمله این اجزاء، افراد اجتماع هستند) سبب می‌گردد تا امنیت به طور صحیح و کامل اجرا شود» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، ۷، ۲۷۴). هم‌چنین در تفسیر نمونه و در ذیل این آیه‌ی شریفه چنین بیان شده است: «حتی امنیت و آرامش روحی، تنها موقعی به دست می‌آید که در جوامع انسانی دو اصل ایمان و عدالت اجتماعی حکومت کند، اگر پایه‌های ایمان به خدا متزلزل گردد و احساس مسئولیت در برابر پروردگار از میان برود و عدالت اجتماعی جای خود را به ظلم و ستم بسپارد، امنیت در چنان جامعه‌ای وجود نخواهد داشت» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۵، ۳۱۷).

بنابراین عدالت در قیاس با امنیت ارزش بالاتری دارد؛ چرا که نظام‌های امنیتی بدون توجه به عدالت ممکن است استقرار یابند، اما استمرار نیافته و رو به نابودی می‌روند. در صورتی که نظام‌های عادلانه، به استقرار و استمرار امنیت ختم می‌شوند و به تعبیری، عدالت چنان است که امنیت درون آن قابل تحقق و اجراست؛ بلکه استقرار بالاترین مرتبه امنیت؛ یعنی اطمینان،

محصول تحقق و اجرای عدالت است. با این بیان، به وضوح مشخص می‌گردد استقرار عدالت در ساحت اجتماع، سنگ بنا، پایه و اساس و مقدمه‌ای برای تحقق و استمرار امنیت در جامعه است.

۴- تأثیر تحقق عدالت اجتماعی بر امنیت اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی

تأمین آزادی‌های مشروع، مقابله با ظلم، تبعیض‌های اجتماعی و فقر، تأمین برابری و رفاه اقتصادی، توزیع عادلانه امکانات و ثروت، تحقق نظام مالیاتی متعادل و در نهایت فراهم کردن زمینه‌های لازم برای مشارکت اجتماعی و اقتصادی، مردم از جمله سازوکارهایی است که از راه استقرار و اجرای عدالت اجتماعی، موجب تحقق و ارتقاء سطح امنیت در جامعه اسلامی می‌شود. دین مبین اسلام با توجه ویژه به این مقوله، همواره به کارگیری این سازوکارها توسط آحاد مردم و هیأت حاکمه را توصیه نموده و به بیان شرایط و زمینه‌های تحقق هر دو موضوع عدالت و امنیت در جامعه به طور کامل و جامع پرداخته است. بنابراین در این قسمت به تبیین تأثیر تحقق عدالت اجتماعی بر امنیت جامعه اسلامی در دو حوزه‌ی اجتماعی و اقتصادی می‌پردازیم.

الف- تأثیر تحقق عدالت اجتماعی بر امنیت اجتماعی جامعه اسلامی

امنیت اجتماعی؛ امنیت جان، مال، ناموس، حیثیت و موقعیت فرد در ساحت اجتماع است که به دنبال ایجاد امنیت و آسایش جمعی و مدنی افراد از طریق ایجاد سازوکارهای مناسب در حوزه‌های گوناگون اجتماعی محقق می‌گردد. در اندیشه اسلامی، امنیت فردی و اجتماعی را باید در سایه‌ی عدالت؛ یعنی رعایت حقوق اجتماعی افراد، دفاع از مظلومان و تلاش برای احقاق حقوق آن‌ها، مخالفت با هرگونه تعدی و تجاوز، مبارزه با تبعیض، تأمین برابری و رفاه اجتماعی و حفظ آزادی‌های مشروع در چارچوب معیارهای انسانی و الهی جستجو کرد؛ از این رو امنیت اجتماعی مبتنی بر عدالت که در آن حقوق انسان‌ها از هر نوع تجاوز و تعرض مصونیت داشته باشد، از آرمان‌های اصیل بشری و از توصیه‌های دین مبین اسلام است.

اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی برقرار باشد، به طور طبیعی آن جامعه دوام و ثبات داشته و در مسیر تأمین آسایش و رفاه گام بر خواهد داشت و در نهایت امنیت اجتماعی افراد را در ساحت اجتماع به ارمغان می‌آورد. از این روست که جوامع کافری چون عاد و ثمود، با وجود کفر اعتقادی، به سبب مراعات عدالت در مرتبه و سطحی از سطوح توانستند به حیات خود ادامه دهند. اما اگر جامعه‌ای فاقد عدالت باشد، آن جامعه به علت عدم وجود امنیت اجتماعی نمی‌تواند پایدار باقی بماند و با بحران درونی از هم می‌پاشد. بنابر آیات نورانی قرآن کریم، قوم سبأ نیز با وجود کفرشان از امنیت کامل برخوردار بودند؛ خداوند متعال در مورد این قوم می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ * فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ وَ بَدَّلْنَا هُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلِ خَمْطٍ وَ أَثْلٍ وَ نَسِيءٍ * مِنْ بَدْرٍ قَلِيلٍ * ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ * وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ

بَيْنَ الثُّرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السِّيْرَ سَبِيْرًا فِيهَا لِيَالِي وَ اَيَّامًا اَمِيْنِيْنَ؛ برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان و به آن‌ها گفتیم) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)* اما آن‌ها (از خدا) روی گردان شدند و ما سیل ویران‌گر را بر آنان فرستادیم و دو باغ (پر برکت) شان را به دو باغ (بی ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گر و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم* این کیفر را به خاطر کفرانشان به آن‌ها دادیم و آیا جز کفران کننده را کیفر می‌دهیم* و میان آن‌ها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادی‌های آشکاری قرار دادیم و سفر در میان آن‌ها را به‌طور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم (و به آنان گفتیم): شب‌ها و روزها در این آبادی‌ها با ایمنی (کامل) سفر کنید» (سبأ، ۱۸-۱۵).

از نظر قرآن، امنیت مطلق یک امر مطلوب است که انسان به‌طور فطری و طبیعی در تلاش برای کسب و تأمین آن است. در این میان تأمین امنیت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین اقسام امنیت، همواره مد نظر جوامع، رهبران و آحاد جامعه بوده است؛ چرا که جامعه‌ای به رشد و شکوفایی می‌رسد و رفاه اقتصادی و اجتماعی آن تأمین می‌گردد که در آن امنیت اجتماعی محقق و مستقر باشد؛ زیرا وقتی امنیت اجتماعی در سایه عدالت تأمین باشد، به‌طور طبیعی از تضییع حقوق افراد جامعه و شهروندان آن خودداری شده و طبقات اجتماعی به یک‌دیگر ظلم نمی‌کنند. بدین ترتیب سایر اقسام امنیت؛ نظیر امنیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز در جامعه تجلی پیدا می‌کند.

براساس آیات قرآن و احادیث اسلامی، مهم‌ترین خطرهایی که امنیت جامعه بشری را تهدید می‌کنند، عبارتند از: ظلم، اختلاف، تفرقه و عدم وحدت و تجاوز به حقوق دیگران. بنابراین تأمین امنیت اجتماعی دارای ساختاری چند وجهی است که نمی‌توان تنها با تأمین بخشی از آن به امنیتی تام و تمام دست یافت. دولت‌ها و حکومت‌ها باید بدانند که نمی‌توان تنها با تکیه بر قدرت، امنیت اجتماعی جامعه را تأمین کرد. دولت‌مردانی که بخواهند جامعه آن‌ها از امنیت کامل برخوردار باشد، باید نسبت به تأمین حقوق اجتماعی تک‌تک افراد جامعه اقدام و حداکثر تلاش خود را به کار گیرند تا اختلافات کاهش یافته و وحدت کلمه تقویت گردد، عدل و انصاف در تمامی ابعاد و حوزه‌ها گسترده، با ظلم و تعدی و تجاوز به‌طور جد مبارزه شود و در نهایت مردم به مشارکت در این امور تشویق گردند؛ چرا که هرچه اختلافات و تجاوز به حقوق دیگران کمتر و مشارکت عمومی در فرآیندهای اجتماعی بیشتر باشد، جامعه از امنیت کامل‌تر و آرامش افزون‌تری برخوردار خواهد بود.

در بحث امنیت اجتماعی حفظ و مراعات حقوق مؤمنان به‌طور خاص و همه انسان‌ها به

طور عام، اولین نکته‌ای است که در آیات نورانی قرآن کریم و روایات صادره از معصومین (علیهم‌السلام) جلب توجه می‌کند. از نظر قرآن، تجاوز به حقوق افراد امری ناپسند و نادرست است: «وَتَأْكُلُونَ التُّرَاتِ أَكْلًا لَمًّا* وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا؛ و میراث را (از راه مشروع و نامشروع) جمع کرده می‌خورید* و مال و ثروت را بسیار دوست دارید (و بخاطر آن گناهان زیادی مرتکب می‌شوید)» (فجر، ۱۹) و افرادی که به این حقوق تعدی و دست‌درازی می‌کنند قابل تعقیب و شایسته تنبیه و مجازات هستند: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین بناحق ظلم روا می‌دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی است» (شوری، ۴۲)؛ زیرا این نوع رفتار از مصادیق فساد در زمین است: «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ از آن چه خدا روزی شما ساخته بخورید و بیاشامید و در زمین به فتنه‌انگیزی و فساد نپردازید» (بقره، ۶۰).

در روایات اسلامی نیز این مهم به خوبی تبیین و تشریح گردیده و حفظ حرمت و حقوق مؤمنین و عموم افراد جامعه مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه در حدیثی از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت شده است در حالی که به کعبه نگاه می‌کردند، فرمودند: «آفرین به تو خانه؛ چقدر نزد خدا ارجمند و محترمی! به خدا قسم حرمت مؤمن از تو بیشتر است؛ زیرا خداوند از تو یک چیز را حرام کرد و از مؤمن سه چیز را؛ مالش را، خونس را و گمان بد بردن به او را...» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ۶۷، ۷۱). در روایات متعددی، حفظ امنیت سایرین و عدم تجاوز به حقوق آن‌ها، از نشانه‌های مؤمنین به شمار آمده؛ تا جایی که اعمالی مانند تجاوز، خشونت، هتک حرمت و آبروی انسان‌ها، ایجاد ناامنی، ترس و نگرانی، در مقابل ایمان و رفتار مؤمنانه قرار گرفته است. به‌طور مثال امام حسین (علیه‌السلام) در حدیثی می‌فرمایند: «مؤمن؛ کسی است که همسایه‌اش از شر او در امان باشد. راوی از امام (علیه‌السلام) پرسید: منظور از شر چیست؟ امام (علیه‌السلام) فرمودند: یعنی از ظلم و جور و غضب او» (حرّعاملی، ۱۴۱۴، ۱۲، ۱۲۶) و یا در حدیث دیگری از رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت شده است که فرمودند: «به شما بگویم که چرا مؤمن، مؤمن نامیده شده است؛ چون جان و مال مردم از تعدی و تجاوز او در امان است» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ۶۷، ۶۰).

این موضوع در کلام امیرمؤمنان؛ حضرت علی (علیه‌السلام) جلوه نمایان‌تری دارد؛ آن حضرت در نامه‌ای به عبدالله بن عباس؛ فرماندار منصوب خود در بصره، در بیان شیوه‌های برخورد صحیح با مردم، می‌فرماید: «فَحَادِثْ أَهْلَهَا بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ وَ اخْلَعْ عَقْدَةَ الْخَوْفِ عَنْ قُلُوبِهِمْ؛ مردمش را به احسان امید ده و گره ترس را از قلوبشان باز کن» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶، نامه ۱۸). ایشان از تعدی به زنان مسلمان و غیرمسلمانی که در جنگ مورد هجوم قرار گرفته و

زیورها و خلخال‌های آنان توسط مهاجمین ربوده شده است، اظهار تأسف و ناراحتی می‌کنند. آن هنگام که نیروهای فرماندار معاویه (سفیان بن عوف غامدی) به شهر انبار حمله بردند و پس از قتل فرمانده منطقه (اشرش)، دست به تعدی و تجاوز نسبت به مردم زدند، چنین فرمودند: «و اینک، فرمانده معاویه (مرد غامدی) با لشگرش وارد شهر انبار شده و فرمانده (منصوب) من (حسان بن حسان بکری) را کشته و سربازان شما را از مواضع مرزی بیرون رانده است. به من خبر رسیده که مردی از لشگر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده، وارد شده و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره‌های آنها را به غارت برده است، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن نداشته‌اند ... اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، خطبه ۲۷).

بنابراین با توجه به آیات نورانی قرآن کریم و روایات متعدد صادره از معصومین (علیهم السلام) و تأکید ایشان بر رعایت حقوق همه افراد، حکومت اسلامی بایستی با اتخاذ تدابیر و به‌کارگیری سازوکارهایی متناسب با شرایط کشور در جهت تحقق عدالت اجتماعی گام بر دارد.

یکی دیگر از عوامل مهم در ایجاد ناامنی در سطح جامعه، وجود تفرقه و شکاف طبقاتی در میان آحاد جامعه و نیز در میان آنان با طبقه حاکم، کارگزاران و عمال حکومتی است. در جامعه پراکنده، متفرق و تهی از هرگونه وفاق، هم‌بستگی و اتحاد، ناامنی هم از داخل جامعه و هم از بیرون، آن را تهدید می‌کند. عدم استقرار عدالت و رواج بی‌عدالتی وجود شکاف‌ها و فاصله‌های طبقاتی، اختلاف مسئولان با یک‌دیگر و حکومت با مردم، از مهم‌ترین عوامل ایجاد تفرقه در جامعه می‌باشد. از این رو خداوند متعال در قرآن کریم، همگان را به حفظ وحدت، یک‌پارچگی و اتحاد در تمام امور فرا خوانده و می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یک‌دیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید» (آل عمران، ۱۰۳).

همواره اتحاد و هم‌بستگی در تاریخ اسلام از جمله عوامل موفقیت مسلمانان بوده است. در این خصوص رهبر جامعه اسلامی نقشی بی‌بدیلی را در سازمان‌دهی و هدایت اعمال و افعال افراد اجتماع برعهده دارد. پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز از همان ابتدای

رسالت خود، اتحاد و هم‌دلی را به اصحاب و یاران خویش آموزش داده و روحیه اخوت و برادری را به معنای واقعی و به مصداق آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ؛ مؤمنان برادر یک‌دیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید» (حجرات، ۱۰) برای ایشان تبیین و تشریح فرموده‌اند. به عنوان نمونه در حدیثی می‌فرمایند: «المُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ؛ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ؛ مسلمان، برادر مسلمان است؛ نه به او ستم می‌کند و نه او را تسلیم (مشکلات) می‌نماید» (بخاری، ۱۳۹۱، ۲، ۸۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۲۲، ۱۸۱) و یا در حدیث دیگری می‌فرمایند: «مَثَلُ الْأَخْوَيْنِ مَثَلُ الْيَدَيْنِ تَغْسِلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى؛ دو برادر دینی همانند دو دست هستند که هر کدام دیگری را می‌شوید» (همان، ۱۸۲).

در صورت نبود وحدت و عدم اتحاد در جامعه و عدم مشارکت عموم مردم در فرآیندهای مهم و سرنوشت‌ساز اجتماعی، در فضای تفرقه و اختلاف، هیچ‌یک از افراد، از سوی حکومت و دیگران مصونیت و امنیت لازم را نداشته و منازعات قومی، نژادی و مذهبی به شدت افزایش پیدا خواهد کرد. بدیهی است در چنین شرایط و فضایی، فرصتی مناسب برای دشمنان فراهم شده تا با استفاده از اختلاف و تفرقه و دامن زدن و برجسته نمودن عوامل ایجاد آن‌ها، راه را برای دخالت در امور کشور و تعدی و تجاوز خود بازکنند. از این رو امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) خطاب به گروهی از یاران متفرق و پراکنده خود، همان‌هایی که ریاکارانه در پی تظاهر و ظاهرسازی بودند، می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أْبْدَانُهُمُ الْمُخْتَلِفَةُ أَهْوَاؤُهُمْ كَلَامُهُمْ يُوْهِي الصَّمَّمَ الصَّلَابَ وَ فِعْلُهُمْ يَطْمَعُ فِيكُمْ الْأَعْدَاءُ؛ ای مردمی که بدن‌هاتان با هم مجتمع است، اما خواسته‌ها و انگیزه‌هاتان متفاوت است! سخن‌تان سنگ سخت را خرد می‌کند، در حالی که عملکرد تفرقه‌آمیزتان دشمنان را در اذیت و آزار رساندن و پیروزی بر شما به طمع می‌اندازد» (همان، خطبه ۲۹).

بدینی مردم به حاکم، زمام‌داران و کارگزاران، به سبب مشاهده اقدامات ناعادلانه و ستم‌کارانه آن‌ها موجب دل‌سردی و تضعیف حمایت آنان از سیاست‌ها و عملکردهای حکومت و نظام می‌شود. اطمینان‌بخشی، ایجاد فضای خوش‌بینی و دل‌گرمی نسبت به عملکرد ارکان حکومت، از اقدامات اساسی دولت‌ها و از سازوکارهای حکومت در ایجاد و استقرار امنیت است. با استحکام رابطه مردم و هیأت حاکمه، ضمن تحقق توسعه مادی و معنوی کشور در تمامی ابعاد و از بین رفتن عوامل و زمینه‌های داخلی ناامنی، طمع دشمنان نیز برای ایجاد اختلال در نظم عمومی جامعه و هرگونه اقدام علیه منافع ملی، استقلال، حاکمیت و امنیت کشور ناکام خواهد ماند. از این رو هرچه حکومت و نظام سیاسی، با رفتار و منش عادلانه به اقشار مختلف مردم و آحاد جامعه توجه بیشتری داشته باشد و در جهت تأمین رفاه و آسایش و برابری آنان در تمامی عرصه‌ها و زمینه‌ها گام‌های بلندتر و مؤثرتری بردارد، این پیوند مستحکم‌تر و در نتیجه آن، نظام از ایمنی و ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود.

با تحقق و استقرار عدالت، هرکس و هرچیز در جایگاه شایسته خود قرار گرفته و از حقوق همگان پاسداری می‌شود، امکانات جامعه در زمینه‌های مختلف به‌طور یکسان در اختیار و دسترس عموم مردم قرار می‌گیرد. در سایه استمرار عدالت بدبینی، انتقام‌جویی و فرصت‌طلبی از بین رفته، رفاه عمومی رو به اصلاح می‌رود، رضایت عمومی محقق و طمع‌ورزی و تکاثر، در جامعه از بین خواهد رفت. اما با وجود ظلم، زندگی مردم ویران، پایه‌های اخلاق سست و آسیب‌پذیر و تجاوز به حقوق دیگران شایع و در نتیجه ناامنی بروز و ظهور پیدا می‌کند. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) حمایت از بندگان مظلوم، از بین بردن فتنه و فساد، مستقرساختن صلح و عدالت، طرد عناصر فاسد و ایجاد امنیت در جامعه تحت حکومت خویش را به عنوان اهداف خود در قبول حکومت اعلام نموده‌اند، آن‌جا که می‌فرمایند: «بار خدایا، تو می‌دانی آن کارها که از ما سر زد، نه برای هم‌چشمی بود و نه رقابت در قدرت و نه خواستیم از این دنیای ناچیز چیزی افزون به چنگ آوریم. بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امان مانند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶، خطبه ۱۳۱). در این فراز، امام (علیه‌السلام) فراهم کردن امنیت همه‌جانبه را مقصد اساسی دانسته که در سایه آن، رشد و تعالی مردمان سامان می‌یابد.

رابطه آزادی در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف با امنیت در حکومت‌های عادلانه و عدالت‌محور، رابطه‌ای دوسویه و غیر قابل تفکیک است. البته این رابطه در حکومت‌های ظالم و مستبد به شکل تعارض غیر قابل وصول تجلی می‌یابد. آن‌جا که حکومت و نظام بر محور عدل و عدالت باشد، آزادی‌های مشروع برای همه افراد، موضوعی تعریف شده و پذیرفته شده است. اما آن‌جا که حکومت، ناعادلانه، ظالم و ستم‌کار باشد، به ناچار آزادی‌های مشروع با محدودیت روبرو و متأثر از شرایط ظالمانه نظام حاکم خواهد بود. زمینه رشد و تکامل جوامع بشری به‌وسیله آزادی فراهم می‌گردد. در فضای آزاد، استعدادها، خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها شکوفا شده و نیروها تکامل می‌یابند، مسیر پیشرفت و اعتلای هرچه بیشتر جامعه در سازه روابط پایدار و استوار اجتماعی فراهم خواهد شد.

حضرت علی (علیه‌السلام) یکی از عوامل مؤثر در ارتقاء امنیت را پابندی به آزادی‌های مشروع؛ نظیر آزادی بیان معرفی نموده، در توصیه به مالک اشتر نخعی (ره) می‌فرمایند در میان مردم، طوری با مهربانی و تواضع رفتار کند که مردم او را از خود بدانند و آزادانه و به‌طور واضح و آشکار بتوانند سخنان خود را در برابر او بیان کنند: «پاره‌ای از وقت خود را که در آن وقت، خود را از هر کار دیگری فارغ و آسوده کرده باشی، اختصاص بده برای کسانی که حاجت و کاری با خودت دارند و در مجلس عمومی که برای این کار ترتیب می‌دهی بنشین و به‌خاطر خدایی که تو را خلق کرده است، فروتنی و تواضع کن و یاران و نگهبانان و پاسداران خود را از آن مردم

دورکن، تا نماینده و سخن‌گوی مردم بتواند بدون ترس و بدون لکنت زبان، حرف‌های خودش را بگوید، چرا که من بارها از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شنیدم که می‌فرمودند: هرگز امتی پاک و مقدس شمرده نمی‌شود که در آن نتوان حق ناتوان را بدون ترس و لکنت زبان، از قوی بگیرند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶، نامه ۵۳).

در پرتو تحقق عدالت در ساحت اجتماع، زمینه ایجاد محیطی توأم با آسایش و رفاه، حاکمیت عادلانه قوانین و آزادی‌های مشروع در تمامی ابعاد فراهم خواهد شد. وجود این عوامل و زمینه‌ها سبب حفظ وحدت، اتحاد و یک‌پارچگی آحاد مردم، افزایش مشارکت‌های عمومی در ابعاد مختلف و در نهایت تحقق و استمرار امنیت در ساحت جامعه می‌گردد. رابطه مثبت و مستمر بین مردم و حکومت و اعطای حقوق متقابل هریک توسط طرف مقابل که مهم‌ترین آن‌ها از سوی دولت، رفع تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه، راه ورود و نفوذ عوامل فساد و ناامنی را می‌بندد، حق‌گرمی و عزیز شده و زمینه برای اجرای احکام شریعت آماده می‌شود. اما اگر غیر از این باشد، اتحاد و وحدت از بین رفته، تفرقه و اختلاف نمایان می‌شود، ستم رواج می‌یابد و در نتیجه ناامنی در جامعه ایجاد می‌گردد.

با توجه به آیات نورانی قرآن کریم و روایاتی که از معصومین (علیهم‌السلام) بیان شد، می‌توان سازوکارهای قرآنی و روایی تأمین امنیت را در بعد اجتماعی آن این‌چنین بیان نمود: حقوق انسان‌ها در جامعه و در تمامی ابعاد آن از هر نوع تعدی و تجاوزی ایمن باشد، تک‌تک افراد جامعه از آزادی‌های مشروع اجتماعی به‌طور برابر بهره‌مند گردند، با ظلم و فساد و هرنوع اختلال در نظم عمومی جامعه و در روابط فردی و اجتماعی مبارزه جدی صورت گیرد، از ایجاد تبعیض‌های اجتماعی در اشکال مختلف آن جلوگیری و با هنجارشکنان و تهدیدکنندگان امنیت قاطعانه برخورد شود. پر واضح است که این سازوکارها از طریق استقرار و اجرای عدالت در ابعاد مختلف آن در سطح جامعه اسلامی ظهور و بروز خواهد نمود و از این طریق امنیت جامعه اسلامی در بعد اجتماعی آن تأمین می‌گردد.

ب- تأثیر تحقق عدالت اجتماعی بر امنیت اقتصادی جامعه اسلامی

امنیت اقتصادی، به منزله احساس ایمنی و امنیت مردم در مورد اموال خود، وجود نظارت همه‌جانبه، مؤثر و کافی بر نظام تولید و توزیع، عرضه و تقاضا و راه‌های کسب درآمد آحاد جامعه، عدم احتکار کالا و انحصارگرایی، تعادل در قیمت‌ها، خرید و فروش، جلوگیری از تکاثر، ربا و رشوه، مبارزه جدی با فقر، اخذ مالیات و زکات توسط حکومت با مدارا و رعایت عدل و انصاف از افراد جامعه است.

قرآن با تأیید مالکیت خصوصی افراد، عدم تجاوز و دست‌درازی به این اموال را از نشانه‌های مؤمنین دانسته، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ...» ای اهل ایمان! اموال یک‌دیگر را در میان خود به باطل (و از راه

حرام و نامشروع) مخورید، مگر آن‌کس که تجارتي از روی خشنودی و رضایت، میان خودتان انجام گرفته باشد...» (نساء، ۲۹). تجاوز و دست‌اندازی به اموال مردم با سلب آسایش و آرامش افراد، تحمیل هزینه‌های زیاد بر آنان، رواج هرچه بیشتر بی‌اعتمادی در جامعه، ایجاد فاصله و شکاف طبقاتی و از بین بردن روحیه کار و تلاش باعث ایجاد و گسترش ناامنی می‌گردد؛ به همین سبب دین اسلام رویکرد سخت‌گیرانه‌ای را در قبال متجاوزان به اموال و حقوق افراد دارد: «وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به‌عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است» (مائده، ۳۸). «یکی از مهم‌ترین پیام‌های این آیه‌ی شریفه آن است که امنیت در جامعه باید با قطعیت حفظ شود. هم‌چنین امنیت در جامعه به‌قدری مهم است که برای آن باید دست دزد قطع شود» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۷، ۵، ۵۳۸). اسلام در نگرش خود هم به تولید و توزیع عادلانه کالا و سرمایه و هم به چگونگی مهار سرمایه‌های کلان به منظور جلوگیری از ایجاد تکاثر و اسراف و به منظور تحقق و اجرای امنیت اقتصادی و پایداری و ثبات سیاسی و اجتماعی عنایت ویژه دارد. به‌عنوان نمونه خداوند متعال در آیه‌ی شریفه‌ی ۱۰ سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف، زمین را برای بندگان مایه‌ی آسایش و آرامش دانسته تا مایحتاج زندگی خود را تأمین نمایند؛ در این مسیر هرکس به اندازه تلاش خود از نعمات خدادادی بهره‌مند می‌گردد: «وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ؛ و شما را در زمین جای دادیم و در آن برای شما وسایل و ابزار زندگی قرار دادیم، ولی بسیار اندک و کم، سپاس می‌گزارید» و یا در آیه‌ی شریفه‌ی زیر ضمن تأیید این مطلب که این سرمایه‌ها همگانی است بر تلاش برای کسب روزی و مایحتاج زندگی مهر تأیید می‌زند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَنْشُوا فِيهَا مَنَازِكَهَا وَ كُلُوا مِنْ رِزْقِهِ...؛ اوست که زمین را برای شما رام قرار داد، بنابراین بر اطراف و جوانب آن راه روید و از روزی خدا بخورید...» (ملک، ۱۵).

انگیزه بسیاری از ناآرامی‌ها، شورش‌ها و اعتراضات اجتماعی، عدم برخورداری، محرومیت و شکاف طبقاتی است که در بین برخی از گروه‌های جامعه وجود دارد. با به‌کارگیری و بهره‌مندی از سازوکارهای اقتصادی اسلام، شکاف‌های طبقاتی کمتر و محرومیت‌ها کاهش می‌یابد؛ در نتیجه از بروز تفاوت‌های فاحش و فاصله‌های طبقاتی زیاد اقتصادی در بین آحاد جامعه جلوگیری می‌گردد. یکی از این سازوکارها در اسلام؛ دریافت خمس و زکات از اقشار مختلف برای ریشه‌کن نمودن فقر و محرومیت از سطح جامعه است. خمس و زکات از مالیات‌های ثابت اسلامی و از جمله راه‌کارهای سامان‌دهی اقتصادی حکومت اسلامی به منظور تثبیت امنیت آن به‌ویژه در بُعد اقتصادی است. برابر دستور شرع مقدس؛ حکومت اسلامی بخشی از بودجه خود را از طریق خمس و زکات تأمین و در اموری که در فقه مشخص گردیده است، مصرف می‌نماید. البته باید دانست این دریافت مالیات خود دارای شرایطی است که باید از طرف حکومت مورد توجه قرار

گرفته و عمال حکومت بایستی برابر آن عمل نمایند. اهمیت موضوع تا بدان جاست که حضرت علی (علیه السلام) به کارگزاران و مسئولین جمع آوری و اخذ مالیات دستور می‌دهند در جمع آوری انواع مالیات نظیر زکات و جزیه و در برخورد با مردم، انصاف را رعایت و به اموال آنان تعدی و دست‌درازی نکنند: «پس خود، داد مردم را بدهید و در معاشرت با آنان انصاف را فرو مگذارید و برای برآوردن نیازهایشان، حوصله به خرج دهید. شما خازنان رعیت هستید و وکیلان امت و سفیران امامان. کسی را که نیازی دارد، در برآوردن آن درنگ مکنید، آن‌سان که به خشم آید. او را از مطلوبش باز ندارید و برای گرفتن خراج، جامه تابستانی و زمستانی مردم را یا ستوری که با آن کار می‌کنند، یا بنده آن‌ها را مفروشید» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، نامه ۵۱). این نوع مالیات‌ها در واقع سازوکار تعدیل ثروت و جلوگیری از انباشت و تمرکز آن در بین فرد یا گروهی از جامعه است که از یک سو به منظور رفع احتیاجات گروه‌های ضعیف جامعه و از سوی دیگر برای کنترل ثروت‌مندان صورت می‌گیرد.

دین مبین اسلام اعتقادی به تساوی مطلق میان همه افراد جامعه نداشته و به وجود تفاوت‌ها بر مبنای استحقاق‌های مختلف افراد مهر تأیید می‌زند: همان‌گونه که روایات اسلامی عدالت را اعطاء کل ذیحق حقه می‌دانند؛ یعنی هرکس برابر استحقاقی که دارد حق و حقوقش استیفا شود. در حقیقت، اسلام این عدم تساوی مطلق را مایه پایداری و ثبات اجتماع به شمار می‌آورد، همان‌گونه که قرآن کریم، برابر این آیه‌ی شریفه به تفاوت فضیلت و معیشت افراد اشاره می‌کند: «أَهُمْ يَفْسُقُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْحَبًا وَرَحْمَتَ رَبِّكَ حَبِيرًا مَّا يَجْمَعُونَ؛ آیا آنان هستند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ ما در زندگی دنیا، معیشت آنان را میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی را از جهت درجات (فکری و مادی) بر برخی برتری داده‌ایم تا برخی از آنان برخی دیگر را (در امر معیشت و سایر امور) به خدمت گیرند و رحمت پروردگارت از آن‌چسب آنان جمع می‌کنند، بهتر است» (زخرف، ۳۲). بنابراین یکی از راه‌کارهای ایجاد و ثبات امنیت اقتصادی، تقسیم بهره‌مندی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و... بر اساس استحقاق و قابلیت افراد است؛ اما اسلام سایرین را نیز مورد توجه قرار داده و سعی می‌کند با سازوکارهای اقتصادی نظیر خمس و زکات و انفاق و... فاصله طبقاتی آنان را با دیگران کاهش داده و نسبت به تأمین آن‌ها اقدام نماید.

یکی از عوامل ایجاد ناامنی در جامعه و در بعد اقتصادی؛ فقر است. برابر روایات صادره از ائمه معصومین (علیهم السلام)، علاوه بر این که فقر ناامنی را در پی دارد، مایه اخلال و ضعف در ایمان شده و امنیت معنوی افراد و جامعه را نیز به مخاطره می‌اندازد. چنان‌که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این مورد می‌فرمایند: «كاد الفقر أن يكون كفراً؛ نزدیک است که فقر به کفر انجامد» (شیخ کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۳۰۷). حضرت علی (علیه السلام) نیز این پدیده شوم را

مورد نکوهش قرار داده و به فرزندشان محمد حنفیه می‌فرمایند: «يَا بُنَيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ، مَذْهَبَةٌ لِلْعَمَلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛ أَيِ فِرْزَنْدِ مَنْ، از تهیدستی بر تو هراسان‌کم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، حکمت ۳۱۹).

ایشان (علیه‌السلام) در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر (ره)، رفع فقر و مشکلات اقتصادی مردم را از جمله عوامل تأثیرگذار در ثبات و استمرار امنیت اجتماعی دانسته و می‌فرمایند: «ای مالک! درباره طبقه پایین از مردم جامعه که چاره‌ای ندارند و در فقر و تنگ‌دستی زندگی می‌کنند، خدا را فراموش نکن. آن‌ها عبارتند از: بینوایان، نیازمندان، گرفتاران و زمین‌گیر شدگان. آن‌چه را که خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت‌المال و سهمی از غنایم خالص اسلامی هر شهر در نظر بگیر» (همان، نامه ۵۳). از این توصیه علی (علیه‌السلام) به مالک (ره) نسبت به فقرزدایی از جامعه بر می‌آید که حمایت از فقرا و نیازمندان به عنوان یک اصل در حکومت اسلامی مطرح است و برای تحقق آن، باید تلاش کرد؛ زیرا فقر و مشکلات اقتصادی عامل بروز بسیاری از مشکلات، از جمله ناامنی در جامعه است. در اثر ناامنی اقتصادی و افزایش تورم حاصل از آن، میزان درآمد و ثروت فقرا کاهش یافته و فشار بر آن‌ها بیشتر می‌شود، اما ثروت و درآمد تعداد محدودی از شهروندان به واسطه بازدهی بیشتر دارایی‌ها با افزایش هم‌روبرو می‌شود. به عبارت دیگر «توازن و تعادل بر مبنای حق و تکلیف می‌تواند مبنای مناسبی برای ایجاد برابری و حذف قابل توجهی از احساس محرومیت‌ها باشد، چنان‌چه تعادل و توازن در این ناحیه میان خواسته‌ها و داشته‌های افراد برقرار نشود، پیامد آن نارضایتی خواهد بود و این یعنی آغاز ناامنی» (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۰، ۳۶).

یکی دیگر از عوامل ناامنی اقتصادی از نظر قرآن پدیده شوم ربا است. این موضوع چندین بار در قرآن مطرح و در همه موارد به شدت مردود شناخته شده است؛ به عنوان نمونه خداوند در آیه‌ی شریفه‌ی ۲۷۵ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره آن را حرام اعلام کرده و می‌فرماید: «...وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا...؛ خدا خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است» و یا در آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذُرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ* فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَئِمَّ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَ لَا تُظَلَّمُونَ؛ ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و اگر مؤمن (واقعی) هستید، آن‌چه را از ربا (برعهده مردم) باقی مانده رها کنید* و اگر چنین نکردید (و به رباخواری اصرار ورزیدید) به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش (بر ضد خود) یقین کنید و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست (و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید) که در این صورت نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید». در آیه‌ی شریفه‌ی ۲۷۶ آمده است: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزْبِي الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَتْمِيمٍ؛ خدا ربا را نابود می‌کند و صدقات را فزونی می‌دهد و خدا هیچ ناسپاس

بزه کاری را دوست ندارد». این پدیده شوم از راه تولید نامطلوب ثروت و افزایش شکاف طبقاتی، تهدید ماهیت نظام اقتصادی، افزایش میزان بدهی در جامعه، رشد سریع و یکباره سرمایه‌های مولد و افزایش بیکاری، امنیت اقتصادی جامعه را به مخاطره می‌اندازد.

پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در حدیثی ربا را موجب قحطی و رشوه را مایه ایجاد رعب و وحشت دانسته و می‌فرماید: «ما من قوم یظهر فیهم الربا، الا اخذوا بالسنة و ما من قوم یظهر فیهم الرشی الا اخذوا بالرعب؛ هیچ قومی نیست که ربا در میان آن‌ها شایع شود، جز این که دچار غفلت و بی‌خبری می‌شوند و هیچ قومی نیست که رشوه در میان آن‌ها رایج شود، جز این که دچار ترس و وحشت می‌شوند» (پاینده، ۱۳۸۳، ۲، ۵۷۷؛ یزدی حائری، ۱۴۲۲، ۱۸۲). امام صادق (علیه‌السلام) نیز در حدیثی فقر را محصل اسراف و زیاده‌روی دانسته و در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ إِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى؛ اسراف و زیاده‌روی باعث فقر و تنگ‌دستی می‌گردد و میانه‌روی موجب ثروت و بی‌نیازی می‌شود» (حرّعاملی، ۱۴۱۴، ۱۵، ۲۵۸).

یکی دیگر از سازوکارهای تحقق امنیت اقتصادی؛ عدم اسراف و تبذیر و پرداخت حقوق مربوط به اموال و دارایی‌هاست خداوند در قرآن کریم و در رد و مبارزه با اسراف و تبذیر می‌فرماید: «وَكُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (اعراف، ۳۱) و یا در آیات شریفه‌ی ۲۶ و ۲۷ سوره‌ی مبارکه‌ی اِسْرَاءِ می‌فرماید: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا؛ إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا؛ و حق نزدیکان را بپرداز و (هم‌چنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن* چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود».

برابر آیات نورانی قرآن کریم و روایات صادره از معصومین (علیهم‌السلام)، ربا، رشوه و اسراف از موانع تحقق عدالت اجتماعی در سطح جامعه اسلامی به شمار می‌آیند، در صورت ابتلای جامعه به این پدیده‌های شوم، این عوامل با برهم زدن تعادل و توازن جامعه باعث ایجاد بی‌عدالتی در بخش‌های مختلف و در نهایت ایجاد ناامنی در تمام حوزه‌ها به‌ویژه حوزه‌های اقتصادی می‌گردند؛ از این رو در دین مبین اسلام این عوامل به‌شدت مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. بنابراین حکومت اسلامی بایستی با اتخاذ تدابیری مناسب و متناسب با شرایط جامعه، با این عوامل ایجاد کننده ناامنی مقابله نموده و با وضع قوانین عادلانه و بازدارنده، ضمن برخورد قاطع با مرتکبین آن‌ها، زمینه را برای به وجود آمدن و گسترش این عوامل در جامعه ناامن کند.

خداوند متعال در مقابل نکوهش شدید ربا، انفاق را ستوده و در آیات گوناگون ضمن مدح این صفت، آن را مایه آرامش و ایمنی اقتصادی، دانسته است؛ از این رو در آیه‌ی شریفه‌ی ۲۷۴ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره می‌فرماید: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که اموالشان را در شب و روز و

پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند». از جمله آثار و برکات انفاق متعادل شدن ثروت و عدم انباشتگی آن، جلوگیری از تکاثر، کم شدن شکاف و فاصله‌های طبقاتی و از همه بالاتر ایجاد امنیت است؛ چرا که خداوند در آیات شریفه‌ی ۲۶۱ و ۲۶۲ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره ضمن آن که صدقه و انفاق را مایه افزایش روزی و گشایش وسیع اقتصادی می‌داند به انفاق کنندگان وعده امنیت و عدم خوف و اندوه ارزانی می‌دارد: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ* الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تُمْ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ مثل آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می‌کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست* کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس منت و آزاری به دنبال انفاقشان نمی‌آورند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».

اسلام به منظور جلوگیری از تمرکز و انباشتگی ثروت در نزد برخی از افراد جامعه با اعلام ممنوعیت احتکار و تحریم آن، در واقع در راه تعدیل ثروت و ایجاد امنیت اقتصادی نیز گام برداشته است. مولای متقیان حضرت علی(علیه‌السلام) در نامه خود به مالک اشتر(ره) درباره احتکار و برخورد با این پدیده شوم هشدار داده و می‌فرماید: «با این همه بدان که بسیاری از ایشان را روشی ناشایسته است و حریص‌اند و بخیل. احتکار می‌کنند و به میل خود برای کالای خود بها می‌گذارند، با این کار به مردم زیان می‌رسانند و برای والیان هم مایه ننگ و عیب هستند. پس از احتکار منع کن که رسول الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله) از آن منع کرده است و باید خرید و فروش به آسانی صورت گیرد و بر موازین عدل، به گونه‌ای که در بها، نه فروشنده زیان بیند و نه بر خریدار اجحاف شود. پس از آن که احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به احتکار کالا زد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد ولی کار به اسراف نکشد»(نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶، نامه ۵۳).

حفظ آزادی اقتصادی و احترام به مالکیت خصوصی افراد در جامعه با قرار دادن آن‌ها در چارچوبی از قوانین و مقررات عادلانه، جلوگیری از ایجاد شکاف و فاصله‌های طبقاتی، با استفاده از شیوه‌ها و سازوکارهای معین، زندگی فقرا را سامان بخشیده و سطح رفاه آنان را تا جایی بالا می‌برد که میان آنان و دیگر افراد جامعه تفاوت زیاد و معناداری وجود نداشته باشد، که منجر به برهم خوردن تعادل و توازن جامعه، هرج و مرج، شورش، بی‌ثباتی و در نتیجه ناامنی شود. قرآن رعایت ترازو و پیمانانه عدل را در انواع مناسبات و داد و ستدهای تجاری، از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی به شمار آورده و ضمن اشاره به ضرورت توزین با قسطاس

مستقیم می‌فرماید: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ و هنگامی که (جنسی را) پیمانۀ می‌کنید، پیمانۀ را کامل بدهید و (اجناس قابل وزن را) با ترازوی درست و صحیح وزن کنید، این برای شما بهتر و فرجامش نیکوتر است» (اسراء، ۳۵) و «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ» * وَزَنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ؛ پیمانۀ را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید» * و (متاع و کالا را) با ترازوی درست وزن کنید» (شعراء، ۱۸۱ و ۱۸۲). مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی ۳۵ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء، این‌گونه مبادلات تجاری مورد توصیه قرآن را ضامن امنیت در کلیه ابعاد دانسته و بیان می‌دارد اگر پای کم‌فروشی به میان آید، حساب زندگی بشر از هر دو طرف اختلاف پیدا کرده و امنیت عمومی از بین می‌رود. ایشان در تفسیر گران قدر خود؛ المیزان، در این خصوص می‌نویسند: «کلمه قسطاس به معنای ترازو و میزان است ... قسطاس مستقیم به معنای عدل است که هرگز در وزن خیانت نمی‌کند... این‌که می‌فرماید: ایفاء کیل و وزن و دادن آن به قسطاس مستقیم بهتر است، برای این است که اولاً کم‌فروشی، یک نوع دزدی ناجوانمردانه است و ثانیاً وثوق و اطمینان را بهتر جلب می‌کند. احسن تحویلاً بودن این دو عمل از این جهت است که اگر مردم این دو وظیفه را عمل کنند، کم‌فروشدن و زاید نخرند، رشد و استقامت در تقدیر معیشت را رعایت کرده‌اند؛ چون قوام معیشت مردم در استفاده از اجناس مورد حاجت بر دو اصل اساسی است: یکی به دست آوردن جنس مرغوب و سالم و به‌درد بخور و دیگری مبادله مقدار زائد بر حاجت است با اجناس دیگری که مورد احتیاج است. آری، هرکس در زندگی خود حساب و اندازه‌گیری دارد که چه چیزهایی و از هر جنسی چه مقدار نیاز دارد و چه چیزهایی بیش از نیاز اوست، چه مقدار آن را باید بفروشد و با قیمت آن اجناس دیگری مورد حاجت خود را تحصیل کند و اگر پای کم‌فروشی به میان آید، حساب زندگی بشر از هر دو طرف اختلاف پیدا کرده و امنیت عمومی از بین می‌رود. اما اگر کیل و وزن به‌طور عادلانه جریان یابد، زندگی و اقتصادشان رشد و استقامت یافته و هرکس هرچه را احتیاج دارد، همان را به مقدار نیازش به‌دست می‌آورد و علاوه بر آن نسبت به همه سوداگران وثوق پیدا کرده و امنیت عمومی برقرار می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۱۳، ۱۲۵).

خداوند در مسیر تبیین امنیت اقتصادی، با توصیه به اعتدال و میانه‌روی، هم بخل‌ورزی و هم گشاده‌دستی مفرط را نکوهش کرده و در نهایت، گشایش روزی و یا تنگ‌دستی را به دست خود دانسته، می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» * إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا؛ و دستت را بخیلانه بسته مدار (که از انفاق در راه خدا باز مانی) و به‌طور کامل هم (در انفاق) دست و دل باز مباش (که چیزی برای معاش خودت باقی نماند) که در نهایت (نزد شایستگان) نکوهیده (و در زندگی خود) درمانده گردی * یقیناً پروردگارت رزق را برای هر که بخواهد وسعت می‌دهد و (برای هر که بخواهد) تنگ می‌گیرد؛ زیرا او به (مصلحت) بندگانش آگاه و بیناست» (اسراء، ۲۹ و ۳۰).

یکی دیگر از عواملی که به ناامنی اقتصادی در سطح جامعه می‌انجامد، نابرابری در دسترسی به امکانات، فرصت‌ها، ثروت و منابع عمومی کشور است. این نابرابری و توزیع غیرعادلانه امکانات، منابع و فرصت‌ها سرانجام به توزیع نابرابر درآمد منتهی می‌گردد؛ به طوری که هر گروهی که از امکانات بهتر و پیشرفته‌تر، منابع بیشتر و فرصت‌های مناسب‌تری برخوردار باشد، فاصله خود را به لحاظ اقتصادی با دیگر گروه‌ها بیشتر می‌کند که این امر در نهایت باعث ایجاد شکاف طبقاتی فاحش با سایر افراد و گروه‌های اجتماعی حاضر در جامعه می‌گردد که محصولی جز ناامنی اقتصادی نخواهد داشت؛ به عبارت دیگر ناامنی اقتصادی از یک طرف می‌تواند ناشی از نابرابری در دسترسی به منابع و فرصت‌ها باشد و از طرف دیگر بر اثر وجود ناامنی اقتصادی، این نابرابری و توزیع نامتناسب تشدید می‌شود.

حکومت در مورد ایجاد برابری در میان آحاد جامعه به دو طریق می‌تواند بر اساس عدالت در تحقق امنیت مؤثر باشد؛ یکی ایجاد برابری در فرصت‌ها و امکانات عمومی جامعه و دیگری بی‌طرفی و عدم مداخله در اداره امور اقتصادی. برابری به این معنی نیست که افراد جامعه در همه زمینه‌ها با هم برابر و یکسان باشند؛ بلکه برابری از منظر اقتصادی، به منزله ایجاد توازن در دسترسی انسان‌ها به امکانات و ثروت‌های عمومی جامعه است. دسترسی عادلانه به امکانات و ثروت‌های عمومی جامعه به عنوان عاملی امنیت‌زا در جامعه به شمار می‌آید؛ چرا که به واسطه برابری همه افراد جامعه در دستیابی به ضروریات زندگی و مشاهده عدم تبعیض و اجرای اقدامات عدالت‌گونه حکومت، آرامش روحی و روانی افراد، تأمین و در نتیجه امنیت پایدار و ثبات جامعه فراهم می‌گردد. در زمینه اعطای آزادی‌های مشروع اقتصادی به آحاد مردم نیز حکومت اسلامی باید با تدابیر خاص و با در نظر گرفتن شرایط کشور در این زمینه اقدام و با اعمال نظارت مستمر و دقیق این مهم را پیگیری نماید. در این خصوص با وضع قوانین و مقررات اقتصادی در مواجهه با شرایط گوناگون اقتصادی با ایجاد آرامش و ثبات در حوزه‌های مختلف اقتصادی کشور موجبات تأمین امنیت را برای کلیه افراد به‌ویژه فعالان اقتصادی قانون‌مدار فراهم و با متخلفین و برهم‌زنندگان تعادل و توازن اقتصادی جامعه برخورد قاطع نماید. بدیهی است با چنین رویکردی امنیت اقتصادی جامعه در سایه تحقق عدالت اجتماعی، تأمین و تک‌تک افراد نسبت به دوام و استمرار آن اطمینان حاصل می‌کنند و با سرمایه‌گذاری در ابعاد و حوزه‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون باعث توسعه روز افزون اقتصادی کشور می‌گردند.

نتیجه گیری

در صورت استقرار عدالت در جامعه، شاهد رشد و شکوفایی استعدادها، بهره‌وری صحیح از امکانات و نعمت‌های الهی در جامعه خواهیم بود. وحدت کلمه، تفاهم و هم‌گرایی در میان افراد، مسئولین و گروه‌های جامعه برقرار شده و از بروز اختلافات و تبعیض‌های ناروا در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جلوگیری می‌گردد. از تجمع و تکاثر سرمایه‌ها، انحصارگرایی و بروز بیکاری و فقر و ناهنجاری در قشر عظیمی از مردم جلوگیری شده و زمینه اعتدالی فرهنگی، بالندگی و رشد فکری فراهم می‌شود. سطح مشارکت در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ارتقاء یافته و پیوند میان مردم و حکومت مستحکم می‌گردد. امنیت پایدار، در سایه آرامش روحی تک‌تک افراد جامعه به عنوان یکی از نتایج تحقق عدالت اجتماعی تضمین و جامعه به سوی کمال که هدف نهایی آفرینش است رهنمون می‌شود. در نهایت راه سعادت بشری در همه‌ی ابعاد هموار و امنیت، در سایه‌ی تحقق عدالت اجتماعی، موجب ثبات و دوام حکومت می‌گردد.

در پایان این پژوهش و به منظور حرکت در مسیر تحقق عدالت در همه‌ی ابعاد و حوزه‌ها و به تبع آن استقرار امنیت پایدار در جامعه‌ی اسلامی و به خصوص جمهوری اسلامی ایران، با تأسی از آموزه‌های دینی و اسلامی، قرآن کریم و روایات صادره از ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) و هم‌چنین سیره نظری، عملی و تربیتی پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و سیره‌ی حکومتی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، پیشنهادهایی در دو حوزه‌ی اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌گردد، امید است که مورد توجه و بهره‌برداری همه‌ی مسئولین، مدیران، سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های مختلف در قوای سه‌گانه و متصدیان امور اجرایی کشور، پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌ها، مؤسسات آموزش عالی و تک‌تک افراد جامعه قرار گیرد تا شاهد تحقق عدالت؛ این آرمان الهی و انسانی و ثبات و امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران باشیم «ان شاء الله».

الف- حوزه‌ی اجتماعی

۱. برنامه‌ریزی مؤثر و مستمر به منظور ارتقاء سطح رفاه عمومی در کشور به‌طوری که همه‌ی افراد از مواهب آن در زمینه‌های بهداشت و درمان، آموزش، تغذیه، مسکن و... در حد قابل قبول و متعارف برخوردار باشند.

۲. نفی هرگونه تجاوز و تعدی به حقوق افراد به ویژه در مورد اموال و دارایی‌های آنان و محترم شمردن مالکیت خصوصی آحاد جامعه، برخورد مقتدرانه سیستم قضایی کشور با متجاوزان به حریم و حقوق مردم با توجه به سازوکارهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی کشور.

۳. اعطای آزادی‌های مشروع به تک‌تک افراد جامعه در کلیه‌ی ابعاد نظیر آزادی بیان و قلم، تفکر و اندیشه، عقیده و مذهب، تا جایی که به سایر مصالح جامعه و امنیت آن در حوزه‌های مختلف خدشه‌ایی وارد نگردد.

ب- حوزه‌ی اقتصادی

۱. رعایت انصاف در انجام کلیه‌ی تعاملات، داد و ستدهای اقتصادی، وضع موازین عادلانه در معاملات، نرخ‌گذاری‌ها، مقابله جدی با کم‌فروشی، گران‌فروشی، تقبیح اسراف و خرید مازاد بر احتیاج.

۲. توجه ویژه‌ی مسئولین اقتصادی کشور به تولید به عنوان محور اصلی رشد و امنیت اقتصادی، با ارج نهادن به تلاش‌های تولیدکنندگان، رسیدگی به مشکلات اقتصادی آنان، اعطای تسهیلات مناسب و متناسب با فعالیت تولیدی و اقتصادی آن‌ها و در نهایت نظارت بر نحوه‌ی تولید، کیفیت کالای تولیدی و نحوه‌ی هزینه‌کرد تسهیلات اعطایی به منظور جلوگیری از فعالیت‌های غیرقانونی نظیر رانت.

۳. ایجاد یک پارچگی در سیستم سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، ارزشیابی، نظارت و تخصیص منابع عمومی کشور در تمام بخش‌های جامعه با هدف تعادل‌بخشی به امور اقتصادی و برقراری توازن ثروت و امکانات عمومی در سطح جامعه.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. نهج البلاغه، شریف الدین رضی الدین، محمد بن حسن، ۱۳۸۶، ترجمه: حسین انصاریان، نوبت چاپ دوم، تهران، پیام آزادی.
۳. آمدی، عبد الواحد بن محمد تمیمی، ۱۴۱۰، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، محقق: مصطفی درایتی، نوبت چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۱، الخصال، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، نوبت چاپ نهم، تهران، انتشارات کتابچی.
۵. -----، ۱۳۷۳، عیون اخبار الرضا(ع)، ترجمه: علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، نوبت چاپ اول، تهران، نشر صدوق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹، مناقب آل ابی طالب، مصحح: هاشم رسولی و محمدحسین آشتیانی، نوبت چاپ اول، قم، انتشارات علامه.
۷. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴، معجم المقائیس اللغه، نوبت چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، نوبت چاپ سوم، بیروت، دارالصادر.
۹. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۶، امنیت و ابعاد آن در قرآن، نشریه الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی) شماره ۷۵، صص ۳۸-۱۱.
۱۰. افرام بستانی، فؤاد، ۱۳۸۹، فرهنگ منجد الطلاب، مترجم: محمد بندر ریگی، نوبت چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۱. آشوری، داریوش، ۱۳۷۳، دانشنامه سیاسی، نوبت چاپ سوم، تهران، مروارید.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۳۹۱، صحیح بخاری، مترجم: عبدالعلی نور احقراری، نوبت چاپ سوم، تربت جام، شیخ الاسلام احمد جام.
۱۳. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۳، نهج الفصاحه، تصحیح و تنظیم: عبدالرسول پیمانی و محمد امین شریعتی، نوبت چاپ دوم، اصفهان، خاتم الانبیاء.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴، الصحاح، نوبت چاپ سوم، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۵. خُرّانی، حسین بن علی بن شعبه، ۱۳۸۲، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، نوبت چاپ اول، قم، آل علی(علیهم السلام).
۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، وسائل الشیعه، نوبت چاپ اول، قم، آل البیت(علیهم السلام).
۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۹، طایر فرخ پی، نوبت چاپ اول، تهران، دریا.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، المفردات فی غریب القرآن، نوبت چاپ اول، بیروت، دارالشامیه.
۱۹. شعیری، محمد بن محمد، ۱۳۶۳، جامع الاخبار، نوبت چاپ اول، قم، انتشارات رضی.

۲۰. طباطبایی حکیم، سید محسن، ۱۳۹۱، مستمسک عروه الوثقی، نوبت چاپ چهارم، قم، دارالتفسیر.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۷، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید باقر موسوی همدانی، نوبت چاپ یازدهم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۲. طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۸، مجمع البحرين و مطلع النحرین، نوبت چاپ چهارم، تهران، نشر تهران.
۲۳. عمید، حسن، ۱۳۹۰، فرهنگ عمید، نوبت چاپ سی و هشتم، تهران، امیر کبیر.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، العین، نوبت چاپ اول، قم، انتشارات اسوه.
۲۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵، قاموس المحيط، نوبت چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴، مصباح المنیر، نوبت چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، فروع کافی، ترجمه: محمدحسین رحیمیان، نوبت چاپ اول، قم، قدس.
۲۸. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، مصحح: حسین حسینی بیرجندی، نوبت چاپ اول، قم، دارالحديث.
۲۹. ماه‌پیشانیان، مهسا، ۱۳۹۰، عدالت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت جامعه، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۵۱، صص ۶۳-۳۳.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، نوبت چاپ اول، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۱. معلوف، لوئیس، ۱۳۸۰، المنجد فی اللغة، نوبت چاپ سی و هفتم، قم، نشر ذوی القربی.
۳۲. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، نوبت چاپ سوم، تهران، نشر زرین.
۳۳. مغربی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵هـ.ق، دعائم الاسلام، نوبت چاپ دوم، قم، آل البيت (علیهم السلام).
۳۴. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، ۱۳۸۶، تفسیر نمونه، نوبت چاپ بیست و نهم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۳۵. موسوی خمینی، روح ا...، ۱۳۸۵، تحریر الوسيله، نوبت چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

1. R.J. Barry Jones Routledge Encyclopedia of International Political Economy: Entries G-O, P. 858

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۸۴ - ۲۶۵

مقایسه تطبیقی نظریه عصیبت ابن خلدون. کاریزمای وبر و نخبگان پارتو در ظهور و سقوط سلسله قاجار

قاسم گل حسینی^۱منیره کاظمی راشد^۲شهرزاد ساسان پور^۳داوود ابراهیم پور^۴

چکیده

تاریخ، دانش واکاوی پیشامدهای گذشته سپری شده است. بر مبنای این علم، حوادث تاریخی در یک سلسله زمانی و مکانی مورد بحث و تدقیق قرار می گیرند. هدف این پژوهش، مقایسه ی تطبیقی نظریه های عصیبت ابن خلدون، کاریزمای وبر و نخبگان پارتو در ظهور و سقوط سلسله قاجار می باشد تا خلاهای تحقیقاتی در رابطه با این موضوع به نوعی انجام گیرند. روش پژوهش مقایسه تطبیقی-تاریخی است. همچنین در این روش از اسناد نیز استفاده خواهد شد. یافته های پژوهش بر این قراراند که ابن خلدون در مقدمه خویش مفهوم عصیبت را در تبیین چونی و چرایی تطور دورانی تاریخ، ظهور و سقوط سلسله ها بکار بسته و تعمیم داده است. عصیبت در نظر ابن خلدون یکپارچگی و همبستگی اجتماعی میان گروه، قبیله، قوم و ملت است. ماکس وبر نیز منابع سه گانه مشروعیت و اقتدار سیاسی را در جنبش های اجتماعی بر سه وجه (سنت، عقلانیت و کاریزما) دانسته است. کاریزما در اصطلاح به ویژگی و خصوصیت کسی اطلاق می شود که فی نفسه و بشخصه و یا در نظر دیگران، دارای قدرت رهبری فوق العاده است. همچنین در نظریه جایجایی نخبگان پارتو، در بین افراد یک گروه، شایسته ترین افراد آن گروه را نخبگان (Elite) می نامند. نتایج پژوهش بر این قراراند که در پی افول تدریجی سلسله صفوی و حمله افغان ها، عصیبت، کاریزمایی، نخبگی و معالای مشروعیت فرمانروایان و حاکمان صفویه زیر سوال رفت و نادرشاه نیز پس از مدتی فرمانروایی و حکومت جای خویش را به کریم خان زند داد؛ ولی با مرگ کریم خان و در دوران حکومت لطفعلی خان زند، سران اهل قاجار و بخصوص آغا محمد خان قاجار با نیروی عصیبت، کاریزمایی و نخبگی که در میان اهل خویش داشت، در ۱۱۱۷ خورشیدی توانست آنها را مقهور و سبب ظهور سلسله قاجار گردید. ولی باز طی سنت محتوم تطور دورانی تاریخ، مرگ زود هنگام وی، سبب شد که وارثان او ناتوان از بسط و گسترش سیطره خویش در کنار عوامل خارجی جهانی موثر همچون جنگ های ایران و روس، جنگ جهانی اول، دخالت انگلیس، در کنار عوامل داخلی و معالای با کاهش نیروی عصیبت، کاریزما و نخبگی در عقبه حاکمان قاجار، زمینه را برای برکناری احمدشاه و سقوط سلسله قاجار و برآمدن رضا خان و ظهور سلسله پهلوی در ۱۳۰۴ خورشیدی فراهم آورند.

واژگان کلیدی

عصیبت ابن خلدون، کاریزمای وبر، نخبگان پارتو، ظهور و سقوط سلسله قاجار.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، واحدشعبه، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.
۲. هیئت علمی گروه تاریخ، واحدشعبه، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. هیئت علمی گروه معارف اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، ایران.
Email: sh.sasanpur@gmail.com
۴. هیئت علمی گروه جامعه شناسی، واحدتبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۴

طرح مسأله

در نگاه به تاریخ ایران و تحلیل رویدادهای آن، نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی از سوی پژوهشگران مورد امان نظر بوده‌اند. عده‌ای از پژوهشگران، با استفاده از نظریه استبداد شرقی مونتسکیو و ویتفوگل؛ برخی از نظریه شیوه تولید آسیایی کارل مارکس؛ بعضی دیگر از طرح حکومت‌های پاتریمونیال ماکس وبر، یا گروهی دیگر از نظریه اقتدارهای کاریزمایی وی؛ و برخی نیز به جهت بافت قبیله‌ای جامعه ایران، از نظریه عصیبت ابن‌خلدون در تحلیل تحولات سیاسی - اجتماعی استفاده کرده‌اند؛ و همچنین عده‌ای نیز از نظریه جابجایی نخبگان پارتو در تبیین رویداد‌های سیاسی - اجتماعی - تاریخی و جدال و کشمکش قدرت در ایران بهره‌جسته‌اند. به لحاظ نظریه‌های مبدع، مونتسکیو، در تبیین تمایز میان ساختار سیاسی حکومت‌های شرقی و غربی بر مشخصه استبدادی بودن نظام‌های شرقی تأکید داشته‌است. مونتسکیو آن را فرمانروایی مطلق فردی نامیده‌است.

کارل مارکس این تفاوت نظام‌های شرقی و غربی را ناشی از تفاوت در مناسبات تولید و برآمده از نظام تولید آسیایی دانسته‌است؛ که در این نوع نظام استبدادی شرقی، به جای طبقات، دولت استبدادی نقش اصلی را در چرخه تولید ایفا می‌نماید.

ماکس وبر، با اشاره به اینکه مسأله آب همیشه در شرق به جهت کمیابی مورد توجه بوده، لذا به جهت کنترل و نگهداری شبکه‌های وسیع آبیاری، نیازمند، قدرتی متمرکز بوده‌است. بنابراین وی نوع آرمانی حکومت‌های شرقی را دولت‌های پاتریمونیال معرفی کرده‌است. پاتریمونیالیسم^۱ یعنی سلطه موروثی، که طی آن خاندان سلطنتی و پادشاهی، به صورت ساخت پدرسالار در ساخت سیاسی سنتی از اقتدار یک رئیس پدر در خانواده، بعد رئیس طایفه، قبیله و تا قدرت جابره‌نهایی شاه در بالاترین سطح می‌رسد.

بر طبق نظریه‌های ساخت سیاسی در ایران، همچون نظریه استبداد شرقی مونتسکیو، ویتفوگل، نظریه شیوه تولید آسیایی کارل مارکس، نظریه عصیبت ابن‌خلدون، نظریه اقتدار کاریزمایی ماکس وبر و نظریه گردش نخبگان ویلفردو پارتو؛ هر کدام از وجهی به ظهور و سقوط فرمانروایان و سلسله‌ها پرداخته‌اند. در این راستا، در این پژوهش علل ظهور و سقوط سلسله قاجار در چارچوب سه نظر عصیبت ابن‌خلدون، کاریزمای وبر و نخبگان پارتو مورد امان نظر و تبیین قرار خواهند گرفت.

عصیبت مورد نظر ابن‌خلدون معادل پیوند خویشاوندی و همبستگی اجتماعی در ایجاد روحیه سلحشوری و نیروی غلبه در آنان، طی معارضه با گروه‌های دیگر می‌باشد که سبب

برتری و تفوق و تسلط گروهی با عصبیت بالا بر گروه و یا گروه های با عصبیت پایین می گردد. در رابطه با نیروی کاریزمایی مورد نظر ماکس وبر در کتاب اقتصاد و جامعه خویش، این نوع مشروعیت خود بنیاد پادشاه از قهر و غلبه پدید می آید؛ چرا که در اصل مساله ای که مبنای مشروعیت چنین کاریزمایی می گردد، قدرت و غلبه است؛ و طی انتقال کاریزما از فرمانروای موسس و پیروز اولین به دربار و دیوان و سلسله پادشاهی، و متجلی شدن آن در اساس سلطنت، معضل جانشینی را پس از مرگ کاریزمای موسس و اول، حل می نماید.

همچنین پارتو نیز در جابجایی و گردش نخبگان، جامعه را ترکیبی ناهمگون از انسان ها معرفی می نماید و با اعلام فرمول $۸۰ * ۲۰$ که طی آن ۲۰% نخبگان در طول تاریخ بر ۸۰% توده ها حکومت و فرمانروایی کرده اند؛ اقدام به تبیین تحولات دَوْرانی تاریخ نموده است.

علاوه بر ویلفردو پارتو، اندیشمندانی دیگر نیز در تاریخ فرهنگ بشری (افلاطون)، (ماکیاولی)، (موسکا) و (میخلز) نیز در رابطه با نخبه گرایی، نظریه پردازی نموده اند. پارتو در نظریه نخبگان خویش، به چرخش نخبگان برای رسیدن به قدرت تأکید می نمود. «از دید پارتو، خاستگاه گروه برگزیدگان، نابرابری های زیستی و روانی در میان شهروندان است. به عبارتی دیگر، نخبگی از ویژگی های انسانی و توانایی های فردی یا غرایز ریشه می گیرد. نخبگی را نباید در نیروهای ناشناختی و ماورای طبیعت یا در فرآورده های طبیعی پیشرفت فنی دید، بلکه آن را باید در جنبه های (زیستی-روانی) و نابرابری های ذاتی افراد جستجو کرد» (راش، ۱۳۸۸، به نقل از صبوری، ص ۴۷۱).

روش این تحقیق مقایسه تطبیقی - تاریخی است. روش مطالعه مقایسه تطبیقی - تاریخی، یکی از روشهای تحقیق در حوزه علوم اجتماعی و تاریخی است که هدف آن شناخت، تبیین و تحلیل پدیده های تاریخی است. به لحاظ پیشینه تاریخی، از این روش اندیشمندانی همچون ابوریحان بیرونی، غزالی و ابن خلدون در رابطه با تجزیه، تحلیل، مقایسه و مقابله حوادث تاریخی، در آثار خویش بهره جسته اند.

تیدا اسکاچپول و چارلز تیلی دوتن از پژوهشگرانی هستند که به روش تاریخی - تطبیقی پرداخته اند. در نظر اسکاچپول: «انقلابها ساخته نمی شوند بلکه در اثر تلاقی عوامل خاصی که ریشه در ساختارهای رژیم کهن دارند پدید می آیند؛ و به این مناسبت است که بر عهده جامعه شناس تاریخی فرض است که چگونگی و چسانی فراهم شدن عواملی را مشخص نماید که مستقل از اراده افراد، منجر به تلفیق شرایط اجتماعی و عملکردهای گروهی ضروری جهت پیدایش انقلاب های اجتماعی می شود» (Skocpol, 1976, P. 81).

همچنین در این روش از اسناد نیز استفاده خواهد شد. روش پژوهش اسنادی، روشی تام و تکنیکی در جهت تقویت سایر روش های کیفی در پژوهش های علوم اجتماعی است. «در این

روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را در باره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. بخش قابل توجهی از پژوهش‌های نظری در جامعه‌شناسی، خواسته یا ناخواسته، از روش اسنادی بهره می‌برند. چنین روش می‌تواند تکنیک‌های لازم برای بررسی پیشینه پژوهش‌ها را فراهم آورد.» (Blaikie, 2004, P. 141).

با توجه به سه نظریه‌عصبیت ابن‌خلدون، کاریزمای ماکس وبر و نخبگان پارتو، در این پژوهش اقدام به پاسخ‌یابی به سوالاتی می‌شود که در حوزه تحقیقات مربوط به ظهور و سقوط سلسله قاجار موجود می‌باشند.

بنابراین در ابتدا نگاهی گذرا به تاریخ ایران از ورود اسلام و ظهور سلسله‌های مختلف تا اوایل ظهور سلسله قاجار انداخته می‌شود تا چونی و چرایی و علل ظهور سلسله قاجار با پیش‌زمینه‌های مربوطه، دقیق‌تر مورد واکاوی قرار گیرند.

مبحث اول: شرایط تاریخی قبل از ظهور سلسله قاجار

در تحلیل طولی تاریخ ایران، طی حمله اعراب در زمان خلیفه دوم و گسترش جغرافیایی سریع و در مدتی کوتاه و بدون شکل‌گیری کامل بنیان‌های سیاسی-تشیکیلاتی خلافت نوپای اسلامی، به واسطه‌جذب معنوی پیام الهی در انطباق با فطرت مردمی بود که در سرزمین‌های مختلف زندگی می‌کردند. اما این دستگاه خلافت در پی ۲۳ سال جهاد اعتدالی به منظور ابلاغ پیام رسالت، به یک باره خود را مواجه با قلمروهای گسترده‌ای از ترکیب فرهنگ‌های متنوع قومی و مختلف دید. در این میان، متولیان خلافت، که قبل از این هیچ نوع تجربه حکومت در سطح یک امپراطوری وسیع را نداشتند، طی چیرگی و غلبه بر تمدن‌های کهن ایران و روم در شرق و غرب حجاز، مواجه بر حکومت به مردمانی شدند که پیش از این شکست‌ها، تجربه دیوانسالاری‌هایی در امپراطوری‌های بزرگی همچون ساسانیان، اشکانیان و هخامنشیان را داشتند.

مبحث دوم: ظهور سلسله‌های ایرانی در پی حمله اعراب

در جریان حکومت خلفای اموی و عباسی، در اکثر نقاط ایران، دلاورانی بر علیه این سلطه تا فرصت می‌یافتند، قیام می‌کردند. نهضت‌هایی همچون بابک خرم‌دین بر علیه کل موجودیت دستگاه خلافت و یا ابومسلم خراسانی بر علیه خلافت امویان و در خلافت بنی‌عباس از آن جمله می‌باشد.

طاهریان (۸۲۱-۸۷۳ میلادی؛ ۲۰۷-۲۵۹ ه.ق) اولین حکومت مستقل ایرانی بعد از حمله اعراب بود که دارای تبار دهقانی خراسانی بودند.

صفاریان (۸۶۱-۱۰۰۲ میلادی معادل ۲۴۷-۳۹۳ ه.ق)، دودمانی ایرانی طبار بودند که بر بخش‌های زیادی از ایران، افغانستان، تاجیکستان و پاکستان کنونی سیطره داشتند. در زمان

صفاریان، زبان فارسی اولین بار پس از حمله اعراب به ایران دوباره زبان رسمی شد و از مرگ تدریجی رهایی یافت. یعقوب لیث صفاری دستور داده بود که در کاخ خویش تنها به زبان فارسی سخن گفته شود و تکلم به زبان عربی، جرم محسوب می شد. یعقوب لیث صفاری مردی عیار و جوانمرد از بلاد سیستان بوده است.

دولت سامانی به واسطه چهار برادر، نوح، احمد، یحیی و الیاس بنا نهاده شد و هر کدام از آنها بر بخشی از سرزمین های سامانی حکومت می کردند؛ و خود را دست نشانده ی حکومت عباسیان می نامیدند؛ و در سال ۸۹۲ میلادی، اسماعیل سامانی، تمام قلمرو سامانی را تحت لوای یک پرچم و حکومت درآورد. دوره حکومت سامانیان، دوره ظهور مجدد فرهنگ ایرانی و زبان فارسی بوده است. سامانیان، همچون طاهریان، حکام مطیع دستگاه خلافت عباسی بغداد بودند. آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ ه. ق معادل ۹۳۳-۱۰۵۵ میلادی) از دودمان های دیلمی زیدی مذهب شیعه می باشند که بر بخش مرکزی، غربی و جنوبی ایران و عراق فرمانروایی می کردند و برآمده از دیلم در لاهیجان گیلان می باشند.

سلجوقیان به عنوان گسترده ترین سلسله ایرانی پس از اسلام، از پشتوانه فکری قوی و تشکیلات دیوانی کاملی برخوردار بودند. بطوریکه در دوره سلجوقیان: "در حالیکه روابط دستگاه خلافت با غزنویان از رابطه خلافت با امرای مستکفی و مطیع گذشته به نوعی تشریک مساعی در اهداف مشترک ارتقا یافت" (طباطبایی، ۱۳۷۳، ص ۹۹). همچنین: "در دوره سلجوقی این رابطه وضع کاملاً جدیدی پیدا کرد به طوریکه دستگاه خلافت و شخص خلیفه تحت الحمایه سلطان سلجوقی محسوب گردید." (لمبتون، به نقل از پهلوان، ۱۳۵۹، ص ۲۳).

دوره مغولی در ایران یک دوره ۱۴۰ ساله از ۶۱۶ ه. ق تا ۷۵۶ ه. ق را به سه دوره تقسیم می نمایند: الف - دوره هجوم (که با مرگ قوبلای خان در ۶۹۳ پایان می یابد)؛ ب - دوره ضعف و تجزیه (در ۶۵۶ ه. ق در زمان هولاکوخان) و ج - دوره فروپاشی و انقراض.

"در دوره سوم (ج) غازان خان، اولجاتیو و ابوسعید به ناچار اسلام می آورند. یعنی تا زمانی که مقتدرند و از سوی امپراطوری مغولی پشتیبانی می شوند، تمایلی به پذیرش دین مردم ایران از خود نشان نمی دهند، ولی با گسستن ارتباط با عقبه و بی رنگ شدن حکومت نظامی، نسبت به پذیرش اسلام آمادگی پیدا می کنند" (اشپولر به نقل از میرآفتاب، ۱۳۵۱، ص ۲۲۴).

صفویان دودمانی ایرانی بودند که طی سالهای (۸۸۰ تا ۱۱۱۴ خورشیدی برابر با ۹۰۷-۱۱۴۸ ه. ق و ۱۵۰۱-۱۷۳۶ میلادی) در حدود ۲۲۱ سال بر ایران حکومت کردند. حکومت بیش از دو قرن صفویان بر ایران میان دو یورش مهاجمان خارجی بر ایران - یورش مغولان و یورش افغان ها - ظهور و ادامه یافته است، که دوره ای از آرامش، آبادانی و اشتها جهانی را برای ایران سبب شده اند. حکومت بیش از دو قرن صفویان بر ایران میان دو یورش مهاجمان خارجی بر

ایران - یورش مغولان و یورش افغان ها - ظهور و ادامه یافته است، که دوره ای از آرامش، آبادانی و اشتها جهانی را برای ایران سبب شده اند.

نادرشاه افشار (متولد ۱۰۶۷ شمسی و قتل در ۱۱۲۶)، از اهل افشار خراسان که از ۱۱۱۴ تا ۱۱۲۶ خورشیدی پادشاه ایران و بنیان گذار سلسله افشاریه بوده است. وی پس از سرکوب افغان ها و بیرون راندن عثمانی ها و روس ها از ایران، سبب تجدید استقلال ایران شد. با قتل نادرشاه افشار و شروع مجدد دوره حکومت های ملوک الطوائفی بر ایران، در نواحی مختلف، سرداران افغانی، روسای طوایف قاجار، شاهرج میرزای افشار و آخرین بازماندگان سلسله صفوی حکومت می کردند. به طوری که: "سرانجام این دوره طایفه گری و قدرت گرفتن کریم خان که سرباز ساده ای از قبایل لر و در خدمت علی مردان خان بختیاری در اصفهان بود، به پایان رسید. در دوره او که هیچگاه خود را شاه نخواند، ایران در صلح و آرامش و اعتدال نسبی به سر برد. با مرگ کریم خان طبق معمول دوره ی از کشمکش درون دودمانی بر سر جانشینی پدید آمد که به تضعیف سلسله زندی منجر گردید. با فتور زندیان، طایفه قاجار، رقبای سرسخت آنان در اصفهان، قدرت گرفته و بالاخره با قتل لطفعلی خان آخرین سردار زندی در کرمان توسط آغا محمد خان، پرونده این سلسله نیز بسته شد." (کلیفورد با سورت، به نقل از بدره ای، ص ۲۶۳).

مبحث سوم: ظهور سلسله قاجار بر طبق نظریه عصیبت ابن خلدون، کاریزمای وبر و

نخبگان پارتو

با توجه به فراز و نشیب تاریخ ایران از دوره اسلام تا ظهور سلسله قاجار که طی صفحات قبلی خلاصه وار مورد اشاره قرار گرفت تا زمینه ظهور قاجار به خوبی ادراک و بر طبق سه نظریه عصیبت ابن خلدون، کاریزمای ماکس وبر و جابجایی نخبگان پارتو با توان تبیین مبرهن تری مورد امعان نظر قرار گیرد. چراکه بدون ادراک روح زمان و روح مکان مورد استناد هگل فیلسوف آلمانی در بحث مباحث فلسفه تاریخ، نمیتوان به ضرورت های برآمدن افراد و سلسله ها و حکومت ها وقوف کامل یافت.

بن مایه و شاخص محوری نظریه عصیبت ابن خلدون متوفی به سال ۸۰۸ ه.ق، در رابطه با تحول دوری حکومت ها که جابجایی و دست به دست شدن قدرت عصیبت است. صاحب نظران عصیبت را از دیدگاه ابن خلدون چنین معنی و تعریف کرده اند که "عصیبت را همبستگی اجتماعی و ... معادل پیوند خویشاوندی گرفته اند" (مدیرشانه چی، ۱۳۷۳).

هدف عصیبت مورد نظر ابن خلدون تصاحب قدرت و حکومت فرمانروایی و کشورگشایی است؛ و این امر از طریق تقویت همبستگی های خانوادگی، قومی و ملی، معالاً سبب روی کار آمدن حکومت ها و ظهور سلسله ها به موازات بسط قدرت گروه های طایفه ای و قومی است. در این راستا، قاجار(قجر)، قاجاریه(قاجاریان) نام دودمانی است که از حدود ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴

خورشیدی به مدت یکصد و سی سال بر ایران فرمانروایی کردند. بنیان گذار این سلسله آغا محمد خان قاجار است. "وی ابتدا در ساری مدعی سلطنت بر ایران شد و پایتخت خود را در این شهر اعلام نمود و سپس پس از تصرف قفقاز و سرکوب کلیه امراء و حکام داخلی در تهران مستقر شد و آن رادارالخلافة نامید." (شمیم، ۱۳۷۱، ص ۲۸۷).

بر طبق نظریه های معروف ساخت سیاسی (همچون عصیبت ابن خلدون، کاریزمای ماکس وبر و نخبگان پارتو)، همانطور که ابن خلدون در نظریه عصیبت خویش به همبستگی اجتماعی و پیوند خویشاوندی در گروه های طایفه ای و قومی تاکید نمود و یا همچون ماکس وبر، در نظریه اقتدار کاریزمایی خویش که بر قدرت تاکید داشته که بصورت جوهری، کاریزمای پادشاهی را پدید می آورده است که در اصل مسئله و مبنای مشروعیت چنین کاریزمایی، قدرت و غلبه است؛ و با تشکیل سلسله پادشاهی، طی انتقال کاریزما از فرمانروا به دربار و دیوان پادشاهی و شدن آن در ساختار سلطنت، معضل جانشینی، به میزان زیادی از بین می رود. همچنین بر طبق نظریه جابجایی نخبگان ویلفردو پارتو نیز در رابطه با انطباق آن با ظهور و سقوط سلسله ها در تاریخ ایران، می توان به این نظر توجه نمود که: "تاریخ ایران هیچگاه شاهد رهبران فرهمند و کراماتی نبوده است بلکه همواره بستر ظهور و حضور گروه های مستبد و تشنه قدرتی بوده که پیرامون یک چهره خودکامه فاقد هرگونه فضیلت یا کرامات مورد انتظار حلقه زده اند و قدرت سیاسی را نه از طریق اقبال همگانی و یا اعتبار آسمانی کاریزمایی، بلکه با توسل به زور و تدبیر به دست آورده اند. اگرچه همواره پس از استقرار سلطه خویش، جهت تحکیم و تداوم آن در صدد کسب نوعی حقانیت و مشروعیت در برابر حریفان و مدعیان قدرت بوده و سعی کرده اند چهره ای کاریزمایی از خود به نمایش بگذارند." (مدیرشانه چی، ۱۳۷۳).

بر طبق نظریه پارتو، جامعه ترکیب ناهمگنی از افراد مقهور و تحت سلطه، در زیر سیطره گروه های کوچک اما نخبه می باشد که حاکمیت سیاسی جامعه را بر عهده دارند؛ و طی جابجایی نخبگان جدید با نخبگان فرسوده ای که استعدادها و لیاقت های گذشته را در جهت استمرار حاکمیت خویش، از دست داده اند؛ شرایط اجتماعی سیاسی را شکل می دهند؛ و در این میان، خیل مردم، تنها سپاه و مامور آن نخبگان با تدبیر، در جریان مبارزه برای تصاحب قدرت میشوند. ظهور سلسله قاجار و برآمدن آغا محمد خان قاجار، نیز بر طبق همین سه نظر عصیبت ابن خلدون، کاریزمای ماکس وبر و جابجایی نخبگان پارتو قابل تبیین و انطباق و تعمیم می باشد. جوزف شومپیتر، ناقد سرسخت نظریه نخبه گرایی کلاسیک بوده و بر این نظر بود که: «مردم چیزی بیش از تولیدکنندگان حکومتها و سازوکاری برای انتخاب مردانی توانا در تصمیم گیری نیستند» (آرون، ۱۳۹۶). به نظر جوزف شومپیتر، سوسیالیسم و دموکراسی، هر کدام، فقط شکلی از نخبه گرایی رقابتی می باشند؛ و در این میان دموکراسی مبنی برای مشروعیت بخشی

به نخبگان حاکم است.

پس از مرگ نادرشاه افشار در سال ۱۱۲۶ خورشیدی، طوایف قاجارهای استرآباد به سردمداری محمد حسن خان در صدر به دست گیری سریر پادشاهی برآمدند. اما در پی جنگ‌هایی که با کریم خان زند داشتند شکست خوردند و در این میانه محمد حسن خان طی جنگ با سپاه صادق خان زند به قتل رسید؛ و فرزندان ایشان یعنی آغا محمد خان و حسینقلی خان جهانسوز به عنوان گروگان در دربار زندیه نگهداری می شدند. در این میان حاکم استرآباد بر علیه کریم خان زند شورید و حسینقلی خان از طرف کریم خان زند مامور شد تا حاکم شورشی استرآباد را سرکوب نماید؛ ولی خود درسمنان بر علیه کریم خان زند شورید؛ ولی توسط زکی خان زند به قتل رسید. قدرت عصبیت ابن خلدون و کاریزمای وبری و نخبگان پارتویی تا زمانی که کریم خان زند زنده بود؛ نخبگان ایل قاجار را از به قدرت گرفتن باز می داشت. در پی مراسم خاکسپاری کریم خان زند (۱۱۹۳ ه.ق)؛ سران حکومت زندیه برای به دست گرفتن قدرت به کشمکش پرداختند و سرانجام در ۱۲۰۳ ه.ق لطفعلی خان فرزند جعفر خان به قدرت رسید و شش سال قدرت را در دست داشت و پیوسته در درگیری با مخالفان بود. در این میان، سران اهل قاجار نیز در شمال ایران و در نواحی گرگان و مازندران و بویژه استرآباد که نفوذ زیادی داشتند؛ سعی در به دست گرفتن قدرت برآمدند؛ و طی درگیری هایی که میان لطفعلی خان و آغا محمد خان قاجار در حمله به شیراز و محاصره دو ماه آن و کمبود مواد غذایی قاجار ها، دوباره به ناگزیر به تهران بازگشتند. دوباره در سال ۱۲۰۶ هجری قمری، آغا محمد خان قاجار به شیراز حمله کرد و طی حمله جنگی لطفعلی خان را شکست داده و در عمارت کلاه فرنگی شیراز به تخت سلطنت جلوس نمود؛ و طی دو سالی که لطفعلی خان به کرمان گریخته بود میان آغا محمد خان و لطفعلی خان جنگ و نبرد ادامه داشت. آغا محمد خان قاجار به کرمان حمله و طی محاصره و جنگ و نبردهای متعدد، عاقبت کرمان را فتح و مردم زیادی از آنجا را کور و به قتل رساند و لطفعلی خان که به بزم فرار کرده بود، توسط حاکم آن جا دستگیر و تسلیم آغا محمد خان قاجار گردید و ایشان را ابتدا کور و به طرز فجیعی به قتل رساند؛ و به این طریق پایان حکومت زندیه و ظهور کامل سلسله قاجار فرا رسید.

«در پاسخ به چرایی رویکرد همزمان هزاران و میلیون ها نفر به سمت یک شخص (رهبر کاریزمائی)، می توان آن را در نوع ویژه خاصی از فرافکنی، یعنی فرافکنی خودشیفتگی تبیین نمود. کسانی که در بستر مناسبات سرکوبگر اجتماعی-تاریخی، از خودشیفتگی محروم شده اند؛ طی انباشت سالهای این سرکوب شدگی، در لحظاتی نادر از موقعیت های تاریخی، طی فرافکنی به رهبر کاریزمائی، بیا می خیزند و در جهت اعمال مکانیسم جبران بر می آیند» (سید ولیلو و علیائی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۵).

وقتی که عصیبت در میان قومی فرو می‌کاهد؛ و یا کاریزمای فرد رهبر و حاکم افول می‌نماید و معالاً نخبگی وی زیر سوال می‌رود؛ خود اطرافیان حاکم (لطفعلی خان زند) وی را دستگیر (توسط حاکم بم) و تحویل رهبر و حاکم با عصیبت، کاریزما و نخبگی بالا می‌شود. چرا که بر طبق نظریه عصیبت ابن خلدون: "هرگاه دولت استقرار یابد و شالوده آن مستحکم شود) در این مورد در زمان کریم خان زند) دیگر از عصیبت بی‌نیاز است (ابن خلدون، به نقل از پروین گنابادی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۹۵).

در کنار عصیبت ابن خلدونی و کاریزمای وبری و نخبگان پارتویی در تبیین برآمدن آغا محمد خان قاجار و ظهور سلسله قاجار، مشروعیت دینی سلسله‌ها در ایران اسلامی پس از ورود اسلام به ایران به جز در دوره مغول و نادرشاه افشار، معمول بوده است.

"آغا محمد خان که با نشان دادن برتری خود نسبت به دیگر رقبا و مدعیان تاج و تخت در ایران، سلسله قاجار را بنیان گذارد، مرد دینداری می‌نمود. اما رابطه نزدیکی با علماء نداشت. در حالیکه جانشین وی فتحعلی شاه ارادت و احترام زیادی نسبت به علما نشان می‌داد. برخورد متفاوت این دو پادشاه با دستگاه روحانیت و نهاد دینی، متناظر با همین موضع‌گیری دوگانه و به ظاهر متعارض شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی نسبت به علمای خویش می‌باشد.... آغا محمد خان قاجار بنیان‌گذار سلسله، که به علت برخورداری از شرایط خاص دوره جدال و پیشروی و این که پس از تاجگذاری مدت زیادی زنده نماند، به طور جدی با مسأله مشروعیت حاکمیت خویش مواجه نشد، اما جانشینان وی که از شرایط خاص وی برخوردار نبودند، به چند دلیل عمده درصدد تقویت پایه‌های مشروعیت دولت قاجار برآمدند؛ کنارگذاشتن دواعی که آنان را از داشتن یک وجهه دینی ذاتی، همچون صفویان محروم می‌ساخت." (الگار، ۱۳۶۵، ص ۳۲).

هرچند که این نوع نفوذ آمریت دینی و علما در دوره‌هایی از تاریخ ایران پیرنگ نبوده و بیشتر از اواخر ایلخانان مغول و دوران صفویه بتدریج و بسط یافته است. نقل است از یعقوب لیث صفاری که وقتی بزرگان نیشابور از وی عهد و امیرالمومنین در تأیید امارتش را طلب کردند، او شمشیر برهنه برکشید و آن را عهد امیر المومنین نامید. این واقعه شاهدی است بر مشروعیت آوری قهر و غلبه (عصیبت ابن خلدون و نخبگان پارتو) در برخی از دوره‌هایی که بنی سلطان و خلیفه در بین بوده است" (مدرس صادقی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۳-۱۱۴). در یک نتیجه‌گیری نهایی از این بخش می‌توان چنین نگاشت که: مشروعیت برآمده از عصیبت ابن خلدونی، کاریزمای وبری و نخبگان پارتو، در پی سقوط اصفهان به دست افغان‌ها، هر چند که تا اندازه‌ای هنوز مانده بود ولی سبب شروع بحران مشروعیت و سقوط آنها تا برآمدن و ظهور سلسله قاجار گردید.

در فاصله سقوط تدریجی صفویه و ظهور سلسله قاجار، حکومت‌ها و امرایی که به قدرت رسیدند، نتوانستند مشروعیت (مورد نظر فوق) صفویان را به طور کامل از میان ببرند و منابع جدیدی در جهت مشروعیت خویش تعریف نمایند. ولی این آغا محمد خان قاجار بود که با تکیه بر عصیبت قوی ایلی و طایفه ای قاجار به عنوان یکی از قبایل قدرتمند در قشون قزلباش و بواسطه میراث طایفه ای و کاریزمای خویش و نخبه گی که داشت، سبب ظهور سلسله جدیدی گردید. بطوریکه: "او (آغا محمد خان قاجار) همزمان از سه منبع برای مشروع سازی قدرت (در راستای سه نظریه عصیبت ابن خلدون، کاریزمای ماکس وبر و جابجایی نخبگان پارتو)، بهره گرفت؛ او با افتخار به حسب و نسب دودمانی، خود را وارث جهانگشایان بزرگ ترک و مغول می دانست و دعوی سروری بر ایلات را داشت و سعی می کرد خاندان خود را دارای سابقه طولانی در فرمانروایی معرفی نماید. خشونت او در مرحله کشورگشایی و سرکوب مخالفان یادآور فاتحان بزرگ ترک و مغول بود. او سعی داشت خود را میراث دار شاهان ایرانی و قلمرو تاریخی آنها و منبع عدالت و امنیت برای ایرانیان نشان دهد تا اطاعت آنها را به دست آورد." (آقازاده و حسینی، ۱۳۹۶، صص ۱۹۴-۱۹۵).

"او (آغا محمد خان قاجار) همزمان از سه منبع برای مشروع سازی قدرت (در راستای سه نظریه عصیبت ابن خلدون، کاریزمای ماکس وبر و جابجایی نخبگان پارتو)، بهره گرفت؛ او با افتخار به حسب و نسب دودمانی، خود را وارث جهانگشایان بزرگ ترک و مغول می دانست و دعوی سروری بر ایلات را داشت و سعی می کرد خاندان خود را دارای سابقه طولانی در فرمانروایی معرفی نماید. خشونت او در مرحله کشورگشایی و سرکوب مخالفان یادآور فاتحان بزرگ ترک و مغول بود. او سعی داشت خود را میراث دار شاهان ایرانی و قلمرو تاریخی آنها و منبع عدالت و امنیت برای ایرانیان نشان دهد تا اطاعت آنها را به دست آورد." (آقازاده و حسینی، ۱۳۹۶، صص ۱۹۴-۱۹۵).

آغا محمد خان قاجار با هوش سیاسی و فرمانروایی که داشت، توانست با بهره گیری از همه وجوه منابع مشروعیت (عصیبت ابن خلدون، کاریزمای وبری و نخبگان پارتو)، سیطره حکومت خود را در میان گروه های مختلف از اقوام و طوایف ایرانی اعمال نماید و سبب ظهور و شکل گیری سلسله قاجار گردد.

مبحث چهارم: تاریخ سلسله قاجار و بسط حکومت قاجاریه بر مبنای سه نظریه عصیبت ابن خلدون، کارزمای ماکس وبر و نخبگان پارتو

در عصری که پایه های حکومت قاجار در سرزمین ایران بسط می یافت، اروپا مواجه با انقلاب صنعتی، ساخت و گسترش کارخانه ها، تولید الکتریسیته، چاپخانه، تلگراف، تلفن، چراغ برق و گسترش شهرهای مدرن، راهسازی، خطوط آهن، سالن های اپرا و دیگر مظاهر مدرنیزاسیون صنعتی بود.

هرچند که ایرانیان با صدای مهیب اولین توپ های پرتغالی ها در کرانه های خلیج فارس در دوره صفویه از خواب قرنهای زندگی سنتی برآشوبیدند؛ و در این میان بخصوص شاه عباس کبیر و دانشمندان و علمای دوره وی خدمات شایانی در جهت ظهور رنسانس در ایران انجام دادند. در دوره سلسله قاجاریه بود جنبش مشروطه در ایران به وقوع پیوست و طی آن ایران نیز دارای مجلس (پارلمان) گردید و بخشی از قدرت شاه نیز به نمایندگان مجلس واگذار گردید. تغییرات شدید جهانی، بویژه در پی انقلاب صنعتی و رشد سریع کشورهای اروپایی و غربی، و عقب ماندگی کشورهای غیر صنعتی، سبب گسترش جنگهایی همچون ایران و روس، استعمار انگلیس، جنگ جهانی اول و مواردی از این نوع موضوع نظریه هایی همچون عصیبت ابن خلدون، کارزمایی وبر و گردش نخبگان پارتو را با شرایط تبیین جدیدی مواجه ساخت.

«از اوایل پادشاهی ناصر الدین شاه قاجار ناخشنودی مردم از ستم و وابستگی حکومت رو به افزایش بود. تاسیس دارالفنون و آشنایی تدریجی ایرانیان با تغییرات و تحولات جهانی، اندیشه تغییر و لزوم حکومت قانون و پایان حکومت استبدادی را نیرو بخشید. کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی که آشکارا انگیزه خود را قطع ریشه ی ظلم نتیجه تعلیمات سید جمال الدین دانسته بود، کوشش بیشتر در روند مشروطه خواهی را سبب شد» (نبوی رضوی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳).

تغییرات شدید جهانی، بویژه در پی انقلاب صنعتی و رشد سریع کشورهای اروپایی و غربی، و عقب ماندگی کشورهای غیر صنعتی، سبب گسترش جنگهایی همچون ایران و روس، استعمار انگلیس، جنگ جهانی اول و مواردی از این نوع موضوع نظریه هایی همچون عصیبت ابن خلدون، کارزمایی وبر و گردش نخبگان پارتو را با شرایط تبیین جدیدی مواجه ساخت. بطوریکه: "بی توجهی ذاتی آقا محمد خان قاجار (با انتساب خود به خاندانهای مغول) به هویت ایرانی، زبان پارسی و شیوه های ایرانی حکمرانی که با هدایت عنصر ایرانی امثال نظام الملکها، خواجه نصیر ها، جوینیها و کسانی که با پیروی از نظام دیوانسالاری ملی ایرانی اندکی از تند خویی های مهاجمان ترک و تاتار می کاست، بعد ها در اوج گرایشهای ملی درجهان، دست

شاهان قاجار را در بسیج مردمی در چالش‌های بزرگ ملی از این سرمایه بزرگ تهی کرد. تا جایی که مجبور شدند پس از کم‌رنگ شدن جنگجویی قاجارها بر اثر شرایط جدید جهانی به نیروی معنوی روحانیون تکیه نمایند، همان عنصری که بعدها در ماجرای مشروطه با پیوند با ملیون و تحصیل‌کردگان اروپا به زبان استبداد آنها تمام شد و بعدها طومار پادشاهی آنها را در هم پیچید" (شمیم، ۱۳۷۱، ص ۲۸۷).

بر طبق نظریه‌های ساخت سیاسی در ایران نظریه استبداد شرقی مونتسکیو ویتفوجل به شیوه تولید آسیایی مارکس؛ پاتریمونیا مالکس وبر و اقتدار کاریزمایی وبر، نظریه عصیبت ابن‌خلدون و نظریه جابجایی نخبگان پارتو، در تبیین رخداد‌های سیاسی کشمکش قدرت در ایران بکار بسته می‌شوند. در این میان سه نظریه عصیبت ابن‌خلدون و کاریزمایی وبر و نخبگان پارتو در این پژوهش در تبیین شرایط ظهور، بسط و انقراض سلسله‌ی قاجار بیشتر مطمع نظر می‌باشند.

مارکس وبر در کتاب اقتصاد و جامعه خویش از دو نوع کاریزمایی (الهی^۱ و فرمانروایانه^۲) نام برده است؛ که در اشکال نهادینه در دو نوع کاریزمایی روحانی^۳ و کاریزمایی سیاسی^۴ نمود می‌یابند. بر طبق همین نظریه‌های عصیبت ابن‌خلدون و کاریزمایی وبر و نخبگان پارتو، مشهود و معلوم می‌گردد که چگونه افول این موارد در اعقاب سلسله صفویه و عروج اینها در بنیانگذاران سلسله قاجار (بخصوص آقا محمد خان قاجار)، منجر به شکل‌گیری و ظهور سلسله قاجار می‌گردد، ولی همانطور که ابن‌خلدون در مقدمه خویش در رابطه با عصیبت در قوم داشته، بتدریج با تشکیل سلسله‌ها و گسترش حکمرانی، نیروی عصیبت در آنها فرو کاهیده، و انقراض سلسله و حکومت آنها می‌آغازد. در رابطه با سلسله قاجار نیز، تا زمانی که نیروی عصیبت و کاریزما و نخبگی در سران و موسسان سلسله قاجار قوی و شاخص بود، سبب گردید که این سلسله ظهور و به گسترش دامنه حکمرانی فرمانروایی خویش بیافزاید. بن‌مایه و محور نظریه ابن‌خلدون در تحول ورزی حکومتها، دست‌بدست شدن قدرت عصیبت است؛ در این میان عصیبت معادل پیوند خویشاوندی و همبستگی اجتماعی نسبی است که یک گروه را به همدیگر پیوند میدهد؛ و آنها را چنان سلحشور می‌نماید که طی معارضه با گروه‌های دیگر، موجبات تفوق و تسلط آنها را بر گروه‌های دیگر که فاقد این نیروی عصیبت و حمیت طایفه‌ای شاخص و افزون هستند، پیروز

1. Divinely charisma
2. Warlord chaisma
3. Hierocratic charisma
4. Temporal charisma

میگرداند.

«عصیبت عبارت است از بافت روحانی که کلیه اعضای سیاسی و اجتماعی از آن ساخته شده اند» (توین بی، به نقل از آژند، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲). این نوع تعریف و تبیین توین بی از عصیبت، اهمیت عصیبت در مباحث تاریخ و جامعه شناسی تاریخی را بخوبی نشان می دهد. عصیبت مورد نظر ابن خلدون، عامل تصاحب قدرت و حکومت و عنصر ضروری برای ادامه فرمانروایی است. کاریزمای وبری و نخبگان پارتو نیز، معادل و مترادف عصیبت ابن خلدون می باشند. اینها همان عوامل اصلی هستند که در اعتصاب سلسله صفوی و اواخر دوره نادر شاه فروکش کرده بود ولی در اوج شعله کشی اوایل قاجار به رهبری آقا محمد خان قاجار بود که سبب پیروزی و آمریت وی بر اعتصاب سلسله صفوی، قتل نادر و لطفعلی خان زند و ظهور سلسله قاجار گردید؛ ولی بر طبق سنت تاریخی، در ادامه حکمرانی سلسله قاجار، عصیبت، کاریزما و نخبگی در شاهان و فرمانروایان قاجار نیز فرو کاهید و زمینه انقراض سلسله آنها را سبب شد.

مبحث پنجم: سقوط سلسله قاجار بر مبنای سه نظریه عصیبت ابن خلدون، کاریزمایی وبر و نخبگان پارتو

ژان ژاک روسو در روح القوانین خویش اینگونه استدلال کرده است که: «مقتدر ترین فرد هم هیچ گاه به آن اندازه نیرومند نیست که برای همیشه بتواند آقا و فرمانروا باشد، مگر اینکه (زور) را به (حق) تبدیل کند» به عبارت دیگر: «حاکمیت هایی که بر پایه (زور) و (تدبیر) شکل گرفته و استحقاق به دست گیری حکومت را یافته اند، تنها پس از اثبات کارآمدی خویش و کسب مقبولیت عامه، مشروعیت می یابند. یعنی فرآیند زیر را طی می کنند:

زور و تدبیر —> غلبه سیاسی —> استقرار —> کارآمدی —> مقبولیت

—> مشروعیت» (شجاعی وند، ۱۳۹۷، ص ۳۲-۳۳)

اما آن زور و تدبیر آغا محمد خان قاجار، غلبه سیاسی، کارآمدی، مقبولیت و مشروعیت وی دیگر در اعقاب ایشان در سلسله قاجار در شاهانی همچون محمد علی شاه و احمدشاه قاجار دیگر فرو کاهید و زمینه را برای انقراض سلسله قاجار فراهم آورده بودند. بویژه ناتوانی آنها در حفظ ثغور ایران و شکست ننگین و خفت پادشاهان در برابر روس، مشروعیت حکومت و فرمانروایی آنها را در میان مردم ایران زیر سوال برده و بی اعتبار ساخته بود. هرچند که: "زور و تدبیر گرچه خودبخود فاقد هر نوع مشروعیتی است، اما آثار و نتایج بعدی آن، پس از به دست گرفتن قدرت و استقرار حکومت، می تواند موجب مشروعیت باشد؛ چرا که وجود یک حکومت قاهر بر فرار مردم - حتی حکومت غیر صالح - کمترین ثمر اش (فصل خصومات)، (منع هرج و مرج) و (حفظ ثغور)

است. از این طریق است که نوعی رضایت کم رنگ از حاکمیت (سلطان جائز) پدید می آید: فرضی که بر مبنای توجیه حکومت های جائز در طول تاریخ، توسط برخی از نظریه پردازان اسلامی و فقها، بخصوص فقهای اهل سنت بوده است" (حجاریان، ۱۳۷۳، ص ۳۳).

ویلفردو پارتو، کنش های افراد را در دو سویه و نوع، کنش های منطقی و غیرمنطقی بررسی نموده است. «رفتار هنگامی منطقی است که نسبت وسایل - اهداف در واقعیت عینی با این نسبت در خودآگاهی کنش گر مطابقت داشته باشد» (آرون، ۱۳۹۶) و یا:

«پارتو آن کنش هایی را منطقی می داند که وسایلی متناسب با اهداف را به کار برده و وسایل کار آن ها با هدف های مورد انتظارشان پیوندی منطقی داشته باشد» (کوزر، ۱۳۹۶).

پس از آغا محمد خان قاجار، از دوره فتحعلی شاه به بعد و تا اواخر سلسله قاجار سه ثمره حکومت قاهر، یعنی (۱. فصل خصومات)، (۲. منع هرج و مرج) و (۳. حفظ ثغور) از حیض انتفاع بتدریج ساقط و با شکل گیری رقابت و رشد هرج و مرج در اکناف ایران و ناتوانی در حفظ ثغور در برابر ارتش روس، موضوع مشروعیت حکمرانان سلسله قاجار را زیر سوال برده و اینهمه ناشی از فروکاهش عصبیت مورد نظر ابن خلدون، کاریزمای وبر و نخبگان پارتو بود؛ به این طریق مقدمات اضمحلال و سقوط سلسله قاجار فراهم آمد.

بویژه در پی جنگ جهانی اول: "اشغال ایران بیش از پیش به استیصال حکومتگران قاجار در حفظ قدرت انجامید. در این جنگ نه تنها به اعلان بی طرفی ایران توجه نشده، که روس ها نیروهایی در شمال، غرب و گیلان پیاده کردند؛ بریتانیا بر شمار سربازان خود در جنوب افزود، آلمان ها بر دامنه تحریکات عشایری افزودند و مختصر آن که (پرچم ایران بر فراز چند شهر عمده کشور در اهتزاز بود). تلخ تر آنکه ایران تمامی نتایج شوم جنگی را که می خواست از آن فرار کند، همانند قحطی نان، کشتار نفوس، هتک نوامیس، تورم و کاهش تولیدات و خدشه دار شدن استقلال سیاسی را تحمل کرد..... سومین مجلس شورای ملی تعطیل شد و متعاقب آن آزادی خواهان پراکنده و برخی تبعید و چند ساله در کشور آغاز گردید" (کمال زاده، ۱۳۷۰، ص ۲۹۴).

در این میان و بر طبق سه نظریه عصبیت ابن خلدون، کاریزمای وبر و نخبگان پارتو، فشار مجموعه ای از عوامل درونی و بیرونی منجر به متاصل کردن حفظ قدرت در سلسله قاجار گردید؛ و در این میان همزمانی رخداد های داخلی و خارجی، دست یازی رضاخان را به قدرت و اضمحلال سلسله قاجار را سبب شد. در این میان انگلیسی ها از موثر ترین عوامل خارجی در سوق سلسله قاجار به سوی سقوط و ظهور سلسله پهلوی بودند؛ هرچند که عصبیت، کاریزما و نخبگی و مولفه های شخصی رضاخان در رسیدن وی به قدرت، تاثیر بسزایی داشته اند. در کنار

عصیبت، کاریزما و نخبگی رو به افزون رضا خان و فرو کاهی این عوامل در عقبه حکمرانان قاجار؛ به جهت تغییر شرایط جهانی که ناگزیر و معالاً بر شرایط سیاسی ایران نیز تاثیرگذار بودند میتوان به اهم عوامل داخلی و خارجی زیر نیز اشاره نمود: "عوامل سقوط قاجاریه:

الف: عوامل خارجی: شامل مداخلات قدرت های خارجی، بویژه دو قدرت روسیه و بریتانیا؛ پیامد های جنگ جهانی اول، تحولات سیاست انگلستان در دهه های آغازین قرن بیستم، وقوع انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه و اتحاد نظام سرمایه داری جهانی در تدبیر برای مهار انقلاب کمونیستی، منجر به قدرت رسیدن زنجیره ای از تحت الحمایه های انگلستان در کشورهای مختلف از جمله ایران (رضا خان) و ...

ب: عوامل داخلی میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

نزول عصیبت، کاریزمایی و نخبگی در فرمانروایان و شاهان قاجار؛ عدم شکوفایی استعدادها؛ رویگردانی و قهر منورالفکران با حاکمیت؛ رشد هرج و مرج و ناسازگاری های اجتماعی؛ عدم موفقیت پیوسته طبقه حاکم قاجار در اجرای کارکرد هایشان، هم سبب سقوط و اضمحلال سلسله قاجار گردیدند" (واعظ، ۱۳۸۲). در این میان به گواهی اسناد و شواهد تاریخی فراوان، مساعدت انگلیسی ها در به قدرت رسیدن رضاخان ضلع سوم مثلث کودتای سوم اسفند و شمارش معکوس برای زوال قدرت قاجارها محسوب میگردد. عوامل سه ضلع سقوط قاجار (ضلع اول فروکاهی عصیبت، کاریزما و نخبگی حاکمان قاجار و عوامل داخلی؛ ضلع دوم عوامل خارجی، جنگ جهانی اول و عواقب آن و جنگ های ایران و روس و ضلع سوم کودتای سوم اسفند انگلیسی ها به رهبری آبرون سایر) میباشد.

نتیجه گیری

در رابطه با مقایسه تطبیقی نظریه عصبیت ابن خلدون، کاریزمایی وبر و نخبگان پارتو در ظهور و سقوط سلسله قاجار، میتوان در چند بند به اختصار اشاره ای هرچند مجمل و نتیجه گیرانه به سه نظریه فوق نمود:

الف: عصبیت ابن خلدون

اصطلاح عصبیت به کرات در آثار ابن خلدون، بویژه در مقدمه وی آمده است. ابن خلدون به عوامل سیر تطور دورانی تاریخ که منشأ اصلی آن عصبیت میباشد در عوامل زیر خلاصه میشوند:

۱. فطرت، ۲. حسب و نسب، ۳. دین، ۴. محیط جغرافیایی و ۵. نوع معیشت.

هرچند که خود ابن خلدون، صریحاً به بیان دقیق مفهوم عصبیت نپرداخته است؛ ولی آنرا در آثار خویش به طور کامل مورد بحث و بررسی قرار داده است. ابن خلدون پایه و اساس عصبیت را رابطه خویشاوندی معرفی کرده است؛ در ادامه آن برای عصبیت سه منشأ (خویشاوندی، همپیمانی و همسوگندی) را افزوده است. ابن خلدون، فزونی جمعیت را سبب پایداری عصبیت دانسته است و در این میان از عواملی همچون رفاه، تجمل، ستم پذیری و تن به خواری سپردن، تکبر، رشک و پراکندگی اهداف بعنوان عوامل تضعیف کننده و یا موانع پیدایش و شکوفایی عصبیت یاد کرده است. در این میان شیوه دستیابی عصبیت به اهداف (غلبه و سلطنت) تمرکز گرایی میباشد. یعنی اینکه در نظر ابن خلدون یکی از عصبیت های قاهر و پرتوان، بر سایر عصبیت های ضعیف تر غلبه کرده و آنها را متمرکز نموده و همه را مشتمل در یک عصبیت قرار میدهد. بنابراین تمرکز قدرت در شکل گیری عصبیت، امری اجتناب ناپذیر است. صاحب نظران و بویژه دورکیم واژه همبستگی یا همبستگی اجتماعی را برای عصبیت معادل دانسته اند. عصبیت به یک انسجام و پیوستگی عینی دلالت دارد.

ب: کاریزمای ماکس وبر

کاریزما در اصطلاح به ویژگی و خصوصیت کسی اطلاق می شود که فی نفسه و بشخصه و یا در نظر دیگران، دارای قدرت رهبری فوق العاده میباشد. در این میان رهبری کاریزماتیک، یا رهبری مبتنی بر جاذبه استثنایی و ویژه، به نوعی از رهبری گفته می شود که وی دارای توان و قدرت الهام بخشی خارق العاده به پیروان خویش است. در این نوع رابطه کاریزمایی، معمولاً رابطه بدون استفاده از پاداش های مالی و اعمال زور برقرار میگردد. معمولاً روح زمان و روح مکان مورد استناد فریدریش هگل و شرایط تاریخی و اجتماعی ویژه از عوامل اصلی لازم و بحرانی در ظهور رهبران کاریزماتیک هستند. ماکس وبر، زمینه های ظهور رهبری کاریزماتیک را اغلب پدیده ای معرفی مینماید که در شرایط و وضعیت های منحصر بفرد و نادر، سبب ظهور و بروز میدانند. بنابراین رهبری کاریزماتیک، ویژگی و خصوصیتی نیست که بصورت ذاتی در تمامی

افراد وجود داشته باشد و یا تمامی انسان ها واجد و قابلیت آن را داشته باشند. بطوریکه ویژگی و خصوصیت کاریزماتیک، بطور همیشه و پیوسته همراه فرد نیست، در مرحله اول، عواملی وجود دارند که سبب ظهور و بروز کاریزما میگردند؛ به عبارت دیگر کاریزماتیک بودن، ویژگی و خصوصیتی است که از سوی پیروان به رهبران در شرایط ویژه و مورد نیاز رهبری، اعطا میشود. بطوریکه مجموعه ای از مولفه های رفتار در رهبر وجود دارند که او را از طرف پیروان خویش لایق و سزاوار کاریزما شدن میگردانند. واژه کاریزما برگرفته از خاریسمای یونانی به معنای جاذبه ذاتی است. افراد با ویژگی های برتر کاریزمایی، دارای توانمندی جذب توده های مردم به سوی خود و هدایت و وادار نمودن آنها در جهت رسیدن و دستیابی به اهداف ویژه میباشند.

ج: جابجایی نخبگان ویلفردو پارتو

در نظر ویلفردو پارتو جامعه شناس و فیلسوف ایتالیایی، در بین افراد یک گروه، شایسته ترین افراد آن گروه را نخبه^۱ می نامند. قبل از پارتو، افلاطون، ماکیاول، موسکا و میخلز نیز به نظریه های نخبه گرایی اشاره داشته اند. در نظر پارتو، انسان ها از هر نظر، جسمانی، فکری، اخلاقی و... با یکدیگر برابر نیستند. و این نابرابری ها، ریشه و منشا تسلط عده ای بر عده ای دیگر در طی تاریخ بوده است. پارتو با بهره گیری از مفاهیم سه حوزه روانشناسی، سیاست و اقتصاد، نظریه گردش نخبگان خویش را در پیوند با پدیده های قدرت، دگرگونی و انقلاب ها تبیین نماید. در نظر پارتو، خاستگاه اصلی گروه برگزیدگان و نخبگان، نابرابری های زیستی و روانی میان انسان ها است. از نظر صاحب نظران، رویکرد پارتو در نظریه نخبگان خویش، بیشتر روان شناختی بوده است. یعنی وی در طراحی نظریه خویش بیشتر بر بعد روان شناختی افراد تاکید داشته است. در این میان، انسان ها را به لحاظ ماهیت روان شناختی آنها به دو گروه نخبه و توده تقسیم نموده است. وی در این راستا فرمول ۸۰×۲۰ را ابداع کرده است. در نظر وی در همه وجوه جوامع در تاریخ چه به لحاظ حکومتی و چه به لحاظ اقتصادی و... همیشه و پیوسته ۲۰٪ نخبگان بر ۸۰٪ توده حاکمیت و آمریت داشته و دارند. حال با توجه به مباحث مطروحه در سه نظریه عصیبت ابن خلدون، کاریزمای ماکس وبر و گردش نخبگان پارتو، مبرهن و آشکار می گردد، تا زمانی که این سه وجوه و توانایی ها در هر کدام از سلسله های حکومتی در حال شکوفایی و اقتدار و رشد بوده است. در تطور دورانی تاریخ موجب ظهور، بسط حکومت فرمانروایان و سلسله های آنها گشته است و آنگاه که این سه نیرو پس از گذر تاریخی و اسکان و تن پروری و رشد فرتوتی در وارثان آن رهبران کاریزمایی و نخبگان اولیه می گردد، در زمینه های اضمحلال و سقوط آنها بروز می نمایند و بر طبق سنت دورانی تطور تاریخی تمدن ها

و حکومت‌ها، رهبران کاریزماتیک و نخبگان غیر حکومتی سر بر می‌آورند و سبب اضمحلال و سقوط سلسله‌های قبلی و برقراری امکان ظهور فرمانروایی و سلسله خویش می‌گردید. این امر دقیقاً در مورد ظهور و سقوط سلسله‌های قاجار نیز قابل تعمیم می‌باشند. در پی افول تدریجی سلسله صفوی و حمله افغان‌ها، عصبیت، کاریزمایی و نخبگی و معالاً مشروعیت فرمانروایان و حاکمان صفویه زیر سوال رفت و نادر پس از مدتی فرمانروایی و حکومت جای خویش را به کریم خان زند، سران ایل قاجار و بخصوص آغا محمد خان قاجار با نیروی عصبیت، کاریزمایی و نخبگی که در میان ایل قاجار خویش داشت، توانست آنها را مقهور و سبب شد که وارثان او ناتوان از بسط و گسترش سیطره خویش در کنار عوامل خارجی جهانی موثر همچون جنگ‌های ایران و روس، جنگ جهانی اول، دخالت‌های انگلیس، در کنار عوامل داخلی و کاهش نیروی عصبیت، کاریزمایی و نخبگی در عقبه حاکمان قاجار زمینه را برای برکناری احمدشاه قاجار و سقوط سلسله قاجار و برآمدن رضاخان و ظهور سلسله پهلوی فراهم آوردند.

فهرست منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۹۶). مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، جلد دوم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۵۹) مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. اشپولر، برتولد (۱۳۵۱). تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. الگار، حامد (۱۳۵۶) دین و دولت در ایران، نقش علما در دوره قاجار، تهران: انتشارات توس.
۵. توین بی، آرنولد (۱۳۷۸). تاریخ تمدن، ترجمه آژند، یعقوب، تهران: انتشارات مولی.
۶. شمیم، علی اصغر (۱۳۷۱) ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات علمی.
۷. طباطبایی، محمد جواد (۱۳۷۳) زوال اندیشه سیاسی در ایران، تهران: انتشارات کویر.
۸. کوزر، لوئیس (۱۳۹۶). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه ثلاثی، محسن، تهران: انتشارات علمی، چاپ نهم.
۹. کلیفور دیاسورث، ادموند (سلسله های اسلامی، ترجمه فریدون بدره ای).
۱۰. لمبتون، آن (۱۳۹۵). نظریه های دولت در ایران، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: کتاب آزاد.

نشریات

۱. آقازاده، جعفر و حسینی، سجاد. "منابع مشروعیت حکومت آغا محمد خان قاجار" جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۷۱-۱۹۸.
۲. حجاریان، سعید. "نگاهی به مسئله مشروعیت" فصلنامه راهبرد. شماره ۳ بهار ۱۳۷۳.
۳. راش، مایکل (۱۳۸۸). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
۴. سیدولیلو، میرمحمد (۱۳۹۸). سفر به درون خود (کار بست نظریه های شخصیت ...) تهران: انتشارات نارون پژوهش.
۵. مدیرشانه چی، محسن (۱۳۷۳) تاریخ ایران و دیدگاه نخبه گرایی، فصلنامه نگاه نو، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳.
۶. واعظ، نفیسه. "انتقال قدرت از قاجاریه به پهلوی. فصلنامه علوم سیاسی ۱۳۸۲. شماره ۲۴. زمستان ۱/۱۱/۱۳۸۲

<http://www.porseman.com/article/147706>

References

1. to Description From Data Quantitive Analyzing " (Norman , laikie ۲۰۰۴). " Explanation Delhi New ,Oaks Thousand ,London ,Publications SAGE , "
2. for Wiley ; by Published , No , ۱ , Vol , " Theory and History" (Theda ,Skocpol ۲۰۱۴). University Wesleyan

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۰۸ - ۲۸۵

نقش سازندهی خصیصه‌ی حلم و بردباری بر استحکام نظام خانواده در قرآن و روایات معصومین (ع)

^۱ زینب ملکی باهویزی

^۲ محمدرضا ابویی مهریزی

^۳ اعظم اعتمادی فرد

چکیده

نگاه دین مقدس اسلام به بنیان خانواده و اهتمام ویژه به تحکیم آن ناشی از اهمیتی است که تربیت و تعالی فرد و به تبع آن خانواده و جامعه دارد. رسیدن به خانواده‌های متعالی و مستحکم جز با آراستگی به فضایل اخلاقی و مشارکت تمام اعضای خانواده امکان‌پذیر نیست. در این میان حلم و بردباری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ از منظر دین مبین اسلام، ایمان، عبادت، عزت و کرامت نفس، بدون حلم، قوام و دوامی ندارد و تعلیم و تربیت و تبلیغ دین، بدون آن میسر نمی‌گردد. به‌وسیله‌ی حلم و بردباری خانواده‌ها استحکام می‌یابند، نیازهای عاطفی تأمین می‌شود، افراد از انزوای اجتماعی و احساس تنهایی رها می‌گردند، زوجین به کمال رسیده و موجب بقا نسل می‌گردند. افراد تربیت شده در چنین خانواده‌هایی دارای آرامش و ثبات روانی هستند، در نتیجه انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر بوده که در رشد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... جامعه سهیم می‌باشند. از این رو باید با عمل به دستورات قرآن کریم و به‌کارگیری سیره‌ی ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) در جهت تخلُّق به خصیصه‌ی حلم در میان آحاد جامعه کوشید تا شاهد خانواده‌های مستحکم و در نتیجه جامعه‌ای معتدل، عزت‌مند و آرام باشیم؛ از این رو در مقاله‌ی حاضر که به روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی انجام شده، ضمن تبیین ضرورت تحکیم خانواده و ترسیم الگوی خانواده‌ی مستحکم از منظر این دین الهی، نقش خصیصه‌ی حلم و بردباری بر استحکام نظام خانواده از نگاه قرآن و روایات مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

حلم، بردباری، نظام خانواده، قرآن کریم، روایات.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

Email: zeinabmalekib@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Mr.abooei@iauyazd.ac.ir

۳. استادیار و عضو هیئت علمی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

Email: etemadifard@iauyazd.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۸

طرح مسأله

نهاد خانواده از آغاز تاکنون و در بین تمامی جوامع بشری همواره به‌عنوان رکن اساسی و بنیادین جامعه شناخته شده است. این بنای مقدس در اسلام از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است؛ به طوری که در شمار زیادی از آیات قرآن کریم و روایات متعددی از ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) از این رکن زیربنایی و مهم سخن به میان آمده و به ضرورت حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی خود توصیه و سفارش شده است. از آنجایی که این نهاد ارزش‌مند همواره منشاء فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است، اصلاح آن منجر به اصلاح اجتماع و غفلت از آن موجب سقوط جامعه به ورطه‌ی هلاکت و نابودی می‌شود؛ از این رو بایستی هرچه بیشتر در راستای اصلاح این نهاد اجتماعی کوشید، تا شاهد رشد و تعالی و پویایی این بنای مقدس و اصل اساسی جوامع بشری بود. دین مبین اسلام در بردارنده‌ی جامع‌ترین و کامل‌ترین برنامه‌ی سعادت و تکامل بشر است، بنابراین شناسایی عوامل استحکام و معرفی الگویی مطابق با نظر این دین مقدس در رابطه‌ی با خانواده نیز بسیار راه‌گشا خواهد بود. در این میان نقش حلم و بردباری تک تک اعضاء به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تحکیم بنیان خانواده بسیار سازنده است؛ از این رو در این نوشتار ابتدا اهمیت و ضرورت تحکیم خانواده تشریح و سپس الگوی خانوادگی مستحکم از منظر قرآن کریم و روایات اسلامی معرفی می‌گردد. در نهایت نقش حلم و بردباری در تحکیم خانواده از نگاه این دین الهی تبیین می‌شود.

ضرورت تحکیم خانواده

خانواده به‌عنوان بنای مقدس و اساسی هر جامعه دارای شرایط و ضوابطی است که در صورت تحقق همه جانبه‌ی آن، افراد به کمال، سعادت و آرامش می‌رسند، جامعه مسیر رشد و بالندگی خود را طی می‌کند و پیشرفت جوامع حاصل می‌شود. این اصل بی‌بدیل بستر فرهنگ‌های گوناگون و زمینه‌ساز خوشبختی یا شوربختی انسان‌ها و امت‌هاست. محیط اجتماعی جامعه، رسانه‌ها، مطبوعات و همه‌ی اعضاء و عناصر حاضر در صحنه‌ی اجتماع که در ارتباط با شخص هستند، در پرورش روحیه و شخصیت وی تأثیر دارند. این جریان در تمام ابعاد زندگی انسان‌ها مشهود است. در درون خانواده نیز، از والدین گرفته تا فرزندان، در شکل‌گیری شخصیت و خلق و خوی یک‌دیگر مؤثر واقع می‌شوند. از آنجایی که اهمیت تحکیم خانواده ریشه در اهمیت این نهاد اساسی در اجتماع دارد در این بخش ابتدا به بیان اهمیت خانواده پرداخته و در ادامه اهمیت و ضرورت تحکیم آن هرچند به‌صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. اهمیت خانواده

اهمیت خانواده و نقش آن در بسیاری از مسائل زندگی افراد به وضوح قابل مشاهده است. خانواده اولین بخش از یک اجتماع است که تک تک افراد جامعه به صورت تولد، فرزند خواندگی

یا ازدواج به آن وارد می‌شوند. روابط بین افراد خانواده و نقش‌هایی که هریک از اعضا برعهده می‌گیرند، می‌تواند بر شکل‌گیری شخصیت و نحوه‌ی تعاملات افراد اثر بگذارد. علاوه بر روابط نسبی نزدیک، شیوه‌های رفتاری و ارتباطی اعضا یک خانواده نیز به پیدایش خصوصیات مشترک در بین آن‌ها منجر می‌شود؛ از طرفی خانواده نقش به‌سزایی در ازدواج فرزندان و الگوهای رفتاری که آن‌ها در زندگی مشترک خود ایفا می‌کنند، دارد. به همین خاطر است که بسیاری از افراد برای این‌که بتوانند به شناخت و درک بهتری از همسر آینده‌ی خود دست یابند به روابط او با خانواده‌اش دقت می‌کنند. از نظر علمی، خانواده از طریق ارائه‌ی شیوه‌های رفتاری و ارتباطی و نحوه‌ی پرورش و میزان دل‌بستگی و هم‌بستگی اعضا می‌تواند الگوهای رفتاری را در فرد شکل دهد که در چگونگی برقراری روابط عاطفی بعدی او اثر می‌گذارد. علاوه بر موارد ذکر شده، خانواده می‌تواند در روند ازدواج نیز نقش تسهیل‌گر را داشته باشد؛ چرا که خانواده‌ی سالم با آموزش نحوه‌ی درست تصمیم‌گیری و کمک به فرزندان در مسیر استقلال‌خواهی، مقوله‌ی ازدواج را برای افراد آسان‌تر می‌کند. این سطح از تعاملات در درون خانواده، بسترساز ایجاد سبک‌های رفتاری متنوع در سطح جامعه از طریق اثر گذاری مستقیم بر واکنش‌های فرد در مواجهه با کنش‌های اجتماعی است.

خانواده (زن و شوهر) در قرآن کریم، آیاتی از آیات خداوند و مایه‌ی آرامش روحی شمرده شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم، ۲۱). در جای دیگر، از زن و مرد به عنوان لباس یاد شده است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یک‌دیگرید)» (بقره، ۱۸۷). لباس وسیله‌ی پوشش و حفاظت برای بدن است. زن و مرد به عنوان لباس و پوشش هم‌دیگر را از آلودگی و فجور محافظت می‌کنند و همان طوری که لباس مایه‌ی زینت و زیبایی برای انسان است، زن و مرد نیز مایه‌ی زینت و زیبایی برای یک‌دیگر هستند. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز در این باره می‌فرماید: «ما استفاد امرؤ مسلم فائده بعد الاسلام أفضل من زوجه مسلمه، تسره اذا نظر اليها و تطيعه اذا أمرها و تحفظه اذا غاب عنها فى نفسها و ماله؛ هیچ فایده‌ای بعد از نعمت اسلام، برتر و مفیدتر از این برای مرد مسلمان نیست که او همسری داشته باشد که هر وقت به او نگاه کند، مسرور و شاداب گردد و هنگامی که به او دستور بدهد اطاعت نماید و هر وقتی که از نزدش برود حافظ جان خود و مال همسرش باشد» (حرّعاملی، ۱۴۱۴، ۱۴، ۲۳).

نظام خانواده از چنان جایگاه و مقام شایسته‌ای در اسلام برخوردار است که حتی بر روی

ثواب عبادت و بندگی نیز تأثیر می‌گذارد، تا جایی که دو رکعت نماز کسانی که تشکیل خانواده داده‌اند، برتر از عبادت فرد مجردی است که روزها را نماز بخواند و شب‌ها را روزه بگیرد؛ چنان‌که امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: «الرکعتان یصلیهما رجل متزوج افضل من رجل اعزب یقوم لیله و یصوم نهاره؛ دو رکعت نماز مرد معیل افضل و بهتر از نماز مرد مجردی است که شب را به عبادت بایستد و روز را با روزه سپری کند» (حرّعاملی، ۱۴۱۴، ۱۴، ۷). این روایات و نیز روایاتی قریب به این مضمون که در متون اسلامی، وارد شده به خوبی جایگاه و ارزش والای خانواده را تعیین می‌کند.

۲. اهمیت تحکیم خانواده

نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و خاستگاه فرهنگ‌های متنوع است. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. همه‌ی دستاوردهای علمی، فرهنگی، اجتماعی و... بشر در سایه‌ی خانواده‌های سالم و امن پدید می‌آید. اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که پایه‌گذاران آن یعنی زن و شوهر، در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود. خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه‌ی انسانی است که وظیفه‌ی تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی باایمان، صبور، حلیم، متواضع و... در آن پرورش دهند، نمی‌توانند جامعه‌ای ایده‌آل برای نسل آینده بسازند و در ابعاد و زمینه‌های گوناگون دچار انحطاط شده، به اهداف متعالی خود نمی‌رسند. مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری و رعایت اصل اعتدال از طرف همه‌ی اعضای خانواده، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه‌ی افراد است.

قرآن کریم به عنوان برترین نسخه‌ی زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخش زیادی از آیات خود را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف متقابل همسران و فرزندان اختصاص داده است. مراجعه به این آیات الهی می‌تواند انسان را برای دستیابی به بهترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند؛ از این رو در ادامه الگوی خانواده‌ی مستحکم از منظر آیات نورانی قرآن کریم و روایات صادره از ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) ترسیم می‌گردد.

الگوی خانوادگی مستحکم از نظر اسلام

از منظر دین مبین اسلام، انسان خوب، نمونه‌ی یک جامعه‌ی اسلامی است و جامعه‌ی دینی باید از آن الگو بگیرد. «اگر انسانی وارسته شد، الگوی دیگر انسان‌هاست؛ اگر مرد است، الگوی مردم است نه مردان و اگر زن باشد، باز الگوی مردم است نه زنان» (جوادی آملی، ۱۳۸۵،

۱۵۳). قرآن کریم این مطلب را در آیات شریفه‌ی ۱۲-۱۰ سوره‌ی مبارکه‌ی تحریم به صورت صریح بیان فرموده است و چهار زن را به عنوان نمونه (دو نمونه‌ی خوب و دو نمونه‌ی بد) یاد می‌کند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَ امْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ * وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتِ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ عَمَلِي وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ مَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ فَجْرَهَا فَتَقْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كَتَبْنَا لَهَا مِنَ الْقَائِمِينَ؛ خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت و به آن‌ها گفته شد وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند * و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت پروردگارا خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستم‌گران رهایی بخش * و هم‌چنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه‌داشت و ما را از روح خود در آن دیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود».

وجود مقدس پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) در مجالس، مناسبت‌ها و حوادث گوناگون نسبت به معرفی الگو برای عموم مسلمانان اقدام نموده‌اند. «تاریخ اسلام گواه احترام بی‌حد رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) است تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه‌ای در جامعه‌ی اسلامی دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۳۵).

همیشه وجود الگوها و سرمشق‌های بزرگ در زندگی انسان‌ها وسیله‌ی مؤثرتری برای تربیت آن‌ها بوده است. قرآن کریم نیز بر این مسأله‌ی مهم صحنه گذاشته و الگوها و سرمشق‌هایی در همه‌ی زمینه‌ها برای مؤمنان معرفی می‌کند؛ به عنوان نمونه: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...؛ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود داشت ...» (ممتحنه، ۴).

از منظر دین اسلام خانواده جایگاه بس والایی در امر تربیت و آموزش آحاد جامعه‌ی بشری دارد؛ از این رو در موارد بسیاری نسبت به معرفی الگوی کامل از این نهاد اجتماعی اقدام نموده است؛ چرا که خانواده را یک مجموعه‌ی متعالی برای تأمین اهداف مقدس می‌داند که برای به فضیلت رساندن آن برنامه‌ریزی می‌کند و جایگاه حقوقی و وظایف افراد را با ویژگی‌های زیر تعیین می‌نماید: «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا * وَ الَّذِينَ يَبِيتُونَ لِزَوْجِهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا * وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ

عَذَابُهَا كَانَ غَرَامًا * إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا * وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانِ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند) * کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند * و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پر دوام است * مسلماً آن (جهنم)، بد جایگاه و بد محل اقامتی است * و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند» (فرقان، ۶۷-۶۳)؛ از این رو و با عنایت به مضمون این آیات شریفه می‌توان الگوی خانواده‌ی مستحکم را از منظر دین مبین اسلام با ویژگی‌های زیر ترسیم نمود:

۱. عدم تکبر و غرور

«بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر روی زمین راه می‌روند». در واقع، نخستین توصیف «بندگان خاص» خداوند، نفی کبر، غرور و خودخواهی است که در تمام اعمال انسان، حتی در نوع راه رفتن او آشکار می‌شود؛ زیرا صفات اخلاقی، همیشه خود را در لابه‌لای اعمال، گفتار و حرکات انسان نشان می‌دهند، تا جایی که از چگونگی راه رفتن یک انسان می‌توان با دقت و موشکافی به قسمت قابل توجه از اخلاق او پی برد. این موضوع را می‌توان به همی افراد موجود در خانواده نیز تعمیم داد. بنابراین یک خانواده‌ی مستحکم از منظر قرآن خانواده‌ای است که تک تک اعضای آن دارای مشی آرام و بی‌تکبر باشند؛ چرا که رفتار بدون کبر و غرور توأم با آرامش اعضاء خانواده آثار و برکات زیادی نظیر رشد و تعالی مادی و معنوی و حرکت در مسیر سعادت اخروی را در پی دارد که باعث دوام و پویایی آن می‌گردد.

۲. حلم و بردباری

دومین ویژگی بندگان خاص خداوند حلم و بردباری است، چنان‌که قرآن کریم در ادامه‌ی همین آیه‌ی شریفه می‌فرماید: «و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهند و به جهل و جدال و سخنان زشت می‌پردازند، در پاسخ آن‌ها سلام می‌گویند»؛ سلامی که نشانه‌ی بی‌اعتنایی و ناشی از ضعف نیست؛ بلکه توأم با بزرگواری است و دلیل بر عدم مقابله به مثل در برابر جاهلان و سبک‌مغزان است؛ از این رو افراد در یک خانواده وقتی با مشکلات، مصائب و گرفتاری‌های موجود در سطح خانواده و یا جامعه روبرو می‌شوند، با حلم و بردباری با این پدیده‌های ناخوشایند برخورد نموده و باعث استحکام و دوام و بقای هرچه بیشتر خانواده می‌شوند.

۳. عبادت پروردگار

سومین صفت بندگان خاص خداوند، عبادت خالصانه‌ی پروردگار است. قرآن کریم می‌فرماید: «آن‌ها کسانی هستند که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند». در ظلمت شب که چشم غافلان در خواب است و جایی برای تظاهر و ریا وجود ندارد، خواب خوش را بر خود حرام کرده‌اند و به خوش‌تر از آن، که همان ذکر خدا، قیام و سجود در پیشگاه با عظمت اوست، می‌پردازند، پاسی از شب را به مناجات با محبوب می‌گذرانند و قلب و جان خود را با یاد و نام او روشن می‌کنند؛ چرا که: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است. آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد» (رعد، ۲۸). بدیهی است آرامش تک‌تک اعضاء بر روی تمامی افراد و مجموعه‌ی خانواده تأثیر می‌گذارد و آرامش محیط خانواده زمینه‌ساز استحکام آن می‌شود.

۴. تقوای الهی

چهارمین ویژگی؛ خوف و ترس از مجازات و کیفر الهی است: «آن‌ها کسانی هستند که پیوسته می‌گویند: پروردگارا عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذاب آن سخت شدید و پردوام است». افرادی که همواره خود را در برابر پروردگار قادر متعال می‌بینند و اعتقاد دارند در یوم الحساب در برابر او حاضر خواهند شد، هرگز دست به اعمال خلاف میل و اراده‌ی او نخواهند زد. بنابراین این امر موجب می‌گردد که به سبب تقوای الهی تک‌تک اعضاء، خانواده از استحکام خاصی برخوردار گردد.

۵. اعتدال

پنجمین صفت ممتاز بندگان خاص خداوند، اعتدال و دوری از هرگونه افراط و تفریط است؛ «اینان نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو، حد اعتدالی را رعایت می‌کنند». آن‌چه موجب استحکام و دوام و بقای خانواده می‌گردد، رعایت اصل اعتدال توسط تک‌تک افراد آن است از این روست که مشی اعتدال همواره مد نظر تعلیم اسلامی بوده و هست.

۶. تواضع

یکی دیگر از نشانه‌های بندگان خاص خداوند متعال، تواضع است؛ تواضعی حاکم بر روح آن‌ها که حتی در راه رفتن هم نمایان است و آن‌ها را بر تسلیم در برابر حق وا می‌دارد. انسان تربیت‌شده به حال طبیعی خودش راه می‌رود و تکلف و تکبر ندارد. افرادی که دارای این صفت پسندیده هستند هم با مشی متواضعانه‌ی خود نسبت به اطرافیان رفتار می‌نمایند و هم زمینه‌ساز استحکام روابط بین آن‌ها می‌گردند. از این رو وجود این‌گونه افراد در خانواده باعث دوام و پویایی آن می‌شود.

۷. عدم اسراف و سخت‌گیری

بدون شک، اسراف یکی از ناپسندیده‌ترین اعمال از دیدگاه قرآن کریم و دین مبین اسلام است و در آیات و روایات، به فراوانی مورد نکوهش قرار گرفته است. اسراف یک عمل فرعون‌ی است: «...وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ؛ ...فرعون برتری‌جویی در زمین داشت و از اسراف‌کاران بود» (یونس، ۸۳) و یا «...وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛ ...و مسرفان اهل آتشند» (غافر، ۴۳). امروزه ثابت شده است که منابع روی زمین (با توجه به جمعیت انسان‌ها) آن قدر زیاد نیست که بتوان اسراف کرد؛ از این رو هر اسراف‌کاری سبب محرومیت انسان‌های بی‌گناه دیگر خواهد بود. به علاوه، روح اسراف، معمولاً توأم با خودخواهی، خودپسندی و بیگانگی از خلق خدا است. در عین حال، بخل، سخت‌گیری و خسیس بودن نیز به همین اندازه زشت، ناپسند و نکوهیده است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۵۴-۱۴۶)؛ از این رو یکی از ویژگی‌های بندگان خاص خداوند دوری از بخل و اسراف و پرهیز از ارتکاب آن می‌باشد. این مهم باعث استحکام روابط خانوادگی بین افراد و اعضاء می‌گردد. بنابراین خانواده‌ی مستحکم از منظر قرآن کریم دارای ویژگی‌هایی نظیر ایمان، تواضع، تقوای الهی و پرهیز از کبر و غرور و خودخواهی، دوری از افراط و تفریط، رعایت مشی اعتدال و در نهایت متصف بودن تک تک افراد خانواده به فضیلت اخلاقی حلم و بردباری می‌باشد. حال با توجه به الگوی مورد تأیید اسلام به بررسی عوامل مؤثر در تحکیم خانواده از منظر این دین الهی می‌پردازیم.

نقش حلم و بردباری در تحکیم خانواده

به‌طور کلی نقش حلم در خانواده، ایجاد استحکام لازم و کافی از طریق به کمال رساندن آرامش روحی و روانی مد نظر قرآن کریم و روایات اسلامی است. در نتیجه‌ی اتصاف به حلم است که افراد به متانت، خویشتن‌داری و منش کریمانه و بزرگووارانه دست می‌یابند؛ این ویژگی‌ها نقش بسزایی در آرامش افراد در سطح خانواده و در نتیجه استحکام آن دارند. به منظور تبیین و تشریح نقش حلم در تحکیم خانواده، نقش مؤلفه‌های آن نیز در اثنای بررسی مورد توجه قرار گرفته است؛ چرا که در بررسی هر موضوع باید مؤلفه‌های آن موضوع نیز مورد توجه قرار گیرد.

۱. ایمان

ایمان به خداوند متعال در همه‌ی ابعاد، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم حلم و بردباری تأثیر زیادی در تعیین چگونگی روابط میان اعضای خانواده و در نتیجه استحکام آن دارد. امام علی (علیه‌السلام) حلم و بردباری را مایه‌ی سامان یافتن کار مؤمن دانسته و می‌فرماید: «الْحِلْمُ نِظَامُ أَمْرِ الْمُؤْمِنِ» (آمدی، ۱۴۱۰، ۱، ۵۲)؛ از این رو ابتدا باید ایمان به خداوند متعال در فرد ظهور و بروز پیدا کند تا وی بتواند در مسیر کسب حلم و بردباری قدم بردارد؛ سپس این حلم و بردباری کسب شده موجب سامان یافتن امور، در طول زندگی وی می‌گردد. ایشان (علیه‌السلام) حلم را از

لوازم ایمان دانسته و می‌فرمایند: «لا يكون المؤمن الا حليماً؛ مؤمن نیست مگر با حلم و رحمت» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۳۰۲؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ۱، ۱۷۷). آن حضرت (علیه‌السلام) در حدیث دیگری می‌فرماید: «تَعَلَّمُوا الْحِلْمَ فَإِنَّ الْحِلْمَ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَ وَزِيَةٌ؛ بردباری را فرا گیرید که بردباری دوست و دستیار مؤمن است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۷۸، ۶۲). امام صادق (علیه‌السلام) نیز حلم را اولین نشانه‌ی مؤمن دانسته و می‌فرماید: «المؤمن حليم؛ مؤمن بردبار است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۲۳۵) بنابراین بردباری واقعی در سایه‌ی ایمان به دست می‌آید.

باور به خداوند همه‌ی رفتارها و ارتباطات زندگی خانوادگی را به سمت و سوی کسب رضایت او سوق می‌دهد. خانواده‌ای که خداوند متعال را همواره ناظر بر اعمال خود می‌داند، تلاش می‌کند تا در روابط و انجام وظایف خود رضایت همه‌ی افراد درونش را جلب نماید. هرچه این ایمان به خداوند قوی‌تر و عمیق‌تر باشد، مشکلات و موانع بر سر استحکام خانواده و در نتیجه تزلزل آن کمتر خواهد بود. توجه به صفات خداوند نظیر حلم و بردباری، عدالت، رحمت و... آثار مثبت فراوانی را بر زندگی فردی و خانوادگی برجا می‌گذارد. به‌عنوان مثال در سایه‌ی اعتقاد به عدل الهی هیچ ظلمی روا داشته نخواهد شد و حق هیچ مظلومی تضییع نمی‌گردد. در نتیجه‌ی اجرا و تحقق عدالت در سطح خانواده نیز، عطوفت و مهربانی در میان تک تک اعضای آن حاکم و زمینه‌ی پیشگیری و حل بسیاری از مشکلات فراهم می‌گردد.

اعتقاد به اصل نبوت و امامت نیز در استحکام خانواده نقش مؤثری دارد؛ چرا که می‌توان با الگوپذیری از احادیث ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) پس از کلام خداوند در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی، نظیر شیوه‌های صحیح برخورد با والدین، همسر و فرزندان در بعد نظری و تربیت فرزندان با استفاده از رهنمودهای آن بزرگواران (علیهم‌السلام) در مقام عمل، موجبات استحکام هرچه بیشتر خانواده را فراهم نمود. اعتقاد به زندگی پس از مرگ نیز خانواده را متوجه اهداف پایداری می‌کند که موجب پیوند بیشتر اعضای خانواده می‌گردد؛ چرا که عدم اعتقاد به معاد در خانواده باعث اکتفا اعضای آن به مناسبات سطحی و دنیوی شده و در نهایت، بی‌هدفی و عدم انگیزه‌ی اخروی باعث جدایی اعضا از یک‌دیگر و انحلال خانواده می‌گردد.

از طرفی اعتقاد به زندگی پس از مرگ فرد را در مواجهه با مشکلات زودگذر دنیا یاری می‌دهد، ضمن این‌که این باور وی را تا حد زیادی از رفتارهای نامناسب باز می‌دارد؛ چرا که عواقب تعدی به حقوق دیگران را یاد آور می‌شود. قرآن کریم در آیه‌ی شریفه‌ی ۶ سوره‌ی مبارکه‌ی تحریم به مؤمنان هشدار می‌دهد که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز

فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آن‌چه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند». بدیهی است توجه فرد به این عواقب ناخوشایند در زندگی اخروی، او را از رفتار نامناسب باز می‌دارد؛ چرا که فرد با ایمان حیات دنیا را مقدمه‌ی زندگی جاودانه‌ی آخرت می‌داند و برای مسائل و مشکلات این جهان خود را به آب و آتش نمی‌زند؛ از این رو همواره با توکل بر خدا و با یاد عظمت او با اتخاذ روش‌های منطقی و با مشی آرام همراه با طمأنینه نسبت به رفع مشکلات و مسائل پیش آمده اقدام می‌نماید. سایر افراد خانواده نیز در پی مشاهده‌ی رفتار آرام وی با انجام اقدامات منطقی و عقلانی در صدد کمک و یاری او برمی‌آیند و این چنین با هم‌دلی و همراهی تک تک اعضا، دوام و پویایی خانواده حفظ می‌گردد.

۲. عقل

عقل یکی از مؤلفه‌های حلم و بزرگ‌ترین سرمایه‌ی بشر است که به‌واسطه‌ی آن خدا شناخته، عبادت و بندگی می‌شود و انسان خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت خویش را تضمین می‌کند. هر انسان عاقلی با اندیشه در ماهیت خود، به این عالم وابسته نشده و امور ناپایدار آن را ثابت نمی‌پندارد و تصور نمی‌کند که همواره امور باید به کام او باشد؛ بنابراین در روابط انسانی، برای خود جایگاه ویژه‌ای قائل نبوده و اگر کسی برخلاف میل او حرکت کرد و یا امری برخلاف توقعش واقع شد، دل‌گیر نمی‌شود و در برابر مشکلات و موانع با حلم و بردباری برخورد نموده و در صدد حل و فصل آن‌ها برمی‌آید؛ از این رو حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «الحلم نور جوهره‌ی العقل؛ حلم نوری است که حقیقت آن عقل و تعقل می‌باشد» (آمدی، ۱۴۱۰، ۱، ۳۱۱). سایر افراد خانواده نیز با مشاهده‌ی رفتار وی از او می‌آموزند که در سایه‌ی ایمان و بهره‌گیری از عقل نسبت به امور ناپایدار دنیا از خود حلم و بردباری نشان داده و از این طریق ضمن فائق آمدن بر مصائب و مشکلات موجود با ایجاد رابطه‌ی منطقی و عقلانی با سایرین موجبات استحکام هرچه بیشتر خانواده را فراهم آورند.

اکثر اختلافات خانواده و کشمکش‌های زندگی، معلول جهالت و نادانی زن و شوهر، یا یکی از آن‌ها است. زوجین هرچه عاقل‌تر باشند بهتر می‌توانند همسررداری کنند و وسیله‌ی آسایش و خوشی هم‌دیگر را فراهم سازند و از اختلافات و مشکلات بکاهند. همسر عاقل امکانات خانواده و شرایط و اوضاع زندگی را خوب درک می‌کند، توقعات بی‌جا و بلند پروازی ندارد تا همسرش را در فشار قرار دهد. افزون بر آن عقل و هوش پدر و مادر در فرزندان نیز تأثیر دارد. فرزندان خانواده‌ی خردورز، خوش‌فهم و باهوش، غالباً زیرک می‌شوند و برعکس، حماقت و نادانی پدر و مادر نیز بر فرزندان تأثیر می‌گذارد. همسر باهوش و عاقل بهتر می‌تواند نسبت به تعلیم و تربیت فرزندانش انجام وظیفه نماید.

بنابراین عقل و درایت زوجین یکی از عوامل تحکیم خانواده محسوب می‌شود که به هنگام

گزینش همسر باید کاملاً مورد توجه قرار بگیرد. در همین زمینه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إياكم و تزویج الحمقاء فإن صحبتها بلاء و ولدها ضیاع و رواه المفید فی (المقنعة) مرسلان نحوه؛ با انسان احمق و نفهم ازدواج نکنید؛ زیرا معاشرت با او بلائی است عظیم و فرزندانیش نیز ضایع خواهند شد» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ۱۴، ۵۶). هم‌چنین امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «من كان عاقلاً كان له دين دخل الجنة؛ هرکس عاقل باشد، دین دارد و هرکس دین داشته باشد به بهشت می‌رود» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱، ۹۱) و نیز در روایت دیگری می‌فرماید: «ان الثواب علی قدر العقل؛ ثواب هرکس به اندازه‌ی عقلش است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۱۱). هم‌چنین رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت علی (علیه السلام) فرموده‌اند: «یا علی لا فقر أشد من الجهل و لا مال أعود من العقل؛ یا علی هیچ فقری بدتر از نادانی و جهالت نیست و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست» (همان، ۲۵).

عقل انسان سبب رشد کمالات اخلاقی و تربیتی اعضاء خانواده می‌شود؛ چرا که به فرموده‌ی امام صادق (علیه السلام) عقل ستون هستی انسان است: «ستون انسانیت، عقل است و از عقل، زیرکی، فهم، حفظ و دانش بر می‌خیزد. با عقل، انسان به کمال می‌رسد. عقل، راهنمای انسان، بیناکننده و کلید کارهای اوست. هرگاه عقل با نور یاری شود، دانا، حافظ، تیزهوش و فهیم می‌شود و بدین وسیله (پاسخ)، چگونه، چرا و کجا را می‌فهمد و خیرخواه و دغل‌کار را می‌شناسد و هرگاه این را دانست، مسیر حرکت، خویش و بیگانه را می‌شناسد و در توحید و طاعت خداوند اخلاص می‌ورزد و چون چنین کرد، آن‌چه از دست رفته جبران می‌کند و بر آن‌چه در آینده می‌آید چنان وارد می‌شود که می‌داند در کجای آن است و برای چه منظوری در آن جاست. از کجا آمده و به کجا می‌رود و این همه از پرتو تأیید عقل است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۲۵)؛ از این رو عقل و خرد نقشی اساسی در تحکیم خانواده دارد، زیرا بدون تعقل و تفکر انسان رستگار نمی‌شود. حتی اگر که علم هم داشته باشد، این امر به تنهایی نمی‌تواند در پیشرفت زندگی او کافی باشد و علم مقدمه‌ای بر تعقل و تفکر است و شاید به این دلیل است که جهل و نادانی، ریشه‌ی بسیاری از بدبختی‌ها و شقاوت‌های خانواده است و عقل و خرد انسان است که مایه‌ی خوش‌بختی و سعادت خانواده‌ها می‌شود.

حلم از نشانه‌های تعادل در قوا و حاکمیت عقل بر اعمال و رفتار فرد است و با وجود آن نفس به طمأنینه می‌رسد و قوه‌ی غضب او به هیجان در نمی‌آید و اگر بر خلاف میل او چیزی رخ دهد کنترل خود را از دست نمی‌دهد. آگاهی حقیقی به این موضوع که خیلی از امور و رویدادها حقیقتاً ارزش غضب ندارد باعث حلم می‌گردد. اساساً شخص بی‌خرد به علت جهل و نادانی و بی‌خردی‌اش به خاطر چیزهایی که حقیقتاً ارزش غضب ندارد به خشم در می‌آید؛ از این رو حضرت علی (علیه السلام) حلم را کمال عقل دانسته و می‌فرماید: «الحلمُ تمامُ العقل؛ بردباری

کمال خرد است» (آمدی، ۱۴۱۰، ۱، ۲۸۶). بنابراین وجود افراد عاقل و خردورز در خانواده که به نور ایمان نیز مزین باشند، موجب استحکام، دوام و پویایی خانواده می‌شود؛ چرا که با تدبیر و عقلانیت در تمام مسائل زندگی و با خویشتن‌داری در برابر مشکلات و موانع و پیروی از سیره‌ی عقلا در صدد حل آن‌ها برآمده و محیطی توأم با آرامش و ایمنی را برای یک‌دیگر در سطح خانواده فراهم می‌آورند؛ از این رو چنین خانواده‌ای مستحکم می‌گردد.

۳. کظم غیظ

بر اساس روایات خشم کلید هر بدی و نقطه‌ی آغاز هر آفتی است. یکی از آسیب‌های اجتماعی امروز عدم کنترل خشم است. خانواده، محیطی برای انس و الفت و آرامش میان اعضاست. تکرار خشم و نبودن یک رابطه‌ی صحیح میان زن و شوهر، سبب ایجاد صدمات جبران‌ناپذیری به پیکره‌ی خانواده می‌شود. مدیریت نکردن رفتارها به هنگام خشم، نه تنها موجبات نارضایتی خداوند را به دنبال دارد؛ بلکه فضای الفت خانواده را نیز از بین می‌برد و سردی و بی‌محبتی را میان زوجین حاکم می‌کند. با کم‌رنگ شدن روابط عاطفی، ابعاد مختلف زندگی نیز دچار آسیب‌های جدی شده و دیگر خانواده محیط مناسبی برای پرورش و تربیت نخواهد بود. در خانواده پدر و مادر نقش اساسی را در کنترل خشم ایفا می‌کنند، آن‌ها می‌توانند با رفتار و اعمال خود به کودکان بیاموزند که چگونه در عمل می‌توان خشم خود را کنترل نمود.

کظم غیظ موجب جلوگیری از طغیان خشم و تند‌های نابجا شده و انسان را از جوش و خروش نامعقول، زنده و گاهی خطرناک نجات می‌بخشد. در زندگی هر فردی ممکن است مشکلات و یا ناراحتی‌هایی به‌وجود آید؛ به‌خصوص در برخوردها و معاشرت‌هایی که انسان با دیگران دارد، چه‌بسا کدورتی پیش می‌آید که برخورداری فرد از صفت کظم غیظ در چنین مواردی می‌تواند راه‌گشا باشد. کسانی که همواره با حلم و بردباری، اشتباهات و لغزش‌های دیگران را نادیده می‌گیرند و خشم و ناراحتی خود را فرو می‌برند، در زندگی از آرامش روحی و روانی بیشتری برخوردارند. این آرامش در محیط خانواده به سایر اعضا نیز منتقل می‌گردد. در سایه‌ی آرامش تک‌تک افراد خانواده، محیطی آرام و به‌دور از هرگونه تشویش و ناراحتی ایجاد می‌گردد. این امر فضای مناسبی را برای رشد و تعالی و رسیدن به کمال انسانی فراهم می‌آورد. افراد خانواده با علم به این موضوع که بایستی خشم و غضب خود را مدیریت کرده و آن را کنترل نمایند، فضایی توأم با آرامش را به سایرین هدیه می‌دهند. همین امر موجب استحکام، دوام و پویایی خانواده می‌گردد؛ چرا که در پرتو کظم غیظ و خویشتن‌داری افراد و حلم و بردباری آن‌ها در برابر مسائل و مشکلات زندگی، آرامش مد نظر دین مبین اسلام در خانواده ایجاد می‌گردد؛ از این رو امام علی (علیه‌السلام) اوج حلم را در افزایش بالای آستانه‌ی تحمل و کظم غیظ و خشم می‌داند و می‌فرماید: «کَمَالُ الْعِلْمِ الْحِلْمُ وَ كَمَالُ الْجَلْمِ كَثْرَةُ الْإِحْتِمَالِ وَ الْكُظْمُ»

کمال دانش، بردباری است و کمال بردباری به تحمل فراوان و فرو خوردن خشم است» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴، عنوان ۹۴۴).

۴. تواضع

هرچند که عواطف انسانی و حق‌شناسی در خانواده، احترام به اعضای خانواده را تا حدودی تضمین می‌کند، اما دین مبین اسلام نیز در این‌باره دستورات فراوانی داده و وظیفه‌ی هر مسلمانی را نسبت به خانواده‌اش مشخص کرده است؛ در این میان تواضع جایگاه مهمی در خانواده و بین اعضای آن دارد. به عنوان نمونه اسلام بر تواضع در برابر پدر و مادر اصرار دارد. قرآن کریم با تعبیری زیبا این ضرورت را تبیین کرده و با تأکید بر ضرورت فروتنی برای پدر و مادر می‌فرماید: «وَ اٰخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِى صَغِيْرًا؛ و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر و بگو پروردگارا همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده» (اسراء، ۲۴). از این آیه‌ی شریفه و دیگر آیات مشابه آن، این واقعیت روشن می‌گردد که پدر و مادر جایگاه والا و بزرگی نسبت به فرزندان خود دارند، هر چند که فرزندان از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار باشند، باز هم باید با پدر و مادرشان برخوردی فروتنانه و توأم با احترام داشته باشند.

تواضع در برابر فرزندان نیز از نگاه اسلام اهمیت دارد. آنان تنها وارث اموال باقی‌مانده‌ی والدین‌شان و یا مولود و محصول ژن‌هایی که از آن‌ها به ارث می‌برند نیستند؛ بلکه فرزندان از خلق و خوی والدین و رفتارهای نیک و بد آن‌ها نیز ارث می‌برند. وظیفه‌ی پدر و مادر تنها تغذیه، سوادآموزی و فراهم کردن شغل مناسب برای فرزندان نیست، بلکه والدین نسبت به رعایت دستورات اخلاقی از جمله بزرگ شمردن فرزندان، حفظ حرمت فردی و موقعیت اجتماعی آنان نیز وظیفه دارند. آن‌چه در آموزه‌های اسلامی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر این مطلب اشاره دارد، تأییدی بر این سخن است. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) همگان و از جمله پدر و مادر را موظف فرموده‌اند تا با کودکان خود، کودکانه رفتار کنند و بذر تربیت درست را در زمین وجود آنان بیفشانند.

یکی دیگر از عناوین تواضع، تواضع متقابل زن و شوهر در برابر یکدیگر است. انسان موجودی عاطفی و نیازمند به مهر و محبت است که تأمین نیازهای روحی و روانی خود را در برقراری ارتباط و انس با دیگران می‌داند. ازدواج و زندگی مشترک زن و مرد مؤثرترین و صمیمی‌ترین ارتباطی است که می‌تواند در تأمین این نیاز انسان نقشی مؤثر ایفا کند. قرآن کریم در تأیید این مطلب که محبت دو سویه و دست یافتن به آرامش لازم از جمله اهداف مشترک زن و مرد است، می‌فرماید: «وَ مِنْ اٰیٰتِهٖ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوْا اِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً؛ و از نشانه‌های قدرت خدا این است که برای شما از جنس خودتان همسری آفرید

تا وسیله‌ی آرامش و مهرورزی در میان شما باشد» (روم، ۲۱). تأمین نیازهای روحی و روانی زن و شوهر از مسئولیت‌های مهم آن‌ها در زندگی مشترک است. از این رو باید در تأمین این نیازها بکوشند و از به‌کارگیری هر عاملی که می‌تواند به تأمین این نیاز کمک کند، دریغ نوزند. تکریم و تواضع دوسویه میان زن و مرد از جمله این عوامل است. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در ضرورت فروتنی متقابل زن و مرد، زن را موظف به تواضع و فروتنی در برابر مرد کرده‌اند. هم‌چنین مرد را موظف فرموده‌اند تا همسر خویش را بزرگ شمارد و او را تکریم نماید.

فرد متواضع نفس خود را در برابر خداوند ناچیز می‌شمارد و از اوامر او اطاعت و در برابر مردم فروتن است. تواضع دل‌ها را نرم و دورترین اشخاص را به‌هم نزدیک می‌کند. فروتنی رمز ایجاد محبت، دوستی، عطوفت و پایه‌ی سربلندی‌هاست. تواضع پدید آورنده‌ی عظمت، قدرت، عزت، شرافت، کرامت و حریت انسانی است. فروتنی از صفات نیکو و پسندیده‌ای است که با وجود آن فیوضات و درهای رحمت الهی بر روی بندگانش باز می‌شود و ضعف و زبونی را به قدرتی آمیخته با نرمی بدل می‌سازد. بنابر فرمایش مولای متقیان هرکس دارای صفت فروتنی و متواضع باشد دوستانش فراوان می‌گردند و با گرد آمدن دوستان نزد او، وی نیرومند می‌شود: «مَنْ لَانَ عُوْدَهُ كُنْفَتِ اَعْصَانِهِ؛ کسی که ساقه‌ی وجودش نرم است، شاخه‌هایش فراوان است» (همان، حکمت ۲۱۴). تواضع در بین اعضا خانواده نیز باعث استحکام و نیرومند شدن تک‌تک آنان می‌گردد؛ چرا که رفتار متواضعانه و فروتنانه‌ی همه‌ی اعضا باعث هم‌گرایی و نزدیکی آنان به‌هم شده در نتیجه موجبات استحکام، دوام و پویایی خانواده را فراهم می‌آورند. در نتیجه‌ی وجود افراد متخلق به صفت زیبایی تواضع در خانواده، عظمت و قدرت رخ نمایانده و ضعف و سستی از بین خواهد رفت.

۵. وقار

یکی از نشانه‌های انسان خردورز و دوراندیش، وقار است؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «يُسْتَدَلُّ عَلَى عَقْلِ الرَّجُلِ بِكَثْرَةِ وَقَارِهِ؛ خردورزی مرد از میزان وقارش شناخته می‌شود» (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۸۰۱). وقار موجب رهایی از سبک‌سری و رفتارهای پست می‌گردد؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «مَلَا زِمَّةَ الْوَقَارِ تُؤْمِنُ دَنَاءَةَ الطَّيِّبِ؛ ملازمت وقار و جدا نشدن از آن، آدمی را از سبکی کردن ایمن می‌سازد» (همان، ح ۹۸۰۰). ایشان (علیه‌السلام) در جای دیگری نیز می‌فرماید: «لَيْتَكُنْ شَيْمُثُكَ الْوَقَارُ، فَمَنْ كُنَّ خُرْقَهُ اسْتُرِدَّلَ؛ باید وقار و سنگینی خصلت تو باشد؛ زیرا کسی که سبکی‌اش زیاد است، پست و فرومایه شمرده می‌شود» (همان، ح ۷۳۹۷). آهسته سخن گفتن که از وقار و آرامش درونی نشأت می‌گیرد، نفوذ سخن را در مغز شنونده مستحکم می‌کند. آهسته سخن

گفتن، نشانه‌ی آرامش روحی، تسلط بر اعصاب و قدرت روح است.

یکی از مهم‌ترین فضائل اخلاقی، حلم و بردباری است که نقش مهمی در زندگی انسان و ایجاد آرامش روحی و روانی او دارد؛ چرا که حلم راه حل بسیاری از مشکلات می‌باشد و انسان مؤمن و بردبار در برابر مشکلات مقاومت می‌کند و از حوادث و سختی‌های زندگی شیکوه نمی‌کند. او در پناه حلم و بردباری، وجود خود را آرامش می‌بخشد؛ زیرا هرگونه بی‌صبری، عجله و شتابی باعث به وجود آمدن اضطراب و استرس در او خواهد شد و نتیجه‌ای جز سلب آرامش، وقار و متانت نخواهد داشت؛ بنابراین کسانی که می‌خواهند به سکینه و وقار دست یابند، باید ابتدا خصیصه‌ی حلم و بردباری را در خود تقویت نمایند تا در سایه‌ی آن به اهداف خویش نائل آیند؛ همان‌گونه که امام علی (علیه‌السلام) با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «الْوَقَارُ نَتِیجَةُ الْحِلْمِ؛ وقار ثمره و نتیجه‌ی حلم و بردباری است» (آمدی، ۱۴۱۰، ۲۸). اگر در رفتارهای انسان سنگینی و وقار لازم وجود داشته باشد و در برخورد با دیگران رفتار و منش سبک و دور از شأن نداشته باشد، هم احترام دیگران را خوب به‌جا می‌آورد و هم احترام و حرمت خودش به خوبی حفظ می‌گردد. این اصل کلیدی در فضای خانه و خانواده نیز برقرار است. اگر اعضای درون خانواده با وقار و متانت به یک‌دیگر برخورد نموده و همواره در پیشامدها و حوادث حلم و بردباری را ملاک کار خود قرار دهند ضمن ایجاد و آرامش روحی و روانی مقدمات رشد و تعالی فرهنگی و معنوی خود و سایرین را فراهم می‌آورند.

۶. سکوت

اگر چه کنترل زبان، کاری سخت و دشوار است، اما اگر آدمی به خاطر بسپارد که بسیاری از گناهان و خطاهایی که از او سر می‌زند، به خاطر کنترل نکردن زبان است، در حفظ و کنترل آن دقت بیشتری به خرج می‌دهد. امام علی (علیه‌السلام) در این خصوص می‌فرماید: «اللِّسَانُ سَبْعُ اِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقْرٌ؛ زبان، درنده‌ای است که اگر رها شود، انسان را می‌گزد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۶۰). فریاد کشیدن، دشنام دادن، سرزنش کردن، ناسزاگویی و یادآوری خطاها و اشتباهات گذشته هنگام عصبانیت، نه تنها نمی‌تواند گره‌گشا باشد؛ بلکه موجب شعله‌ور شدن آتش خشم و عصبانیت شده و فضای خانه را متشنج می‌کند. بنابراین برای کنترل و مدیریت فضا و جلوگیری از متشنج شدن فضای خانواده، ابتدا باید زبان و نحوه‌ی سخن گفتن را کنترل کرد. با سکوت هنگام خشم و عصبانیت، می‌توان بر لحظه‌ها حاکم شد و فضا را مدیریت کرد. سکوت، روح را تغذیه می‌کند و فضایی نفوذناپذیر میان فرد خشمگین و دنیای پریهایوی اطرافش ایجاد می‌کند که به سبب آن می‌توان شرایط و اتفاقات را بازسازی و راه‌حل مناسب با مشکل ایجاد شده را پیدا کرد؛ همان‌گونه که امام علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «اِنْ كَانَ فِی الْكَلَامِ بَلَاغَةٌ فِی الصَّمْتِ السَّلَامَةُ مِنَ الْعِتَارِ؛ اگر در سخن گفتن، بلاغت بوده باشد؛ در سکوت، سلامت از

لغزش‌هاست» (آمدی، ۱۴۱۰، ۲۵۵).

همیشه لازم نیست در مقابل خشم همسر یا پدر و مادر، بی‌درنگ و سریع پاسخ داد. باید آرام آرام مهارت خویشتن‌داری را تقویت کرد تا از آن بهره برد و فضا را مدیریت نمود. سکوت هنگام خشم، وقفه‌ای است که سبب می‌شود فرد توانمندی شناختی بیشتری پیدا کند و بتواند با هدایت افکار خود و شناسایی خطاهای شناختی، موقعیت خشم را مدیریت کند. از همین روست که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ؛ هرگاه عصبانی شدی، ساکت باش» (ورام، ۱۳۷۶، ۱، ۱۲۳). کم‌گویی و سکوت، عیب‌های احتمالی انسان را نیز پوشش می‌دهد و شخصیت او را نزد دیگران محفوظ می‌دارد؛ اما در مقابل، پرگویی به سرعت باطن آدمی را نزد دیگران آشکار می‌سازد.

بی‌شک یکی از آثار مثبت سکوت، آراسته شدن به زیور و قار است. همان‌گونه که در حدیثی از امام‌المتقین علی (علیه‌السلام) آمده است: «كَثْرَةُ الصَّمْتِ يُكْثِرُ الْوَقَارَ؛ کثرت خاموشی، وقار را زیاد می‌کند» (آمدی، ۱۴۱۰، ۲۷۶). شخصی که زیاد سخن می‌گوید، به‌طور طبیعی اشتباهات فراوانی دارد که هم از اُبُهت او می‌کاهد و هم او را وادار به عذرخواهی مکرر می‌کند و این خود باعث کاهش هیبت و وقار آدمی می‌شود. ایشان (علیه‌السلام) در حکمت ۲۱۵ نهج‌البلاغه نتیجه‌ی سکوت زیاد را افزایش وقار دانسته و می‌فرماید: «بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ وَبِالنَّصْفَةِ يَكْثُرُ الْمَوَاصِلُونَ وَبِالْإِفْصَالِ تَعْظُمُ الْأَقْدَارُ وَبِالتَّوَاضُعِ تَتِمُّ النُّعْمَةُ وَبِاحْتِمَالِ الْمُؤْنِ يَجِبُ السُّؤْدُودُ وَبِالسَّيْرَةِ الْعَادِلَةِ يَفْهَرُ الْمُنَاوِيُّ وَبِالْحِلْمِ عَنِ السَّفِيهِ تَكْثُرُ الْأَنْصَارُ عَلَيْهِ؛ با سکوت بسیار، وقار انسان بیشتر شود و با انصاف بودن، دوستان را فراوان و با بخشش، قدر و منزلت انسان بالا رود و با فروتنی، نعمت کامل شود و با پرداخت هزینه‌ها، بزرگی و سروری ثابت گردد و روش عادلانه، مخالفان را در هم شکند و با شکیبایی در برابر بی‌خردی، یاران انسان زیاد گردند»؛ از این رو حفظ زبان و سکوت در هنگام خشم و غضب در مواجهه با مشکلات و مسائل خانوادگی فضیلتی است که با تولید آرامش و دعوت سایرین به تحمل و بردباری موجب استحکام خانواده می‌گردد. امام رضا (علیه‌السلام) نیز درباره‌ی بردباری و سکوت صاحب علم می‌فرماید: «از جمله نشانه‌های فقه، حلم و بردباری، سکوت و دم فرو بستن است. سکوت، یکی از درهای حکمت و ایجاد‌کننده‌ی محبت بوده و به همه‌ی نیکی‌ها رهنماست» (حرّعاملی، ۱۴۱۴، ۱۶، ۴۸).

۷. عفو و گذشت

«عفو و بخشش، سبب کاهش اضطراب، افسردگی، عصبانیت، پرخاشگری، اختلالات عاطفی و رفتاری، افزایش اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی می‌شود» (جعفری هرفته، ۱۳۹۶، ۱۵۵). قرآن ضمن ارائه تصویری از سیمای پرهیزکاران، تسلط بر خشم، عفو و بخشش را از برجسته‌ترین صفات آنان بر می‌شمرد: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ

الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد» (آل عمران، ۱۳۴). «از دیدگاه اسلامی، عفو و بخشش می‌تواند یکی از روش‌های درمانی در اصلاح رفتار فرد با دیگران باشد. در این روش، آدمی با شناخت بیشتر خود و محدودیت‌های افرادی که او را رنجانیده‌اند، بینش جدید درباره‌ی موضوع اختلاف، رنج و بافت رنج پیدا می‌کند تا بتواند افراد خطاکار را ببخشد و خود را از رنج رها کند» (خدایاری فرد، ۱۳۸۱، ۴۷).

در واقع بخشیدن و فراموش کردن، نخستین و مهم‌ترین قدم برای تداوم زندگی است که رنگ و بوی تازه‌ای به زندگی می‌بخشد. وقتی گذشت و بخشش با فراموش کردن خطاهای طرف مقابل همراه می‌شود، دیگر آتش زیر خاکستری از خشم بر جای نمی‌ماند تا به اندک جرقه‌ای دوباره روشن شود. زن و شوهر ممکن است گاهی نسبت به یک‌دیگر مرتکب خطا و اشتباه شوند، زن امکان دارد در مسائل مختلف نظیر رعایت حقوق شوهر، وظایف و مسئولیت‌هایش در امور خانه‌داری و ... دچار خطا گردد. مرد نیز ممکن است در رفتار و کردار، اخلاق و روش مدیریت و قضاوت در حق زن دچار اشتباه گردد. خطایی که از هر دو طرف قابل گذشت، اغماض و عفو است، که البته جای گذشت و عفو در همین مورد است و گرنه در مواردی که زندگی مسیر طبیعی خودش را طی می‌کند موردی برای عفو وجود ندارد. بنابراین بر مرد و زن لازم اخلاقی است که از هم‌دیگر در موارد لازم گذشت کنند. روحیه‌ی عفو و گذشت در محیط خانواده موجب آرامش خاطر اعضاء آن می‌شود. افراد بدون دغدغه نسبت به اظهار خطاها و اشتباهات خود اقدام می‌نمایند و در ادامه با تعهد بر عدم تکرار آن‌ها راه تکرار هرگونه خطا و اشتباهی را در آینده می‌بندند. بدیهی‌است در چنین خانواده‌هایی صمیمیت و روابط گرم هم‌چنین آرامش روحی و روانی ناشی از عفو و گذشت متقابل اعضاء موجب استحکام، دوام و پویایی خانواده خواهد شد.

۸. صبر

یکی از واقعیت‌های مهم زندگی این است که به ندرت مسئله‌ای پیدا می‌شود که بلافاصله حل شود. ضمن آن که همیشه اولین راهی که به ذهن می‌رسد، بهترین راه نیست. هنگام عصبانیت، نمی‌توان راه درستی برای حل مشکل به وجود آمده پیدا کرد. هنگام خشم و عصبانیت، با به تعویق انداختن کارها، می‌توان به آرامش رسید و از قدرت استدلال استفاده کرد و اقدام‌های بهتری انجام داد. امام علی (علیه‌السلام) درباره‌ی بردباری هنگام خشم می‌فرماید: «الْجَلْمُ يُظْفِي نَارَ الْغَضَبِ؛ بردباری، آتش غضب را خاموش می‌کند» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۲۰۱). انسانی که حاضر نیست مدت زمانی در زندگی خود، امور ناخوشایند را تحمل کند نمی‌تواند به مطلوب خویش دست پیدا کند. تا وقتی زن یا شوهر در خانواده در برابر ناملایمات خانوادگی و

در رویارویی با عیوب و اشکالات سایر اعضای خانواده، صبور و شکیبا نباشد، نمی‌تواند به دستور سازنده‌ی قرآن کریم عمل کند و در نتیجه از حاکمیت توفیق اخلاقی در زندگی خود محروم می‌گردد که حاصل آن کمبود مهر و محبت و صمیمیت در خانواده است. بر اساس دستور قرآن کریم، هرگاه زن و شوهر خطا، اشتباه یا بدی از یک‌دیگر دیدند، در وهله‌ی اول باید هم‌دیگر را ببخشند. قرآن کریم این بخشش و گذشت را نیز کافی نمی‌داند و توصیه می‌فرماید که ضمن بخشش باید اشتباه یا بدی یک‌دیگر را نادیده بگیرند و علاوه بر این که به دل نمی‌گیرند، طوری رفتار کنند که گویی اتفاقی نیفتاده است.

سلامت خانواده، مرهون صبر، استقامت، ایثار، گذشت و فداکاری است و بر خلاف تصور غالب در اجتماع، خانواده، با ثروت، ریاست، جاه و مقام مرد و یا با حضور بی‌نتیجه و اجباری زن در اجتماع، به سلامت مطلوب دست نمی‌یابد، بلکه خانواده‌ی سالم خانواده‌ای است که رسم زندگی اسلامی را برگزیند و از دستورات روح‌بخش قرآن کریم متابعت و از سیره‌ی عملی ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) پیروی نماید. قرآن کریم راهکار رفع اختلاف طبیعی که خانواده‌ها و به‌خصوص زن و شوهر، ناگزیر از آن هستند را چنین بیان می‌فرماید: «وَإِنْ تَغْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید (خدا شما را می‌بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است» (تغابن، ۱۴). یکی از ویژگی‌های خانواده‌ی سالم و موفق، صبر اعضای آن است، خانواده بدون صبر به راحتی ویران و از هم گسیخته می‌شود. صبر آرامش خانواده و جامعه را فراهم خواهد کرد. افزایش مودت و محبت هم جز با صبر و گذشت و فداکاری میسر نشده و گذشت، فداکاری و چشم‌پوشی از بدی‌ها و مشکلات بدون صبر محقق نمی‌شود. تمام اعضای خانواده باید در برابر مشکلات و موانع زندگی مهارت لازم را فرا گیرند تا در برابر ناملایمات، سختی‌ها و نواقص با نیکی و محبت برخورد کنند.

در زندگی روزمره ممکن است هریک از اعضاء خانواده مرتکب اشتباه و رفتاری ناخوشایند شوند که با صبر و شکیبایی می‌توان علاوه بر چشم‌پوشی به ابزار محبت و نیکی پرداخت، پس با صبر است که می‌توان فضای زندگی مشترک و خانواده را لذت بخش و سرشار از مهر و محبت کرد. صبر، عفو و گذشت سه مقوله‌ی مهم است که باید در یک خانواده نهادینه شود تا نه تنها بدی‌های هم‌دیگر را ببخشاند و از یک‌دیگر دل‌گیر نشوند، بلکه بدی‌ها را با رفتار و منش مطلوب خود به خوبی و نیکی تبدیل کنند. اگر پدر و مادر نسبت به هم گذشت داشته باشند، محبت و عشق را بر خانه حاکم و تربیت صحیح را سرمشق خود قرار دهند، اولاد صالح، صبور، بانشاط و پویایی را پرورش خواهند داد در غیر این صورت نتیجه‌ی نامطلوب به‌جا خواهد ماند.

۹. علم

یکی از مهم‌ترین عوامل در تحکیم خانواده علم و دانش اندوزی است. هنگامی که انسان پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد، جدای از امور غریزی و فطری که در درون او به ودیعه نهاده شده، نسبت به دیگر حقائق پیرامون خود بی‌اطلاع و ناآگاه است، او با بهره‌بردن از ابزار حسی و عقلی که خداوند در اختیارش قرار داده با دنیای اطراف خود آشنا می‌گردد و با گذر زمان حقائق عالم را یکی پس از دیگری در می‌یابد. دانش بسان چراغی فراروی او تاریکی‌های جهل را می‌شکافد و او را با افق‌های تازه‌ای از اسرار عالم آشنا می‌گرداند. علم، ابزار حرکت و تکامل انسان می‌گردد و هر چه بر دانش او افزوده می‌شود، مجهولات او به معلومات، تاریکی‌هایش به روشنائی تبدیل شده و مسیر حرکت را به سوی بالاترین نقطه‌ی کمال به او می‌نمایاند؛ از این روست که امام رضا (علیه‌السلام) ضمن حدیثی مفصل در مورد ضرورت کسب علم و دانش اندوزی می‌فرماید: «طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است، پس دانش را از هر جا که احتمال می‌دهید وجود دارد و از اهلش بجوئید. آموزش در راه خدا حسنه است، طلب آن عبادت، گفتگوی علمی تسبیح و عمل بدان جهاد، آموزش آن به کسی که آگاهی ندارد، صدقه بوده و دادن آن به اهلش، موجب نزدیکی به خداوند است، زیرا علم، نشانه‌های حلال و حرام و علامت راه‌هایی است که به بهشت می‌رسد و هنگام وحشت، یاور آدمی است و هنگام غربت، یار انسان و تنهایی و سخن‌گویی در خلوت و هنگام سختی و شدت، راهنما و در برابر دشمنان، جنگ‌افزار و در میان دوستان زینت است. خداوند در پرتو آن، مردمانی را به اوج می‌رساند و در امور خیر، راهبرشان بوده تا جایی که از آثار ایشان اقتباس شده، از رفتار نیکشان ره می‌یابند و همه به اندیشه‌ی ایشان می‌رسند. فرشتگان، دوستی با ایشان را دوست دارند، بال خویش را برای طالبان علم گسترانده و در نمازشان برای آن‌ها طلب برکت و آموزش می‌کنند. هر خشک و تری، حتی ماهیان دریا، حشره‌ها، درندگان و چهارپایان خشکی، برای ایشان طلب آموزش می‌کنند. دانش، موجب زنده بودن دل در برابر جهل، پرتو دیدگاه در میان ظلمت و نیرومندی جسم از سستی است. دانش، نیکان را به منزلگاه‌های برگزیدگان، سرای نیکان و درجه‌های والای دنیا و آخرت می‌رساند. یادآوری در دانش، هم‌سنگ روزه و مباحثه‌ی آن چونان شب زنده‌داری است. در پرتو آن، خداوند را فرمان برده و او را می‌پرستند. با آن صله‌ی رحم به جای آورده می‌شود و به وسیله‌ی آن، حلال از حرام تمیز داده می‌شود. علم، جلودار عمل و عمل، پیرو علم است. نیک‌بختان، از آن برخوردار و نگون‌بختان، از آن بی‌بهره هستند، پس خوشا به حال آن کس که خدا از دانش، بی‌بهره‌اش نساخته است» (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۴۸۸).

زندگی نیازمند علم و حلم بوده و خانواده برای بقا، استمرار، رشد و توسعه به خردمندی، بردباری، آگاهی و بیداری احتیاج مبرم دارد. حلم، قافله‌ی زندگانی را از خشم، غضب، جهل،

تعصب کورکورانه، تندروی، افراطی‌گری، تفریط‌گرایی، پرده‌داری، رسوایی و دیگر رذایل و پلیدی‌ها نجات می‌دهد. از طرفی نیازمند فضایل انسانی، اخلاقی و جلوه‌های حقیقی نیز می‌باشد. علم و معرفت اثرات عمیقی را بر نفس انسان می‌گذارد که نتایج آن در اعمال جوارحی (ظاهری) و جوانحی (باطنی) او ظاهر می‌گردد. برخی از این آثار و ثمرات عبارتند از:

۱- شناخت خداوند متعال: آنان که آگاهی بیشتری نسبت به اسرار آفرینش دارند، عظمت آفریننده‌ی آن را بیشتر و بهتر از دیگران درک می‌کنند؛ از این رو حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ؛ ثَمَرُهُ دَانِسْ، شَنَاخَتْ خَدَاسَتْ» (آمدی، ۱۴۱۰، ۳، ۳۲۲).

۲- ایمان: علم یکی از مقدمات ایمان است و بدون آگاهی، ایمان محقق نخواهد شد، امام علی (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «ایمان و دانش، برادران هم‌زادند و دو رفیق‌اند که از هم جدا نمی‌شوند» (همان، ۲، ۴۷). خداوند نیز در سوره‌ی مبارکه‌ی حج به همین مطلب اشاره می‌فرماید: «وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ؛ هدف این بود که آگاهان بدانند این حقی است از سوی پروردگارت و در نتیجه به آن ایمان بیاورند و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد» (حج، ۵۴).

۳- بیم از خداوند: عالمان بیشتر از دیگران به عظمت خداوند واقفند و این معرفت، عشق به پروردگار و بیم از قهر معشوقشان را در دل‌هایشان افزون می‌نماید؛ از این رو خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی فاطر می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ تنها دانایان هستند که از پروردگار خود بیم دارند» (فاطر، ۲۸). حضرت علی (علیه‌السلام) نیز فرموده‌اند: «أَعْلَمُ النَّاسِ بِاللَّهِ أَخُو فِهْمٍ مِنْهُ وَ أَكْثَرُهُمْ خَشِيَّةً لَهُ؛ داناترین مردم به خدا کسی است که خوف و خشیت بیشتری داشته باشد» (آمدی، ۱۴۱۰، ۲، ۴۳۰).

۴- پرستش خدا: وقتی انسان با مطالعه‌ی اسرار آفرینش پی به وجود معبود خویش ببرد و نعمت‌هایی را که او در اختیار بشر قرار داده بشناسد، بی‌اختیار سر تعظیم در آستان او فرود می‌آورد و پیشانی بندگی بر زمین می‌ساید؛ از این رو مولای متقیان حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ثمره‌ی دانش، پرستش است» (همان، ۲۸).

۵- دوری از رذائل اخلاقی: شخصی که از مضرات مفسد اخلاقی و صفات زشت آگاه است، هیچ‌گاه به خود اجازه نخواهد داد که خود را در منجلابی گرفتار کند که نتیجه‌ای جز زیان برای او نخواهد داشت. به همین جهت است که امام علی (علیه‌السلام) صفاتی چون حرص، طمع و بخل را نتیجه‌ی جهل می‌داند: «الْحَرِصُّ وَالشَّرُّهُ وَالْبُخْلُ نَتِيجَةُ الْجَهْلِ؛ حرص، آزمندی و بخل نتیجه‌ی جهل است» (همان).

۶- صلاح و اصلاح نفس: امام علی (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «هر اندازه دانش انسان افزون گردد، توجه وی به نفسش بیشتر می‌شود و در ریاضت و اصلاح آن کوشش بیشتری

می‌کند» (همان، ۴، ۶۲۱).

۷- ادب و تواضع در مقابل پروردگار و خلق خدا: انسانی که می‌داند از خود چیزی ندارد و همه چیز را خداوند به او عنایت کرده و او در میان مخلوقات خداوند ذره‌ای بیش نیست، زانوی ادب در محضر حق بر زمین می‌زند و در برابر خلق خدا تواضع را مشی خویش قرار می‌دهد. حضرت علی (علیه‌السلام) در این مورد می‌فرماید: «إِذَا زَادَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَادَ أَدَبَهُ؛ زمانی که دانش انسان فزونی یابد ادب او هم بیشتر می‌شود» (همان، ۳، ۱۹۳).

۸- هدایت انسان به سوی حق: آن حضرت (علیه‌السلام) در این خصوص می‌فرماید: «العلمُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ» (همان، ۲، ۷).

۹- بی‌اعتنایی به دنیا: امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ثَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ الْعَزُوفُ عَنِ الدَّارِ الْفَنَاءِ؛ میوه‌ی درخت معرفت روی گرداندن و بی‌اعتنایی به دنیا است» (همان، ۳، ۳۳۳).

۱۰- ارزش دار شدن عمل و عبادت انسان: امام کاظم (علیه‌السلام) می‌فرماید: «يَا هِشَامَ قَلِيلُ الْعَمَلِ مِنَ الْعَالَمِ مَقْبُولٌ مُضَاعَفٌ وَ كَثِيرُ الْعَمَلِ مِنْ أَهْلِ الْهَوَى وَالْجَهْلِ مُرْدُودٌ؛ ای هشام کردار اندک از عالم چند برابر (محسوب و) پذیرفته شود و کردار زیاد از هواپرستان و نادانان پذیرفته نگردد» (حرّانی، ۱۳۸۲، ۳۸۷) و در بیان دیگری امام علی (علیه‌السلام) نیز می‌فرماید: «عبادت گر بی‌علم هم چون حیوان گرداننده‌ی سنگ آسیاب است که همواره در یک‌جا می‌چرخد و گامی پیش نمی‌رود» (حکیمی، ۱۳۷۱، ۲۰۴).

۱۱- صبر در مقابل سختی‌ها: امام علی (علیه‌السلام) یکی از عوامل صبر را علم و آگاهی دانسته و می‌فرماید: «لَا يَصْبِرُ لِلْحَقِّ إِلَّا مَنْ عَرَفَ فَضْلَهُ؛ حق را تحمل نمی‌کند جز آن که از برتری حق آگاه باشد» (آمدی، ۱۴۱۰، ۶، ۳۹۷).

۱۲- راهنمای عقل: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره می‌فرماید: «العلمُ إمامُ العقل؛ علم و دانش پیشوا و راهنمای عقل است» (حرّانی، ۱۳۸۲، ۲۸).

۱۳- بیداری اجتماعی و مقاومت در مقابل شبهات عقیدتی و القائات شیاطین: امام صادق (علیه‌السلام) در این خصوص می‌فرماید: «العالمُ بزمانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ؛ آن که نسبت به زمان خود داناست گرفتار امور اشتباه انگیز و مایه‌ی گمراهی نمی‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۲۶).

خانواده‌ای که تک تک افراد از سطح بالای علم و دانش برخوردار باشند به حلم و بردباری نزدیک است؛ چرا که به فرموده‌ی مولای متقیان کمال علم، بردباری است: «كَمَالُ الْعِلْمِ الْجَلْمُ» (آمدی، ۱۴۱۰، ح ۷۲۳۱)؛ از این رو دارای آرامش و ثبات بوده و در نتیجه از استحکام بالایی برخوردار است. در پرتو علم، افراد خانواده به شناخت بیشتر و بهتری از خدای خویش دست یافته، در نتیجه‌ی آن از ایمان قوی‌تری برخوردارند و در تمام امور زندگی و نحوه‌ی

برقراری روابط با سایرین همواره خداوند را در نظر گرفته و در لحظات حساس، تقوای او را پیشه‌ی می‌سازند. از رذائل اخلاقی فاصله گرفته و به اصلاح نفس خویش می‌پردازند، در برابر خداوند قادر متعال و مخلوقاتش تواضع و فروتنی می‌نمایند، به دنیا و مسائل بی‌اهمیتش بی‌اعتنا بوده و در برابر شدائد و مصائب صبر پیشه می‌کنند. همواره در مواجهه با مسائل و مشکلات از عقل خود بهره گرفته و به جای جزع و فزع نسبت به کشف راه حل منطقی در جهت مرتفع نمودن آن‌ها اقدام می‌نمایند. پر واضح است در چنین خانواده‌ای با حلم و بردباری ناشی از درجه‌ی بالای علم و آگاهی، بی‌خردی، کبر و غرور، خشم و غضب، بی‌صبری و شتاب‌زدگی، هیاهو و مغلظه، گمراهی و ناامیدی، شکست و ناکامی جایی ندارد؛ بنابراین دوام، ثبات و پایداری آن خانواده تضمین و راه برای رسیدن به کمال سعادت و قرب الهی هموار خواهد بود.

نتیجه‌گیری

خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه‌ی انسانی است که وظیفه‌ی تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی باایمان، صبور، حلیم، متواضع و... در آن پرورش دهند، نمی‌توانند جامعه‌ای ایده‌آل برای نسل آینده بسازند و در ابعاد و زمینه‌های گوناگون دچار انحطاط شده، به اهداف متعالی خود نمی‌رسند. مقصود از تحکیم نظام خانواده، فراگیری و رعایت اصل اعتدال از طرف همه‌ی اعضای خانواده، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق متقابل همه‌ی افراد است. در این زمینه خصیصه‌ی حلم و بردباری نقش مهمی دارد. دارندگان این صفت بر اعصاب و احساسات خود مسلطند و با خویشتن‌داری و خود‌نگهداری در برابر برخوردهای نادرست، از مرزهای اخلاقی اسلام خارج نمی‌شوند و با کرامت و بزرگواری، اسیر و مرعوب خشم و غضب خود نمی‌گردند و دارای اراده‌ی محکم و صبری ستودنی هستند. به‌طور کلی نقش حلم و بردباری در نظام خانواده، ایجاد استحکام لازم و کافی از طریق به کمال رساندن آرامش روحی و روانی مد نظر قرآن کریم و روایات اسلامی است. در نتیجه‌ی اتصاف به خصیصه‌ی حلم است که افراد به متانت، خویشتن‌داری و منش کریمانه و بزرگوارانانه دست می‌یابند؛ این ویژگی‌ها نقش بسزایی در آرامش افراد در سطح خانواده و در نتیجه استحکام نظام آن دارند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. نهج‌البلاغه، شریف‌الدین رضی‌الدین، محمد بن حسن، ۱۳۸۶، ترجمه: حسین انصاریان، نوبت چاپ دوم، تهران، پیام آزادی.
۳. آمدی، عبد‌الواحد بن محمد تمیمی، ۱۴۱۰، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، محقق: مصطفی درایتی، نوبت چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامیه.
۴. جعفری هرفته، مجید، ۱۳۹۶، مه‌ار خشم و پرخاشگری در پرتو آموزه‌های دینی با ارائه الگوهای اسلامی، نوبت چاپ اول، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۶، تفسیر تسنیم، نوبت چاپ پنجم، قم، إسرائ.
۶. خزّانی، حسین بن علی بن شعبه، ۱۳۸۲، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، نوبت چاپ اول، قم، آل علی (علیهم‌السلام).
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، وسائل الشیعه، نوبت چاپ اول، قم، آل‌البیت (علیهم‌السلام).
۸. حکیمی و سایرین، ۱۳۷۱، الحیاه، نوبت چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. خدایاری‌فرد، محمد، ۱۳۸۱، روش درمانی عفو با تأکید بر دیدگاه اسلامی، فصلنامه‌ی اندیشه و رفتار؛ شماره‌ی اول، صص ۴۵-۵۸.
۱۰. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، ۱۴۱۲، ارشادُ القلوب إلى الصّواب المُنجی من عمَل به مِن أیّم العقاب، نوبت چاپ اول، قم، انتشارات رضی.
۱۱. طوسی، ابوجعفر بن محمد بن الحسن، ۱۴۱۴، الامالی، نوبت چاپ اول، قم، دارالثقافه.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، محقق: علی‌اکبر غفاری، نوبت چاپ چهارم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۱۳. لیبی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون‌الحکم و المواعظ، محقق: حسین حسنی بیرجندی، نوبت چاپ اول، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار‌الحديث، سازمان چاپ و نشر.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، نوبت چاپ اول، بیروت، موسسه الوفاء.
۱۵. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۴، میزان‌الحکمه، نوبت چاپ اول، قم، دار‌الحديث.
۱۶. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، ۱۳۸۶، تفسیر نمونه، نوبت چاپ بیست و نهم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۱۷. موسوی خمینی، روح‌ا...، ۱۳۸۵، تحریر الوسیله، نوبت چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۸. وزّام، ابن ابی‌فراس، ۱۳۷۶، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، نوبت چاپ اول، تهران، علی اصغر حامد.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۳۸ - ۳۰۹

تأثیر بکارگیری سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری بر بهره‌وری بنگاه‌های تولیدی با رویکرد اخلاق حرفه‌ای مورد مطالعاتی (شرکت‌های خودرو پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)

^۱ علیرضا هیراد^۲ مهدی فغانی^۳ احمد پیفه^۴ علی پایان

چکیده

فرآیندهای حسابداری از فرآیند دستی به سمت خودکار تغییر یافته است. رقابت اقتصادی فشار زیادی را بر هزینه اطلاعاتی که یک شرکت برای دستیابی و استفاده از آن‌ها هنگام تصمیم‌گیری نیاز دارد، ایجاد کرده است. هدف از این تحقیق، مطالعه‌ی بررسی تأثیر بکارگیری سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری بر بهره‌وری کار در بنگاه‌های تولیدی می‌باشد. این مطالعه از نوع توصیفی می‌باشد و از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها در صنعت خودرو استفاده شده است. نمونه پژوهش شامل شرکت‌های تولیدکننده خودرو در بورس اوراق بهادار تهران است که از طریق روش نمونه‌گیری سهمیه‌گیر متناسب انتخاب شدند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این مطالعه نشان داد که بین سیستم‌های اطلاعات حسابداری و بهره‌وری نیروی کار در بنگاه‌های تولیدی رابطه مثبت وجود دارد. این مطالعه به وسیله تجزیه و تحلیل توسط نرم افزار ایویوز ۱۰ و Spss 22 نتیجه گرفت که سیستم‌های اطلاعات حسابداری از نظر مدیریت مؤثر، تصمیم‌گیری و کنترل عملکرد بر بهره‌وری کار در بنگاه‌های تولیدی تأثیر گذار است. توصیه اصلی این پژوهش این است که شرکت‌های تولیدکننده که مایل به افزایش کارایی خود از نظر سودآوری و سازگاری با تغییرات بازار هستند می‌توانند با سرمایه‌گذاری در یک سیستم اطلاعاتی حسابداری مناسب در فرآیندهای حسابداری مالی خود به این مهم دست پیدا کنند.

واژگان کلیدی

سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری، بهره‌وری نیروی کار، بنگاه‌های تولیدی، صنعت خودرو.

۱. گروه حسابداری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

Email: alirezahirad2020@yahoo.com

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: azitahajinia1397@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

Email: drahmadpifeh11@yahoo.com

۴. استادیار، گروه ریاضیات، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

Email: drali_payan@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۸

طرح مسأله

سیستم نه فقط به عنوان یک مجموعه، بلکه به عنوان مجموعه به هم پیوسته ای از عناصر ظاهر می شود که از کلیت خاصی برخوردار است. بر این اساس به نظر می رسد برای تحلیل تاثیر ارتباط های میان فردی و جمعی در شبکه های اجتماعی، نیاز به ایجاد شمایی کلی از الگوی رابطه در آن باشد به همین دلیل روش های متعددی برای تحلیل بهتر نیازمندی های کاربران سیستم های اطلاعاتی معرفی گردیده است. این روش ها با نگاهی پدیدار شناختی و کنش گرا به سازمان تلاش دارد درک بهتری از نیازمندی های هر سیستم اطلاعاتی از جمله سیستم اطلاعات حسابداری ارائه نماید (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۵).

سیستم اطلاعاتی حسابداری وظیفه گردآوری و ذخیره پردازش و تبدیل داده ها و طراحی کنترل های داخلی را انجام می دهد. در بیانیه مفاهیم بنیادی حسابداری شماره ۲ کمیته تدوین استانداردهای حسابداری مالی، حسابداری به عنوان یک سیستم اطلاعاتی تعریف و بیان گردید که هدف اولیه حسابداری تهیه اطلاعات مفید برای تصمیم گیری است سیستم اطلاعاتی حسابداری را می توان عنصری از شرکت دانست که به وسیله پردازش رویدادهای مالی اطلاعات مالی را جهت تصمیم گیری در اختیار استفاده کنندگان قرار می دهد. به بیان دیگر مجموعه ای از فرآیندها و فنون است که اطلاعات را سازماندهی و در تصمیم گیری ها از آن استفاده می کند. سیستم اطلاعات حسابداری در نهایت با ارائه گزارش های هوشمندانه مالی می تواند تصمیم گیرندگان و مدیران سازمان را در برنامه های راهبردی شان کمک کند. هرچند یک سیستم اطلاعات حسابداری می تواند فقط شامل چند صفحه کاغذ و کتابچه راهنمای کاربر مبتنی بر یک سیستم حسابداری ساده باشد، اما امروزه سیستم اطلاعات حسابداری به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر قابلیت های فناوری اطلاعات و فرآیندها و روش های سنتی و پیشرفته حسابداری است (دستگیر و غالبی، ۱۳۸۹). امروز جهان با توجه به محدودیت عوامل مختلف تولید نیاز حیاتی به بهره وری افزون تر، چه در کشورهای در حال پیشرفت و چه در کشورهای پیشرفته، دارد. کارشناسان و صاحب نظران اقتصادی در نظام های مختلف عملاً به نحوی یکسان اهمیت موضوع افزایش بهره وری را مورد تأکید قرار می دهند (بهارستان، ۱۳۸۶).

سرمایه اجتماعی با توجه به تعریف آن، که حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی نظیر اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی در یک نظام اجتماعی است، می تواند با ایجاد نوعی تعاون خودانگیخته منبع مهمی برای بهره وری به شمار رود، به طوری که افزایش و تقویت آن می تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه های اداره فرآیند توسعه

جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها و بنگاه‌ها شده و نهایتاً موجب افزایش بهره‌وری نیروی انسانی سازمان‌ها و در حالت کلان، تمام جامعه شود.

در ادبیات اقتصادی برای بهره‌وری، مفاهیم متعددی توسط اقتصاددانان، مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی ارائه شده است. واژه بهره‌وری برای اولین بار در سال ۱۷۶۶ توسط «کوئیزی^۱» به کار رفت. یک قرن بعد «لیتر^۲» در سال ۱۸۳۳ بهره‌وری را به مفهوم «استعداد تولید کردن» تعریف کرد.

بهره‌وری به معنای اجرای درست کارهای درست است. بر طبق این تعریف، بهبود بهره‌وری تنها به معنای اجرای درست کارها نیست، بلکه مهمتر از آن، اجرای کارهای درست است. بنابراین هدف از بهبود بهره‌وری، شناسایی عواملی است که باید مدنظر برنامه‌ریزان بهره‌وری قرار گیرد. از آن‌جا که فرآیند تولید، سیستم اجتماعی پیچیده، مداوم و متحول است، روابط متقابل میان کار، سرمایه و محیط اجتماعی به گونه‌ای است که آن‌ها در یک مجموعه متوازن و هماهنگ باشند، اهمیت بسیار دارد و بهبود بهره‌وری به این امر بستگی دارد که چگونه عوامل اصلی سیستم اجتماعی - تولیدی مشخص و به کار بسته شود. عوامل تأثیرگذار بر بهبود بهره‌وری بسیار زیاد می‌باشد. عوامل مؤثر بر بهبود بهره‌وری را می‌توان به عوامل داخلی و خارجی تقسیم بندی نمود (بهارستان، ۱۳۸۶، زندیه، ۱۳۸۲).

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سیستم اطلاعاتی حسابداری وظیفه جمع‌آوری، پردازش، طبقه‌بندی و گزارشگری وقایع مالی را با هدف تهیه اطلاعات مربوط به ثبت رویدادها و تصمیم‌گیری برای استفاده‌کنندگان داخلی و خارجی یک سازمان عهده‌دار است. مدیران برای اداره فعالیت روزمره، تدوین راهبردهای آینده و ارزیابی عملکرد گذشته به اطلاعات حسابداری نیاز دارند. بیشتر تصمیماتی که در واحد تجاری - تولیدی اتخاذ می‌شود به نحوی است که بر اطلاعات حسابداری مبتنی است. اهمیت هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم، بازاریابی، حقوق و دستمزد و قیمت تمام شده سبب شده است که مدیران به اطلاعات حسابداری قابل فهم، مرتبط، قابل اتکا، مقایسه و به موقع نیاز داشته باشند. بنابراین اطلاعات حسابداری که برای مدیران تهیه می‌شود (نیکولائو^۳، ۲۰۱۳). وظیفه مهم اطلاع‌گیری و اطلاع‌رسانی در سازمان‌های کنونی به عهده سیستم اطلاعات مدیریت گذاشته شده است. سیستم مذکور و عمده‌ترین سیستم زیر مجموعه آن یعنی سیستم اطلاعات حسابداری، روش‌های سازمان‌یافته و منظمی هستند که در قالب آن‌ها اطلاعات مورد نیاز به موقع جمع‌آوری، طبقه‌بندی و در نهایت تجزیه و تحلیل گردیده و در اختیار مدیران و تصمیم‌گیرندگان سازمان قرار می‌گیرد (یلفانی، ۱۳۹۴).

عدم بکارگیری سیستم اطلاعات حسابداری به شکل صحیح در سازمان‌های کشور ما

باعث به وجود آمدن مشکلاتی خواهد شد. این مشکلات ابعادی مانند، عدم دسترسی دقیق و به موقع به اطلاعات مالی در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و دیگر مسایل مدیریتی ایجاد خواهند کرد و می‌تواند در نوع سرنوشت سازمان بسیار موثر باشد (کیم^۴، ۲۰۱۴). همه اشکال سازمان‌های تجاری و غیر انتفاعی از اطلاعات حسابداری برای کمک به سهامداران، سازمان‌های دولتی، بانک‌ها و بقیه به منظور تصمیم‌گیری در حوزه اقتصاد استفاده می‌کنند و نبود آن باعث خسارات جبران‌ناپذیری در رابطه با عدم دسترسی دقیق و به موقع به اطلاعات مالی در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و دیگر مسایل مدیریتی خواهد شد (ایک^۵، ۲۰۱۶).

امروزه اطلاعات، برگ برنده شرکت‌های بزرگ تجاری است. از آن‌جا که گردآوری اطلاعات به روش دستی و معمولی برای شرکت‌های چند ملیتی بزرگ غیر ممکن است، آن‌ها به سیستم‌های اطلاعاتی روی آورده‌اند. سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری نقش مهمی در کمک به سازمان برای پذیرش و حفظ یک موقعیت استراتژیک دارند. دستیابی به یک موقعیت مناسب به کمک فعالیت‌ها مستلزم این است که داده‌های مربوط به هر فعالیت به شیوه مناسبی گردآوری شود. سپس این داده‌ها به اطلاعاتی تبدیل شوند تا بتوانند در فرآیند تصمیمات مدیریت استفاده شده و این فعالیت‌ها با یکدیگر هماهنگی بیشتری داشته باشند. این اطلاعات باید قابل اتکا و همواره در دسترس باشند تا در فرآیند تصمیم‌گیری استفاده شوند. سیستم‌های اطلاعاتی، سیستم‌هایی هستند که وظیفه آن‌ها ذخیره‌سازی داده‌ها، پردازش آن‌ها در چهارچوب اهداف اطلاعاتی مؤسسه و فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است که با مشارکت مدیران و تحلیلگران و طراحان سیستم که از دانش بسنده در زمینه تکنولوژی کامپیوتر برخوردار هستند، طراحی و در مؤسسات مستقر می‌گردد (دستگیر و همکاران، ۱۳۸۲).

در کشور ما فعالیت‌های مختلفی به منظور شناساندن مفهوم بهره‌وری در سطوح مختلف از طریق فعالیت‌های ترویجی و تبلیغی صورت گرفته است. همچنین به منظور ایجاد زمینه‌های قانونی جهت گسترش مفهوم بهره‌وری و پیشبرد فعالیت‌های مرتبط با آن، در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به این موضوع پرداخته شده و بطور مشخص تبصره ۳۵ این قانون و آئین‌نامه اجرایی آن، سازمان‌ها را ملزم به توجه بیشتر به ارتقای بهره‌وری نموده است. در این راستا حرکت وسیعی در سطح سازمان‌ها شروع شده و اکثر وزارتخانه‌ها، موسسات و سازمان‌ها نسبت به سازماندهی تشکیلاتی همچون کمیته‌های بهره‌وری اقدام نموده‌اند. بانک‌ها از قاعده مستثنی نبوده و به دنبال تأسیس بانک‌های خصوصی و پیچیده‌تر شدن رقابت، یگانه‌راه آن‌ها برای کسب سهم بیشتر بازار، افزایش سودآوری، کاهش هزینه‌ها، ارتقای رضایت‌مندی مشتریان و کارکنان و در نهایت تعالی و سرآمدی، توجه بیش از پیش به

مقوله بهره‌وری می‌باشد. نیروی انسانی مهم‌ترین عامل موفقیت و دوام سازمانی می‌باشد و بقا و موفقیت سازمان در گرو بهره‌وری گروه‌های کاری آن است. بهره‌وری نیروی انسانی از نسبت ارزش افزوده یا ارزش ستانده به ساعت کار و یا تعداد افراد شاغل در هر بخش به دست می‌آید. بسیاری از صاحب‌نظران واژه «بهره‌وری» را با «بهره‌وری نیروی کار» یکسان می‌دانند (احمدی، ۱۳۸۵). بر این اساس، پی‌بردن به وضعیت بهره‌وری کارکنان و شناسایی عوامل موثر و مرتبط با بهره‌وری دارای اهمیت است. زیرا با دانستن رابطه عوامل مرتبط با بهره‌وری می‌توان با تغییر و دستکاری آن‌ها بهره‌وری را بهبود بخشید و در جهت رشد سازمان گام برداشت (میزانی و بندک، ۱۳۹۲).

بطور کلی هدف یک سیستم اطلاعاتی گردآوری و توزیع اطلاعات از محیط پیرامون و عملیات درونی آن است تا تصمیم‌گیری‌ها و تجزیه و تحلیل و نتیجه‌فعالیت‌ها را پشتیبانی نماید. از این رو در این تحقیق بطور خاص بر تأثیر بکارگیری سیستم‌های اطلاعات حسابداری بر بهره‌وری نیروی کار در بنگاه‌های تولیدی تأکید شده و با استفاده از اطلاعات مالی و عملکردی شرکت‌های خودروساز و نیز به کمک نرم‌افزار ایویوز ۱۰ و Spss 22 به برآورد مدل تأثیر سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری بر بهره‌وری نیروی کار در بنگاه‌های تولیدی خودرو پرداخته شده است.

کیامهر و قره‌خانی (۱۳۹۸) در پژوهش به بررسی عوامل احتمالی مؤثر بر طراحی نظام اطلاعاتی حسابداری پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد شرکت‌های دارای مدیران با ویژگی‌های شخصیتی مناسب و همچنین ساختار مطلوب سازمانی از پایدار یا ناپایدار بودن محیط آگاهی داشته و با دسترسی به اطلاعات مالی و غیرمالی مناسب می‌توانند با تسخیر بازارهای خارجی، صادرات را افزایش دهند که همه این موارد متأثر از انتخاب نظام اطلاعاتی حسابداری مناسب برای شرکت است. طبیعی، واهی و نورنژاد (۱۳۹۷)، در پژوهشی رابطه بین سرمایه‌فکری و بهره‌وری در صنایع تولیدی ایران را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش به‌طور کلی حاکی از رابطه معنادار بین کارایی سرمایه‌انسانی و بهره‌وری نیروی کار است.

نژادایرانی و دادجویان (۱۳۹۷)، در پژوهشی اثر ارزش‌آفرینی استراتژیک سرمایه‌انسانی بر بهره‌وری نیروی انسانی را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که روابط سازمانی مثبت، خودپذیری حرفه‌ای هدفمندی شغل و پیشرفت در شغل، باعث افزایش تأثیر ارزش‌آفرینی استراتژیک سرمایه‌انسانی بر بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود.

فیل‌سرایبی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی ویژگی‌های کیفی سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری و تأثیر آن بر رشد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف اصلی این پژوهش این موضوع است که آیا سیستم حسابداری موجود در شرکت

ها اطلاعات موردنیاز را جهت تصمیم‌گیری درست فراهم می‌کنند یا خیر، در این پژوهش ۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که رشد بالا و عملکرد مناسب در سال‌های ۸۵ تا ۹۲ داشتند بررسی شدند و ویژگی‌های کیفی سیستم‌های اطلاعاتی این شرکت‌ها یعنی قابل فهم بودن، قابل اتکا بودن، قابلیت مقایسه و به موقع بودن بررسی شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ها و برای ارزیابی فرضیه‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که دارای عملکرد مناسب هستند دارای سیستم‌های اطلاعاتی بودند که از ویژگی‌های کیفی برخوردارند.

وانگ هادان (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی بر سیستم‌های اطلاعات حسابداری و عملکرد عملیاتی شرکت‌های کوچک و متوسط در شهر هوشی مین پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که مأموریت، مشارکت و ناهماهنگی در فرهنگ سازمانی بر سیستم‌های اطلاعات حسابداری شرکت‌های کوچک و متوسط در ویتنام تأثیر مثبت می‌گذارد. علاوه بر این، مشخص شده است که مأموریت، مشارکت، سازگاری و سازگاری در فرهنگ سازمانی تأثیرات مثبتی بر عملکرد عملیاتی شرکت دارد.

حبوبی^۶ و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان تأثیر استرس شغلی و رضایت شغلی بر بهره‌وری نیروی کار در صنعت پتروشیمی ایران نشان دادند که سطوح استرس شغلی درک شده کارکنان و رضایت شغلی متوسط است. همچنین، بهره‌وری آن‌ها در سطح متوسط مورد ارزیابی قرار گرفت. اگر چه رابطه بین استرس شغلی و شاخص‌های بهره‌وری از لحاظ آماری معنی‌دار نبود، لیکن، بین رضایت شغلی و شاخص‌های بهره‌وری از نظر آماری معنی‌دار بود. مدل‌سازی رگرسیون نشان داد که بهره‌وری به طور قابل توجهی با برنامه تغییر، ابعاد دوم و سوم استرس شغلی (عدم کفایت و ابهام نقش) و بعد دوم رضایت شغلی (نظارت) مرتبط است.

تریگو^۷ (۲۰۱۶)، در پژوهشی به بررسی سیستم‌های اطلاعات حسابداری پرداخته است. این مقاله یک بازتاب بر نقش مدیریت فرآیند کسب و کار و فن‌آوری‌های مرتبط در حمایت از سیستم‌های اطلاعات حسابداری است. اگر چه سیستم‌های اطلاعات حسابداری تحقق نیاز به گزارشگری مالی است. نتایج نشان داده است که انعطاف‌پذیری و چابکی در بازتعریف فرآیند کسب و کار، توانمندسازی کارکنان دانش بر سیستم‌های اطلاعات حسابداری تأثیر گذار است.

بایوت^۸ (۲۰۱۵) یک مطالعه تحقیقاتی در مورد اجرای سیستم‌های یکپارچه مدیریت اطلاعات مالی (IFMIS) و تأثیر آن بر تهیه عمومی انجام داد. محققان مطالعاتی در مورد تأثیر سیستم‌های اطلاعات حسابداری بر کارایی شرکت‌های تولیدی در کنیا انجام داده‌اند.

ارد^۹ (۲۰۱۴)، تحقیقاتی را با هدف تعیین پیامد کیفیت AIS بر عملکرد مالی شرکت‌های SMEs انجام داد. نمونه‌ای از ۵۰ شرکت در نظر گرفته شد. محققان به این نتیجه رسیدند که

بین کیفیت AIS و عملکرد مالی SMEs ها رابطه مثبت بسیار شدیدی وجود دارد. انجیپهیا و موریقی^{۱۱} (۲۰۱۴) تأثیر سیستم های ERP را بر عملکرد شرکت ها در بانک های تجاری در کنیا مورد مطالعه قرار دادند. یافته های این مطالعه وجود منابع مالی، درک کارکنان، پشتیبانی مدیریتی و الزامات نظارتی بر عملکرد شرکت های ERP از این رو تأثیر می گذارد. بنابراین توضیح می دهد که اجرای سیستم اطلاعات حسابداری تأثیر مثبتی بر کارایی سازمان ها خواهد داشت.

۲. هدف پژوهش

بررسی تأثیر بکارگیری سیستم های اطلاعاتی حسابداری بر بهره‌وری در نگاه‌های تولیدی.

۳. فرضیات پژوهش

فرضیات:

۳-۱ بین سیستم های اطلاعاتی حسابداری و بهره‌وری در شرکت های تولید کننده خودرورابطه معنی داری وجود دارد.

۳-۲ بین ماهیت منابع انسانی و بهره‌وری در شرکت های تولیدکننده خودرورابطه معنی داری وجود دارد

۴. روش پژوهش

برای جمع‌آوری اطلاعات نظری از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و سپس بررسی پژوهش‌های پیشین مطرح شده و انجام پیمایش های میدانی در جامعه آماری مورد مطالعه به روش تحلیلی انجام شده است.

روش کتابخانه‌ای: برای گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات پژوهش از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، کتاب های مورد نیاز و اینترنت استفاده شده است. روش میدانی: ابزار اصلی استفاده شده در این پژوهش پرسشنامه می باشد.

۵. تعریف متغیر های پژوهش

۵-۱. سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری (AIS)

وات^{۱۱}، (۱۹۹۹) بیان کرد که حسابداری عبارت از پردازش ثبت، طبقه بندی و جمع بندی معاملات تجاری به روشی است که از نظر پولی قابل توجه است. از طرف دیگر فناوری اطلاعات (IT) شامل استفاده و کاربرد رایانه، منابع ارتباطی از راه دور در ذخیره سازی، انتقال، بازیابی و دستکاری داده ها می باشد. مناطقی که در آن می توان AIS استفاده کرد شامل حسابداری سهام، دفترچه راهنمای فروش، خریدار، حقوق و دستمزد، حسابداری هزینه و الگوبرداری مالی

است.

مطابق تعریف انزامو^{۱۲} (۲۰۱۳)، AIS وسیله‌ای است که در کنار فناوری اطلاعات (IT) مسئول تولید گزارش‌های مالی مطمئن و دقیق‌تر است که توسط رهبران تجارت برای تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. از این تعریف، سیستم اطلاعات حسابداری (AIS) ابزاری در نظر گرفته شده است که به مدیریت کمک می‌کند و نقش خود را در زمینه برنامه ریزی، کنترل و هدایت از طریق تهیه داده‌های معتبر انجام دهد و با توسعه بزرگ این فرصت را برای تولید داده و استفاده از اطلاعات حسابداری مالی از دیدگاه استراتژیک باز کرده است.

در حقیقت این چنین سیستم‌ها با ترکیب حسابداری سنتی با فن‌آوری مدرن به همراه کنترل آن‌ها که اطلاعاتی برای کاربران خود در حوزه مالی برای مدیریت سازمان ارائه می‌کند بوجود آمده‌اند و ۳ وظیفه مهم را بر عهده دارند. سیستم‌های اطلاعات حسابداری Accounting Information Systems (AIS) با سایر سیستم‌های اطلاعاتی به لحاظ تأکید بر حسابداری و کنترل تفاوت دارد. از آنجا که در بسیاری از واحدهای تجاری بزرگ مدیران، مالکان شرکت نیست میل به استفاده از سیستم‌های اطلاعات حسابداری برای کنترل و حصول اطمینان از حفاظت دارائی‌ها، مدارک و اطلاعات واحد روز به روز در حال افزایش است و اجازه می‌دهد تا هزینه‌های مرتبط با تولید و با اجرای خدمات را ردیابی و پیگیری نمایند. همچنین امکانات پیشرفته تری در این زمینه برای بهبود عملکرد سازمان ارائه می‌دهند. این سیستم به سازمان اجازه می‌دهد تا برای وصول اهداف خود برنامه ریزی نماید و کارکنان به گزارشات و تجزیه و تحلیل‌های دسترسی داشته باشند و در میان سناریوهای پیشنهاد شده بهترین و بهینه‌ترین آن را انتخاب نمایند. به همین دلیل است که حسابداران چنین شرکت‌هایی باید شناختی اصولی از چگونگی کارکرد این سیستم‌ها داشته باشند تا بتوانند گزارشات دلخواه را در مواقع لزوم براهتی وصول نمایند (مجله علم الکترونیک، نصر اصفهانی، ۱۳۹۶).

۵-۲. بهره‌وری

از اوایل دهه ۱۹۷۰ بهره‌وری یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بوده است که در سطح سازمان‌ها و در کشورها، توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است. مقدار و نرخ رشد بهره‌وری در هر کشور، تأثیر بسزایی بر سطح زندگی، تورم، بیکاری، وضعیت اقتصادی جامعه و رقابت‌پذیری در سطح جهانی دارد. در نظرسنجی که از مدیران صنایع آمریکا انجام شده ارتقاء بهره‌وری یکی از دو یا سه موضوع مهم و جدی است که کشور با آن روبه‌روست (اکبری، ۱۳۸۹). تا اهمیت بهره‌وری و چگونگی ارتقاء آن در سطوح ملی، صنعت، سازمان و فرد بخوبی شناخته نشود، بهره‌وری تحقق نخواهد یافت. بهره‌وری آرمان‌های ملی، اهداف صنعت، سازمان و نیازهای فردی را به هم مرتبط می‌سازد. بهره‌وری منافع سرشاری برای یک ملت، صنعت،

شرکت و افراد به همراه خواهد آورد. شکوفایی اقتصادی یک کشور در گرو بهره‌وری بالای منابع آن است به عبارت دیگر بهره‌وری ترکیبی دقیق و بهینه از تمام منابع انسانی و مادی موجود در یک کشور است. از این رو تا مفهوم بهره‌وری به درستی مشخص و درک نشود و شیوه‌های به کارگیری و بهبود آن شناسایی نگردد، بی‌گمان به درستی نمی‌توان از آن بهره‌برداری کرد. بهره‌وری از جمله مفاهیمی است که به سادگی و درستی درک نمی‌شود. علمای اقتصاد و مدیریت آن را به گونه‌ای متفاوت تعریف کرده‌اند. بهره‌وری در گسترده‌ترین مفهوم بعنوان یک نسبت ریاضی «ستانده به داده» مطرح گردیده است. فزون بر این، بهره‌وری بعنوان یک رابطه بین منابع و عوامل به کار گرفته شده و نتایج حاصله نیز تعریف شده است. اما مکرراً مفهوم تولید به غلط بجای مفهوم بهره‌وری به کار رفته است. بهره‌وری تولید نیست. بهره‌وری تنها به معنی خارج شدن محصول از خط تولید بدون توجه به کیفیت، هزینه و شیوه تولید آن نیست. بهره‌وری سنجش هزینه منابع تولید نیست و بالأخره بهره‌وری و عملکرد یکی نیستند، گرچه بهره‌وری با تمام مفاهیم فوق مرتبط است پس باید پرسید بهره‌وری واقعا چیست؟ (غفاری، ۱۳۷۲). به بیان دیگر جایگاه و اهمیت بهره‌وری در دنیای فرا صنعتی امروزی به حدی گسترش یافته که آن را مترادف با خردگرایی سازمان (رفتار عقلایی سازمان) دانسته و اساساً مدیریت را دانش افزایش بهره‌وری و استفاده از منابع و امکانات موجود به منظور نیل به اهداف تعیین شده معرفی می‌نماید. (ابطحی و کاظمی، ۱۳۷۹). اما بهره‌وری چیست؟ بهره‌وری عبارت است از رابطه بین مقدار تولید که در مدت معینی به دست آمده و مقدار کل عواملی که در جریان تولید به مصرف رسیده‌اند. به عبارت دیگر رابطه بین داده و ستانده را بهره‌وری گویند. هنگامی که این رابطه با سطح بهره‌وری در دوره مبنا مورد مقایسه قرار می‌گیرد، شاخص بهره‌وری حاصل می‌گردد. بهره‌وری در دنیای امروز به یکی از بزرگترین اهداف سازمان‌ها و مؤسسات تبدیل شده است و افزایش سطح آن ضامن رشد و بقا سازمان‌های پیش‌رو می‌باشد (بهارستان، ۱۳۸۶). امروزه بهره‌وری بعنوان یک فرهنگ و نگرش به کار و زندگی مطرح شده است و بهبود آن منشأ توسعه اقتصادی است (صدیقیانی و همکاران، ۱۳۸۲). می‌توان گفت: بهره‌وری از مفاهیم توسعه یافته در قرن بیستم است و مسلماً در قرن حاضر تمام کشورها اعم از صنعتی و غیرصنعتی از کاربرد آن، در ابعاد مختلف موضوعات فنی و اجتماعی‌گريزان پذیرند (جمشیدیان، ۱۳۸۰). در این پژوهش برای اندازه‌گیری بهره‌وری نیروی کار از اثربخشی سازمانی استفاده شده است.

۳-۵. نگاه‌های تولیدی

تولید به معنای فرایند تبدیل منابع به محصولات (کالاها و خدمات) است. معمولاً برحسب مقدار یا تعداد برونداد در واحد زمان تعریف می‌شود. در حالی که بهره‌وری کسری است که

نسبت محصولات تولیدی را به نهاده‌های مصرفی نشان می‌دهد. ستانده یا برون‌داد را می‌توان به صورت واحد یا حجم یا ارزش و درون‌داد را می‌توان برحسب مقدار یا تعداد یا ارزش پولی آن‌ها اندازه‌گیری کرد. در سال ۱۹۷۶ استیگل^{۱۳} بهره‌وری را چنین تعریف کرد: بهره‌وری نسبت میان بازده مرتبط به عملیات تولیدی مشخص و معین در مقایسه با نهاده‌های مصرف شده می‌باشد (زندیه، ۱۳۸۲).

از آن‌جا که فرآیند تولید، سیستم اجتماعی پیچیده، مداوم و متحول است، روابط متقابل میان کار، سرمایه و محیط اجتماعی به گونه‌ای است که آن‌ها در یک مجموعه متوازن و هماهنگ باشند، اهمیت بسیار دارد و بهبود بهره‌وری به این امر بستگی دارد که چگونه عوامل اصلی سیستم اجتماعی - تولیدی مشخص و به کار بسته شود. عوامل تأثیرگذار بر بهبود بهره‌وری بسیار زیاد می‌باشد و در این زمینه تحقیقات زیادی صورت گرفته است. در این‌جا اهم این عوامل به صورت اجمالی بیان می‌گردد. عوامل مؤثر بر بهبود بهره‌وری را می‌توان به عوامل داخلی و خارجی تقسیم بندی نمود (بهارستان، ۱۳۸۶ و زندیه، ۱۳۸۲).

تحرك اقتصادی (رشد اقتصادی، قدرت و ثبات پولی، درآمد سرانه، تولید صنعتی)، تغییر در ترکیب افزایش نسبی طول عمر و نوع سرمایه، کارایی صنعتی، تحرك مالی، حضور در بازار رقابت، منابع انسانی، قوانین و مقررات مالی و مالیاتی، پولی و ارزی، منابع و زیر بناهای اقتصادی، توجه به صادرات و بازارهای خارجی، تحقیق و توسعه، توجه به نوآوری و اختراعات، صرفه‌جویی در مقیاس یا اندازه نسبی بنگاه‌های تولیدی و ثبات سیاسی و اقتصادی در رقابت صنعتی و افزایش بهره‌وری مؤثرند. مدل‌هایی که در این زمینه وجود دارند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مدل کاب داگلاس، توابع تولید با کشش جانشینی ثابت، توابع تولید ترانسندنتال، اسپیلمن، لئونتیف، ترانس لاک و... کلیه توابع مزبور مبتنی بر مشاهدات تجربی بوده، با پیش فرض اولیه در خصوص عناصر محیطی شروع می‌شوند (آذر و مومنی، ۱۳۸۷).

در فرآیند تولید در سازمان‌های تولیدی، موادی اولیه وارد فرآیند تولید می‌شود و در خلال آن ارزش افزوده ایجاد می‌گردد. ارزش افزوده عبارت است از ارزش اضافه‌ای که توسط سازمان از طریق فرآیند تولید یا ارائه خدمات ایجاد می‌شود و با کسر کرده‌داده‌های واسطه (هزینه خریدها و خدمات دریافتی از عایدی‌ها) بدست می‌آیند، اگر بتوان با به‌کارگیری روش‌های پیشرفته، ارزش افزوده را بالا برد بهره‌وری نیز بهبود می‌یابد. سازمان باید همواره تلاش کند تا ارزش افزوده در کالاها و خدمات تولید شده را بررسی و روش‌های بهبود در ارزش افزوده را کشف کند تا از این طریق به بهره‌وری در محاسبات اقتصادی به‌طور اهم و در محاسبات بهره‌وری به‌طور اخص، از آن سبب بر ارزش تولیدات صنعتی بعنوان ستانده مزیت دارد که در رقم ارزش تولیدات صنعتی، ارزش یک یا چند محصول تکرارپذیر است، درحالی که در رقم ارزش

افزوده امکان وقوع این تکرار وجود ندارد (سینایی و احمدی، ۱۳۸۲).

۴-۵. اثربخشی سازمانی

دفت^{۱۴} (۱۹۹۳) به خوبی "اثربخشی سازمان را برای تحقق اهداف تعیین شده خود" به اثبات رساند. از سوی دیگر، اوگونتیمهین^{۱۵} (۲۰۰۱) توضیح داد که اثربخشی بنگاه ها ظرفیت تأمین نتایج مطلوب است. از دو تعریف فوق مشخص است که اثربخشی سازمان ها جنبه ای از تحقق اهداف تعیین شده است و همچنین این درجاتی است که یک بنگاه قادر به دستیابی به نتایج مورد انتظار است.

اندازه گیری اثربخشی سازمان ها همانگونه که توسط کمپل^{۱۶} (۱۹۹۳) بیان شده است می تواند در مورد چگونگی پردازش اطلاعات توسط یک شرکت، انعطاف پذیری در کارها، سازگاری با تغییرات اقتصادی و سودآوری محیط بررسی شود. گفته می شود مؤسسه ای که قادر به دستیابی به اهداف تعیین شده بر اساس معیارها و دیدگاه های مختلف باشد، مؤثر است.

۶. جامعه و نمونه آماری

جامعه، بزرگترین مجموعه از موجودات است که در یک زمان، مطلوب ما قرار می گیرد و باید حداقل دارای یک صفت مشخص باشد. صفت مشخص صفتی است که بین همه عناصر جامعه آماری، مشترک و متمایز کننده جامعه آماری از سایر جوامع می باشد. جامعه آماری در پژوهش حاضر شرکت های تولیدکننده خودرو فعال در بورس اوراق بهادار تهران می باشد و اگر قرار باشد از نمونه گیری، نتایج رضایت بخشی داشته باشیم بایستی به فعالیت ها و مراحل انتخاب نمونه آگاهی کامل داشت تا بتوان نمونه مناسب انتخاب نمود. بعد از تعیین هدف که اولین قدم در پژوهش است، باید جامعه ای که نمونه مورد مطالعه را از آن انتخاب می کنیم تعریف گردد (دلاور، ۱۳۸۴). روش نمونه گیری در پژوهش حاضر به صورت نمونه گیری تصادفی ساده می باشد. در پژوهش حاضر با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه مشخص شده است که بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۶ شرکت خودروی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است.

۷. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برآورد مدل تأثیر سیستم های اطلاعاتی حسابداری بر بهره‌وری نیروی کار در بنگاه های تولیدی خودرو کشور به کمک نرم افزار Spss و ایویوز ۱۰ پرداخته شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده های آماری پژوهش حاضر، ابتدا اطلاعات در جدول اطلاعات کلی یا جدول مادر تنظیم شد، سپس کلیه اطلاعات با استفاده از کامپیوتر و از طریق نرم افزارهای آماری SPSS 22 و ایویوز ۱۰ در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۸. روش گردآوری اطلاعات

مرحله گردآوری اطلاعات آغاز فرایندی است که طی آن محقق یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای نوین را جمع‌آوری می‌کند و به روش استقرایی به طبقه‌بندی و سپس تجزیه تحلیل آن‌ها پرداخته و فرضیه‌های تدوین شده خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و در نهایت حکم صادر می‌کند و پاسخ مسئله خود را به اتکای آن‌ها می‌یابد، به عبارتی اتکای اطلاعات گردآوری شده واقعیت و حقیقت را آن طور که هست کشف می‌نماید، بنابراین اعتبار اطلاعات اهمیت بسزایی دارد زیرا اطلاعات غیر معتبر مانع از کشف حقیقت و واقعیت شده و مسئله مورد نظر محقق به درستی معلوم نمی‌گردد. (حافظ نیا، ۱۳۸۹)

در این پژوهش، به منظور گردآوری اطلاعات از شیوه‌ی کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. در این مرحله با استفاده از مطالعه کتب، مقالات، رساله‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی و ... مفاهیم مورد نیاز استخراج شده است. در مرحله دوم به منظور گردآوری داده‌های عددی و آماری از روش میدانی استفاده شده است. بدین صورت که با استفاده از ابزار پرسشنامه اقدام به گردآوری اطلاعات از جامعه آماری مورد مطالعه می‌شود و پس از نمره دهی به پاسخ‌های دریافتی، داده‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

برای گردآوری داده‌های پژوهش از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. مبانی نظری و پیشینه پژوهش با استفاده از کتب، مقالات علمی معتبر و به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری می‌گردد. برای اجرای پرسشنامه از روش میدانی استفاده شده است.

۹. مدل مفهومی پژوهش

متغیر مستقل سیستم‌های اطلاعات حسابداری و متغیر وابسته اثربخشی سازمان است. آن‌ها را می‌توان با بیان خطی نشان داد:

$$Y = F(X_1) \quad (۱) \text{ رابطه}$$

به طوری که:

Y: اثر بخشی سازمان

$F(X_1)$: سیستم اطلاعات حسابداری

۹-۱. مدل تحلیلی پژوهش

مدل رگرسیون در حالت جبری از فرم است.

$$Y = a + b_1x_1 +$$

رابطه (۲)

$$b_2x_2 + b_3x_3 + b_4x_4$$

به طوری که :

Y = اثربخشی سازمان. (OE) از نظر افزایش سود، رشد درآمد و افزایش سهم بازار

اندازه‌گیری شد.

=A ثابت

=B شیب رگرسیون

X1= سیستم اطلاعات حسابداری (AIS) از نظر توانایی استفاده در ضبط داده های مالی، سرعت، دقت و کیفیت اندازه گیری شده است.

X2= منابع انسانی (HR) از نظر صلاحیت، اعتبار، صداقت و انگیزه اندازه گیری شد.

X3= رهبری مالی (FL) از نظر استانداردها، ارتباط، قابلیت اطمینان و قابل فهم اندازه گیری شد.

X4= کنترل های داخلی (IC) این مساله محدودیت‌های در دسترس بودن سیستم‌های امنیتی داده‌ها، برنامه‌های حسابرسی و گزارش های مربوط به چهارم های IFRS بود.

جدول ۱. بهره برداری از متغیر ها

| متغیر | شاخص ها | اندازه گرفتن | مقیاس | تحلیل و بررسی |
|-----------------------------|------------------|--|----------------------|---------------|
| کد | | | | ابزار |
| اثر بخشی سازمان | افزایش سودآوری | این سازمان در حال افزایش سود بود | لیکرت | معنا |
| | افزایش درآمد | این سازمان در حال افزایش درآمد بود | لیکرت | |
| | افزایش سهم بازار | این سازمان سهم بازار خود را افزایش داده است | مقیاس لیکرت / معمولی | |
| سیستم های اطلاعاتی حسابداری | قابلیت اطمینان | آیا می توان از گزارشات برای تصمیم گیری استفاده کرد؟ | لیکرت | معنا |
| | سرعت | آیا AIS سرعت ورود مالی را بهبود می بخشد؟ | لیکرت | |
| | زمان | آیا استفاده از AIS به کاهش زمان تولید گزارش کمک می کند | لیکرت | |
| رهبری مالی | زمان | آیا گزارش های مالی مهلت های به موقع را رعایت می کنند؟ | لیکرت | |

| | | | | |
|-----------------|------------------------------------|--|----------------------------|------|
| | درک | آیا گزارشات مالی کاربران گزارشات را درک می‌کنند؟ | لیکرت | معنا |
| | ارتباط | آیا گزارش‌های تولید شده به تعهدات مالی پاسخ می‌دهند؟ | مقیاس لیکرت / معمولی | |
| | قابلیت اطمینان | آیا می‌توان از گزارشات برای تصمیم‌گیری استفاده کرد؟ | لیکرت | |
| منابع انسانی | صلاحیت | کارمندان مواد و تجهیزات لازم برای انجام کار خود را دارند | لیکرت | معنا |
| | قابل اعتماد | کارمندان می‌دانند که چه چیزی از آن‌ها انتظار می‌رود | لیکرت | |
| | قابلیت اطمینان | کارمندان متعهد به انجام کار با کیفیت هستند | لیکرت | |
| کنترل‌های داخلی | امنیت داده‌ها | آیا اطلاعات سازمان از تقلب و هک شدن در امان است؟ | لیکرتلیکرت | معنا |
| | برنامه حسابرسی | آیا سیستم برنامه‌های حسابرسی تولید می‌کند | لیکرت | |
| | گزارش مطابق با دستورالعمل‌های IFRS | آیا گزارش‌های تولید شده به دستورالعمل‌های IFRS پایبند هستند؟ | لیکرت | |

۹-۲. روایی و اعتبار داده‌ها

در آزمون روایی، محقق پرسشنامه‌ها را تهیه و سرپرست آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و آن را برای گردآوری داده‌ها معتبر دانست. همانطور که در جدول (۲) نشان داده شده است آلفای کرونباخ برای هر متغیر که مقیاس را تشکیل می‌دهد، قابلیت اطمینان کلی همه موارد ۰/۷۸۶۶ است.

جدول ۲. آلفای کرونباخ

| سیستم های اطلاعاتی حسابداری | منابع انسانی | رهبری سازمانی | کنترل های داخلی | اثربخشی سازمان | | |
|-----------------------------|--------------|---------------|-----------------|----------------|---|-----------------------------|
| ۱ | | | | | | |
| ۰/۹۰۷۸ | ۱ | | | | | سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری |
| ۰/۰۴۱۷۸ | ۰/۰۵۳۴۳ | ۱ | | | | منابع انسانی |
| ۰/۰۹۰۷۸ | ۰/۰۱۲۰۳۵ | ۰/۰۵۳۴۳ | ۱ | | | رهبری سازمانی |
| ۰/۰۶۳۵۴ | ۰/۰۷۹۴۹ | ۰/۰۳۸۰۸ | ۰/۰۷۹۴۹ | ۱ | | کنترل‌های داخلی |
| ۰/۰۹۰۷۸ | ۰/۰۱۲۰۳۵ | ۰/۰۵۳۴۳ | ۰/۱۲۰۳۵ | ۰/۰۷۹۴۹ | ۱ | اثربخشی سازمان |
| ۰/۳۸۰۶ | | | | | | میانگین / متوسط |
| ۲/۲۸۳۶ | | | | | | K X Mean |
| ۲/۹۰۳ | | | | | | 1+ Mean |
| ۰/۷۸۶۶۳ | | | | | | آلفای کرونباخ |

۱۰. آمار توصیفی

۱۰-۱. سیستم های اطلاعاتی حسابداری

پژوهشگر در صدد دانستن پاسخ دهنده‌گان به در دسترس بودن و ماهیت سیستم های حسابداری است. ۸۸٪ موافقت کردند که سیستم حسابداری که از آن ها استفاده می شود کامپیوتری است، ۸۶٪ پاسخ دادند که تمام داده های مالی ثبت شده با استفاده از سیستم است. ۸۳٪ پاسخ دادند که گزارش های مالی در داخل سیستم تولید می شود، ۷۵٪ نیز اظهار داشتند

که سیستم بودجه با کمک سیستم حسابداری انجام می‌شود و ۷۴٪ پاسخ دادند که این سیستم توانایی کمک در مدیریت جریان پول را دارد.

جدول ۳. سیستم اطلاعاتی حسابداری مورد استفاده

| معنادر بودن | درصد | |
|-------------|------|---|
| ۴/۳۱ | ٪۸۸ | سیستم های اطلاعاتی حسابداری |
| ۴/۳۹ | ٪۸۶ | داده ها با استفاده از سیستم حسابداری ضبط می شوند. |
| ۴/۱۶ | ٪۸۳ | گزارشهای مالی حاصل از سیستم |
| ۳/۷۵ | ٪۷۵ | سیستم بودجه ای که در داخل سیستم انجام می شود. |
| ۳/۷۱ | ٪۷۴ | مدیریت جریان پول در داخل سیستم انجام می شود. |

سوال پژوهشگر این بود: انگیزه سرمایه گذاری از اجرای سیستم های اطلاعات حسابداری چیست. ۸۹٪ از پاسخ دهندگان گفتند که شرکت های آن ها برای تسهیل فرآیندهای بهتر مدیریت مالی، در AIS سرمایه گذاری کرده اند. ۸۳٪ موافق بودند که تأثیر مثبت بر عملکرد شرکت در تصمیم گیری نقش دارد و ۸۶٪ می خواستند کیفیت گزارش های خود را بهبود بخشند، ۷۲٪ دوستدار کاربر AIS و ۶۰٪ پاسخ دادند که این به دلیل فشار رقبا است.

جدول ۴. فاکتورهای انتخاب سیستم های اطلاعاتی حسابداری

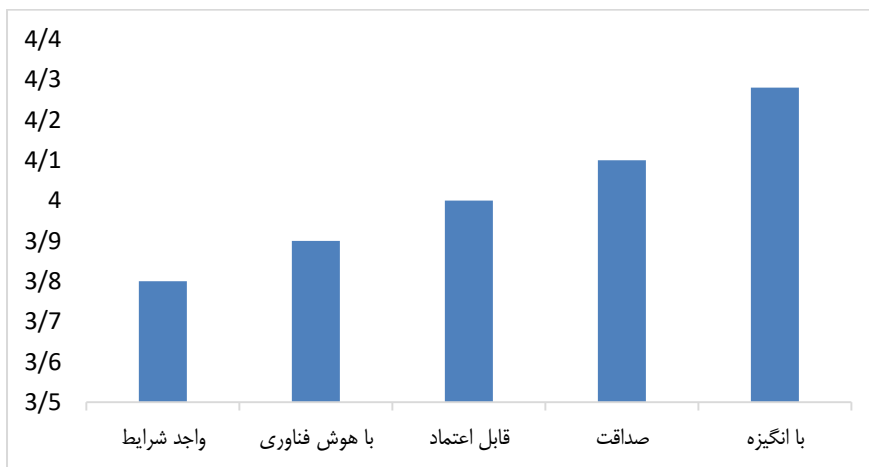
| معنی دار بودن | درصد | |
|---------------|------|---------------------------|
| ۴/۴۵ | ٪۸۹ | مدیریت تسهیلات مالی |
| ۴/۱۶ | ٪۸۳ | تأثیر مثبت بر عملکرد شرکت |
| ۴/۲۹ | ٪۸۶ | بهبود کیفیت گزارشات |
| ۳/۶۱ | ٪۷۲ | سیستم های کاربرپسند |
| ۲/۹۸ | ٪۶۰ | فشار رقبا |

۱۰-۲. منابع انسانی

پژوهشگر در پی یافتن ماهیت منابع انسانی در بخش مالی شرکت ها بود. از پاسخ دهندگان ۸۵٪ موافقت کردند که پرسنل از نظر مدارک تحصیلی براساس سطح صلاحیت حرفه ای و گواهینامه و دوره ای که آن ها تجربه کرده اند واجد شرایط هستند. ۷۸٪ خاطرنشان کردند که کارکنان از نظر فن آوری مهارت دارند، به این معنی که آن ها قادر به استفاده از سیستم های اطلاعاتی حسابداری هستند که سهولت آن را آموزش داده اند، گواهی کرده و به اندازه کافی ۳۳

تجربی را به دست آورده اند، ۸۰٪ موافقت کردند که نیروی انسانی در ارائه نتایج مطلوب قابل اعتماد باشد، ۸۱٪ گفتند که کارکنان صادق و باهوش هستند. ۷۶٪ اظهار داشتند که کارکنان با انگیزه کار در سازمان و در همان بخش کار می‌کنند.

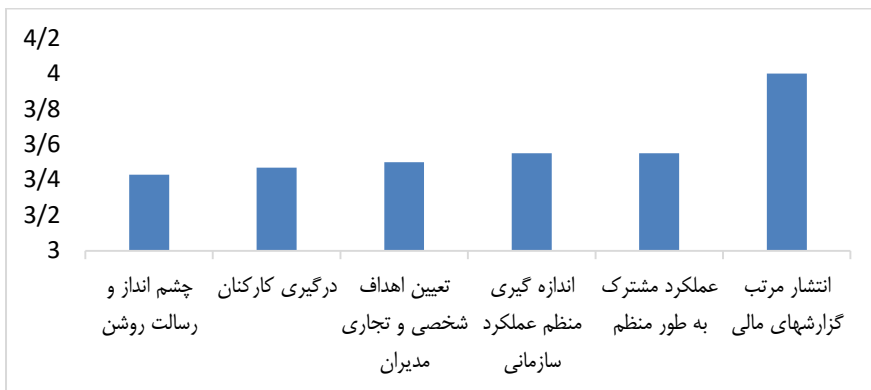
نمودار ۱. ماهیت منابع انسانی



۱۰-۳. رهبری سازمانی

پژوهشگر در پی یافتن این موضوع بود که آیا رهبری تأثیری در کیفیت گزارش‌های مالی دارد یا عواملی که مورد بررسی قرار می‌گرفت این بود که اگر شرکت چشم‌انداز و مأموریت مشخصی داشت، کارکنان در تصمیم‌گیری نقش دارند، مدیران اهداف شخصی و تجاری را تعیین می‌کنند، مرتباً وجود دارد اندازه‌گیری عملکرد سازمانی، عملکرد مشترک به طور مرتب و گزارش‌های مالی به طور مرتب منتشر می‌شود. پاسخ‌دهندگان موارد فوق را در این روش به ترتیب ۳/۸۴، ۳/۵۹، ۳/۷۵، ۴/۰۶، ۳/۳۵ و ۳/۲ به دست آوردند که در نمودار زیر آورده شده است.

نمودار ۲. رهبری سازمانی



۱۰-۴. کنترل داخلی

محقق داده‌هایی را جمع به ماهیت کنترل‌های داخلی اعمال شده توسط سازمان جمع‌آوری کرد. کنترل‌های داخلی از نظر پاسخگویی، امنیت داده‌ها در جایی که سیستم قادر به تشخیص کلاهبرداری است، سازمان داده برای اطمینان از مطابقت با IFRS، صحت داده‌ها و در دسترس بودن برنامه‌های حسابرسی است. پاسخ دهندگان به بیانیه‌هایی با میانگین ۴/۱۴، ۴/۰۶، ۳/۸۸، ۴/۱۲ و ۳/۸۸ بدون در نظر گرفتن پاسخ در جدول زیر پاسخ دادند.

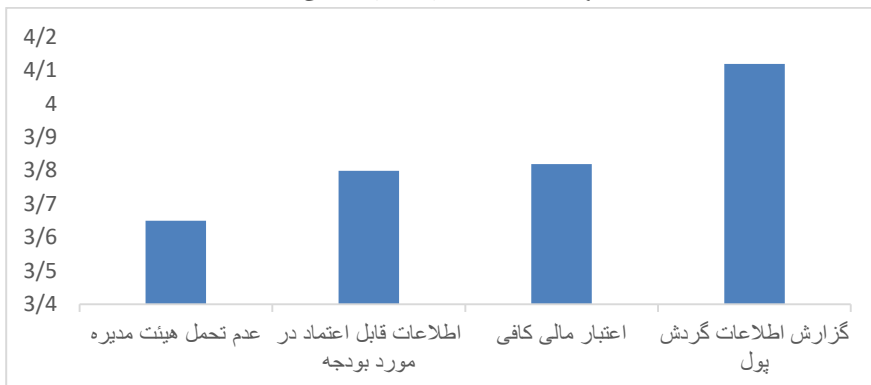
جدول ۵. کنترل‌های داخلی

| | | |
|------|-----|----------------|
| ۴/۱۴ | ٪۸۳ | پاسخگویی کافی |
| ۴/۰۶ | ٪۸۱ | امنیت داده‌ها |
| ۳/۸۸ | ٪۷۸ | سازمان داده |
| ۴/۱۲ | ٪۸۲ | صحت اطلاعات |
| ۳/۸۸ | ٪۷۸ | برنامه حسابرسی |

۱۰-۵. اثر بخشی سازمانی

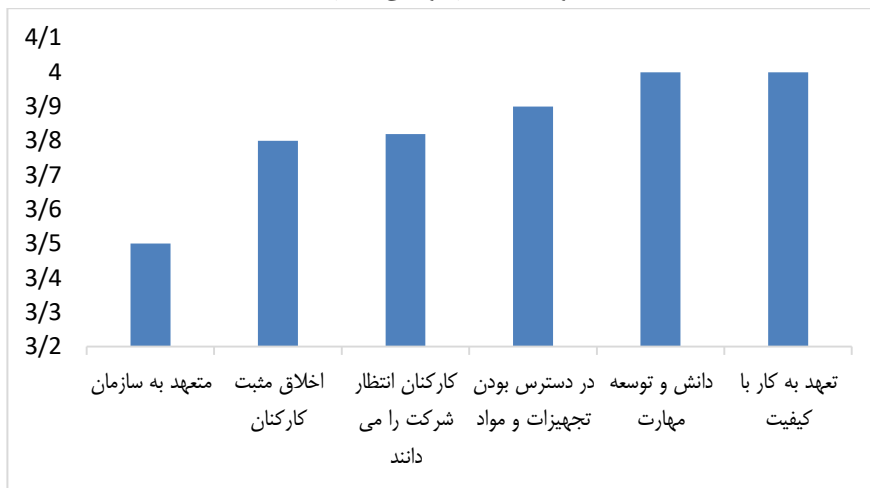
پژوهشگر با پرسیدن پاسخ دهندگان سؤالات بسته در سه بعد کیفیت گزارش‌های مالی، مدیریت تغییر و عملکرد سازمانی داده‌های مربوط به تأثیر کلی شرکت را جمع‌آوری کرد. کیفیت گزارش‌های مالی در ابعاد مورد بررسی قرار گرفت: این که آیا هیئت مدیره درک می‌کند، گزارش‌ها حاوی اطلاعات قابل اعتماد در مورد کنترل بوده، پاسخگویی کافی مالی و در دسترس بودن اطلاعات مربوط به جریان پول است. پاسخ دهندگان سؤالات را با میانگین ۴/۱۴، ۳/۸۰، ۴/۸۲، ۱۴/۴ و ۳/۶۷ به دست آوردند. نمودار زیر تصویر واضحی را به همان شکل نشان می‌دهد.

نمودار ۳. کیفیت گزارشگری مالی



در مورد چگونگی تکمیل سیستم حسابداری مدیریت تغییر، محقق پرسید که آیا کارکنان به سازمان متعهد هستند، روحیه مثبت است، انتظارات توسط کارکنان شناخته می‌شود، مدیریت دانش و مهارت را ترغیب می‌کند. پاسخ دهندگان با میانگین ۴/۰۲، ۳/۷۸، ۴/۰۴، ۳/۸۲، ۳/۴۹ و ۳/۸۸ پاسخ دادند.

نمودار ۴. تغییر توانایی مدیریت

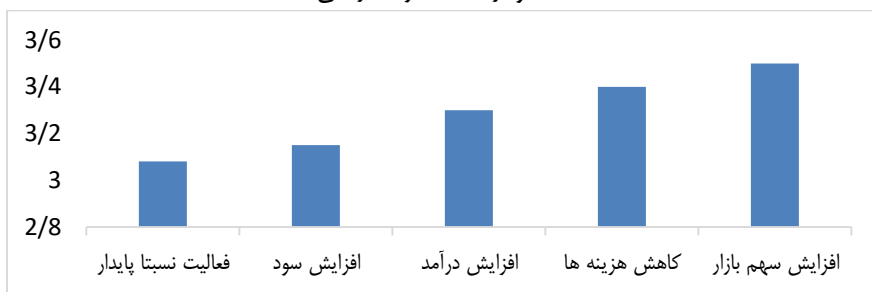


پاسخ دهنده همچنین مشخص کرد که آیا سازمان پس از پیاده سازی و استفاده از سیستم اطلاعات حسابداری، از لحاظ تثبیت بازار، افزایش سود، افزایش درآمد، کاهش هزینه و افزایش سهم بازار، از بهبود عملکرد خود خبر داده است. پاسخ به ترتیب به ترتیب ۳/۰۸، ۳/۴۱، ۳/۵۱، ۳/۳۳ و ۳/۱۶ بود.

جدول ۶. عملکرد سازمانی

| معنادار بودن | درصد | عملکرد سازمانی |
|--------------|------|-------------------------------|
| ۳/۰۸ | %۶۲ | فعالیت در بازار نسبتاً پایدار |
| ۳/۴۱ | %۶۸ | افزایش سود |
| ۳/۵۱ | %۷۰ | افزایش درآمد |
| ۳/۳۳ | %۶۷ | کاهش هزینه‌ها |
| ۳/۱۶ | %۶۳ | افزایش سهم بازار |

نمودار ۵. عملکرد سازمانی



۱۱. تجزیه و تحلیل همبستگی

از آنجا که $P < ۰/۰۵$ ، مدل قابل توجه است. $P = ۰/۳۵۲۴$

جدول ۷. تجزیه و تحلیل همبستگی

| اثر بخشی سازمانی | سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری | منابع انسانی | رهبری مدیریتی | کنترل‌های داخلی | |
|------------------|-----------------------------|--------------|---------------|-----------------|-----------------------------|
| ۱ | | | | | اثر بخشی سازمانی |
| ۰/۸۵۷۵ | ۱ | | | | سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری |
| ۰/۹۱۰۷ | ۰/۹۰۲۴ | ۱ | | | منابع انسانی |
| ۰/۸۴۸۴ | ۰/۸۲۵۸ | ۰/۸۲۵۸ | ۱ | | رهبری مدیریتی |
| ۰/۴۴۱۰ | ۰/۵۵۰۱ | ۰/۶۹۳۳ | ۰/۶۴۸۶ | ۱ | کنترل‌های داخلی |

جدول ۸. خلاصه تحلیل همبستگی و مقدار p

| همبستگی | مقدار ضریب p | متغیرها |
|---------|--------------|---------------------------------|
| ۰/۸۵۷۵ | ۰/۳۵۲۴ | سیستم‌های اطلاعات حسابداری (X۱) |
| ۰/۹۱۰۷ | ۰/۳۷۷۶ | منابع انسانی (X۲) |
| ۰/۵۴۸۴ | ۰/۰۰۰۰ | رهبری سازمانی (X۳) |
| ۰/۴۴۱۰ | ۰/۳۳۹۴ | کنترل‌های داخلی (X۴) |

این به ما امکان می‌دهد کیفیت گزارش‌های مالی را در هر زمان معینی پیش‌بینی کنیم به شرطی که ما دارای سیستم اطلاعات حسابداری باشیم. مشخص است که AIS بر کیفیت گزارش‌های مالی مثبت تأثیر می‌گذارد زیرا همه ضرایب مثبت هستند.

۱۱-۱. تجزیه و تحلیل رگرسیون و آزمون فرضیه

به منظور تعیین اثرات سیستم اطلاعات حسابداری (AIS) در شرکت‌های تولیدی، مدلی مورد استفاده قرار گرفت. در این مطالعه از تجزیه و تحلیل رگرسیون استفاده شده است که سیستم اطلاعاتی حسابداری، منابع انسانی و رهبری سازمانی متغیرهای مستقل و اثربخشی سازمانی متغیر وابسته است.

جدول ۹. تجزیه و تحلیل رگرسیون

| متغیرها | ضریب تعیین | انحراف معیار | ارزش آماره | بتا |
|-----------------------------|------------|--------------|------------|-----------|
| سیستم اطلاعات حسابداری (X۱) | ۰/۰۱۷۷ | ۰/۷۰۹۹ | ۰/۳۵۲۴ | ۰/۱۱۲۴ |
| منابع انسانی (X۲) | ۰/۰۱۵۹ | ۰/۷۱۰۶ | ۰/۳۷۷۶ | ۰/۱۴۱۴ |
| رهبری سازمانی (X۳) | ۰/۲۹۸۹ | ۰/۵۹۹۳ | ۰/۰۰۰۰ | ۰/۴۷۳۰ |
| کنترل‌های داخلی (X۴) | ۰/۱۸۶۴ | ۰/۷۰۹۶ | ۰/۳۳۹۴ | ۰/۱۲۶۳ |
| ثابت | | | | ۳/۳۷۵۵ |
| مشاهدات | | | | ۵۱ |
| خطاهای استاندارد | | | | $p < ۰/۱$ |

۱۲. خلاصه و تفسیر یافته‌ها

این یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن سایر متغیرهای مستقل در صفر، یک واحد افزایش در سیستم‌های اطلاعات حسابداری منجر به افزایش ۰/۱۱۲۴ در کارایی سازمان‌های تولیدی خواهد شد. افزایش استعمال واحد از منابع انسانی منجر به افزایش ۰/۱۴۱۴

درصدی کارایی شرکت‌های تولیدی خواهد شد. افزایش واحد رهبری مالی منجر به کاهش ۰/۴۷۳۰ در کارایی سازمان‌های تولیدی خواهد شد. این نتیجه می‌گیرد که سیستم اطلاعات حسابداری، منابع انسانی و رهبری امور مالی بر کارایی شرکت تولیدی با اقدامات تقریباً برابر تأثیر می‌گذارد. در سطح ۱٪ اهمیت و ۹۹٪ اعتماد به نفس، سیستم‌های اطلاعات حسابداری دارای اهمیت ۰/۱۴۲۴ بودند. منابع انسانی سطح معنی داری ۰/۰۸۸۹۳ را نشان می‌دهد، بنابراین شفافیت ۰/۰۵۱۶ را نشان می‌دهد. این محقق فهمید که عواملی که در شفافیت تأثیر می‌گذارد از جمله اینکه سازمان برنامه را در اختیار سهامداران خود در پیشرفت برنامه قرار می‌دهد، در صورت داشتن کنترل الکترونیکی کافی، چارچوب / حق محرمانه بودن، یکپارچگی مدیریت عالی، پاسخگویی صندوق‌ها و گزارش‌های جاری ارزش را در آینده ای که میانگین ۵/۵ از ۵ ممکن را کسب کرده است، این نشانگر خوبی برای شرکت‌های تولیدی در شفافیت آنهاست عملیاتی که به گزارش‌های مالی با کیفیت کمک می‌کند.

هدف کلی از مطالعه تأثیر سیستم اطلاعات حسابداری بر بهره‌وری سازمان بود. از این تحقیق، سازمانی که از لحاظ سرعت، صحت داده‌ها، سازمان داده‌ها، کاربر پسند، قابلیت اطمینان و در دسترس بودن، در یک سیستم اطلاعاتی معتبر سرمایه‌گذاری کرده است. این امر باعث می‌شود که شرکت‌های تولیدی از نظر تحویل به موقع گزارش‌های مالی، کاهش هزینه‌ها، افزایش سودآوری و سازگاری با تغییرات در محیط خرد و کلان، کارآمد شوند. از آنجا که R مثبت است پس از آن دارای یک شیب مثبت است، بین AIS و کارایی سازمانی رابطه مثبت قوی وجود دارد. ضریب همبستگی خوبی بودن معادله رگرسیون را اندازه‌گیری می‌کند که در این مطالعه $R^2 = 0.0177$ ، رابطه مثبت نشان می‌دهد. این مدل همچنین از $p < 0.05$ معنی دار است. بنابراین، مدل رگرسیون می‌تواند در طی تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا باید روی سیستم اطلاعات حسابداری سرمایه‌گذاری کنید یا نه، استفاده شود. یافته‌های تحقیق مشابه برخی از مطالعات تحقیقاتی قبلی است که هر چند در بخش‌های مختلف انجام شده است. اردر (۲۰۱۴) تحقیقاتی را انجام داد تا نتیجه AIS در کیفیت عملکرد مالی در بنگاه‌های اقتصادی و متوسط را مشخص کند و نتیجه گرفت که بین AIS و عملکرد مالی در SMEs رابطه مثبت و محکمی وجود دارد. بایوت (۲۰۱۵) یک مطالعه تحقیقاتی در مورد اجرای سیستم‌های یکپارچه مدیریت اطلاعات مالی (IFMIS) و تأثیر آن بر تهیه عمومی انجام داد و از یافته‌های وی دریافت که سطح متوسطی از اجرای IFMIS در بخش عمومی کنیا به کارایی رسیده است. اتجیهیا و مورگی (۲۰۱۴) تأثیر سیستم‌های ERP را بر عملکرد شرکت‌ها در بانک‌های تجاری در کنیا مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های این مطالعه وجود منابع مالی، درک کارکنان، پشتیبانی مدیریتی و الزامات نظارتی بر عملکرد شرکت‌های ERP از این رو تأثیر می‌

گذارد. بنابراین توضیح می‌دهد که اجرای سیستم اطلاعات حسابداری تأثیر مثبتی بر کارایی سازمان‌ها خواهد داشت.

۱۳. خلاصه پژوهش

هدف از این کار تحقیقاتی درمورد چگونگی استفاده شرکت‌های تولیدکننده خودرو از فناوری اطلاعات حسابداری در فرآیند گزارشگری مالی است. محقق تجزیه و تحلیل کرد که چگونه سیستم اطلاعات حسابداری (AIS) بر اثربخشی شرکت تولید تأثیر می‌گذارد. اثربخشی سازمان از نظر افزایش سود، کاهش هزینه‌ها، سازگاری با تغییرات در اقتصاد و تحویل به موقع گزارش‌های مالی به هیئت مدیره بود. این مطالعه از نوع توصیفی و از روش نمونه‌گیری سهمیه استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در جداول و نمودارها ارائه گردید، از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون برای آزمون اعتبار و رابطه داده‌ها استفاده شد. این مطالعه نشان داد که بین سیستم اطلاعات حسابداری (AIS) و کارایی شرکت‌های تولیدی رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین، این مطالعه نشان داد که استفاده از سیستم‌های اطلاعات حسابداری تا حد زیادی بر کارایی شرکت‌های تولیدی تأثیر می‌گذارد. این مطالعه همچنین نشان داد که کارکنان آموزش دیده و با انگیزه، اجرای صحیح سیستم‌های اطلاعات حسابداری در بنگاه‌های تولیدی را تسهیل می‌کنند. آموزش کارمندان بسته‌های حسابداری و بسته‌های رایانه‌ای باعث افزایش بهره‌وری می‌شود. این مطالعه همچنین حاکی از آن است که سیستم اطلاعات حسابداری از نظر مدیریت مؤثر، تصمیم‌گیری و کنترل عملکرد مؤثر بر کارایی شرکت‌های تولیدی خودرویی است. جنبه‌های AIS که در شرکت‌های تولیدی تأثیر می‌گذارد شامل به‌هنگام بودن، سرعت، دقت، امنیت داده‌ها، کنترل‌های داخلی و در دسترس بودن اطلاعات لازم است.

نتایج مطالعه با بررسی‌های تجربی مورد مطالعه سازگار است. بررسی ادبیات تجربی نشان داد که بین سیستم اطلاعات حسابداری و اثربخشی شرکت‌ها رابطه مثبت وجود دارد. سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری ابزاری بسیار مهم برای تجزیه و تحلیل داده‌ها است که در درازمدت به تصمیم‌گیری برای برنامه‌ریزی، کنترل و هماهنگی عملیات در یک سازمان کمک می‌کند. استفاده از سیستم اطلاعات حسابداری (AIS) در بنگاه‌های تولیدی نیز ارتباطات دپارتمان را افزایش می‌دهد و به مناطقی اشاره می‌کند که مدیریت برای حفظ رقابت باید برای تمرکز بیشتر نیاز به تمرکز بیشتر داشته باشد. این مطالعه نشان داد که بنگاه‌های دارای AIS دارای پایداری یا افزایش سودآوری هستند.

نتیجه گیری

این مطالعه نتیجه گیری می کند که سیستم های اطلاعات حسابداری به طور مستقیم تأثیر بر بهره وری شرکت های تولیدی دارند. سازمانی که قصد سرمایه گذاری در یک سیستم حسابداری رایانه ای را دارد همچنین باید اطمینان حاصل کند که تحقیقات صحیح را انجام می دهد تا این سیستم قادر به افزایش سرعت پردازش، حمایت از کنترل های داخلی و امنیت داده ها باشد. این سیستم همچنین باید کاربر پسند باشد، مدیریت مالی را تسهیل کند و توانایی ارائه اطلاعات استراتژیک مربوط به برنامه ریزی و بودجه گردش مالی را داشته باشد. سرمایه گذاری در یک سیستم اطلاعاتی حسابداری خوب (AIS) باعث می شود که یک شرکت گزارش های مالی را بطور شفاف فهمیده شده توسط هیئت مدیره و داشتن داده های معتبر تولید کند تا به مدیریت اجازه دهد تصمیماتی را برای مقابله با چالش های اقتصادی و مقابله با رقابت جدی بگذارد. سازمان ها همچنین قادر خواهند بود که کارایی خود را افزایش دهند، از آنجا که از تحقیقات بسیاری از شرکت های دارای AIS قوی، گزارش داده اند که سودآوری، سهم بازار، کاهش هزینه ها و همچنین به طور کلی نسبت به بینش و رسالت خود را حفظ کرده اند. رقابت سازمانی به توانایی آن در پردازش داده ها به اطلاعات قابل اعتماد برای تصمیم گیری بستگی دارد. فرآیند پردازش داده ها تنها زمانی می تواند واقعیت داشته باشد که یک سازمان در یک سیستم اطلاعاتی حسابداری با کیفیت سرمایه گذاری کرده و کارکنان توانایی و انگیزه لازم را برای اطمینان از عینی بودن روند داشته باشند.

این مطالعه همچنین نتیجه گرفت که سازمان ها نیز باید در منابع انسانی خود سرمایه گذاری کنند. پرسنل زرنگ و دانا، فنی، قابل اعتماد، صادقانه و همچنین با انگیزه به شیوه ای عالی در ساخت مؤثر AIS و در طولانی مدت ایجاد قابلیت اطمینان سیستم بهره وری سازمانی و شفافیت، بیشتر در کارایی شرکت های تولیدی از نظر سودآوری و توانایی اتخاذ تغییر مدیریت دارند. با این حال، ماهیت منابع انسانی که یک سازمان از آن استفاده می کند، اصلی ترین عامل دستیابی به کارایی است که به دنبال آن سیستم های اطلاعات حسابداری و آخرین رهبری بنگاه ها است.

این مطالعه نتیجه می گیرد که بهره وری شرکت های تولید کننده در دستیابی به اهداف و اهداف تعیین شده از طریق استفاده از سیستم های اطلاعات حسابداری افزایش می یابد. بنابراین صاحبان سازمان ها و مدیران می توانند سرمایه گذاری مالی خود را برای اجرای سیستم های رایانه ای ادامه دهند زیرا از این مطالعه ستون بزرگی در برآورده کردن مأموریت و چشم انداز سازمان ها است.

پیشنهادات پژوهش

از یافته های این مطالعه، مشخص شد که سیستم اطلاعات حسابداری رایانه ای منجر به افزایش سرعت پردازش، به موقع بودن، دقت، کنترل های داخلی و کیفیت گزارش های تولید شده بر کارایی بنگاه ها در عملیات خود می شود. بنابراین، این مطالعه توصیه می کند تا شرکت های تولید کننده گزارش های قابل درک با کیفیت داشته باشند. آن ها باید در سیستم حسابداری رایانه ای سرمایه گذاری کنند زیرا دیده می شود تا حد زیادی بر گزارش های مالی تأثیر می گذارد. براساس یافته های مطالعه، اتخاذ سیستم اطلاعات حسابداری رایانه ای برای همه شرکت ها در تلاش است تا از صحت گزارشگری و مدیریت سوابق عمومی اطمینان حاصل کنند، زیرا شرکت هایی که این سیستم را داشته اند افزایش بازده سرمایه گذاری را بر خلاف آنچه که داشته اند نشان دادند. یک سیستم دستی.

استفاده از AIS باید توسط مدیریت شرکت ها تنظیم شود. این فقط به معنای تقلب نیست بلکه تعیین استانداردها و اطمینان از تهیه برخی از اطلاعات مورد نیاز از قالب گزارش مالی است که بیشتر اپراتورهای تجاری را ترغیب می کند از مهارت های اساسی گزارشگری آگاهی داشته باشند. این حتی می تواند به صورت طبیعی انجام شود و منجر به تصویب بیشتر سیستم های رایانه ای شود. این مطالعه همچنین توصیه می کند که رهبری سازمان باید راهنمایی های مناسب را ارتقا بخشد و اطمینان حاصل کند که کارکنان در فرآیند استفاده از AIS انگیزه می گیرند تا از صحت، به موقع بودن فرآیندهای تولید و ایجاد کارایی در مدیریت و هیئت مدیره و رسیدن به اهداف و اهداف تعیین شده اطمینان حاصل شود. مدیریت باید هم در مشکلات فعلی و هم در چالش های پیش بینی شده آینده مؤثر باشد که سیستم مشروط به بنگاه را حل کند. رهبری سازمان نباید با نیازهای فردی مغرضانه باشد بلکه باید در انتخاب و اجرای AIS منافع صاحبان را در نظر بگیرد.

محدودیت های پژوهش

۱- سنجش سطح اثربخشی سازمانی بنگاه های تولیدی خودرویی با ذهنیت محدود دشوار بود. محقق فقط در سنجش بهره وری سازمانی به پاسخگویی به پرسشنامه اعتماد داشت. این به دلیل ماهیت خود گزارش دهی پرسشنامه ها است.

۲- این مطالعه فقط برای شرکت های تولید کننده خودرو متمرکز شده است. این نتیجه نمی دهد که چگونه شرکت های بخش خدمات تحت تأثیر اجرای سیستم های اطلاعات حسابداری تحت تأثیر قرار می گیرند، بنابراین نتایج فقط می توانند توسط شرکت های بخش تولید استفاده شوند و نه همه شرکت هایی که قصد یا کسانی که از AIS استفاده می کنند.

۳- محدودیت زمانی وجود داشت. این امر می تواند تجزیه و تحلیل را در یک افق زمانی

طولانی تر مانند طول شش سال امکان پذیر کند تا امکان مطالعه بیشتر تأثیر سیستم های اطلاعات حسابداری بر کارایی سازمان فراهم شود. یک دوره زمانی طولانی تر در آینده در نظر گرفته می شود تا روند به منظور اطمینان از سازگاری ایجاد شود. بنگاه اقتصادی که در مدت زمان طولانی دیگری فعالیت دارد، تمایل دارد تصویری واضح از متغیر مطالعه ارائه دهد.

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------|-----------------|
| 1. Quesnay | 9. Odero |
| 2. Littre | 10. Njihia |
| 3. Nicolaou | 11. Watts |
| 4. Kim | 12. Nzomo |
| 5. Ake | 13. Stigle |
| 6. Hoboubi | 14. Daft |
| 7. António Trigo | 15. Oguntimehin |
| 8. Biwot | 16. Kaplan |

فهرست منابع

۱. آذر، عادل؛ مومنی، منصور (۱۳۸۷). آمار و کاربرد آن در مدیریت، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
۲. ابطحی، سید حسن؛ کاظمی، بابک (۱۳۷۹). بهره‌وری، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۳. احمدی، پرویز (۱۳۸۵). طراحی مدل بهبود بهره‌وری نیروی انسانی با نگرش مدیریت بهره‌وری، رساله دکتری مدیریت، دانشگاه تهران.
۴. اکبری، پیمان (۱۳۸۹). بهره‌وری: ترسیم وضعیت آینده. اطلاعات علمی، شماره ۳۷۰، صفحات ۵۰-۵۳.
۵. بهارستان، جلال (۱۳۸۶). بررسی ارتباط بین متغیرهای حسابداری و شاخص‌های بهره‌وری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، صفحات ۱-۱۲۱.
۶. جمشیدیان، مهدی (۱۳۸۰). تحلیلی بر عامل مؤثر در ایجاد محدودیت بهره‌وری در سازمان صنعتی و بازرگانی. توسعه مدیریت، شماره ۶۰، سال ۶، صفحات ۶-۸.
۷. حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، ناشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۸. دستگیر، محسن؛ غالبی (۱۳۸۹). ارزیابی ویژگی‌های کیفی سیستم اطلاعاتی حسابداری (مطالعه موردی: شرکت پتروشیمی بندر امام). فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۵، صفحات ۱۷-۳۸.
۹. دستگیر، محسن؛ جمشیدیان، مهدی و عباس جدیدی (۱۳۸۲). بررسی تأثیر ویژگی‌های سیستم اطلاعات حسابداری بر بهبود تصمیم‌گیری مدیران: بررسی‌های حسابداری. گروه بهمن حسابرسی، شماره ۳۴.
۱۰. دلاور، علی (۱۳۸۴). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، ناشر ویرایش.
۱۱. رهنمای رود پستی، فریدون؛ نیکومرام، هاشم و بهاره بنی‌طالبی (۱۳۹۵). نظام اطلاعات حسابداری مدیریت مبتنی بر شبکه‌کنشگران. چاپ اول، انتشارات ترمه.
۱۲. زندیه، وجیه (۱۳۸۲). مبانی اندازه‌گیری و تحلیل بهره‌وری در صنعت بیمه و سنجش آن در شرکت‌های سهامی بیمه ایران طی دوره ۱۳۶۲-۱۳۷۹. صنعت بیمه، شماره ۲، سال ۱۸، صفحات ۵۹-۱۱۶.
۱۳. سینایی، حسنعلی؛ احمدی، فرزاد (۱۳۸۲). بررسی ارتباط شاخص‌های بهره‌وری کار و سرمایه با شاخص‌های سودآوری در شرکت‌های سهامی عام. مطالعات حسابداری، شماره ۳، صفحات ۹۵-۱۲۵.
۱۴. صدیقیانی، آفاق؛ عابدی، حیدرعلی و مارلین آراکس (۱۳۸۲). بررسی میزان به کارگیری عوامل مرتبط با افزایش بهره‌وری نیروی انسانی توسط مدیران در مراکز آموزشی درمانی تبریز. مجله دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، شماره ۴۳، صفحات

۱۵. طیبی، محمدرضا؛ واهبی، آرزو؛ و وحید نور نژاد (۱۳۹۷). بررسی رابطه فکری و بهره‌وری در صنایع تولیدی ایران. *فصلنامه مدیریت بهره‌وری*، شماره ۱۲، سال ۴، صفحات ۳۷-۵۹.
۱۶. غفاری، نصر الله (۱۳۷۲). جنبه‌هایی از بهره‌وری. *مطالعات مدیریت*، شماره ۹، صفحات ۴۵-۶۷.
۱۷. فیل سرایی، مهدی؛ درستکار، ملیحه؛ و آرزو رضوانی و کاظم ادیب پور (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های کیفی سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری و تأثیر آن بر رشد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین همایش سراسری مباحث کلیدی در علوم مدیریت و حسابداری.
۱۸. کیامهر، محمد. قره‌خانی، فرزانه (۱۳۹۸). بررسی عوامل احتمالی مؤثر بر طراحی نظام اطلاعاتی حسابداری. *مجله حسابداری سلامت*، سال هشتم، شماره اول، پیاپی ۲۱، صص ۱۰۶-۱۲۳.
۱۹. میزانی، آیلا؛ بندک، موسی (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین کیفیت زندگی کاری با بهره‌وری عملکرد کارکنان سازمان نوسازی، ارائه‌شده در اولین همایش مجازی ره‌آوران آموزش.
۲۰. نژاد ایرانی، فرهاد؛ دادجویان، علی رضا (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ارزش آفرینی استراتژیک سرمایه انسانی بر بهره‌وری نیروی انسانی. *فصلنامه مدیریت بهره‌وری*، شماره ۱۲، سال ۴، صفحات ۲۳۵-۲۶۹. نشر مرکز.
۲۱. یلفانی، امیر؛ زیودار چگینی، نازنین (۱۳۹۴). بررسی ویژگی‌های سیستم اطلاعات حسابداری و چالش‌ها و مزایای اجرای آن در شرکت‌ها. *همایش ملی دستاوردهای نوین در حسابداری و مدیریت*.
22. Abtahi, S H., & Kazemi, B., (2000). Productivity, *Institute of Business Studies and Research*. (in Persian)
23. Adel, Azar., & Momeni, M., (1387). Statistics and its application in management, 11th edition, *Tehran: Samat*. (in Persian)
24. Ahmadi, P., (2006). Designing a Model for Improving Manpower Productivity with a Productivity Management Attitude, *PhD Thesis in Management, University of Tehran*. (in Persian)
25. Akbari, P., (2010) Productivity: Mapping the Future. *Scientific Information*, (July 89) p. 370, pp. 50-53. (in Persian)
26. AKH L., EWT N., CKY L. , (2016). Disruptive information technology innovations and the cost of equity capital: The moderating effect of CEO incentives and institutional pressures, *Information & Management- Elsevier*.
27. Antonio, T., (2016). Fernando Belfo, Raquel Perez Estebanez, Accounting Information Systems: Evolving towards a Business *Process Oriented Accounting, Procedia Computer Science*, pp. 987-994, 2016.
28. Baharestan, J., (2007). Study of the relationship between accounting variables and productivity indicators in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Shahid Beheshti University Master's Thesis in Accounting*, pp. 1- 121. (in Persian)
29. Biwot, E., (2015). Integrated Financial management information systems implementation on public procurement in Kenya. *Unpublished MBA Report of the University of Nairobi*.
30. Daft, R L., (1993). Organization theory and design. *Minnesota, West*

Publishing Company.

31. Dastgir, M., & Ghalebi (2010). Evaluation of qualitative features of accounting information system (Case study: Bandar Imam Petrochemical Company). *Journal of Financial Accounting, Second Year, No. 5*, Pages 17 38. (in Persian)
32. Dastgir, M., Jamshidian, M., Jadidi, A., (2003). Investigating the Impact of System Features. Accounting Information on Improving Managers' Decision Making: Accounting Reviews. *Bahman Auditing Group*, Vol. 34. (in Persian)
33. Delavari, A., (2004). Research Methods in Psychology and Educational Sciences. *Editor.* (in Persian)
34. Ghaffari, N., (1993). Aspects of productivity. *Management Studies*, Vol. 9 (Spring 72), pp. 45 67. (in Persian)
35. Hafeznia, M R., (2010). Introduction to the research method in the humanities. publisher of the Organization for the Study and *Compilation of University Humanities Books (position).* (in Persian)
36. Hoboubi, N., Choobineh, A., Ghanavati, F. K., Keshavarzi, S., & Hosseini, A. A. (2017). The Impact of Job Stress and Job Satisfaction on Workforce Productivity in an Iranian Petrochemical Industry. *Safety and health at work*, 8(1), 67-71
37. Jamshidian, M., (2001). Analysis of the effective factor in creating productivity constraints in the industrial and commercial organization. *Management Development*, vol. 60, p. 6, pp. 6 8. (in Persian)
38. Kaplan, R., & Norton, D., (1993). The balance scorecard - *Measures that drive performance, Harvard Business Review.*
39. KR M., (2014). A critique of emotional intelligence: what are the problems and how can they be fixed?
40. Mizani, A., & Bandak, M., (2013). Investigating the Relationship between Quality of Work Life and Performance Productivity of Renovation Organization Employees, *presented in the first virtual conference of education helpers.* (in Persian)
41. Nejhad irani, F., Dadjouian, A R., (2018). Investigating the Impact of Strategic Value Creation of Human Capital on Manpower Productivity Productivity Management Quarterly, 12 (4), 235 269. *Publication Center.* (in Persian)
42. Nicolaou, A.I., & M, M.M., (2013). Sample size requirements in structural equation models under standard conditions. *International Journal of Accounting Information Systems.*
43. Njihia. E., & Mwirigi F., (2014). The Effects of Enterprise Resource Planning Systems on Firm's Performance: A Survey of Commercial Banks in Kenya International. *Journal of Business and Commerce* Vol. 3, No.8: Apr 2014[120-129] (ISSN: 2225-2436).
44. Nzomo, S., (2013). Impact of Accounting Information System on Organizational Effectiveness of auto mobile Companies in Kenya. *Unpublished MBA Report of the University of Nairobi.*

45. Odero, A., (2014). Effect of accounting information system quality on financial performance on SMEs in Nairobi County. *Unpublished MBA Report of the University of Nairobi.*
46. Oguntimehin, A., (2001). Teacher effectiveness: Some practical strategies for successful implementation of universal basic education in Nigeria. *African Journal of Educational Management.*
47. Phil Sarai, M., Honest, M., Rezvani, A., Adibpour, K., (2015). Investigating the qualitative characteristics of accounting information systems and its impact on the growth of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *the second national conference on key topics in management and accounting sciences.* (in Persian)
48. Rahnamay rood poshti, F., Nikomram, H., & Bani Talebi, (2016). Management Accounting Information System Based on Actor Network. *First Edition, Cashmere Publications.* (in Persian)
49. Sedighiani, A., Abedi, H A., & Arax, M., (2003). Study of the use of factors related to increasing human resource productivity by managers in Tabriz educational and medical centers. *Journal of the School of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences and Health Services*, Sh 43 (Winter 82), pp. 24 30. (in Persian)
50. Sinaei, H A., & Ahmadi, F., (2003). Study of the relationship between labor productivity and capital indices with profitability indices in public companies. *Accounting Studies*, Vol. 3 (Autumn 82), pp. 95 125. (in Persian)
51. Tayebi, M R., Wahbi, A., & Noor Nejad, V., (2018). Investigating the relationship between thought and productivity in Iranian manufacturing industries. *Productivity Management Quarterly*, 12 (4) 37 59. (in Persian)
52. Van Dung HA (2019). Impact of Organizational Culture on the Accounting Information System and Operational Performance of Small and Medium Sized Enterprises in Ho Chi Minh City. *Journal of Asian Finance, Economics and Business* Vol 7 No2 (2020) 301-308.
53. Watts, H., (1999). *A Conceptual Framework to Financial Reports and Internal Audits.* Vol.20.
54. Yalfani, A., Zivodar Chegini, N., (2015). Investigating the features of accounting information system and the challenges and benefits of its implementation in companies National Conference on New Achievements in Accounting and Management. (in Persian)
55. Zandieh, V., (2003). Basics of measuring and analyzing productivity in the insurance industry and its measurement in Iranian insurance companies during the period 1362 1379., *Insurance Industry*, Vol. 2, No. 18 (Summer 82), pp. 59 116. (in Persian)

Abstracts

The effect of using accounting information systems on the productivity of manufacturing firms with a professional ethics approach under study (car companies listed on the Tehran Stock Exchange)

*Alireza Hirad
Mahdi Faghani
Ahmad Pifeh
Ali Payan*

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of applying accounting information systems on labor productivity in manufacturing firms in the period 2013 – 2018. With the help of IT software, the estimation of the model of the impact of accounting information systems on the productivity of the workforce in automobile manufacturing companies of Iran has been investigated. In order to analyze the statistical data of the present study, the information was first set up in the general information table or the maternal table, Then, all data were analyzed using descriptive and inferential statistics, using SPSS software, especially SPSS software. The results of testing the research hypotheses show that accounting information systems play an important role in labor productivity in manufacturing firms. The results showed that there is a positive relationship between accounting information systems and labor productivity in manufacturing firms. Therefore, it can be concluded that accounting information systems influence the productivity of labor firms in terms of effective management, decision making and performance control. And manufacturing companies that want to increase their efficiency in terms of profitability and adaptability to market changes can achieve this by investing in a proper accounting information system in their financial accounting processes.

Keywords

Accounting information systems, Workforce productivity, Organizational effectiveness, Manufacturing firms.

Components of patience and forbearance from the perspective of the Holy Quran and the narrations of the Infallibles (PBUH)

*Zeinab Maleki Babhoveizi
Mohammad Reza Abui Mehrizi
Azam Etemadi Fard*

Abstract

The view of the holy religion of Islam on the foundation of the family and the special effort to strengthen it is due to the importance of education and excellence of the individual and consequently the family and society. Achieving transcendent and strong families is not possible except by adorning oneself with moral virtues and the participation of all family members. In this, patience and forbearance have a special place; From the perspective of the religion of Islam, faith, worship, honor and dignity of the soul, without patience, consistency and permanence, and education and propagation of religion, is not possible without it. Families are strengthened by patience and endurance, emotional needs are met, individuals are freed from social isolation and loneliness, couples are perfected, and generational survival is achieved. People raised in such families have peace of mind and stability, as a result of being responsible human beings who contribute to the social, economic, cultural and ... growth of society. Therefore, by following the instructions of the Holy Qur'an and using the manners of the Imams of the Infallibles (PBUH) in order to create the attribute of patience among the members of society, we should try to witness strong families and as a result, a moderate, honorable and peaceful society; Therefore, in the present article, which has been done in a library method and in a descriptive-analytical manner, while explaining the necessity of strengthening the family and drawing a strong family model from the perspective of this divine religion, the role of patience and endurance on the strength of the family system from the Quran and hadiths Has been studied.

Keywords

meekness, Patience, Family system, The Holy Quran, Narratives.

Comparative comparison of Ibn Khaldun's theory of nervousness, Weber's charisma and Pareto elites in the rise and fall of the Qajar dynasty

*Qasem Gol Hosseini
Shahrzad Sasanpour*

*Monireh Kazemi Rashed
Davood Ebrahimpour*

Abstract

History is the science of analyzing past events. Based on this science, historical events are discussed and studied in a time and space sequence. The purpose of this study is a comparative comparison of the theories of Ibn Khaldun's nervousness, Weber's charisma and Pareto elites in the rise and fall of the Qajar dynasty in order to fill the research gaps in this regard. The research method is comparative-historical comparison. Documents will also be used in this method. The findings of the research are that Ibn Khaldun in his introduction has used and generalized the concept of nervousness in explaining how and why the periodic evolution of history, emergence and fall of dynasties. According to Ibn Khaldun, nervousness is the unity and social solidarity between a group, tribe, people and nation. Max Weber also considers the three sources of legitimacy and political authority in social movements in three aspects (tradition, rationality and charisma). Charisma refers to the character of a person who, in person or in the eyes of others, has extraordinary leadership power. Also in Pareto's elite displacement theory, among the members of a group, the most deserving members of that group are called elites. The results of the study show that following the gradual decline of the Safavid dynasty and the invasion of the Afghans, the nervousness, charisma, elitism and, above all, the legitimacy of the Safavid rulers and rulers were questioned and Nader Shah replaced Karim Khan Zand after a while; But with the death of Karim Khan and during the rule of Lotfali Khan Zand, the leaders of Qajar people and especially Agha Mohammad Khan Qajar with the power of nervousness, charisma and elite among his people, in 1117 A.D. was able to subdue them and cause the emergence of Qajar dynasty. But again, during the inevitable tradition of the evolution of history, his untimely death left his heirs unable to expand their dominance alongside influential global factors such as the Iran-Russia wars, World War I, British intervention, and internal factors. And by reducing the force of nervousness, charisma and elite in Aqaba, the Qajar rulers, to prepare the ground for the removal of Ahmad Shah and the fall of the Qajar dynasty and the rise of Reza Khan and the emergence of the Pahlavi dynasty in 1304 AH.

Keywords

Ibn Khaldun Nervousness, Weber Charisma, Pareto Elites, Rise and Fall of the Qajar Dynasty.

Social justice and its role in social security from the perspective of the Qur'an and Islamic traditions

*Mohsen Ghafouri Pour
Seyed Hamid Shamrizi
Kamal Khajehpour*

Abstract

One of the sublime goals that human beings have always sought to achieve for centuries; Social justice and benefiting from the results of its realization. According to the Qur'an, the establishment and implementation of justice in society is one of the most important duties of the divine prophets; Therefore, Islam as the most perfect divine religion and at the top of it, the holy existence of the Holy Prophet (PBUH) and the Imams of the Infallibles (PBUH) as divine reformers have paid special attention to this natural principle and have explained it. Security, with all its dimensions and contexts, is one of the necessities of human individual and social life, and its absence is a great vacuum and a common chapter of many human problems in life; Therefore, it is necessary to study and explain these two categories and the relationship between them. In the present article, which has been done in a library method and in a descriptive-analytical method, while explaining the nature of social justice, its role in the security of Islamic society and in both social and economic dimensions from the perspective of the Qur'an and hadiths has been studied.

Keywords

Social Justice, Security, Islamic traditions, Islamic Society.

Presenting of a Pattern of environmental citizenship behavior with an emphasis on moral sentiment in Manufacturing Industries of Mazandaran province

Javad Amoozad Khalili

Samereh Shojaei

Mohammad Bagher Gorji

Abstract

Increasing environmental problems and crises in the world on the one hand and understanding the long-term consequences of environmental issues in human life on the other hand, has led researchers to understand ways to avoid harming the environment and prevent from its destruction, be. Therefore, the present study was conducted with the aim of presenting a model of environmental citizenship behavior with emphasis on moral emotions in the manufacturing industries of Mazandaran province.

The research method was mixed and based on structural equation modeling. The statistical population of the study included all administrative staff and managers of manufacturing industries in Mazandaran province, the number of which was equal to 10962 people, the sample size was estimated to be 371 people using Krejcie and Morgan table. After designing the researcher-made questionnaire, a total of 500 questionnaires were distributed electronically and in person among the statistical sample, which according to the number of completed questionnaires, the number of statistical samples of the research in the present study reached 371 people. Data analysis was performed using smart pls3 and spss 20 software.

The results showed that the effect of moral emotions and its sub-dimensions (moral education and growth, moral qualities, moral self-awareness) on environmental citizenship behavior was confirmed.

It seems that the relationship between moral emotions and their impact on environmental citizenship behavior is important and there is a significant relationship between them and the results of this study improve the perception of factors that create employee involvement in environmental citizenship behaviors.

Keywords

Environmental Protection, Environmental Citizenship Behavior, Ethical Emotions, Manufacturing Industries.

Optimal model of governance in the light of an independent judiciary

*Hossein Abdi
Vali Rostami*

Abstract

Judicial independence is one of the tools to ensure impartiality in judicial proceedings. Therefore, the judiciary needs to maintain its impartiality in judicial proceedings. This neutrality and independence is provided by several tools, including independence. Judiciary finance and independence in determining jurisdiction. Each of these elements helps the judiciary to act as an independent pillar and away from different orientations. To examine the independence of the judiciary, a brief statement is made about the separation of powers in the West and Iran, then the elements of independence. The judiciary is mentioned. Governance is a process that solves the problems and dilemmas of society through collective effort and reliance on public power and its use. Whenever such a concept of governance emphasizes the quality and performance of its tasks, the concept of good urban governance is introduced. Good urban governance is a set of individuals, institutions, public and private sectors that plan and manage the affairs of the city and are inextricably linked to the welfare of citizens.

Keywords

Judiciary, Financial Independence, Competence, Good Governance, Citizens

The dialectic of justice and public order And the synthesis of citizenship rights

Hamid Talebzadeh

Abstract

Citizenship rights as a set of rights defined as a citizen in the sense of an obedient and influential pillar of political society vis-à-vis the government in terms of the Indo relationship in terms of citizenship and ultimately the equality of all members of society before the law. And the individual specifically participates in the concepts of justice and public order, which by analyzing these concepts, it seems that citizenship rights are presented as manifestations and examples of a concept of justice that is in conflict with social systems related to public order. , The aims and quality of the design of these issues confirm the above statements. Of course, in terms of relativity in all three concepts of justice, public order and civil rights, as in other concepts of humanities, it is impossible to emphasize the above assumption, but in terms of relatively acceptable definitions of these concepts will confirm this.

Keywords

Citizenship rights, justice, public order, citizenship, sovereignty, person.

Sustainable development of the neighborhood in the direction of social happiness and public happiness (Analysis of principles, dimensions and indicators)

*Shiva Shokri
Raheleh Rostami
Fatemeh Mozaffari*

Abstract

Sustainable development is a potential solution to some important social challenges such as happiness, which is an ultimate goal for human beings and happiness is often seen as an individual trait for which each person is solely responsible. However, it is also a social trait that is influenced by external factors. The present article reviews the parameters and goals of sustainable development to achieve happiness, the most important quantitative and qualitative criteria in five areas of happiness and ecological, economic, social and cultural sustainability through them, one can evaluate and promote happiness in neighborhoods and a brief insight about the neighborhood development project . The tool can also be used in future sustainable neighborhoods for fun projects. Finally, he suggests that sustainable development should promote happiness while rebuilding local economies and ecosystems, strengthening social ties and revives or preserves desirable cultural traditions, as well as provides an alternative framework for sustainable social development that focuses on improving the opportunities for happiness and well-being of society.

Keywords

Happiness, stability; Welfare; Community development.

Studying the interaction methods of the central bank supervision department with the audit and internal inspection units of banks and evaluating its impact on the efficiency and effectiveness of banking supervision

*Seyed Mojtaba Hassani Shahi Sara
Seyed Mohammad Reza Raiszadeh
Ali Fallah*

Abstract

The aim of this study was to investigate the interactions of the central bank supervision department with the audit and internal inspection units of banks and to evaluate its impact on the efficiency and effectiveness of banking supervision. This research is applied in terms of purpose, and in terms of descriptive-survey approach. In this study, all senior managers of bank branches in Tehran were considered as a statistical population of 150 people. According to Krejcie and Morgan's table, a society of this size required at least 108 statistical samples. In this study, simple random sampling method was used to select statistical samples. The main tool used in this study was a questionnaire based on experts' opinions which contained 22 items. In this questionnaire, the answers were designed based on a five-point Likert scale (from strongly disagree to strongly agree). The validity and reliability of this questionnaire were evaluated and confirmed in different ways. After distributing and collecting questionnaires and extracting data, descriptive and inferential analyzes through SPSS and LISREL software were on the agenda. In this process, descriptive analyzes were performed on the research variables, KMO test, Kolmogorov-Smirnov test, confirmatory factor analysis and path analysis. Finally, the results showed that the interaction of the central bank supervision department with the internal audit units of banks has a strong and significant positive effect on the efficiency and effectiveness of banking supervision.

Keywords

Audit, internal inspection, evaluation, efficiency, effectiveness.

An analysis of the continuity of elements of ancient political writing in the Qajar

Soudabeh Dasti Tork

Soheila Torabi Farsani

Naser Jadidi

Abstract

Although political works have been written in the field of politics and political reflection in Iran and Islam with the aim of recommending appropriate behavior in political life and influencing the political behavior of power-holders, they also address ethical and social issues. . At the heart of the discussions of political scribes is the presentation of the framework of the ruling power, its maintenance and reform. The guidelines have based their interpretations and justifications on principles such as the coherence of religion and politics, justice, ethics and religion, the experiences of ancestors, and wisdom and wisdom. The purpose of the guidelines is to show how to "gain power" and "maintain power". Political guidelines address how the political system works and how factors affect the production and distribution of political power. The findings of this study showed that the main purpose of Qajar periodicals is to find practical solutions for the removal of the country and the slavery that they generally regard as deplorable. From this point of view, the Qajar era's instructions differ greatly from those of the predecessors. One of the reasons why the Qajar-era prophets have been included in the scripts is that many of them, like the texts of the ancients, are the first person in the country. The most important aspects of continuity in Qajar policy are topics such as justice, focus on the king's power, the law, the relation of the king and the slave (people), and the relation of religion and politics.

Keyword

Adjective, Qajar Period, Politics, Justice, King, People.

Pathology of uplifting moral education in the first grade of high school and providing a favorable model

*Mahnar Asadi Khanouki
Ali Mohebbi
Najmeh Vakili*

Abstract

The purpose of this study is the pathology of uplifting moral education in the first year of high school and to provide a favorable model. The function of these crises is such that it has penetrated even into the dimensions of human existence and has transformed and transformed him more and more every day. These crises and challenges have turned yesterday's values against today's values and yesterday's anomalies into today's norms. The purpose of the present study is basic theoretical research. The method of data analysis is such that using the available resources to take notes and by arranging the related sheets to each other in order of priority to the objectives of the research and analysis and study to provide a model of uplifting religious education has been. The results showed that the ultimate goal of uplifting moral education is to bring adolescents to a happy and lively life.

Keywords

Pathology, uplifting moral education, desirable model.

Application of Allameh Tabatabai and Allameh Mesbah Yazdi's views on the origin of obligation and moral value

*Seyyed Morteza Hosseini Motlaq
Mehdi Imani Moghaddam*

Abstract

The general philosophers of Muslim ethics, in accordance with the application and permanence of Islamic law and the eternal authority of the tradition of the Infallibles (pbuh) and also in accordance with rational reasoning and stability of human nature and despite the difference in the method of explanation, consider the criteria for values and They have become moral norms. Two great philosophers of Shiite ethics in the contemporary period, namely Allameh Tabatabai and Allameh Mesbah Yazdi, have theorized in their seemingly different explanation of moral realism and the application of moral criteria; The present article seeks to prove that these two explanations can be referred to a single explanation. Allameh Tabatabai (in the common interpretation of his theory) considers moral necessity as a matter of credit and considers the real and developmental necessity between the action of the active force and its objective effect, figuratively (meaning unity in meaning and difference in instance) to the resulting mental and sensual necessity. It has spread from the idea of a mental end, but Allameh Mesbah has reached the necessity of moral requirements due to the necessity of comparison to others. By considering the necessity of comparative necessity and referring it to the necessity of others, these two theories can be considered as different interpretations of a truth. The present research has explained this important point.

Keywords

Philosophy of ethics, Moral criteria, Credits, Necessity by comparison, Necessary necessity, Allameh Tabatabai, Mesbah Yazdi.

The place of science, practice and faith in Rumi's Masnavi Community Verified icon

*Zahra babapor
Mohammad Reza Sarfi
Enayatullah Sharifpour*

Abstract

Mystical literature, especially Rumi, has taken its soul and attraction from faith and knowledge. The humanistic spirit of literature is the spirit of faith and mysticism. Masnavi of this literary masterpiece is full of the spirit of faith and awareness. The content and lip of our mystical literature originates from faith and awareness. It can lead man to a single truth. What kind of science does Rumi consider as a way forward and which one does he prefer to the other in relation to science and faith? Rumi has always made a close connection between science and faith and considers faith as a great blessing and the light that increases man's insight and the wise man is a light to guide him who understands the truth by believing in God. He believes that science and faith should be a ladder for the spiritual excellence of man and man should study the lessons of knowledge and divine love along with science and seek resurrection that will lead him to moral and spiritual stability.

Keywords

Rumi, Masnavi, Iman, Scientific knowledge, intuitive knowledge.

Explaining the Different Ethical Approaches to the Antecedents and Consequences of Women's Conspicuous Buying

*Ali Afshari
Hamid Reza Saeidnia
Hussein Vazifehdoost*

Abstract

This study aims to identify the factors affecting conspicuous consumption from the perspective of women with different lifestyles, including academics and seminarians, and also to investigate what actions conspicuous consumption leads to in individuals. This research is fundamental in terms of purpose and methodologically examines and analyzes the views of women on the conspicuous consumption of luxury goods using the grounded theory. The method of data collection is field and using semi-structured interview tools in two groups of the statistical population including 15 female students of Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch, and 15 female students of Al-Zahra seminary in Qom. The results of the study show the difference between the beliefs and views of the first and second groups regarding the concept of conspicuous consumption and show that female students of Islamic Azad University are more inclined to the conspicuous consumption of luxury goods and female students of Al-Zahra seminary are less inclined to the conspicuous consumption and seek to control it through paying attention to Islamic ethics and religious life. This difference in the views of students is based on causal factors including structural, behavioral, psychological, and social factors. This research has for the first time dealt with the concept of conspicuous consumption from two perspectives with different intellectual approaches and compares them in Iran.

Keywords

Conspicuous consumption, Luxury goods, Materialism, Religious community, Islamic ethics, National production.

Investigating the Factors Affecting Customer Loyalty with a Focus on Brand Personality (Case Study: Bank Mellat Isfahan Branches)

*Hamid Reza Ahghaghi
Mohammad Ghasemi Namghi
Ali Hosseinzadeh*

Abstract

Listed the brand as one of the most valuable assets of any company. The higher the brand value in the minds of customers, the more benefits a company can gain from its customers. The purpose of this study was to investigate the factors affecting customer loyalty with a focus on brand personality (Case study: Bank Mellat Isfahan branches). The statistical population of this research consists of customers, employees and managers of Bank Mellat. The statistical population at the quantitative stage was about 384 people. Relationships between research variables were tested using smart.pls software. The results showed that the identified categories include customer value, brand credibility, brand trust, brand marketing, customer experience, customer image, company image, organizational factors, environmental factors, brand strength, competitive advantage, brand social responsibility, brand identity, Customer loyalty, service characteristics have been effective factors.

Keywords

branding, Customer loyalty, Brand personality.

Study of selected macroeconomic variables from the perspective of moral hazard and financial constraints on return and capital structure in listed companies

Masoumeh Ebrahimi

Hossein Panahian

Hassan Ghodrati

Mohsen Rasoulilian

Abstract

The purpose of this paper is to examine the selected macroeconomic variables from the perspective of moral hazard and financial constraints on the return and capital structure in listed companies in addition to macroeconomic variables, the present study seeks to investigate and explain ethical risks and inappropriate choices in the capital market and the role of ethics in reducing it. This research is qualitative / quantitative. A number of stock exchange experts have been selected as sample respondents to the interview questions, and among the issues that determine the direction of this research and interview questions, the literature on selected macroeconomic variables, financial constraints and its effect on returns and capital structure and actors. Companies listed on the Tehran Stock Exchange. To analyze the opinions of experts, first from the grounded theory method to identify indicators, from the fuzzy Delphi method and structural equations to evaluate selected macroeconomic variables, financial constraints and its effect on return and capital structure and capital companies and activists listed on the Tehran Stock Exchange. The fuzzy dimtel method was used to prioritize the indicators and monitor the factors, and the structural equations were used to examine the relationships between the variables. In the research, we also intend to show that following ethical principles and developing ethical guidelines and creating a culture for the governance of ethical values can be very effective in reducing the risks of financial markets and creating transparency, reducing the cost of supervision and enforcing laws. Also guarantee. Findings showed that financial constraints affect the severity of the impact of economic output gap on capital structure, stock returns, company size and moral hazard on stock returns.

Keywords

moral hazard, financial constraints, return and capital structure, Tehran Stock Exchange.

Ethical Research

The Quarterly Journal

Vol. 12, No. 2, Winter 2022/ No: 46/ ISSN: 2383-3279

Proprietor: *Iranian Association for Islamic Thought. (ISSN: 2383-3279)*

Chief Director: *Reza Haji Ebrahim Ph. D*

Chief Editor: *Mahmoud ghayyomzade Ph. D*

Board of Writers

Hojatoleslam Alireza Amini; Mohsen Javadi, Ph. D; Ahmad Deilami, Ph. D; Amir Divani, Ph. D; Jafar Shahnazari, Ph. D; Jafar Sadri, Ph. D; Amir Abbas Alizamani, Ph. D; Mahmoud ghayyomzade, Ph. D; Abdollah Nasri, Ph. D.

Internal director and Editorial- board director: *Alireza Moazami*

Translator: *Ehsani*

Page Design: *Ehsan Computer*

Editor: *Hamidreza alizadeh*

Note

The Journal Ethical Research accepts papers on the Ethics ‘Islamic Ethics ‘applied ethics ‘comparative ethics ‘and ethical challenges of Modernism and moral training. The papers received will be published provided that they are written according to the house style of the journal. The authors will bear responsibilities for their own papers.

Address: *Bolward Al-Ghadir ‘University of Qom ‘Central Library ‘office of the journal.*

Tel: *0098-25-32103360*

Fax: *0098-25-32103360*

Email: *Akhlagh_1393@yahoo.com*

This journal is cooperatively being published by Iranian Association for Islamic Thought.

فرم اشتراک مجله علمی "پژوهش‌های اخلاقی" انجمن معارف اسلامی

| | | | |
|--|-----------------|--------------------|----------------------|
| لطفا در این قسمت چیزی ننویسید کد اشتراک: | | | |
| نام و نام خانوادگی | | | |
| نام سازمان (مخصوص سازمان‌ها) | | | |
| شغل، محل کار، سمت | | | |
| میزان تحصیلات و رشته تحصیلی | | | |
| آدرس پستی | | | |
| پست الکترونیک | | | |
| شماره فیش بانکی | تاریخ فیش بانکی | تعداد نسخه دریافتی | شروع اشتراک از شماره |
| امضای متقاضی | | تاریخ | |

هزینه اشتراک (با احتساب هزینه پست)

اشتراک یک ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای دانشجویان با ارائه کپی کارت دانشجویی: ۷۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

خواهشمند است مبلغ اشتراک یا خرید شماره‌های قبلی را به حساب ۱۵۳۱۰۷۱ بانک تجارت

شعبه صفائیه قم واریز و اصل فیش را به همراه فرم تکمیل شده اشتراک به نشانی

قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، کتابخانه مرکزی،

دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

ارسال فرمایید:

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۰۲۵ - ۳۲۱۰۳۳۶۰ تماس حاصل فرمایید.